

شما هم می‌توانید انجیل را درک کنید

نخستین نامه های پولس

(غلاطیان ۱ و ۲ و تسالونیکیان)

دکتر باب آتلی

پروفسور بازنشسته علم هرمنوتیک

(علم تفسیر کتاب مقدس)

سری راهنمای مطالعاتی

BIBLE LESSONS INTERNATIONAL, MARSHALL, TEXAS

2000 (Revised 2013)

حق چاپ © ۲۰۰۰ بایبل لسنز اینترنشنال، کلیه حقوق محفوظ می‌باشد. تکثیر و توزیع این کتاب به هر ترتیب یا وسیله‌ای، با ذکر نام دکتر باب آتلی و اضافه کردن منبع www.freebiblecommentary.org و به صورت رایگان مجاز می‌باشد.

The primary biblical text used in this commentary is: New American Standard Bible (Update, 1995) Copyright ©1960, 1962, 1963, 1968, 1971, 1972, 1973, 1975, 1977, 1995 by The Lockman Foundation, P. O. Box 2279, La Habra, CA 90632-2279

فهرست

۶	اختصارات انگلیسی کاربردی در این تفسیر
۷	مقدمه نویسنده:
۹	راهنما برای مطالعه صحیح کتاب مقدس:
۱۶	معرفی غلاطیان
۲۰	غلاطیان ۱
۴۴	غلاطیان ۲
۶۱	غلاطیان ۳
۸۸	غلاطیان ۴
۱۰۳	غلاطیان ۵
۱۲۰	غلاطیان ۶
۱۳۰	معرفی نامه های تسالونیکیان
۱۳۷	اول تسالونیکیان ۱
۱۵۹	اول تسالونیکیان ۲
۱۸۰	اول تسالونیکیان ۳
۱۹۰	اول تسالونیکیان ۴
۲۰۶	اول تسالونیکیان ۵
۲۲۴	دوم تسالونیکیان ۱
۲۳۷	دوم تسالونیکیان ۲
۲۵۴	دوم تسالونیکیان ۳
۲۶۱	موضوع خاص: اصطلاحات دستور زبان یونانی
۲۶۹	موضوع خاص: نقد متنی
۲۸۰	بیانیه عقیدتی

موضوعات خاص

۲۳	موضوع خاص: پدر
۲۴	موضوع خاص: قیام از مردگان
۲۵	موضوع خاص: کلیسا (<i>ekklesia</i>)
۲۷	موضوع خاص: این عصر و عصری که خواهد آمد
۲۸	موضوع خاص: اراده (<i>THELĒMA</i>) خدا
۲۹	موضوع خاص: شکوه (<i>doxa</i>)
۲۹	موضوع خاص: برای همیشه (اصطلاح یونانی)
۳۰	موضوع خاص: آمین
۳۲	موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی یهوه
۳۴	موضوع خاص: نفرین (<i>anathema</i>)

۳۷	موضوع خاص: فریسیان
۴۱	موضوع خاص: گوشت (<i>sarx</i>)
۴۸	موضوع خاص: "حقیقت" در نامه های پولس
۵۰	موضوع خاص: یعقوب، برادر ناتنی عیسی
۵۰	موضوع خاص: <i>KOINŌNIA</i> (رفاقت/دوستی)
۵۲	موضوع خاص: برنابا
۵۷	موضوع خاص: پارسایی
۶۴	موضوع خاص: استقامت
۶۶	موضوع خاص: باور، اعتقاد، ایمان و وفاداری در عهد عتیق (۸/۵۶)
۶۹	موضوع خاص: ایمان، باور یا اعتماد
۷۲	موضوع خاص: خونبها/بازخرید
۷۵	موضوع خاص: پیمان
۷۷	موضوع خاص: پوچ و خالی (<i>katargeō</i>)
۷۸	موضوع خاص: دیدگاه پولس نسبت به قوانین موسی
۸۱	موضوع خاص: تعمیم
۸۳	موضوع خاص: نژاد پرستی
۹۱	موضوع خاص: استفاده پولس از کاسموس (جهان)
۹۲	موضوع خاص: تثلیث
۱۰۰	موضوع خاص: نوع شناسی
۱۰۱	موضوع خاص: مکان کوه سینا
۱۰۶	موضوع خاص: استقامت/محافظت
۱۰۸	موضوع خاص: ارتداد (<i>APHISTĒMI</i>)
۱۱۰	موضوع خاص: امید (<i>elpis</i> ، در پولس)
۱۱۱	موضوع خاص: خمیرمایه
۱۱۷	موضوع خاص: پادشاهی خدا
۱۲۲	موضوع خاص: بالیدن
۱۲۴	موضوع خاص: تخریب، نابودی، فساد (<i>phtheirō</i>)
۱۲۸	موضوع خاص: دعا، تمجید و شکرگزاری پولس از خدا
۱۳۸	موضوع خاص: سیلاس/سیوانوس
۱۳۹	موضوع خاص: پدر
۱۴۰	موضوع خاص: شکرگزاری
۱۴۳	موضوع خاص: نماز روحانی
۱۴۷	موضوع خاص: انتخاب
۱۴۹	موضوع خاص: فرم (<i>Tupos</i>)
۱۵۰	موضوع خاص: ادبیات شرقی

۱۵۲ موضوع خاص: اسامی الهی
۱۵۵ موضوع خاص: کاریگما
۱۵۶ موضوع خاص: رنج
۱۵۷ موضوع خاص: توصیف خدا به مثابه یک انسان (زبان انسان شناسی)
۱۶۱ موضوع خاص: جسارت (<i>parrhēsia</i>)
۱۶۴ موضوع خاص: بی گناه، معصوم، منزّه، بدون رسوایی
۱۶۶ موضوع خاص: انتخاب
۱۶۷ موضوع خاص: پادشاهی خدا
۱۷۰ موضوع خاص: نبوت عهد عتیق
۱۷۳ موضوع خاص: نبوت عهد جدید
۱۷۶ موضوع خاص: شیطان فردی
۱۷۸ موضوع خاص: هر لحظه امکان بازگشت عیسی در مقابل نه هنوز (پارادوکس عهد جدید)
۱۸۲ موضوع خاص: چرا مسیحیان رنج می کشند؟
۱۸۲ موضوع خاص: اصطلاحات یونانی برای آزمودن و مفاهیم آنها
۱۸۵ موضوع خاص: وفور
۱۸۶ موضوع خاص: اصطلاحات عهد جدید برای بازگشت مسیح
۱۸۸ موضوع خاص: مقدسین (<i>hagios</i>)
۱۹۲ موضوع خاص: اراده (<i>THELĒMA</i>) خدا
۱۹۳ موضوع خاص: تقدس در عهد جدید
۱۹۶ موضوع خاص: ثروت
۲۰۱ موضوع خاص: هر لحظه امکان بازگشت عیسی در مقابل نه هنوز (پارادوکس عهد جدید)
۲۰۲ موضوع خاص: شاخ‌های مورد استفاده اسرائیل
۲۰۴ موضوع خاص: سوار بر ابرها آمدن (چندین کلمه عبری، ولی عمدتاً <i>anan</i> BDB 777, KB 857)
۲۰۹ موضوع خاص: پیشگوییهای عهد عتیق در برابر پیشگوییهای عهد جدید - چرا مسیحیان تفسیرهای بسیار دگماتیک در مورد مکاشفه دارند؟
۲۱۴ موضوع خاص: افعال یونانی که برای رستگاری استفاده شدند
۲۱۵ موضوع خاص: تقدیس کردن
۲۱۹ موضوع خاص: شخصیت روح
۲۲۰ موضوع خاص: داوری در عهد جدید
۲۲۸ موضوع خاص: آتش
۲۳۰ موضوع خاص: دانستن (بر مبنای تثنیه)
۲۳۰ موضوع خاص: جاودانی
۲۳۱ موضوع خاص: مردگان، کجا هستند؟ (<i>Sheol/Hades, Gehenna, Tartarus</i>)
۲۳۵ موضوع خاص: اسم سرور / ارباب
۲۳۸ موضوع خاص: ادبیات ایوکالیپتی (به نقل از مقدمه‌ای بر مکاشفه)

۲۴۹ (archē) منشا: موضوع خاص:

۲۵۰ تدهین در انجیل: موضوع خاص:

اختصارات انگلیسی کاربردی در این تفسیر

کتاب‌های تفسیر کتاب مقدس آنکر، ویرایش ویلیام فاکسول آلبرایت و دیوید نوئل فریدمن	AB
قاموس کتاب مقدس آنکر (۶ جلد) ویرایش دیوید نوئل فریدمن	ABD
کلید تحلیلی عهد عتیق، نویسنده: جان جوزف اوونز	AKOT
متون باستانی خاور نزدیک، نویسنده: جیمز ب. پریچارد	ANET
لغتنامه عبری و انگلیسی عهد عتیق، نویسندگان: اف. براون، اس. آر. درایور، سی. ا. بریگز	BDB
Biblia Hebraica Stuttgartensia: GBS 1997	BHS
قاموس کتاب مقدس مفسرین، ۴ جلد، ویرایش: جورج ا. باتریک	IDB
فرهنگنامه کتاب مقدس استاندارد بین‌المللی، ۵ جلد، ویرایش جیمز اور	ISBE
کتاب مقدس اورشلیم	JB
کتاب مقدس مطابق متن ماسورتیک، ترجمه جدید چاپ از انجمن انتشارات یهودی آمریکا	JPSOA
لغتنامه عبری و آرامی عهد عتیق به قلم لودیک کوهلر و والتر بام گارتنر	KB
کتاب مقدس از روی متون باستانی شرقی (پشیتا) به قلم جورج م. لامسا	LAM
ترجمه هفتاد (یونانی - انگلیسی)، نویسنده: زان درون، ۱۹۷۰	LXX
ترجمه جدیدی از کتاب مقدس، نویسنده: جیمز موفا	MOF
متن ماسورتیک عبری	MT
متن جدید کتاب مقدس آمریکایی	NAB
کتاب مقدس استاندارد آمریکایی ترجمه جدید	NASB
کتاب مقدس جدید انگلیسی	NEB
کتاب مقدس، ترجمه جدید انگلیسی	NET
قاموس جدید بین‌المللی الهیات و تاویل عهد عتیق، ۵ جلدی، ویرایش ویلم آ. ون گمرن	NIDOTTE
کتاب مقدس تجدید نظر شده جدید استاندارد	NRSV
ترجمه جدید بین‌المللی	NIV
کتاب مقدس جدید اورشلیم	NJB
راهنمای تجزیه و تحلیل دستوری جملات عهد عتیق، اثر: تاد س. بیل، ویلیام آ. بنکس و کالین اسمیت	OTPG
کتاب مقدس تجدید نظر شده	REB
ترجمه تجدید نظر شده استاندارد	RSV
ترجمه هفتاد (یونانی - انگلیسی) نویسنده: زاندرُون، ۱۹۷۰	SEPT
توسط اتحادیه انجمن‌های کتاب مقدس Today's English Version	TEV
ترجمه تحت‌اللفظی کتاب مقدس، نوشته رابرت یانگ	YLT
فرهنگنامه مصور کتاب مقدس زاندرُون، ۵ جلد، ویرایش مریل س. تَنی	ZPBE
نسخه جدید شاه جیمز	NKJV
انجمن متحد کتاب مقدس	UBS

مقدمه نویسنده:

چگونه این تفسیر می‌تواند به شما کمک کند

تفسیر انجیل یک فرایند منطقی و معنوی است که تلاش می‌کند تا نویسنده باستانی تحت الهام را به شیوه‌ای درک کند که بتواند پیام خدا را به زبانی که امروزه قابل درک است، بیان کند.

فرایند معنوی بسیار حساس است و به سختی می‌توان آن را تعریف کرد. این فرایند شامل تعادل و باز بودن با خداست. باید تشنه (۱) او، (۲) شناختن او و (۳) خدمت به او باشیم. این فرایند شامل دعا، اعتراف و تمایل به تغییر شیوه زندگی است. روح در فرایند تفسیر قاطع است، ولی چرا درک انجیل به صورتی دیگر برای مسیحیان صادق و خداپرست عجیب است؟

فرایند منطقی را راحتتر می‌توان توصیف کرد. ما باید نسبت به متن استوار و بیطرف باشیم و نباید تحت تاثیر تعصبات فردی یا مذهبی قرار بگیریم. ذهنیت همگی ما از لحاظ تاریخی شکل خاصی گرفته است. هیچکدام از ما مفسر واقعگرا یا بی‌طرف نیست. این تفسیر یک فرایند دقیق منطقی را که حاوی سه اصل ساختار یافته تفسیر است را ارائه می‌کند تا کمک کند بر تعصبات مذهبی خود غلبه کنیم.

اصل اول

اصل اول توجه به زمانهای تاریخی است که در کتاب مقدس نگاشته شده و نیز توجه به مناسبت‌های تاریخی از دید نگارنده. نویسنده اولیه هدفی و پیامی برای برقراری ارتباط داشت. متن نمی‌تواند معنایی داشته باشد که غیر از منظور نویسنده باستانی تحت الهام بوده است. قصد او - و نه تفکر تاریخی، احساسی، فرهنگی، فردی یا تعصبات دینی - نکته کلیدی است. کاربرد، بخشی جدایی‌ناپذیر از تفسیر است، ولی تفسیر مناسب باید همیشه بر کاربرد تقدم داشته باشد. همیشه باید تکرار شود که هر متن انجیلی فقط و فقط یک معنی دارد. این معنی آن چیزی است که نویسنده اصلی قصد داشته که تحت هدایت روح القدس با زمان خود ارتباط برقرار کند. یک معنی خاص می‌تواند کاربردهای بسیار متفاوتی برای فرهنگهای مختلف و موقعیتهای متفاوت داشته باشد. این کاربردها باید با اصل حقیقت نگارنده اصلی مرتبط شوند. بدین منظور این راهنمای مطالعاتی تفسیری تنظیم شده تا مقدمه‌ای برای هر یک از کتابهای انجیل باشد.

اصل دوم

اصل دوم شناسایی ادبیات هر واحد است. هر کتاب انجیل یک سند متحدالشکل است. مفسرین حق ندارند که یک جنبه از حقیقت را با حذف بقیه متمایز سازند. بنابراین، ما باید تلاش کنیم تا قبل از اینکه هر تکه را جداگانه تفسیر کنیم، هدف کل کتاب انجیل را درک کنیم. هر بخش به صورت منفرد - فصلها، پاراگرافها، یا آیات - نمی‌توانند معنایی داشته باشد و کل آن واحد معنی دیگری داشته باشد. تفسیر باید از گرایش قیاس کل به گرایش القایی هر بخش تغییر جهت داده شود. بنابراین، این راهنمای مطالعاتی تفسیری تنظیم شده تا به دانشجویان در تحلیل ساختار هر واحد توسط پاراگرافها کمک کند. بخشهای هر پاراگراف و فصل تحت الهام نیستند، بلکه به ما در شناسایی تفکر هر بخش کمک می‌کنند.

تفسیر در سطح یک پاراگراف - نه جمله، عبارت، گزیده، یا کلمه - کلید پیگیری منظور اصلی نگارنده انجیل است. پاراگرافها بر اساس عناوین متحدالشکل هستند، که اغلب به آنها تم یا جمله موضوعی گفته می‌شود. هر کلمه، عبارت، و جمله در پاراگراف به نوعی با این عناوین متحدالشکل در ارتباط هستند. آنها بحث را محدود به موضوعی خاص کرده، آن را بسط داده، توضیح داده و یا مورد سوال قرار می‌دهند. کلید واقعی برای تفسیر درست این است که تفکر نویسنده اصلی را پاراگراف به پاراگراف در طی هر بخش که کتاب انجیل را تشکیل می‌دهند، دنبال کنیم. این راهنمای مطالعاتی تفسیری برای کمک به دانشجویانی تنظیم شده که این کار را با مقایسه با ترجمه‌های مدرن انگلیسی دنبال می‌کنند. برای این هدف ترجمه‌های خاصی انتخاب شده‌اند، زیرا آنها بر اساس نظریات و دیدگاه‌های مختلف ترجمه شده‌اند.

۱. نسخه ویرایش چهارم متن یونانی جامعه متحد انجیلی (UBS) منتشر شده است. این متن توسط اساتید مدرن متن پاراگراف بندی شده است.
۲. نسخه جدید شاه جیمز (New King James Version - NKJV) ترجمه کلمه به کلمه متن دستنویس یونانی است که به Textus Receptus نیز معروف است. تقسیم بندی پاراگراف‌های آن طولانیتر از سایر ترجمه‌ها است. این واحدهای طولانیتر به دانشجویان امکان مشاهده موضوعات متحدالشکل را می‌دهد.
۳. نسخه جدید استاندارد بازمبنی شده (New Revised Standard Version - NRSV) نسخه تغییر یافته ترجمه کلمه به کلمه است. این ترجمه در نقطه میانی دو نسخه مدرن قرار می‌گیرد. تقسیم بندی پاراگراف‌های آن کاملا در شناسایی موضوعات مفید است.
۴. نسخه انگلیسی امروز (Today's English Version - TEV) ترجمه پویایی است که توسط جامعه متحد انجیلی منتشر شده است. این ترجمه تلاش می‌کند که خواننده انگلیسی مدرن امروزی بتواند معنی و مفهوم متن یونانی را درک کند. اغلب، به خصوص در اناجیل، تقسیم بندی پاراگرافها بر اساس گوینده است تا موضوع، درست همانند نسخه بین‌المللی جدید. برای ترجمه و تفسیر، این نسخه مفید و کمک کننده نیست. جالب است که به این نکته توجه کنیم که هم UBS⁴ و هم این نسخه توسط یک موسسه ترجمه شده‌اند، با این حال، پاراگراف بندی آنها تفاوت

دارند.

۵. انجیل اورشلیم (Jerusalem Bible - JB) یک ترجمه پویا است که از روی نسخه کاتولیک فرانسه ترجمه شده است. مقایسه پاراگراف بندیهای این نسخه از دیدگاه اروپایی بسیار مفید است.
۶. نسخه چاپی مربوط به سال ۱۹۹۵ بنام انجیل امریکایی جدید بازبینی شده (Updated New American Standard Bible - NASB) ترجمه کلمه به کلمه است. تفسیر آیه به آیه در ادامه این پاراگراف بندی است.

اصل سوم

اصل سوم این است که ترجمه‌های مختلف انجیل را مطالعه کنید تا معنی و مفهوم گسترده‌تر و جامع‌تری را بتوانید از کلمات و عبارات انجیل درک کنید. اغلب یک کلمه یا عبارت یونانی را می‌توان به چندین شیوه مختلف درک کرد. این ترجمه‌های متفاوت این گزینه را در اختیارتان قرار می‌دهند و به شما کمک می‌کنند که بتوانید تنوعات مفهومی نسخ دستنویس یونانی را شناسایی کنید. اینها بر روی دکترین تاثیر نمی‌گذارند، بلکه به ما کمک می‌کنند که به متن اصلی که نویسنده باستانی تحت تاثیر الهام بوده نزدیکتر شویم.

این تفسیر راه سریع‌تری را به دانشجو برای بررسی ترجمه خود ارائه می‌دهد. قطعیت هدف نیست، بلکه اطلاع‌رسانی و تفکر برانگیز بودن است. اغلب، سایر تفاسیر احتمالی به ما کمک می‌کنند که زیاد کونه نظر، دگم و مذهبی نباشیم. مفسرین لازم است که طیف وسیع‌تری از گزینه‌های تفسیری را در اختیار داشته باشند تا بتوانند تشخیص دهند که زبان یونانی قدیم تا چه اندازه می‌توانسته است مبهم باشد. حیرت آور است که چقدر تفاهم اندکی میان مسیحیانی که ادعا می‌کنند انجیل منبع حقیقت است، وجود دارد.

این اصول به من کمک کردند که برای بیشتر مسائلی که از نظر تاریخی ذهنیت مرا شکل داده بودند، با اجبار کردن خود بر تلاش بر روی متن باستانی، فائق‌گردم. امید من این است که برای شما هم برکتی باشد.

باب آتلی

۲۷ ژوئن ۱۹۹۶

جستجوی شخصی برای حقیقت اثبات پذیر

آیا می‌توانیم حقیقت را بشناسیم؟ حقیقت در کجا یافت می‌شود؟ آیا می‌توانیم از طریق منطق آن را به اثبات برسانیم؟ آیا مرجع نهایی وجود دارد؟ آیا اصول مطلقی وجود دارند که بتوانند زندگی ما و جهان ما را هدایت نمایند؟ آیا زندگی معنایی دارد؟ چرا در این دنیا هستیم؟ به کجا خواهیم رفت؟ این سوالات - سوالاتی که همه افراد معقول به آن می‌اندیشند - تفکر بشر را از بدو زمان به خود داشته است (جامعه ۱: ۱۳-۱۸، ۳: ۹-۱۱).

جستجوی خود را برای «محور یکپارچه سازنده» در زندگی به خاطر دارم. در کوچکی به مسیح ایمان آوردم و این بیشتر بخاطر شهادت اعضای اصلی خانواده ام بود. در سنین بزرگی سوالاتم در باره خود و دنیای من بیشتر شدند. کلیشه‌های ساده فرهنگی و مذهبی، به تجربیاتی که با آنها روبه رو می‌شدم یا در باره آنها می‌خواندم، مفهومی نمی‌بخشیدند. آن روزها دوران سردرگمی، جستجو، اشتیاق و اغلب یک احساس نومیدی در مواجهه با دنیای بی احساس و مشقت باری بود که در آن زندگی می‌کردم.

بسیاری ادعا می‌کردند جوابهایی برای این پرسشهای اساسی دارند، اما پس از پژوهش و تعمق پی بردم جوابهایشان براین مبانی بود: (۱) فلسفه‌های شخصی، (۲) اسطوره‌های باستانی، (۳) تجربیات شخصی یا (۴) فرافکنیهای روانی [انکار ناآگاهانه افکار و احساسات خود و نسبت دادن آنها به دیگران]. نیاز به مقداری عوامل تایید کننده، تعدادی ادله و براهین، و نظریاتی منطقی داشتم تا دیدگاه جهانی خود و محور یکپارچه کننده و دلیل زندگی را بر مبنای آنها بگذارم.

اینها را در مطالعات خود در کتاب مقدس پیدا کردم. شروع به جستجوی شواهد برای اعتبار کتاب مقدس نمودم، و پاسخ را در اینها یافتیم: (۱) اعتبار تاریخی کتاب مقدس مطابق تایید علم باستان شناسی، (۲) صحت پیشگوییهای عهد عتیق، (۳) وحدت پیام کتاب مقدس در طول هزار و ششصد سال تالیف آن، و (۴) گواه شخصی کسانی که در اثر تماس با کتاب مقدس زندگی‌شان برای همیشه تغییر یافته است. مسیحیت به عنوان نظام یکی شده ایمان و باور، قادر است جوابگوی سوالات پیچیده زندگی انسان باشد. این موضوع نه تنها چارچوبی منطقی به ارمغان آورد، بلکه جنبه تجربی ایمان کتاب مقدسی، به من شادمانی احساسی و استواری بخشید.

تصور کردم آن محور یکپارچه سازنده زندگی - مسیح را، آن طور که توسط کتاب مقدس شناخته می‌شود - یافته‌ام. شعفی ذهنی و تخلیه احساسی به من دست داد. اما هنگامیکه داشت برایم روشن می‌شد چه تفسیرهای گوناگون و عدیده‌ای از این کتاب - حتی گاه در میان کلیساها و مکاتب فکری یک فرقه - مورد طرفداری و حمایت می‌باشند، شوک و دلشکستگی به من دست داد که تا به امروز بیادم است. اثبات الهام و اعتبار کتاب مقدس پایان کار نبود بلکه آغاز آن بود. چگونه می‌توانم تفاسیر متنوع و متضاد بسیاری بخشهای مشکل کتاب مقدس را تایید یا رد کنم که توسط مدعیان اقتدار و اعتبار آن بودند؟

این کار، هدف زندگی و سیاحت ایمان من شد. می‌دانستم ایمانم به مسیح، به من آرامش و شادمانی عظیمی بخشیده بود. در حین نسبی گراییهایی فرهنگ من (پست مدرنیته)، دگم اندیشی و مطلق انگاری نظامهای متضاد مذهبی (مذاهب جهان) و خود بینی فرقه‌های کلیسایی، ذهن من مشتاقانه بدنبال اصولی مطلق بود. در جستجو برای راههای صحیح تفسیر ادبیات باستانی، با تعجب متوجه شدم خود من پیش داوریهایی تاریخی، فرهنگی، فرقه کلیسایی و تجربی داشتم. کتاب مقدس را اغلب تنها به منظور محکم سازی دیدگاه خود خوانده بودم. از آن به عنوان یک منبع آموزه مطلق برای حمله به دیگران استفاده می‌کردم و با این کار نا امنیها و کمبودهای خود را از نو تایید می‌نمودم. هنگامی که متوجه این کار خود شدم برایم بسیار دردآور بود!

اگرچه هرگز نمی‌توانم کاملاً عینی‌گرا باشم، می‌توانم کتاب مقدس را به طرز درست‌تر مطالعه کنم. می‌توانم پیش داوریهایی خود را از این طریق که آنها را شناسایی کنم و قبول داشته باشم که وجود دارند، محدودیت ببخشم. هنوز از آنها کاملاً آزاد نشده‌ام، اما با ضعفهای خود مواجهه کرده‌ام. مفسر، اغلب بدترین دشمن مطالعه صحیح کتاب مقدس است.

I. پیش فرضها

۱. من ایمان دارم کتاب مقدس، یگانه الهام خدای واحد حقیقی است که در آن خود را شناسانیده است. از این رو تفسیر باید با توجه به مقصود نویسنده اصلی الهی (روح خدا)، از طریق نویسنده بشری در زمینه خاص تاریخی انجام شود.
۲. من ایمان دارم که کتاب مقدس برای مردم عادی نوشته شده است - برای همه مردم! خدا از روی لطف و مرحمت خود با ما به روشنی در چهارچوب تاریخی و فرهنگی سخن گفته است. خدا واقعیت را پنهان نمی‌کند - او مایل است ما بفهمیم. ازین رو کتاب مقدس باید با در نظر گرفتن زمان خود آن، و نه زمان ما تفسیر گردد. کتاب مقدس نباید برای ما مفهومی داشته باشد که هرگز برای آنان که در ابتدا آنرا می‌خواندند یا می‌شنیدند، آن مفهوم را نداشته است. کلام خدا برای ذهن فرد عادی قابل درک است و اشکال و اسلوب تفهیم و تفاهم معمول مردم را به کار می‌گیرد.
۳. من ایمان دارم کتاب مقدس پیام و هدف یگانه دارد. با خود متضاد و مغایر نیست - اگر چه قسمتهایی از آن مشکل هستند و در ظاهر متفاوت،

اما در واقع همخوان می‌باشند. بنا براین، بهترین مفسر کتاب مقدس، خود کتاب مقدس است.
 ۴. من ایمان دارم که هر بخش کتاب مقدس (به استثناء پیشگوییها) دارای یک مفهوم و تنها یک مفهوم است که بر پایه مقصود نویسنده اصلی و وحی یافته می‌باشد. گرچه هرگز نمی‌توانیم مطلقاً مطمئن باشیم مقصود نویسنده اصلی را می‌دانیم، بسیاری از شاخصها، نشانگر آن می‌باشند:

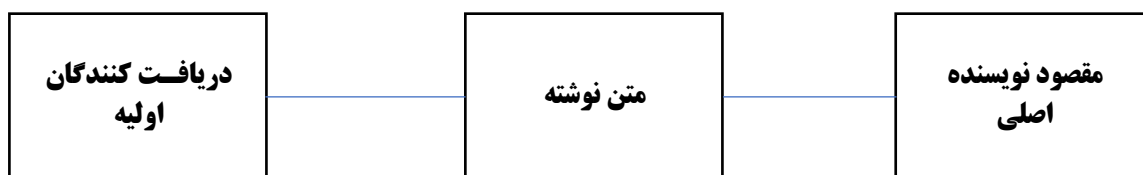
- a. ژانر (نوع ادبی) انتخابی برای ارائه پیام
- b. زمینه تاریخی و / یا موقعیت خاص که موجب نوشتن گردید
- c. چهارچوب ادبی کل کتاب و نیز هر واحد ادبی
- d. طرح متن (طرح کلی) واحدهای ادبی، آن طور که با تمامی پیام ارتباط پیدا می‌کنند
- e. خصیصه‌های دستوری ویژه که برای بیان پیام به کار رفته‌اند
- f. واژگان انتخابی برای ارائه پیام

مطالعه هریک از این موارد، موضوع مطالعه ما از یک بخش می‌گردد. پیش از آنکه اسلوب خود را برای مطالعه صحیح کتاب مقدس توضیح دهم، اجازه دهید برخی روشهای نامناسب کاربردی امروز را توصیف نمایم - روشهایی که این قدر باعث گوناگونی در تفاسیر شده‌اند و در نتیجه باید از آنها دوری نمود.

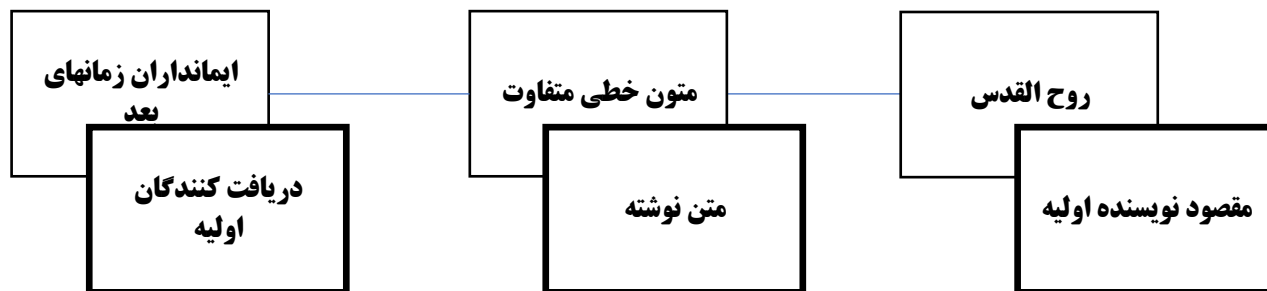
II. روشهای نامناسب

۱. نادیده گرفتن چارچوب ادبی کتب کتاب مقدس، و استفاده از هر جمله، بند، یا حتی واژگان به عنوان اظهاریه‌های واقعیت که ربطی به منظور نویسنده یا متن کلیتر آن ندارد. این کار را معمولاً «اثبات عقیده خود توسط آیات» می‌گویند.
۲. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب، بوسیله جانشین کردن زمینه تاریخی انگار شده‌ای که شواهد آن در خود متن بسیار کم است یا اصلاً در آن وجود ندارد.
۳. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب و خواندن کتاب مقدس به عنوان روزنامه صبح شهر که در مرحله اول برای افراد مسیحی امروزی نگاشته شده باشد.
۴. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب بوسیله مجازی ساختن متن و تبدیل آن به یک پیام فلسفی / الهیاتی که هیچ ارتباطی با شنوندگان اولیه و مقصود نویسنده اصلی ندارد.
۵. نادیده گرفتن پیام اصلی به وسیله جانشین کردن نظام الهیاتی خود شخص، یا آموزه مورد علاقه‌اش، یا مسائل مورد بحث زمان او که ربطی به مقصود نویسنده اصلی و پیام اظهار شده ندارند. این پدیده اغلب پس از آنکه قرائت کتاب مقدس در ابتدا به عنوان اثبات اقتدار گوینده انجام گرفته است، اتفاق می‌افتد. معمولاً این را «واکنش خواننده» (تفسیر بر مبنای «متن برای من چه مفهومی دارد») می‌نامند.

حد اقل سه جزء مرتبط در تمامی ارتباطات نوشتاری بشر دیده می‌شوند:



در گذشته روشهای مختلف مطالعه بر روی یکی از این سه جزء متمرکز می‌شدند. اما برای تایید حقیقی الهام منحصر به فرد کتاب مقدس، یک نمودار تغییر یافته مناسبتر می‌باشد:



در واقع هر سه جزء باید در فرایند تفسیر گنجانده شوند. به مقصود بررسی صحت حقیقت، تفسیر من متمرکز بر دو جزء اول می‌باشد: نویسنده اصلی و متن. این احتمالاً عکس العمل من در برابر راههای اشتباهی است که مشاهده کرده‌ام: (۱) مجازی ساختن یا روحانی ساختن متون و (۲) تفسیر بر مبنای

«واکنش خواننده» ایمانداران زمانهای بعد (برای من چه مفهومی دارد). راههای اشتباه ممکن است در هر مرحله دیده شوند. ما همواره باید در سنجش محرکها، پیش داوریها، اسلوب، و کاربردهایمان کوشا باشیم. اما چگونه آنها را بسنجیم، اگر هیچگونه مرزها، محدودیتها، شروط و موازینی برای این کار وجود ندارند؟ در اینجاست که منظور نویسنده و ساختار متن، تعدادی موازین در اختیارم می‌گذارند تا بتوان پهنه تفاسیر احتمالا صحیح را محدودیت بخشید. در پرتو اسلوب نامتناسب مذکور در مطالعه، چه روشهای ممکنه‌ای برای مطالعه و تفسیر صحیح کتاب مقدس هستند که تا اندازه‌ای راست آزمایی و همخوانی را فراهم می‌کنند؟

III. گرایشهای ممکن برای مطالعه درست کتاب مقدس

در این مقطع اسلوب منحصر به فردی را مورد بحث قرار نمی‌دهم که برای تفسیر ژانرهای ادبی خاص به کار می‌روند، بلکه به اصول عمومی علم تفسیر (هرمنوتیک) می‌پردازم که برای همه گونه متون کتاب مقدس مصداق دارند. کتاب ارزنده‌ای درباره روشهای تفسیر ژانرهای خاص، کتاب «چگونه کتاب مقدس را درست درک کنیم» نوشته استادان «گردون فی» و «داگلاس استوارت» از انتشار «زان درون» می‌باشد. متدولوژی من ابتدا بر خواننده متمرکز است که اجازه می‌دهد روح القدس کتاب مقدس را از طریق چهار دوره مطالعه شخصی تنویر و روشن نماید. این کار، روح القدس و متن و خواننده را در درجه اول قرار می‌دهد نه درجه دوم. این روش همچنین خواننده را از تاثیر نامتناسب مفسران محفوظ می‌دارد. شنیده‌ام که می‌گویند: "کتاب مقدس، کتب تفسیری را خیلی روشن می‌سازد." مقصود از این گفتار، کم ارزش شمردن کمکهای مطالعات نیست بلکه استعدایی است برای استفاده از آنها در زمان متناسب.

ما باید بتوانیم از روی خود متن بر تفسیر خود صحنه بگذاریم. پنج مورد، راست آزمایی حداقل محدودی را ممکن می‌سازند:

۱. زمینه تاریخی
۲. چارچوب ادبی
۳. ساختارهای دستوری (ترکیب جمله)
۴. کاربرد واژگان معاصر ج. ژانر
۵. بخشهای موازی/مترادف و مشابه کتاب مقدس که مربوط می‌باشند

ما باید بتوانیم دلایل و منطقی را که مبنای تفسیرات ما هستند ارائه کنیم. کتاب مقدس تنها منبع ما برای ایمان و کاربرد است. متأسفانه مسیحیان در این که کتاب مقدس چه تعالیم و تاییداتی دارد اغلب توافق ندارند. اگر ادعا کنیم کتاب مقدس الهامی است و در عین حال ایمانداران نتوانند در مورد تعالیم و الزامات آن به توافق برسند، خودمان را دچار شکست کرده‌ایم.

چهار دوره مطالعه طراحی شده‌اند تا بینشهای تفسیری ذیل را فراهم کنند:

۱. دوره اول مطالعه

- a. کتاب را در یک نشست بخوانید. یک مرتبه دیگر آن را در ترجمه متفاوتی بخوانید - که بهتر است تئوری ترجمه آن متفاوت باشد:
 - (۱) ترجمه تحت اللفظی (NRSV, NASB, NKJV)
 - (۲) ترجمه معادل پویا (JB, TEV)
 - (۳) ترجمه تفسیری («کتاب مقدس ترجمه تفسیری»، «کتاب مقدس تفصیلی»)
- b. بدنبال هدف محوری کل نوشته بگردید. مضمون (تم) آنرا مشخص کنید.
- c. در صورت امکان مشخص کنید کدام واحد ادبی، فصل، پاراگراف یا جمله است که بروشنی این مقصود یا تم اصلی را بیان می‌کند.
- d. ژانر ادبی مقدم را شناسایی کنید:

۱) عهد عتیق

- a) داستانسرایی عبری
- b) شعر عبری (ادبیات حکمت، مزامیر)
- c) نبوت عبری (نظم، نثر)
- d) قوانین درشریعت

۲) عهد جدید

- a) داستانسراییها (اناجیل، اعمال رسولان)
- b) مثالها (اناجیل)
- c) نامه‌ها/رساله‌ها
- d) ادبیات مکاشفه‌ای

۲. دوره دوم مطالعه

- a. کتاب را دوباره کامل بخوانید و عناوین اصلی یا موضوعات را یافته و مشخص نمایید.
- b. عناوین اصلی را به صورت طرح کلی در آورید و در جمله‌ای ساده و مختصر محتوی آنها را توضیح دهید.
- c. «جمله حاوی مقصود» و «طرح کلی عمومی» خود را با استفاده از کمکهای مطالعات، بازنگری کنید.

۳. دوره سوم مطالعه

- a. کتاب را دوباره کامل بخوانید، با این هدف که زمینه تاریخی و موقعیت خاصی که باعث نوشتن آن شده است را در خود کتاب مقدس شناسایی کنید.
- b. موارد تاریخی را که در کتاب مقدس ذکر شده اند فهرست کنید.
 - ۱) نویسنده
 - ۲) تاریخ
 - ۳) دریافت کنندگان
 - ۴) دلیل خاص برای نوشتن
 - ۵) جنبه‌های زمینه فرهنگی که به هدف این نوشته مربوط می‌باشند
 - ۶) اشارات به اشخاص و رویدادهای تاریخی
- c. برای آن بخش کتاب مقدس که دارید تفسیر می‌کنید، طرح کلیتان را به صورت پاراگراف در آورید. همیشه «واحد ادبی» را مشخص کرده، به صورت طرح کلی در آورید. این می‌تواند چند فصل یا چند پاراگراف باشد. بدینوسیله می‌توانید منطق و «طراحی متن» نویسنده اصلی را دنبال کنید.
- d. زمینه تاریختان را با استفاده از «کمکهای مطالعات» بازنگری کنید.

۴. دوره چهارم مطالعه

- a. «واحد ادبی» خاص را دوباره در چند ترجمه بخوانید
- b. ساختارهای ادبی یا گرامری را بیابید
 - ۱) عبارات تکرار شده،
 - ۲) ساختارهای دستوری مکرر
 - ۳) مفاهیم مغایر
- c. موارد زیر را فهرست کنید
 - ۱) کلمات مهم
 - ۲) کلمات غیر معمول
 - ۳) ساختارهای مهم دستوری
 - ۴) کلمات، عبارات، پاراگرافها و جملات بسیار مشکل
- d. بخشهای موازی [مشابه] مربوط را در کتاب مقدس بیابید
 - ۱) روشن ترین مجموعه آیات تعلیمی را در مورد موضوع خود بیابید، از طریق:
 - a. کتابهای الهیات نظام مند
 - b. کتاب مقدس‌های مخصوص مراجعات
 - c. کشف الایات
 - ۲) در داخل موضوعتان، «دوگانگی متناقض» احتمالی [دو مفهوم بظاهر متضاد و در واقع همخوان] را بیابید. بسیاری از حقایق کتاب مقدس به صورت "دوگانگی دیالکتیکی" (دو مفهوم به ظاهر متضاد اما در اصل سازگار و واحد) معرفی شده‌اند! بسیاری از اختلافات فرقه‌ای از این سرچشمه می‌گیرند که افراد از روی نیمی از این مفاهیم دوگانه و پر تنش در کتاب مقدس برای "اثبات عقیده خود توسط آیات" استفاده می‌کنند. تمامی کتاب مقدس الهام شده است و ما باید پیام کامل آن را بجوئیم تا برای تقصیر خود توازن و تعدیل کتاب مقدسی ارائه دهیم.
 - ۳) عبارات موازی یا هم معنی را در همان کتاب یا نوشته‌های همان نویسنده یا همان "ژانر" بیابید؛ کتاب مقدس بهترین مفسر خود است زیرا یک نویسنده دارد که روح القدس می‌باشد.
 - e. برای بازبینی مشاهدات خود از زمینه و موقعیت تاریخی، از "کمکهای مطالعات" بهره بگیرید.

- ۱) کتب مقدس دارای راهنمای مطالعات
- ۲) دایره المعارف، کتابهای راهنما، و فرهنگ لغات کتاب مقدس
- ۳) پیشگفتارهای کتاب مقدس
- ۴) تفاسیر کتاب مقدس (در این مرحله مطالعه خود، بگذارید جوامع ایمانداران مسیحی گذشته و حال، مطالعه شخصی شما را یاری و تصحیح کنند).

IV. کاربرد تفسیر کتاب مقدس

در اینجا به کاربرد می‌پردازیم. شما با صرف وقت کوشیده‌اید تا متن را مطابق زمینه اصلی و اولیه آن درک کنید. اکنون باید آن را در زندگی و فرهنگ خود به کار بگیرید. من اقتدار کتاب مقدس را به این صورت تعریف می‌کنم: "استنباط آنچه نویسنده اصلی به عصر خود می‌گفت، و به کارگیری آن واقعیت در زمان ما."

پس از آنکه قصد نویسنده اصلی، هم از لحاظ زمان و هم منطق آن تفسیر گردد، کاربرد باید انجام شود. ما نمی‌توانیم یک بخش کتاب مقدس را در زمان خود به کار بگیریم مگر آنکه بدانیم برای عصر خود چه می‌گفته است. یک بخش کتاب مقدس نباید معنایی بدهد که پیشتر هرگز آن معنا را نداشته است! «طرح کلی» مشروح شما، به صورت پاراگرافها، (دوره مطالعه شماره ۳) راهنمای شما خواهد بود. کاربرد باید در سطح پاراگرافها انجام شود نه کلمات. کلمات فقط در چارچوب متن معنا دارند؛ بندها تنها در چهارچوب متن معنا دارند؛ جملات تنها در چارچوب متن معنا دارند. در فرایند تفسیر، تنها شخص الهام یافته‌ای که دست اندر کار می‌باشد نویسنده اصلی است. ما صرفاً از او، به وسیله روشن سازی و تنویر روح القدس، پیروی می‌کنیم. اما تنویر، الهام نیست. برای گفتن "خداوند چنین می‌فرماید"، باید پایبند قصد نویسنده اصلی باشیم. کاربرد باید دقیقاً مربوط به مقصود عمومی کل نوشته، واحد ادبی بخصوص، و بسط اندیشه در سطح پاراگراف باشد.

اجازه ندهید مسایل روز، کتاب مقدس را تفسیر کنند؛ بگذارید کتاب مقدس سخن بگوید! برای این کار ممکن است لازم باشد اصولی را از متن نتیجه گیری کنیم - این زمانی صحت دارد که «اصل» در متن باشد. متأسفانه بسیاری از اوقات، اصول ما فقط اصول "خودمان" هستند - نه اصول متن. در کاربرد کتاب مقدس (بجز در مورد نبوت) مهم است بیاد داشته باشیم برای یک متن خاص کتاب مقدس، یک معنا و تنها همان یک معنا مصداق دارد. آن معنا به قصد نویسنده اصلی مرتبط است که در باره بحران یا نیازی در زمان خود سخن گفته است. از این یک معنا می‌توان کاربردهای ممکنه فراوانی را برگرفت. کاربرد بر پایه نیازهای دریافت کنندگان خواهد بود، اما باید به مفهوم نویسنده اصلی ارتباط داده شود.

V. جنبه های الهیاتی تفسیر

تا اینجا درباره فرایند منطقی و متنی در تفسیر کردن و در کاربرد صحبت کرده‌ام. اجازه بدهید اکنون مختصراً جنبه روحانی تفسیر را مورد بحث قرار دهیم. این لیست نکات مهم، برای من مفید بوده است:

۱. برای کمک روح القدس دعا کنید (مراجعه شود به اول قرنیتیان ۱: ۲۶ و ۲: ۱۶).
۲. دعا کنید خدا شما را بیخشد و از گناهایی که به آنها واقف هستید پاک سازد. (اول یوحنا ۱: ۹).
۳. برای اشتیاق بیشتر در شناخت خدا دعا کنید (مراجعه شود به مزامیر ۱۹: ۷ الی ۱۴؛ ۴۲: ۱ به بعد؛ ۱۱۹: ۱ به بعد).
۴. هر بینش جدیدتان را بلافاصله در زندگی خود به کار ببندید.
۵. فروتن و آموزش پذیر باقی بمانید.

کار بسیار مشکلی است که توازن بین فرایند منطقی، و هدایت روحانی روح القدس را بتوان حفظ نمود. نقل قولهای ذیل بمن کمک کرده‌اند توازن بین این دو را بیابم:

۱. برداشت از «جیمز و. سایر» در کتاب «پیچاندن کتاب مقدس»، صفحات ۱۷-۱۸: "تنویر به اذهان قوم خدا می‌آید - نه صرفاً اشخاص بلند مرتبه روحانی. در مسیحیت مبنا بر کتاب مقدس، طبقه گورو [اساتید معنوی] یا اشراقیون [اشخاصی که بدون استدلال منطقی و فقط از روی نیروی ذهنی حقیقت را کشف می‌کنند] و کسانی وجود ندارند که تمامی تفاسیر قابل قبول باید از طریق آنها به دست آید. پس با اینکه روح القدس عطایای مخصوص حکمت، معرفت و بصیرت روحانی را می‌دهد، این کار را به این مسیحیان دارای عطایا واگذار نکرده است که فقط آنها مرجع تفسیر کلام او باشند. هر یک از افراد قوم خدا مسئول هستند با ارجاع به کتاب مقدس، بیاموزند، قضاوت کنند و تمیز دهند، زیرا کتاب مقدس مرجع برتر حتی نسبت به کسانی است که خدا به آنان تواناییهای خاص بخشیده است. در خلاصه، فرض من در سراسر کتاب بر این است که کتاب مقدس، مکاشفه حقیقی خدا به تمامی بشر است، و اینکه کتاب مقدس برای ما مرجع اقتدار نهایی در تمام مواردی است که در باره آنها سخن می‌گوید، نیز کتاب مقدس یک معمای مبهم نیست، بلکه افراد عادی از هر فرهنگی می‌توانند آن را به اندازه کافی درک کنند."
۲. در مورد «کرکگارد»، مطابق «برنارد رم» در کتاب او به نام «تفسیر کتاب مقدس از دیدگاه پروتستان» صفحه ۷۵: به گفته کرکگارد، مطالعه دستوری، وازه‌ای و تاریخی کتاب مقدس لازم بود، اما از لحاظ مطالعه حقیقی کتاب مقدس، مرحله مقدماتی به شمار می‌آید. "برای مطالعه کتاب مقدس به عنوان «کلام خدا»، باید آن را با قلبی پر شور، با تمام حواس، با انتظاری مشتاقانه، و در حال مکالمه با خداوند، خواند. مطالعه

کتاب مقدس بدون تفکر و توجه به آن، یا به صورت کتاب درسی، یا برای انجام شغل، مطالعه آن به عنوان کلام خدا محسوب نمی‌شود. وقتی کسی کتاب مقدس را طوری بخواند که نامه عاشقانه را می‌خوانند، آنگاه آن را به عنوان کلام خدا خوانده است." ۳. "اچ. راولی" در کتاب "مطرح بودن کتاب مقدس" صفحه ۱۹:

درک کتاب مقدس تنها به صورت عقلانی، هر قدر هم که کامل باشد، هرگز نمی‌تواند همه گنجینه‌های آن را از آن خود سازد. اینگونه فهم، ناچیز به شمار نمی‌آید چون برای استنباط کامل ضروری است. اما باید به درک روحانی گنجینه‌های روحانی این کتاب منتهی گردد تا کامل باشد. و برای آن درک روحانی، چیزی بیشتر از هوشیاری عقلانی لازم است. موضوعات روحانی با بینش روحانی دریافت می‌شوند و دانشجوی کتاب مقدس نیازمند طرز فکری پذیرنده از لحاظ روحانی، و اشتیاقی برای یافتن خدا است تا خود را به او تسلیم کند. در این صورت او می‌تواند از مطالعه علمی خود فراتر رفته، به میراث غنیتر این کتاب که بزرگترین کتابها است دست یابد."

VI. شیوه این کتاب تفسیر

کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات به راه‌های ذیل برای کمک به رویه‌های تفسیری شما تنظیم شده:

۱. طرح کلی مختصر تاریخی، معرف هر کتاب است. پس از آنکه «مرحله مطالعه شماره ۳» را انجام داده‌اید، به این اطلاعات مراجعه کنید.

۲. بینشهای متنی در ابتدای هر فصل قرار دارند. اینها به شما کمک می‌کنند به بینید واحد ادبی چه ساختاری دارد.

۳. در ابتدای هر فصل یا هر واحد ادبی عمده، تقسیم بندی پاراگراف‌ها و عناوین توصیفی آنها از چند ترجمه جدید ارائه گردیده‌اند:

a. متن یونانی انجمن متحد کتاب مقدس، ویراست تجدید نظر شده (UBS⁴)

b. کتاب مقدس استاندارد آمریکایی ترجمه جدید، بروز آورده شده در سال ۱۹۹۵ (NASB)

c. کتاب مقدس پادشاه جیمز ترجمه جدید (NKJV)

d. ترجمه جدید تجدید نظر شده استاندارد (NRSV)

e. ترجمه انگلیسی امروز (TEV)

f. کتاب مقدس اورشلیم (JB)

تقسیم بندی پاراگراف‌ها الهام نشده‌اند. آنها باید از روی چارچوب متن محقق شوند. به وسیله مقایسه چند ترجمه معاصر که از تئوری‌های متفاوت ترجمه و دیدگاه‌های مختلف علم الهی می‌باشند، می‌توانیم ساختار گمان شده تفکر نویسنده اصلی را تجزیه و تحلیل کنیم. هر پاراگراف (بند) دارای یک حقیقت اعظم است که به آن «جمله اصلی» یا «ایده محوری متن» می‌گویند. این تفکر یکی کننده، راه تفسیر صحیح تاریخی و دستوری می‌باشد. شخص هرگز نباید تفسیر یا موعظه یا تدریس خود را بر پایه‌ای کمتر از یک پاراگراف انجام دهد! همچنین بیاد داشته باشید که هر پاراگراف با پاراگراف‌های اطرافش مرتبط است. به این دلیل است که «طرح کلی» تمام کتاب به صورت پاراگراف بندی این قدر مهم است. ما باید بتوانیم ترتیب و توالی منطقی مطلبی را که مورد بحث نویسنده الهام یافته و اصلی است دریافت کنیم.

۴. ترتیب یادداشتهای «باب» (نویسنده کتاب) مطابق روش تفسیری آیه به آیه است. با این روش مجبور می‌شویم از اندیشه نویسنده اصلی پیروی کنیم. یادداشتهای از چند جنبه مختلف اطلاعات فراهم می‌کنند:

a. چهارچوب ادبی

b. بینشهای تاریخی و فرهنگی

c. اطلاعات دستوری

d. مطالعات واژه‌ای

e. بخشهای موازی (مشابه یا مترادف) مربوطه

۵. در بعضی مقاطع کتاب تفسیر، متن درج شده ترجمه استاندارد آمریکایی جدید (بروز آمده در ۱۹۹۵) به وسیله چند ترجمه معاصر دیگر تکمیل خواهد شد:

a. کتاب مقدس پادشاه جیمز ترجمه جدید (NKJV) که مطابق پیرو متن نسخ خطی «متن دریافتی» می‌باشد.

b. ترجمه جدید تجدید نظر شده استاندارد (NRSV) که بازنگری کلمه به کلمه کتاب مقدس ترجمه استاندارد تجدید نظر شده توسط شورای ملی کلیساها می‌باشد.

c. ترجمه انگلیسی امروز (TEV) که ترجمه «معادل پویا» توسط انجمن کتب مقدسه آمریکا است.

d. کتاب مقدس اورشلیم (JB) که ترجمه‌ای انگلیسی است بر مبنای ترجمه «معادل پویا» کاتولیک فرانسوی.

۶. برای کسانی که به زبان یونانی آشنا نیستند، مقایسه ترجمه‌های انگلیسی به تشخیص مسائل در متن کمک می‌کند:

a. تفاوتها در متون خطی

- b. معانی جانشین واژگان
- c. متون و ساختار مشکل دستوری
- d. متون دارای چند معنی. اگر چه ترجمه‌های انگلیسی نمی‌توانند این مسایل را حل کنند، آنها را برای مطالعه بیشتر و کاملتر مورد نظر قرار می‌دهند.
- e. در پایان هر فصل سوالات مربوطه برای گفتگو فراهم شده‌اند و در این سوالات سعی شده است مسائل عمده تفسیری آن فصل مورد نظر قرار بگیرند

معرفی غلاطیان

مقدمه

- A. کتب غلاطیان و رومیان روشن ترین بیانات پیمان جدید رستگاری از طریق فیض و از طریق ایمان تنها به مسیح است! غلاطیان "مگنا کارتای آزادی مسیحیان" نامیده شده است.
- B. این نامه آتشی میان اصلاحات پروتستانها برپا کرد.
۱. مارتین لوتر گفت، "کتاب کوچک غلاطیان نامه من است؛ من خودم را به آن پیوند زده‌ام؛ این همسر من است".
 ۲. John Wesley گفت که او صلح پایدار را از خطبه‌ای در غلاطیان یافت.
 ۳. در کتاب *Study Guide Commentary*، صفحه ۱۱، Curtis Vaughan نوشت: "کتب اندکی که تاثیری عمیق در ذهن مردم ایجاد کردند، یا روند تاریخ بشر را شکل داده‌اند و یا با چنان ارتباطی، با عمیق ترین نیازهای زندگی مدرن صحبت می‌کنند".
- C. این نامه دکترین-محور که احتمالاً نخستین نامه پولس برای رومیان است، به بسط دکترین تقدس از طریق منت خدا بر ما به واسطه ایمان جدا از تاکید یهودیت و بر عدالت کار با اطاعت از شریعت موسی و سنن بزرگان (یعنی روایات شفاهی) پیشرو می‌پردازد.
۱. رستگاری را هم در عملکرد انسان و هم در فیض نمی‌توان یافت.
 ۲. رستگاری باید یا در عملکرد انسان یا به فیض یافت شود.
 ۳. مسیحیت تحول واقعی را دنبال می‌کند.
 ۴. از نظر الهیاتی بین قانونگرا بودن یهودیت که موجب رستگاری و قانونگرایی مسیحی، که سعی در قضاوت و محدود کردن آزادی مسیحی دارد، تمایزی وجود دارد. پولس الگوی مبتنی بر "عملکرد یهودیت سزاوار لعن است" را انکار می‌کند، اما مایل به همکاری با آن است. قانونگرایی مسیحی (به عنوان مثال، ایمان ضعیف، مراجعه شود به رومیان ۱۴: ۱-۱۵: ۱۵؛ اول قورنتیان ۸-۱۰). این انجیل رستگاری رایگان به لطف فیض از طریق ایمان که پولس از آن دفاع می‌کند، است با این حال او هنوز هم گرایش به قانونگرایی را در برخی از مومنان به رسمیت می‌شناسد.
- D. این رستگاری آزاد و کاملاً رایگان، فقط با فیض و تنها از طریق ایمان به مسیح به دلیل کشش مکرر و ظریف مذهبی خودمحور و کارگرا در روزگار ما شدیداً مورد نیاز است. آگاهی در هر عصر، حقیقت ساده پیمان آغازگر، خویشتن داری بی قید و شرط است، عشق به واسطه توبه انسان و ایمان فروتنانه به چالش کشیده می‌شود! چنین نبود که معلمان دروغین برای رستگاری جایگاه اصلی مسیح را رد کنند، بلکه ایشان پیش نیازهای دیگری را نیز به آن می‌افزودند. این چیزی نیست که ما به آن اضافه کنیم، بلکه چیزی است که به آن اضافه می‌شود!

نگارنده

نگارنده این نامه بودن پولس هرگز مورد تردید جدی قرار نگرفته است، زیرا ستون مهمی از مجموعه نوشته‌های پولس را تشکیل می‌دهد. غلاطیان بسیار اتوبیوگرافیک و شخصی است. این حقیقت انجیل بسیار عاطفی است اما در عین حال به وضوح ارائه شده است.

زمان و مخاطبین

- A. این دو جنبه از مطالب پس زمینه باید با هم مورد بررسی قرار گیرند زیرا دو نظریه مخالف درباره هویت گیرندگان در تاریخ یابی نامه تاثیر می‌گذارند. هر دو نظریه دارای وزن منطقی و شواهد کتاب مقدس محدودی هستند.
- B. دو نظریه عبارتند از:
۱. نظریه سنتی که تا قرن هجدهم متفق القول بود.
 - a. آن را "نظریه غلاطیان شمالی" می‌نامند.
 - b. فرض بر این است که "غلاطیه" به اقوام غلاطی فلات مرکزی شمالی ترکیه اشاره داشته باشد (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۱). این اقوام غلاطی سلت‌ها (یونانیان Keltoi یا لاتین گال Gal) بودند که در قرن سوم قبل از میلاد به این منطقه حمله کردند. برای تمایز آنها از برادران اروپای غربی به آنها "Gallo-Graecians" گفته می‌شد. آنها در ۲۳۰ قبل از میلاد توسط آتالوس اول پادشاه پرگاموم شکست خوردند. قلمرو جغرافیایی آنها محدود به شمال آسیای صغیر مرکزی یا ترکیه امروز بود.
 - c. اگر این گروه قومی فرض شود، زمان آن میانه دهه ۵۰ در سفر دوم یا سوم بشارتی پولس خواهد بود. همسفران پولس سیلاس و تیموتائوس بودند.
 - d. بعضی از آنها بیماری مالاریای پولس در غلاطیان ۴: ۱۳ را به آن پیوند داده‌اند. آنان ادعا می‌کنند که پولس برای دوری از زمینهای ساحلی باتلاقی آلوده به مالاریا، به ارتفاعات شمالی رفت.

۲. نظریه دوم توسط Sir Wm. M. Ramsay، در *St. Paul the Traveler and Roman Citizen* نیویورک: انتشارات G. P. Putnam's Sons، ۱۸۹۶ مطرح می‌شود.

a. همانطور که نظریه سنتی "غلاطیان" را به عنوان قوم تعریف می‌کند، این نظریه آن را به عنوان نهاد اداری تعریف می‌کند. به نظر می‌رسد که پولس غالباً از اسامی استانهای رومی استفاده می‌کرد (مراجعه کنید به اول قرن‌تینان ۱۶: ۱۹، دوم قرن‌تینان ۱: ۱، ۸: ۱ و غیره). استان رومی "Galatia" یا غلاطیه شامل منطقه‌ای بزرگتر از قوم "غلاطیه" بود. این اقوام سلتنی زودتر از بقیه از روم حمایت کردند و به عنوان پاداش استقلال محلی بیشتری به آنان داده شد و اقتدار سرزمین خود را گسترش دادند. اگر این منطقه بزرگ با عنوان "غلاطیه" شناخته می‌شد، پس نخستین سفر بشارتی پولس به این شهرهای جنوبی آنتیوخوس در پیدییا، لیستریا، دربی و ایکونیوم، که در اعمال ۱۳ تا ۱۴ ثبت شده است، می‌تواند محل این کلیساها باشد.

b. اگر کسی این "نظریه جنوبی" را فرض کند، تاریخ بسیار زود است - نزدیک، اما قبل از "شورای اورشلیم" در اعمال رسولان ۱۵، که به همان موضوع کتاب غلاطیان می‌پردازد. این شورا در سال ۴۸-۴۹ میلادی تشکیل جلسه داد و نامه احتمالاً در همین دوران نوشته شده است. اگر این واقعیت داشته باشد، غلاطیان اولین نامه پولس در عهد جدید ما است.

c. برخی از شواهد برای نظریه جنوبی غلاطیان:

(۱) از همسفران پولس به اسم ذکر نشده است اما نام برنابا سه مرتبه ذکر شده است (مراجعه کنید به غلاطیان ۲: ۱، ۹، ۱۳). این متناسب با اولین سفر بشارتی پولس است.

(۲) ذکر شده است که تیتوس ختنه نشده بود (مراجعه شود به غلاطیان ۲: ۱-۵). این با رخدادهای قبل از اعمال شورای ۱۵ اورشلیم بهتر متناسب است.

(۳) ذکر پطرس (مراجعه کنید به غلاطیان ۲: ۱۱-۱۴) و مشکل دوستی با غیر یهودیان بیشتر با رخدادهای قبل از شورای اورشلیم متناسب است.

(۴) هنگامی که پولس به اورشلیم برده شد، تعداد زیادی از اصحاب پولس از مناطق مختلف (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۰: ۴) ذکر شدند. با این حال، هیچ یک از شهرهای شمالی غلاطیه فهرست نشده‌اند، البته ما می‌دانیم که این کلیساهای قومی غلاطیه در آن شرکت کرده‌اند (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۶: ۱).

۳. برای ارائه دقیق استدلالهای مختلف در مورد این نظریات به یک تفسیر فنی مراجعه کنید. هر کدام دارای نکات معتبری هستند اما در این مقطع زمانی اجماع وجود ندارند، به هر حال، به نظر می‌رسد "نظریه جنوبی" به بهترین وجه متناسب با همه واقعیتها باشد.

C. رابطه کتاب غلاطیان با کتاب اعمال رسولان

۱. پولس پنج مرتبه از اورشلیم بازدید کرد، توسط لوقا در کتاب اعمال رسولان ثبت شده است.

a. اعمال رسولان ۹: ۲۶ الی ۳۰، پس از ایمان آوردن

b. اعمال رسولان ۱۱: ۳۰، ۱۲: ۲۵، برای تسکین قحطی از کلیساهای غیر یهودیان

c. اعمال رسولان ۱۵: ۱ الی ۳۰، شورای اورشلیم

d. اعمال رسولان ۱۸: ۲۲، یک بازدید کوتاه

e. اعمال رسولان ۲۱: ۱۵ به بعد، یک توضیح دیگر کار غیر یهودیان

۲. دو بازدید از اورشلیم در غلاطیان ثبت شده است.

a. غلاطیان ۱: ۱۸، پس از سه سال

b. غلاطیان ۲: ۱، پس از ۱۴ سال

۳. بسیار محتمل به نظر می‌رسد که اعمال رسولان ۹: ۲۶ مرتبط با غلاطیان ۱: ۱۸ باشد. احتمالاً اعمال رسولان ۱۱: ۳۰ یا ۱۵: ۱ به بعد یا یک بازدید ثبت نشده باشد که در غلاطیان ۲: ۱ به آن اشاره می‌شود.

۴. تفاوتی میان داستانهای اعمال رسولان ۱۵ و غلاطیان ۲ وجود دارد ولی این احتمالاً به واسطه اینها است:

a. جنبه‌های مختلف

b. اهداف متفاوت لوقا و پولس

c. این واقعیت که غلاطیان ۲ ممکن است زمانی پیش از ملاقات توصیف شده در اعمال رسولان ۱۵ رخ داده باشد ولی با آن مرتبط است.

D. تاریخنگاری نوشته‌های پولس از دید F. F. Bruce و Murry Harris با اندکی سازگاری

کتاب	تاریخ	مکان نگارش	ارتباط با کتاب اعمال رسولان
غلاطیان	۴۸	آنتیوخوس سوریه	اعمال رسولان ۱۴: ۲۸، ۱۵: ۲

۲	اول تسالونیکیان	۵۰	قرنتس	اعمال رسولان ۱۸: ۵
۳	دوم تسالونیکیان	۵۰	قرنتس	
۴	اول قرنتیان	۵۵	افسس	اعمال رسولان ۱۹: ۲۰
۵	دوم قرنتیان	۵۶	مقدونیه	اعمال رسولان ۲۰: ۲
۶	رومیان	۵۷	قرنتس	اعمال رسولان ۲۰: ۳
۱۰ الی ۱۷	نامه های زندان			
	کولسیان	اوایل ۶۰	رم	
	فیلمون	اوایل ۶۰	رم	
	افسیان	اوایل ۶۰	رم	
	فیلیپیان	اواخر ۶۲-۶۲	رم	اعمال رسولان ۲۸: ۳۰ الی ۳۱
۱۱ الی ۱۳	چهارمین سفر بشارتی		افسس (۴)	
	اول تیموتائوس	۶۳ یا دیرتر ولی قبل از سال ۶۸	مقدونیه	
	تیتوس	۶۳ یا دیرتر ولی قبل از سال ۶۸		
	دوم تیموتائوس	۶۴ یا دیرتر ولی قبل از سال ۶۸	رم	

هدف نامه

- A. پولس به سه بخش مشخص نگرانی در مورد پیام معلمان دروغین پرداخت. این مرتدها "یهودی زده" خوانده شده اند، زیرا آنها معتقد بودند که شخص قبل از اینکه مسیحی شود، باید یهودی شود (مراجعه کنید به غلاطیان ۶: ۱۲). نگرانیهای وی در مورد اتهام یهودی زده (که از گفته‌های دفاعی پولس آموخته می شود) معطوف شد:
۱. پولس در واقع رسولی همانند آن دوازده نفر نبود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱: ۲۱-۲۲). بنابراین، او به اقتدار آنها یا حداقل اقتدار کلیسای مادر در اورشلیم وابسته بود.
 ۲. پیام پولس با آنها متفاوت بود، و بنابراین، نادرست بود. به نظر می رسد این ارتباط مستقیم با مفهوم "توجیه از طریق ایمان و جدای از قانون" دارد. رسولان در اورشلیم هنوز در زندگی شخصی خود بسیار یهودی بودند.
 ۳. یک عنصر از آزادی به نوعی با این کلیساها در ارتباط بود (مراجعه شود به غلاطیان ۵: ۱۸-۶: ۸). دقیقاً چگونگی توضیح این موضوع بحث شده است. برخی حتی در نامه پولس دو گروه هدف دیده اند: یهودی زده‌گان و عرفان (مراجعه کنید به غلاطیان ۴: ۸-۱۱). با این حال، به نظر می رسد بهتر است این آیات را با اعمال کفار مرتبط کنید. یهودیان مومن نگران شیوه زندگی مومنین غیر یهودی بودند. چگونه فیض آزاد و رادیکال پولس با بت پرستی و زیاده خواهی کفار ارتباط داشت؟
- B. از نظر دکتربین، این نامه محتوای شکل دهنده نامه پولس به رومیان است. این دو کتاب شامل دکتربین اصلی پولس است که در شرایط مختلف تکرار و توسعه یافته و بعداً در افسسیان خلاصه شده است.
- C. در حقیقت، غلاطیان بر تفاوت‌های پیمان قدیم (عهد عتیق) از طریق موسی و پیمان جدید (عهد جدید) از طریق مسیح تمرکز می کنند. اولی توسط روحانیون درک شد (پولس در برابر پیمان موسی واکنش نشان نمی دهد، بلکه بر تفسیر نادرست و کاربرد آن توسط روایات یهود واکنش نشان می دهد) مبنای پذیرش خداوند بر عملکرد انسان است، اما دومی مبتنی بر قلب جدید و روح جدید بود (مراجعه شود به ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴؛ حزقیال ۳۶: ۲۲-۲۸). هر دو بر اساس لطف خدا بودند. هر دو آرزوی یک مرد صالح را دارند.
- تفاوت میان آنها در چگونگی تحقق این پارسایی است. این در کتاب عبریان عهد جدید بسط یافته است.

مشخصه ها

- A. پیش گفتار، غلاطیان ۱: ۱ الی ۱۰
۱. معرفی کلی کتاب
 ۲. مناسبت نگارش کتاب
- B. پولس از رسول بودن خود دفاع می کند، غلاطیان ۱: ۱۱ الی ۲: ۱۴
- C. پولس از دکتربین حقایق انجیل خود دفاع می کند، غلاطیان ۲: ۱۵ الی ۴: ۲۰
- D. پولس از پیامدهای عملی انجیل خود دفاع می کند، غلاطیان ۵: ۱ الی ۶: ۱۰
- E. جمع بندی و اختتامیه، غلاطیان ۶: ۱۱ الی ۱۸

همانند تمامی نامه های پولس، یک بخش دکترین وجود دارد (یعنی فصلهای ۱ الی ۴) و یک بخش عملی (یعنی فصلهای ۵ الی ۶).

خواندن حلقه اول

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. مرکزیت موضوع کل کتاب را در قالب کلمات خود بیان کنید.

۱. موضوع کل کتاب.

۲. نوع ادبیات

خواندن حلقه دوم

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات اصلی را مشخص کرده و سپس در یک جمله مبحث را بیان کنید.

۱. موضوع واحد ادبی اول

۲. موضوع واحد ادبی دوم

۳. موضوع واحد ادبی سوم

۴. موضوع واحد ادبی چهارم

۵. و غیره

غلاطیان ۱

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
خطابیه ۱ : ۱ الی ۵	درود ۱ : ۱ الی ۵	درود ۱ : ۱ الی ۵	خیر مقدم ۱ : ۱ الی ۲ ۱ : ۳ ۱ : ۴ الی ۵	درود ۱ : ۱ الی ۵
یک هشدار ۱ : ۶ الی ۱۰	یک خبر خوش ۱ : ۶ الی ۹ ۱۰ : ۱	ارتداد غلاطیان ۱ : ۶ الی ۱۰	فقط یک خبر خوش ۱ : ۶ الی ۱۰	هیچ خبر خوش دیگری وجود ندارد ۱ : ۶ الی ۹ ۱۰ : ۱
خدا فراخواند ۱۱ : ۱ الی ۲۴	چگونه پولس رسول شد ۱۱ : ۱ الی ۱۲ ۱۳ : ۱ الی ۱۴ ۱۵ : ۱ الی ۱۹ ۲۰ : ۱ ۲۱ : ۱ الی ۲۴	دفاع پولس از رسالت خود ۱۱ : ۱ الی ۱۲ ۱۳ : ۱ الی ۱۷	فراخوانده شدن برای رسولی ۱۱ : ۱ الی ۱۷ تماسها در اورشلیم ۱۸ : ۱ الی ۲۴	چگونه پولس رسول شد ۱۱ : ۱ الی ۱۲ ۱۳ : ۱ الی ۱۷ ۱۸ : ۱ الی ۲۴

* تقسیم‌بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگرافها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکر است. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگرافها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخ جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: انتقادات متنی و واژه‌نامه .

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور خود راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم و غیره

۴. و غیره

بینش متنی

A. غلاطیان ۱ : ۱ الی ۵ اساسا مقدمه ای بر غلاطیان، در زبان یونانی یک جمله است.

B. یادداشت شکرگزاری معمول پولس (رومیان، ۱ و ۲ قرنتیان، افسسیان، فیلیپیان، کولسیان، ۱ و ۲ تسالونیکیان) وجود ندارد. این نشان دهنده تنش

بین پولس و این گروه از کلیساها است.

- C. غلاطیان ۶-۱۰ مضمون کلامی کل کتاب را تعیین می کند. تقریباً می توان گفت که این چند آیه شامل همه عناصر کلامی است که پولس در نامه توسعه می دهد.
- D. غلاطیان ۱: ۱۱ الی ۲: ۲۱ یک بخش زندگی-نامه مانند را تشکیل می دهد که پولس از رسول بودن خود و به واسطه آن انجیلش دفاع می کند. این بسیار شبیه به دوم قرنتیان ۱۰-۱۳ است.
- E. غلاطیان ۱: ۱۱ الی ۲: ۱۴ به زمینه های زیر تقسیم می شود:
۱. پولس به رسولان در اورشلیم وابسته نبود، غلاطیان ۱: ۱۱-۲۴
 ۲. پولس توسط کلیسای اورشلیم، به رسمیت شناخته شد. غلاطیان ۲: ۱-۱۰.
 ۳. نمونه ای از برابری پولس، غلاطیان ۲: ۱۱-۱۴.
- F. موضوع اصلی این نامه در غلاطیان ۲: ۱۵-۶: ۱۰ وجود دارد. این می تواند به شرح زیر تقسیم شود:
۱. پولس از حقایق آموزه ای انجیل دفاع می کند، غلاطیان ۲: ۱۵-۴: ۲۰
 ۲. پولس از پیامدهای انجیل خود، دفاع می کند. غلاطیان ۵: ۱-۶: ۱۰.

مطالعه عبارت و کلام

NASB: غلاطیان ۱: ۱ الی ۵

از پولس، رسولی که رسالتش نه از جانب انسانها و نه به واسطه انسان، بلکه به واسطه عیسی مسیح و خدای پدر است که او را از مردگان برخیزانید،^۲ و نیز از همه برادرانی که با منند، به کلیساهای غلاطیه: ^۳ فیض و سلامتی بر شما باد، از جانب خدا، پدر ما، و خداوند عیسی مسیح که جان خود را در راه گناهان ما داد تا ما را به اراده خدا و پدر ما، از عصر شریر حاضر رهایی بخشد.^۴ او را تا ابد جلال باد. آمین.

۱: ۱ "پولس" برای اولین بار در اعمال رسولان ۱۳: ۹ شائول اهل تارسوس، پولس نامیده می شود. این احتمال وجود دارد که بیشتر یهودیان "بیرون از اسرائیل" دارای نام عبری و نام یونانی بودند. اگر چنین باشد، والدین شائول این نام را به او دادند، اما چرا "پولس" ناگهان در اعمال رسولان ۱۳ ظاهر می شود؟ احتمالاً (۱) دیگران با این نام او را صدا کردند یا (۲) او با اصطلاح "حقیر" یا "حقیرترین" به خود اشاره می کند. نام یونانی پولس به معنی "حقیر" بود. چندین نظریه در مورد منشأ نام یونانی او گفته شده است.

۱. روایت قرن دوم که پولس کوتاه، چاق، طاس بود، پاهای خمیده و موهای فردار و چشمان براق و وزغی چشمان داشت، یک منبع احتمالی برای نام است که از کتابی غیر متعارف از تسالونیکیان بنام *Paul and Thekla* گرفته شده است.
۲. متونی که پولس خود را "حقیرترین قدیسان" می نامد، زیرا او کلیسا را آزار داد، مانند اعمال رسولان ۹: ۱-۲ (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۵: ۹، افسسیان ۳: ۸، اول تیموتائوس ۱: ۱۵).

برخی این "حقیرترین" را عنوانی می دانند که او برای خود برگزیده است. با این حال، در کتابی مانند غلاطیان، جایی که وی بر استقلال و برابری خود با دوازده رسول اورشلیم تاکید کرده است، این گزینه تا حدودی بعید است (مراجعه کنید به دوم قرنتیان ۱۱: ۵، ۱۲: ۱۱؛ ۱۵: ۱۰).

■ "رسول" این از اصطلاح یونانی "فرستادن" (*apostellō*) می آید. عیسی دوازده نفر در مفهومی خاص را انتخاب کرد و آنان را "رسول" (مراجعه شود به انجیل مرقس ۶: ۳۰، انجیل لوقا ۶: ۱۳) نامید.

پولس رسول بودن خود را در همه نامه هایش به جز فیلیپیان، اول و دوم تسالونیکیان و فیلیمون ادعا کرد. به دلیل شرایطی که در کلیساها وجود داشت و که معلمان دروغین سعی داشتند با حمله به شخص او، انجیل او را نفی کنند، این بند مقدمه یکی از شدیدترین تاییدهای رساله او است که در هر یک از نامه های وی یافت می شود.

موضوع خاص: فرستادن (*apostellō*)

(SPECIAL TOPIC: SEND (*apostellō*), FROM WHICH COMES "APOSTLE")

این یک اصطلاح متداول یونانی برای فرستادن است (یعنی *apostellō*) که چندین کاربرد الهیاتی دارد:

۱. در یونانی کلاسیک و در میان روحانیون به مفهوم فراخواندن و فرستادن یک نماینده رسمی از طرف شخص دیگری است، همانند سفیر در انگلیسی (*ambassador*) (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵: ۲۰)
۲. انجیل معمولاً از این فعل در مورد عیسی استفاده می کنند که از سوی پدر فرستاده شده است. در انجیل یوحنا این اصطلاح مفهوم مسیحانهای دارد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۴۰، ۲۴: ۱۵، انجیل مرقس ۹: ۳۷، انجیل لوقا ۹: ۴۸ و بخصوص انجیل یوحنا ۵: ۳۶ و ۳۸، ۲۹ و ۵۷، ۷: ۲۹، ۸: ۴۲، ۱۰: ۳۶، ۱۱: ۴۲، ۱۷: ۳ و ۸ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۳ و ۲۵، ۲۰: ۲۱-هم اصطلاح *apostle* و هم مترادف آن

pempō در آیه ۲۱ استفاده شده‌اند). در مورد عیسی که مومنین را می‌فرستد، استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۸، ۲۰: ۲۱ - هم اصطلاح *apostle* و هم مترادف آن *pempō* در آیه ۲۰: ۲۱ استفاده شده‌اند).

۳. در عهد جدید حالت اسم *apostle* برای شاگردان استفاده شده است

- a. دوازده شاگرد حلقه داخلی شاگردان (انجیل مرقس ۶: ۳۰، انجیل لوقا ۶: ۱۳، اعمال رسولان ۱: ۲ و ۲۶)
b. گروه خاص شاگردان کمک کننده و همکارانشان

(۱) بارناباس (اعمال رسولان ۱۴: ۴ و ۱۴)

(۲) اندرونیوکوس و جانیوکوس (*KJV, Junia*، مراجعه شود به رومیان ۱۶: ۷)

(۳) آپولس (اول قرنتیان ۴: ۶ الی ۹)

(۴) یعقوب برادر خداوند (مراجعه شود به غلاطیان ۱: ۱۹)

(۵) سیلوآنوس و تیموتائوس (اول تسالونیکیان ۲: ۶)

(۶) احتمالا تیتوس (دوم قرنتیان ۸: ۲۳)

(۷) احتمالا اپافرودیتوس (فیلیپیان ۲: ۲۵)

c. هدیه‌ای به کلیسا (اول قرنتیان ۱۲: ۲۸ الی ۲۹، افسسیان ۴: ۱۱)

۴. پولس از این عنوان برای خودش برای تصریح اقتدارش به عنوان نماینده مسیح در اکثر نامه‌هایش استفاده می‌کند (مراجعه شود به رومیان ۱: ۱، اول قرنتیان ۱: ۱، دوم قرنتیان ۱: ۱، غلاطیان ۱: ۱، افسسیان ۱: ۱، کولسیان ۱: ۱، اول تیموتائوس ۱: ۱، دوم تیموتائوس ۱: ۱، تیتوس ۱: ۱)

۵. مسئله‌ای که ما به عنوان مومنین مدرن با آن مواجه هستیم این است که عهد جدید هرگز مشخص نکرده است که این هدیه‌ای که از آن صحبت می‌کند چیست یا شامل چیست و چگونه مومن می‌تواند آن را شناسایی کند. بدیهی است فرد باید میان دوازده شاگرد اصلی (۳ الف) و کاربرد بعدی (۳ ب) بتواند تمایز قائل شود. اگر فرستادگان مدرن تحت الهام نباشند که کتب جدیدی بنویسند (مراجعه شود به یهودا آیه ۳) پس آنها چه کاری می‌کنند که متفاوت با پیامبران عهد جدید و یا مبشرین است (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱۱)؟ اینها احتمالات من هستند

a. آغازگران کلیسای بشارتی در مناطقی که بشارت انجام نشده

b. رهبران شبانها در مناطق خاص

c. هیچکس نمی‌داند

NASB "نه از طرف انسانها فرستاده می‌شود، نه به نمایندگی از سوی انسان"

NKJV "نه از میان مردان و نه از طریق انسان"

NRSV "نه به کمک انسانی و نه از مقامات انسانی" ارسال شده است

TEV "از طرف انسان یا به وسیله انسان نیامده است"

JB "چه کسی اقتدار خود را به مردان یا انتصاب وی به هر انسانی مدیون نیست"

این یکی از تاکیدات مهم پولس را برجسته می‌کند، که رسالت الهی او از یک منبع الهی و نه انسانی سرچشمه گرفته است. معلمان دروغین ممکن است ادعا کنند که پولس انجیل خود را از: ۱) دوازده رسول در اورشلیم دریافت کرده است (اعمال رسولان ۹: ۱۹-۲۲). یا (۲) کلیسای مادر، اما او این انجیلی را که به وی داده شده بود، به ظرافت تغییر داده بود. پولس در این زمینه از خود دفاع کرد زیرا خود انجیل، نه اعتبار و شهرت وی، در معرض خطر بود (مراجعه کنید به دوم قرنتیان ۱۰ الی ۱۳).

■ "به واسطه عیسی مسیح و خدای پدر" به ادعای جسورانه پولس توجه داشته باشید که او وحی خود و محتوای انجیل را از آن قیام کرده از مردگان دریافت کرده، که خود عیسی است که جلال یافته است (مراجعه کنید به غلاطیان ۱: ۱۲). اگرچه پولس فاقد معیارهای رسول بودن است که در اعمال رسولان ۱: ۲۲-۲۱ یافت می‌شد، اما او معتقد بود که از طرف خداوند برای انجام این کار خاص (یعنی رسالت برای غیر یهودیان) فراخوانده شده است.

"عیسی" به معنی "یهوه نجات می‌دهد" است (مراجعه کنید به متی ۱: ۲۱). این همان نام عبری جاشوا است. هنگامی که این اصطلاح به تنهایی در عهد جدید به کار می‌رود، بر انسانیت عیسی تاکید می‌شود (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۲۱).

"کرایست" معادل اصطلاح عبری مسیح یا مسح شده است (نگاه کنید به موضوع خاص: مسیح)، که بر وعده عهد عتیق به آن یکتا، الهام الهی تاکید می‌کند، آن کسی که می‌آید و وارد عصر جدید عدالت می‌شویم.

"عیسی مسیح" و "خدا پدر" با یک پیش فرض که روش نگارنده عهد جدید برای ادعای کاملاً الهی بودن مسیح بود، پیوند دارند. این هر دو در غلاطیان ۱: ۱ و غلاطیان ۱: ۳ رخ می‌دهند. (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۱: ۱۰: ۳: ۱۱: دوم تسالونیکیان ۱: ۱۲: ۲: ۱۶).
خدا پدر است، نه به معنای نسل جنسی یا تقدم زمانی، بلکه رابطه و رهبری بین فردی، مانند یک خانه یهودی است.

موضوع خاص: مسیح (از دانیال ۹:۲۶)

(SPECIAL TOPIC: MESSIAH (FROM DAN. 9:26))

دشواری ترجمه این است که استفاده‌های متفاوتی است از کلمه "مسیح" یا "آن تدهین شده" (BDB 603, KB 645) وجود دارد. از این اصطلاح برای روغن مالی مخصوص بر روی یک فرد که مشخص کند فردی توسط خدا فراخوانده شده و تجهیز گشته تا وظیفه رهبری خاصی را به انجام برساند استفاده شده است.

۱. در مورد پادشاهان یهود استفاده شده (برای نمونه، اول سموئیل ۲: ۱۰، ۱۲: ۳، ۲۴: ۶ و ۱۰، دوم سموئیل ۱۹: ۲۱، ۲۳: ۱، مزامیر ۸۹: ۵۱، ۱۳۲: ۱۰ و ۱۷، مراثی ارمیا ۴: ۲۰، حبقوق ۳: ۱۳، "شاهزاده تدهین شده" در دانیال ۹: ۲۵)
 ۲. در مورد کشیشهای یهود استفاده شده (برای نمونه "کشیشهای تدهین شده، کتاب خروج ۲۹: ۷، لویان ۴: ۳ و ۵ و ۱۶، ۶: ۱۵، ۷: ۳۶، ۸: ۱۲، احتمالاً مزامیر ۸۴: ۹ الی ۱۰، و ۱۳۳: ۲)
 ۳. در مورد ریش سفیدان قوم و پیامبران استفاده شده (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۲۶: ۷، اول تواریخ ۱۶: ۲۲، مزامیر ۱۰۵: ۱۵، که اشاره به پیمان مشارکت مردم دارد، احتمالاً حبقوق ۳: ۱۳)
 ۴. در مورد پیامبران استفاده شده (مراجعه شود به اول پادشاهان ۱۹: ۱۶، احتمالاً اول تواریخ ۲۹: ۲۲)
 ۵. در مورد کورش استفاده شده است (مراجعه شود به اشعیا ۴۵: ۱)
 ۶. ترکیب شماره‌های ۱ و ۲ در مزامیر ۱۱۰ و زکریا ۴
 ۷. در مورد آمدن خاص خدا استفاده شده، داوود پادشاه که عصر جدید عدالت را می‌آورد
 - a. عصای یهودا (مراجعه شود به پیدایش ۴۹: ۱۰)
 - b. قصر ایشا (مراجعه شود به دوم سموئیل ۷)
 - c. پادشاهی جهانی (مراجعه شود به مزامیر ۲، اشعیا ۹: ۶، ۱۱: ۱ الی ۵، میکاه ۱ الی ۴)
 - d. بشارت به نیازمندان (مراجعه شود به اشعیا ۶۱: ۱ الی ۳)
- من شخصاً تمایل دارم که "آن تدهین شده" را با عیسی ناصری شناسایی کنم (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۴۱، ۴: ۲۵) به واسطه:
۱. معرفی پادشاهی جاویدان در دانیال ۲ در طول امپراتوری چهارم
 ۲. معرفی "فرزند انسان" در دانیال ۷: ۱۳ که پادشاهی ابدی به او داده می‌شود
 ۳. عبارات رستگاری در دانیال ۹: ۲۴ که به نقطه اول تاریخ سقوط جهان اشاره می‌کند
 ۴. استفاده عیسی از کتاب دانیال در عهد جدید (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۱۵، انجیل مرقس ۱۳: ۱۴)
- باید اعتراف کرد که این عنوان به ندرت در عهد عتیق استفاده شده، احتمالاً فقط در کتاب دانیال ۹: ۲۵ استفاده شده است. همچنین باید تأیید کرد که عیسی در شرایط کلی که در عهد عتیق در مورد مسیح تعریف شده، نمی‌گنجد.

۱. در اسرائیل رهبر نبوده
۲. به طور رسمی توسط یک کشیش تدهین نشده
۳. فقط نجات دهنده اسرائیل نیست
۴. نه فقط "فرزند انسان" بلکه به طور حیرت انگیزی "فرزند خدا" است.

موضوع خاص: پدر

SPECIAL TOPIC: FATHER

عهد عتیق به صورت استعاره رابطه صمیمی با خدا را تحت عنوان پدر معرفی می‌کند (به موضوع خاص: پدر بودن خدا مراجعه شود):

۱. ملت اسرائیل اغلب به عنوان فرزند "پسر" یهوه توصیف می‌شوند
۲. حتی کمی قبل‌تر در تثنیه از خدا به عنوان پدر یاد شده است

۳. در تثنیه ۳۲ از اسرائیل به عنوان "فرزندان او" و خدا به عنوان "پدر" شما یاد شده است
۴. این الهام در مزامیر ۱۰۳: ۱۳ مطرح شده و در مزامیر ۶۸: ۵ (به صورت پدر یتیمان) بسط یافته است
۵. در میان پیامبران متداول بود (رجوع شود به اشعیا ۱: ۲، ۶۳: ۸، اسرائیل به عنوان پسر، خدا به عنوان پدر، ۶۳: ۱۶، ۶۴: ۸، ارمیا ۳: ۴ و ۱۹، ۳۱: ۹)

عیسی به زبان آرامی صحبت می کرد که بدین معنی است که بسیاری از جاهایی که "پدر" به کار رفته است، کلمه یونانی آن "Pater" است، و می تواند منعکس کننده کلمه *abba* در زبان آرامی باشد (رجوع شود به انجیل مرقس ۱۴: ۳۶). این کلمه شبیه "بابا" (Daddy) یا "پاپا" (Papa) منعکس کننده صمیمیت با پدر است، و افشا کردن آن برای پیروانش رابطه صمیمی ما با پدر را تشویق می کند. کلمه "پدر" به سختی برای یهوه در عهد عتیق استفاده شده است، ولی عیسی اغلب و به صورت فراگیر از آن استفاده می کند. این یک مدرک بزرگ رابطه با خدا از طریق مسیح برای پیروان است (رجوع شود به انجیل متی ۶: ۹).

■ "که او را از مردگان برخیزانید" پولس تاکید می کند که این پدر بود، که عیسی را از مردگان برخیزاند. هم پدر و هم پسر بودند که انجیل را به او دادند. پولس احتمالاً ادعا کرده است که او توسط ارباب قیام کرده فراخوانده شده است، در حالی که دوازده نفر در اورشلیم توسط ارباب هنوز انسان خوانده می شدند، هر چند که این امر می تواند خیلی زیاد در این عبارت دیده شود.

در بیشتر متون، این پدر است که عیسی را از بین مردگان زنده کرد و از این طریق، مهر الهی تایید را در بشارت خود به او می دهد (مراجعه شود به دوم قرنیتان ۴: ۱۴، اعمال رسولان ۲: ۲۴، ۳: ۱۵، ۱۰: ۴۰؛ رومیان ۶: ۴، اول پطرس ۱: ۲۱). در رومیان ۸: ۱۷ این خدا روح است که عیسی را از مردگان برمیخیزاند. با این حال، در یوحنا ۱۰: ۱۷-۱۸، پسر ادعا می کند که او زندگی خود را از دست داد، و دوباره آن را گرفت. این نشان دهنده سیالیت کار افراد تثلیث است.

موضوع خاص: قیام از مردگان

(SPECIAL TOPIC: THE RESURRECTION)

در انجیل بازگشت از مرگ سه مفهوم دارد.

۱. کسانی که نمی میرند، بلکه می روند تا با خدا باشند (انوش، مراجعه شود به کتاب پیدایش ۵: ۲۴، الیاس، دوم پادشاهان ۱۱: ۲)،
۲. کسانی که به واسطه قدرت خدا از دروازه مرگ به سلامتی فیزیکی باز می گردند. به این "بازگشت از مرگ" یا "قیام از مردگان" گفته می شود. آنها در زمانی در آینده خواهند مرد.
۳. فقط یک قیام از مرگ یا بازگشت از مرگ وجود دارد (یعنی عیسی). او مرد ولی از مرگ بازگشت (یعنی *hades*) و توسط خدا به او بدن جدیدی برای زندگی ابدی داده شد. او نخستین ثمر از مرگ است (مراجعه شود به اول قرنیتان ۱۵: ۲۰ و ۲۳، "نخستین مولود از مرگ"، مراجعه شود به کولسیان ۱: ۱۵ و ۱۷). به واسطه او، مومنین در بازگشت دوم او از مرگ برمیخیزند (مراجعه شود به مزامیر ۴۹: ۱۵، ۷۳: ۲۴، اشعیا ۲۶: ۱۹، دانیال ۱۲: ۲، انجیل متی ۲۲: ۳۱ الی ۳۲، انجیل مرقس ۱۲: ۲۶ الی ۲۷، انجیل یوحنا ۵: ۲۵ و ۲۸ الی ۲۹، ۶: ۳۹ الی ۴۰ و ۴۴ و ۵۴، رومیان ۸: ۱۱، اول قرنیتان ۱۵، اول تسالونیکیان ۴: ۱۳ الی ۱۸، اول یوحنا ۳: ۲).

شواهد قیام از مردگان

۱. پنجاه روز بعد در پنتیکاست، قیام از مردگان موضوع کلیدی موعظه پطرس بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲). هزاران نفر در که در ناحیه ای که این اتفاق رخداد زندگی می کردند، ایمان آوردند.
۲. زندگی شاگردان به صورت ریشه ای از ترس (آنان انتظار بازگشت از مرگ را نداشتند) به شهامت و بیباکی تبدیل شد.
۳. پولس چندین شاهد عینی منجمله خودش را در اول قرنیتان ۱۵: ۵ الی ۸ فهرست می کند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹).

اهمیت بازگشت از مرگ

۱. نشان می دهد که عیسی همان است که ادعا می کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲: ۳۸ الی ۴۰، پیش گوئی مرگ و بازگشت از مرگ)
۲. خدا مهر تائید خود را بر زندگی، تعالیم و مردن به عنوان جایگزین زد (مراجعه شود به رومیان ۴: ۲۵)
۳. وعده به تمام مسیحیان را نشان می دهد (بازگشتن از مرگ، مراجعه شود به اول قرنیتان ۱۵)

ادعاهای عیسی که از مرگ برخواهد خواست

۱. انجیل متی ۱۲: ۳۸ الی ۴۰، ۱۶: ۲۱، ۱۷: ۹ و ۲۲، ۲۳: ۲۰ و ۱۸، ۱۹ و ۲۶: ۳۲، ۲۷: ۶۳

۲. انجیل مرقس ۸: ۳۱، ۹: ۱ الی ۱۰، ۳۱، ۱۴: ۲۸ و ۵۸
 ۳. انجیل لوقا ۹: ۲۲ الی ۲۷
 ۴. انجیل یوحنا ۲: ۱۹ الی ۲۲، ۱۲: ۳۴، فصل های ۱۴ الی ۱۶

هم پطرس و هم پولس تصریح می کنند که مزامیر ۱۶ به عیسی مسیح اشاره می کند

۱. پطرس در اعمال رسولان ۲: ۲۴ الی ۳۲
 ۲. پولس در اعمال رسولان ۱۳: ۳۲ الی ۳۷

منابع برای مطالعات بیشتر

A. *Evidence That Demands a Verdict* by Josh McDowell

B. *Who Moved the Stone?* by Frank Morrison

C. *The Zondervan Pictorial Encyclopedia of the Bible, "Resurrection," "Resurrection of Jesus Christ"*

۲:۱ "و نیز از همه برادرانی که با منند" برای دانشجویان مدرن کتاب مقدس مایه تاسف است که پولس نام اصحاب خود را نیاورد، و این یکی از دو نظریه در مورد گیرندگان نامه را تایید می کند. تئوری شمالی بر غلاطیه قومی تمرکز دارد، در حالی که نظریه جنوبی بر استان اداری غلاطیه روم تمرکز دارد. پولس اشاره ای به بارنابا (سفر اول) یا تیموتائوس و سیلاس (سفر دوم) نکرد. نام "برنابا" سه بار در غلاطیان تکرار می شود که دلالت بر سفر اول و بنابراین، تاریخ اولیه دارد.

پولس از "برادران" غالباً در این نامه استفاده می کند (مراجعه کنید به غلاطیان ۳: ۱۵؛ ۴: ۱۲؛ ۵: ۱۱؛ ۶: ۱۸)، احتمالاً به این دلیل که پیام وی به این کلیساها بسیار برجسته، سختگیرانه و یا حتی متداول بود. پولس اغلب با آغاز "برادران" موضوعات جدیدی را معرفی می کرد.

■ "به کلیساهای غلاطیه" باز هم، مکان دقیق این کلیساها هنوز مشخص نشده است. برخی ادعا می کنند که این غلاطیه شمالی است (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۱)، و تاریخ این رساله اواسط دهه ۵۰ هجری قمری است. اعمال رسولان ۲۶: ۶ و ۱۸: ۲۳ به عنوان شواهدی تعبیر می شوند که پولس در این زمینه موعظه می کرد. برخی دیگر، غلاطیه را به عنوان استان غلاطیه روم تفسیر می کنند، که شامل منطقه بسیار بزرگتری است که در اعمال رسولان ۱۳ و ۱۴ به آن اشاره شده است و از این طریق به اولین سفر بشارتی پولس و برنابا اشاره دارد. این امر تاریخ را در اواخر دهه ۴۰ میلادی، درست قبل از شورای اورشلیم، است اما با شورای اعمال اورشلیم ۱۵ مطابقت ندارد.

موضوع خاص: کلیسا (ekklesia)

SPECIAL TOPIC: CHURCH (EKKLESIA)

کلمه یونانی *ekklesia* از دو کلمه می آید "خارج از" و "فرا خواند". این کلمه کاربرد دنیوی دارد (یعنی اتباع را به گردهمایی فرا خواندن، رجوع شود به اعمال رسولان ۱۹: ۳۲ و ۳۹ و ۴۱) و به واسطه استفاده *Septuagint* این کلمه برای "حضر در کلیسای" اسرائیل (*Qahal*, BDB 874, KB 1078، رجوع شود به اعداد ۱۶: ۳، ۲۰: ۴، تثنیه ۳۱: ۳۰)، به عنوان یک کاربرد دینی تلقی می گردد. کلیسای اولیه خود را به عنوان ادامه مردم خدا در عهد عتیق می دانستند. آنها اسرائیل جدید بودند (رجوع شود به رومیان ۲: ۲۸ و ۲۹، غلاطیان ۳: ۲۹، ۶: ۱۶، اول پطرس ۲: ۵ و ۹، مکاشفه ۱: ۶)، تحقق ماموریت جهانی خدا (رجوع شود به پیدایش ۳: ۱۵، ۱۲: ۳، خروج ۱۹: ۵ و ۶، متی ۲۸: ۱۸ الی ۲۰، لوقا ۲۴: ۴۷، اعمال ۱: ۸، موضوع خاص: برنامه رستگاری ابدی یهوه را مطالعه کنید).

این کلمه با چندین مفهوم در اناجیل و اعمال به کار برده شده است.

۱. دیدارهایی با جنبه غیر روحانی در شهر، اعمال رسولان ۱۹: ۳۲ و ۳۹ و ۴۱
۲. مردم خدا در عیسی، متی ۱۶: ۱۸ و افسسیان
۳. گردهمایی محلی مومنین در عیسی، انجیل متی ۱۸: ۱۷، اعمال رسولان ۵: ۱۱ (در این آیات، کلیسا در اورشلیم)، اعمال رسولان ۱۳: ۱۱، رومیان ۱۶: ۵، اول قرنتیان ۱۶: ۱۹، کولسیان ۴: ۱۵، فیلمون آیه ۲
۴. کل مردم اسرائیل، اعمال ۷: ۳۸ در مراسم استفان
۵. مردم خدا در منطقه، اعمال رسولان ۸: ۳، غلاطیان ۱: ۲ (یهودا یا فلسطین)

کلیسا، یعنی مردمی که گرد هم آمده اند، نه یک ساختمان. برای صدها سال هیچ ساختمانی برای کلیسا وجود نداشت. در یعقوب (یکی از نخستین کتب مسیحی) کلیسا به کلمه *synagōgē* (انجمن) اطلاق می شد. این اصطلاح برای کلیسا فقط در کتاب یعقوب دیده می شود (رجوع شود به کتاب

۱: ۳ " فیض و سلامتی بر شما باد " سلام و احوال پرسی معمولی یونانی کلمه *charein* بود. پولس از نظر شخصیتی این مسئله را به اصطلاح مسیحی مشهور *charis* یا فضل تغییر داد. بسیاری پیشنهاد کرده‌اند که پولس تبریک یونانی "فیض" را با "سلام" عبری صلح [شالوم] تلفیق کرده است. اگرچه این یک تئوری جذاب است، ممکن است خیلی زیاد به این عبارت مقدماتی پولوسی نخواند. از نظر کلامی جالب است بدانید که فضل به تنهایی بر صلح پیشتاز است.

■ " خداوند " (در نسخه انگلیسی، اصطلاح *Lord* نوشته شده که به معنی ارباب/سرور است - مترجم) اصطلاح یونانی *kurios* به معنای مشابه با اصطلاح عبری *adon* است. از هر دو به معنای "آقا"، "استاد"، "صاحب"، "شوهر" یا "ارباب" استفاده شده است (مراجعه شود به پیدایش ۲۴: ۹؛ خروج ۲۱: ۴؛ دوم سموئیل ۲: ۷؛ و متی ۲۴: ۶؛ یوحنا ۱۱: ۴؛ ۳۶: ۹). با این حال، همچنین به عنوان عیسی مسیح فرستاده شده خدا (مسیح یوحنا ۳۸: ۹) اشاره شد. کاربرد عهد عتیقی از این اصطلاح ناشی از عدم تمایل بعدی یهودیت به تلفظ اسم میثاق برای خدا، یعنی یهوه است که فعل عبری "بودن" است (مراجعه کنید به خروج ۱۴: ۲۴). آنها میترسیدند که یکی از ده فرمان که می‌گوید: "اسم پروردگار خود را بیهوده به کار نبر" را زیر پا گذارند. بنابراین، آنها فکر می‌کردند اگر آن را بر زبان نیاورند، بیهوده از آن استفاده نکرده‌اند. بنابراین، *adon* عبری [Lord] را جایگزین کردند که معنای مشابهی با کریوس یونانی [Lord] دارد. نویسندگان عهد جدید از این اصطلاح برای توصیف الهی بودن مسیح استفاده کردند. عبارت "عیسی ارباب است" اعتراف عمومی از ایمان و فرمول تعمید کلیسای اولیه بود (مراجعه شود به رومیان ۱۰: ۹-۱۴).

یهوه

۱. این نامی است که منعکس کننده الوهیت به عنوان عهدی است که خدا می‌کند. خدا به عنوان ناجی، رستگار کننده! انسانها میثاق‌ها را می‌شکنند، اما خداوند به کلام، وعده، و میثاق خود وفادار است (مراجعه کنید به مزامیر ۱۰۳).

این نام ابتدا در ترکیب با الوهیم در پیدایش ۲: ۴ ذکر شده است. در پیدایش ۱-۲، دو داستان آفرینش وجود ندارد، بلکه دو تاکید وجود دارد: (۱) خدا (یعنی الوهیم) به عنوان خالق جهان (فیزیکی) و (۲) خدا به عنوان خالق ویژه بشریت (یعنی یهوه) پیدایش ۲: ۴ وحی ویژه را در مورد موقعیت ممتاز و هدف بشر و همچنین مسئله گناه و عصیان مرتبط با موقعیت منحصر به فرد آغاز می‌کند.

۲. در پیدایش ۴: ۲۶ گفته شده است: "مردان شروع به بر زبان آوردن نام خداوند" (یهوه) کردند. با این حال، در خروج ۶: ۳ دلالت بر این دارد که مردم پیمان اولیه (پدرسالاران و خانواده‌های آنها) خدا را فقط به عنوان الشادای می‌شناختند. نام یهوه فقط در یک بار در خروج ۳: ۱۳ الی ۱۶، به خصوص در غلاطیان ۱: ۱۴ توضیح داده شده است. با این حال، نوشته‌های موسی غالباً کلام را با بازی با کلمات عامیانه تفسیر می‌کنند، نه برهان شناسی. نظریات مختلفی در مورد معنی این نام وجود دارد (برگرفته از IDB، جلد ۲، صفحات ۴۰۹-۱۱).

a. از ریشه عربی، "برای نشان دادن عشق صمیمانه"

b. از ریشه عربی "دمیدن" (یهوه به عنوان طوفان خدا)

c. از ریشه اوگارتیک (کنعانی) "صحبت کردن"

d. به دنبال یک کتیبه فنیقی، یک وجه وصفی عامل به معنی "کسی که پایدار است" یا "کسی که بنا می‌کند" است

e. از شکل عبری *Qal* "کسی که هست" یا "کسی که حضور دارد" (در مفهوم زمان آینده "کسی که خواهد بود")

f. از حالت عبری *Hiphil* "کسی که سبب چیزی می‌شود"

g. از ریشه عبری "زندگی" (به عنوان مثال، پیدایش ۳: ۲۰)، به معنی "همیشه زنده، تنها زنده"

h. از متن خروج ۳: ۱۳ الی ۱۶ بازی با فرم ناقص که در مفهوم زمان کامل (ماضی نقلی یا ماضی بعید) استفاده می‌شود، "من به همان خواهم بود که از قبل بودم" یا "من همیشه همان خواهم بود که همیشه هستم" (مراجعه شود به J. Wash Watts, *A Survey of Syntax in the Old Testament*, صفحه ۶۷)

i. نام کامل یهوه اغلب به صورت اختصاری یا احتمالاً به صورت اصلی بیان می‌شود

(۱) یهوه (مثلاً هاله‌لو یه)

(۲) یاهو (نام‌هایی مانند، "yah" در اشعیا)

(۳) یو (نام‌هایی مانند، یوئیل)

۳. مانند ال، غالباً یهوه با اصطلاحات دیگری همراه است تا بر برخی ویژگی‌های خدای پیمان اسرائیل تاکید شود. در حالی که بسیاری از اصطلاحات ترکیبی ممکن وجود داشته باشد، در اینجا برخی از آنها فهرست شده‌اند

a. یهوه *Yireh* - (یهوه تامین خواهد کرد)، پیدایش ۲۲: ۱۴

b. یهوه *Rophekha* - (یهوه شفا دهنده شماست)، خروج ۱۵: ۲۶

- c. یهوه Nissi - (یهوه پرچم من است)، خروج ۱۷: ۱۵
- d. یهوه Meqaddishkem - (یهوه کسی که شما را تقدیس می کند)، خروج ۳۱: ۱۳
- e. یهوه Shalom - (یهوه صلح است)، داوران ۶: ۲۴
- f. یهوه Sabaoth - (یهوه میزبان)، اول سموئیل ۱: ۳، ۱۱: ۴؛ ۴: ۱۵؛ ۲: اغلب در پیامبران)
- g. یهوه Ro'I - (یهوه چوپان من است)، مزامیر ۲۳: ۱
- h. یهوه Sidqenu - (یهوه عدالت ماست)، ارمیا ۲۳: ۶
- i. یهوه Shammah - (یهوه آنجاست)، حزقیال ۴۸: ۳۵

۴: این مجموعه عبارات سه جنبه اصلی پیام انجیل پولس را روشن می کند. پولس مقدمه را برای نشان دادن محوریت شخص و کار عیسی ناصری گسترش داد. سه جنبه عبارتند از:

۱. مرگ وی از طرف ما (مراجعه شود به رومیان ۴: ۲۵؛ ۵: ۶، ۸؛ اول قرنتیان ۱۵: ۳؛ دوم قرنتیان ۵: ۱۴ و ۲۱)
 ۲. معرفی دوره جدید مسیحیت - این یک زمان آتوریست میانی است که به معنی "او، خودش، یک بار و برای همیشه، ما را گلچین کرد" از این عصر شرور امروزی.
 ۳. رسالت او در اطاعت از برنامه ابدی و رستاخیز خدا بود. او آمد تا بمیرد (مراجعه شود به پیدایش ۳: ۱۵؛ اشعیا ۵۳: ۴، ۱۰؛ مرقس ۱۰: ۴۵؛ یوحنا ۳: ۱۶؛ اعمال رسولان ۲: ۲۲-۲۳؛ ۴: ۲۷-۲۸؛ دوم قرنتیان ۵: ۲۱؛ دوم تیموتائوس ۱: ۹؛ اول پطرس ۱: ۲۰ و مکاشفه ۱۳: ۸). موضوع خاص: برنامه رستگاری ابدی یهوه در غلاطیان ۱: ۷ را مطالعه کنید.
- "شریر" در موقعیتی عاطفی قرار می گیرد و این عقیده را منتقل می کند که "این یک عصر شیطانی و بی خدا است" (مراجعه کنید به یوحنا ۱۲: ۳۱؛ دوم قرنتیان ۴: ۴؛ افسسیان ۲: ۲-۷). مفهوم دو عصر یهودی - یک عصر شیطانی کنونی و دورانی که مسیح خدا به آن وارد می شود - در متی ۱۲: ۳۲؛ ۱۳: ۳۹؛ ۲۸: ۲۰ و متون دیگر در عهد جدید دیده می شود. اگرچه عیسی در عصر جدید طلوعه داشته است، اما هنوز کاملاً تحقق نیافته است.

- "که جان خود را در راه گناهان ما داد" کلمه "هدیه" استعاری است برای فضل رایگان خداوند نسبت به بشریت گناهکار
- ۱. عیسی خودش بخشید، مراجعه شود به متی ۲۰: ۲۸؛ لوقا ۲۲: ۱۹؛ غلاطیان ۱: ۴؛ اول تیموتائوس ۲: ۶
- ۲. خدا پسرش را برای نجات جهان داد، مراجعه شود به یوحنا ۳: ۱۶؛ اول یوحنا ۴: ۱۰
- ۳. عیسی هدیه خدا است، مراجعه شود به یوحنا ۴: ۱۰؛ رومیان ۵: ۱۵؛ دوم قرنتیان ۹: ۱۵
- ۱. توجیه به لطف فیض از طریق ایمان به مسیح، هدیه خداوند است، مراجعه شود به. رومیان ۳: ۲۴؛ افسسیان ۲: ۸

NASB, NIV "ما را نجات داد"

NKJV "ما را تحویل داد"

NRSV "ما را آزاد کرد"

TEV "ما را تحویل داد"

NJB "ما را رهایی بخشید"

این یک وجه شرطی آتوریست میانی است. در اعمال رسولان ۷: ۱۰، ۳۴ در مورد خروج استفاده شده است. عیسی، موسی جدید / خروج جدید است! در چارچوب غلاطیان، این بدان معنی است که مرگ مسیح گناه مومنان را می بخشد. این اراده خداست که بشریت گناهکار نجات یابد (مراجعه شود به یوحنا ۳: ۱۶، اول تیموتائوس ۲: ۴، دوم پطرس ۳: ۹).

■ "عصر شریر حاضر" موضوع خاص زیر را مطالعه کنید.

موضوع خاص: این عصر و عصری که خواهد آمد

(SPECIAL TOPIC: THIS AGE AND THE AGE TO COME)

پیامبران عهد عتیق آینده را به صورت ادامه حال دیدند. برای آنها آینده تجدید حیات جغرافیایی اسرائیل است. با این حال، آنان به صورت روز جدیدی به آن نگاه می کردند (مراجعه شود به اشعیا ۱۷: ۶۵، ۲۲: ۶۶). با تداوم انکار یهوه توسط فرزندان خودسر ابراهیم (حتی پس از تبعید) یک الگوی جدید در ادبیات آخر زمانی یهودیان شکل گرفت (مراجعه شود به انوش ۱، عزرا ۴، باروخ ۲). این نوشته‌ها تمایزی میان دو عصر ایجاد کردند: عصر حاضر شیطانی که شیطان بر آن غلبه دارد و عصر عدالت که خواهد آمد و روح القدس بر آن حاکم خواهد بود و توسط مسیح آغاز می شود (عمدتاً یک جنگجوی پویا).

در این عصر خداشناسی (اسکاتولوژی) توسعه مشهودی وجود دارد. خداشناسان به این "مکاشفه در حال پیشرفت" می گویند. عهد جدید این

واقعیت کیهانی از دو عصر را تصریح می‌کند (دوالیسم موقتی)

عبرانیان (پولس)	پولس	عیسی
عبرانیان ۱: ۲، ۶: ۵، ۱۱: ۱۳	رومیان ۱۲: ۲	انجیل متی ۱۲: ۳۲، ۲۲ و ۳۹
	اول قرنتیان ۱: ۲۰، ۲: ۶ و ۸، ۳: ۱۸	انجیل مرقس ۱۰: ۳۰
	دوم قرنتیان ۴: ۴	انجیل لوقا ۱۶: ۸، ۱۸: ۳۰، ۲۰: ۳۴ و ۳۵
	غلاطیان ۴: ۱	
	افسیان ۱: ۲۱، ۲: ۲ و ۷، ۶: ۱۲	
	اول تیموتائوس ۶: ۱۷	
	دوم تیموتائوس ۴: ۱۰	
	تیتوس ۲: ۱۲	

در الهیات عهد جدید این دو عصر یهودی به واسطه پیش بینی غیر منتظره دو آمدن مسیح مورد همپوشانی قرار می‌گیرند. تولد دوباره مسیح (قیام از مردگان) عمده رسالت عهد عتیق را در مورد شروع عصر جدید تحقق بخشید (دانیال ۲: ۴۴ و ۴۵). با این حال، عهد عتیق آمدن او را به عنوان قاضی و فاتح دیده، در حالی که او در بار اول به عنوان خدمتگزار رنج دیده آمد (مراجعه شود به اشعیا ۵۳، زکریا ۱۲: ۱۰)، فروتن و بردبار (مراجعه شود به زکریا ۹: ۹) بود. او درست همانطور که عهد عتیق پیش بینی کرده بود، به قدرت باز خواهد گشت (مراجعه شود به مکاشفه ۱۹). این تحقق دو مرحله باعث شدند که پادشاهی در زمان حال باشد (آغاز شود)، نه در زمان آینده (به طور کامل تحقق نیافته است). این تنش "قبلا ولی نه هنوز" عهد جدید است.

■ "به اراده خدا و پدر ما" موضوع خاص زیر را مطالعه کنید.

موضوع خاص: اراده خدا (THELĒMA) خدا

(SPECIAL TOPIC: THE WILL (THELĒMA) OF GOD)

اراده خدا شامل طبقه بندیهای بسیاری می‌شود

انجیل یوحنا

- عیسی آمد که خواست خدا را انجام دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۳۴، ۵: ۳۰، ۶: ۳۸)
- در روز آخر تمام کسانی که پدر به پسر داده برمی‌خیزند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۳۹)
- تمام آنان که به پسر ایمان دارند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۲۹ و ۴۰)
- دعاهای پاسخ داده شده در رابطه با اراده خدا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۹: ۳۱ و اول یوحنا ۵: ۱۴)

سایر اناجیل

- انجام خواست خدا که مهم است (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۲۱)
- انجام اراده خدا فرد را با عیسی خواهر یا برادر می‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲: ۵۰، انجیل مرقس ۳: ۳۵)
- خدا برای هیچکس آرزوی نابودی نمی‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۸: ۱۴، اول تیموتائوس ۲: ۴، دوم پطرس ۳: ۹)
- کالواری ارائه خدا برای عیسی بود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۴۲، انجیل لوقا ۲۲: ۴۲)

نامه‌های پولس

- خدمت به تمامی مومنین (مراجعه شود به رومیان ۱۲: ۱ الی ۲)
- مومنینی که از این عصر شیطنانی می‌روند (مراجعه شود به غلاطیان ۱: ۲)
- اراده خدا برنامه رستگاری او بود (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۵ و ۹ و ۱۱)
- مومنینی که زندگی سرشار از روح را تجربه می‌کنند (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۱۷ الی ۱۸)
- مومنینی که سرشار از آگاهی نسبت به خدا هستند (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۹)
- مومنینی که کامل شده‌اند (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۱۲)
- مومنینی که تقدیس شدند (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۴: ۳)

- مومنینی که بابت همه چیز شکرگزار هستند (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۵: ۱۸)

نامه‌های پطرس

- مومنینی که کار درست را انجام می‌دهند (مثلا به مقامات ارجاع می‌دهند) و بدینوسیله کارهای احمقانه افراد را متوقف می‌کنند، بنابراین فرصتی برای بشارت فراهم می‌سازند (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۱۵)
- مومنینی که رنج می‌کشند (مراجعه شود به اول پطرس ۳: ۱۷، ۴: ۱۹)
- مومنینی که زندگیشان خود-محورانه نیست (مراجعه شود به اول پطرس ۴: ۲)

نامه‌های یوحنا

- مومنینی که برای همیشه اطاعت می‌کنند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۷)
- کلید مومنین در دعاهاست مستجاب شده (مراجعه شود به اول یوحنا ۵: ۱۴)

۱: ۵ " او را تا ابد جلال باد " به طور معمول در نوشته‌های پولس، این *doxology* به دلیل عظمت خداوند در متن شکسته می‌شود. غالباً ضمایر در نوشته‌های پولس به صورت مجهول استفاده شده‌اند. بیشتر اوقات در این موارد ضمایر مفرد مردانگی به خدا پدر اشاره می‌کنند.

■ "جلال" در عهد عتیق رایج ترین کلمه عبری برای "جلال" (*kabod*, BDB 217) در ابتدا یک اصطلاح تجاری بود (که به استفاده از یک جفت ترازو اشاره داشت) که به معنای "سنگین بودن" بود. آنچه سنگین بود ارزشمند بود یا ارزش ذاتی داشت. غالباً مفهوم روشنایی (شکوه ابر شکوه در دوره سرگردان بیابان) برای بیان عظمت خداوند به این کلمه اضافه می‌شد. او به تنهایی شایسته و افتخارآمیز است. او برای دیدن انسانهای سقوط کرده بسیار درخشان است که ببینند. خدا را فقط از طریق مسیح می‌توان شناخت. (مراجعه کنید به ارمیا ۱: ۱۴؛ متی ۱۷: ۲؛ عبرانیان ۱: ۳؛ یعقوب ۲: ۱).

موضوع خاص: شکوه (*doxa*)

(SPECIAL TOPIC: GLORY (DOXA))

مفهوم انجیلی شکوه را به سختی می‌توان توصیف کرد. LXX از *doxa* برای ترجمه بیش از بیست کلمه عبری استفاده کرده است. به کرار و به شیوه‌های متفاوت در عهد عتیق از این کلمه استفاده شده است. این کلمه بر خدا، عیسی، انسانها، و پادشاهی مسیحی دلالت دارد. در عهد عتیق متداولترین کلمه برای "شکوه" (*kabod*, BDB 458, KB 455-458) اساساً یک اصطلاح تجاری در ارتباط با مقیاس و اندازه‌گیری بود ("سنگین بودن"، KB 455). آن چیزی که سنگین بود با ارزش بود و یا ارزش چشمگیری داشت. اغلب مفهوم روشنایی به آن اضافه می‌شد تا عظمت خدا را بیان کند (رجوع شود به خروج ۱۹: ۱۶ الی ۱۸، ۲۴: ۱۷، ۳۳: ۱۸، اشعیا ۶۰: ۱ و ۲). او به تنهایی با ارزش و قابل احترام است (رجوع شود به مزامیر ۲۴: ۷ الی ۱۰، ۶۶: ۲، ۷۹: ۹). او درخشانتر از آن است که انسان کم ارزش بتواند او را ببیند، بنابراین او خود را در ابر، دست و یا دود می‌پوشاند (رجوع شود به خروج ۱۶: ۷ و ۱۰، ۳۳: ۱۷ الی ۲۳، اشعیا ۶: ۵). یهوه را تنها و بطور درست می‌توان توسط مسیح شناخت (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۸، ۶: ۴۶، ۱۲: ۴۵، ۱۴: ۸ الی ۱۱، کولسیان ۱: ۱۵، اول تیموتائوس ۶: ۱۶، عبرانیان ۱: ۳، اول یوحنا ۴: ۱۲). برای یک بحث کامل در مورد *kabod* به موضوع خاص: شکوه (عهد عتیق) مراجعه کنید. شکوه مومنین این است که آنها انجیل و جلال خدا را درک می‌کنند، نه اینکه خودش را (رجوع شود به اول قرنیتیان ۱: ۲۹ الی ۳۱، ارمیا ۹: ۲۳ و ۲۴). برای بحث دقیقتر به NIDOTTE، جلد دوم، صفحه ۵۷۷ الی ۵۷۸ مراجعه کنید.

■ "تا ابد" به مفهوم تا اعصار متمادی

موضوع خاص: برای همیشه (اصطلاح یونانی)

(SPECIAL TOPIC: FOREVER)

یک اصطلاح یونانی برای هست که به معنی "در طی سالها" (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۳۳، رومیان ۱: ۲۵، ۱۱: ۳۶، ۱۶: ۲۷، غلاطیان ۱: ۵، اول تیموتائوس ۱: ۱۷) است و می‌تواند منعکس کننده اصطلاح عبری *olam* باشد. به *Synonyms of the Old Testament* اثر Robert B. Girdlestone صفحات ۳۱۹ الی ۳۲۱ و موضوع خاص: برای همیشه *olam* مراجعه کنید.

سایر عبارتهای مرتبط "در طی سالها" (مراجعه شود به انجیل متی ۱۹: ۲۱، انجیل مرقس ۱۱: ۱۴، انجیل لوقا ۱: ۵۵، انجیل یوحنا ۶: ۵۸، ۸: ۳۵، ۱۲: ۳۴، ۱۳: ۸، ۱۴: ۱۶، دوم قرنیتیان ۹: ۹) و "در عصر اعصار" (مراجعه شود به افسسیان ۳: ۲۱) هستند. به نظر می‌رسد که هیچ تمایزی میان این اصطلاحات یونانی برای "همیشه" وجود نداشته باشد. اصطلاح "اعصار" می‌تواند به مفهوم نمادین جمع در ادبیات روحانیون باشد که به آن "جمع

سلطنتی/محترمانه" گفته می‌شود و یا می‌تواند به مفهوم چندین عصر در مفهوم عبری "عصر ضعف" یا "عصری که می‌آید" یا "عصر پارسایی" باشد (به موضوع خاص: این عصر و عصری که می‌آید مراجعه شود).

■ "آمین" این نوعی از اصطلاح عبری عهد عتیق برای "ایمان" است (emeth)، مراجعه کنید به حقوق ۲: ۴، به موضوع ویژه در غلاطیان ۳: ۶ مراجعه کنید). اخلاق اصلی آن "محکم یا مطمئن بودن" بود. با این حال، مفهوم به آنچه تصدیق می‌شود تغییر یافته است (مراجعه شود به دوم قرن‌تبیان ۱: ۲۰). این استعاره در مورد کسی که وفادار، ثابت قدم، و قابل اعتماد بود، استفاده می‌شد (مراجعه کنید به Robert B. Girdlestone, *Synonyms of the Old Testament*, صفحات ۱۰۲-۱۰۶). در اینجا همانند یک doxology برای خدا پدر عمل می‌کند (مراجعه کنید به رومیان ۱: ۲۵؛ ۹: ۵؛ ۱۱: ۳۶؛ ۱۶: ۲۷؛ افسسیان ۳: ۲۱؛ فیلمون ۴: ۲۰).

موضوع خاص: آمین

(SPECIAL TOPIC: AMEN)

I. عهد عتیق

A. اصطلاح آمین در زبان عبری برای موارد زیر به کار می‌رود:

۱. حقیقت (emeth, BDB 49)

۲. راستی (emunah, emun, BDB 53)

۳. ایمان یا باوفا بودن

۴. اعتماد (dmn, BDB 52)

B. ریشه یابی این واژه دلالت بر ثبات فیزیکی فرد دارد. مخالف آن فردی است که ثبات ندارد، می‌لغزد (مراجعه شود به مزامیر ۳۵: ۶، ۴۰: ۲، ۷۳: ۱۸، ارمیا ۲۳: ۱۲) یا تکان می‌خورد (مراجعه شود به مزامیر ۷۳: ۲). از این کاربرد مفهومی مفهوم استعاره‌ای برای وفاداری، قابل اعتماد بودن، صداقت و قابل اتکا بودن مشتق می‌شود (مراجعه شود به عبرانیان ۲: ۴).

C. کاربردهای خاص (موضوع خاص: ایمان/اعتماد/وفاداری در عهد عتیق را مطالعه کنید).

۱. ستون، مراجعه شود به دوم پادشاهان ۱۸: ۱۶ (اول تیموتائوس ۳: ۱۵)

۲. تضمین، مراجعه شود به خروج ۱۷: ۱۲

۳. ثبات، مراجعه شود به خروج ۱۷: ۱۲

۴. پایداری، مراجعه شود به اشعیا ۳۳: ۶

۵. راستی، مراجعه شود به اول پادشاهان ۱۰: ۶، ۱۷: ۲۴، ۲۲: ۱۶، امثال ۱۲: ۲۲

۶. محکم، مراجعه شود به دوم تواریخ ۲۰: ۲۰، اشعیا ۷: ۹

۷. قابل اعتماد (تورات)، مراجعه شود به مزامیر ۱۱۹: ۴۳ و ۱۴۲ و ۱۵۱ و ۱۶۰

D. در عهد عتیق دو کلمه عبری دیگر برای ایمان فعال/جدی استفاده شده است

۱. Bathach (BDB 105)

۲. yra (BDB 431)، ترس، احترام، پرستش (مراجعه شود به پیدایش ۱۲: ۲۲)

E. از مفهوم اعتماد یا قابل اعتماد بودن مفهوم خاصی مشتق شد که برای تأیید صحت یا قابل اعتماد بودن اظهارات دیگری به کار می‌رفت (مراجعه شود به اعداد ۵: ۲۲، تثنیه ۲۷: ۱۵ الی ۲۶، اول پادشاهان ۱: ۳۶، اول تواریخ ۱۶: ۳۶، نحمیا ۵: ۱۳، ۸: ۶، مزامیر ۴۱: ۱۳، ۷۲: ۱۹، ۸۹: ۵۲، ۱۰۶: ۴۸، ارمیا ۱۱: ۵، ۲۸: ۶).

F. کلید الهیاتی این اصطلاح وفاداری انسان نیست، بلکه یهوه است (مراجعه شود به کتاب خروج ۳۴: ۶، کتاب تثنیه ۳۲: ۴، مزامیر ۱۰۸: ۴، ۱۱۵: ۱، ۱۱۷: ۲، ۱۳۸: ۲). تنها امید انسان گمراه رحم، وفاداری، پیمان وفاداری یهوه و قول او است. آنها که یهوه را می‌شناسند، باید مانند او باشند (مراجعه شود به حقوق ۴: ۲). انجیل تاریخ و ثبت بازایی تصویر خدا (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷) در نوع بشر است. رستگاری توانایی نوع بشر را برای اینکه رابطه صمیمانه با خدا داشته باشد، احیا می‌کند. به این دلیل است که ما خلق شده ایم.

II. عهد جدید

A. استفاده کلمه "آمین" در عهد جدید برای کلام پایانی و تأیید اظهارات قابل اعتماد متداول است (مراجعه شود به اول قرن‌تبیان ۱۴: ۱۶، مکاشفه ۱: ۷، ۵: ۱۴، ۷: ۱۲).

- B. استفاده از این اصطلاح برای پایان بخشیدن به دعا در عهد جدید مرسوم است (مراجعه شود به رومیان ۱: ۲۵، ۹: ۵، ۱۱: ۳۶، ۱۶: ۲۷، غلاطیان ۱: ۵، ۶: ۱۸، افسسیان ۳: ۲۱، فیلیپیان ۴: ۲۰، دوم تسالونیکیان ۳: ۱۸، اول تیموتائوس ۱: ۱۷، ۶: ۱۶، دوم تیموتائوس ۴: ۱۸).
- C. عیسی تنها کسی بود که از این اصطلاح (به صورت دوبار تکرار در انجیل یوحنا ۲۵ مرتبه، انجیل یوحنا ۱: ۵۱، ۳: ۳ و ۵ و ۱۱ و غیره) برای معرفی بیانات مهم استفاده می کرد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۴: ۲۴، ۱۲: ۳۷، ۱۸: ۱۷ و ۲۹، ۲۱: ۳۲، ۲۳: ۴۳).
- D. به عنوان لقبی برای عیسی در مکاشفه ۳: ۱۴ استفاده شده است (همچنین به دوم قرنتیان ۱: ۲۰، و احتمالاً عنوان یهوه در اشعیا ۶۵: ۱۶ توجه کنید).
- E. مفهوم وفاداری، ایمان، قابل اعتماد یا اعتماد در یونانی با اصطلاح *pistos* یا *pistis* بیان می شود که در انگلیسی *faith, trust, believe* ترجمه می گردد (موضوع خاص: ایمان/اعتماد/وفاداری در عهد عتیق را مطالعه کنید).

NASB: غلاطیان ۱: ۶ الی ۱۰

۶ در شگفتم که شما بدین زودی از آن که شما را به واسطه فیض مسیح فرا خوانده است رویگردان شده، به سوی انجیلی دیگر می روید. ^۷البته انجیلی دیگر وجود ندارد، اما کسانی هستند که شما را مشوش می سازند و برآنند که انجیل مسیح را تحریف کنند. ^۸اما حتی اگر ما یا فرشته ای از آسمان، انجیلی غیر از آنچه ما به شما بشارت دادیم موعظه کند، ملعون باد! ^۹چنانکه پیشتر گفتیم، اکنون باز می گویم: اگر کسی انجیلی غیر از آنچه پذیرفتید به شما موعظه کند، ملعون باد!

۱۰ آیا تایید مردم را می خواهیم یا تایید خدا را؟ آیا می کوشم مردم را خشنود سازم؟ اگر همچنان در پی خشنودی مردم بودم، خادم مسیح نمی بودم.

۱: ۶ "در شگفتم" بجای شکرگزاری - که در نوشته های پولوس بسیار معمول است - پولس با تعجب مشاهده می کرد (در نوشته های پولس این فعل فقط در اینجا و دوم تسالونیکیان ۱: ۱۰ وجود دارد). که غلاطیان خیلی راحت از انجیل ناب، ساده و با شکوه دور شده بودند. توجیه فیض از طریق ایمان توسط معلمان دروغین.

■ "بدین زودی" دو مفهوم ممکن است: (۱) خیلی زود پس از آنکه انجیل را که پولس موعظه کرد، پذیرفتند، یا (۲) خیلی زود پس از آمدن معلمان دروغین.

■ "رویگردان شده" این فعل زمان حال بوده و نشانگر آن است که غلاطیان در حال روی برگرداندن بودند. "گریختن" یک اصطلاح نظامی برای شورش است. توجه داشته باشید که تاکید بر عنصر شخصی رویگرداندن از خود خدا با رد انجیل پولس است. این می تواند یک حالت فعل زمان مجهول باشد، اما متن بزرگتر (مراجعه شود به غلاطیان ۳: ۱ به بعد و ۵: ۷) دلالت بر یک فعل حال میانی دارد. این تاکید می کند که گرچه معلمان دروغین، گریز را تشویق می کردند، اما غلاطیان هم با کمال میل در آن شرکت می کردند.

■ "که شما را به واسطه فیض مسیح فرا خوانده است" عبارت "شما را فراخواند" معمولاً به عملکرد خدای پدر (مراجعه کنید به رومیان ۸: ۳۰؛ ۹: ۲۴؛ اول قرنتیان ۱: ۹) اشاره دارد. این به دلیل مشکل متنی با افزودن عبارت "مسیح" قابل توجه است. در پایپروس ^{۴۶}P، ^{*}F یا G یافت نمی شود، اما در پایپروس ^{۵۱}P، و نسخ خطی ۸، A، B، K و F2 یافت می شود. "از عیسی مسیح" در MS D یافت می شود. این ممکن است یک افزودنی اولیه برای روشن شدن این باشد که این پدر است که ما را از طریق مسیح فرا می خواند. باید بار دیگر بیان شود: خداوند همواره در نجات انسان ابتکار عمل را در دست دارد (مراجعه کنید به یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵؛ رومیان ۹، افسسیان ۱: ۳-۱۴). موضوع خاص: انتخاب / تقدیر و نیاز به تعادل الهیاتی را در اول تسالونیکیان ۱: ۴ و موضوع ویژه: فراخواندن در دوم تسالونیکیان ۱: ۱۱ را مطالعه کنید.

■ "به سوی انجیلی دیگر" "متفاوت" [heteros] گاهی به معنای "یکی از نوعی دیگر" مورد استفاده قرار می گیرد. در آیه *allos* (یعنی "دیگری از همین نوع") استفاده شده است؛ این را می توان "دیگری از همین نوع در یک توالی" ترجمه کرد. با این حال، در یونانی کوبین این اصطلاحات مترادف هستند و نباید با تمایز زیادی بر آنها تاکید کرد. اما، در این متن، پولس آشکارا از هر دو برای تضاد استفاده می کند.

۷: ۱

NASB "که واقعاً یکی دیگر نیست"
NKJV "که یکی دیگر نیست"

NRSV	"نه این که انجیل دیگری وجود دارد"
TEV	"هیچ انجیل دیگری وجود ندارد"
NJB	"نه این که می تواند بیش از یک خبر خوب باشد"

دو انجیل وجود ندارد، هر چند انجیل واقعی را غالباً منحرف میکنند. ترجمه KJV غلاطیان ۲: ۷ اغلب به عنوان اشاره به دو انجیل، یکی برای یونانیان و دیگری برای یهودیان تعبیر شده است. هر چند ممکن است گفته های معلمان دروغین باشد، این یک استنتاج ناگوار و غیرواقعی است.

NASB	"فقط بعضی ها هستند که شما را آزار می دهند"
NKJV	"اما عده ای هستند که برای شما مشکل دارند"
NRSV	"اما عده ای هستند که شما را گیج می کنند"
TEV	"عده ای هستند که شما را ناراحت می کنند"
NJB	"این فقط برخی از مشکلات بین شما"

"مزاحمت" به یک عمل هدفمند مانند یک شورش نظامی اشاره دارد (یعنی این متن چندین اصطلاح نظامی دارد). "معلم دروغین" در غلاطیان ۵: ۱۲ جمع است، اما احتمالاً فقط رهبر معلمان دروغین به دلیل استفاده فعل به صورت مفرد در غلاطیان ۵: ۷ و دو بار در غلاطیان ۱۰: ۵ منظور شده است. در غلاطیان ۵: ۱۲ به آنها "آشوبگر" می گویند. بسیاری تصور می کنند که یهودیان غلاطیان مترادف با فریسیان یا کاهنان اعمال رسولان ۱۵: ۱، ۵، ۲۴ هستند. آنها قبل از اینکه مسیحی شوند، بر ضرورت یهودی شدن تاکید کردند. تاکید یهودی زدگان بر قانون یهود را می توان در موارد زیر مشاهده کرد:

۱. ضرورت ختنه (مراجعه کنید به غلاطیان ۲: ۳-۴؛ ۵: ۱؛ ۶: ۱۲-۱۵)
۲. نگه داشتن روزهای خاص (مراجعه کنید به غلاطیان ۴: ۱۰)
۳. امکان احتمالی نگه داشتن قوانین مواد غذایی که در تقابل پولس با پطرس دلالت دارد (مراجعه کنید به غلاطیان ۲: ۱۱-۱۴)

این احتمالاً همان گروه معلمان دروغین ذکر شده در دوم قرن تیان ۱۱: ۲۶ و اول تسالونیکیان ۲: ۱۴ الی ۱۶ بود. مشکل آنها این نبود که آنها جایگاه اصلی مسیح را در نجات انکار می کردند، بلکه این بود که آنها نیز به قانون موسی احتیاج داشتند که فیض و عملکرد انسان را اشتباه می گرفت. پیمان جدید به شایستگی انسان توجه نمی کند (مراجعه کنید به ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴؛ حزقیال ۳۶: ۲۲-۳۸).

مسئله الهیاتی و عملی چگونگی ارتباط عهد عتیق و عهد جدید حتی امروز نیز پابرجاست. در اینجا گزینه های ممکن وجود دارند که طی سالها پیشنهاد شده اند:

۱. عهد عتیق را نادیده بگیرید
۲. بزرگنمایی عهد عتیق
۳. ادامه اخلاق، اما نه فرقه اسرائیل
۴. عهد جدید را از نظر مقولات عهد عتیق بخوانید
۵. عهد عتیق را از طریق پیام جدید عیسی بخوانید
۶. آن را به عنوان یک وعده (عهد عتیق) و تحقق (عهد جدید) ببینید

من با این مسئله مبارزه کرده ام! به نظر من عهد عتیق مطمئناً وحی است (متی ۵: ۱۷-۱۹؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱۵-۱۶). نمی توان کتاب مقدس را بدون پیدایش درک کرد. عهد عتیق مطمئناً خداوند را به طرز شگفت انگیزی افشا می کند، اما به نظر من یهودیت با تاکید بر جنبه انسانی عهد، پیمان موسی را اشتباه گرفت! من ترجیح می دهم بر جنبه کلی و الهیاتی تاکید کنم (به عنوان مثال، پیدایش ۳: ۱۵؛ ۱۲: ۳؛ خروج ۱۹: ۵-۶) با یک پاسخ پیمانی اجباری بشر!

عهد جدید نویدهای ملی به اسرائیل را جهانی می کند تا به موجب آن هدف اصلی خدا برای پس گرفتن بشر در حال سقوط، ساخته شده در تصویر و شباهت او (پیدایش ۱: ۲۶-۲۷) کاملاً تحقق یابد! یک خدا، یک جهان، یک راه برای احیای دوستی و رفاقت (یعنی پیام اشعیا)!

موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی یهوه

(SPECIAL TOPIC: YHWH'S ETERNAL REDEMPTIVE PLAN)

باید به شمای خواننده اذعان دارم که در این نقطه من متعصب هستم. نظام خداشناسی من بر پایه مکتب جان کالوین یا سایر مکاتب ریاکار نیست، بلکه ترویج قوی مسیحیت است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۱۸ الی ۲۰، انجیل لوقا ۲۴: ۴۶ و ۴۷، اعمال رسولان ۱: ۸). من معتقدم خدا یک برنامه جاودانی برای رستگاری تمامی بشریت دارد (برای مثال پیدایش ۳: ۱۵ و ۱۲: ۳، خروج ۱۹: ۵ و ۶، ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۱۸، ۳۶: ۲۲ الی ۳۹، اعمال رسولان ۲: ۲۳، ۳: ۱۸، ۴: ۲۸، ۱۳: ۲۹، رومیان ۳: ۹ الی ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ الی ۳۱)، تمامی آنها در تصور او به زیبایی خلق شدند (رجوع شود به پیدایش ۱: ۲۶ و ۲۷). تمامی آن وعده ها در عیسی جمع شده اند (مراجعه شود به غلاطیان ۳: ۲۸ و ۲۹، کولسیان ۳: ۱۱). عیسی راز

خداست، پنهان بود ولی اینک هویدا شده است (رجوع شود به افسسیان ۲: ۱۱ و ۳: ۱۳)! انجیل عهد جدید، و نه اسرائیل کلید کتاب مقدس است. این درک مقدماتی، تمامی تفسیرهای مرا از کتاب مقدس رنگین می‌سازد. من تمامی متون را با این ذهنیت خواندم! یقیناً این تعصب است (در تمامی تفاسیر دیده می‌شود!)، ولی این یک پیش‌فرض ناشی بر مبنای آگاهی به کتاب مقدس است.

تمرکز پیدایش ۱ الی ۲ بر آن است که یهوه مکانی را خلق می‌کند که او و بالاترین مخلوقش، نوع بشر می‌توانند با هم رفاقت کنند (رجوع شود به آفرینش ۱: ۲۶ و ۲۷، ۳: ۸). خلقت فیزیکی مرحله‌ای است برای این اقدام الهی.

۱. سنت آگوستین به این شخصیت حفره الهی شکل در انسان می‌دهد که فقط می‌تواند توسط خود خدا پر شود

۲. سی اس لوتیس به این سیاره نام "سیاره لمس شده" را می‌دهد (توسط خداوند برای بشر تهیه شده).

عهد عتیق اشارات زیادی بر این اقدام الهی دارد.

۱. آفرینش ۳: ۱۵ نخستین وعده‌ای است که یهوه نوع بشر را در فاجعه و گناه و شورش رها نمی‌کند. به اسرائیل اشاره نمی‌کند زیرا اسرائیلی وجود ندارد، یا مردم تحت پیمان، تا زمانیکه ابراهیم در آفرینش ۱۲ ظهور می‌کند.

۲. پیدایش ۱۲: ۱ الی ۳ اولین نام بردن یهوه از رستگاری توسط ابراهیم است که مردم پیرو، و اسرائیل را به وجود می‌آورد. ولی حتی در این نخستین یادآوری، خدا مجبور بود که مراقب تمام دنیا باشد. به پیدایش ۱۲: ۳ توجه کنید!

۳. خروج ۲۰ (سفر تشنه ۵) یهوه فرمان او (خدا) را به موسی داد تا مردم خاص خود را هدایت کند. توجه کنید که در خروج ۱۹: ۵ و ۶، یهوه رابطه خاصی را که اسرائیل خواهد داشت افشا می‌کند. ولی همچنین توجه داشته باشید که آنها، همانند ابراهیم، منتخب بودند تا جهان را برکت دهند (رجوع شود به خروج ۱۹: ۵ "تمامی زمین از آن من است"). اسرائیل باید مکانیزمی می‌بود برای ملتها تا یهوه را بشناسند و به خدا روی آورند. متأسفانه آنها موفق نشدند (رجوع شود به حزقیال ۳۶: ۲۲ الی ۳۸).

۴. در اول پادشاهان ۸ سلیمان معبدی را اهدا می‌کند تا همه بتوانند بسوی یهوه بیایند (رجوع شود به اول پادشاهان ۸: ۴۳ و ۶۰).

۵. در مزامیر ۲۲: ۲۷ و ۲۸، ۶۶: ۴، ۸۶: ۹ (مکاشفه ۱۵: ۴)

۶. از میان پیامبران یهوه به طور مستمر برنامه‌های رستگاری او (خدا) را آشکار می‌کرد.

a. اشعیا - ۲: ۲ الی ۴، ۱۲: ۴ و ۵، ۲۵: ۶ و ۹، ۴۲: ۶ و ۱۰ الی ۱۲، ۴۵: ۲۲، ۴۹: ۵ و ۶، ۵۱: ۴ و ۵، ۵۶: ۶ الی ۸، ۶۰: ۱ الی ۳، ۶۶: ۲۳ و ۱۸

b. ارمیا ۳: ۱۷، ۴: ۱۶، ۱۹

c. میکاه ۴: ۱ الی ۳

d. ملاکی ۱: ۱۱

تاکید کلی با به کارگیری "پیمان جدید" آسانتر می‌شود (ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۳۶: ۲۲ الی ۳۸)، که بر بخشش یهوه تأکید دارد، نه بر عملکرد انسان انحطاط یافته. این "قوت قلب جدیدی" است، "تفکری جدید"، و "روحی جدید". اطاعت ضروری ولی درونی است، نه فقط اعمال ظاهری (رجوع شود به رومیان ۳: ۲۱ الی ۳۱).

عهد جدید به وضوح برنامه رستگاری جهانی را به راه‌های مختلف به اجرا می‌گذارد.

۱. کمیسیون عالی (انجیل متی ۲۸: ۱۸ الی ۲۰، انجیل لوقا ۲۴: ۴۶ و ۴۷، اعمال رسولان ۱: ۸)

۲. برنامه جاودانه خدا (یعنی از پیش تعیین شده) - انجیل لوقا ۲۲: ۲۲، اعمال رسولان ۲: ۲۳، ۳: ۱۸، ۴: ۲۸، ۱۳: ۲۹

۳. خدا می‌خواهد تمامی انسانها نجات یابند - انجیل یوحنا ۳: ۱۶، ۴: ۴۲، اعمال رسولان ۱۰: ۳۴ و ۳۵، تیموتائوس ۲: ۴ الی ۶، تیتوس ۲: ۱۱، دوم پطرس ۳: ۹، اول یوحنا ۲: ۲ و ۴: ۱۴

۴. مسیح عهد قدیم و عهد جدید را متحد می‌سازد - غلاطیان ۳: ۲۸ و ۲۹، افسسیان ۲: ۱۱ الی ۳: ۱۳، کولسیان ۳: ۱۱. تمامی موانع و تمایزات در مسیح از بین می‌روند. عیسی "راز خداست"، که پنهان بود ولی اینک آشکار شده است (افسسیان ۲: ۱۱ الی ۳: ۱۳).

عهد جدید بر عیسی تمرکز دارد، نه اسرائیل. انجیل، نه منطقه‌ای و نه جغرافیایی، بلکه در مرکزیت است. اسرائیل اولین مکاشفه بود ولی عیسی آخرین است (رجوع شود به انجیل متی ۵: ۱۷ الی ۴۸).

امیدوارم زمانی را نیز صرف خواندن این مقاله کنید: موضوع خاص: چرا به نظر می‌رسد که وعده‌ها و پیمانهای عهد عتیق با وعده‌ها و پیمانهای عهد جدید متفاوت هستند؟ می‌توانید آن را در www.freebiblecommentary.org بیابید

NASB "و می‌خواهند انجیل مسیح را تحریف کنند"

NKJV, NRSV "و می‌خواهد انجیل مسیح را منحرف کند"

TEV "و سعی در تغییر انجیل مسیح دارند"

NJB "می‌خواهید خبر خوب مسیح را تغییر دهید"

"تحریف" زمان آنوریست آنوریستی نامحدود به معنی "معکوس کردن" است، احتمالاً یک اصطلاح نظامی دیگر باشد. اگرچه اخلاق عنصر مهمی از انجیل است، اما همواره به دنبال رستگاری است. آن طور که یهود-زدگان ادعا می‌کنند نیست (رجوع کنید به افسسیان ۲: ۸-۹ و ۱۰). خبر خوش پولس مسیح بود، پس از آن مسیحیت. انجیل آنها عدالت بود (شریعت موسی) و سپس عدالت خدا در مسیح.

۸: ۱ "اما حتی اگر" این جمله شرطی نوع سوم با یک امر فرضیه میان گرایانه که یک وضعیت فرضی را نشان می‌دهد است (مراجعه کنید به دوم قرنتیان ۱۱: ۴ الی ۴). پولس ادعا کرد که اگر او یا فرشته‌ای از بهشت، موعظه‌های مختلفی را موعظه کنند، باید مورد قضاوت قرار بگیرند و از خدا جدا شوند.

NASB	"او لعنت شده است!"
NKJV	"بگذار او نفرین شود"
NRSV	"ملعون باد"
TEV	"ممکن است او به جهنم محکوم شود"
NJB	"او باید محکوم شود"

"نفرین" (*anathema*)، متی ۱۸: ۷؛ رومیان ۹: ۳؛ اول قرنتیان ۱۲: ۳؛ ۲۲: ۱۶) ممکن است اصطلاح عبری را در اینجا منعکس کند که به معنای وقف چیزی برای خدا به کار رفته است. در این صورت که اریحا برای نابودی به خدا وقف داده شده بود، هریم از کاربرد آن تاثیر منفی گذاشت (رجوع کنید به یوشع ۶-۷). نفرین خدا یک نتیجه طبیعی است که مردمش بیمان می‌شکنند (مراجعه کنید به تثنیه ۲۷: ۱۱-۲۶). با این حال، پولس به طور خاص از این اصطلاح برای نشان دادن جدی بودن انجیل معلمان دروغین با سزاوار خشم خدا بودن استفاده کرد.

غلاطیان ۱: ۸ و ۹ همسو هستند. با این حال، جمله شرطی نوع سوم غلاطیان ۱: ۸ عمل بالقوه (یعنی فرضی) را نشان می‌دهد، در حالی که جمله شرطی نوع اول غلاطیان ۱: ۹ عملکرد فعلی و فرضی را نشان می‌دهد (یعنی موعظه معلمان دروغین).

موضوع خاص: نفرین (*anathema*)

SPECIAL TOPIC: CURSE (ANATHEMA)

۱. عهد عتیق

چندین کلمه در زبان عبری برای "نفرین" وجود دارد. *Herem* (KBD 353, BDB 356) در مورد چیزی که به خدا داده/واگذار می‌شد (مراجعه شود به LXX که آن را به عنوان *anathema* ترجمه می‌کند، BAGD ۵۴، لاویان ۲۷: ۲۸) استفاده می‌گردید. معمولاً شامل تخریب آن موضوع بود زیرا برای استفاده انسانی بیش از مقدس بود (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۷: ۲۶، یوشع ۶: ۱۷ الی ۱۸، ۱۷: ۱۲). اصطلاحی بود که در مفهوم "نبرد مقدس" استفاده می‌شد. خدا به یوشع گفت که کنعانیان را نابود کند. اریحا اولین موقعیت بود، "نخستین میوه" این نبرد/پاکسازی مقدس.

۲. عهد جدید

در عهد جدید *anathema* و حالت‌های مرتبط با آن در مفاهیم مختلف استفاده شده اند:

- به عنوان هدیه یا پیشکش به خدا (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۱: ۵)
- به عنوان سوگند به مرگ (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۳: ۱۴)
- برای نفرین کردن و سوگند خوردن (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۷۱)
- فرمولی در رابطه با نفرین کردن عیسی (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۲: ۳)
- چیزی یا کسی که به منظور تخریب یا داوری توسط خدا داده می‌شود (مراجعه شود به رومیان ۹: ۳، اول قرنتیان ۱۶: ۲۲، غلاطیان ۱: ۸ الی ۹).

ردیف d در فهرست فوق بسیار بحث برانگیز است. من یادداشت‌های خود را از اول قرنتیان ۱۲: ۳ اضافه می‌کنم:

"عیسی نفرین شده است" یک گفته شوکه کننده است. چرا کسی (به استثنای یهودیان سنتی) که ادعا می‌کند از طرف خدا صحبت می‌کند، چنین حرفی بزند؟ این اصطلاح (یعنی *anathema*) خودش زمینه عهد عتیقی دارد (یعنی اصطلاح عبری، *Herem*). در رابطه با مفهوم نبرد مقدس است، که شهری خود را وقف خدا می‌کند و بنابراین مقدس می‌شود. این یعنی هر چه در آن نفس بکشد، انسان یا حیوان باید بمیرد (مراجعه شود به یوشع ۶: ۱۷، ۷: ۱۲). نظریاتی که چگونه این اصطلاح در قرنتس استفاده می‌شد، به شرح زیر هستند:

- که یک ریشه یهودی در رابطه با سوگند کنیسه دارد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۶: ۱۱، یعنی، فرمول‌های نفرین ربیها برای حذف کردن مسیحیان از کنیسه استفاده می‌شد). برای باقیماندن فرد باید عیسی ناصری را رد یا نفرین می‌کرد.
- ریشه رومی در ارتباط با عبادت امپراتور دارد که فقط سزار را می‌شد "ارباب/سرور" خواند.

۳) ریشه عبادت در رابطه با بت پرستان دارد که نفرین بر کسانی داده می‌شد که از نام خدا استفاده می‌کردند. این را می‌توان چنین ترجمه کرد "باشد که عیسی — را نفرین کند" (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۶: ۲۲).

۴) که کسی این عبارت را به مفهوم الهیاتی مرتبط می‌کند با این مفهوم که عیسی لعنت عهد عتیق را به جای ما تقبل کرد (مراجعه شود به کتاب تنبیه ۲۱: ۲۳، غلاطیان ۳: ۱۳).

۵) مطالعات اخیر از قرن‌تس (مراجعه شود به پی نویس شماره ۱ صفحه ۱۶۴ در کتاب Bruce Winter به نام *After Paul Left Corinth*) لوح‌های نفرین در اکروپولیس باستانی در قرن‌تس یافت شدند، مستند می‌کنند که متخصصین تصور می‌کنند رابطه ای میان فعل "بودن" باید در این عبارت وجود داشته باشد "عیسی نفرین شده بود"، ولی این سند تاریخی به وضوح نشان می‌دهد که این نفرین‌های رومیان قرن نخست از قرن‌تس فاقد این فعل هستند (همینطور هم برخی از نفرین‌ها در LXX کتاب تنبیه ۱۵: ۲۲ الی ۲۰)، همینطور هم در اول قرن‌تینان ۳: ۱۲. شواهد باستان‌شناسی دیگری هستند که مسیحیان قرن نخست رومی قرن‌تس از نفرین در اعمال کفن و دفن استفاده می‌کردند (یعنی در دوران بیزانس، که در قبرهای مسیحیان یافت شد (مراجعه شود به *The Inscriptions* اثر J. H. Kent، سال ۱۹۲۶ الی ۵۰، Princeton: American School of Classical Studies, 1966, vol. 8:3, no. 644)).

برخی از کلیساهای قرن‌تس نفرین‌ها را به نام بر علیه دیگر اعضای کلیسا تغییر دادند. نه فقط این روش یک مشکل بود، بلکه یک انگیزه نفرت انگیز هم بود. این یک مثال دیگر از تنش‌های درونی این کلیسا است. پولس از آنها می‌خواهد که کلیسای برپا کنند، آن را تهذیب کنند، ولی آنها می‌خواهند نفرین بخشی از کلیسا باشد.

۹:۱ "چنانکه پیشتر گفتیم" این فعل زمان کامل اخباری جمع است، که به آموزش قبلی و موعظه‌های گروه بشارتی پولس اشاره دارد.

■ "انجیلی غیر از آنچه پذیرفتید" فعل "دریافت" (*paralambanō*)، آئوریست اخباری فعال) یک اصطلاح فنی در نوشته‌های روحانیون برای متون "روایات شفاهی" است، که بیانگر آن است که پولس در حال گذر از روایت انجیلی است (مراجعه کنید به غلاطیان ۱: ۱۲؛ اول قرن‌تینان ۱۱: ۲۳؛ ۱۵: ۳؛ فیلمون ۴: ۹؛ اول تسالونیکیان ۲: ۱۳؛ ۴: ۱؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۶)) اما متن تاکید دارد که وی این روایت را از انسان‌های دیگر دریافت نکرده است (مراجعه کنید به غلاطیان ۱: ۱۲).

برای مسیحی شدن، باید مسیح را بپذیرید (مراجعه کنید به یوحنا ۱: ۱۲) یا به عبارت دیگر، به انجیل ایمان آورید (مراجعه کنید به یوحنا ۳: ۱۶). تحول مسیحی دارای سه جنبه است، که همه آنها بسیار مهم هستند (هر سه مورد مربوط به سه مورد استفاده از *pistis - pistellō* می‌باشند، به یادداشتهای غلاطیان ۱: ۲۳-۲۴ مراجعه کنید):

۱. شخصا عیسی را بپذیرید (شخصی که به آن ایمان داشته باشید)

۲. به حقایق عهد جدید در مورد او ایمان داشته باشید (حقایق در مورد آن شخص برای تایید)

۳. همچون او زندگی کنید (زندگی برای زندگی همچون آن شخص)

باید روشن شود که عناصر اصلی انجیل پولس به طور مستقیم از عیسی مسیحیت یافت (رجوع کنید به غلاطیان ۱: ۱۲). پولس قبل از مراجعه به کلیسای مادر و رهبران آن در اورشلیم، چندین سال مد نظر داشت و آنها را بسط می‌داد (مراجعه کنید به غلاطیان ۱: ۱۸؛ ۲: ۱). اما پولس درباره کلام و اعمال عیسی نیز از کسانی که او را می‌شناختند، آموخت:

۱. کسانی که او را تحت آزار و اذیت قرار دادند، شاهد او بودند

۲. او دفاع از استفان را دید و شنید (مراجعه شود به اعمال رسولان ۷: ۵۸)

۳. آنانیاس که شاهد او بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۱۰-۱۹)

۴. او به مدت ۱۵ روز با پیتر دیدار کرد (مراجعه شود به غلاطیان ۱: ۱۸)

علاوه بر این، پولس همچنین در آثار خود بسیاری از آداب یا سرودهای کلیسای اولیه را نقل می‌کند (مراجعه کنید به غلاطیان ۱: ۴-۵؛ اول قرن‌تینان ۱۵: ۳ الی ۴؛ افسسیان ۵: ۱۴؛ فیلمون ۲: ۶-۱۱؛ کولسیان ۱: ۱۵-۲۰؛ اول تیموتائوس ۳: ۱۶)؛ و چندین بار از روایات مسیحی یاد می‌کند (مراجعه کنید به اول قرن‌تینان ۱۱: ۲، دوم تسالونیکیان ۳: ۶). پولس به دلیل اتهامات معلمان دروغین، به تعبیر بسیار خاص و به حالت تدافعی شده صحبت می‌کرد.

۱۰:۱ "آیا تایید مردم را می‌خواهم یا تایید خدا را" این یک توسعه و ادامه موضوعی است که در غلاطیان ۱: ۱ آغاز شد. سخنان محکم پولس به معلمان دروغین ثابت کرد که او سعی نمی‌کند مردانی را که ادعاهای ظاهری دارند، راضی کند. احتمالاً پولس بخاطر این گفته خود مورد انتقاد قرار گرفت که او همه چیز را برای همه مردان مشابه اول قرن‌تینان ۹: ۱۹-۲۷؛ اعمال رسولان ۲۱: ۱۷-۲۶ بدست آورد. این سو تعبیر شده است:

۱. سازش با فرهنگ بت پرستی

۲. موعظه او دو انجیل، یکی برای یهودیان و دیگری آسانتر برای مشرکان

■ "اگر" آیه ۱۰ جمله شرطی نوع دوم است که جملات "خلاف واقعیت" را بیان می کند. این جمله تقویت می شود: "اگر من همچنان در پی خشنودی مردم بودم، که من نبودم، پس من خادم مسیح نبودم که هستم." به پیوست یک، VII مراجعه کنید.

■ "همچنان در پی خشنودی مردم بودم" درباره کلمه "همچنان" بحث زیادی شده است. آیا این بدان معناست که او هرگز از مردم دلجویی نکرده یا اعتراف کرده است که به عنوان یک فریسی بزرگ و متعصب در روزهای نخستین خود، سعی در خشنود ساختن مردم داشته است (برای فریسیان، فریسیان، مراجعه شود به غلاطیان ۱: ۱۴)؟

■ "خادم مسیح نمی بودم" این یک اشاره به آموزه های مسیح است که نمی توان به دو استاد خدمت کرد (مراجعه کنید به متی ۶: ۲۴). اصطلاح "خادم متعهد" ممکن است توسط پولس برای اشاره به یکی از اینها استفاده شده باشد

۱. عیسی به عنوان لرد/ارباب و پولس به عنوان برده

۲. یک عنوان افتخاری از رهبری از عهد عتیق استفاده شده توسط موسی (مراجعه شود به تثنیه ۳۴: ۵؛ یوشع ۸: ۳۱، ۳۳)، یوشع (مراجعه کنید به یوشع ۲۴: ۲۹؛ داوران ۲: ۸)، و به داوود (مراجعه کنید به دوم سموئیل ۷: ۵؛ عنوان، مزامیر ۱۸)

NASB: غلاطیان ۱: ۱۱ الی ۱۷

۱۱ ای برادران، می خواهم بدانید انجیلی که من بدان بشارت دادم، انجیلی بشری نیست،^{۱۲} زیرا من آن را از انسان نیافتم، و کسی نیز آن را به من نیاموخت؛ بلکه آن را از طریق مکاشفه عیسی مسیح دریافت کردم.

۱۳ شما وصف زندگی گذشته مرا در دین یهود شنیده اید، که چه بسیار کلیسای خدا را آزار می رسانیدم و آن را ویران می کردم.^{۱۴} او در یهودیگری از بسیاری از همسالان قوم خود پیشی گرفته، در اجرای سنت های پدران خویش بی نهایت غیور بودم.^{۱۵} اما چون خشنودی او که مرا از زحم مادرم وقف کار خود کرد و به واسطه فیض خود مرا فرا خواند در این بود^{۱۶} که پسر خود را در من آشکار سازد تا بدو در میان غیر یهودیان بشارت دهم، در آن زمان با جسم و خون مشورت نکردم،^{۱۷} و به اورشلیم نیز، نزد آنان که پیش از من رسول بودند، نرفتم؛ بلکه راهی عربستان شدم و سپس به دمشق بازگشتم.

۱: ۱۱ الی ۲: ۱۴ این یک واحد ادبی است که در آن پولس از رسول بودن خود دفاع می کند، تا بتواند از انجیل خود دفاع کند.

۱۱: ۱

NASB "زیرا من می خواهم شما بدانید، برادران"

NKJV "اما من شما برادران را می شناسم"

NRSV "زیرا من می خواهم شما بدانید، برادران و خواهران"

TEV "بگذار برایت بگویم"

NJB "واقعیت این است، برادران، و من می خواهم شما این موضوع را تحقق بخشید"

KJV این را ترجمه می کند به عنوان "من برای شما گواهی می کنم"، یک ترجمه فنی از این عبارت است (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۱۲: ۳؛ ۱۵:

۱؛ دوم قرنتیان ۸: ۱).

۱: ۱۱ الی ۱۲ "انجیلی که من بدان بشارت دادم، انجیلی بشری نیست" این عبارتی را آغاز می کند که دو انکار غلاطیان ۱: ۱ را تکرار می نماید. پولس ادعا کرد که پیام او منشا انسانی ندارد. وی در ادامه ادعا کرد که آن را از هیچ انسانی دریافت نمی کند. کلمه "دریافت" از اصطلاحات دانش آموزی که در مدارس روحانیون آموزش داده می شد، استفاده شده. انجیل برخلاف آموزه هایی بود که پولس به عنوان دانش آموز ربی در اورشلیم دریافت کرد. این کار را با مکاشفه ای از عیسی مسیح، چه در جاده دمشق و چه در عربستان، به او آموختند (مراجعه کنید به افسسیان ۳: ۲-۳). وی این را سه بار در آیات ۱۱-۱۲ بیان کرد!

کلمه "انجیل" و فعل "موعظه شده" هر دو اصطلاحات مرکب هستند.

۱. eu، "خوب"

۲. فرشته، "اخبار" یا "پیام"

پولس از آنها در اول قرنتیان ۱: ۱۵ استفاده می کند.

۱۲:۱ "مکاشفه عیسی مسیح" این ممکن است یا یک مورد مضاف الیه فاعلی باشد (تاکید بر عیسی به عنوان عامل وحی، یعنی مخالف "از طرف مردان") یا یک مضاف الیه مفعولی (تاکید بر عیسی به عنوان محتوای وحی، مراجعه کنید به غلاطیان ۱: ۱۶).

۱۳:۱ "شما وصف زندگی گذشته مرا در دین یهود شنیده‌اید" مشخص نیست که این کلیساها این را چگونه شنیده باشند.

۱. دانش مرسوم بود

۲. پولس با آنها به اشتراک گذاشته بود

۳. معلمان دروغین نسبت به رفتار سابق وی اشاره داشته‌اند

به نظر می‌رسد "یهودیت" به فریسیسم اشاره دارد (اعمال رسولان ۲۶: ۴-۵). پس از تخریب اورشلیم در ۷۰ میلادی توسط ژنرال رومی تیتوس، گروه فریسیان به سمت شهر جنینا حرکت کرد. عنصر صدوقیان کاملاً از بین رفت و فریسیسم به یهودیت مدرن خاخام تبدیل شد. پولس چیزی را از زندگی خود به عنوان یک فریسی بزرگوار در فیلمون ۳: ۴-۶ ذکر کرد.

موضوع خاص: فریسیان

(SPECIAL TOPIC: PHARISEES)

۱. منشا این اصطلاح احتمالاً یکی از موارد زیر است

a. "جدا بودن". این گروه در طول دوره مکابی بسط یافتند (این دیدگاه بیشتر پذیرفته شده است)، و خود را از توده مردم جدا کردند تا روایت‌های شفاهی قوانین موسی را حفظ کنند (*Hasidim*).

b. "تقسیم کردن" یک معنی دیگر این اصطلاح از همان ریشه عبری لغت است (BDB 827, BDB 831 I, KB 976)، هر دو به معنی تقسیم کردن هستند. برخی اساتید می‌گویند معنی آن مفسر یا مترجم است (مراجعه شود به نحیما ۸: ۸، دوم تیموتائوس ۲: ۱۵).

c. "پارسی" این معنی دیگر این اصطلاح از همان ریشه آرامی است (BDB 828, KB 970). برخی از دکتربین‌های فریسیان وجوه اشتراک زیادی با دوالبسم زرتشتیان ایران دارد.

۲. نظریات زیادی وجود دارند که چه کسی فریسیان را به وجود آورد

a. یک بخش خداشناسی از یهودیسم اولیه (جوزفوس)

b. یک گروه سیاسی از دوره‌های هاسمونیان و هردویان

c. یک گروه اساتید مفسرین موسی که به مردم عادی کمک می‌کردند پیمان موسی و سنت‌های شفاهی پیرامون آن را درک کنند

d. جنبشی از منشیان، مانند عزرا و Great Synagogue، در رقابت با رهبری روحانیون معبد

شکل‌گیری آنها ناشی از درگیری گروه‌های زیر بود

۱. مافوق‌های غیر یهودی (به خصوص آنتیخوس چهارم)

۲. اشراف در مقابل شریعت

۳. آنان که به پیمان زندگی متعهد بودند در برابر یهودیان عامی فلسطین

۳. اطلاعات ما در مورد آنها از این منابع است

a. جوزفوس که فریسی بود

i. *Antiquities of the Jews*

ii. *Wars of the Jews*

b. عهد جدید

c. منابع جدیدتر یهود

۴. دکتربین اصلی آنها

a. اعتقاد به آمدن مسیح، که تحت تاثیر ادبیات آخرازمانی یهود قرار گرفته بود، مانند اول انوش.

b. اعتقاد به اینکه در زندگی روزانه ما خدا فعال است. این کاملاً مخالف اعتقادات سادوجس‌ها بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۳: ۸).

بسیاری از دکتربین‌های فریسیان از دیدگاه الهیات و خداشناسی در نقطه متضاد دکتربین‌های سادوجس‌ها بود.

c. اعتقاد بر زندگی پس از مرگ بر اساس زندگی شیوه زندگی زمینی، که شامل پاداش و مجازات است (مراجعه شود به دانیال ۱۲: ۲)

d. اعتقاد بر اقتدار فرامین خدا در عهد عتیق بر اساس آنچه که در مدارس روحانیون تفسیر می‌شدند (شامای، محافظه کار و هیلل، لیبرال).

تفسیر روحانیون بر اساس مناظره میان روحانیون دو مکتب فلسفی مختلف صورت می‌گرفت، یکی محافظه‌کار و دیگری لیبرال. این

مناظرات شفاهی بر اساس معنی کتاب مقدس نهایتاً در دو حالت نوشته می‌شدند: تلموذ بابلی و تلموذ غیر کامل فلسطینی. آنها معتقد بودند که موسی این تفاسیر شفاهی را در کوه سینا گرفته است. شروع تاریخی این مباحثات با عزرا و مردان *Great Synagogue* که بعداً سانهدرین نامیده شدند آغاز شد.

e. اعتقاد به فرشته شناسی والا. این شامل هم معنویت خوب و معنویت شیطانی بود. این از دوالیسم پارسی و ادبیات کتاب مقدس یهود بسط یافت.

f. اعتقاد به پادشاهی خدا، و البته آزادی اراده انسان (*yetzers*)

۵. قدرت جنبش فریسیان

a. آنها عاشق مکاشفه خدا بوده و به آن احترام می‌گذاشتند و اعتماد داشتند. (یعنی تمام آن، منجمله قوانین، پیامبران، نوشته‌ها، و روایت‌های شفاهی).

b. آنها متعهد بودند که پیروان صادق (ایمان روزانه و زندگی) مکاشفه خدا باشند. آنها یک اسرائیل تحت عدالت می‌خواستند تا وعده‌های نبوتی روز جدید و پر رونق تحقق یابد.

c. آنها حامی برابری جامعه یهود بودند که شامل تمامی مردم از تمامی اقشار و سطوح بود. به مفهومی، آنها رهبری روحانیون (یعنی سادو و جوسها) و الهیات آنها را رد می‌کردند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۳: ۸).

d. آنها با یک مولفه انسانی معبر بر پیمان موسی فائق آمدند. آنها تماماً پادشاهی خدا تصریح کردند، ولی همچنین نیاز انسان بر تجربه آزادی اراده را حفظ نمودند (دو *yetzers*).

e. عهد جدید از چندین فریسی قابل احترام نام می‌برد (مثلاً نیکودیموس، حاکم ثروتمند جوال، و جوزف از آریماتئا).

۶. آنها تنها گروه قرن اول یهودی بودند که از تخریب اورشلیم و معبد توسط رومیان در سال ۷۰ میلادی باقی ماندند. آنها یهودیان مدرن شدند.

"چگونه من بیش از حد مجازات می‌کردم" NASB

"چگونه آزارم دادم" NKJV

"من به شدت آزار و اذیت می‌کردم" NRSV

"چگونه من بدون رحمت آزار دادم" TEV

"چقدر خسارت به آن وارد کردم" NJB

این فعل زمان غیر کامل که در اعمال رسولان ۹: ۴ هم استفاده شده است، اشاره به فعالیت مکرر او که در اعمال ۸: ۱-۳، ۲۲: ۲۰؛ و ۲۶: ۱۰ (مراجعه کنید به اول قرن‌تبیان ۱۵: ۹؛ اول تیموتائوس ۱: ۱۳) توضیح داده شده است، دارد. اینها همان شرایط کلی هستند که در آن پولس شهادت شخصی خود را به اشتراک گذاشت.

برای "بیش از حد" (اغراق)، موضوع زیر را در زیر مشاهده کنید.

موضوع خاص: استفاده پولس از حالات ترکیبی HUPER

(SPECIAL TOPIC: PAUL'S USE OF HUPER COMPOUNDS)

پولس علاقه ویژه‌ای به ایجاد کلمات جدید با استفاده از حرف اضافه یونانی *huper* دارد، که اساساً به معنای "بیش از" یا "بالا" است. هنگامی که با حالت مضاف الیه (مفعول عنه) استفاده می‌شود، به معنی "از جانب" است. این همچنین می‌تواند به معنای «در باره» یا «مربوط به» باشد مانند *peri* (مراجعه شود به دوم قرن‌تبیان ۸: ۲۳؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۱۸). هنگامی که در حالت مفعولی استفاده می‌شود، به معنی "بالای"، "بیش از" یا "فراتر از" است (مراجعه شود به *A Grammar of the Greek New Testament in the Light of Historical Research*, A. T. Robertson, صفحات ۶۲۵-۶۳۳). وقتی پولس می‌خواست مفهومی را برجسته کند، از این حرف اضافه در ترکیب استفاده می‌کرد. در زیر لیستی از کاربردهای کلی این حرف اضافه در ترکیبات پولس می‌بینید.

A. *Hapax legomenon* (فقط یک بار در عهد جدید استفاده شده است)

۱. *Huperakmos*, سالهای نخستین زندگی، گذشته، اول قرن‌تبیان ۷: ۳۶

۲. *Huperauxanō*, به شدت افزایش یافتن، دوم تسالونیکیان ۱: ۳

۳. *Huperbainō*, فراتر نهادن یا سرپیچی کردن، اول تسالونیکیان ۴: ۶

۴. *Huperkeina*, فراسو، دوم قرن‌تبیان ۱۰: ۱۶

۵. *Huperekteina*, بیش از حد طولانی، دوم قرن‌تبیان ۱۰: ۱۴

۶. *Huperentugchanō*, شفاعت کردن، رومیان ۸: ۲۶

۷. *Hupernikaō*، به شدت پیروز شدن، رومیان ۸: ۳۷
۸. *Huperpleonazō*، در فراوانی بیش از حد بودن، اول تیموتائوس ۱: ۱۴
۹. *Huperupsoō*، به برتری عالی رسیدن، فیلیپیان ۲: ۹
۱۰. *Huperphroneō*، افکار بلند داشتن، رومیان ۱۲: ۳
- B. کلماتی که فقط در نوشته‌های پولس استفاده شده اند
۱. *Huperairomai*، خود را تحسین کردن، دوم قرنتیان ۱۲: ۷، دوم تسالونیکیان ۲: ۴
۲. *Huperballontōs*، بیش از اندازه، فوق العاده، دوم قرنتیان ۱۱: ۲۳، (در اینجا فقط به صورت قید، ولی در قالب فعل در دوم قرنتیان ۳: ۱۰، ۹: ۱۴، افسسیان ۱: ۱۹، ۲: ۷، ۳: ۱۹)
۳. *Huperbolē*، بیش از حد پرتاب کردن، بیش از اندازه مسلح بودن، رومیان ۷: ۱۳، اول قرنتیان ۱۲: ۳۱، دوم قرنتیان ۱: ۸، ۴: ۷ و ۱۲، ۱۷: ۷، غلاطیان ۱: ۱۳
۴. *Huperekperissou*، فراسوی تمامی مقیاسها، افسسیان ۳: ۲۰، اول تسالونیکیان ۳: ۱۰، ۵: ۱۳
۵. *Huperlian*، بالاترین درجه، فوق العاده، دوم قرنتیان ۱۱: ۵، ۱۲: ۱۱
۶. *Huperochē*، برجسته، برتر، اول قرنتیان ۲: ۱، اول تیموتائوس ۲: ۲
۷. *Huperperisseuō*، فوق العاده فراوان، رومیان ۵: ۲۰ (حالت میانی، بیش از اندازه پر شدن، سرریز، دوم قرنتیان ۷: ۴)
- C. کلماتی که پولس استفاده کرده و به ندرت دیگر نویسندگان عهد جدید از آنها استفاده کرده اند
۱. *Huperanō*، به مراتب بالا، افسسیان ۱: ۲۱، ۴: ۱۰، و عبرانیان ۹: ۵
۲. *Huperechō*، تعالی، بالابردن، رومیان ۱۳: ۱، فیلیپیان ۲: ۳، ۳: ۸، ۴: ۷، اول پطرس ۲: ۱۳
۳. *Huperēphanos*، فرض کردن یا سرگردان، رومیان ۱: ۳۰، دوم تیموتائوس ۳: ۲ و انجیل لوقا ۱: ۵۱، یعقوب ۴: ۶، اول پطرس ۵: ۵
۵. پل مردی با شور و شوق زیاد بود. وقتی چیزها یا مردم خوب بودند، بسیار خوب بودند و زمانی که بد بودند، خیلی بد بودند. این حالت به او اجازه داد تا احساسات عالی خود را درباره گناه، خود، مسیح و انجیل بیان کند.

■ "کلیسای خدا" *Ekklesia* یک کلمه مرکب یونانی است که از "خارج" و "فراخواندن" است. این مورد در یونانی کوبین برای توصیف هر نوع اجتماع، مانند اجتماعات شهری استفاده شده است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۹: ۳۲). کلیسا این اصطلاح را انتخاب کرد زیرا در *Septuagint*، ترجمه یونانی عهد عتیق، که در اوایل سال ۲۵۰ قبل از میلاد برای کتابخانه اسکندریه مصر نوشته شده، استفاده شده است. این اصطلاح یونانی، اصطلاح عبری *qahal* را ترجمه کرد که در عبارت میثاق "مجمع اسرائیل" به کار رفته بود (مراجعه شود به اعداد ۲۰: ۴). نویسندگان عهد جدید ادعا می‌کردند که آنها "فراخوانندگان الهی" بودند که مردم خدای روزگار خود بودند. آنها شاهد هیچ اختلاف جدی بین مردم عهد عتیق خدا و خودشان، عهد جدید خدا نبودند. ما باید ادعا کنیم کلیسای عیسی مسیح وارث واقعی کتب عهد عتیق است، نه یهودیت مدرن ربی.

توجه داشته باشید که پولس از کلیساهای محلی در غلاطیان ۱: ۲ و کلیسای جهانی در غلاطیان ۱: ۱۳ یاد کرد. "کلیسا" به سه روش مختلف در عهد جدید استفاده می‌شود.

۱. کلیساهای خانگی (مراجعه کنید به رومیان ۱۶: ۵)
۲. کلیساهای محلی یا منطقه‌ای (مراجعه کنید به غلاطیان ۱: ۲، اول قرنتیان ۱: ۲)
۳. کل بدن مسیح روی زمین (۱: ۱۳؛ متی ۱۶: ۱۸؛ افسسیان ۱: ۲۲؛ ۳: ۲۱؛ ۵: ۲۳-۳۲)

■ "آن را ویران می‌کردم" (در نسخه انگلیسی، "سعی کردم آن را ویران کنم" نوشته شده است-مترجم) زمان فعل این عبارت غیر کامل است، بدین معنی که عملی در گذشته تکرار می‌شد.

۱: ۱۴ "در یهودیگری از بسیاری از همسالان قوم خود پیشی گرفته" این مربوط به دانش آموزان خاخام پولس در اورشلیم است. هیچ کس مشتاقتر از یک دانشجوی الهیات سال اول نیست! غیرت یهودی برای قانون در واقع فداکاری و غیرت و بدون دانش و حقیقت بود (مراجعه کنید به رومیان ۱۰: ۲ به بعد). پولس در تلاش بود تا یهودیان هم عصر خود را راضی کند!

■ "در اجرای سنتهای پدران خویش بی‌نهایت غیور بودم" در اینجا استفاده از اصطلاح "سنت" است که یک اصطلاح فنی برای "روایت شفاهی" بود. یهودیان معتقد بودند که سنت شفاهی، مانند عهد عتیق نوشته شده، توسط خدا به موسی در کوه سینا داده شده است. منظور از سنت شفاهی محاصره،

محافظت و تفسیر عهد عتیق نوشته شده بود. بعداً در تلموذهای بابل و فلسطین کدگذاری شده، جایگزین یک رابطه از روی ایمانی، به صورت رسمی و فرهنگ عامه شد. یادداشتهای مربوط به "سنت" را در دوم تسالونیکیان ۲: ۱۵ مشاهده کنید.

۱۵:۱

NASB	"ولی وقتی خدا"
NKJV	"اما وقتی که خدا خشنود شد"
NRSV	"ولی وقتی خدا"
TEV	"اما خدا"
NJB	"سپس خدا"

بسیاری از نسخ خطی باستانی معتبر، به جای داشتن اصطلاح "خدا"، از ضمیر مردانه "او" استفاده می کنند (نسخ خطی P⁴⁶ و B). *Theos* [خدا] در دستنوشته‌های ۸، A و D دیده می شود. "او" به احتمال زیاد اصلی بود و کاتبان بعداً *Theos* را برای روشن کردن ضمیر مبهم اضافه کردند. به پیوست دو مراجعه کنید.

■ "که مرا از زحم مادرم وقف کار خود کرد و به واسطه فیض خود مرا فرا خواند" پولس به فراخوان برخی پیامبران عهد عتیق، به ویژه ارمیا (اشاره به ارمیا ۱: ۴-۵، یا بنده یهوه، اشعیا ۴۹: ۱، ۵) اشاره دارد. او یک ارتباط الهیاتی با صدارت را حس کرد (مراجعه کنید به رومیان ۱: ۱). این یک روش دیگر برای اثبات این است که اقتدار و حواری بودن او از مردان نبوده است (مراجعه کنید به غلاطیان ۱: ۱، ۱۱-۱۲). مفهوم "خدا" خوانده شدن در شهادت شخصی پولس تاکید شده است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۱-۱۹؛ ۱۳: ۲؛ ۲۲: ۱-۱۶ و ۲۶: ۹-۱۸). برخی از قویترین بخشهای کتاب مقدس در مورد انتخاب را می توان در نوشته‌های پولس یافت (مراجعه کنید به رومیان ۹ و افسسیان ۱).

جالب است که به نظر می رسد "از طریق فیض او" پولس مترادف "روح القدس" است. این اصطلاحات در نوشته‌های پولس رایج هستند (مراجعه کنید به رومیان ۳: ۲۴؛ اول قرنتیان ۱۵: ۱۵؛ دوم قرنتیان ۶: ۱؛ افسسیان ۲: ۸).

فیض منعکس کننده شخصیت تغییر ناپذیر خداوند است و روح ارتباط بین خدای مقدس و انسان گناهکار را برقرار می کند (مراجعه کنید به یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵).

۱۶:۱

NASB, NKJV,	"که پسر خود را در من آشکار سازد"
NJB	
NRSV, TEV	"که پسر خود را بر من آشکار سازد"

"آشکار کردن" [*apocaluptō*]، که در آیه ۱۲ "مکاشفه" ترجمه شده، به طور معمول به معنای "تجلی آشکار یا پرده برداری" است. ظاهراً این اتفاق در جاده دمشق و بعداً در عربستان رخ داده است (مراجعه کنید به غلاطیان ۱: ۱۷).

عبارت "در من" بسیار مورد بحث قرار گرفته است. برخی معتقدند این بدان معنی است که خداوند عیسی را به پولس نازل کرد، اما برخی دیگر فکر می کنند که خدا عیسی را از طریق پولس آشکار ساخت. هر دو واقعیت دارند. ترجمه تجدید نظر شده انگلیسی کتاب مقدس هر دو احتمال را شامل می شود ("برای نشان دادن پسرش در من و از طریق من"). در متن بزرگتر به نظر می رسد گزینه اول متناسب و بهترین باشد، اما در غلاطیان ۱: ۱۶ گزینه دوم بهترین گزینه است.

■ "تا بدو در میان غیریهودیان بشارت دهم" عبارت "در من" با "در غیر یهودیان" همسو است. خدا پولس را فراخواند تا غیر یهودیان را فراخواند (مراجعه کنید به اعمال رسولان ۹: ۱۵؛ ۱۵: ۲۲؛ ۲۶: ۱۶-۱۸؛ رومیان ۱: ۵؛ ۱۳: ۱۱؛ ۱۶: ۱۵؛ غلاطیان ۲: ۷، ۹؛ افسسیان ۳: ۸؛ اول تیموتائوس ۲: ۷). ما کلمه انگلیسی "*ethnic*" را از این کلمه یونانی "*Gentiles*" گرفته ایم.

NASB	"من بلافاصله با گوشت و خون مشورت نکردم"
NKJV	"من بلافاصله با گوشت و خون مشاخره نکردم"
NRSV	"من با هیچ انسانی مشورت نکردم"
TEV	"من برای مشاوره به نزد کسی نرفتم"
NJB	"من متوقف نشدم که درباره این موضوع با هیچ فردی بحث کنم"

به نظر می رسد این به زمان تحصیل خصوصی پولس در عربستان اشاره دارد (مراجعه کنید به غلاطیان ۱: ۱۷). ما مطمئن نیستیم که او چه مدت تحصیل کرده یا چه مدت در عربستان مانده است. احتمالاً این پادشاهی نباتیا (*Nabatean kingdom*)، این پادشاهی در منطقه بین ساحل غزه تا خلیج سوئز در شمال غربی عربستان قرار داشت- مترجم) بود، که بسیار نزدیک به شهر دمشق، دقیقاً به جنوب شرقی کشور بود (مراجعه کنید به دوم قرنتیان ۱۱: ۳۲). از آیه ۱۸ به نظر می رسد که او می توانست تا سه سال بماند (اما نه لزوماً). هدف اصلی پولس برای ذکر این مطلب (که در کتاب اعمال حذف شده است) نشان دادن این بود که او انجیل خود را از رسولان در اورشلیم دریافت نکرده، و نه به طور رسمی توسط کلیسای اورشلیم مجازات شده، بلکه از طرف خدا و توسط خدا دریافت کرده (مراجعه کنید به غلاطیان ۱: ۱۱-۱۲).

"گوشت" دارای مفاهیم جنسی است. موضوع ویژه را در زیر مشاهده کنید.

موضوع خاص: گوشت (*sarx*)

SPECIAL TOPIC: FLESH (*sarx*)

این کلمه اغلب توسط پولس در غلاطیان و مفهوم توسعه یافته الهی آن در رومیان استفاده شده است. اساتید میان اینکه چگونه میان مفهوم این کلمه تمایز قائل شوند اختلاف نظر دارند. به طور قطع وجوه اشتراکی در معنی وجود دارد. موارد زیر صرفاً در تلاش برای توصیف معنی کلی این کلمه می باشد

۱. بدن انسان، انجیل یوحنا ۱: ۱۴، رومیان ۲: ۲۸، اول قرنتیان ۵: ۵، ۷: ۲۸، دوم قرنتیان ۴: ۱۱، ۵: ۷، ۱۲: ۷، غلاطیان ۱: ۱۶، ۲: ۱۶ و ۲۰، فیلیپیان ۱: ۲۲، کولسیان ۱: ۲۲ و ۲: ۵، اول تیموتائوس ۳: ۱۶
۲. تبار انسانی، یوحنا ۳: ۶، رومیان ۱: ۳، ۴: ۱، ۹: ۳، ۵ و ۸، ۱۱: ۱۴، اول قرنتیان ۱۰: ۱۸، غلاطیان ۴: ۲۳ و ۲۹
۳. فرد انسانی، رومیان ۳: ۲۰، ۷: ۵، ۸: ۷ و ۸، اول قرنتیان ۱: ۲۹، دوم قرنتیان ۱۰: ۳، غلاطیان ۲: ۱۶، ۵: ۲۴
۴. به صورت انسانی سخن گفتن، انجیل یوحنا ۸: ۱۵، اول قرنتیان ۱: ۲۶، دوم قرنتیان ۱: ۱۲، ۵: ۱۶، ۱۰: ۲، غلاطیان ۶: ۱۲
۵. ضعف انسانی، رومیان ۶: ۱۹، ۷: ۱۸، ۸: ۵ و ۶، ۹: ۴، دوم قرنتیان ۱۰: ۴، غلاطیان ۳: ۳، ۵: ۱۳، ۱۶: ۱۹، الی ۲۱، غلاطیان ۲: ۱۸
۶. دشمنی انسان با خدا در ارتباط با سقوط انسان، رومیان ۷: ۱۴، ۱۳: ۱۴، اول قرنتیان ۳: ۱ و ۳، افسسیان ۲: ۳، غلاطیان ۲: ۸، اول پطرس ۲: ۱۱، اول یوحنا ۲: ۱۶

باید تاکید کرد که "گوشت" به عنوان شیطان، آن طور که در تفکر یونانی هست، در عهد جدید دیده نمی شود. از نظر فلاسفه یونانی، "گوشت" منبع مشکلات انسان است، مرگ انسان را از این نفوذ آزاد می سازد. ولی در عهد جدید، "گوشت" زمینه نبرد مناقشات معنوی و الهی است (رجوع شود به افسسیان ۶: ۱۰ الی ۱۸)، با این حال خنثی است. انسان می تواند از بدنش برای نیکی یا پلیدی استفاده کند.

۱۷:۱ "نزد آنان که پیش از من رسول بودند" پولس مطمئناً رهبری دوازده رسول اولیه را به رسمیت می شناخت، اما برابری خود را نیز با آنها ادعا می کرد.

NASB: غلاطیان ۱: ۱۸ الی ۲۴

۱۸ آنگاه پس از سه سال، به اورشلیم رفتم تا پطرس را دیدار کنم، و پانزده روز نزد او ماندم. ^{۱۹} اما از سایر رسولان، به جز یعقوب، برادر خداوند، کسی دیگر را ندیدم. ^{۲۰} در حضور خدا به شما اطمینان می دهم که آنچه می نویسم دروغ نیست. ^{۲۱} پس از آن، به نواحی سوریه و کیلیکیه رفتم. ^{۲۲} در آن زمان هنوز کلیساهای یهودیه که در مسیح هستند، مرا به چهره نمی شناختند. ^{۲۳} آنها فقط شنیده بودند، «آن مردی که بیشتر آزار بر ما روا می داشت، اکنون به همان ایمان بشارت می دهد که در گذشته به نابودی آن کمر بسته بود» ^{۲۴} و آنان به خاطر من خدا را تمجید می کردند.

۱۸:۱ "آنگاه پس از سه سال، به اورشلیم رفتم" پولس آزادانه اعتراف کرد که از اورشلیم بازدید کرده است. تاکید این جمله این است که پولس تا سه سال پس از ایمان آوردن، هیچ ارتباطی با اورشلیم یا دوازده رسول نداشت. در کتاب اعمال رسولان ۵ سفر پولس به اورشلیم ثبت شده است، اما غلاطیان فقط دو مورد را ثبت می کند. بسیار دشوار است که بدانید کدام یک از بازدیدهای ثبت شده در اعمال رسولان به طور مشابه در کتاب غلاطیان ثبت شده است یا بازدیدهای دیگری وجود دارد. اکثر مردم معتقدند که این بازدید ذکر شده در غلاطیان ۱: ۱۸ برابر است با سفر وی که در اعمال رسولان ۹: ۲۶-۳۰ ثبت شده است. به مقدمه، تاریخ و مخاطبین، و بخش C مراجعه کنید.

■ "تا... را دیدار کنم" (در نسخه انگلیسی اصطلاح "آشنا شوم" نوشته شده است- مترجم) این یک عبارت یونانی است که از آن کلمه انگلیسی "history" گرفته شده است. پولس (۱) برای آشنایی با پطرس یا (۲) برای هدف خاص یادگیری دکتترین عیسی از پطرس رفت. با این حال پولس تمام وقت در کنار پطرس نمانده است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۲۸-۳۰). او در آن منطقه موعظه می کرد و احتمالاً فقط عصرها و شبات را با او می گذراند. این آیه همچنین تاکید می کند که او فقط پانزده روز مانده است، که ماندن آن برای آموزش طولانی بسیار کوتاه است. با این حال، از اصطلاحات و الهیات پولسی که در اول و دوم پطرس بسیار آشکار است، پطرس شاید از پولس بیشتر آموخته باشد تا پولس از او.

قیافاس (به معنای "سنگ" به زبان آرامی) در P⁵¹, MSS P⁴⁶, A*, R⁸ یافت می شود. پولس از "قیافاس" در غلاطیان ۲: ۹، ۱۱، ۱۴ استفاده می کند.

۱: ۱۹ "اما از سایر رسولان، به جز یعقوب، برادر خداوند، کسی دیگر را ندیدم" (در متن انگلیسی اصطلاح *Lord* نوشته شده که به معنی ارباب/سرور است و به اشتباه در فارسی خداوند ترجمه شده است- مترجم) این جمله یونانی بسیار مبهم است. متن نشان می دهد که یعقوب رسول بود، اما این معنی قطعی نیست. این (رسولان) می توانند به پطرس در غلاطیان ۱: ۱۸ اشاره کنند. به نظر می رسد که یعقوب "رسول" است به همان معنی که برنابا است (مراجعه کنید به اعمال رسولان ۱۴: ۴، ۱۴). آندرونیکس و جونیا (مراجعه کنید به رومیان ۱۶: ۷)؛ آپولوس (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۴: ۹)؛ Epaphroditus (فیلمون ۲: ۲۵)؛ یا سیلوانا و تیموتائوس (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۲: ۶؛ اعمال رسولان ۱۸: ۵). این یعقوب به عنوان برادر ناتنی سرورمان شناخته شد (مراجعه کنید به متی ۱۳: ۵۵؛ مرقس ۶: ۳)، به منظور تمایز او از یعقوب رسول، بخشی از دایره داخلی، که خیلی زود کشته شد (مراجعه کنید به اعمال رسولان ۱۲) برای چند نسل کلیسا در اورشلیم به عنوان رهبر خود از خویشاوندی بدنی عیسی استفاده می کرد. چندین قسمت کتاب مقدس (مراجعه کنید به اعمال رسولان ۱۲: ۱۷؛ ۱۵: ۱۳؛ ۲۱: ۱۸؛ اول قرنتیان ۱۵: ۷ و یعقوب ۱: ۱) نشان می دهد که یعقوب رهبر بسیار مهمی در کلیسای اورشلیم بود. موضوع خاص: یعقوب، برادر ناتنی عیسی را در غلاطیان ۲: ۹ ببینید.

برای "رسولان" به موضوع خاص: فرستادن در غلاطیان ۱: ۱ مراجعه کنید.

۱: ۲۰ "در حضور خدا به شما اطمینان می دهم که آنچه می نویسم دروغ نیست" پولس جدی بودن ادای سوگند را می دانست و هنوز هم احساس می کرد که ادعای حقیقت او با سوگند مهم است (مراجعه کنید به رومیان ۹: ۱؛ اول تیموتائوس ۲: ۷). پولس همچنین خدا را به عنوان شاهد حقیقت خود در جای دیگر به کار گرفت (مراجعه کنید به رومیان ۱: ۹؛ دوم قرنتیان ۱: ۲۳؛ ۴: ۲؛ ۱۱: ۳۱؛ اول تسالونیکیان ۲: ۵، ۱۰). پولس از خاستگاه الهی و محتوای پیام خود یقین داشت.

۱: ۲۱ "پس از آن، به نواحی سوریه و کیلیکیه رفتم" سوریه و کیلیکیه استانهای رومی بودند اما استان کوچکتر کیلیکیه کاملاً مستقل نبوده است (مراجعه کنید به اعمال رسولان ۱۵: ۴۱). این ممکن است به همین دلیل باشد که دوم ذکر شده، حتی اگر از نظر زمانی تقدم داشته باشد، کار پولس ابتدا در کیلیکیه بود، زیرا این منطقه جایی بود که تارسوس، زادگاهش، واقع شده بود. به نظر می رسد که این امر در اعمال رسولان ۹: ۳۰ ثبت شده باشد. زمان پولس در سوریه با همکاری آنتیوخوس که پایتخت استان روم سوریه است، ثبت شده است. این دوره در اعمال رسولان ۱۱: ۲۵-۲۶ ثبت شده است.

۱: ۲۲ "در آن زمان هنوز کلیساهای یهودیه که در مسیح هستند، مرا به چهره نمی شناختند" کلمه "ناشناخته" در یونانی در انگلیسی "cognate" agnostic ترجمه شده است. "دانش" [عرفان] در این حالت آلفا خصوصی است که آن را نفی می کند. این مسئله تا حدی جای تعجب دارد زیرا پولس یک مامور مشهور کلیسا بود، با این حال، همه کلیساهای نمی دانستند که او کیست و او برای انجام خدمت خود به دنبال شناخت از کلیساهای فلسطین نبود.

■ "کلیساهای" موضوع خاص در غلاطیان ۱: ۲ را مطالعه کنید.

۱: ۱۲ الی ۲۴ اگر چه پولس از این کلیساهای اولیه یهودیان مسیحی به دنبال تایید نبود، اما هنگامی که در مورد بشارت دادن او در بین غیر یهودیان شنیدند، این تایید را به او دادند (مراجعه کنید به غلاطیان ۱: ۲۴). این نکته دیگری در استدلال وی علیه معلمان دروغین "مسیحی" یهودی است که می گویند او اختیار صحیحی ندارد.

■ "ایمان" این اصطلاح ممکن است چندین مفهوم مجزا داشته باشد. در بیشتر موارد، حضور یا عدم حضور فاعل به روشن شدن معنای آن کمک نمی کند.

۱. زمینه عهد عتیق به معنای "وفاداری" یا "اعتماد به نفس" است، بنابراین از ایمان ما به وفاداری خدا یا اعتماد به خدا استفاده می شود.
۲. در پذیرش یا دریافت پیشنهاد رایگان بخشش خداوند در مسیح
۳. به معنای زندگی خداپرستانه مومن
۴. به معنای جمعی ایمان یا حقیقت مسیحی در مورد عیسی (اعمال ۶: ۷ و یهودا ۱: ۳ و ۲۰)

در چندین متن، مانند دوم تسالونیکیان ۳: ۲، دشوار است که بدانیم پولس چه معنایی را در ذهن داشته است. در اینجا گزینه شماره ۴ بهترین است.

سوالات بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم.

شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه

قطعی.

۱. چه چیزی در مورد سخنان آغازین پولس در کلیساهای غلاطیه بی نظیر است؟
۲. سه عبارت که شخصیت و کار مسیح را در آیه ۴ بیان می‌کند، لیست کنید.
۳. چرا پولس از این عمل در کلیساهای غلاطیه غافل شد؟
۴. معلمان دروغین چه کسانی بودند و محتوای اصلی پیام آنها چه بود؟
۵. اصطلاح "تفرین شده" به چه معنی است؟
۶. چگونه پولس ثابت می‌کند که او برای خوشایندی انسانها عمل نمی‌کند؟
۷. چرا پولس تاکید خود را در غلاطیان ۱: ۱ دوباره در آیات ۱۱ و ۱۲ تکرار می‌کند؟
۸. چگونه معلمان دروغین از زندگی قبلی پولس علیه او استفاده می‌کردند؟
۹. چرا پولس به عربستان رفت؟
۱۰. درباره برخی از اتهامات احتمالی که معلمان دروغین علیه پولس و چگونگی پاسخ آنها به آنها در غلاطیان ۱: ۱۰ توضیح دهید.

غلاطیان ۲

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
پولس توسط دیگر رسولان پذیرفته شد	دفاع از انجیل	رسول بودن پولس در اورشلیم به رسمیت شناخته شد	پولس و دیگر رسولان	ملاقات در اورشلیم
۱۰ الی ۲: ۱۰	۱۰ الی ۲: ۱۰	۱۰ الی ۲: ۱۰	۵ الی ۲: ۱۰ ۶ الی ۲: ۱۰	۱۰ الی ۲: ۱۰
پولس پطرس را در انطاکیه ملامت میکند	بدون بازگشت به شریعت	پولس ناسازگاری پطرس در انطاکیه را ملامت میکند	مباحثه پولس با پطرس	پطرس و پولس در انطاکیه
۲۱ الی ۲: ۱۱	۲۱ الی ۲: ۱۱	۱۴ الی ۲: ۱۱	۱۴ الی ۲: ۱۱	۱۳ الی ۲: ۱۱ ۱۴: ۲
		بیانیه اصول		انجیل آن طور که توسط پولس موعظه شد
		۲۱ الی ۱۵: ۲	۱۶ الی ۱۵: ۲ ۱۷ الی ۲: ۲۱	۲۱ الی ۱۵: ۲

* تقسیم‌بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگرافها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری میباشد. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگرافها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخ جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: انتقادات متنی و واژه‌نامه.

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور خود راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم و غیره

۴. و غیره

بینش متنی

A. در این بخش واحد ادبی (پولس از رسول خود دفاع می‌کند) که در غلاطیان ۱: ۱۱ آغاز شده است ادامه می‌یابد و از طریق غلاطیان ۲: ۱۴ گسترش می‌یابد.

B. در غلاطیان ۲: ۱۵-۲۱ یک متن گذارا، محتوای انجیل پولس را معرفی می‌کند، که در فصلهای ۳ و ۴ به تفصیل شرح داده شده است. این دفاع دفاع اتوبیوگرافیک پولس از رسول بودن خود و انجیلش است که بر اساس خواست وحی خدا و نه بر اساس هیچ سنت انسانی یا روایات مشتق شده

از دوازده رسول و کلیسای اورشلیم، ساخته شده است.

C. این متن را به دو دلیل به دشواری میتوان ترجمه و تفسیر کرد:

۱. بخش اول، غلاطیان ۲: ۱-۱۰، حاوی اصطلاحات دستوری است. پولس موضوعی را در غلاطیان ۲: ۱ و ۲ آغاز کرد، اما در غلاطیان ۲: ۳-۱۰ او با یک سری از سه پراگمات و جملات شکسته وارد این موضوع شد. موضوع غلاطیان ۲: ۱-۲ دوباره در آیات ۶-۱۰ از سر گرفته می شود. هر چند که رسم دستوری این کار دشوار است، اما معنای کلی آن واضح است.

با مقایسه نگارشی غیر معمول غلاطیان ۲: ۱-۱۰ در ترجمه های مدرن (یعنی پراگمات، خط تیره، سه نقطه) می توان مشکلات را در تلاش برای دنبال کردن اندیشه پولس مشاهده کرد.

۲. بخش بعدی، تفسیر غلاطیان ۲: ۱۱-۲۱، نیز دشوار است زیرا نتیجه بحث پولس و پطرس نامشخص است. ترجمه های TEV، NRSV و JB نقل قول را به غلاطیان ۲: ۱۴ محدود می کنند، در حالی که NASB نقل قول را در غلاطیان ۲: ۲۱ پایان می دهد. فکر می کنم پولس خطاب به پطرس را در غلاطیان ۲: ۱۴ به پایان رساند و خلاصه کلامی مربوط به فهم یهودیان و درک یهودیان از قانون در غلاطیان ۲: ۱۵ آغاز و از طریق غلاطیان ۲: ۲۱ خاتمه می یابد.

پولس به تعدادی سوال، اتهام یا سوء تفاهم در مورد انجیل فیض آزاد خدا در آیات غلاطیان ۲: ۱۵-۲۱ پاسخ می دهد. سوالات مربوط به پطرس نیست بلکه از یهود زدگان و پشتیبانان فریسی آنهاست. پاسخ وی به این سوالات در فصل های ۳ و ۴ گسترش خواهد یافت.

مطالعه عبارت و کلام

NASB: غلاطیان ۲: ۱ الی ۱۰

پس از چهارده سال، دیگر بار همراه برنابا به اورشلیم رفتم و تیتوس را نیز با خود بردم. ^۲ اما رفتنم در نتیجه دریافت مکاشفه ای بود. در آنجا انجیلی را که در میان غیریهودیان موعظه می کنم بدیشان عرضه داشتیم؛ البته در خلوت، و نیز تنها به رهبران سرشناس، مبادا بیهوده بدوم یا دوباره باشم. ^۳ اما حتی همسفرم تیتوس، با اینکه یونانی بود، مجبور نشد ختنه شود. ^۴ این از آن سبب پیش آمد که بعضی از برادران دروغین را با مقاصد نهانی به جمع ما درآوردند، و آنان به جمع ما رخنه کردند تا آن آزادی را که در مسیح عیسی داریم جاسوسی کنند و ما را به بندگی بکشانند. ^۵ ولی ما نمی توانیم تسلیم آنها نشدیم تا حقیقت انجیل نزد شما محفوظ بماند.

^۶ اما آن رهبران سرشناس - آنان هر که بودند مرا تفاوتی نمی کند، زیرا خدا بر صورت ظاهر قضاوت نمی نماید - آری، آن رهبران سرشناس چیزی بر من نیفزودند، ^۷ بلکه به عکس، ایشان دریافتند که وظیفه رسانیدن انجیل به غیریهودیان به من سپرده شده است، همان گونه که وظیفه رسانیدن انجیل به یهودیان به پطرس سپرده شده بود. ^۸ زیرا او که از طریق پطرس چون رسول یهودیان عمل کرد، از طریق من نیز چون رسول غیریهودیان عمل نمود. ^۹ پس چون یعقوب و پطرس و یوحنا که مشهور به ارکان بودند فیضی را که نصیب من شده بود مشاهده کردند، به من و برنابا دست رفاقت دادند و توافق شد که ما نزد غیریهودیان برویم و آنان نزد یهودیان. ^{۱۰} فقط خواستند که قرار را به یاد داشته باشیم، که البته این به واقع کاری بود که من خود نیز مشتاق انجامش بودم.

۲: ۱ "پس از چهارده سال" دوره چهارده ساله مورد اختلاف نظرهای علمی بسیار زیاد بوده است. این دوره از زمان ممکن است یا مربوط باشد

۱. تحول پولس (مراجعه کنید به غلاطیان ۱: ۱۵-۱۶)

۲. زمان پولس در عربستان (مراجعه کنید به غلاطیان ۱: ۱۷)

۳. اولین سفر وی به اورشلیم (مراجعه کنید به غلاطیان ۱: ۱۸)

عنصر زمان فقط قابل توجه است تا نشان دهد باز دیده ها و تماسهای وی با رسولان در اورشلیم چقدر با تاخیر و پراکنده بوده است.

■ "دیگر بار به اورشلیم رفتم" "دیگر بار" به معنای دیدار دوم یا بعد از آن است. زمان دقیق نامشخص است، زیرا در اعمال رسولان ۵ بازدید مختلف پولس به اورشلیم ثبت شده است. دو مورد آخر خیلی دیر است که به این متن مراجعه می کنند، اما منظور کدامیک از سه مورد دیگر است، نامشخص می باشد. من شخصا معتقدم که غلاطیان ۲ مربوط به اعمال رسولان ۱۵ است زیرا در هر دو مورد برنابا حضور داشت، موضوع یکسان است و پطرس و یعقوب هر دو نام دارند. فراتر از این حدس و گمان نویسندگان، دانشمندان برجسته دیگری مانند FF Bruce در *New International Commentary Series* و Richard Longenecker در *Word Biblical Commentary Series* معتقدند که غلاطیان ۲ مربوط به بازدید قحطی است که در اعمال ۱۱: ۳۰ بیان شده است.

عبارت "به اورشلیم رفتم" (در متن انگلیسی این عبارت "به بالا به اورشلیم رفتم" نوشته شده و این تفسیر در رابطه با متن اصلی انگلیسی است- مترجم) مفهوم الهیاتی دارد. یک اشاره کلام در اعمال رسولان ۱: ۲۷ اتفاق می افتد وقتی که آنها پائین به "انطاکیه" رفتند. اورشلیم، زیرا این شهر مقدس است، و

از هر جهت "بالا" در نظر گرفته می شود.

■ **"با برنابا"** اعمال رسولان ۴: ۳۶ این اطلاعات را ارائه می دهد که برنابا یک لای از قبرس بود که نام او یوسف بود. شاگردان نام مستعار برنابا را بر او نهادند که و به معنای "فرزند تشویق" بود. او اولین کسی بود که تحول پولس را پذیرفت (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۱: ۲۴). او به وضوح رهبر کلیسای اورشلیم بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۱: ۱۱) همانند سیلاس (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵: ۲۲). او به تارسوس رفت و در جستجوی شائول بود تا او را برای کمک به کار در انطاکیه راهنمایی کند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۱: ۱۹-۲۷). او در اولین سفر بشارتی، مبلغ بشارتی پولس بود (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۹: ۶). موضوع خاص را در غلاطیان ۲: ۱۳ مطالعه کنید.

■ **"تیتوس را نیز با خود بردم"** تیتوس یکی از باران وفادار پولس بود (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۸: ۲۳). پولس از او در جاهای مخصوصا دشوار مانند قرنتس و کرت استفاده کرد. او به عنوان تیموتائوس کاملا غیر یهودی و نیمه نجیب بود. کلیسای اورشلیم خواست که پولس او را ختنه کند (مراجعه کنید به اعمال رسولان ۱۵). با کمال تعجب، از تیتوس هرگز در اسناد اعمال نام برده نشده است. Sir William Ramsay و A. T. Robertson حدس می زنند که تیتوس برادر لوقا است و در مورد فقدان هرگونه ذکر خاص از وی (عملی ناشی از فروتنی خانوادگی) را توضیح می دهد، اما این قابل اثبات نیست. مارتین لوتر حدس زد که پولس تیتوس را با خود به عنوان یک مورد آزمایشی به اورشلیم برد. برخی دیگر می گویند که او تیتوس را به همراه خود گرفت، اما تنها بعدا پولس به اهمیت عدم پذیرش در خواست کلیسای اورشلیم پی برد که تقاضا کرده بود تیتوس ختنه شود زیرا او یک یونانی خالص بود. (مراجعه شود به غلاطیان ۲: ۳)

۲: ۲ **"اما رفتنم در نتیجه دریافت مکاشفه ای بود"** اگر کسی فرض کند که اعمال رسولان ۱۵ مبنا است، اعمال رسولان ۱۵: ۲ اختلاف ایجاد می کند. با این حال، فرض بر این است که وحی از یکی از ۵ پیامبر در انطاکیه که آن را به کلیسا منتقل کرده است آمده است. سپس کلیسای انطاکیه به پولس منتقل کرد که لازم است به اورشلیم برود.

■ **"در آنجا انجیلی را که در میان غیر یهودیان موعظه می کنم بدیشان عرضه داشتم"** این در رابطه با غلاطیان ۲: ۳ الی ۵ بسیار قابل توجه است. چرا پولس انجیل خود را پیش رسولان گذاشت؟ (۱) آیا او می خواست که آنها با او توافق کنند و انجیل او را تایید کنند؟ یا (۲) آیا او نسبت به حضور معلمان دروغین واکنش نشان می داد (مراجعه کنید به غلاطیان ۲: ۴)؟ احتمال دوم به بهترین وجه در کنار غلاطیان ۲: ۴ و ۵ است. به نظر می رسد این جلسه گزارش دهی به موازات اعمال رسولان ۱۵: ۱۲ باشد.

NASB	"اما من به طور خصوصی این کار را برای کسانی که از اعتبار برخوردار بودند انجام دادم"
NKJV	"اما به طور خصوصی برای کسانی که شهرت داشتند"
NRSV	"(اگرچه فقط در یک نشست خصوصی با رهبران پذیرفته شده)"
TEV	"در خلوت، و نیز تنها به رهبران سرشناس"
NJB	"و به صورت خصوصی من آن را در برابر مردان پیشرو قرار داده ام"

خواندن اعمال رسولان ۱۵ برای یافتن یک جلسه خصوصی ابتدا مشکل ایجاد می کند. با این حال، اعمال رسولان ۱۵: ۲ ب و غلاطیان ۲: ۶ می توانند به جلسه رهبران ارشد اشاره داشته باشد. ممکن است پولس به منظور دیدار بهتر با جماعت که احتمالا قبلا در میان یهود زنگان نفوذ کرده بود، ابتدا با رهبری ملاقات کند، تا بتواند بهتر شنوایی داشته باشد (کسانی که خواستار نجات جان یک نفر از یهودیان بودند).

برخی از محققان در سالهای اخیر گفته اند که احتمالا به دلیل تاکید بیش از حد از متخصصین الهیات توینگن آلمان، بین پولس و رسولان در اورشلیم تنش وجود داشته است. برخی ادعا می کنند که سه عبارت غیرمعمول پولس به رهبران اورشلیم یافت شده در غلاطیان ۲: ۲، ۶ (دو بار) و ۹ تا حدودی ناسازگار هستند. این عبارات ممکن است با سه نکته در ذهن مشاهده شود.

۱. آنها تلاشهای بیش از حد معلمان دروغین بر تاکید دوازده رسول اصلی برای مستهلک ساختن پولس را کم رنگ می کنند، نه اینکه پولس با هر دوازده مشکل شخصی داشته باشد.
۲. احتمالا پولس از بعضی از رسولان ناامید شده بود، جایی که آنها واقعا رسالت جهانی کلیسا را درک نکردند، یا در خروج شرم آور پطرس از سفره دوستی با غیر یهودیان به دلیل ورود عده ای از اورشلیم به غلاطیان ۲: ۱۱-۱۴.
۳. این عبارات ممکن است مربوط به رسولان نباشد، بلکه به سایر رهبران کلیسا باشد که ادعای اقتدار داشته اند یا فقط به بعضی از رسولان اشاره می کند.

NASB, TEV	"از ترس اینکه ممکن است بیهوده شوم، یا فرار کنم،"
NKJV	"مبادا به هر وسیله ای بیهوده شوم، یا بیهوده ام بگیرم"
NRSV	"برای اطمینان از اینکه من در حال دویدن نبودم، یا بیهوده نگرختم"

این آشکارا به پولس اشاره نمی‌کند که به دنبال تایید کلامی از رهبران اورشلیم است زیرا این امر متناسب با کلیت متون خواهد بود. اما در اینجا، عملی بودن هدف ماموریت در بین غیر یهودیان مورد سوال بود (مراجعه کنید به دوم قرن‌تیاں ۷: ۱۴، ۹: ۹) و پولس امیدوار بود و برای موافقتی دعا میکرد که متعاقبا او دریافت خواهد کرد. پولس در جاهای دیگر ترسهای مشابهی ابراز کرد (مراجعه کنید به فیلمون ۲: ۱۶؛ اول تسالونیکیان ۳: ۵).

۲: ۳ "اما حتی همسفرم تیتوس، با اینکه یونانی بود، مجبور نشد ختنه شود" حتی با معنای ساده آن، سوالات به ذهن خطور می‌کنند:

۱. یک نسخه خطی در آیه ۵ که کلمه "نه" در خانواده غربی نسخ خطی، به ویژه نسخه خط D حذف شده است

۲. ابهام آیه ۴ که باعث شده عده‌ای بگویند پولس تیتوس را ختنه کرد، نه از اجبار بلکه برای نشان دادن آزادی خود

با این حال، این ساختار کل استدلال پولس را تضعیف می‌کند. پولس در حال حاضر مورد حمله قرار گرفته بود، ظاهرا برای ختنه کردن تیموتائوس (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۶: ۳)، که نیمه یهودی بود، اما او حتی برای یک دقیقه تسلیم ختنه تیتوس نشد. در واقعیت مسئله واقعا ختنه نبود (مراجعه کنید به رومیان ۲: ۲۸-۲۹ و غلاطیان ۶: ۱۵)، بلکه چگونگی درست شدن ارتباط انسان با خدا بود. در غلاطیان پولس روش کار گرا یهود و یهود زده را با شیوه فضیلت بخش انجیل عیسی در تقابل قرار داد.

۴: ۲

NASB "اما به دلیل برادران دروغین است. که مخفیانه وارد شده اند"

NKJV "اما این به دلیل وجود برادران دروغین است که مخفیانه وارد شده اند"

NRSV "اما به دلیل مومنان دروغین مخفیانه وارد شده اند"

TEV "وانمود کرده است که برادر بوده و به گروه پیوسته است"

NJB "این سوال فقط به وجود آمده است زیرا بعضی از کسانی که واقعا به برادری تعلق ندارند، سینه خیز وارد شده اند".

به این برادران دروغین در جاهای دیگر اشاره شده است (اعمال رسولان ۱۵: ۱، ۵؛ دوم قرن‌تیاں ۱۱: ۱۳، ۲۶ و اول تسالونیکیان ۲: ۱۴-۱۶). زمان فعل مجهول است و این بدان معنی است که احتمالا توسط کسی پنهانی صورت گرفته است.

۱. یهودیان بی ایمان

۲. فرقه‌ای از یهودیان مومن به نام یهودایزر

۳. خود شیطان

اصطلاح "برادران دروغین" (*pseudadelphous*) مشابه ترکیب مورد استفاده در دوم پطرس ۲: ۱ است. برای "رهبر دروغین" اصطلاح (*pseudodidaskaloi* و *pseudoprophetai*) استفاده شده است. این اصطلاح در یونانی کوبین معمولا در مورد خائنین یک شهر استفاده می‌شد که به دشمن اجازه می‌دادند به داخل شهر دزدکی وارد شده و مواضع دفاعی آن را بررسی کنند.

مشکل دیگر در تفسیر مربوط به محل خیانت است. آیا برادران دروغین به یکی یا همه اینها اشاره دارد:

۱. کلیسای اورشلیم

۲. شورای اورشلیم

۳. کلیسای انطاکیه

در مورد این تفسیرها، یقین غیرممکن است و بنابراین جزم‌گرایی غیرمجاز است.

■ "تا آن آزادی را که در مسیح عیسی داریم جاسوسی کنند و ما را به بندگی بکشانند" تاکید پولس بر آزادی در طریق مسیح بسیار حائز اهمیت بود (مراجعه کنید به اعمال رسولان ۱۳: ۳۹؛ غلاطیان ۵: ۱، ۱۳). در این متن، آزادی از قواعد و مقررات یهودیان، مفهومی است که در فصل‌های بعدی گسترش یافته است. توجه به این نکته مهم است که ما واقعا در طریق مسیح آزاد هستیم، اما آزادی ما به عنوان جواز گناه در نظر گرفته نشده است (مراجعه کنید به رومیان ۱۴: ۱-۱۵: ۱۳ و اول قرن‌تیاں ۸-۱۰). این تنش دیالکتیکی بین آزادی و مسئولیت ذاتی در انجیل، در تأکیدات پولس در مورد "مسئولیت" به کلیسای قرنتس و کلیساهای غلاطیه نشان داده شده است. هر دو درست هستند! آنها باید به صورت متوازن نگاه داشته شوند!

۲: ۵ "ولی ما دمی هم تسلیم آنها نشدیم تا حقیقت انجیل نزد شما محفوظ بماند" "ما" باید به پولس و برنابا اشاره کند. آنها در مخالفت خود با این شرط که همه غیر یهودیان ختنه شوند (و مسئول شریعت موسی باشند) پس از ایمان آوردن آنها به توافق رسیدند.

"نه" در نسخ P⁴⁶، 8، B، C، D¹ و F و G موجود است (UBS⁴ امتیاز خود را "A" می دهد). این فقط در تصحیح نسخ خطی قرن ششم D² و نسخه قدیمی لاتین موجود نیست. دلیل این که پولس بر تسلیم شدن به یکدیگر در افسسیان ۵: ۲۱ تأکید می کند و در عین حال قاطعانه در برابر تسلیم در این مورد ایستاده است زیرا او معتقد است که این "برادران دروغین" واقعا مسیحی نیستند. پولس اعتقاد دارد که کسانی که جایگاه خود را با تلاش خویش بر پایه یک خدا قرار می دهند، مسیحیان واقعی نیستند (مراجعه کنید به غلاطیان ۱: ۸، ۹؛ ۵: ۲-۱۲؛ رومیان ۱۰: ۲-۵ و اول تسالونیکیان ۲: ۱۴-۱۶). بنابراین سوال مهم این است که "آنها به چه کسی اعتماد دارند: خود یا مسیح؟"

■ "تا حقیقت انجیل نزد شما محفوظ بماند" مسئله کوچکی نیست، این استدلال مبنای ادامه ماموریت غیر یهودیان بود. حقیقت یک کلمه مهم عهد جدید است. موضوع خاص زیر را مشاهده کنید.

موضوع خاص: "حقیقت" در نامه های پولس

SPECIAL TOPIC: "TRUTH" IN PAUL'S WRITINGS

استفاده پولس از این اصطلاح و اشکال مربوط به آن از معادل عهد عتیقی آن، *emet* به معنای قابل اعتماد یا وفادار ناشی می شود (BDB 53، به موضوع خاص: ایمان، اعتماد، ایمان در عهد عتیق مراجعه کنید). در نوشته های یهودی کتاب مقدس از حقیقت به عنوان نقطه مقابل باطل استفاده می شد. شاید نزدیکترین همسو "سرودهای شکرگذاری" کتیبه بحر المیت باشد که در آن از دکتربین آشکار استفاده شده است. اعضای جامعه اسن "شاهدان حقیقت" شدند.

پولس از این اصطلاح به عنوان روشی برای اشاره به انجیل عیسی مسیح استفاده می کند.

۱. رومیان ۱: ۱۸، ۲۵: ۲، ۸، ۲۰: ۳؛ ۷: ۱۵: ۸
۲. اول قرنتیان ۱۳: ۶
۳. دوم قرنتیان ۴: ۲؛ ۶: ۷؛ ۱۰: ۱۱؛ ۱۳: ۸
۴. غلاطیان ۲: ۱۴؛ ۵: ۵؛ ۷
۵. افسسیان ۱: ۱۳؛ ۱۴: ۶
۶. کولسیان ۱: ۶، ۵
۷. دوم تسالونیکیان ۲: ۱۰، ۱۲، ۱۳
۸. اول تیموتائوس ۲: ۴؛ ۳: ۱۵؛ ۴: ۳؛ ۶: ۵
۹. دوم تیموتائوس ۲: ۱۵، ۱۸، ۲۵: ۳؛ ۷: ۸؛ ۴: ۴
۱۰. تیتوس ۱: ۱، ۱۴

پولس همچنین از این اصطلاح به عنوان روشی برای بیان دقت / صحت صحبت خود استفاده می کند

۱. اعمال رسولان ۲۵: ۲۶
۲. رومیان ۹: ۱
۳. دوم قرنتیان ۷: ۱۴؛ ۱۲: ۶
۴. افسسیان ۴: ۲۵
۵. فیلیپیان ۱: ۱۸
۶. اول تیموتائوس ۲: ۷

او همچنین از آن برای توصیف انگیزه هایش در اول قرنتیان ۵: ۸ و سبک زندگی (همچنین برای همه مسیحیان) در افسسیان ۴: ۲۴؛ ۵: ۹؛ فیلمون ۴: ۸ استفاده می کند. او بعضی اوقات از آن برای مردم استفاده می کند.

۱. خدا، رومیان ۳: ۴ (مراجعه کنید به یوحنا ۳: ۳۳؛ ۱۷: ۱۷)
۲. عیسی، افسسیان ۴: ۲۱ (مراجعه کنید به یوحنا ۱۴: ۶)
۳. شهادت رسولان، تیتوس ۱: ۱۳
۴. پولس، دوم قرنتیان ۶: ۸

پولس از حالت فعل (یعنی *alētheō*) فقط در غلاطیان ۴: ۱۶ و افسسیان ۴: ۱۵، جایی که به انجیل اشاره دارد، استفاده می کند. برای مطالعه بیشتر به *The New International Dictionary of New Testament Theology* اثر Colin Brown، جلد ۳، صفحات ۷۸۴-۹۰۲ مراجعه کنید.

NASB	"اما از کسانی که شهرت بالایی داشتند"
NKJV	"اما از کسانی که به نظر می رسید کسی هستند - هر چه که باشند"
NRSV	"و از کسانی که فرار بود رهبران شناخته شده باشند"
TEV	"اما کسانی که به نظر می رسیدند که رهبران باشند"
NJB	"این افراد که رهبران شناخته شده هستند"

این عبارت می تواند به موارد زیر اشاره داشته باشد: (۱) برخی از دوازده؛ یا (۲) رهبران خاص در کلیسای اورشلیم. سخنان پولس این بود که مخالفت آنها تأثیری در فراخوان، تکلیف و انجیل وی نخواهد داشت. با این حال، F. F. Bruce به نقل از *Josephus in War of the Jews*، ۳/۴۵۳، ۴/۱۴۱۱۵۹ می گوید "به نظر می رسد" که این همیشه مورد استفاده قرار نمی گیرد.

■ "زیرا خدا بر صورت ظاهر قضاوت نمی نماید" این استعاره قضایی عهد عتیق (مراجعه کنید به تثنیه ۱۰: ۱۷؛ دوم تواریخ ۱۹: ۷) در ابتدا به معنای "بلند کردن صورت" بود (مراجعه کنید به لایوان ۱۹: ۱۵؛ تثنیه ۱: ۱۷؛ ۱۶: ۱۹؛ اعمال رسولان ۱۰: ۳۴) پولس به عملکرد قضاوت در رای دادن بر مبنای بر حمایت و جانبداری یا جایگاه اجتماعی یا سیاسی خاص شخص متهم اشاره داشت. هیچ مشکلی در خدا وجود ندارد (مراجعه کنید به رومیان ۲: ۱۱، افسسیان ۹: ۶، کولسیان ۳: ۲۵، اول پطرس ۱: ۱۷).

NASB, NRSV	"هیچ چیزی به من کمک نکرد"
NKJV	"هیچ چیزی به من اضافه نکرد"
TEV	"هیچ پیشنهاد جدیدی به من نداد"
NJB	"هیچ چیزی برای افزودن به خبر خوب به عنوان موعظه آن ندارم"

در اینجا تایید اصلی استقلال پولس (که "برای من" برای تأکید است)، هم برای خودش و هم برای انجیلش، از اقتدار دوازده یا کلیسای مادر در اورشلیم است. این یک بحث دوازده رسول یا رهبران کلیسای اورشلیم نیست، بلکه تأکید بر ماهیت الهی فراخوان و مکاشفه پولس است.

۷:۲ "بلکه به عکس، ایشان دریافتند که وظیفه رسانیدن انجیل به غیریهودیان به من سپرده شده است" نکته مهم پولس این بود که به آماده ساختن بستر آغاز شده در غلاطیان ۱: ۱۰ ادامه داد. وقتی سران اورشلیم پولس را دیدند و صحبت‌های او را شنیدند، تایید کردند که خدا او را صدا کرده و او را انتخاب کرده است.

■ "به من سپرده شده است" زمان فعل این عبارت کامل مجهول است و با تأکید بر نقش مداوم پولس به عنوان مباشر انجیل بر فراخوانی خدا و تجهیز روح از آن تأکید می کند. (مراجعه کنید به اول قرن‌تینان ۹: ۱۷، اول تسالونیکیان ۲: ۴، اول تیموتائوس ۱: ۱، تیتوس ۱: ۳). متون دیگر پولس از فراخوان او به عنوان یک رسول برای غیر یهودیان حمایت می کند (مراجعه کنید به اعمال رسولان ۹: ۱۵؛ رومیان ۱: ۵؛ ۱۱: ۱۳؛ ۱۵: ۱۶؛ غلاطیان ۱: ۱۶؛ افسسیان ۳: ۸؛ اول تیموتائوس ۲: ۷؛ دوم تیموتائوس ۴: ۱۷).

■ "همان گونه که ... به پطرس ... " استفاده از اصطلاح "پطرس" در غلاطیان ۲: ۷ و ۸ در غلاطیان کمی غیر معمول است. در تمام نقل قول‌های دیگر پولس در غلاطیان، جایی که از پطرس نام برده میشود، او را "Cephas"، معادل آرامی برای "سنگ" می نامد (مراجعه کنید به غلاطیان ۱: ۱۸؛ ۲: ۹، ۱۱، ۱۴). با این حال، به نظر می رسد "پطرس" در اینجا اصلی است، و دو نام مترادف هستند.

۸:۲ پرائنتر دیگری که درون ساختار دستوری پیچیده آیات ۱-۱۰ وجود دارد، ممکن است به یک موقعیت جغرافیایی یا یک جامعه قومی اشاره داشته باشد (مراجعه کنید به غلاطیان ۲: d۹). هم پطرس و هم پولس تکالیف الهی داشتند!

۹:۲ "پس چون یعقوب و پطرس و یوحنا که مشهور به ارکان بودند فیضی را که نصیب من شده بود مشاهده کردند، به من و برنابا دست رفاقت دادند" این "ستونها" سه رهبر کلیسای مسیحی در اورشلیم بودند. این عنوان در رابطه با "رسولان" توسط کلمنت روم (نگارش در ۹۵ میلادی) و ایگناتیوس استفاده شده است. از آن نیز در مکاشفه ۳: ۱۲ استفاده شده است. احتمالاً این اصطلاح توسط ربی‌ها برای توصیف ابراهیم و موسی سرچشمه گرفته است. پولس بار دیگر از این ادعا حمایت کرد که نه تنها وی مستقل نیست، بلکه حداقل برخی از رسولان (پطرس و یوحنا، بخشی از حلقه درونی عیسی) اقتدار خدادادی او را به رسمیت می شناسند و با دست راست وی را تایید می کردند. این "یعقوب" یکی از دوازده نفر نیست، بلکه برادر ناتنی عیسی و رهبر کلیسای اورشلیم است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵).

عبارت "کسانی که به ستونها شهرت داشتند" ارزیابی منفی نیست، اما احتمالاً اشاره‌ای به ادعای دروغین معلمان علیه پولس است. در این زمینه،

پولس نمی‌خواهد این سه رهبر را مستهلک کند، اما این واقعیت را تایید می‌کند که آنها به طور علنی بشارت او و برنابا را تصدیق کردند!

■ "فیضی را که نصیب من شده بود" فعل این عبارت وجه وصفی آتوریست مجهول است. در رابطه بین "فیض" و "روح" را در غلاطیان ۱: ۱۵ مشاهده کنید.

■ "یعقوب" موضوع خاص زیر را مطالعه کنید.

موضوع خاص: یعقوب، برادر ناتنی عیسی

SPECIAL TOPIC: JAMES, THE HALF-BROTHER OF JESUS

- A. او را "یعقوب عادل" نامید و بعدها به او لقب "زانوی شتر" داده شد زیرا دائما روی زانوهایش نماز می‌خواند (از هگزاییوس، به نقل از *Eusebius in Hist. Eccl.* ۲: ۲۳ الی ۲۴، ۴-۱۸).
- B. یعقوب تا بعد از رستاخیز مومن نبود (مراجعه کنید به مرقس ۳: ۲۱؛ یوحنا ۷: ۵). عیسی پس از رستاخیز شخصا برای او ظاهر شد (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۱۵: ۷).
- C. او با شاگردان در اتاق فوقانی حضور داشت (مراجعه کنید به اعمال رسولان ۱: ۱۴) و احتمالا هنگام حضور روح در پنطیکاست نیز در همان اتاق حضور داشت.
- D. او متاهل بود (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۹: ۵).
- E. از او توسط پولس به عنوان ستونی از کلیسای اورشلیم یاد می‌شود (احتمالا یک رسول، رجوع کنید به غلاطیان ۱: ۱۹؛ به موضوع خاص: فرستادن مراجعه شود [apostellō]) اما یکی از دوازده نفر نبود (مراجعه کنید به غلاطیان ۲: ۹؛ اعمال رسولان ۱۲: ۱۷؛ ۱۵: ۱۳؛ ۲۱: ۱۸).
- F. در *Antiquities of the Jews*, 20.9.1 جوزفوس می‌گوید که در سال ۶۲ میلادی به دستور صدوقیان سانهدرین سنگسار شد، در حالیکه یک روایت دیگر (نویسندگان قرن دوم، کلمنت اسکندریه یا هگزاییوس) می‌گوید که او از دیوار معبد بیرون رانده شد.
- G. برای نسل‌های بسیاری پس از مرگ عیسی، بستگان عیسی به عنوان رئیس کلیسای اورشلیم منصوب می‌شدند.
- H. او نویسنده کتاب "یعقوب" در عهد جدید و برادر نویسنده کتاب "یهودا" بود (مراجعه کنید به یهودا آیه ۱).

■ "رفاقت" موضوع خاص زیر را مطالعه کنید.

موضوع خاص: KOINŌNIA (رفاقت/دوستی)

SPECIAL TOPIC: KOINŌNIA (FELLOWSHIP)

اصطلاح "رفاقت/دوستی" (*koinōnia*) یعنی

۱. رابطه نزدیک با یک نفر
- a. با پسر (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱: ۹، اول یوحنا ۱: ۶)
- b. با روح القدس (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱۳: ۱۴، فیلیپیان ۲: ۱)
- c. با پدر و پسر (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۳)
۲. رابطه نزدیک با چیزها و گروه‌ها
- a. با انجیل (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۵، فیلمون آیه ۶)
- b. با خون مسیح (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۰: ۱۶)
- c. نه با تاریکی (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۶: ۱۴)
- d. با رنج (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱: ۷، فیلیپیان ۳: ۱۰، ۴: ۱۴، اول پطرس ۴: ۱۳)
۳. هدیه یا کار انجام شده به شیوه ای سخاوتمندانه (مراجعه شود به رومیان ۱۲: ۱۳، ۱۵: ۲۶، دوم قرنتیان ۸: ۴، ۹: ۱۳، فیلیپیان ۴: ۱۵، عبرانیان ۱۳: ۱۶)
۴. هدیه خدا از فضل از طریق مسیح، که همبستگی بشریت را با او و برادران و خواهرانش بازگرداند
- این رابطه افقی (انسان به انسان) را مطرح می‌کند که از طریق رابطه عمودی (انسان به خالق) به وجود می‌آید. همچنین بر نیاز و خوشبختی جامعه مسیحی تاکید دارد (مراجعه شود به عبرانیان ۱۰: ۲۵).

■ "توافق شد که ما نزد غیریهودیان برویم و آنان نزد یهودیان" این عبارت در درجه اول به جغرافیا و نه نژاد اشاره دارد. هم در فلسطین غیر یهودی بود و هم یهودیان خارج از فلسطین سکونت داشتند. بسیاری از کلیساهای پولس ترکیبی از هر دو بودند زیرا وقتی که به شهر جدید آمد، ابتدا به موعظه برای کنیسه رفت.

۲: ۱۰ " فقط خواستند که فقرا را به یاد داشته باشیم " پولس برای اولین بار توسط کلیسای انطاکیه با مفهوم خدمت ویژه برای فقرا در اورشلیم آشنا شد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۱: ۲۷-۳۰). او این کار را به یک پروژه برای کلیساهای غیر یهودی تبدیل کرد (مراجعه کنید به اعمال رسولان ۲۴: ۲۴؛ اول قرتیان ۱۶: ۱ الی ۲؛ دوم قرتیان ۸، ۹؛ و رومیان ۱۵: ۲۵-۲۷). اگر غلاطیان ۲ همسو با اعمال رسولان ۱۵ باشد، توضیح اینکه چرا دیگر احکام مربوط به بقیه اعمال رسولان ۱۵: ۲۳-۲۹ ذکر نشده است، دشوارتر می‌شود. بنابراین بسیاری این آیه را به عنوان استدلال برای بازدید از این دیدار با اعمال رسولان ۱۱: ۳۰-۲۷ دانسته‌اند.

NASB: غلاطیان ۲: ۱۱ الی ۲۱

۱۱ اما چون پطرس به انطاکیه آمد، با او رویاروی مخالفت کردم، چه آشکارا تقصیرکار بود. ^{۱۲} زیرا پیش از آنکه کسانی از جانب یعقوب درآیند، با غیریهودیان همسفره می‌شد، اما همین که آنها آمدند، پا پس کشید و خود را جدا کرد، چرا که از اهل ختنه بیم داشت. ^{۱۳} سایر یهودیان نیز در این ریاکاری به او پیوستند، به گونه‌ای که حتی برنابا نیز در اثر ریاکاری آنان از راه به در شد.

۱۴ اما من چون دیدم آنان در راستای حقیقت انجیل، استوار گام نمی‌زنند، در حضور همه پطرس را گفتم: «اگر تو، با اینکه یهودی هستی، همچون غیریهودیان زندگی می‌کنی نه چون یهودیان، چگونه است که غیریهودیان را وامی‌داری که از رسوم یهودیان پیروی کنند؟»

۱۵ ما که یهودی‌زاده‌ایم و نه به اصطلاح 'غیریهودی گناهکار'، ^{۱۶} می‌دانیم که انسان نه با اعمال شریعت، بلکه با ایمان به عیسی مسیح پارسا شمرده می‌شود. پس ما خود نیز به مسیح عیسی ایمان آوردیم تا با ایمان به مسیح پارسا شمرده شویم و نه با اعمال شریعت، زیرا هیچ بشری از راه انجام اعمال شریعت پارسا شمرده نمی‌شود.

۱۷ اما اگر در حالی که در پی پارسا شمرده شدن به واسطه مسیح هستیم، معلوم شود که گناهکاریم، آیا این بدان معنی است که مسیح خادم گناه است؟ به هیچ روی! ^{۱۸} زیرا اگر آنچه را که خود ویران کردم از نو بنا کنم، در آن صورت نشان می‌دهم که به شریعت نافرمانم. ^{۱۹} زیرا من به واسطه خود شریعت، نسبت به شریعت مردم تا برای خدا زیست کنم. ^{۲۰} با مسیح بر صلیب شده‌ام، و دیگر من نیستم که زندگی می‌کنم، بلکه مسیح است که در من زندگی می‌کند؛ و این زندگی که اکنون در جسم می‌کنم، با ایمان به پسر خداست که مرا محبت کرد و جان خود را به خاطر من داد. ^{۲۱} فیض خدا را باطل نمی‌شمارم، زیرا اگر پارسایی از راه شریعت به دست می‌آمد، پس مسیح بیهوده مرد.

۲: ۱۱ " اما چون پطرس به انطاکیه آمد " زمان بازدید پیترو از انطاکیه مشخص نیست. برخی از محققان این دیدار را بلافاصله پس از شورای اورشلیم قرار می‌دهند و برخی قبل از آن. ظاهراً ذکر این بازدید خارج از ترتیب زمانی است. این می‌تواند به دنبال جلسه شورای اعمال رسولان ۱۵ باشد و این واقعیت را نشان می‌دهد که تمام مشکلات عملی به طور کامل حل نشده‌اند. با این حال، دشوار است تصور کنید که پطرس پس از تأیید پولس و انجیل خود در شورا، مانند این رفتار کند (مراجعه کنید به غلاطیان ۲: ۹؛ اعمال رسولان ۱۵: ۶-۱۱)، این یک بحث دیگر برای کسانی است که به بینش اعمال رسولان ۱۱ فکر می‌کنند.

■ " با او رویاروی مخالفت کردم " پولس از این مثال برای اثبات استقلال خود و برابری با رسولان اورشلیم استفاده می‌کند. این یک اصطلاح قوی است (مراجعه کنید به افسسیان ۶: ۱۳ و یعقوب ۴: ۷).

NASB "زیرا او محکوم شده بود"

NKJV "زیرا او مقصر بود"

NRSV "زیرا او خود محکوم ایستاد"

TEV "زیرا او به وضوح اشتباه کرده بود"

NJB "از آنجا که او آشکارا در اشتباه بود"

این فعل جمع کامل مجهول پیرامون چیزی که قبلاً اتفاق افتاده بود، صحبت می‌کند که به یک موقعیت مستقر تبدیل شده و توسط عامل خارجی انجام شده است. این ساخت و ساز به معنای این نیست که پطرس به این نگرش ادامه دهد. همچنین توجه داشته باشید که رهبر گروه رسولان اشتباه کرد. رسولان الهام گرفتند که کتاب مقدس قابل اعتماد و جاودانه بنویسند، اما این هرگز دلالت بر این نداشت که آنها گناه نکردند یا در مناطق دیگر انتخاب ضعیفی نکردند!

۱۲:۲ " زیرا پیش از آنکه کسانی از جانب یعقوب درآیند " کسانی " احتمالاً عضو کلیسای اورشلیم بودند، اما اینکه آیا آنها دارای مقام رسمی بودند یا خیر، نامشخص است. واضح است که آنها نماینده یعقوب نبودند، زیرا یعقوب کاملاً با موضع پولس در مورد مسیحیت غیر یهود موافق بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵: ۱۳-۲۱). شاید آنها کمیته حقایق بودند که از اختیاراتشان فراتر رفته بودند. احتمالاً آنها در آنجا بودند تا در مورد مقررات شورا بررسی کنند (مراجعه کنید به اعمال رسولان ۱۵: ۲۰-۲۱). آنها پطرس، یهودی مومن را به دلیل نقض مستقیم قانون شفاهی (به عنوان مثال، تلمود) در پای سفره با غیر یهودیان دیدند. پطرس بیشتر با این مسئله مبارزه کرده بود (مراجعه کنید به اعمال رسولان ۱۱: ۱-۱۸). این حتی در طول زندگی عیسی مسئله جزئی نبود (مراجعه کنید به متی ۹: ۱۱؛ ۱۱: ۱۹؛ لوقا ۱۹: ۱-۱۰؛ ۱۵: ۲؛ اعمال رسولان ۱۵: ۲۸-۲۹).

■ "پا پس کشید و خود را جدا کرد، چرا که از اهل ختنه بیم داشت" سه فعل غیر کامل در غلاطیان ۲: ۱۲ رخ می‌دهد. اولین اظهارات که پطرس مرتباً با غیر یهودیان است. دفعات دوم و سوم که هنگام ورود هیئت از کلیسای اورشلیم پطرس شروع به کاهش روابط اجتماعی خود با غیر یهودیان می‌کند. این نه تنها به موضوع ختنه، بلکه در رابطه کلی با قانون موسی با مومنان جدید غیر یهودی بود.

۱۳:۲ " سایر یهودیان نیز در این ریاکاری به او پیوستند، به گونه‌ای که حتی برنابا نیز در اثر ریاکاری آنان از راه به در شد " شاخک‌های کشنده تاثیر فاسد یهودایزر حتی مومن ترین افراد را نیز تحت تاثیر قرار داد. پولس به وضوح از اقدامات بارناباس ناامید شد. برنابا برای غیر یهودیان موعظه کرده بود و در اعمال رسولان ۱۵ برای انجیل رایگان ایستاده بود. مشکل در اینجا آزادی مومنان غیر یهودی از الزامات قانون موسی نبود بلکه پیامدهای این آزادی برای مومنان یهودی بود. آیا پطرس و برنابا نیز آزاد بودند که روایات شفاهی را که تفسیر قانون موسی بود، رد کنند؟ موضوع خاص را ببینید: دیدگاه پولس درباره شریعت موسی در غلاطیان ۳: ۱۹.

موضوع خاص: برنابا

SPECIAL TOPIC: BARNABAS

I. مرد

- A. در ابتدا یوسف نامگذاری شد (اعمال رسولان ۴: ۳۶)
- B. متولد قبرس (اعمال رسولان ۴: ۳۶)
- C. از قبیله لای (اعمال رسولان اعمال ۴: ۳۶)
- D. ملقب به "پسر تشویق" (اعمال رسولان ۴: ۳۶؛ ۱۱: ۲۳)
- E. "مرد خوب" او را صدا می‌کردند (اعمال رسولان ۱۱: ۲۴)
- F. عضو کلیسای اورشلیم (اعمال رسولان ۱۱: ۲۲) و به عنوان نماینده خود برای بررسی کلیسای جدید در حال رشد انطاکیه سوریه فرستاده شد (اعمال رسولان ۱۱: ۱۹-۲۸)
- G. گفت که پر از روح القدس است (اعمال رسولان ۱۱: ۲۴)
- H. گفته می‌شود پر از ایمان است (اعمال رسولان ۱۱: ۲۴)
- I. او هدایای معنوی یک پیامبر و معلم را داشت (اعمال رسولان ۱۳: ۱)
- J. رسول نامیده شد (اعمال رسولان ۱۴: ۱۴)

II. بشارت او

- A. در اورشلیم
 ۱. اموال خود را فروخت و تمام پول را به رسولان داد تا به فقرا کمک کنند (اعمال رسولان ۴: ۳۷)
 ۲. رهبر کلیسای اورشلیم (اعمال رسولان ۱۱: ۲۲)
- B. با پولس
 ۱. او اولین کسی بود که به ایمان آوردن شائلول / پولس اعتماد کرد (اعمال رسولان ۹: ۲۷)
 ۲. او به تاروسوس رفت تا شائلول / پولس را پیدا کند و وی را برای کمک به کلیسای جدید در انطاکیه (اعمال رسولان ۱۱: ۲۴-۲۶) یاری دهد.
 ۳. کلیسای انطاکیه برنابا و شائلول را با کمک‌هایی برای فقرا به کلیسای اورشلیم فرستاد (اعمال رسولان ۱۱: ۲۹-۳۰)
 ۴. برنابا و پولس به اولین سفر بشارتی می‌روند (اعمال رسولان ۱۳: ۱-۳)
 ۵. برنابا رهبر تیم در قبرس (جزیره اصلی خود) بود، اما به زودی رهبری پولس به رسمیت شناخته شد (اعمال رسولان ۱۳: ۱۳)

۶. آنها به کلیسا در اورشلیم گزارش دادند تا کار مربوط به ماموریت خود را در بین غیر یهودیان توضیح دهند و مستند کنند (اعمال رسولان ۱۵: ۱ الی ۲۱، به نام شورای اورشلیم).
۷. برنابا و پولس در مورد قوانین مربوط به مواد غذایی یهود و یاران غیر یهودی که در غلاطیان ۲: ۱۱ الی ۱۴ ثبت شده اند اختلاف نظر داشتند.
۸. برنابا و پولس سفر بشارتی دوم را ترتیب دادند، اما اختلاف نظر درباره پسر عموی برنابا، یوحنا-مرقس (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۱۰)، باعث شد که در اولین سفر بشارتی از کار خارج شد (مراجعه کنید به اعمال رسولان ۱۳: ۱۳). پولس از سفر او در ماموریت دوم خودداری کرد، بنابراین تیم به هم ریخت (اعمال رسولان ۱۵: ۳۶-۴۱). این نتیجه دو تیم (یعنی بارناباس و یوحنا-مرقس و پولس و سیلاس) بود.

II. سنت کلیسا (از ویوس)

- A. برنابا یکی از هفتاد نفری بود که توسط عیسی فرستاده شد (مراجعه شود به لوقا ۱۰: ۱-۲۰).
- B. او به عنوان یک شهید مسیحی در جزیره خانگی خود، قبرس (از اعمال بارناباس) درگذشت.
- C. ترتولیان می گوید که او کتاب عبرانیان را نوشت.
- D. کلمنت اسکندریه می گوید که او کتاب غیر متعارف رساله برنابا را نوشت.

۱۴:۲

NASB, NKJV "به طور مستقیم"
NRSV "به طور مداوم عمل نمی کند"
TEV "قدم زدن در یک مسیر مستقیم"

این به معنای "که آنها مستقیم پیش رفتند." است. این دو مفهوم استعاره‌ای دارد.

۱. "راه رفتن" به معنای سبک زندگی است
۲. "مستقیم" بازی با "راه رفتن" است که در مسیر صحیح عدالت قدم می‌زند (یعنی میله اندازه گیری مستقیم، به موضوع خاص: پارسایی در غلاطیان ۲: ۲۱ مراجعه کنید)

■ "حقیقت انجیل" موضوع خاص: حقیقت در نوشته های پولس در غلاطیان ۲: ۵ را مطالعه کنید.

■ "در حضور همه پطرس را گفتیم" (در متن انگلیسی سفاس - *Cephas* نام دیگر پطرس ذکر شده - مترجم) معمولاً باید مشکلات کلیسا به صورت خصوصی پرداخته شود، اما اقدامات پطرس در قلب انجیل قرار می‌گیرند. این درگیری کل کلیسای انطاکیه را تحت تاثیر قرار داده بود و برای حل و فصل اختلافات کلیسا باید به طور علنی و قاطعانه مورد رسیدگی قرار گرفت (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۵: ۲۰).

■ "اگر تو، با اینکه یهودی هستی" این جمله شرطی درجه یک (که از نظر نویسنده یا برای اهداف ادبی او شرط صادق است) آغاز بحث پولس با پطرس است. غلاطیان ۲: ۱۵-۲۱ احتمالاً خلاصه کلام است و لزوماً سخنان دقیق پولس به پطرس نیست. رویارویی عمومی پولس با پطرس در مورد ریاکاری و ناهماهنگی او، استقلال پولس را بیشتر ثابت کرد.

■ "وامی داری که از رسوم یهودیان پیروی کنند" پولس اسم "یهودیان" را به (حال فعال) نامحدود تبدیل می‌کند، که فقط در اینجا در عهد جدید دیده می‌شود.

۲: ۱۵ الی ۲۱ به یادداشت ابتدای فصل مراجعه کنید (یعنی بینش متنی C). به نظرم ممکن است خطاب پولس به پطرس در غلاطیان ۲: ۱۴ متوقف شود زیرا غلاطیان ۲: ۱۵-۲۱ مخاطبان گسترده‌تری را خطاب می‌کند (به پاراگراف بندی در NRSV، TEV، NJB توجه کنید). مشکل این است که هیچ نشانگر متنی واضحی برای حرکت وجود ندارد. ممکن است که غلاطیان ۲: ۱۵-۲۱ خطاب به مسیحیان غلاطیه باشد. اگر چنین است، آنها یک بیانیه مختصر از حقایق انجیل مربوط به ادعای یهود زدان، نه فقط اقدامات نامناسب پطرس و برنابا (و سایر مسیحیان یهودی که حضور داشتند) تشکیل می‌دهند.

سوال تفسیری این است، "ما" در غلاطیان ۲: ۱۵، ۱۶، ۱۷ به چه کسی اشاره می‌کند:

۱. پولس، پطرس و سایر یهودیان مومن
۲. پولس و مومنین غلاطیه (اصل کلامی توجیه بر مبنای ایمان را تعمیم می‌دهند، رجوع کنید به غلاطیان ۲: ۱۶؛ رومیان ۲: ۲۸-۲۹)

۲: ۱۵ " ما که یهودی زاده ایم " بدیهی است که یهودیان از برخی مزایای معنوی برخوردار بودند (مراجعه کنید به رومیان ۳: ۱، ۲: ۹؛ ۴، ۵). اما مزایای آنها به رستگاری مربوط نمی‌شد بلکه به وحی و رفاقت با خدا از طریق میثاق قدیمی به عنوان مردمان خدا بود. بنابراین، قلب انجیل پولس به غیر یهودیان برابری اعتقاد یهودیان و غیر یهودیان در برابر خدا بود (مراجعه کنید به غلاطیان ۳: ۲۸؛ اول قرنتیان ۱۲: ۱۳؛ افسسیان ۲: ۱۱-۳: ۱۱).

■ "نه به اصطلاح 'غیر یهودی گناهکار'" (در نسخه انگلیسی این عبارت به صورت "نه گناهکارانی از میان غیر یهودیان" نوشته شده است- مترجم) پولس ظاهراً از عبارتی موهن استفاده می‌کرد که در یهودیت ربی رایج بود و احتمالاً توسط معلمان دروغین مورد استفاده قرار می‌گرفت. غیر یهودیان به دلیل اینکه خارج از پیمان عهد عتیق بودند، "گناهکاران" بودند (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۱-۱۲).

۲: ۱۶ " که انسان نه با اعمال شریعت، بلکه با ایمان به عیسی مسیح پارسا شمرده می‌شود " این آیه شامل تاکید سه گانه در مورد دکتربین است که توجیه فیض از طریق ایمان برای هر انسانی است (مراجعه کنید به افسسیان ۲: ۸-۹)، با "یک نفر" شروع شده، سپس به "ما" و نتیجه گیری با "بدون گوشت" می‌پردازد.

تاثیر این تکرار سه گانه بسیار زیاد است. حقیقت توجیه ایمان برای تمام بشریت (یهودیان و غیر یهودیان) جوهره ارائه نهایی کلامی پولس در رومیان ۱-۸، و خلاصه آن در رومیان ۳: ۲۱-۳۱ است.

"توجیه شده" (و همچنین "صالح") مفهوم عهد عتیقی از یک نی اندازه گیری را نشان می‌دهد (به موضوع خاص در غلاطیان ۲: ۲۱ مراجعه کنید). یهوه از این استعاره برای شخصیت و معیارهای اخلاقی خود استفاده کرد. خداوند معیار سنجش معنوی است (مراجعه کنید به متی ۵: ۴۸). در عهد جدید، خدا از طریق مرگ مسیح، پارسایی خود را به ما می‌دهد (مراجعه کنید به دوم قرنتیان ۵: ۲۱)، که با توبه و ایمان از طرف شخص دریافت می‌شود (مراجعه کنید به مرقس ۱۵: ۱ و اعمال رسولان ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۲۱).

توجیه با فیض از طریق ایمان - ارائه شده در غلاطیان ۲: ۱۶ و ۱۷ به عنوان موضع ما در مسیح کاملاً مبتنی بر عشق مبتکرانه خدا، کار نهایی مسیح و فریاد زدن روح است. با این حال، تاکید بر زندگی مسیحی ما کاملاً در آیه ۲۱ بیان شده است که موقعیت ما در زندگی باید به یک زندگی مسیحی منجر شود (مراجعه کنید به موضوع خاص: تقدیس در اول تسالونیکیان ۴: ۳، رومیان ۸: ۲۹؛ غلاطیان ۴: ۱۹؛ افسسیان ۱: ۴؛ ۲: ۱۰؛ اول یوحنا ۱: ۷). پولس انکار نکرد که کارهای خوب قابل توجه است. او فقط رد کرد که آنها زمینه پذیرش ما هستند.

افسسیان ۲: ۸-۱۰ بشارت انجیل پولس را به روشنی نشان می‌دهد - لطف اولیه خدا، از طریق پاسخ ایمان بشر، به کارهای نیک. حتی غلاطیان ۲: ۲۰، که به نظر می‌رسد بر تقدیس ما تاکید دارد - اما در متن، اعتبار و فراگیر بودن دکتربین عدالت نهفته عیسی را اثبات می‌کند، کاملاً جدا از شایستگی انسان یا سبک زندگی یا منشا قومی است.

پولس تاکید می‌کند که الزامات توجیه فقط اینها نیستند:

۱. "بر مبنای کارهای شریعت"، غلاطیان ۲: ۱۶ الف
۲. "و نه بر مبنای اعمال شریعت"، غلاطیان ۲: ۱۶ ب
۳. زیرا بر اساس شریعت، هیچ گوستی توجیه نخواهد شد، غلاطیان ۲: ۱۶ پ

سپس پولس تنها راه توجیه بشر گناهکار را ارائه می‌دهد.

۱. "از طریق ایمان به مسیح عیسی" (به مفهوم "از طریق ایمان به عیسی مسیح")، غلاطیان ۲: ۱۶ الف
۲. "ما به مسیح عیسی ایمان آورده ایم (به مفهوم "با ایمان به عیسی مسیح" [آئوریست فعال اخباری])، غلاطیان ۲: ۱۶ ب
۳. "با ایمان به مسیح" (روشن شده توسط "ایمان مسیح")، غلاطیان ۲: ۱۶ پ

این تکرار سه گانه برای وضوح و تاکید است! تنها مشکل در چگونگی درک و ترجمه اصول "عیسی"، غلاطیان ۲: ۱۶ الف و "مسیح"، غلاطیان ۲: ۱۶ پ. بیشتر ترجمه‌ها این عبارت را به عنوان یک جنبه هدفمند، "ایمان به مسیح" می‌گیرند، اما می‌تواند یک جنبه ذهنی باشد (مراجعه کنید به انجیل NET) و بیانگر اصطلاح عهد عتیقی "وفاداری مسیح" به خواست پدر است. همین سوال دستوری در فهم رومیان ۳: ۲۲، ۲۶؛ غلاطیان ۲: ۲۰؛ ۳: ۲۲؛ افسسیان ۳: ۱۲؛ فیلمون ۳: ۹ تاثیر دارد. هر کدام از آنها که نیت پولس بوده باشند، هر دو نشان می‌دهند که توجیه در اعمال، شایستگی‌ها یا اطاعت‌های انسانی یافت نمی‌شود، بلکه در اعمال و اطاعت از عیسی مسیح است. عیسی تنها امید ماست!

NASB, NKJV "حتی ما به مسیح عیسی ایمان آورده ایم"
NRSV "و ما به مسیح عیسی ایمان آورده ایم"
TEV "ما نیز به مسیح عیسی ایمان آورده ایم"
NJB "ما مجبور شدیم به مسیح عیسی ایمان بیاوریم"

اصطلاحات یونانی *pistis* (اسم) و *pisteuō* (فعل) ممکن است در انگلیسی به عنوان "اعتماد"، "ایمان" یا "ایمان" ترجمه شود. این اصطلاح دو جنبه مشخص از رابطه ما با خدا را منتقل می‌کند.

۱. ما به وفاداری، وعده های خدا و کار نهایی عیسی مسیح اعتماد می کنیم

۲. ما پیام مربوط به خدا، بشریت، گناه، مسیح، رستگاری و غیره را باور داریم (یعنی کتاب مقدس)

از این رو، می تواند به پیام انجیل یا اعتماد ما به شخص انجیل اشاره کند. انجیل شخصی است که (عیسی مسیح) از آن استقبال می کند، پیامی در مورد آن شخص برای ایمان آوردن و زندگی مانند آن شخص برای زندگی. موضوع خاص: ایمان در غلاطیان ۳: ۶ و اول تسالونیکیان ۵: ۹ را مطالعه کنید.

■ "شریعت" (دو مرتبه تکرار شده) ترجمه های TEV، NRSV، NKJV، NASB و JB همگی دو بار این اسم فاعل قطعی را دارند. اسم فاعل قطعی در متن یونانی ظاهر نمی شود، اما فرض می شود که دلیل کاربرد آن، ادامه استفاده پولس از این عبارت برای شریعت باشد. اگرچه او این مسئله را در درجه اول در ذهن داشت، هرگونه تلاش انسانی دیگر (هنجار اجتماعی) که می تواند به عنوان مبنایی برای قرار گرفتن صحیح موقعیت ما با خدا باشد، در اینجا قابل تامل است.

■ "هیچ بشری" (در نسخه انگلیسی، "هیچ گوشتی" نوشته و این تفسیر بر مبنای متن انگلیسی است- مترجم) این عبارت به معنی "هیچ انسانی نیست" می باشد. موضوع خاص: گوشت (sarx) در غلاطیان ۱: ۱۶ را مشاهده کنید.

۲: ۱۷ "اگر" "اگر" یک جمله شرطی درجه یک را معرفی و تصور می کند که از منظر نویسنده یا برای اهداف ادبی او شرط صادق است. پولس و یارانش (مانند همه انسانها) گناهکار به نظر می رسند (مراجعه شود به رومیان ۳: ۹-۱۸، ۱۹، ۲۳؛ ۱۱: ۳۲؛ غلاطیان ۳: ۲۲).

■ "معلوم شود که گناهکاریم" تفسیر این عبارت دشوار است. چندین نظریه ممکن است بسط یافته باشند:

۱. بیشتر مفسران آن را با رومیان ۳: ۲۳ مرتبط می دانند. و می گویند "ما، مانند غیر یهودیان، همه به عدالت خدا احتیاج داریم، زیرا همه ما گناه کرده ایم"

۲. برخی این عبارت را با سوال ضد آن رومیان ۶-۸ بیان می کنند که اگر کسی جدا از تلاش انسان نجات یابد، چرا خداوند در رابطه با گناه ما داوری می کند

۳. این عبارت ممکن است زمینه را برای بحث پولس در مورد فصل در فصل ۳ فراهم کند، جایی که یکبار آن را بشکنیم، در هر زمینه ای، امکان درستی با خدا را با حفظ شریعت از بین می رود. یهودیان مومن، پطرس، پولس و برنابا با خوردن غذای ممنوعه، شریعت را نقض کرده بودند. این دیدگاه مربوط به غلاطیان ۲: ۱۷ است که متن بلافصل انکار یک نتیجه گیری غیر واقعی است بر اساس یک فرضیه معتبر استوار شده.

۴. پولس به یهودیان و غیر یهودیان که در مسیح یکی شده اند، اشاره داشت.

اگر این خواست خدا نباشد، این وحدت باعث می شود که مومنان یهودی گناهکاران بوده و مسیح در گناهان آنان شریک است.

NASB "آیا مسیح سپس مباشر گناه است؟"

NRSV "آیا مسیح پس از آن بنده گناه است؟"

NKJV "آیا مسیح بشارت دهنده گناه است؟ مطمئناً اینطور نیست"

TEV "آیا این بدان معنی است که مسیح به منافع گناه خدمت کرده است؟"

NJB "این به دنبال خواهد بود که مسیح ما را به گناه القا کرده است، که پوچ خواهد بود"

مباحثه پولس ادامه یافت، هر چند دنبال کردن آن دشوار بود. او به (۱) اقدامات پطرس یا (۲) اتهامات و یا آموزه های معلمین دروغین است، به وضوح پاسخ می داد، اما مسئله دقیقی که این موضوع به آن مربوط می شد، نامشخص است.

کاربردهای دیگر پولس از عبارت "ممکن است هرگز نباشد" یا "خدای ناکرده" در تفسیر این جمله مهم هستند (مراجعه کنید به غلاطیان ۳: ۲۱؛ رومیان ۶: ۲). معمولاً پولس از این ساختار نادر استفاده می کرد تا بر اساس یک فرضیه معتبر، نتیجه نادرست را انکار کند.

۲: ۱۸ "زیرا اگر آنچه را که خود ویران کردم از نو بنا کنم، در آن صورت نشان می دهم که به شریعت نافرمانم" این یک جمله شرطی درجه یک است که از منظر نویسنده یا برای اهداف ادبی او شرط صادق است. محققان از اشاره دقیق پولس در اینجا مطمئن نیستند. آیا این موعظه او از انجیل است یا اشاره به زندگی قبلی او به عنوان یهودی بود؟ همین ابهام در رومیان ۷ یافت شده است. "بازسازی" و "نابود کردن" ممکن است از اصطلاحات ربی ها شبیه به "اتصال" و "شل" از متی ۱۶: ۱۹ باشد.

۲: ۱۹ "زیرا من به واسطه خود شریعت، نسبت به شریعت مُردم" این گفته مهم آنقدر که مورد توجه قانونی است، در کانون توجه عرفان نیست. به نوعی وقتی عیسی بجای ما درگذشت، ما با او درگذشتیم (مراجعه کنید به غلاطیان ۲: ۲۰؛ رومیان ۶: ۶-۷؛ دوم قرتیان ۵: ۱۴ الی ۱۵). بنابراین، رابطه اجباری ما با قانون، تا آنجا که در مورد نجات است، شکسته شد. ما می توانیم آزادانه به سوی مسیح بیاییم. این نقطه تمرکز در غلاطیان ۲: ۲۰ و ۲۱ است، مشابه

■ "تا برای خدا زیست کنم" باز هم، جنبه های الهیاتی دو جانبه موقعیت ما در طریق مسیح و سبک زندگی اجباری ما برای مسیح اثبات شده است. این حقیقت پارادوکسیک از چند طریق قابل بیان است.

۱. نشانگر (بیان موضع ما) و ضروری (خواستار زنده ماندن از موقعیت ما)
 ۲. هدف (حقیقت انجیل) و ذهنی (زندگی انجیل)
 ۳. "ما پیروز شده ایم" (ما در طریق مسیح از سوی خدا پذیرفته شده ایم) اما اکنون "ما باید فرار کنیم" (باید در طریق مسیح زندگی کنیم و قدردان باشیم)
- این طبیعت دوگانه انجیل است - رستگاری کاملاً رایگان است، اما هزینه آن، هر آنچه را که هستیم و داریم! باید تکرار شود که هدیه رایگان قبل از فراخوان مسیحیت می آید. ما در گناه مردیم تا بتوانیم به خدا خدمت کنیم (مراجعه شود به رومیان ۱۰: ۶)!

۲: ۲۰ "با مسیح بر صلیب شده ام" در جمله یونانی، "با مسیح" ابتدا برای تاکید قرار می گیرد (در متن یونانی⁴ UBS در غلاطیان ۲: ۱۹ رخ می دهد). فعل (زمان اخباری کامل مجهول) دلالت بر این دارد که اتفاقاتی در گذشته با نتایج ماندگار رخ داده و توسط یک عامل خارجی انجام شده است، نقطه تمرکز رومیان ۶: ۱-۱۱ و ۷: ۱-۶ است.

- پولس در غلاطیان ۵: ۲۴ و ۶: ۱۴ اصطلاح "صلیب" را به کار می برد، که مربوط به رابطه مومن با این سیستم گمراه جهان است. با این حال، به نظر می رسد که تاکید در اینجا ارتباط پیوند مومن با شریعت است (مراجعه کنید به غلاطیان ۳: ۱۳). یادآوری این نکته حائز اهمیت است که هنگامی که با مسیح مردیم، برای خدا زنده هستیم (مراجعه کنید به غلاطیان ۲: ۱۹؛ رومیان ۱۰: ۶). این مفهوم بارها و بارها مورد تاکید قرار گرفته است
۱. مسئولیت ما برای گام برداشتن همانطور که او گام بر می داشت (اول یوحنا ۱: ۷)
 ۲. اینکه ما باید به گونه ای گام برداریم که لایق فرا خوانده شدن باشیم (افسیسیان ۴: ۱، ۱۷: ۵؛ ۲: ۵)
- هنگامی که بخشش رایگان مسیح را بشناسیم، مهم است که به صورت بنده مسئول، زندگی کنیم (مراجعه کنید به کولسیان ۲: ۱۲-۱۴، ۲۰: ۳؛ ۱-۴ و دوم قرنتیان ۱۴-۱۵).

■ "بلکه مسیح است که در من زندگی می کند" معمولاً گفته می شود که عیسی در مومن ساکن می شود (مراجعه کنید به متی ۲۸: ۲۰؛ یوحنا ۱۴: ۲۳ [عیسی و پدر]؛ رومیان ۸: ۱۰؛ کولسیان ۱: ۲۷). این غالباً با بشارت روح القدس همراه است (مراجعه کنید به رومیان ۸: ۹، ۱۱؛ اول قرنتیان ۳: ۱۶؛ ۶: ۱۹؛ دوم تیموتائوس ۱: ۱۴). کار روح بزرگنمایی و تکثیر پسر در مومنان است (مراجعه کنید به یوحنا ۱۶: ۷-۱۵؛ رومیان ۸: ۲۸-۲۹؛ غلاطیان ۴: ۱۹).

■ "و این زندگی که اکنون در جسم می کنم" موضوع خاص: گوشت (*sarx*) در غلاطیان ۱: ۱۶ را مطالعه کنید.

■ "با ایمان" اصطلاحات یونانی *pistis* (اسم) و *pisteuō* (فعل) را می توان "اعتماد"، "ایمان" یا "ایمان" ترجمه کرد که در درجه اول بر اعتماد ما به امانت خدا یا ایمان ما به وفاداری خدا تاکید می شود. موضوع خاص در غلاطیان ۳: ۶ را مطالعه کنید. این ایمان، پاسخ اولیه ما به وعده های خداوند است و به دنبال آن ادامه راه در وعده ها. "ایمان" در عهد جدید به سه معنی استفاده می شود.

۱. اعتماد شخصی
 ۲. زندگی قابل اعتماد
 ۳. اشاره به بدنه آموزه های مسیحی، مانند اعمال رسولان ۶: ۷؛ ۱۳: ۸؛ ۱۴: ۲۲؛ غلاطیان ۱: ۲۳؛ یهودا ۱: ۳ و ۲۰
- این ممکن است اشاره ای به حقوق ۲: ۴ باشد (مراجعه کنید به رومیان ۱: ۱۷؛ غلاطیان ۳: ۱۱؛ عبرانیان ۱۰: ۳۸).

■ "پسر خدا" برخی از نسخ بسیار باستانی MSS (یعنی G, F, D, B, P^{46}) دارای "خدا و مسیح" هستند، اما پولس از این عبارت استفاده نمی کند و ادعا نمی کند که اعتقاد به خدا نجات را به ارمغان می آورد. عبارت "پسر خدا" در MSS A, C, D^2 و بیشتر پدران اولیه کلیسا یافت می شود. ⁴UBS به آن رتبه "A" (یقین) می دهد.

■ "که مرا محبت کرد و جان خود را به خاطر من داد" این قلب کفاره به صورت جایگزین است (مراجعه کنید به غلاطیان ۱: ۴، مرقس ۱۰: ۴۵، رومیان ۵: ۶، ۸، ۱۰، پیدایش ۳: ۱۵، اشعیا ۵۳: ۴ الی ۶).

۲: ۲۱ "اگر" این جمله شرطی درجه اول دیگر است که از نظر نویسنده یا برای اهداف ادبی او شرط صادق است. انتظار می رود که یک جمله شرطی از کلاس دوم باشد. این یک نمونه خوب از یک جمله شرطی درجه یک برای تاکید بر ادعای دروغین است. فقط یک راه به سوی خدا وجود دارد - نه از طریق شریعت،

موضوع خاص: پارسایی

SPECIAL TOPIC: RIGHTEOUSNESS

"صداقت" یکی از موضوعات حساس است که هر دانشجوی انجیل باید مطالعات فردی جامعی در خصوص این مفهوم انجام دهد. در عهد عتیق، شخصیت خدا به صورت "عادل" و "صادق/صالح" (فعل)، BDB 842, KB 1003، اسم مذکر، BDB 841, KB 1004، اسم مونث، BDB 842, KB 1006 توصیف شده است. این اصطلاح بین النهرینی از "ساقه نی" می آید که از آن در ساختمان به عنوان ابزاری برای تشخیص صاف بودن سطح افقی دیوارها و پرچینها استفاده می شد. خدا این اسم را برای استفاده استعاره ای برای ماهیت خودش انتخاب کرد. او یک سطح کاملا صاف است (مانند خطکش) که توسط آن همه چیز ارزیابی می شوند. این مفهوم صادق بودن و همچنین حق داوری او را تصریح می کند. انسان با تصویری از خدا خلق شد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷، ۵: ۱ و ۳، ۹: ۶). نوع بشر برای دوستی با خدا خلق شد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳: ۸). کل خلقت مرحله ای است برای تعامل میان خدا و نوع بشر. خدا می خواست بالاترین مخلوقش، یعنی نوع بشر، او را بشناسد، دوستش داشته باشد، به او خدمت کند، و مانند او باشد! وفاداری نوع بشر آزمایش شد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳) و اولین زوج در آزمایش شکست خوردند. این باعث شد رابطه خدا با انسان قطع شود (مراجعه شود به رومیان ۵: ۱۲ الی ۲۱).

خدا قول داد که این دوستی را مجددا برقرار کند (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳: ۱۵، به موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی یهوه مراجعه شود). او این کار را با اراده خود و توسط پسرش انجام داد. انسانها توانایی مرمت این شکاف را نداشتند (مراجعه شود به رومیان ۱: ۱۸ الی ۳: ۲۰، مکاشفه ۵).

پس از سقوط، نخستین گام خدا برای برقراری مجدد این رابطه، مفهوم پیمان بر اساس دعوت انسان به توبه، وفاداری و پاسخ به اطاعت از وی بود (مراجعه شود به ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۳۶: ۲۲ الی ۳۸). به واسطه سقوط، انسانها فاقد توانایی دادن پاسخ مناسب بودند (مراجعه شود به رومیان ۳: ۲۱ الی ۳۱، غلاطیان ۳). خدا خودش باید نخستین گام را برمی داشت تا پیمان شکنی انسانها را مرمت کند. او این کار را با اقدامات زیر انجام داد:

۱. از طریق کارهای مسیح نوع بشر را صادق اعلام کردن (عدالت قضایی)
۲. از طریق مسیح به رایگان صداقت را به نوع بشر دادن (عدالت محسوب شده)
۳. دادن روح به نوع بشر که صداقت را ایجاد می کند (مسیح گونه بودن، بازایی تصویری از خدا)
۴. تجدید دوستی باغ عدن (کتاب پیدایش ۱ الی ۲، ۲ با مکاشفه ۲۱ الی ۲۲ مقایسه کنید

با این وجود، خدا می خواهد که به پیمانش پاسخ دهیم. خدا حکم می کند (به رایگان می دهد، مراجعه شود به رومیان ۵: ۸، ۶: ۲۳) و تاملین می کند ولی انسانها باید پاسخ داده و آن را ادامه دهند با

۱. توبه
۲. ایمان
۳. پیروی شیوه زندگی
۴. استقامت

بنابراین، صداقت یک پیمان و اقدام دوجانبه میان خدا و بالاترین مخلوقش است، بر اساس شخصیت خدا، کار عیسی و فعال کردن روح القدس، که به آن هر فرد باید شخصا و به صورت مداوم پاسخ مناسب بدهد. به این مفهوم "دادن حق با لطف و از طریق ایمان" گفته می شود (مراجعه شود به افسسیان ۸: ۲ الی ۹). این مفهوم در گاسپلها فاش می شود، ولی نه با این کلمات. در ابتدا توسط پولس، که از اصطلاح یونانی صداقت به اشکال مختلف بیش از یکصد مرتبه استفاده شده مطرح شد.

پولس که یک روحانی آموزش دیده است، از اصطلاح *dikaio sunē* در مفهوم عبری کلمه *tsaddiq* که در نسخه عبری انجیل به کار رفته، استفاده می کند، نه از نسخه یونانی. در نوشته های یونانی این کلمه به کسی گفته می شود که توقعات خدا و جامعه را برآورده می کند (مانند نوح، یعقوب). در مفهوم عبری همیشه در قالب کلمات پیمان است (به موضوع خاص: پیمان مراجعه شود). یهوه خدای عادل، با اخلاق و معنوی است. او می خواهد مردمش منعکس کننده شخصیتش باشند. انسان آزاد شده تبدیل به مخلوق جدیدی می شود (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵: ۱۷، غلاطیان ۶: ۱۵). این تازگی حاصلش تازگی شیوه جدید زندگی خداپسندانه است (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۵، غلاطیان ۵: ۲۲ الی ۲۴، جیمز، اول یوحنا). از آنجا که اسرائیل یک حکومت مذهبی بود، هیچ تعریف واضحی میان سکولار و روحانی (اراده خدا) وجود نداشت. این تمایز در قالب کلمات عبری و یونانی به

کلمه "justice" (عدالت) (در رابطه با جامعه) و "صداقت" در رابطه با مذهب ترجمه شده است.

خبر خوب عیسی این است که رابطه انسان سقوط کرده با خدا تجدید می‌شود. این کار با عشق، رحم و لطف خدا انجام می‌شود، زندگی، مرگ و قیام از مردگان پسرش و با اظهار عشق روح القدس و جلب توجه به سوی خبر خوش. Justification یک حرکت آزاد از جانب خداست، ولی باید در قالب خداپسندانه باشد (وضعیت آگوستین، که منعکس کننده شکل بخشی مجدد که بر آزادی گاسپل و کلیسای کاتولیک رم تاکید بر زندگی تغییر یافته بر اساس عشق و وفاداری نسبت به خدا). برای اصلاح کنندگان کلمه "صداقت خدا" حالت اضافه عینی است (این عمل که انسان گناهکار برای قابل پذیرش شود) [تقدیس موقعیتی]، در حالیکه برای کاتولیکها این یک مضاف الیه است، که فرایند بیشتر تبدیل شدن به خدا است [تقدیس تجربی در حال پیشرفت]. در واقعیت یقینا این هر دو است.

در دیدگاه من از تمام انجیل، از کتاب پیدایش ۴ گرفته تا مکاشفه ۲۰، حکایت از این دارد که خدا رابطه دوستی با بهشت را تجدید می‌کند. انجیل از دوستی خدا با انسان از همان ابتدا شروع می‌شود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱ الی ۲) و انجیل با همین شیوه خاتمه می‌یابد (مکاشفه ۲۱ الی ۲۲). تصویر و هدف خدا بازبایی می‌شود.

برای مستندسازی بحث فوق به عبارتهای منتخب از عهد جدید در زیر بر اساس گروه کلمات یونانی مراجعه کنید

۱. خدا صادق است اغلب با اینکه خدا قاضی است مرتبط می‌باشد)

a. رومیان ۳: ۲۶

b. دوم تسالونیکیان ۱: ۵ الی ۶

c. تیموتائوس ۴: ۸

d. مکاشفه ۱۶: ۵

۲. عیسی صادق است

a. اعمال رسولان ۳: ۱۴، ۷: ۵۲، ۲۲: ۱۴ (عنوان مسیح)

b. انجیل متی ۲۷: ۱۹

c. اول یوحنا ۲: ۱ و ۲۹، ۳: ۷

۳. اراده خدا برای مخلوقش صداقت است

a. لایوان ۱۹: ۲

b. انجیل متی ۵: ۴۸ (مراجعه شود به ۵: ۱۷ الی ۲۰)

۴. ابزار خدا برای تامین و ایجاد صداقت

a. رومیان ۳: ۲۱ الی ۳۱

b. رومیان ۴

c. غلاطیان ۳: ۶ الی ۱۴

d. رومیان ۵: ۶ الی ۱۱

۵. داده شده توسط خدا

a. رومیان ۳: ۲۴، ۶: ۲۳

b. اول قرنتیان ۱: ۳۰

c. افسسیان ۲: ۸ الی ۹

۶. دریافت با ایمان

a. رومیان ۱: ۱۷، ۳: ۲۲ و ۲۶، ۴: ۳ و ۵، ۱۳، ۹: ۳۰، ۱۰: ۴ و ۶ و ۱۰

b. دوم قرنتیان ۵: ۷ و ۲۱

۷. توسط کارهای پسر

a. رومیان ۵: ۲۱

b. دوم قرنتیان ۵: ۲۱

c. فیلیپیان ۲: ۶ الی ۱۱

۸. اراده خدا این است که پیروانش صادق باشند

a. انجیل متی ۵: ۳ الی ۴۸، ۷: ۲۴ الی ۲۷

b. رومیان ۲: ۱۳، ۵: ۱ الی ۵، ۶: ۱ الی ۲۳

c. افسسیان ۱: ۴، ۲: ۱۰

d. اول تیموتائوس ۶: ۱۱

e. دوم تیموتائوس ۲: ۲۲، ۱۶: ۳

f. اول یوحنا ۳: ۷

g. اول پطرس ۲: ۲۴

۹. خدا جهان را با صداقت داوری میکند

a. اعمال رسولان ۱۷: ۳۱

b. دوم تیموتائوس ۴: ۸

۱۰. صداقت یک مشخصه خدا است، که آن را توسط مسیح به انسان گناهکار می‌دهد.

a. یک حکم خدا

b. هدیه‌ای از خدا

c. یک کار مسیح

d. زندگی که باید زندگی کرد

ولی صالح شدن هم فرایندی دارد که باید با نیرومندی و پایداری آن را طی کرد، که با فرارسیدن بازگشت دوم، به سرانجام خواهد رسید. دوستی با خدا در رستگاری تجدید می‌شود ولی تداوم و پیشرفت آن در طی زندگی و مواجهه رو در رو با او (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۳) در زمان مرگ انجام می‌شود.

برای جمع بندی این بحث، در اینجا نقل قول خوبی را برگرفته از *Dictionary of Paul and His Letters* از IVP بیان می‌دارم:

"کالوین بیش از لوتر بر جنبه رابطه‌ای صداقت و صالح بودن خدا تاکید دارد. به نظر می‌رسد دیدگاه لوتر از صداقت خدا در بردارنده جنبه برائت باشد. کالوین بر طبیعت حیرت‌انگیز ارتباط یا رساندن صداقت خدا به ما تاکید می‌کند" (صفحه ۸۳۴).

از نظر من، رابطه مومن با خدا شامل این سه جنبه است:

۱. گاسپل یک فرد است (تاکید کلیسای شرقی و کالوین)

۲. گاسپل حقیقت است (تاکید آگوستین و لوتر)

۳. گاسپل زندگی تغییر یافته است (تاکید کاتولیک)

همه اینها درست هستند و باید برای مسیحیت سالم و انجیلی با همدیگر حفظ شوند. اگر هر کسی بیش از حد تاکید کرده یا مسامحه نماید، مشکلاتی به وجود می‌آیند.

ما باید عیسی را بپذیریم!

ما باید به خبر خوش ایمان داشته باشیم!

ما باید همچون مسیح بودن را ادامه دهیم!

■ "پس مسیح بیهوده مرد" این نهایت الهیات پولس در انکار یهود زدگان بر عملکرد انسان است. اگر اعمال بشری می‌توانستند ایستادگی صحیح با خدا داشته باشند، دیگر نیازی به مسیح نبود! با این حال، هر دو (۱) عهد عتیق، به ویژه داوران و تاریخ اسرائیل (مراجعه شود به نمیا ۹) و (۲) تجربیات فعلی دینداران کوشا مانند پولس، ناتوانی بشر را در اطاعت و پیروی از میثاق خدا نشان می‌دهد. عهد عتیق، به جای زنده کردن، مرگ و محکومیت را به همراه آورد (رجوع کنید: غلاطیان ۳). میثاق جدید (مراجعه کنید به ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴؛ حزقیال ۳۶: ۲۲-۳۸) زندگی را به عنوان یک موهبت بخشنده از یک خدای مهربان با دادن یک انسان جدید به انسانهای مومن، با قلب جدید، ذهن جدید، روح جدید تبدیل می‌کند! این هدیه فقط با کار فداکاری مسیح ممکن است. او قانون را عملی کرد! او نقض یاران را احیا می‌کند (یعنی تصویر آسیب دیده خدا در بشریت از پیدایش ۳ تعمیر و ترمیم شده است!).

سوالات بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چرا تفسیر این فصل بسیار دشوار است؟
۲. آیا پولس با یاس از رسولان اورشلیم در آیات ۲، ۶ و ۹ صحبت می‌کند؟
۳. چرا اوضاع مربوط به تیتوس در رابطه با شورای اورشلیم چنین موضوع مهمی بود؟
۴. معلمان دروغین چه کسانی بودند؟ چه چیزی نفوذ کردند؟ هدف آنها چیست؟
۵. چرا امتناع پطرس از خوردن با غیر یهودیان با توجه به درک پولس از انجیل، اینقدر محکوم شد؟
۶. کلمه "توجیه" را تعریف کنید.
۷. کلمه "ایمان" را تعریف کنید.
۸. آیات ۱۹ و ۲۰ چگونه با متن آنها ارتباط دارند؟

غلاطیان ۳

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
شریعت یا ایمان ۳: ۱ الی ۶	توجیه از طریق ایمان ۳: ۱ الی ۹	تقاضای تجربه کردن ۳: ۱ الی ۵	شریعت یا ایمان ۳: ۱ الی ۵	تجربه مسیحی ۳: ۱ الی ۵
		توسل به تجربه ابراهیم در کتاب مقدس ۳: ۶ الی ۹		شهادت کتاب مقدس. ایمان و شریعت ۳: ۶ الی ۹
۳: ۷ الی ۱۴	شریعت لعنت می آورد			لعنتی که توسط شریعت آورده شد ۳: ۱۰ الی ۱۴
	۳: ۱۰ الی ۱۴	۳: ۱۰ الی ۱۴	۳: ۱۰ الی ۱۲ ۳: ۱۳ الی ۱۴	
شریعت و وعده ۳: ۱۵ الی ۲۰	وعده تغییر ناپذیر ۳: ۱۵ الی ۱۸	مثالی از پیمان با ابراهیم ۳: ۱۵ الی ۱۸	شریعت و وعده ۳: ۱۵ الی ۱۸	شریعت وعده را لغو نکرد ۳: ۱۵ الی ۱۸
	پسران و وراث	هدف شریعت موسی ۳: ۱۹ الی ۲۰		هدف شریعت ۳: ۱۹ الی ۲۲
بردگان و پسران (۳: ۲۱ الی ۴: ۷)			هدف شریعت (۳: ۲۱ الی ۴: ۷)	
۳: ۲۱ الی ۲۲		۳: ۲۱ الی ۲۲	۳: ۲۱ الی ۲۲	آمدن ایمان
۳: ۲۳ الی ۲۵		۳: ۲۳ الی ۲۶	۳: ۲۳ الی ۲۵	۳: ۲۳ الی ۲۹
		درخواست برابری در تعمیم		
۳: ۲۶ الی ۴: ۷	۳: ۲۶ الی ۴: ۷		۳: ۲۶ الی ۲۹	
		۳: ۲۷ الی ۲۹		

* تقسیم‌بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگرافها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری می‌باشد. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگرافها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخ جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: انتقادات متنی و واژه‌نامه.

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور خود راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

بینش متنی

A. فصل ۳ واحد ادبی را که در غلاطیان ۲: ۱۵-۲۱ آغاز شده است ادامه می دهد. در فصل های ۳ و ۴ پولس جنبه های الهیاتی انجیل خود را توسعه می دهد (اینها در کتاب رومیان بیشتر توسعه می یابند). ظاهراً یهودی زدگان به عنوان وسیله ای برای حمله به موعظه های وی شخصا به او حمله کردند.

B. ساختار فصل ۳ به راحتی قابل تشخیص است.

۱. در غلاطیان ۳: ۱-۵ پولس خواستار تجربیات رستگاری شخصی غلاطیان شد. او از شهادت شخصی خود به عنوان گواهی بر حقیقت انجیل خود در غلاطیان ۱: ۱۰-۲: ۲۱ استفاده کرد، اما در اینجا او از تجربیات شخصی آنها استفاده می کند. او این کار را با چهار یا پنج سوال انجام می دهد.

۲. در غلاطیان ۳: ۶-۱۸ پولس تجربه عهد عتیق ابراهیم را به عنوان الگویی برای تجربه همه انسانها در حوزه رستگاری توسعه می دهد. او به ویژه در تجربه عهد عتیقی ابراهیم از طریق ایمان قبل و جدا از شریعت موسی، تمرکز می کند. این فصل پیشرو الهیاتی رومیان ۴ است!

C. در غلاطیان ۶: ۱ الی ۱۸ پولس هفت مرتبه از عهد عتیق نقل قول میکند

۱. غلاطیان ۳: ۶ - پیدایش ۱۵: ۶

۲. غلاطیان ۳: ۸ - پیدایش ۱۲: ۳

۳. غلاطیان ۳: ۱۰ - تثنیه ۲۷: ۲۶ (و احتمالاً ۲۸: ۵۸)

۴. غلاطیان ۳: ۱۱ - حبقوق ۲: ۴

۵. غلاطیان ۳: ۱۲ - لایوان ۱۸: ۵

۶. غلاطیان ۳: ۱۳ - تثنیه ۲۱: ۲۳

۷. غلاطیان ۳: ۱۶ - پیدایش ۱۳: ۱۵ (و احتمالاً ۲۲: ۱۸)

دلایل احتمالی استفاده گسترده از عهد عتیق عبارتند از:

۱. پولس از یهود زدگان و غلاطیان می خواست که ببینند انجیل او نیز مبتنی بر عهد عتیق است.

۲. یهود زدگان در استدلال خود از عهد عتیق استفاده می کردند، بنابراین، پولس نیز باید به خاطر داشته باشد که ارائه پولس توسط (۱) کلام فعلی یهود و (۲) تاکیدات یهود زدگان شکل می گیرد. استدلال پولس برای ما مبهم است زیرا ما کلام یهود زدگان را نمی دانیم و اینکه چگونه (متون، تصویر، استعاره) آنها را ارائه داده اند. ما فقط نیمی از مکالمه را می خوانیم. بدیهی است که مردم عهد عتیق قانون خدا را به عنوان هدیه و نعمت می دیدند، اما قانونگرایی یهودی آن را تحریف کرده بود!

D. وی به دلیل حمله شدید پولس به سوء تفسیر و به کار بردن شریعت توسط یهودی زدگان، هدف شریعت موسی را بیان می کند (آیات ۱۹-۲۹). او این کار را با دو سوال انجام داد (غلاطیان ۳: ۱۹ و ۲۱). باید ادعا کرد که پولس در اینجا از اصطلاح "شریعت" به روشی بسیار خاص استفاده می کند. پولس الهیات معلمان دروغین را رد می کند (یعنی این که شریعت وسیله ای برای نجات است، مراجعه شود به رومیان ۴: ۱۴). باید میان این دیدگاه از شریعت با استفاده عیسی از اصطلاح در متی ۵: ۱۷-۲۱ تعادل برقرار کرد. شریعت خوب است - شریعت از جانب خداست! شریعت ابدی است (مراجعه کنید به رومیان ۷: ۷، ۱۲-۱۴). به موضوع خاص: مشاهدات پولس از قانون موسی در غلاطیان ۳: ۱۹ مراجعه کنید.

E. شریعت موسی به دو حس شخصیتی شد (مراجعه کنید به غلاطیان ۳: ۲۳-۲۵: ۴: ۱-۲) که در جهان یونان و روم شناخته شده بودند:

۱. غلاطیان ۳: ۲۳، "ما تحت قانون محبوس شده ایم" - قانون به عنوان زندانبان

۲. غلاطیان ۳: ۲۴، "قانون سرپرست ما بوده است" - قانون به عنوان سرپرست کودک

a. غلاطیان ۴: ۲، "سرپرستان" - سرپرست کودک از بدو تولد تا ۱۴ سالگی

b. غلاطیان ۴: ۲، "معتمد" - متولی یک جوان از ۱۴ سالگی تا ۲۵ سالگی

مطالعه عبارت و کلام

NASB: غلاطیان ۳: ۱ الی ۵

ای غلاطیان نادان، چه کسی شما را افسون کرده است؟ زیرا در برابر چشمان خود شما عیسی مسیح به روشنی چون کسی که بر صلیب شد، ترسیم گردید. فقط می خواهم این را بدانم: آیا روح را با انجام اعمال شریعت یافتید یا با ایمان به آنچه شنیدید؟ آیا تا این حد نادانید که با روح آغاز کردید و اکنون می خواهید با تلاش انسانی به مقصد برسید؟ آیا همه آن چیزها بیهوده بر شما گذشته است؟ مگر اینکه براستی بیهوده

بوده باشد! آیا خدا از آن جهت روح را به شما عطا می‌کند و معجزات در میان شما ظاهر می‌سازد که اعمال شریعت را به جا می‌آورید، یا از آن رو که به آنچه شنیدید ایمان دارید؟

۳: ۱ و ۳

NASB, NKJV,

NRSV, TEV

NJB
"ای مردم غلاطیه آیا شما دیوانه‌اید"

این اصطلاح "ذهن" [با] با خصوصیات آلفا است که "نادان" ترجمه شده است. پولس به طور جدی تایید می‌کند که آنها به طور واضح در مورد پیامدهای آموزه‌های دروغین یهود زدگان فکر نکرده‌اند (مراجعه کنید به غلاطیان ۱: ۶). مثل همیشه، این معلمان دروغین باید شخصیت‌های قوی، با استعداد و منطقی باشند!

■ "چه کسی شما را افسون کرده است" استفاده از ضمیر مفرد "چه کسی" ممکن است روشی برای نشان دادن یک معلم اصلی دروغین باشد که پولس به او اشاره می‌کند (مراجعه کنید به غلاطیان ۵: ۷، ۱۰). اما این ممکن است زیاد خواندن این متن باشد زیرا ضمیر جمع در غلاطیان ۵: ۱۲ استفاده می‌شود. "افسون" به احتمال زیاد استعاره‌ای برای سردرگمی ذهنی است، اگرچه برخی از محققان آن را در این زمینه به عنوان یک تمثیل عهد عتیقی به "چشم شر" می‌دانند (مراجعه کنید به تثنیه ۱۵: ۹؛ ۲۸: ۵۴؛ امثال ۲۳: ۶؛ ۲۸: ۲۲؛ متی ۲۰: ۱۵؛ مرقس ۷: ۲۲).

■ "در برابر چشمان خود شما عیسی مسیح ... ترسیم گردید" (در متن انگلیسی، "در برابر چشمان چه کسی عیسی مسیح ترسیم شد" نوشته شده است - مترجم) در نسخه پایروسی یونانی کورین که در مصر یافت شده است (مراجعه کنید به Moulton and Milligan، *The Vocabulary of the Greek Testament*) نشان داده شده که "ترسیم شده" به معنای (۱) به معنای "تصویربرداری واضح" یا (۲) یک اعلامیه رسمی است که به صورت عمومی منتشر شده است. از این استعاره از تعلیم و موعظه روشن پولس در مورد شخص و کار عیسی مسیح استفاده شده است. بدیهی است کلیساهای غلاطیه از تعلیم پولس به مشروعیت یهودی روی آورده بودند.

■ "بر صلیب شد" مصلوب "یک وجه وصفی مجهول کامل است که دلالت بر این دارد که عیسی همچنان بر صلیب باقی ماند. این ممکن است عنوانی باشد "صلیب" (مراجعه کنید به متی ۲۸: ۵؛ مرقس ۱۶: ۶؛ اول قرنتیان ۱: ۲۳؛ ۲: ۲. هنگامی که او را می‌بینیم، او هنوز نشانه‌های مصلوب شدن را خواهد داشت. آنها اکنون نمادی از پیروزی او هستند!

حالت مجهول ممکن است از خدا پدر به عنوان عامل واقعی در قربانی کردن پسر سخن بگوید (مراجعه کنید به اشعیا ۵۳: ۱۰؛ یوحنا ۱۶: ۳؛ دوم قرنتیان ۵: ۲۱).

۳: ۲ "آیا روح را... یافتید" دریافت روح یک عمل ثانویه فیض نیست (یعنی اعمال رسولان ۸: ۱۴-۱۷). هنگامی اتفاق می‌افتد که فرد مسیحی شود (رومیان ۸: ۹). کسی روح دارد یا او مسیحی نیست. روح در اینجا نشانه‌ای از عصر جدید است که در ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴ از آن صحبت شده است. "دریافت روح" روش دیگری برای گفتن "دریافت انجیل" است. گذشته از این نکته در غلاطیان، پولس شانزده بار از روح القدس یاد می‌کند. پولس و یوحنا بیش از سایر نویسندگان عهد جدید، الهیات روح را توسعه می‌دهند.

NASB "توسط آثار قانون، یا با شنیدن با ایمان"

NKJV "توسط آثار قانون، یا با شنیدن ایمان"

NRSV "با انجام اعمال شریعت یافتید یا با ایمان به آنچه شنیدید"

TEV "با انجام آنچه قانون می‌طلبد، یا با شنیدن و اعتقاد به انجیل"

NJB "به این دلیل است که شما قانونی را که روح دریافت کردید، یا به این دلیل عملی کردید"

"ایمان" [*pistis*] در این فصل بارها و بارها استفاده می‌شود و ممکن است در انگلیسی به عنوان "ایمان"، "اعتماد" یا "ایمان" ترجمه یا ترجمه شود. موضوعات خاص در مورد استفاده عهد عتیق و عهد جدید از ایمان در غلاطیان ۳: ۶ را ببینید. مفاهیم انگلیسی در مورد اعتقاد و اعتماد بسیار مشابه هستند (مراجعه کنید به غلاطیان ۲: ۲۶؛ ۲: ۲، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۲۲ و ۲۶).

۳: ۳ "آیا تا این حد نادانید" این همان اصطلاح به کار رفته در آیه ۱ است.

NASB
NKJV
NRSV
TEV
NJB

"با شروع روح ، اکنون توسط بدن کامل می شوید"

"با شروع روح ، اکنون توسط بدن کامل می شوید"

"با روح شروع کردید ، آیا اکنون به گوشت ختم می شوید"

"شما با روح خدا شروع کردید ، آیا اکنون می خواهید با قدرت خود تمام شوید"

"آیا شما به اندازه کافی احمق هستید تا به آنچه در روح شروع کردید ، به مشاهدات بیرونی خاتمه دهید"

ساختار دستوری این بند دوم را می توان به عنوان (۱) صدای میانی (NRSV ، TEV ، JB) یا (۲) صدای مجهول (NASB ، NKJV) درک کرد. صدای میانه بر عملکرد غلطیان تاکید می کند در حالی که مجهول بر یک عامل بیرونی تاکید می کند. صدای میانه متناسب با متن است. غلطیان در تلاش بودند رستگاری خود را با تلاش خود در تحقق شریعت موسی به پایان برسانند. هم رستگاری و هم بلوغ ما از طریق ایمان به فیض اختصاص می یابد! دو اصطلاح مهم در این عبارت در فیلمون ۱: ۶ نیز با هم استفاده می شوند. بقیه استدلال پولس به این واقعیت خواهد رسید که مومنان فقط در طریق عیسی مسیح کامل و بالغ هستند.

بیان پولس در غلطیان ۳: ۳ به این معنا نیست که مومنان در مورد نحوه زندگی خود تصمیم گیری نمی کنند. رستگاری پاسخی است به فیض آغازگر خدا. همچنین، زندگی مسیحی پاسخی مداوم به راهنمایی روح با توبه، ایمان، اطاعت و پشتکار است. این مسیحیت مترقی است (مراجعه کنید به غلطیان ۵: ۶-۱: ۱۰)!

برای "گوشت" به موضوع خاص در غلطیان ۱: ۱۶ مراجعه کنید.

۴: ۳

NASB
NKJV
NRSV
TEV
NJB

"آیا اینقدر بیهوده رنج کشیدی؟"

"آیا همه آن چیزها بیهوده بر شما گذشته است"

"آیا شما به خاطر هیچ چیز خیلی تجربه کرده اید"

"آیا تمام تجربه شما به معنای هیچ چیز نبود"

"تمام نعمت هایی که دریافت کرده اید هدر رفته است"

"رنج کشیدن" می تواند به اینها اشاره داشته باشد

۱. رنج جسمی (ما سابقه ای از کلیساها در جنوب آسیای صغیر را داریم که در اعمال رسولان ۱۴: ۲، ۵، ۱۹، ۲۲ آزار و شکنجه یهود را تجربه می کنند).
۲. خیزش عاطفی در تبدیل آنها
۳. در ادبیات یونانی این اصطلاح می تواند به "مزایا" اشاره شود (مراجعه کنید به *Magill, NT TransLine*، صفحه ۶۸۸)

■ " مگر اینکه برآستی بیهوده بوده باشد " این یک جمله شرطی نوع سوم است. دو نظریه در مورد این عبارت وجود دارد: (۱) ممکن است مربوط به غلطیان ۱: ۱۶ باشد (به عنوان مثال، خدمت پولس به غیر یهودیان) یا (۲) این ممکن است با استدلال پایدار پولس در مورد بیهودگی معنوی اعتماد به عملکرد انسانی و شریعت موسی مربوط باشد. اگر آنها دوباره به تلاش بشر بازگردند، فیض مسیح به آنها کمک نمی کند (مراجعه کنید به غلطیان ۴: ۱۱ ؛ ۵: ۲-۴ ؛ اول قرنتیان ۱۵: ۲).

موضوع خاص: استقامت

(SPECIAL TOPIC: PERSEVERE)

توضیح دکتربین انجیلی در ارتباط با زندگی مسیحی بسیار سخت است زیرا در قالب دیالکتیک شرقی ارائه شده است (به موضوع خاص: ادبیات شرق (پارادوکس های انجیلی) مراجعه شود). این دو متناقض به نظر می رسند، با این حال، هر دوی آنها انجیلی هستند. مسیحیان غربی گرایش به این دارند که یک حقیقت را بپذیرند و حقیقت دیگر را نادیده انگاشته و یا آن را کم ارزش تلقی کنند. برخی مثالها:

۱. آیا رستگاری یک تصمیم اولیه نسبت به ایمان آوردن به مسیح است یا یک تعهد مادام العمر که شاگرد او باشیم؟
 ۲. آیا رستگاری یک انتخاب است به وسیله لطف از جانب خداوند یا ایمان و پاسخ همراه با توبه از جانب نوع بشر به پیشنهاد الهی؟
 ۳. آیا وقتی رستگاری را دریافت کردیم، غیر ممکن است آن را از دست دهیم یا نیازمند تلاش مداوم برای حفظ آن است؟
- در طول تاریخ کلیسا، مسئله استقامت همیشه مورد منازعه بوده است. مشکل با تضاد میان عبارات عهد جدید آغاز می شود:
۱. متون در ارتباط با اطمینان

a. اظهارات عیسی در انجیل یوحنا (انجیل یوحنا ۶: ۳۷، ۱۰: ۲۸ الی ۲۹)

b. اظهارات پولس (رومیان ۸: ۳۵ الی ۳۹، افسسیان ۱: ۱۳، ۲: ۵، ۸ الی ۹، فیلیپیان ۱: ۶، ۲: ۱۳، دوم تسالونیکیان ۳: ۳، دوم تیموتائوس ۱: ۱۲، ۴: ۱۸)

c. اظهارات پطرس (اول پطرس ۱: ۴ الی ۵)

۲. متونی که می‌گویند استقامت نیاز است

a. اظهارات عیسی در سایر اناجیل (انجیل متی ۱۰: ۲۲، ۱۳: ۱، ۹: ۲۴ الی ۳۰، ۲۴: ۱۳، انجیل مرقس ۱۳: ۱۳)

b. اظهارات عیسی در انجیل یوحنا (انجیل یوحنا ۸: ۳۱، ۱۵: ۴ الی ۱۰)

c. اظهارات پولس (رومیان ۱۱: ۲۲، اول قرنتیان ۱۵: ۲، دوم قرنتیان ۱۳: ۵، غلاطیان ۱: ۶، ۳: ۴، ۵: ۴، ۶: ۹، فیلیپیان ۲: ۱۲، ۳: ۱۸ الی ۲۰، کولسیان ۱: ۲۳، دوم تیموتائوس ۳: ۲)

d. اظهارات نویسندگان عبرانیان (۲: ۱، ۳: ۶ و ۱۴، ۴: ۱۱)

e. اظهارات یوحنا (اول یوحنا ۲: ۶، دوم یوحنا ۹، مکاشفه ۲: ۷ و ۱۷، ۳: ۳، ۵ و ۱۲ و ۲۱، ۲۱: ۷)

رستگاری انجیلی حاصل عشق، رحمت، ترحم و بزرگی خدای سه گانه است. هیچ انسانی نمی‌تواند نجات یابد بدون شروع با روح القدس (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵). الهیت ابتدا می‌آید و دستور کار را تعیین می‌کند، ولی انسان باید با ایمان و توبه از ابتدا و تداوم آنها پاسخ دهد. خدا بر اساس رابطه پیمانی با انسان کار می‌کند. مزایایی هست و همینطور هم مسئولیتهایی! رستگاری به همه انسانها ارائه شد. مرگ عیسی با مشکل گناه انسان سقوط کرده سر و کار دارد! خدا راهی را ارائه کرده و می‌خواهد همه تمامی کسانی که آنها را به تصویر کشیده با عشق به عیسی به او پاسخ دهند.

اگر مایل هستید که در این زمینه بیشتر مطالعه کنید به منابع زیر مراجعه نمایید

۱. *The Word of Truth, Eerdmans*, اثر Dale Moody، چاپ ۱۹۸۱، صفحات ۳۴۸ الی ۳۶۵

۲. *Kept by the Power of God* از انتشارات Bethany Fellowship، اثر Howard Marshall، چاپ ۱۹۶۹

۳. *Life in the Son*، انتشارات Westcott، اثر Robert Shank، چاپ ۱۹۶۱

انجیل به دو مسئله متفاوت در این زمینه اشاره می‌کند: (۱) کسب اطمینان به عنوان مجوزی برای یک زندگی بیشتر، یک زندگی خودخواهانه و یا (۲) تشویق کردن آنان که با بشارت و گناهان فردی در تقلا هستند. مسئله اینجاست که گروه اشتباه پیام اشتباه دریافت می‌کند و سیستم‌های الهیت انجیلی را بر روی عبارتهای محدود انجیل بنا می‌کند. برخی مسیحیان ناامیدانه به پیام اطمینان نیاز دارند، در حالیکه دیگران به هشدار سفت و محکم استقامت نیازمند هستند. شما عضو کدام گروه هستید؟

۳: ۵ "آیا خدا از آن جهت روح را به شما عطا می‌کند" تامین روح توسط خدا، اشاره‌ای به نجات اولیه است (مراجعه کنید به غلاطیان ۳: ۱۴؛ رومیان ۸: ۹). این وجه وصفی حال فعال است، همچنین از مفاد خداوند در دوم قرنتیان ۹: ۱۰ استفاده شده است. کاربردهای اولیه از این کلمه نشان می‌دهند که این به معنای "اسراف" یا "اعطای آزادانه" است.

■ "و معجزات در میان شما ظاهر می‌سازد" این هم یک وجه وصفی حال فعال است که ممکن است به تداوم تاثیر اینها دلالت داشته باشد

۱. معجزه رستگاری

۲. علائم و معجزاتی که انجیل را تایید می‌کنند

۳. هدایای معنوی (اول قرنتیان ۱۲) که در مجامع غلاطیان آشکار می‌شدند

مترجمان مخالفند که آیا این عبارت باید "در شما"، "صحبت کردن از افراد" یا "در میان شما"، "صحبت کردن از" در میان شما"، صحبت از کلیسا باشد.

آیا خداوند بخشنده همه نعمت‌های خود را به دلیل اجرای شریعت موسی انجام داده است؟ نه! این معجزات تایید خدا از انجیل واقعی بود که از طریق ایمان به لطف فیض دریافت می‌کردند.

NASB: غلاطیان ۳: ۶ الی ۹

چنانکه ابراهیم «به خدا ایمان آورد و این برای او پارسایی شمرده شد. پس می‌بینید کسانی فرزند ابراهیم‌اند که به ایمان تکیه دارند. ^۸ و کتاب چون پیشتر دید که خدا غیریهودیان را بر پایه ایمان پارسا خواهد شمرد، از این رو، پیشاپیش به ابراهیم بشارت داد که «همه قومها به واسطه تو برکت خواهند یافت.» ^۹ پس آنها که به ایمان اتکا دارند، با ابراهیم ایماندار برکت می‌یابند.

۳: ۶ "چنانکه ابراهیم" آیات ۶-۹ نمونه ابراهیم، پدر معنوی و نژادی ملت یهود را تقویت می‌کند. معلمان دروغین ممکن است از ابراهیم به عنوان نمونه

کسی که به خدا ایمان آورده است استفاده کرده و بعداً ختنه شوند. این توضیح می دهد که چرا استدلال پولس ضبط شده در رومیان ۴ در اینجا توسعه نیافته است. ابراهیم از نحوه چگونگی ورود همه انسانها به خدا پارادایم است.

رستگاری و ایستادگی درست با خدا همواره از طریق ایمان به لطف فیض بوده است. این پیام جدیدی نبود!

Curtis Vaughan در *A Study Guide Commentary*، اظهار نظر می کند که این عبارت دلالت بر این دارد همانطور که ابراهیم با فیض از طریق ایمان درست با خدا ساخته شد، همینطور غلاطیان (ص ۶۱). اصل ایمان برای همه کسانی که به غلاطیان ۳: ۹، ۷ ایمان دارند گسترش یافته است، حتی برای غیر یهودیان، غلاطیان ۳: ۸!

رابطه شخص با ابراهیم توسط (۱) اصل و نسب جسمی (اسرائیل) یا (۲) نشانه جسمی (ختنه، مراجعه کنید به رومیان ۲: ۲۸-۲۹) تعیین نمی شد، بلکه به لطف فیض (مراجعه کنید به غلاطیان ۳: ۱۸) از طریق ایمان (مراجعه کنید به افسسیان ۲: ۸-۹)!

■ "ایمان آورد"

موضوع خاص: باور، اعتقاد، ایمان و وفاداری در عهد عتیق (۸۷۶)

(SPECIAL TOPIC: BELIEVE, TRUST, FAITH, AND FAITHFULNESS IN THE OLD TESTAMENT)

I. مقدمه

لازم به ذکر است که استفاده از این مفهوم الهیات، در عهد جدید بسیار حیاتی است، و به این وضوح در عهد عتیق تعریف نشده است. یقیناً در آنجا نیز هست، ولی در قالب افراد و شخصیت‌های کلیدی به نمایش گذاشته شده است.

عهد عتیق اینها را در هم ادغام می کند

A. فرد و جامعه

B. برخورد شخصی و اطاعت فرد با ایمان

ایمان هم برخورد شخصی است و هم شیوه زندگی روزانه! راحتتر می توان زندگی یک مرید مومن را توصیف کرد تا در قالب کلمات (یعنی مطالعه کلمات) نوشت. ویژگی شخصی در این موارد به بهترین وجه به تصویر کشیده شده است:

A. ابراهیم و فرزندانش

B. داوود و اسرائیل

این افراد با خدا دیدار می کنند و زندگی آنها برای همیشه تغییر می یابد (نه زندگی کامل، بلکه زندگی از روی ایمان و وفاداری). آزمایش ضعف‌ها و قوت‌ها را در ایمان به خدا در مواجهه با او آشکار کرد، ولی رابطه صمیمی و ناشی از اعتماد در طول زمان تداوم یافت. آزمایش شد و بهبود داده شد، ولی با وقف کردن خود و شیوه زندگی خود به اثبات رسید و تداوم یافت.

II. استفاده از ریشه اصلی

A. 758 (آمین) (KB 63, BDB 52)

۱. فعل

a. ریشه *qal*- پشتیبانی، تغذیه (دوم پادشاهان ۱۰: ۱ و ۵، استر ۲: ۷، کاربرد غیر دینی)

b. ریشه *Niphal*- اطمینان حاصل کردن، مطمئن شدن، سخت شدن، بنا کردن، تأیید کردن، وفادار و یا قابل اعتماد بودن

(۱) انسانها، اشعیا ۸: ۲، ۵۳: ۱، ارمیا ۴۰: ۱۴

(۲) چیزها، اشعیا ۲۲: ۲۳

(۳) خدا، تثنیه ۷: ۹، اشعیا ۴۹: ۷، ارمیا ۴۲: ۵

c. ریشه *Hiphil*- سخت ایستادن، باور داشتن، اعتماد کردن

(۱) ابراهیم به خدا ایمان داشت، پیدایش ۱۵: ۶

(۲) اسرائیلی‌ها در مصر ایمان آوردند، خروج ۴: ۳۱، ۱۴: ۳۱ (در تثنیه ۱: ۳۲ نفی شده)

(۳) اسرائیلی‌ها به یهوه ایمان آوردند و توسط موسی با او صحبت کردند، کتاب خروج ۱۹: ۹، مزامیر ۱۰۶: ۱۲ و ۲۴

(۴) آهاز به خدا اعتماد نکرد، اشعیا ۷: ۹

(۵) هر کس که به او ایمان آورد، اشعیا ۲۸: ۱۶

(۶) حقایق نسبت به خدا را باور کرد، اشعیا ۴۳: ۱۰ الی ۱۲

۲. اسم (مذکر)- وفاداری (تثنیه ۳۲: ۲۰، اشعیا ۲۵: ۱ و ۲۶: ۲)

۳. قید- صادقانه، به راستی، موافقم، شاید این طور باشد (رجوع شود به تثنیه ۲۷: ۱۵ الی ۲۶، اول پادشاهان ۱: ۳۶، اول قرنیتیان ۱۶: ۳۶، اشعیا ۶۵: ۱۶، ارمیا ۱۱: ۵ و ۶ و ۲۸). این کاربرد ادبی "آمین" در عهد عتیق و عهد جدید است.
- B. אָמֵן (حقیقت) (KB 68, BDB 54) - اسم مونث، سختی، وفاداری، حقیقت
۱. انسانها (اشعیا ۱۰: ۲۰، ۴۲: ۳، ۴۸: ۱)
 ۲. خدا- خروج ۳۴: ۶، مزامیر ۱۱۷: ۲، اشعیا ۳۸: ۱۸ و ۱۹، ۶۱: ۸
 ۳. حقیقت- تثنیه ۳۲: ۴، اول پادشاهان ۲۲: ۱۶، مزامیر ۳۳: ۴، ۹۸: ۳، ۱۰۰: ۵، ۱۱۹: ۳۰، ارمیا ۹: ۵، زکریا ۸: ۱۶
- C. אִימָן (ایمان) (KB 62, BDB 53) - سختی، استقامت، وفاداری
۱. دستان - خروج ۱۷: ۱۲
 ۲. زمان - اشعیا ۳۳: ۶
 ۳. انسانها - ارمیا ۵: ۳، ۷: ۲۷، ۹: ۲
 ۴. خدا- مزامیر ۴۰: ۱۱، ۸۸: ۱۱، ۸۹: ۱ و ۲ و ۵ و ۸ و ۱۱۹: ۱۳۸

III

- استفاده پولس از این مفهوم عهد عتیق
- A. پولس مبنای درک جدید خود از یهوه و عهد عتیق را در برخورد با عیسی در مسیر دمشق بنا نهاد (اعمال ۹: ۱ الی ۱۹، ۲۲: ۳ لی ۱۶، ۲۶: ۹ الی ۱۸)
- B. او پشتیبانی عهد عتیق از درک جدید خود را در این دو متن کلیدی عهد عتیق یافت که از ریشه אָמֵן (آمین) استفاده می‌کردند
۱. پیدایش ۱۵: ۶ - ملاقات شخصی ابراهیم با خدا (پیدایش ۱۲) که منجر به زندگی اطاعت گونه از روی ایمان وی شد (پیدایش ۱۲ الی ۲۲). پولس به این مورد در رومیان ۴ و غلاطیان ۳ اشاره دارد
 ۲. اشعیا ۲۸: ۱۶ - آنان که ایمان می‌آورند (یعنی خدا آنها را آزمایش کرد و سنگ بنایشان را نهاد) هرگز
 ۱. رومیان ۹: ۳۳ "شرمنده" یا "نا امید" نخواهند شد
 ۲. رومیان ۱۰: ۱۱: همانند بالا
 ۳. حبقوق ۲: ۴ - آنان که به خدای وفادار ایمان دارند پارسا زندگی می‌کنند (رجوع شود به ارمیا ۷: ۲۸). پولس از این متن در رومیان ۱: ۱۷ و غلاطیان ۳: ۱۱ استفاده می‌کند (همچنین به عبرانیان ۱۰: ۳۸ توجه کنید).

IV

- استفاده پطرس از مفهوم عهد عتیق
- A. پطرس اینها را ادغام می‌کند
۱. اشعیا ۸: ۱۴ - اول پطرس ۲: ۸ (سنگ لغزان)
 ۲. اشعیا ۲۸: ۱۶ - اول پطرس ۲: ۶ (سنگ بنا)
 ۳. مزامیر ۱۱۸: ۲۲ - اول پطرس ۲: ۷ (سنگی که رد کردند)
- B. او از زبان خاصی استفاده می‌کند که اسرائیل را توصیف نماید، مانند "نژاد منتخب، دیانت سلطنتی، قوم مقدس، مردمی برای مالکیت خاص خدا" در
۱. تثنیه ۱۰: ۱۵، اشعیا ۴۳: ۲۱
 ۲. مزامیر ۶۱: ۶، ۶۶: ۲۱
 ۳. خروج ۱۹: ۶، تثنیه ۷: ۶

IV

- A. استفاده در عهد جدید
- کلمه "ایمان" از کلمه یونانی *pisteuō* می‌آید که همچنین می‌تواند به "ایمان"، "باور" یا "اعتماد" ترجمه شود. برای مثال، به عنوان اسم در انجیل یوحنا استفاده نشده است ولی در قالب فعل اغلب استفاده شده است. در انجیل یوحنا ۲: ۲۳ الی ۲۵ عدم قطعیتی در تعهد جمعیت نسبت به عیسی ناصری به عنوان مسیح وجود دارد. سایر مثال‌ها از این نوع کاربرد سطحی کلمه "ایمان" در انجیل یوحنا ۸: ۳۱ الی ۵۹، و اعمال ۸: ۱۳ و ۱۸ الی ۲۴ دیده می‌شود. ایمان واقعی انجیلی بیش از پاسخ اولیه است. باید همراه با یک فرایند شاگردی باشد (رجوع شود به انجیل متی ۱۳: ۲۰ الی ۲۲ و ۳۱ و ۳۲).
- B. استفاده به عنوان حرف اضافه
۱. *Eis* به معنی "در" است. این ساختار خاص تاکید بر این دارد که مومنین باید به عیسی اعتماد/ایمان داشته باشند.
 - ۱) در نام او (یوحنا ۱: ۱۲، ۲: ۲۳، ۳: ۱۸، اول یوحنا ۵: ۱۳)
 - ۲) در او (یوحنا ۲: ۱۱، ۳: ۱۵، ۴: ۱۸، ۳۹: ۶، ۴۰: ۷، ۵ و ۳۱ و ۳۹ و ۴۸، ۸: ۳۰، ۹: ۳۶، ۱۰: ۴۲، ۱۱: ۴۵ الی ۴۸، ۱۲: ۱۲)

- ۳۷، متی ۱۸: ۶، اعمال ۱۰: ۴۳، فیلیپیان ۱: ۲۹، اول پطرس ۱: ۸)
- ۳) در من (یوحنا ۶: ۳۵، ۷: ۳۸، ۱۱: ۲۵ و ۲۶، ۱۲: ۴۴ و ۴۶، ۱۴: ۱ و ۱۲، ۱۶: ۹، ۱۷: ۲۰)
- ۴) در پسر (یوحنا ۳: ۳۶، ۹: ۳۵، اول یوحنا ۵: ۱۰)
- ۵) در عیسی (یوحنا ۱۲: ۱۱، اعمال ۱۹: ۴، غلاطیان ۲: ۱۶)
- ۶) در نور (یوحنا ۱۲: ۳۶)
- ۷) در خدا (یوحنا ۱: ۱۴)
۲. *ev* یعنی "به" آنطور که در یوحنا ۳: ۱۵، مرقس ۱: ۱۵ و اعمال ۵: ۱۴ آمده است
۳. *epi* یعنی "این" یا "براساس" مانند انجیل متی ۲۷: ۴۲، اعمال ۹: ۴۲، ۱۱: ۱۶، ۱۷: ۳۱ و ۲۲: ۱۹، رومیان ۴: ۵ و ۲۴: ۹، ۳۳: ۱۰، اول تیموتائوس ۱: ۱۶، اول پطرس ۲: ۶
۴. به صورت دلخواه و بدون حرف اضافه در غلاطیان ۳: ۶، اعمال ۱۸: ۸، ۲۷: ۱۵، اول یوحنا ۳: ۲۳ و ۵: ۱۰
۵. *hoti* که به معنی "باور کرد که" در متن می‌گوید که به چه باید باور کرد
- ۱) عیسی محبوب مقدس و اول خداست (یوحنا ۶: ۶۹)
- ۲) عیسی همان من هستم است (یوحنا ۸: ۲۴)
- ۳) عیسی در پدر و پدر در عیسی است (یوحنا ۱۰: ۳۸)
- ۴) عیسی مسیح است (یوحنا ۱۱: ۲۷، ۲۰: ۳۱)
- ۵) عیسی پسر خدا است (یوحنا ۱۱: ۲۷، ۲۰: ۳۱)
- ۶) عیسی توسط پدر فرستاده شد (یوحنا ۱۱: ۴۲، ۱۷: ۸ و ۲۱)
- ۷) عیسی آن است که با پدر است (یوحنا ۱۴: ۱۰ الی ۱۱)
- ۸) عیسی از جانب پدر فرستاده شد (یوحنا ۱۶: ۲۷ و ۳۰)
- ۹) عیسی در چهارچوب یک پیمان در خدا خود را معرفی می‌کند، "منم" (یوحنا ۸: ۲۴ و ۱۳: ۱۹)
- ۱۰) با او زندگی خواهیم کرد (رومیان ۶: ۸)
- ۱۱) عیسی مرد و مجدداً برخاست (اول تسالونیکیان ۴: ۱۴)

.VI

جمع بندی

- A. ایمان انجیلی پاسخی است به کلام/وعده الهی. خدا همیشه نخستین گام را برمی‌دارد (یعنی انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵)، ولی بخشی از این ارتباط الهی نیازمند پاسخ انسان است (رجوع شود به موضوع خاص: پیمان).
۱. توبه (موضوع خاص: توبه را ببینید)
۲. ایمان/اعتماد (موضوعات خاص را ببینید)
۳. اطاعت
۴. استقامت (موضوع خاص: استقامت را ببینید)
- B. ایمان انجیلی
۱. یک رابطه فردی است (ایمان اولیه)
۲. تائید حقیقت انجیلی است (ایمان به مکاشفه خدا، یعنی کتاب مقدس)
۳. پاسخ به صورت پیروی درست از آن (وفاداری روزانه)
- ایمان انجیلی بلیط به بهشت یا یک بیمه‌نامه نیست. یک رابطه فردی است. هدف خلقت است، انسان با هدف و با دوست داشتن خدا خلق می‌شود (پیدایش ۱: ۲۶ و ۲۷). مسئله "صمیمیت" است. خدا خواهان دوستی است، نه یک مواجهه الهی خاص. ولی دوستی خدای متعال نیازمند فرزندان است که ویژگی "خانواده" را نشان می‌دهند. (یعنی تقدس، لاویان ۱۹: ۲، متی ۵: ۴۸، اول پطرس ۱: ۱۵ و ۱۶). سقوط (پیدایش ۳) بر پاسخ مناسب ما تاثیر گذاشت. در نتیجه خدا از جانب ما عمل کرد (رجوع شود به حزقیال ۳۶: ۲۷ الی ۳۸)، به ما "قلبی جدید" و "روحی جدید" داد، که ما را قادر می‌سازد از طریق ایمان و توبه با وی دوستی و از وی اطاعت کنیم!
- هر سه اینها مهم و حیاتی هستند. هر سه باید انجام شوند. هدف شناخت خداست (با هر دو مفهوم عبری و یونانی) تا شخصیت او را در زندگی‌مان منعکس کنیم. هدف ایمان روزی به بهشت رفتن نیست، بلکه هر روز همانند مسیح بودن است!
- C. وفاداری انسان نتیجه (عهد جدید) است، نه پایه (عهد عتیق) برای یک رابطه با خدا: ایمان انسان به وفاداری او، اعتماد انسان به قابل اعتماد بودن او. قلب نگرش عهد جدید به رستگاری این است که انسان باید با برداشتن اولین گام پاسخ دهد و دائماً به لطف و رحمت خدا که در عیسی است، پاسخ دهد. او دوست داشته است، او فرستاده است، او فراهم کرده است، ما باید با ایمان و وفاداری پاسخ دهیم

موضوع خاص: ایمان، باور یا اعتماد

(SPECIAL TOPIC: FAITH, BELIEVE, OR TRUST)

A. این یک اصطلاح بسیار مهم در انجیل است (مراجعه شود به عبرانیان ۱: ۱ و ۶). موضوع نخستین موعظه های عیسی بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۵). حداقل دو پیش نیاز دیگر پیمان جدید هم در پیمان جدید وجود دارند: توبه و ایمان (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۵، اعمال رسولان ۳: ۱۶ و ۱۹، ۲۰: ۲۱).

B. ریشه واژه

۱. اصطلاح "ایمان" در عهد عتیق به معنای وفاداری یا اعتماد به نفس و توصیف ماهیت خدا است، نه ما.

۲. این از اصطلاح عبری (*BDB 53, emunah, emun*، یعنی، حبقوق ۲: ۴) می‌آید، که در اصل به معنای "مطمئن بودن یا پایدار بودن" بود. صرفه جویی در ایمان یعنی

a. خوش آمد گفتن به یک نفر (اعتماد، ایمان فردی، مراجعه شود به E1 در پائین)

b. باور داشتن حقایق در مورد آن فرد (کتاب مقدس، مراجعه شود به E5 در پائین)

c. همانند آن شخص زندگی کردن (همانند مسیح)

C. کاربرد آن در عهد عتیق

باید تاکید کرد که ایمان ابراهیم در مسیحی که در آینده می‌آمد، نبود، بلکه در وعده خدا بود که او فرزند و فرزندان خود را خواهد داشت (انجیل متی ۱۲: ۲، ۱۵: ۲-۵، ۱۷: ۴-۸؛ ۱۸: ۱۴؛ رومیان ۴: ۱-۵). ابراهیم با اعتماد به خدا به این وعده پاسخ داد (مراجعه شود به موضوع ویژه: اعتقاد، اعتماد، ایمان و اعتماد در عهد عتیق) و کلام او. شک و تردید او در مورد این وعده که تحقق آن سیزده سال طول کشید، در طی این مدت همچنان ادامه داشت. با این حال، ایمان نافذ او، توسط خدا پذیرفته شد. خدا مایل است انسانهای ناقص به ایمان و وعده‌های او پاسخ دهند، حتی اگر اندازه دانه خردل باشد (متی ۱۷: ۲۰) یا ایمانشان ترکیبی باشد (به عبارتی انجیل مرقس ۹: ۲۲ الی ۲۴)

D. کاربرد آن در عهد جدید

اصطلاح "باور" از فعل یونانی *pisteuo* یا اسم *pistis* است که در زبان انگلیسی به "اعتقاد"، "ایمان" یا "اعتماد" ترجمه شده است. به عنوان مثال، حالت اسمی در انجیل یوحنا دیده نمی‌شود، اما حالت فعل آن اغلب استفاده شده است. در انجیل یوحنا ۲: ۲۳-۲۵، عدم اطمینان در مورد یقین تعهد جمعیت به عیسی ناصری به عنوان مسیح وجود دارد. مثالهای دیگر این استفاده سطحی اصطلاح «باور» در انجیل یوحنا ۸: ۳۱-۵۹ و اعمال رسولان ۱۳: ۸، ۱۸-۲۴ است. ایمان انجیلی واقعی فراتر از یک پاسخ اولیه است. باید به دنبال فرایند شاگردی بود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳: ۲۰-۳۱، ۲۳-۳۲، ۲۸: ۱۹-۲۰).

E. کاربرد آن به عنوان حرف اضافه

۱. *eis* یعنی "درون"، "بر"، "در". این ساختار منحصر به فرد بر این تاکید دارد که مومنین به عیسی اعتماد میکنند

a. به نام او (انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۲: ۲۳، ۳: ۱۸، اول یوحنا ۵: ۱۳)

b. در او (انجیل یوحنا ۲: ۱۱، ۳: ۱۵ و ۱۸، ۴: ۳۹، ۶: ۴۰، ۷: ۵ و ۳۱ و ۳۹ و ۴۸، ۸: ۳۰، ۹: ۳۶، ۱۰: ۴۲، ۱۱: ۴۵ و ۴۸، ۱۲: ۳۷ و ۴۲، انجیل متی ۱۸: ۶، اعمال رسولان ۱۰: ۴۳، فیلمون ۱: ۲۹، اول پطرس ۱: ۸)

c. بر من، (انجیل یوحنا ۶: ۳۵، ۷: ۳۸، ۱۱: ۲۵ و ۲۶، ۱۲: ۴۴ و ۴۶، ۱۴: ۱ و ۱۲، ۱۶: ۹، ۱۷: ۲۰)

d. بر پسر، (انجیل یوحنا ۳: ۳۶، ۹: ۳۵، اول یوحنا ۵: ۱۰)

e. بر عیسی، (انجیل یوحنا ۱۲: ۱۱، اعمال رسولان ۱۹: ۴، غلاطیان ۲: ۱۶)

f. در نور، (انجیل یوحنا ۱۲: ۳۶)

g. بر خدا (انجیل یوحنا ۱۴: ۱)

۲. *ev* یعنی "در" همانند انجیل یوحنا ۳: ۱۵، انجیل مرقس ۱: ۱۵، اعمال رسولان ۵: ۱۴

۳. *epi* یعنی "در" یا "بر" همانند انجیل متی ۲۷: ۴۲، اعمال رسولان ۹: ۴۲، ۱۱: ۱۷، ۱۶: ۳۱، ۲۲: ۱۹، رومیان ۴: ۵ و ۲۴، ۹: ۳۳، ۱۰: ۱۱، اول تیموتائوس ۱: ۱۶، اول پطرس ۲: ۶

۴. حالت زمانی بدون حرف اضافه همانند انجیل یوحنا ۴: ۵۰، غلاطیان ۳: ۶، اعمال رسولان ۱۸: ۸، ۲۷: ۲۵، اول یوحنا ۳: ۲۳، ۵: ۱۰

۵. *hoti*، که به معنی "باور داشتن که" به متن این را میدهد که به چه چیز باید باور داشت

- a. عیسی آن مقدس خدا است (انجیل یوحنا ۶: ۶۹)
- b. عیسی همان "من هستم" است (انجیل یوحنا ۸: ۲۴)
- c. عیسی در پدر است و پدر در پسر (انجیل یوحنا ۱۰: ۳۸)
- d. عیسی همان مسیح است (انجیل یوحنا ۱۱: ۲۷، ۲۰: ۳۱)
- e. عیسی پسر خدا است (انجیل یوحنا ۱۱: ۲۷، ۲۰: ۳۱)
- f. عیسی توسط پدر فرستاده شد (انجیل یوحنا ۱۱: ۴۲، ۱۷: ۸ و ۲۱)
- g. عیسی با پدر یکی است (انجیل یوحنا ۱۴: ۱۰ الی ۱۱)
- h. عیسی از جانب پدر آمد (انجیل یوحنا ۱۶: ۲۷ و ۳۰)
- i. عیسی خود را در نام پیمان پدر معرفی کرد، "من هستم"، (انجیل یوحنا ۸: ۲۴ و ۱۳: ۱۹)
- j. ما با او زندگی خواهیم کرد (رومیان ۶: ۸)
- k. عیسی مرد و مجدداً برخاست (اول تسالونیکیان ۴: ۱۴)

■ "این برای او پارسایی شمرده شد" این یک نقل قول از *Sevuagint* از پیدایش ۱۵: ۶ است. "شمرده شد"، یک فعل غیرفعال آتوریست، یک اصطلاح تجاری است که به معنای "واریز کردن به حساب شخص دیگری" بود (مراجعه کنید به رومیان ۴: ۳، ۹، ۲۲). به موضوع خاص: پارسایی در غلاطیان ۲: ۲۱ مراجعه کنید. عدالت خدا به دلیل عشق به خدا و ایمان ابراهیم به خدا به ابراهیم واگذار شد که خداوند به او وارث می داد. نقل قول از پیدایش ۱۵: ۶ از *Sevuagint* است. پولس برای تقویت استدلال خود چندین بار از قانون موسی نقل می کند (به بینش متنی، C) مراجعه کنید. از آنجا که معلم دروغین از شریعت برای استدلال خود استفاده می کردند، پولس از همان تکنیک برای اثبات خطا بودن آنها استفاده کرد. نوشته های موسی (پیدایش - تثنیه) معتبرترین بخش از کتاب عبری برای یهودیت قرن اول بود.

۳: ۷ "پس می بینید کسانی فرزند ابراهیم اند که به ایمان تکیه دارند" این بیانیه اصلی ترین عامل قدرت این واحد متنی است. این اعلامیه معلم دروغین یهودی زده را وحشت زده می کرد. این حقیقت مشابه (یعنی یهودیان به دلیل ریش قومی خود با خدا صحیح نبودند) در پیام یحیی تعمید دهنده (مراجعه کنید به لوقا ۳: ۸) و به طور خاص به تعبیر عیسی در یوحنا ۸: ۳۷-۵۹ اشاره شده است. این حقیقت کلامی توسط پولس در غلاطیان ۳: ۱۴، ۲۹ و رومیان ۲: ۲۸-۲۹ ایجاد شده است. توسط اینها فرزندان ابراهیم را می توان شناسایی کرد

۱. به چه کسی ایمان و اعتماد دارند و او را می شناسند (رابطه شخصی با عیسی)
۲. چگونگی زندگی آنها (مسیحیت)، نه اینکه والدین (اجداد) آنها چه کسانی هستند

۳: ۸ "کتاب چون پیشتر دید که خدا غیر یهودیان را بر پایه ایمان پارسا خواهد شمرد" این اصطلاح عبری الهام بخش کل عهد عتیق است. در این آیه، کتاب مقدس دو بار شخصیت سازی شده است. یادداشت را در غلاطیان ۴: ۳۰ ببینید.

نجات همه انسانها همیشه نقشه خدا بوده است (مراجعه کنید به پیدایش ۳: ۱۵؛ ۱۲: ۳؛ خروج ۱۹: ۵-۶). فقط یک خدا وجود دارد و همه انسانها در تصویر او ساخته شده اند (پیدایش ۱: ۲۶-۲۷؛ ۵: ۱؛ ۹: ۶)، بنابراین، او همه را دوست دارد (مراجعه کنید به حزقیال ۱۸: ۳۲؛ یوحنا ۳: ۱۶؛ اول تیموتائوس ۲: ۴؛ دوم پطرس ۳: ۹). عشق کلی خدا، که شامل حال غیر یهودیان نیز میشود، به وضوح در اشعیا دیده می شود (مراجعه کنید به اشعیا ۲: ۲-۴؛ ۴۵؛ ۲۱-۲۵؛ ۵۶؛ ۸-۱؛ ۶۰؛ ۳-۱).

مکانیسم این نجات همگانی و در دسترس، فضل خداوند است از طریق:

۱. کار مسیح
۲. نقاشی روح
۳. پاسخی به ایمان بشر (مراجعه کنید به افسسیان ۲: ۸-۹)
۴. که همانند مسیح بودن را ایجاد میکند (مراجعه کنید به غلاطیان ۳: ۱۰)

■ "پیشاپیش به ابراهیم بشارت داد" این عبارت انگلیسی یک اثر یونانی را ترجمه می کند (*proeuangelisato*، آتوریست میانی [دیپونت] اخباری).

۱. *pro* - قبل
۲. *eu* - خوب است
۳. *angelia* - پیام / اخبار

۴. *euangelizomai* - به معنای موعظه است

۵. همه با هم به معنای "موعظه پیام خوش از پیشتر است"

این فقط در عهد جدید یافت می شود. این نشان می دهد که عشق خدا به همه انسانها در تماس اولیه او به ابراهیم نازل شد (یعنی پیدایش ۱۲: ۳). انجیل (*euangelion*) ریشه های خود را در نوشته های موسی دارد.

■ "همه قومها به واسطه تو برکت خواهند یافت" در اینجا پولس وعده خدا به ابراهیم را نقل می کند که در پیدایش ۱۲: ۳؛ ۱۸: ۱۸؛ ۲۲: ۱۸؛ ۲۶: ۴ ثبت شده است. شکل عبری فعل ممکن است

۱. حالت مجهول، "برکت داده می شود" (مراجعه کنید به پیدایش ۱۸: ۱۸؛ ۲۸: ۱۴)

۲. حالت بازتابنده میانی، "خودشان را برکت خواهند داد" (مراجعه کنید به پیدایش ۲۲: ۱۶-۱۸؛ ۲۶: ۴)

با این حال، در *Sevuagint* و به نقل پولس، مجهول است، نه میانی. در این متن، پولس پیدایش ۱۲: ۳ را با ۱۸: ۱۸ از *Sevuagint* ترکیب کرد. نجات همه انسانهای ساخته شده در تصویر خدا همیشه نقشه خدا بوده است! موضوع خاص: طرح رستگاری جاودانه یهوه در غلاطیان ۱: ۷ را مشاهده کنید.

۹: ۳

NASB "کسانی که ایمان دارند از ابراهیم مومن برکت می گیرند"

NKJV "کسانی که ایمان دارند با ابراهیم مومن برکت می گیرند"

NRSV "پس آنها که به ایمان اتکا دارند، با ابراهیم ایماندار برکت می یابند"

TEV "ابراهیم ایمان آورد و متبرک شد؛ پس همه کسانی که ایمان آورده شده اند خوشبختانه مانند او بودند"

NJB "بنابراین، کسانی که به ایمان تکیه می کنند، همان نعمت را به عنوان ابراهیم، مرد ایمان دریافت می کنند"

پیشوند "syn"، به معنای "مشترک با"، نشانگر ارتباط نزدیک بین ابراهیم و همه کسانی است که به خدا ایمان دارند. توصیف ابراهیم به عنوان "مومن" یا "ایماندار" تاکید می کند که ابراهیم با اعتماد، قول خدا را باور کرد. ایمان عهد جدید همچنین به معنای اعتماد به امانت خدا و وعده های اوست. با این حال، به یاد داشته باشید که ابراهیم ایمان کاملی نداشت، خدا نیز سعی کرد با دادن فرزند طبیعی به او و هاجر به وعده خود عمل کند (مراجعه کنید به پیدایش ۱۶). این ایمان کامل بشر نیست، بلکه هدف ایمان آنهاست.

NASB: غلاطیان ۳: ۱۰ الی ۱۴

۱۰ زیرا آنان که بر انجام اعمال شریعت تکیه دارند، همگی زیر لعنت اند، چرا که نوشته شده است: «ملعون باد هر که در به جا آوردن تمام آنچه در کتاب شریعت نوشته شده ثابت نماند.»^{۱۱} واضح است که هیچ کس به واسطه شریعت نزد خدا پارسا شمرده نمی شود، زیرا «پارسا به ایمان زیست خواهد کرد.»^{۱۲} اما شریعت بر ایمان متکی نیست، بلکه «کسی که اینها را به عمل آورد، به واسطه آنها حیات خواهد داشت.»^{۱۳} مسیح به جای ما لعن شد و این گونه ما را از لعنت شریعت باز خرید کرد، زیرا نوشته شده که «هر که به دار آویخته شود ملعون است.»^{۱۴} او چنین کرد تا برکت ابراهیم در مسیح عیسی نصیب غیریهودیان گردد، و تا ما آن روح را که وعده داده شده بود، از راه ایمان دریافت کنیم.

۱۰: ۳

NASB "زیرا بسیاری از آثار شریعت تحت نفرین است"

NKJV "برای بسیاری از آثار شریعت تحت نفرین است"

NRSV "زیرا آنان که بر انجام اعمال شریعت تکیه دارند، همگی تحت لعنت اند"

TEV "کسانی که به پیروی از شریعت بستگی دارند تحت لعن زندگی می کنند"

NJB "کسانی که به نگه داشتن شریعت تکیه دارند تحت لعن هستند"

در مرحله بعدی این استدلال، پولس از ابراهیم به الزامات سختگیرانه شریعت موسی مراجعه می کند. استدلال، الهیات بد یهود زدگان را به چالش می کشد. اعتماد به پیروی از شریعت، مشخصه فریسیان روزگار عیسی بود (مراجعه کنید به رومیان ۱۰: ۲-۵). پولس ادعا کرد که تلاش برای دستیابی به جایگاه درست فقط راهی برای لعنت است. پولس این راه را به خوبی می شناخت! هرچند پولس در درجه اول به شریعت موسی استناد می کرد، اما استناد به "شریعت" در کل و به واسطه برخی معیارهای اخلاقی بیرونی همراه با تلاش بشر بود. کدام معیار مهم نیست - حقیقت اساسی این است که بشر گمراه نمی تواند ادعا کند که کار اخلاقی آنها شایسته پذیرش خداوند است. ما این رویکرد را خودپارسایی قانونگرایانه می نامیم. زنده و خوب است و در بین افراد مذهبی گسترش می یابد!

■ چرا که نوشته شده است: «ملعون باد هر که در به جا آوردن تمام آنچه در کتاب شریعت نوشته شده ثابت نماند» این به تثنیه ۲۷: ۲۶ و ۲۸: ۵۸ اشاره می‌کند. اگرچه کلمه "همه" در تثنیه ۲۷: ۲۶ ظاهر نمی‌شود، در تثنیه ۲۸: ۵۸ ظاهر می‌شود. به نفرین شریعت در یوحنا ۷: ۴۹ اشاره شده است. اگر کسی شریعت را (بعد از نوار میتزوا) به یک طریق، حتی یک بار زیرپا گذارد، تحت محکومیت شریعت قرار می‌گیرد (مراجعه کنید به یعقوب ۲: ۱۰؛ غلاطیان ۵: ۳). شریعت عهد عتیق برای همه انسانها به حکم اعدام تبدیل شد (کولسیان ۲: ۱۴). خدا گفت: "نفسی که گناه کند، مطمئنا خواهد مرد". همه فرزندان آدم گناه کرده‌اند! قانون، به عنوان ابزاری برای ایستادگی درست با خدا، فقط در مورد کسی که هرگز مرتکب گناه نمی‌شود قابل اجرا است. مشکل این مسئله این است که همه گناه کرده و جلال خدا را کم کرده‌اند (مراجعه کنید به رومیان ۳: ۹-۱۸، ۲۲، ۲۳؛ ۱۱: ۳۲).

۱۱:۳

NASB	"پارسا به ایمان زیست خواهد کرد"
NKJV	"افراد با ایمان باید زندگی کنند"
NRSV	"کسی که پرهیزکار باشد، با ایمان زندگی می‌کند"
TEV	"کسی که با ایمان به حق خدا قرار گیرد، زندگی خواهد کرد"
NJB	"انسان عادل زندگی را از طریق ایمان می‌یابد"

در اینجا پولس از حبوق ۲: ۴ نقل می‌کند (مراجعه کنید به رومیان ۱: ۱۷ و عبرانیان ۱۰: ۳۸). در مقابل، آیه‌ای مبهم حبوق ۲: ۴ به چندین روش مختلف درک شده است.

۱. متن مازورتی "صالحان با ایمان / وفاداری او زندگی می‌کنند"
 ۲. *Septuagint* دارای "صالحین باید بر اساس وفاداری من (خدا) زندگی کنند"
 ۳. استفاده پولس از عدالت مبتنی بر ایمان از طریق مسیح و عدالت مبتنی بر کارها از طریق شریعت موسی است (مراجعه کنید به غلاطیان ۳: ۱۲، که به نقل از لاویان ۱۸: ۵ می‌باشد).
- ممکن است اشاره‌ای به پیدایش ۱۵: ۶ وجود داشته باشد زیرا هم حبوق ۲: ۴ و پیدایش ۱۵: ۶ همان دو اصطلاح اصلی را دارند: "ایمان" و "عدالت". به موضوع خاص مراجعه کنید: ایمان، اعتماد، ایمان و ایمان در عهد عتیق (در [۲۵]) غلاطیان ۳: ۶.

۶:۳

NASB, NKJV	"شریعت بر اساس ایمان نیست"
NRSV	"شریعت بر ایمان تکیه نمی‌کند"
TEV	"شریعت به ایمان بستگی ندارد"
NJB	"قانون حتی مبتنی بر ایمان نیست"

در اینجا فرض اساسی است! در مورد درست ایستادن (رستگاری) در برابر خدا، انتخاب ایمان یا قانون است، نه ایمان و قانون. یهود زندگان ایمان به خدا را به توسل به خدا با قوانین تبدیل کرده بودند. حتی در عهد عتیق، اسرائیلیان فقط با ایمان شخصی به یهوه حق داشتند. هرگز بنی اسرائیلی‌ها به دلیل تبعیت از ابراهیم با خدا حق نداشتند (مراجعه کنید به یوحنا ۸: ۳۱-۵۹)

■ "کسی که اینها را به عمل آورد، به واسطه آنها حیات خواهد داشت" این نقل قول از لاویان ۱۸: ۵ است (مراجعه کنید به رومیان ۱۰: ۲۵)، با تأکید بر اهمیت انجام مطالبات خداوند (یعنی شریعت موسی). با این حال، عهد عتیق تاریخی از ناتوانی بشر در اجرای شریعت عهد عتیق است (مراجعه کنید به نحمیا ۹). عهد عتیق نیاز معنوی بشریت گمراه را برجسته کرده است (مراجعه کنید به غلاطیان ۳: ۱۹، ۲۲). بنابراین، راه دیگری برای نجات معرفی شد، که در واقع، همیشه وسیله نجات و رستگاری خدا بود: نه تلاش بشر بلکه ایمان (مراجعه کنید به حبوق ۲: ۴). نجات به لطف فیض از طریق ایمان، جوهر میثاق جدید است (ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴؛ حزقیال ۳۶-۲۲: ۳۶؛ اعمال رسولان ۲: ۲، رومیان ۴، افسسیان ۲: ۸-۹).

۱۳:۳ "مسیح به جای ما لعن شد" (در نسخ انگلیسی کتاب مقدس، "مسیح به جای ما کفاره داد" نوشته شده و این تفسیر بر مبنای متن انگلیسی است - مترجم) در اینجا پولس از کفاره به جان مسیح اشاره می‌کند. او آنچه را که ما نتوانستیم برای خودمان کفاره دهیم، کفاره داد (مراجعه کنید به اشعیا ۵۳، مرقس ۱۰: ۴۵؛ دوم قرنتیان ۵: ۲۱). اصطلاح "بازخرید" یا "باج گرفته" به معنای "خریدن کسی از بردگی" یا "اسیر کردن" است.

موضوع خاص: خونبها/بازخرید

SPECIAL TOPIC: RANSOM/REDEEM

I. عهد عتیق

A. اساساً دو اصطلاح عبری وجود دارند که در بردارنده این مفهوم می‌باشند.

۱. *Ga'al* (BDB 145 I, KB 169 I) که به معنی "بهای آن پرداخت شده و آزاد است" می‌باشد. حالت دیگر این اصطلاح *go'el* مفهوم واسطه انسانی را به آن اضافه می‌کند که معمولاً عضو خانواده است (سرپرست خانواده). این جنبه فرهنگی حق بازخرید اشیا، حیوانات، زمین (مراجعه شود به لویان ۲۵ و ۲۷) یا اقوام (مراجعه شود به روت ۴: ۱۴، اشعیا ۲۹: ۲۲) از دید الهیاتی به تحویل اسرائیل از مصر توسط یهوه منتقل می‌شود (مراجعه شود به کتاب خروج ۶: ۶، ۱۵: ۱۳، مزامیر ۷۴: ۲، ۷۷: ۱۵، ارمیا ۳۱: ۱۱). او تبدیل به ناجی می‌شود (مراجعه شود به یعقوب ۱۹: ۲۵، مزامیر ۱۹: ۱۴، ۷۸: ۳۵، امثال ۲۳: ۱۱، اشعیا ۴۱: ۱۴، ۴۳: ۱۴، ۴۴: ۶ و ۲۴، ۴۷: ۴، ۴۸: ۱۷، ۴۹: ۷ و ۲۶، ۵۴: ۵ و ۸، ۵۹: ۲۰، ۶۰: ۱۶، ۶۳: ۱۶، ارمیا ۵۰: ۳۴).

۲. *Padah* (BDB 804, KB 911) که به معنی "تحویل دادن" یا "نجات دادن" است.

- a. رستگاری تنها مولود (کتاب خروج ۱۳: ۳۵ الی ۱۵ و اعداد ۱۸: ۱۵ الی ۱۷)
- b. رستگاری فیزیکی برابر رستگاری معنوی (مزامیر ۴۹: ۷ و ۸ و ۱۵)
- c. یهوه اسرائیل را از گناهانشان و شورشیان نجات خواهد داد (مزامیر ۱۳۰: ۷ الی ۸)

B. مفهوم الهیاتی آن در بردارنده چندین رابطه است

۱. یک نیاز، تعهد، مجازات و زندانی شدن وجود دارد

- a. فیزیکی
- b. اجتماعی

c. معنوی (مراجعه شود به مزامیر ۱۳۰: ۸)

۲. برای آزادی، رهایی و احیا بهایی باید پرداخت شود

a. در ارتباط با قوم اسرائیل (مراجعه شود به تثنیه ۷: ۸)

b. در رابطه با فرد (مراجعه شود به یعقوب ۱۹: ۲۵ الی ۲۷، ۳۳: ۲۸، اشعیا ۵۳)

۳. شخصی باید به عنوان واسطه و ذینفع عمل کند. در *ga'al* این شخص معمولاً یکی از اعضا خانواده یا نزدیکان است (*go'el*, BDB 145)

۴. یهوه معمولاً خود را با اصطلاحات خانوادگی معرفی می‌کند.

- a. پدر
- b. شوهر

c. یک ناجی از نزدیکان خانواده/ناجی رستگاری از طریق یهوه رها می‌شود، بهایش پرداخت می‌گردد و رستگاری حاصل می‌گردد.

II. عهد جدید

A. از چندین اصطلاح که در بردارنده مفهوم الهیاتی بحث هستند، استفاده شده است.

۱. *Agorazō* (مراجعه شود به اول قرن‌تیاں ۶: ۲۰، ۷: ۲۳، دوم پطرس ۲: ۱، مکاشفه ۵: ۹، ۱۴: ۳ الی ۴). این یک اصطلاح تجاری است که منعکس کننده بهای پرداخت شده برای چیزی است. ما مردمانی هستیم که خونبها می‌گیریم که بر زندگی خود کنترلی نداریم. ما به مسیح تعلق داریم.

۲. *Exagorazō* (مراجعه شود به غلاطیاں ۳: ۱۳) ۴: ۵، افسسیان ۵: ۱۶، کولسیان ۴: ۵). این نیز یک اصطلاح تجاری است. این اصطلاح منعکس کننده مرگ جایگزین عیسی از جانب ما است. عیسی نفرینی که بر مبنای شریعت بر ما بود و انسانهای گناهکار نمی‌توانستند آن را تحقق بخشند، تحمل کرد (شریعت موسی، مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۴ الی ۱۶، کولسیان ۲: ۱۴). او نفرینی را که بر ما بود (مراجعه شود به تثنیه ۲۱: ۲۳) برای همه ما (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، دوم قرن‌تیاں ۵: ۲۱) تحمل کرد! از طریق عیسی عدالت و عشق خدا در هم آمیخت و تبدیل به بخشش کامل و پذیرش شد!

۳. *Luō* (آزاد کردن/رها کردن)

a. *Lutron* "بهای پرداخت شده" مراجعه شود به انجیل متی ۲۰: ۲۸، انجیل مرقس ۱۰: ۴۵). اینها کلمات قدرتمندی هستند که از دهان خود عیسی بیرون آمده‌اند و در رابطه با هدف آمدنشان می‌باشند، برای اینکه ناجی جهان باشد، برای اینکه بدهی گناهانی را که مرتکب نشده‌اند، بپردازد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۲۹).

b. *Lutroō*

(a) که ناجی اسرائیل باشد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۴: ۲۱)

(b) تا خودش را قربانی کند که مردم را نجات دهد و پاک سازد (تیتوس ۲: ۱۴)

C برای اینکه جایگزین بدون گناه باشد (اول پطرس ۱: ۱۸ الی ۱۹)
Lutrōsis, "رستگاری"، "آزادی"

a نبوت زکریا در مورد عیسی، انجیل لوقا ۱: ۶۸

b دعای آنا با خدا برای عیسی، انجیل لوقا ۲: ۳۸

c عیسی بهتر است، قربانی برای یک مرتبه، عبرانیان ۹: ۱۲

۴. *Apolytrōsis*

۵. رستگاری در آمدن دوم (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳: ۱۹ الی ۲۱)

a. انجیل لوقا ۲۱: ۲۸

b. رومیان ۸: ۲۳

c. افسسیان ۱: ۱۴، ۴: ۳۰

d. عبرانیان ۹: ۱۵

۶. رستگاری در زمان مرگ عیسی

a. رومیان ۳: ۲۴

b. اول قرنتیان ۱: ۳۰

c. افسسیان ۱: ۷

d. کولسیان ۱: ۱۴

۷. *Antilytron* (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۲: ۶). این متن مهمی است (همانند تیتوس ۲: ۱۴) که رهایی را با مرگ عیسی بر بالای صلیب به عنوان جایگزین مرتبط می‌کند. او تنها قربانی قابل قبول است، کسی که به خاطر "همه" مرد (مراجعه شود به یوحنا ۱: ۲۹، ۳: ۱۶ الی ۱۷، ۴: ۲۴، اول تیموتائوس ۲: ۴، ۱۰: ۴، تیتوس ۲: ۱۱، دوم پطرس ۳: ۹، اول یوحنا ۲: ۲، ۴: ۱۴).

B. مفهوم الهیاتی در عهد جدید

۱. انسان برده گناه است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۳۴، رومیان ۳: ۱۰ الی ۱۸ و ۲۳: ۶، ۲۳)

۲. وابستگی انسان به گناه در قانون عهد عتیقی موسی آشکار شده است (مراجعه شود به غلاطیان ۳) و موعظه عیسی بر بالای کوه (مراجعه شود به انجیل متی ۵ الی ۷). عملکرد انسان تبدیل به مجازات مرگ برای او شده است (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۱۴)

۳. عیسی، بره معصوم خدا، آمد و بجای ما مرد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، انجیل یوحنا ۱: ۲۹، دوم قرنتیان ۵: ۲۱). ما را از گناه خریدند تا به خدا خدمت کنیم (مراجعه شود به رومیان ۶).

۴. به طور ضمنی هم یهوه و هم عیسی "نسبت نزدیک" دارند که از طرف ما عمل می‌کنند. این استعاره‌های خانوادگی (یعنی پدر، شوهر، پسر، برادر، نزدیکان) تداوم می‌یابند.

۵. رستگاری بهایی نیست که به شیطان (یعنی الهیات قرون وسطی) پرداخت شده باشد، بلکه آشتی با خدا و عدالت خداوند با عشق خدا و کامل بودن در مسیح است. در صلیب صلح بازگردانده شد، شورش بشر آموزش داده شد، تصویر خدا در بشریت در حال حاضر به طور کامل در همکاری صمیمانه عمل می‌کند!

۶. هنوز یک جنبه آینده نگرانه ای در رستگاری وجود دارد (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۳، افسسیان ۱: ۱۴، ۴: ۳۰)، که شامل احیا کالبد ما و صمیمت فردی با تثلیث خدا است (موضوع خاص: تثلیث را مطالعه کنید). کالبدهای احیا شده ما همانند او خواهند بود (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۲). او یک بدن فیزیکی دارد، ولی با یک بعد اضافی. به سختی می‌توان پارادوکس اول قرنتیان ۱۵: ۱۲ الی ۱۹ را با اول قرنتیان ۱۵: ۳۵ الی ۵۹ توصیف کرد. بدیهی است یک کالبد فیزیکی و زمینی وجود دارد و همچنین یک کالبد معنوی و بهشتی. عیسی هر دو را داشت.

■ "به جای ما لعن شد و این گونه ما را از لعنت شریعت باز خرید کرد" این آیه به نقل از تثنیه ۲۱: ۲۳ که برای توصیف شخصی است که قبلاً کشته شده، و سپس به عنوان عملی تحقیرآمیز در ملا عام به دار آویخته و یا پوست بدنش را جدا می‌کردند. این دفن نامناسب توسط خداوند به عنوان یک نفرین تعبیر شد (مراجعه کنید به اشعیا ۵۳: ۴، ۱۰). مصلوب شدن عیسی به عنوان یک جایگزین بدون گناه بدین معنی بود که او لعنت شریعت را بجای ما تقبل کرد (مراجعه کنید به دوم قرنتیان ۵: ۲۱؛ فیلمون ۲: ۸). این حقیقت بسیار زیاد است — او بجای ما نفرین شد! او خود شریعت را بجا آورد، اما از جانب ما نفرین شد (مراجعه کنید به اشعیا ۵۳) و از این طریق قدرت آن را از بین برد.

۳: ۱۴ این دو بند در غلاطیان ۳: ۱۴ برای توصیف هدف خداوند در فراخواندن ابراهیم خدمت می‌کند.

۱. نشان دادن وعده‌های برای اسرائیل که به ابراهیم داده است (پیدایش ۱۲: ۳؛ غلاطیان ۳: ۸-۹)
 ۲. این که با ایمان همه می‌توانند روح را که نشانه عصر جدید است دریافت کنند
- تجربه پنطیکاست نشانه‌ای برای رسولان بود که عصر جدید طلوع کرده است. دریافت روح استعاره‌ای برای نجات است (مراجعه کنید به غلاطیان ۳: ۱؛ لوقا ۲۴: ۴۹؛ اعمال رسولان ۱: ۴؛ رومیان ۸: ۹).

دو کلمه ظاهراً در این آیه در برخی از نسخ خطی یونان باستان اشتباه گرفته شده است.

۱. نعمت (*eulogiau*) ابراهیم
۲. وعده (*epaggelian*) روح

نسخه خطی باستانی پاپیروس P⁴⁶ (که در مورد ۲۰۰ میلادی نوشته شده است) و نسخه غیر خطی بیزا (D، قرن پنجم) دو بار "نعمت" دارند، اما اکثریت قریب به اتفاق سایر شاهدان باستانی (A, B, C, D²) "وعده" در عبارت دوم. UBS⁴ امتیاز "A" را به "وعده" می‌دهد (مشخص).

NASB: غلاطیان ۳: ۱۵ الی ۲۲

^{۱۵} ای برادران، بگذارید از زندگی روزمره مثالی بیاورم. هیچ‌کس نمی‌تواند حتی عهدی بشری را که رسمیت یافته باشد، لغو کند یا چیزی بدان بیفزاید. ^{۱۶} حال، وعده‌ها به ابراهیم و به نسل او داده شد. نمی‌گوید «و به نسلها»، چنانکه گویی دربارهٔ بسیاری باشد، بلکه می‌گوید «به نسل تو»، که مقصود یک تن یعنی مسیح است. ^{۱۷} سخن من این است: شریعتی که چهارصد و سی سال بعد آمد، عهدی را که خدا پیشتر بسته بود لغو نمی‌کرد، به گونه‌ای که وعده باطل گردد. ^{۱۸} زیرا اگر میراث بر شریعت استوار باشد، دیگر بر وعده استوار نیست؛ اما خدا آن را از راه وعده به ابراهیم عطا فرمود.

^{۱۹} پس مقصود از شریعت چه بود؟ شریعت به سبب نافرمانیها افزوده شد، آن هم تنها تا زمانی که آن 'نسل' که وعده به او اشاره داشت، بیاید. شریعت به وسیلهٔ فرشتگان و به دست واسطه‌ای مقرر گردید. ^{۲۰} اما هیچ واسطه‌ای تنها نمایندهٔ یک طرف نیست، حال آنکه خدا یکی است.

^{۲۱} پس آیا شریعت برخلاف وعده‌های خداست؟ به هیچ روی! زیرا اگر شریعتی داده شده بود که می‌توانست حیات ببخشد، در آن صورت به یقین پارسایی نیز از راه شریعت فراهم می‌آمد. ^{۲۲} اما کتاب اعلام داشت که همه در بند گناه اسیرند، تا آنچه وعده داده شده بود بر پایهٔ ایمان به عیسی مسیح به ایمانداران عطا شود.

۳: ۱۵ الی ۱۷

NASB, NKJV	"عهد یک مرد"
NRSV	"اراده شخص"
TEV	"آن میثاق"
NJB	"اگر یک وصیت"

پولس استدلال خود را با استفاده از یک تصویر مشترک انسانی ادامه می‌دهد. او اصطلاحی را در یونانی کوبین به کار می‌برد که در ارتباط با وراثت شخصی، می‌تواند به صورت "خواست" یا "عهد" ترجمه شود. در یونانی کلاسیک "میثاق" ترجمه شده است. در *Septuagint* این اصطلاح همیشه از پیمان بین خدا و بشریت استفاده می‌شود. به دلیل این ابهام، پولس از این استعاره حقوقی به عنوان نمونه‌ای برای پیمان خدا یا عقد قرارداد با ابراهیم و فرزندانش استفاده کرد. این قرارداد قابل تغییر نیست! همان نوع استدلال با استفاده از مفهوم آخرین وصیت و عهد در عبرانیان ۹: ۱۵-۲۰ یافت می‌شود.

موضوع خاص: پیمان

(SPECIAL TOPIC: COVENANT)

اصطلاح عهد عتیقی *berith* (KB157, BDB 136) به معنی "پیمان" را نمی‌توان به راحتی ترجمه کرد. هیچ فعلی که با این اصطلاح همخوانی داشته باشد در زبان عبری وجود ندارد. تمامی تلاشها برای مشتق و استخراج کردن و تعریف یک مفهوم ایدئولوژیک یا معنی دار نامتقاعد کننده بوده اند. احتمالاً بهترین حدس "قطع کردن" باشد (BDB 144) که دلالت بر حیوان قربانی باشد که همراه پیمان است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۵: ۱۰ و ۱۷). با این حال، محور اصلی این مفهوم استاتید را وادار کرد تا کاربرد واژه را مورد بررسی قرار دهند و تلاش کنند معنی عملی آن را دریابند. پیمان ابزاری است که توسط آن یک خدای واقعی (موضوع خاص: یکتا پرستی را مطالعه کنید) با مخلوقات انسانی سر و کار دارد. مفهوم پیمان، عهد، یا موافقتنامه در درک مکاشفه انجیلی بسیار حساس است. تنش میان سلطه خدا و اراده آزاد انسان به وضوح در مفهوم پیمان دیده می‌شود. برخی از پیمانها انحصاراً بر اساس شخصیت و اعمال خدا هستند.

۱. خود خلقت (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱ الی ۲)

۲. مقاومت و وعده به نوح (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۶ الی ۹)

۳. فرا خواندن ابراهیم (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۲)

۴. پیمان با ابراهیم (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۵)

با این وجود، ماهیت طبیعی خود پیمان نیازمند پاسخ به آن است.

۱. با ایمان آدم باید از خدا اطاعت کند و میوه وسط عدن نخورد.

۲. با ایمان نوح باید یک کشتی عظیم دور از دریا بسازد و حیوانات را گردآوری کند

۳. با ایمان ابراهیم باید خانواده خود را ترک کند، از خدا پیروی کند، و به وارثین آینده اعتماد کند.

۴. با ایمان موسی باید اسرائیلیان را از مصر بیرون برده به کوه سینا برود و راهنمائیهای خاص برای زندگی دینی و اجتماعی با وعده نعمت و لعن دریافت کند (مراجعه شود به لایوان ۲۶، کتاب تثنیه ۲۷ ای ۲۸).

مشابه همین تنش در مورد رابطه خدا با انسان در پیمان جدید مطرح شده است (مراجعه شود به ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴، عبرانیان ۷: ۲۲، ۸: ۶ و ۸ و ۱۳، ۹: ۱۵، ۱۲: ۲۴). این تنش را به راحتی می توان با مقایسه حزقیال ۱۸: ۳۱ با حزقیال ۳۶: ۲۷ الی ۳۸ دید (اعمال یهوه). آیا پیمان بر اساس اعمال ناشی از لطف خدا است یا پاسخ اجباری انسان؟ این یک نکته داغ میان پیمان قدیم و پیمان جدید است. اهداف هر دو یکی هستند:

۱. احیا رابطه با یهوه که در کتاب پیدایش ۳ از بین رفت

۲. ایجاد مردمی پارسا که منعکس کننده شخصیت خدا هستند.

پیمان جدید ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴ این تنش را با حذف عملکرد انسان به عنوان ابزاری برای مقبول شدن برطرف می کند. قانون خدا به جای کدی برونی قانونی تبدیل به میل درونی می شود. هدف مردم خداپرست و پارسا تغییر نمی کند، بلکه روش ها تغییر می کنند. انسان گمراه اثبات کرد که نمی تواند انعکاس مناسبی از تصویر خدا باشد. مسئله پیمان خدا نبود، بلکه ضعف و گناهکاری انسان بود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳، رومیان ۷، غلاطیان ۳).

تنش مشابهی میان پیمان مشروط و غیر مشروط عهد عتیق همچنان در عهد جدید باقی می ماند. رستگاری مطلقا با کار خاتمه یافته عیسی مسیح رایگان است، ولی نیازمند توبه و ایمان است (هم در آغاز و هم اینکه باید استمرار داشته باشد، موضوع خاص: ایمان به عهد جدید را مطالعه کنید). عیسی رابطه جدید خود با مومنین را "یک پیمان جدید" می نامد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۲۸، انجیل مرقس ۱۴: ۲۴، انجیل لوقا ۲۲: ۲۰، اول قرنتیان ۱۱: ۲۵). این یک اعلامیه رسمی و قانونی و یک فراخواندن به همانند مسیح بودن است (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۴۸، رومیان ۸: ۲۹ الی ۳۰، دوم قرنتیان ۳: ۱۸، ۷: ۱، غلاطیان ۴: ۱۹، افسسیان ۱: ۴، ۱۳، اول تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۴: ۳ و ۷، ۵: ۲۳، اول پطرس ۱: ۱۵)، یک اعلام خبری از پذیرش (رومیان ۴) و امر به مقدس بودن (انجیل متی ۵: ۴۸)! مومنین با عملکرد خود نجات پیدا نمی کنند، بلکه با اطاعت (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۸ الی ۱۰، دوم قرنتیان ۳: ۵ الی ۶). زندگی خداپسندانه تبدیل به شاهی برای رستگاری می شود، نه ابزاری برای رستگاری (یعنی یعقوب و اول یوحنا). با این حال، زندگی جاویدان مشخصه های قابل مشاهده ای دارد! این تنش به وضوح به عنوان هشدار در عهد جدید دیده می شود (به موضوع خاص: ارتداد مراجعه کنید).

۱۵:۳

NASB

"هنوز هم تصویب شد ، هیچ کس آن را کنار نمی گذارد یا شرایطی را به آن اضافه نمی کند"

NKJV

"با این حال اگر تایید شود ، هیچ کس آن را لغو یا اضافه نمی کند"

NRSV

"هنگامی که وصیت نامه شخص تصویب شود ، هیچ کس به آن اضافه نمی کند یا آن را فسخ می کند"

TEV

"وقتی دو مرد در مورد یک موضوع به توافق برسند و میثاق را امضا کنند ، هیچ کس نمی تواند آن پیمان را بشکند یا چیزی به آن بیفزاید."

NJB

"به صورت مقرر ترسیم شده است ، هیچ کس مجاز نیست آن را نادیده بگیرد یا به آن بیفزاید."

پولس به ادعای یهود زدگان مبنی بر لغو قانون موعود بر قول ابراهیم پاسخ می دهد. وعده به ابراهیم در پیدایش ۱۵ توسط هم قول خدا (یعنی خروج) و هم قربانی شدن تصویب شد که در آن ابراهیم هیچ مسئولیت پیمانی نداشت، فقط ایمان (یعنی پیمان الهی بی قید و شرط ، مراجعه کنید به پیدایش ۱۵: ۱۲-۱۲).

۳: ۱۶ "وعده ها" "وعده ها" به دلیل تعداد دفعاتی که خدا وعده های خود را به ابراهیم تکرار می شود، جمع است (مراجعه کنید به پیدایش ۱۲: ۱-۳: ۱۳: ۱۸-۱۴: ۱۵-۱: ۵، ۱۲-۱۸: ۱۷-۱: ۱۴؛ ۲۲: ۹-۱۹).

■ "به نسلها" (در نسخ انگلیسی "بذر او" نوشته شده است - مترجم) استفاده از "بذر" کلمه بازی در اصطلاح رایج برای فرزندان است. اگر چه از نظر شکل

مفرد است، اما می تواند به معنی مفرد یا جمع باشد. در این حالت، پولس از آن به عنوان اشاره به عیسی استفاده می کند، نه اشعیا- بنابراین، وعده خدا با پیمان موسی پیوندی نداشت. "بذر" را می توان به معنای شرکتهی فرزندان مومن خدا، مانند ابراهیم درک کرد (مراجعه کنید به رومیان ۲: ۲۸-۲۹).

۳: ۱۷ "شریعتی که چهارصد و سی سال بعد آمد" پولس دلیل دیگری را برای برتری قول ابراهیمی بیان می کند، این مقدمه به موقع شریعت موسی بود. بحث در مورد شماره چهارصد و سی سال است که از خروج ۱۲: ۴۰-۴۱ آمده و مربوط به اسارت مصر است. برخی از محققان از ترجمه خروج ۱۲: ۴۰ Septuagint و Samaritan Pentateuch استفاده می کنند که می افزاید: "و در سرزمین کنعان" (F. F. Bruce, *Answers to Questions*, صفحه ۱۷۰). پیدایش ۱۵: ۱۳ و اعمال رسولان ۷: ۶ نشان می دهند که اسرائیل ۴۰۰ سال به اسارت در مصر بود. اما برخی دیگر ادعا می کنند که این قول فقط به ابراهیم نبوده بلکه برای کلیسا تکرار شده است، و صرفاً به زمان آخرین وعده مکرر به پدربزرگان تا زمان دریافت موسی از شریعت اشاره می شود. در این میان، توضیحات پولس مربوط به مدت زمان نیست، بلکه فاصله طولانی بین قول ابراهیم و شریعت موسی است.

■ "عهد... را ... لغو نمی کرد" این کلمه (*katargeō*) به طرق مختلف ترجمه شده است اما معنی اصلی آن چیزی بی فایده کردن، پوچ و باطل، بلااستفاده، بی قدرت اما لزوماً وجود ندارد یا نابود شده، است.

موضوع خاص: پوچ و خالی (*katargeō*)

(SPECIAL TOPIC: NULL AND VOID (*katargeō*))

این (کاتارگو) یکی از کلمات مورد علاقه پولس بود. او حداقل بیست و پنج بار از آن استفاده کرده است، اما گستره معنایی بسیار وسیعی دارد.

A. ریشه لغوی آن از *argos* است که به معنی

۱. غیر فعال

۲. بیکار

۳. استفاده نشده

۴. بلا استفاده

۵. غیر کارآمد

B. ترکیب با *kata* برای بیان اینها استفاده شده است

۱. عدم فعالیت

۲. بیفایده

۳. آن که باطل شده است

۴. چیزی که بدون آن انجام شد

۵. چیزی که کلاً بلا استفاده است

C. این یک بار در لوقا برای توصیف یک درخت بی ثمر و در نتیجه بی فایده (به لوقا ۱۳: ۷)

D. پولس در مفهوم نمادین به دوروش اصلی از آن استفاده می کند

۱. خدا چیزهایی را که برای انسانها خصمانه است، را غیر فعال میکند

a. ماهیت گناه آلود نوع بشر - رومیان ۶: ۶

b. قانون موسی در رابطه وعده "بذر" خدا - رومیان ۴: ۱۴، غلاطیان ۳: ۱۷، ۵: ۴ و ۱۱، افسسیان ۲: ۱۵

c. نیروهای روحانی - اول قرنتیان ۱۵: ۲۴

d. انسان بی قانون - دوم تسالونیکیان ۲: ۸

e. مرگ فیزیکی - اول قرنتیان ۱۵: ۲۶، دوم تیموتائوس ۱: ۱۰ (عبرانیان ۲: ۱۴)

۲. خدا قدیمی (پیمان، عصر) را با جدید جایگزین میکند

a. چیزهایی که مرتبط با شریعت موسی هستند - رومیان ۳: ۳ و ۳۱، ۴: ۱۴، دوم قرنتیان ۳: ۷ و ۱۱ و ۱۳ و ۱۴

b. همانندی استفاده ازدواج از قانون - رومیان ۷: ۲ و ۶

c. چیزهای این عصر - اول قرنتیان ۱۳: ۸ و ۱۰ و ۱۱

d. این بدن - اول قرنتیان ۶: ۱۳

e. رهبران این عصر - اول قرنتیان ۱: ۲۸، ۲: ۶

این کلمه به روش های مختلفی ترجمه شده است، اما معنای اصلی آن این است که چیزی بی فایده، ناپایدار و غیرقابل استفاده، ناتوان، ناتوان،

■ "خدا" (در نسخ انگلیسی، فعل این آیه به صورت مجهول است ولی در ترجمه فارسی به معلوم تغییر یافته و جمله بندی عوض شده. این تفسیر بر اساس متن انگلیسی کتاب مقدس میباشد-مترجم) این خواندن بهترین نسخه های خطی باستانی (P, C, B, A, 8, P⁴⁶) است که UBS⁴ امتیاز "A" را به آنها می دهد (یقین)، اما صبر کنید، چندین مورد از نقد کتاب مقدس وارد بازی می شوند.

۱. از طرف مثبت

A. معمولاً خواندن کوتاه تر جیح داده می شود (کاتب تمایل به اضافه کردن و روشن شدن دارند، نه حذف)

B. خواندن جغرافیایی قدیمی و گسترده احتمالاً اصلی است. خواندن طولانی برای اولین بار در MS D (قرن ششم) یافت می شود

۲. از طرف دیگر

A. غیر معمول ترین خواندن احتمالاً اصلی است. پولس معمولاً "در مسیح" (یعنی در طریق مسیح)، نه "به مسیح" (*eis Christon*) می گوید

B. استفاده عادی نویسنده بر نحوه مشاهده یک نوع تاثیر می گذارد. با این حال، پولس از همان شکل غیر معمول در غلاطیان ۲: ۱۶ و ۳: ۲۴

استفاده می کند.

به پیوست دو مراجعه کنید: نقد متنی.

۱۸:۳

NASB "اما خداوند آن را با وعده به ابراهیم اعطا کرده است"

NKJV "اما خدا آن را با قول به ابراهیم داد"

NRSV "اما خداوند آن را از طریق قول به ابراهیم بخشید"

TEV "با این حال، به این دلیل بود که خداوند به آن قول داده بود که آن را به ابراهیم داد"

NJB "و دقیقاً در قالب وعده ای بود که خداوند هدایای خود را به ابراهیم داد"

این زمان اخباری کامل میانی (دپوننت) است و بر آنچه خداوند خود در گذشته انجام داده با نتایج مطابق با زمان حال تاکید دارد. ریشه اصلی "اعطا" (*charizomai*) "هدیه" یا "فیض" (*charis*) است. این فقط بر اساس شخصیت او از طریق کار مسیح، بر ماهیت آزاد اعمال خدا تاکید دارد.

۱۹:۳

NASB, NRSV "چرا شریعت پس از آن"

NKJV "پس شریعت به چه هدفی خدمت می کند"

TEV "هدف از این شریعت چه بود،"

NJB "هدف از افزودن شریعت چه بود"

پولس به سبک بلاغی آیات ۱-۵ بازگشت. وی با دو سوال شروع کرد که از طریق آنها می خواهد هدف شریعت موسی را در برنامه خدا توضیح دهد (مراجعه کنید به غلاطیان ۳: ۱۹ و ۲۱). او درگیر این رویکرد متضاد است زیرا او در استدلال قبلی خود چنان هدف اهداف شریعت را خراب کرده بود که ممکن است برخی از خوانندگان فکر کنند که او از *antimomianism* دفاع می کند. عهد عتیق هنوز هم بر مبنای تقدیس کار می کند و نه بر مبنای توجیه!

موضوع خاص: دیدگاه پولس نسبت به قوانین موسی

(SPECIAL TOPIC: PAUL'S VIEWS OF THE MOSAIC LAW)

خوب است و از جانب خداست (مراجعه شود به رومیان ۷: ۱۲ و ۱۶).

۱. راهی برای عدالت و پذیرش توسط خدا نیست (حتی می تواند لعن و نفرین هم باشد، مراجعه شود به غلاطیان ۳).

به موضوع خاص: قوانین موسی و مسیحیت مراجعه شود.

۲. هنوز هم اراده خدا بر مومنین است زیرا این خود-آشکارسازی خدا است (پولس اغلب از عهد عتیق نقل قول می کند تا مومنین را متقاعد و یا تشویق کند).

۳. مومنین توسط عهد عتیق آگاه می شوند (مراجعه شود به رومیان ۴: ۲۳، ۲۴ و ۱۵: ۴، اول قرن تیان ۱۰: ۶ و ۱۱)، ولی با عهد عتیق نجات نمی یابند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵، رومیان ۴، غلاطیان ۳، عبرانیان). عملکرد آن بر اساس تقدس است نه توجیه.

۴. بر مبنای پیمان جدید عمل می کند تا:

a. گناه آلود بودن را نشان دهد (مراجعه شود به غلاطیان ۳: ۱۵ الی ۲۹)

b. انسان رها شده در جامعه را هدایت کند

c. تصمیمات اخلاقی مسیحیت را اعلام کند

این طیف الهیاتی در ارتباط با قوانین موسی وجود دارد، از نفرین (مراجعه شود به غلاطیان ۳: ۱۰ الی ۱۳) و فوت تا برکت و ثبات که باعث می‌شوند در درک نگرش پولس نسبت به قوانین موسی با مشکل مواجه شویم. در *A Man in Christ* جیمز استوارت تفکر و نگارش پارادوکسی پولس را نشان می‌دهد:

"معمولاً از کسی که در تلاش است تا یک سیستم فکری و دکترینی را بنا کند، انتظار می‌رود که تا حد ممکن معنی و مفهوم اصطلاحاتی را که به کار می‌برد، روشن و مستحکم سازد. انتظار دارید که هدف او دقت در بیان نظراتش در میان پاراگراف‌های متن باشد. می‌خواهید وقتی که توسط یک نگارنده کلمه خاصی استفاده شد، در تمامی متن یک معنی و مفهوم مشخص داشته باشد. بیشتر عبارات و جملات او سیال و هستند، نه ثابت... "او می‌نویسد "قانون مقدس و الهی است"، "من از قوانین خدا برای انسان فانی مسرورم (مراجعه شود به رومیان ۷: ۱۲ و ۲۲) ولی به وضوح جنبه دیگر *nomos* است که باعث می‌شود او در جای دیگری بگوید "مسیح به جای ما لعن شد و این گونه ما را از لعنت شریعت باز خرید کرد" (مراجعه شود به غلاطیان ۳: ۱۳)" (صفحه ۹۶).

■ "شریعت به سبب نافرمانیها افزوده شد، آن هم تنها تا زمانی که آن 'نسل' که وعده به او اشاره داشت، بیاید" در روایت‌های MSS چندین قرائت مختلف وجود دارند، اما به نسخه چاپ شده در NASB توسط UBS⁴ رتبه "A" شده است. چهار عنصر در مورد حقایق قانون به قول ممکن است در اینجا مورد تفسیر قرار گیرند.

۱. بعداً اضافه شده

۲. نافرمانی را بیشتر کرد

۳. فقط تا زمانی بود که مسیح، "بذر" آمد

۴. توسط یک واسطه داده شد

عبارت "افزایش نافرمانی" را می‌توان "مجازات حد" تعبیر کرد. این ترجمه به صورت نحوی امکان پذیر است. با این حال، با توجه به نمایش کامل پولس در فصول اولیه رومیان (مراجعه کنید به رومیان ۳: ۲۰؛ ۵: ۲۰؛ ۷: ۱)، شریعت به گونه‌ای وضع شد که گناهان خود را به روشنی نشان دهند. قبل از شریعت گناه شمرده نمی‌شدند (مراجعه کنید به رومیان ۴: ۱۵؛ ۵: ۱۳).

فیلیپیان ۳: ۶ و رومیان ۷: ۷-۱۱ پارادوکس ایجاد کردند. پولس احساس کرد که او در زندگی خود الزامات قانون را برآورده کرده است. با این حال، طمع، که بعداً برای او آشکار شد، به او نشان داد که او یک گناهکار و نیاز به نجات معنوی است.

دیدگاه ربی‌ها در مورد فرشتگان به عنوان عامل واسطه‌گری شریعت را می‌توان در ترجمه تثنیه ۳۳: ۲ در *Septuagint* مشاهده کرد. فرشتگان که مسئول تحویل شریعت هستند نیز در اعمال رسولان ۷: ۳۸، ۵۳ و عبرانیان ۲: ۲؛ *Antiquities of the Jews* ۳، ۵/۱۵ اثر جوزفوس؛ و کتاب غیر متعارف جویلیان، ۱: ۲۷-۲۹ مورد بحث قرار می‌گیرند. ممکن است پولس فرشته خداوند را در ذهن داشته باشد که به همراهی با مردم ادامه داد (خروج ۲۳: ۲۰-۳۳؛ ۳۲: ۳۴؛ ۳۳: ۲) ولی یهوه این کار را نکرد.

۳: ۲۰

NASB "اکنون یک واسطه فقط برای یک حزب نیست؛ در حالی که خدا تنها یک نفر است"

NKJV "اکنون یک واسطه فقط برای یک فرد واسطه نیست، بلکه خدا یکی است"

NRSV "اکنون یک واسطه بیش از یک طرف را درگیر می‌کند؛ اما خدا یکی است"

TEV "اما هنگامی که فقط یک نفر وجود داشته باشد نیاز به ایجاد اختلاف نیست، و خدا یکی است"

NJB "اکنون فقط واسطه بین دو طرف وجود دارد، اما خدا یکی است"

این آیه امکانات بسیار مختلفی را به مفسر ارائه می‌دهد. در این میان، یک خواندن بدیهی است که دستورالعمل انتقال قانون از جانب خدا، از طریق فرشتگان، به موسی و مردم داده می‌شود. بنابراین، قول برتر است زیرا فقط بین دو شخص خدا و ابراهیم به صورت رو در رو داده شد، در حالی که پیمان موسی شامل چهار بخش بود. وعده به ابراهیم نیاز به مداخله نداشت.

همچنین می‌تواند به قول بی‌قید و شرط خداوند به ابراهیم در پیدایش ۱۵: ۱۲-۲۱ اشاره کند. فقط خدا در تصویب آن شرکت کرد. حال اگرچه تماس اولیه خدا با ابراهیم مشروط بود (مراجعه کنید به پیدایش ۱۲: ۱)، پولس از پیدایش ۱۵ برای بیان نظر خود استفاده کرد. پیمان موسی برای خدا و بشر مشروط بود (به مباحث ویژه در غلاطیان ۳: ۱۵-۱۷ مراجعه کنید). مشکل این بود که از زمان گمراهی (پیدایش ۳) بشر قادر به انجام بخشی از پیمان خود نبود.

وعده، به تنهایی بر عهده خدا بود (یعنی "خدا یکی است") که برتر است!

۳: ۲۱ "پس آیا شریعت برخلاف وعده‌های خداست" متن یونانی این متن حرف تعریف "شریعت" ندارد که بتواند بر شریعت دلالت داشته باشد. استفاده از "شریعت" بدون حرف تعریف سه بار در غلاطیان ۳: ۲۱ و ۴: ۵ اتفاق می‌افتد. غالباً "شریعت" در غلاطیان حرف تعریف ندارد که در این صورت به تلاش بشر برای دستیابی به نفع خدا از طریق اجرای دستورالعمل‌های دینی یا هنجارهای فرهنگی اشاره می‌کند. نکته کلیدی این نیست که خطوط راهنما چیستند، بلکه اعتقاد بر این است که انسان نمی‌تواند مورد قبول خدای مقدس قرار گیرد (مراجعه کنید به افسسیان ۲: ۹). اینجاست که خواندن دقیق رومیان ۷ بسیار مهم است.

عبارت "خدا" در دست نوشته های یونانی تغییراتی دارد.

۱. برخی از "خدا" - MSS ۸, A, C, D, F, G

۲. برخی از نسخه های خطی کوچک بعدی (۱۰۴، ۴۵۹) دارای "مسیح" هستند

۳. برخی کلمات را حذف می‌کنند - MSS P⁴⁶, B

UBS⁴ نمی‌تواند در مورد جمله تصمیم بگیرد (رتبه "C" می‌دهد) و "خدا" را در براکت‌ها قرار می‌دهد، که متناسب با متن است.

■ "زیرا اگر شریعتی داده شده بود" این جمله شرطی درجه دوم که بیانگر مفهومی "برخلاف واقعیت" است. یک ترجمه تقویت شده چنین می‌خواند: "اگر قانونی تصویب شده بود که بتواند حیات را زنده کند (که هرگز وجود نداشت)، آنگاه می‌شد درست در کنار شریعت ایستاد (که اینگونه نیست). "شریعت هرگز راهی برای درست بودن با خدا نبود. این یک وحی واقعی از جانب خدا است (متی ۵: ۱۷-۱۹؛ رومیان ۷: ۱۲). این شریعت الهام بخش وحی و ارزشمند است، اما برای ایستادگی درست یا رستگاری نیست.

■ "پارسا" موضوع خاص در غلاطیان ۲: ۲۱ را مطالعه کنید.

۳: ۲۲

NASB "اما کتاب مقدس همه را تحت گناه تعطیل کرده است"

NKJV "اما کتاب مقدس همه را تحت گناه محصور کرده است"

NRSV "اما کتاب مقدس همه چیز را تحت قدرت گناه زندانی کرده است"

TEV "اما کتاب اعلام داشت که همه در بند گناه اسیرند"

NJB "کتاب مقدس هیچ استثنا نمی‌کند وقتی که می‌گوید گناه در همه جا استاد است"

پولس به کدام متن عهد عتیق اشاره دارد، نامشخص است، اگرچه یکی از احتمالات تثنیه ۲۷: ۲۶ است، که در اوایل در غلاطیان ۲: ۱۶؛ ۳: ۱۰ به آن اشاره شده است. سقوط بشریت و غریبه شدن آنها اولین نکته انجیل پولس است (مراجعه کنید به رومیان ۳: ۹-۱۸، ۲۲-۲۳؛ ۱۱: ۳۲). به معنای واقعی کلمه این "همه چیز" (خنثی) است، نه "همه مردان" (مذکر). برخی در اینجا اهمیت کیهانی رستگاری مسیح را می‌بینند (مراجعه کنید به رومیان ۸: ۱۸-۲۵؛ افسسیان ۱: ۲۲ و کتاب کولسیان که مضمون رستگاری کیهانی در مسیح است). با این حال، در این متن، به تمام بشریت اعم از یهودیان، یهود زدگان و غیر یهودیان اشاره می‌شود.

■ "تا آنچه وعده داده شده بود بر پایه ایمان به عیسی مسیح به ایمانداران عطا شود" این خلاصه‌ای از کل بحث است که لطف و فیض خدا از طریق قول او به ابراهیم و "بذر" (یعنی مسیح) حاصل می‌شود، نه از طریق شایستگی یا عملکرد انسانی! به تکرار اصطلاح، *pistis*، توجه کنید که به "ایمان" ترجمه شده است. موضوع خاص را در غلاطیان ۳: ۶ مشاهده کنید.

برای بحث در مورد چگونگی درک و ترجمه "از طریق ایمان به عیسی مسیح" به یادداشت های غلاطیان ۲: ۱۶ مراجعه کنید.

NASB: غلاطیان ۳: ۲۳ الی ۲۹

۲۳ ما پیش از آمدن ایمان، تحت مراقبت شریعت به سر می‌بردیم و تا ظهور ایمان در بند نگاه داشته می‌شدیم. ۲۴ پس شریعت مربی ما شد تا زمانی که مسیح بیاید و به وسیله ایمان پارسا شمرده شویم. ۲۵ اما اکنون که ایمان آمده، دیگر زیر دست آن مربی نیستیم.

۲۶ زیرا در مسیح عیسی، شما همه به واسطه ایمان، پسران خدایید. ۲۷ چرا که همگی شما که در مسیح تعمید یافتید، مسیح را در بر کردید.

۲۸ دیگر نه یهودی معنی دارد نه یونانی، نه غلام نه آزاد، نه مرد نه زن، زیرا شما همگی در مسیح عیسی یکی هستید. ۲۹ و حال اگر شما از آن مسیح هستید، پس نسل ابراهیم‌اید و بنا بر وعده، وارثان نیز هستید.

۳: ۲۳ "پیش از آمدن ایمان" حرف تعریف مشخص که به طور هم زمان با "ایمان" به کار رفته است، حاکی از بدنه حقیقت مسیحی است (یعنی انجیل، مراجعه شود به اعمال رسولان ۶: ۷؛ ۱۳: ۸؛ ۱۴: ۲۲؛ غلاطیان ۱: ۲۳؛ ۶: ۱۰؛ یهود ۱: ۳، ۲۰). با این حال، در این متن، برای عصر انجیل استعاری است.

NASB "ما طبق قانون در بازداشت به سر می بریم و به ایمانی که بعداً آشکار می شد، بسته می شدیم"

NKJV "تحت مراقبت شریعت به سر می بردیم و تا ظهور ایمان در بند نگاه داشته می شدیم"

NRSV "ما تحت قانون زندانی و تحت مراقبت بودیم تا ایمان آشکار شود"

TEV "این قانون همه ما را به عنوان زندانیان محصور نگه داشته است، تا اینکه این ایمان آینده نازل شود"

NJB "به موجب قانون از ما هیچگونه آزادی ای برخوردار نبودند؛ تا زمانی که ایمان نازل شد، تحت مراقبت قرار گرفتیم"

این قانون برای اولین بار به عنوان زندانبان مانند آیه ۲۲ به تصویر کشیده شد. انسان تا زمان روی کار آمدن مسیح در زندان محافظت می شد (فیلبیان ۴: ۷؛ اول پطرس ۱: ۵). استعاره دوم که برای توصیف قانون به کار رفته در غلاطیان ۳: ۲۴ است، جایی که به آن متولیان امر گفته می شود (مراجعه کنید به غلاطیان ۴: ۱-۲). در جامعه یونان و روم، این اصطلاح به سرپرستان پسران جوان یونانی یا رومی اشاره شده است. سرپرست، وظیفه محافظت از آنها، غذا، حمل و نقل و آموزش آنها را بر عهده داشت، بنابراین "متولی" یک مفهوم دوگانه داشت: محافظ و منضبط کننده. پولس دو هدف عمده شریعت را در برنامه خدا متمایز کرد:

۱. تا گناهانمان را به خودمان نشان دهند

۲. تا به عنوان سرپرست ما را تا زمان عرضه رایگان فیض در مسیح، نگه دارد (مراجعه کنید به یوحنا ۱: ۱۲؛ ۳: ۱۶؛ رومیان ۱: ۱۰؛ ۹-۱۳)

۳: ۲۴

NASB "شریعت به معلم ما تبدیل شده است تا ما را به سمت مسیح سوق دهد"

NKJV "شریعت مربی ما شد تا زمانی که مسیح بیاید"

NRSV "شریعت تا زمانی که مسیح آمد، نظم و انضباط ما بود"

TEV "بنابراین شریعت تا زمان رسیدن مسیح مسئولیت ما را بر عهده داشت"

NJB "شریعت تا زمانی که مسیح آمد، سرپرست ما بود"

دو تعبیر متفاوت از عبارت دارای حرف اضافه "به مسیح" امکان پذیر است: (۱) ما را نزد مسیح بیاورد، مانند NASB، NKJV، و NIV یا (۲) تا زمان رسیدن مسیح، مانند NRSV، TEV و JB.

■ "و به وسیله ایمان پارسا شمرده شویم" "توجیه شده توسط ایمان" شعار معروف اصلاحات لوتر بود. این قانون نقش مهمی در هدایای رایگان خدا در مسیح دارد. این یک شرط لازم برای انجیل است - نیاز ما! صرفه جویی در "ایمان" همیشه (۱) شناختی، (۲) ارادی و (۳) عناصر رابطه دارد.

۳: ۲۵ "اما اکنون که ایمان آمده، دیگر زیر دست آن مربی نیستیم" مومنان دیگر فرزندان زیر سن قانونی نیستند، بلکه آنها فرزندان کاملی شده اند، وارث کامل! همه اینها از طریق لطف خدا، کار تمام شده مسیح و پاسخ ایمان توبه کننده ما اتفاق می افتند.

۳: ۲۶ "در مسیح عیسی، شما همه به واسطه ایمان، پسران خدایید" عبارت "همه پسران خدایید" به کسانی که مسیح را با ایمان دریافت کرده اند، اشاره دارد (مراجعه کنید به یوحنا ۱: ۱۲؛ ۳: ۱۶؛ رومیان ۸: ۱۴-۱۷). این آیه نه جهان شمولی را حمایت می کند؛ و نه رومیان ۵: ۱۸ یا ۱۱: ۳۲، بلکه صحبت از پیشنهاد رستگاری جهانی است. "همه" برای تاکید، در ابتدای جمله یونانی ظاهر شده است.

۳: ۲۷ "چرا که همگی شما که در مسیح تعمید یافتید" این تاکید بر تعمید به عنوان ابزاری برای رستگاری نیست، زیرا دقیقاً این استدلالی است که یهود زدگان در رابطه با ختنه استفاده می کردند. تعمید مسیحی نشانه ای از کار روح است که در آیات غلاطیان ۳: ۲، ۳، ۵، ۱۴ ذکر شده است (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۱۲: ۱۳). برای تعمید در / توسط / با روح یک استعاره کتاب مقدس برای مسیحی شدن بود. تعمید فقط فرصتی بود برای اقرار عمومی به ایمان به مسیح و نماد تغییر درونی. برای اینکه تعمید آب پیش شرط رستگاری شود، باید تبدیل به یک نو-یهود زده شد!

موضوع خاص: تعمید

SPECIAL TOPIC: BAPTISM

I. تعمید در زندگی یهود

A. آمادگی برای عبارت در معبد (یعنی پاکیزگی)

۱. خود تعمیدی نوایمانان

اگر کسی از سایر ادیان بخواهد فرزند اسرائیل شود، باید این کار را انجام دهد

a. ختنه، اگر مرد باشد

b. خود تعمیدی توسط غسل، در حضور سه شاهد

c. قربانی کردن در معبد

۲. عمل طهارت (مراجعه شود به لاویان ۱۵)

در گروه‌های فرقه‌ای فلسطین قرن اول، مانند اسن‌ها، تعمید ظاهراً متداول بود و تکرار می‌شد. با این وجود، برای یهودیان مادرزاد، تعمیدهای توبه‌ای یحیی برای فرزندان ابراهیم که باید همان مراحل پذیرش نوایمانان از سایر ادیان را طی می‌کردند، تمسخرآمیز بود.

B. برخی نمونه‌های عهد عتیقی برای مراسم شستشورا می‌توان ذکر کرد

۱. به عنوان نمادی برای پاکی معنوی (مراجعه شود به اشعیا ۱:۱۶)

۲. به عنوان یک تشریفات منظم که توسط کشیشان اجرا می‌شد (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۹: ۱۰، لاویان ۱۶)

باید توجه داشت که سایر تعمیدهای قرن اول فرهنگ یهود توسط خود فرد اجرا می‌شد. فقط فراخوانده‌های یحیی تعمید دهنده اورا به عنوان ارزیاب و (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۷ الی ۱۲) مسئول این عمل توبه مشخص می‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۶)

II. تعمید در کلیسا

A. با اهداف الهیات

۱. بخشش از گناهان - مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۳۸، ۲۲: ۱۶

۲. دریافت روح القدس - مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۳۸ (اعمال رسولان ۱۰: ۴۴ الی ۴۸)

۳. وحدت با مسیح - مراجعه شود به غلاطیان ۳: ۲۶ و ۲۷

۴. عضویت در کلیسا - مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۲: ۱۳

۵. نمادی از تحول معنوی - مراجعه شود به اول پطرس ۳: ۲۰ الی ۲۱

۶. نمادی از مرگ معنوی و رستاخیز - مراجعه شود به رومیان ۶: ۱ الی ۵

B. تعمید در کلیسای اولیه فرصتی برای فرد بود تا در ملا عام اقرار (یا اعتراف) کند. این مکانیزی برای رستگاری نبوده و نیست، ولی فرصتی برای تأیید کلامی ایمان بود/ است (احتمالاً "عیسی خدا است"). به خاطر داشته باشید که کلیسای اولیه هیچ ساختمان و بنایی نداشت و به دلیل پیگرد، اغلب مردم همدیگر را در خانه‌ها یا مکانهای مخفی ملاقات می‌کردند.

C. بسیاری از مفسرین تصریح می‌کنند که اول پطرس یک مراسم تعمید است. هر چند این امکان هست، ولی تنها گزینه نیست. البته، این درست است که پطرس تعمید را یک عمل بسیار مهم در ایمان می‌داند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۳۸ و ۴۱، ۱۰: ۴۷). با این وجود، یک مراسم مقدس نبوده و نیست، بلکه یک رخداد ایمان است که نمادی از مرگ، دفن و رستاخیز است و ایمان آورنده با تجربه خودش عیسی را شناسایی می‌کند (مراجعه شود به رومیان ۶: ۷ الی ۹، کولسیان ۲: ۱۲). این عمل مقدس نیست بلکه نمادین بوده و فرصتی برای اقرار است نه مکانیسمی برای رستگاری.

III. تعمید و توبه در اعمال رسولان ۲: ۳۸

اعمال نوشته کورتیس واگان پی نویس جالبی در صفحه ۲۸ در ارتباط با اعمال رسولان ۲: ۳۸ دارد.

"کلمه یونانی که برای "تعمید" (*baptized*) استفاده شده سوم شخص دلالتی است، کلمه‌ای که برای "توبه" استفاده شده دوم شخص

است. این تغییر از دستور دوم شخص به سوم شخص دلالتی بر این دارد که درخواست اولیه پطرس توبه بوده است."

این امر با تأکید یحیی تعمید دهنده (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۲) و عیسی (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۱۷) ادامه پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد که توبه کلید معنوی و تعمید اظهار بیرونی این تغییر معنوی می‌باشد. عهد جدید در مورد مومنین تعمید داده نشده چیزی نمی‌داند. برای کلیسای اولیه، تعمید اقرار در ملا عام ایمان بود. این فرصتی برای اقرار در ملا عام نسبت به ایمان به عیسی بود، نه مکانیسمی برای رستگاری. باید به خاطر داشت که تعمید در موعظه دوم پطرس ذکر نشده است، ولی توبه ذکر شده است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳: ۱۹، انجیل لوقا ۲۴: ۱۷). تعمید مثالی بود که توسط عیسی بنا شد (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۱۳ الی ۱۸). عیسی امر به تعمید کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۱۹). سوال مدرن در مورد الزام به تعمید برای رستگاری در عهد جدید مطرح نشده است. باید تمامی مومنین تعمید داده شوند. با این وجود، از فرد باید در مقابل مکانیسم مقدس بودن محافظت شود. رستگاری یک مسئله ایمانی است، نه یک مکان درست، یا کلمات درست یا عمل مناسب.

■ "مسیح را در بر کردید" این یک آنوریست اخباری میانی است که بر عملی هدفمندانه از جانب ما تأکید می‌کند. این شامل ایده "پوشاندن" ما (به عنوان

یک پوشاک) و یکی از ویژگیهای خانواده خدا است. این استعاره پوشاک اغلب توسط پولس مورد استفاده قرار می‌گیرد (مراجعه کنید به رومیان ۱۳: ۱۴؛ افسسیان ۴: ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۳۱؛ کولسیان ۳: ۱۰، ۱۲، ۱۴). این ممکن است که آن را به متون مربوط به مناسک رومی اشاره کند که پسر ردای کودکی خود را با ردای دوران بزرگسالی عوض می‌کرد، و بدین ترتیب به یک شهروند کامل تبدیل می‌شد (مانند آیین یهودی بار میتسوا). این امر نمادی از رسیدن ما به سن کامل و در نتیجه وراثت کامل است.

۲۸: ۳ تمایزهایی که یهودیان تاکید داشتند اکنون در مسیح کاملاً از بین رفته است. هیچ کس برای مسیحی شدن هیچ مانعی ندارد. استکبار یهود در برابر غیر یهودیان، بردگان و زنان کاملاً از بین رفته است. تمایزات برای رستگاری معتبر نیستند (مراجعه کنید به رومیان ۳: ۲۲؛ اول قرنتیان ۱۲: ۱۳؛ و کولسیان ۳: ۱۱)، اما این بدان معنا نیست که ما دیگر مرد و زن نیستیم، برده یا آزاد هستیم، یهودی یا یونانی. این تمایزات باقی مانده‌اند و بخشهایی وجود دارند که با این تمایزات صحبت می‌کنند، اما در زمینه مسیحی شدن هیچ مانعی وجود ندارد. مسیح هر مانعی که توسط انسانهای خودصالح بین، قانونگرا یا غرض ورز برانگیخته می‌شد را، یک بار و برای همیشه خراب کرده است. خدا را شکر!

Abusing Scripture، Manfred T. Brauch، صفحه ۶۸ (همچنین F. F. Bruce، *Epistle to Galatians*، صفحه ۱۸۷) ادعا می‌کند که این سه گروه متضاد، منعکس کننده نماز کنیسه باستانی هستند، جایی که مردان یهودی خدا را شکر می‌کنند که آنها به عنوان زن، برده یا غیر یهودی به دنیا نیامده‌اند! واقعیت جدید در مسیح تعصب یهودیت قرن اول را نفی و آشکار کرده است. "در طریق مسیح" همه چیز پشت سر گذاشته می‌شود!

موضوع خاص: نژاد پرستی

(SPECIAL TOPIC: RACISM)

I. مقدمه

- A. این نگرش برتری یک بیان جهانی بشر گمراه است. این ضمیر بشر است، که از خود در پشت سر دیگران حمایت کند. نژادپرستی از بسیاری جهات یک پدیده مدرن است، در حالی که ناسیونالیسم (یا قبیله گرایی) یک مسئله باستانی است.
- B. ملی گرایی در بابل آغاز شد (پیدایش ۱۱) و در ابتدا مربوط به سه پسران نوح بود که به اصطلاح نژادها از آنها توسعه یافتند (پیدایش ۱۰). با این حال، از کتاب مقدس روشن است که بشریت از یک منبع است (مراجعه شود به پیدایش ۱-۳؛ اعمال رسولان ۱۷: ۲۴-۲۶).
- C. نژادپرستی فقط یکی از انواع تعصب است. برخی دیگر از تعصبات عبارتند از:
 ۱. فخر فروشی به خاطر تحصیلات
 ۲. غرور اقتصادی-اجتماعی
 ۳. خود-پارسی بینی و قانونگرایی مذهبی
 ۴. تعصبات کور سیاسی

II. مفاد انجیلی

A. عهد عتیق

۱. پیدایش ۱: ۲۷ - نوع بشر، مرد و زن، در تصویر و همانند خدا ساخته شدند، که آنها را منحصر به فرد می‌کند. همچنین ارزش و وقار فردی را نشان می‌دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۶).
۲. پیدایش ۱: ۱۱ الی ۲۵ - این عبارت را ده مرتبه ثبت کرده است "... در پی نوع خود...". از این عبارت برای حمایت از تبعیض نژادی استفاده می‌شود. با این حال، از زمینه متن مشخص است که این به حیوانات و گیاهان و نه به بشریت، اشاره دارد.
۳. پیدایش ۹: ۱۸ الی ۲۷ - از این عبارت برای حمایت از تسلط نژادی استفاده شده است. باید به یاد داشته باشید که خدا کنعان را لعنت نکرد. نوح، پدر بزرگش را، پس از بیداری از مستی، لعنت کرد (به خاطر پدرش، گناه حام). کتاب مقدس هیچ سابقه‌ای که خدا این سوگند / لعنت را تایید کرده باشد را ثبت نکرده است. حتی اگر او این کار را انجام دهد، این امر در مورد نژاد سیاه و سفید تاثیر نمی‌گذارد. کنعان پدر کسانی بود که در فلسطین ساکن بودند و هنر دیوار مصری نشان می‌دهد که آنها سیاه نیستند.
۴. اعداد ۱۲: ۱ - موسی با یک زن سیاه پوست ازدواج کرد.
۵. یوشع ۹: ۲۳ - این عبارت برای اثبات اینکه یک نژاد باید به نژادی دیگر خدمت کند، استفاده می‌شود. با این وجود، در متن، جبعونیان از همان نژادی هستند که یهودیان می‌باشند.
۶. عزرا ۹ الی ۱۰ و نحما ۱۳ - اینها اغلب در مفهوم نژادی مورد استفاده قرار می‌گیرند، اما متن نشان می‌دهد که ازدواج‌ها، نه به دلیل نژادی (آنها از یک پسر نوح بودند، پیدایش ۱۰)، بلکه به دلایل مذهبی محکوم شده‌اند.

B. عهد جدید

۱. انجیل

- a. عیسی در چندین مورد از نفرت بین یهودیان و سامری‌ها استفاده کرد، تا نشان دهد که نفرت نژادی نامناسب است.
- ۱) تمثیل سامری خوب (انجیل لوقا ۱۰: ۲۵ الی ۳۷)
 - ۲) زن کنار چشمه (انجیل یوحنا ۴)
 - ۳) جذامی شکرگزار (انجیل لوقا ۱۷: ۱۱ الی ۱۹)
- b. انجیل برای همه بشریت است
- ۱) انجیل یوحنا ۳: ۱۶
 - ۲) انجیل لوقا ۲۴: ۴۶ الی ۴۷
 - ۳) عبرانیان ۲: ۹
 - ۴) مکاشفه ۱۴: ۶
- c. پادشاهی برای همه بشریت است
- ۱) انجیل لوقا ۱۳: ۲۹
 - ۲) مکاشفه ۵

۲. اعمال رسولان

- a. اعمال رسولان ۱۰ قطعا در مورد عشق جهانی خداوند و پیام جهانی انجیل است.
- b. به پطرس به خاطر کارهایش در اعمال رسولان ۱۱ حمله شد و این مسئله تا شورای اورشلیم در اعمال رسولان ۱۵ برگزار و راه حلی برای آن پیدا نشد، حل نگردید. تنش میان یهودیان و غیر یهودیان قرن اول بسیار شدید بود.

۳. پولس

- a. هیچ مانعی در راه مسیح وجود ندارد
- ۱) غلاطیان ۳: ۲۶ الی ۲۸
 - ۲) افسسیان ۲: ۱۱ الی ۲۲
 - ۳) کولسیان ۳: ۱۱
- b. خدا بین افراد تبعیض نمی‌گذارد
- ۱) رومیان ۲: ۱۱
 - ۲) افسسیان ۶: ۹

۴. پطرس و یعقوب

- a. خدا بین افراد تبعیض نمی‌گذارد، اول پطرس ۱: ۱۷
- b. چون خدا تعصبی نشان نمی‌دهد، پس مردم او نیز نباید چنین کنند، یعقوب ۲: ۱

۵. یوحنا

- a. یکی از قویترین گفته‌ها در مورد مسئولیت مومنین در اول یوحنا ۴: ۲۰ یافت میشود.

III. جمع بندی

- A. نژاد پرستی، و یا در این مورد، تعصب از هر نوع، برای فرزندان خدا کاملا نامناسب است. در اینجا یک نقل قول از Henlee Barnette است که در انجمنی در Glorieta، نیومکزیکو، برای کمیته زندگی مسیحی در سال ۱۹۶۴ سخنرانی کرد.
- "نژاد پرستی کفر است زیرا غیر انجیلی و غیر مسیحی است، لازم به یادآوری نیست که غیر علمی هم هست".
- B. این مسئله به مسیحیان فرصتی برای نشان دادن عشق، بخشش و درک متقابل خود به یک جهان گمشده و گمراه می‌دهد. نژاد پرستی مسیحی نشان دهنده عدم بلوغ است و فرصتی برای یک شخص بد برای ایجاد مانع برای ایمان، اطمینان و رشد مومن به وجود می‌آورد. این همچنین به عنوان یک مانع برای افراد گمشده جهت رسیدن و روی آوردن به مسیح خواهد بود.
- C. چه کاری میتوانم انجام دهم؟ (این بخش از تراکت کمیته زندگی مسیحی تحت عنوان "مسابقه روابط" برگرفته شده است) "در سطح فردی"
- مسئولیت خود را در حل مسائل مربوط به نژاد بپذیرید
 - از طریق دعا، مطالعه انجیل، و دوستی با دیگر نژادها تلاش کنید تعصبات زندگی نژادی را از خود دور کنید
 - اعتقادات خود را نسبت به نژاد بیان کنید، به ویژه آنهایی که نژاد نژادی را متلاشی می‌کنند
- "در زندگی خانوادگی"

- اهمیت نفوذ خانواده در توسعه نگرش نسبت به سایر نژادها را درک کنید.
 - سعی کنید با صحبت کردن در مورد آنچه که کودکان و والدین در مورد نژادها در خارج از منزل می شنوند، نگرشهای مسیحی را توسعه دهید.
 - والدین باید در برابر ارائه یک مثال مسیحی در ارتباط با افراد نژادهای دیگر مراقب باشند.
 - به دنبال فرصتهایی برای ایجاد دوستی خانوادگی با دیگر نژادها باشید
- "در کلیسای خود"
- با موعظه و تعلیم حقیقت کتاب مقدس در رابطه با نژاد، جماعت حاضر در کلیسا می توانند الگو و سرمشقی برای کل جامعه باشند.
 - اطمینان حاصل کنید که عبادت، مشارکت و خدمت از طریق کلیسا برای همه باز باشد، حتی به عنوان کلیساهای عهد جدید، هیچ مانع نژادی وجود نداشته باشد (افسیسیان ۲: ۱۱ الی ۲۲، غلاطیان ۳: ۲۶ الی ۲۹).
- "در زندگی روزمره"
- کمک به غلبه بر هرگونه تبعیض نژادی در محیط کار.
 - از طریق انواع سازمانهای اجتماعی از حقوق و فرصتهای برابر محافظت کنید، به یاد داشته باشید که مسئله نژاد است که باید مورد حمله قرار گیرد نه افراد. هدف این است که فهمیدن را ترویج دهیم، نه اینکه تلخی ایجاد کنیم.
 - اگر به نظر عاقلانه باشد، کمیته ویژه‌ای از شهروندان برای ایجاد خطوط ارتباطی در جامعه برای آموزش عموم و اقدامات خاص در بهبود روابط نژادی سازماندهی کند.
 - از قوانین و قانون گذاران در تصویب قوانین ترویج عدالت نژادی حمایت کنید و با کسانی که از تعصب برای منافع سیاسی استفاده می کنند، مخالفت کنید.
 - از مقامات اجرایی قانون برای تحقق قوانین بدون تبعیض تشکر کنید.
 - خشونت را کنار بگذارید و احترام به قانون را ارتقا دهید، هر کاری که ممکن است به عنوان یک شهروند مسیحی باید انجام داد، انجام دهید، اطمینان حاصل کنید که ساختارهای حقوقی ابزار دست کسانی که تبعیض را افزایش میدهند، نخواهد بود.
 - روح و ذهن مسیح را در تمام روابط انسانی به صورت الگو و نمونه بیان کنید.

■ "زیرا شما همگی در مسیح عیسی یکی هستید" همانطور که انسانها همه در آدم (منظور آدم و حوا است- مترجم) یکی هستند (رومیان ۵: ۱۲)، همه آنها به طور بالقوه در طریق مسیح یکی هستند (مراجعه کنید به رومیان ۵: ۱۸). تنها مانع توبه شخصی و ایمان به مسیح است (مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال رسولان ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۲۱).

این تاکید جمعی بسیار شبیه به مفهوم مشارکت اسرائیل است. اکنون ما یک واحد جدید جمعی هستیم، یعنی کلیسا (مراجعه کنید به یوحنا ۱۷: ۲۱؛ رومیان ۱۲: ۴، ۵؛ اول قرنتیان ۱۲: ۱۲).

۳: ۲۹ "اگر" در اینجا، "اگر" یک جمله شرطی نوع اول را معرفی می کند، که تصور می کند شرط از منظر نویسنده یا برای اهداف ادبی او درست است.

■ "حال اگر شما از آن مسیح هستید، پس نسل ابراهیم‌اید و بنا بر وعده، وارثان نیز هستید" همه ملت یا نژاد اسرائیل در واقع اسرائیل روحانی نیستند (مراجعه کنید به غلاطیان ۶: ۱۶؛ رومیان ۲: ۲۸-۲۹؛ ۹: ۶)، اما تمام کسانی که اسرائیل واقعی هستند با ایمان چنین هستند. بنابراین، هیچ تمایز دیگری بین یهودی و غیر یهودی صورت نگرفت. فقط بین کسانی که به مسیح ایمان دارند و کسانی که ایمان ندارند. هیچ جانبداری از سوی خدا صورت نمی گیرد. طرح فیض جهانی برای رستگاری بشر، توبه و ایمان به پسر توسط خدا یک بار انجام شد. کسانی که با ایمان جواب می دهند پسران و وارث خدا هستند (مراجعه کنید به تیتوس ۳: ۷)؛ دیگر تمایز عهد عتیقی میان یهودی و یونانی وجود ندارد.

این واقعیت جدید بر نبوتهای ملی گرایانه و جغرافیایی نیز تاثیر می گذارد. تمایز بین یهودی و نجیب دیگر معتبر نیست. اکنون تمایز کافر و مومن است. هیچ نویسنده عهد جدید، از جمله عیسی، هرگز نبوتهای ناسیونالیستی عهد عتیق در مورد اسرائیل را تأیید نکرده اند. فلسطین و اورشلیم دیگر محور فعالیت خداوند نیستند. تمام جهان سرزمین مقدس جدید است. اورشلیم دیگر یک شهر خاص و مقدس نیست. اینک "اورشلیم جدید" است (مراجعه کنید به مکاشفه ۳: ۱۲؛ ۲۱: ۲، ۱۰)، که نمادی از بهشت است. مراقب خداشناسی های سیستماتیک باشید که پیشگویی های عهد عتیق را به عنوان واقعتهای قطعی آینده متمرکز کرده یا بزرگ جلوه می دهند!

در اینجا بخش منتخبی از یادداشتهای مقدماتی تفسیر من در مورد مکاشفه (صفحه ۱-۲).

"تنش اول (مقولات نژادی، ملی و جغرافیایی عهد عتیق در برابر همه مومنان در سراسر جهان)

پیامبران عهد عتیق احیاء یک پادشاهی یهودی در فلسطین با محوریت اورشلیم را پیش بینی می کنند، جایی که همه ملل زمین برای ستایش و خدمت

به یک حاکم داوودی جمع می‌شوند، اما عیسی و رسولان عهد جدید هرگز در این برنامه تمرکز ندارند. آیا عهد عتیق الهام بخش نیست (مراجعه کنید به متی ۱۹: ۱۷-۱۸)؟ آیا نویسندگان عهد جدید از وقایع مهم آخرالزمان صرف نظر کرده‌اند؟

چندین منبع اطلاعاتی در مورد پایان جهان وجود دارد:

۱. پیامبران عهد عتیق (اشعیا، میکا ملاکی)
۲. نویسندگان آخرالزمانی عهد عتیق (مراجعه کنید به حزقیال ۳۷-۳۹؛ دانیال ۷-۱۲؛ زکریا)
۳. نویسندگان آخرالزمانی یهودی غیر متعارف، غیر متعارف (مانند اول انوش، که در یهود به آن اشاره شده است)
۴. خود عیسی (متی ۲۴، مرقس ۱۳؛ لوقا ۲۱)
۵. نوشته‌های پولس (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۱۵، دوم قرنتیان ۵، اول تسالونیکیان ۴-۵؛ دوم تسالونیکیان ۲)
۶. نوشته‌های یوحنا (اول یوحنا و مکاشفه).

آیا همه اینها به وضوح دستورالعمل آخرالزمان (رویدادها، زمان شناسی، افراد) را آموزش می‌دهند؟ اگر نه، چرا؟ آیا همه آنها الهام بخش نیستند (به جز نوشته‌های بینابینی یهودی)؟

روح حقایق را برای نویسندگان عهد عتیق از نظر و مقولاتی که آنها می‌توانند درک کنند، نشان داد. با این حال، از طریق وحی تدریجی، روح این مفاهیم استعاری عهد عتیق را در دامنه جهانی گسترش داده است ("رمز و راز مسیح"، افسسیان ۲: ۱۱-۳: ۱۳. به موضوع خاص در غلاطیان ۱۰: ۷ مراجعه کنید). در اینجا چند مثال مرتبط وجود دارند:

۱. شهر اورشلیم در عهد عتیق به عنوان استعاره قوم خدا (صهیون) مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما به عنوان اصطلاحی که بیانگر پذیرش خداوند از همه انسانهای توبه شده و مومن است (اورشلیم جدید مکاشفه ۲۱-۲۲)، در عهد جدید بیان می‌گردد. بسط الهیاتی یک شهر فیزیکی به قوم جدید خدا (یهودیان معتقد و غیر یهودیان) در قول خدا مبنی بر کفره دادن بشر گمراه در پیدایش ۳: ۱۵ پیش بینی شده است، پیش از آنکه حتی یهودیان یا پایتخت یهودی وجود داشته باشند. حتی فراخوان ابراهیم (مراجعه کنید به پیدایش ۱۲: ۱-۳) غیر یهودیان را شامل کرد (پیدایش ۱۲: ۳؛ خروج ۱۹: ۵).

۲. در عهد عتیق دشمنان قوم خدا ملل خاور نزدیک باستان هستند، اما در عهد جدید آنها به همه افراد بی ایمان، ضد خدا، با الهام از شیطان بسط یافته‌اند. این نبرد از یک درگیری جغرافیایی و منطقه‌ای به یک درگیری جهانی و کیهانی در سراسر جهان منتقل شده است.

۳. وعده سرزمینی که در عهد عتیق کاملاً یکپارچه است (وعده‌های پدرسالارانه پیدایش، مراجعه شود به پیدایش ۱۲: ۷؛ ۱۳: ۱۵؛ ۱۵: ۷، ۱۵: ۱۷) اکنون به کل کره زمین کشیده شده است. اورشلیم جدید به سرزمینی از نو ساخته شده تبدیل شده است، و نه فقط خاور نزدیک (پیدایش ۲۱-۲۲).

۴. برخی از نمونه‌های دیگر مفاهیم نبوتی عهد عتیق که در حال گسترش هستند عبارتند از:

- a. بذر ابراهیم اکنون به طور روحانی ختنه شده است (مراجعه کنید به رومیان ۲: ۲۸-۲۹)
- b. اکنون مردم پیمان شامل غیر یهودیان هم می‌شود (مراجعه کنید به هوشع ۱: ۱۰، ۲: ۲۳؛ نقل قول شده در رومیان ۹: ۲۴-۲۶؛ همچنین لایوان ۲۶: ۱۲؛ خروج ۲۹: ۴۵؛ نقل قول شده در دوم قرنتیان ۶: ۱۸ و خروج ۱۹: ۵؛ تثنیه ۱۴: ۲، نقل قول شده در تیتوس ۲: ۱۴)
- c. مسیح اینک معبد است (متی ۲۶: ۶۱؛ ۴۰: ۲۷؛ یوحنا ۲: ۱۹-۲۱) و از طریق او کلیسای محلی (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۳: ۳) یا فرد مومن (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۶: ۱۹)
- d. حتی اسرائیل و اصطلاحات توصیفی عهد عتیقی مشخصه آن اکنون به کل قوم خدا اشاره دارند (یعنی، "اسرائیل"، مراجعه کنید به رومیان ۹: ۶؛ غلاطیان ۶: ۱۶، یعنی "پادشاهی کشیشان"، اول پطرس ۲: ۵، ۹-۱۰؛ مکاشفه ۱: ۶).

الگوی نبوتی برآورده شده، گسترش یافته و اکنون فراگیرتر است. عیسی و رسولان نویسنده آخرالزمان را به همان روش انبیای عهد عتیق ارائه نمی‌دهند (مراجعه کنید به *The Future of The Kingdom in Prophecy and Fulfillment*, Martin Wyngaarden). مفسران مدرن که سعی می‌کنند مدل عهد عتیقی را به صورت تحت اللفظی یا هنجاری سازند، مکاشفه را به یک کتاب بسیار یهودی تبدیل کرده و تلاش می‌کنند مقاصد خود را در عبارات مبهم عیسی و پولس توجیه کنند. نویسندگان عهد جدید پیامبران عهد عتیق را نفی نمی‌کنند، بلکه پیامدهای دلالت‌های نهایی و جهانی خود را نشان می‌دهند. هیچ سیستم منظم و منطقی‌ای برای تفسیر مسیح یا پولس وجود ندارد. هدف آنها در درجه اول نجات است.

با این حال، حتی در داخل عهد جدید نیز تنش وجود دارد. هیچ سیستم سازی روشنی از وقایع عینی وجود ندارد. مکاشفه از بسیاری جهات به طرز حیرت انگیزی از توهمات عهد عتیق در توصیف پایان به جای آموزه‌های مسیح استفاده می‌کند (مراجعه کنید به متی ۲۴، مرقس ۱۳)؛ این ژانر ادبیاتی است که توسط حزقیال، دانیال و زکریا آغاز شده است، اما در دوره بینابینی (ادبیات آخرالزمانی یهودی) توسعه یافته است. این ممکن است روش یوحنا در پیوند عهد قدیم و جدید باشد. این نشانگر الگوی قدیمی قیام بشر و تعهد خداوند برای رستگاری است! اما لازم به ذکر است که اگرچه مکاشفه از زبان عهد عتیق، اشخاص و رویدادها استفاده می‌کند، اما آنها را در نور روم قرن اول تفسیر می‌کند (مراجعه کنید به مکاشفه ۱: ۷). "

سوالات بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. "دریافت روح" به چه معنی است؟
۲. چرا پولس از ابراهیم به عنوان محور بحث خود استفاده کرد؟
۳. اصطلاح "نفرین" چگونه برای ما، یهود زدگان و همه مردم اعمال می‌شود؟
۴. آیا پولس در آیه ۱۷ خطایی در وقایع ثبت کرده است؟ چرا و چرا نه؟
۵. چهار دلیل ارائه دهید که چرا شریعت نسبت به وعده‌های ذکر شده در آیه ۱۹ پایین‌تر است.
۶. دو دلیل از اهداف خدا در مورد شریعت در آیات ۲۳-۲۴ را ذکر کنید.
۷. پیامدهای آیه ۲۸ در کلیسای امروز را توضیح دهید.

غلاطیان ۴

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
بردگان و پسران	پسران و وراث	بردگی تحت شریعت؛ آزادی برای فرزندان خدا	هدف شریعت	پسران خدا
(۳: ۲۱ الی ۴: ۷)	(۳: ۲۶ الی ۴: ۷)	۴: ۱ الی ۷	(۳: ۲۱ الی ۴: ۷) ۴: ۱ الی ۵ ۴: ۶ الی ۷	۴: ۱ الی ۷
توجه پولس نسبت به غلاطیان	نگرانی برای کلیسا	۴: ۸ الی ۱۱	توجه پولس به غلاطیان	۴: ۸ الی ۱۱
۴: ۸ الی ۱۱	۴: ۸ الی ۲۰	۴: ۸ الی ۱۱	درخواست از غلاطیان در مورد رابطه آنها با پولس	یک درخواست شخصی
۴: ۱۲ الی ۲۰		۴: ۱۲ الی ۲۰	۴: ۱۲ الی ۱۶ ۴: ۱۷ الی ۲۰	۴: ۱۲ الی ۲۰
تمثیل هاجر و سارا	دو پیمان	اثبات نهایی	مثال سارا و هاجر	دو پیمان: هاجر/سارا
۴: ۲۱ الی ۵: ۱	۴: ۲۱ الی ۳۱	۴: ۲۱ الی ۵: ۱	۴: ۲۱ الی ۲۷ ۴: ۲۸ الی ۳۱	۴: ۲۱ الی ۳۱

* تقسیم‌بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگرافها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکر می‌باشد. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگرافها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخ جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: انتقادات متنی و واژه‌نامه.

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور خود راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم و غیره
۴. و غیره

بینش متنی

A. این فصل به سه بخش مجزا تقسیم می‌شود:

۱. غلاطیان ۴: ۱-۱۱ (یا ۱-۷) به بحث پیرامون غیر یهودیان را به عنوان وارث کامل خدا با ایمان ادامه می‌دهد (مانند ابراهیم) و نه برده در مفهوم کلی مردمی ناپخته. آیات ۱-۱۱ بسیار شبیه به تاکید رومیان ۸: ۱-۱۷ است.

۲. غلاطیان ۴: ۱۲-۲۰ (یا ۸-۲۰) شامل جذابیت پولس برای تجربیات شخصی آنها است (مراجعه کنید به غلاطیان ۳: ۱-۵).

۳. غلاطیان ۴: ۲۱-۳۱ شامل تمثیل عهد عتیق است که بر اساس دو پسر اول ابراهیم بنا شده است.

B. پولس از دو استعاره فرهنگی برای تاکید بر هدف شریعت عهد عتیق و ارتباط آن با مومنان عهد جدید استفاده کرد:

۱. قوانین رومی در مورد کودکان و سرپرست آنها.

۲. نوع شناسی روحانیون در رابطه با زندگی ابراهیم.

C. این فصل همچنین روابط نزدیک عیسی پسر و روح القدس را نشان می دهد (مراجعه کنید به غلاطیان ۴: ۶):

۱. عیسی از پدر درخواست می کند و او روح را می فرستد

a. عیسی روح را در یوحنا ۱۶: ۱۴ می فرستد. ۱۵: ۲۶؛ ۱۶: ۷

b. پدر روح را در یوحنا ۲۶: ۱۴ می فرستد

c. هم از پدر و هم پسر در لوقا ۴۹: ۲۴

d. عیسی از وحدت خود با پدر سخن گفت، بنابراین روح از وحدت او با هر دوی آنها سخن می گوید

۲. "مورد دیگری از همین نوع." بهترین نام برای روح "عیسی دیگر" است:

a. هر دو "از پدر" فرستاده شده اند

(۱) پسر - غلاطیان ۴: ۴

(۲) روح - غلاطیان ۴: ۶

b. هر دو "حقیقت" نامیده می شوند

(۱) پسر - یوحنا ۱۴: ۶

(۲) روح - یوحنا ۱۴: ۱۷؛ ۱۵: ۲۶؛ ۱۶: ۱۳

c. هر دو "میانجی" نامیده می شوند

(۱) پسر - اول یوحنا ۲: ۱

(۲) روح - یوحنا ۱۴: ۱۶، ۲۶؛ ۱۵: ۲۶؛ ۱۶: ۷

d. روح با نام عیسی (NASB)

(۱) اعمال رسولان ۱۶: ۷ - "روح عیسی"

(۲) رومیان ۸: ۹ - "روح خدا روح مسیح"

(۳) دوم قرنتیان ۳: ۱۷ - "ارباب، روح است..... روح ارباب"

(۴) دوم قرنتیان ۳: ۱۸ - "ارباب، روح"

(۵) غلاطیان ۴: ۶ - "روح پسرش"

(۶) فیلمون ۱: ۱۹ - "روح عیسی مسیح"

(۷) اول پطرس ۱: ۱۱ - "روح مسیح"

e. هر دو در مومن ساکن میشوند

(۱) پسر - متی ۲۸: ۲۰؛ یوحنا ۱۴: ۲۰، ۲۳؛ ۱۵: ۱۵؛ ۱۷: ۲۳؛ رومیان ۸: ۱۰؛ دوم قرنتیان ۱۳: ۵؛ غلاطیان ۲: ۲۰؛ افسسیان ۳:

۱۷؛ کولسیان ۱: ۲۷

(۲) روح - یوحنا ۱۴: ۱۶-۱۷؛ رومیان ۸: ۱۱؛ اول پطرس ۱: ۱۱

(۳) پدر - یوحنا ۱۴: ۲۳؛ ۱۷: ۲۳؛ دوم قرنتیان ۶: ۱۶

f. هر دو به عنوان "مقدس" توصیف شده اند

(۱) روح - لوقا ۱: ۳۵

(۲) پسر - لوقا ۱: ۳۵؛ ۱۴: ۲۶

D. تعاریف تمثیل و نوع شناسی (غلاطیان ۴: ۲۱-۳۱)

۱. تمثیل در هر متن دارای معنایی پنهان و عمیق تر است. تمثیل معنایی را به متن وارد می کند که هیچ ارتباطی با معنای مورد نظر نویسنده اصلی یا روزگار او یا حتی رانش کتاب مقدس به طور کلی ندارد.

۲. تایپولوژی سعی دارد تا بر وحدت کتاب مقدس، مبتنی بر یک نویسنده الهی و یک برنامه الهی باشد. شباهتهایی بین حقایق پیش از شکل گرفته عهد عتیق و عهد قدیم وجود دارند. این شباهتها (به عنوان مثال، هوشع ۱۱: ۱) به طور طبیعی از خواندن کل کتاب مقدس برمی خیزند (مراجعه کنید به رومیان ۱۵: ۴؛ اول قرنتیان ۱۰: ۶، ۱۱؛ اول پطرس ۱: ۱۲).

NASB: غلاطیان ۴: ۱ الی ۷

۱ باری سخن من این است: تا زمانی که وارث صغیر است، با غلام فرقی ندارد، هر چند مالک همه چیز باشد. ۲ و تا زمانی که پدرش تعیین کرده است زیر دست قیّمان و وکلاست. ۳ در مورد ما نیز به همین گونه است: تا زمانی که ما صغیر بودیم، در غلامی اصول ابتدایی دنیا به سر می بردیم. ۴ اما چون زمان مقرر به کمال فرا رسید، خدا پسر خود را فرستاد که از زنی زاده شد و زیر شریعت به دنیا آمد، ۵ تا آن را که زیر شریعت بودند باز خرید کند، و بدین گونه ما مقام پسر خواندگی را به دست آوریم. ۶ پس چون پسرانید، خدا روح پسر خود را در دل‌های ما فرستاده است که ندا در می‌دهد «آبا! پدر!» ۷ بدین سان، دیگر غلام نیستی، بلکه پسری؛ و چون پسری، خدا تو را وارث نیز گردانیده است.

۱:۴

NASB, NKJV "اکنون می گویم"

NRSV "حرف من این است"

TEV "اما برای ادامه"

NJB "بگذار این راه دیگری را بگذارم"

پولس از این تکنیک استاندارد ادبی برای معرفی و بسط موضوع قبلی استفاده کرد (مراجعه کنید به غلاطیان ۳: ۱۷؛ ۵: ۱۶).

■ "وارث" حقیقت بزرگ که مومنان وارث خدا از طریق مسیح هستند، کانون غلاطیان ۳: ۷، ۱۶، ۲۴-۲۶، ۲۹ است (مراجعه کنید به رومیان ۸: ۱۷). همین تاکید در غلاطیان ۴: ۱، ۵، ۶، ۷، ۲۸-۳۱ ادامه دارد. فرزندان واقعی ابراهیم قومی نیستند، بلکه مومن هستند (مراجعه کنید به رومیان ۲: ۲۸-۲۹؛ فیلمون ۳: ۳؛ کولسیان ۲: ۱۱).

■ "صغیر است" این اصطلاح یونانی برای نوزاد بود که در مفاهیم زیر استفاده شده است

۱. نوزادان معنوی

۲. خردسالان قانونی

در فرهنگ های مدیترانه باستان، آیین گذر از دوران کودکی به مردانگی در سنین مختلف رخ داده و یک رویداد مهم فرهنگی / مذهبی بود

۱. در فرهنگ یهود، ۱۳ سالگی بود

۲. در فرهنگ یونان ۱۸ سال داشت

۳. در فرهنگ رومی معمولاً در سن ۱۴ سالگی بود

۴: ۲ "زیر دست قیّمان و وکلاست" غلاطیان ۳: ۲۲-۲۵ می گوید ما "تحت شریعت" بودیم، اینگونه توصیف می‌شود: (۱) یک زندانبان که ما را در حراست نگه داشته است (مراجعه کنید به غلاطیان ۳: ۲۲-۲۳) یا (۲) متولی نوجوان (مراجعه کنید به غلاطیان ۳: ۲۴-۲۵). اما، در فصل ۴، استعاره به "سرپرست" و "متولی" تغییر می‌کند. در قانون روم، پسران از بدو تولد تا ۱۴ سالگی تحت مسئولیت و سرپرستی قانونی کسی بودند (مراجعه کنید به غلاطیان ۳: ۲۳-۲۵). از ۱۴ تا ۲۵ سالگی، دارایی آنها توسط معتمدان اداره می‌شد (مراجعه کنید به غلاطیان ۴: ۲). پولس با استفاده از این اصطلاحات دقیق به این رسم رومی اشاره داشت.

■ "تا زمانی که پدرش تعیین کرده است" این عبارت شواهد بیشتری را نشان می‌دهد که پدران در روم در تعیین زمان تلقی شدن پسرش از پسر به مرد اختیارات خاصی داشت. این یک ویژگی منحصر به فرد از قوانین روم است. این بدان معناست که خداوند پدر زمانی را انتخاب می‌کند که پسرش بلوغ ما را به ارمغان می‌آورد (مراجعه کنید به غلاطیان ۴: ۴).

۴: ۳ "تا زمانی که ما صغیر بودیم" ضمیر "ما" میتواند به اینها اشاره داشته باشد:

۱. یهودیانی که تحت سرپرستی شریعت موسی بودند.

۲. یهودیان و غیر یهودیانی که بخشی از عصر قدیمی قبل از خبر خوش بودند

۳. بت پرستی غیریهودیان با تمامی مراسم و آداب آن

در متن ممکن است به "وارث" مرتبط باشد (غلاطیان ۴: ۱)، بنابراین گزینه ۲ انتخاب میشود.

"تحت عناصر اساسی جهان در اسارت نگه داشته شده بودند"	NASB
"در غلامی اصول ابتدایی دنیا به سر می بردیم"	NKJV
"ما در ارواح ابتدایی جهان به بردگی گرفته شدیم"	NRSV
"بردگان ارواح حاکم جهان بودند"	TEV
"ما به اندازه بردگان با اصول اساسی این جهان خوب بودیم"	NJB

این یک وجه وصفی مجهول کامل جمع با الفاظ اضافی است. این ساخت و ساز بر وضعیت ثابت ما به عنوان کودک تاکید دارد. "اصول ابتدایی" *stoicheia* در ابتدا به معنای "ایستادن در کنار هم در یک ردیف" بود. این معنای گسترده ای در دنیای یونانی و رومی از زمان پولس داشت:

- الفبای آموزش کودک یا آموزه های ابتدایی هر موضوعی (رجوع کنید عبرانیان ۵: ۱۲؛ ۶: ۱)
 - مؤلفه های اساسی جهان جسمی - هوا، آب، آتش، زمین (مراجعه کنید به دوم پطرس ۳: ۱۰، ۱۲)، که اغلب توسط یونانیان پرستیده می شدند
 - اجسام بهشتی (مراجعه کنید به اول انوش ۵۲: ۸ الی ۹)؛ و اینگونه است که پدران اولیه کلیسا کاربرد آن را در کولسیان ۲: ۸، ۲۰ تعبیر کردند
- معنای غیرمستقیم نزدیک با شماره ۳، این بود که در پشت بدنهای آسمانی قدرتهای معنوی وجود داشت، استفاده مشترکی که می توانست بر تفسیر غلاطیان ۴: ۸-۱۰ تاثیر بگذارد. (مراجعه کنید به فرشتگان در کولسیان ۲: ۱۸ الی ۲۰ و غلاطیان ۳: ۱۹). با این حال، Hendrik Berkhof در کتاب خود *Christ and the Powers* اظهار داشت که این قدرتها ساختارهای غیر شخصی هستند (مانند سیاست، دموکراسی، طبقه اجتماعی، معیار عمومی، ورزش، آموزش، پزشکی و...) در دنیای طبیعی و گمراه ما که تمایل دارند بشر را از خدا جدا کنید (مراجعه کنید به صفحه ۳۲). این تعبیر متناسب با مثالهای کتاب مقدس است. پولس به عنوان متولی بالغ بین شریعت (مراجعه کنید به غلاطیان ۳: ۲۲-۴: ۷) و *stoicheia* به عنوان استاد برده همسویی ایجاد می کرد (مراجعه کنید به غلاطیان ۴: ۳، به یادداشت ها در غلاطیان ۴: ۸ مراجعه کنید).

موضوع خاص: استفاده پولس از کاسموس (جهان)

(SPECIAL TOPIC: PAUL'S USE OF KOSMOS (WORLD))

پولس از کلمه کاسموس یا جهان به شیوه های مختلفی استفاده کرده است

- تمام نظم خلق شده (رجوع شود به رومیان ۱: ۲۰، افسسیان ۱: ۴، اول قرنتیان ۳: ۲۲، ۸: ۴ و ۵)
- این سیاره (رجوع شود به دوم قرنتیان ۱: ۱۲، افسسیان ۱: ۱۰، کولسیان ۱: ۲۰، اول تیموتائوس ۱: ۱۵، ۳: ۱۶، ۶: ۷)
- انسانها (رجوع شود به رومیان ۳: ۶ و ۱۹، ۱۱: ۱۵، اول قرنتیان ۱: ۲۷ و ۲۸، ۴: ۹ و ۱۳، دوم قرنتیان ۵: ۱۹، کولسیان ۱: ۶)
- انسانهایی که بدور از خدا سازماندهی شده و عمل می کنند (رجوع شود به اول قرنتیان ۱: ۲۰ و ۲۱، ۲: ۱۲، ۳: ۱۹، ۱۱: ۳۲، غلاطیان ۴: ۳، افسسیان ۲: ۲ و ۱۲، فیلیپیان ۲: ۱۵، کولسیان ۲: ۸ و ۲۰ الی ۲۳). بسیار شبیه کاربرد یوحنا است (یعنی اول یوحنا ۲: ۱۵ الی ۱۷)
- ساختار فعلی جهان (رجوع شود به اول قرنتیان ۷: ۲۹ الی ۳۱، غلاطیان ۶: ۱۴، مشابه فیلیپیان ۳: ۴ الی ۹، جایی که پولس ساختارهای یهودی را توضیح می دهد)

از برخی لحاظ، اینها یکدیگر را همپوشانی می کنند و سخت می توان هر یک از کاربردها را طبقه بندی کرد. این کلمه، همانند بسیاری دیگر در تفکر پولس باید در مفهوم متن تعریف شوند نه بر اساس یک تعریف از قبل تعیین شده. واژگان پولس سیال هستند (رجوع شود به *A Man in Christ* نوشته جیمز استوارت). او سعی در برقراری ادبیات مذهبی ندارد بلکه صرفاً می خواهد مسیح را معرفی نماید.

۴: ۴ "اما چون زمان مقرر به کمال فرا رسید" این بدان معناست که خداوند کنترل تاریخ را در دست دارد و مسیح در زمانبندی تعیین شده توسط خدا آمد (مراجعه کنید به مرقس ۱: ۱۵؛ افسسیان ۱: ۱۰؛ اول تیموتائوس ۲: ۶؛ تیتوس ۱: ۳). بسیاری از مفسران عبارات در ارتباط با اینها می بینند:

- صلح رومی
- بزرگراه ها و حمل و نقل رومی
- یک زبان مشترک در کل منطقه
- جستجوی مذهبی و اخلاقی دنیای مدیترانه برای خدای واقعی و یاران با او

این جمله مربوط به غلاطیان ۴: ۲ است، "تا زمان تعیین شده توسط پدر". دوره جدید در زمان خدا توسط واقعه مسیح افتتاح شد، میثاق جدید فرا رسیده بود، دوران عهد عتیق (به عنوان وسیله رستگاری) توسط مسیح سپری شد.

■ "پسر خود را فرستاد" "فرستاد" اصطلاح یونانی *apostellō* است که از آن "رسول" استخراج می شود. همین عبارت در غلاطیان ۴: ۶ تکرار می شود، جایی که خدا پدر روح القدس را اعزام می کند. توجه کنید که سه نفر از تثلیث در غلاطیان ۴: ۴-۶ ذکر شده اند. اگرچه اصطلاح "تثلیث" در کتاب مقدس

ظاهر نمی‌شود، اما مفهوم آن بارها و بارها انجام می‌شود. موضوع خاص زیر را مشاهده کنید.

این واقعیت که خداوند فرزند خود را فرستاده است، حاکی از پیش بودن پسر در بهشت و از این طریق خدایی بودن پسر است (مراجعه کنید به یوحنا ۱: ۳-۱، ۱۴، ۱۸؛ اول قرنتیان ۸: ۶؛ فیلمون ۲: ۶؛ کولسیان ۱: ۱۵-۱۷؛ عبرانیان ۱: ۲). در اینجا تضاد با "یکتاپرستی" اسرائیل است (مراجعه کنید به تثنیه ۴: ۳۵، ۳۹؛ ۶: ۴؛ ۳۳: ۲۶؛ اشعیا ۴۳: ۱۰-۱۱؛ ۴۵: ۲۱-۲۲؛ ۴۶: ۹؛ ارمیا ۱۰: ۶-۷).

موضوع خاص: تثلیث

(SPECIAL TOPIC: THE TRINITY)

به فعالیت هر سه نفر در یک قالب متحدالشکل توجه کنید. کلمه "تثلیث" که نخستین بار توسط ترتولین‌ها به کار برده شد، یک کلمه انجیلی نیست، ولی مفهوم آن فراگیر است.

A. اناجیل

۱. انجیل متی ۳: ۱۶ و ۱۷، ۲۸: ۱۹ (و بقیه بطور موازی)

۲. انجیل یوحنا ۲: ۱۴

B. اعمال رسولان - اعمال رسولان ۲: ۳۲ و ۳۳، ۳۸ و ۳۹

C. پولس

۱. رومیان ۱: ۴ و ۵، ۵: ۵ و ۸: ۱، ۴، ۸: ۱۰

۲. اول قرنتیان ۲: ۸، ۱۰، ۱۲: ۴ الی ۶

۳. دوم قرنتیان ۱: ۲۱ و ۱۴، ۱۳

۴. غلاطیان ۴: ۴ الی ۶

۵. افسسیان ۱: ۳ الی ۱۴ و ۱۷، ۱۸، ۲: ۱۴ الی ۱۷، ۴: ۴ الی ۶

۶. اول تسالوکیان ۱: ۲ الی ۵

۷. دوم تسالوکیان ۱: ۱۳

۸. تیتوس ۳: ۴ الی ۶

D. پیتر - اول پطرس ۱: ۲

E. یهودا - ۲۰ الی ۲۱

چندگانگی خدا در عهد عتیق دیده می‌شود

A. کاربرد به صورت جمع برای خدا

۱. نام الوهیم (*Elohim*) جمع است (به موضوع خاص: اسامی الهی مراجعه کنید)، ولی وقتی در مورد خدا به کار می‌رود همیشه فعل به صورت مفرد است

۲. "به ما" در سفر پیدایش: ۱: ۲۶ و ۲۷، ۳: ۲۲، ۱۱: ۱۷

B. "فرشته خدا" (به موضوع خاص: فرشته خدا مراجعه کنید) نماینده مرئی الهیات است

۱. سفر پیدایش ۱۶: ۷ الی ۱۳، ۱۱: ۲۲ الی ۱۵، ۳۱: ۱۱ و ۱۳، ۴۸: ۱۵ و ۱۶

۲. خروج ۳: ۲ و ۴، ۱۳: ۲۱، ۱۴: ۱۹

۳. داوران ۱: ۲، ۲: ۲۲ و ۳: ۲۳ الی ۲۲

C. خدا و روح القدس جدا هستند، سفر پیدایش ۱: ۱ و ۲، مزامیر ۳۰: ۱۰۴، اشعیا ۹: ۶۳ الی ۱۱، حزقیال ۱۳: ۳۷ و ۱۴

D. خدا (بیهوه) و مسیح (*Adon*) جدا هستند، مزامیر ۴۵: ۷ و ۱، ۱۱۰: ۱، زکریا ۸: ۲ الی ۱۱، ۹: ۱۰ الی ۱۲

E. مسیح و روح القدس جدا هستند. زکریا ۱۰: ۱۲

F. هر سه در اشعیا ۴۸: ۱۶ و ۶۱: ۱ نام برده شده‌اند.

الهی بودن مسیح شخصیت روح القدس باعث مشکلاتی برای یکتاپرستان سختگیر و مومنین اولیه شد (به موضوع خاص: یکتاپرستان مراجعه شود)

۱. ترتولین - پسر را زیر دست پدر می‌دانستند

۲. اورینگن - ذات الهی پسر و روح القدس را پائینتر می‌دانستند

۳. آریوس - الهی بودن پسر و روح القدس را انکار می‌کردند

۴. یکتاپرستان - از لحاظ ترتیب زمانی مطرح شدن، به یک خدا در قالب پدر، پسر و روح القدس اعتقاد داشتند.

تثلیث از لحاظ تاریخی یک فرمول بسط یافته است که توسط مطالب انجیلی مطرح شده است

۱. به طور کامل الهی بودن عیسی، برابر بودن با خدا در ۳۲۵ پس از میلاد توسط شورای نیکیا تصریح شد (رجوع شود به یوحنا ۱: ۱، فیلیپیان ۲: ۶، تیتوس ۱: ۳)

۲. برابر بودن شخصیت و الهیت کامل روح القدس با پدر و پسر در سال ۳۸۱ پس از میلاد توسط شورای قسطنطنیه تصریح شد

۳. دکترین تثلیث به طور کامل در اثر آگوستین بنام *De Trinitate* بیان شده است

این واقعا یک راز است. ولی عهد عتیق یک ذات الهی را (یکتاپرستی) با سه شخصیت (پدر، پسر، روح القدس) تصریح می کند.

■ "از زنی زاده شد" پولس تاکید کرد که انسانیت کامل عیسی مسیح احتمالا به دلیل گرایش به عرفانهای آموزنده (افسیان، کولسیان، نامه های مقدس و اول یوحنا) برای تصدیق خدایی بودن عیسی مسیح و انکار بشریت او است. با این حال، شواهد اندکی وجود دارند که نشان می دهند این بدعت بر تاثیر نوشتن غلاطیان تاثیر گذاشته باشد (مراجعه کنید به غلاطیان ۴: ۳).

این عبارت "از زنی زاده شد" مطمئنا یادآور یهود زدگان پیدایش ۳: ۱۵ و اشعیا ۷: ۱۴ خواهد بود. نویسنده کتاب عبرانیان این موضوع را به عنوان یک نکته اساسی در الهیات خود قرار داده است (مراجعه کنید به عبرانیان ۲: ۱۴، ۱۷). یک عبارت بسیار مشابه که بر انسان واقعی بودن عیسی، اما به عنوان فردی بدون ماهیت گناه، تاکید دارد، در رومیان ۸: ۳؛ فیلمون ۲: ۷ یافت می شود. اینکه عیسی کاملا خدایی بود (یوحنا ۱: ۱-۱۴) و کاملا انسان یک حقیقت مهم انجیل کلیسای قرن اول است (اول یوحنا ۴: ۱-۳).

جای تعجب است که تولد عیسی از یک باکره در خارج از متی و لوقا، در جای دیگری مورد تاکید و حتی مورد اشاره قرار نمی گیرد. احتمالا خیلی راحت مورد سوء تفاهم قرار گرفته و توسط کفار به کارهای اسطوره ای خدایان کوه المپ پیوند خورده است.

■ "زیر شریعت به دنیا آمد"، این نشان می دهد که عیسی طبق شریعت یهود تحت قوانین یهود متولد شده است (مراجعه کنید به رومیان ۱: ۳). هیچ حرف تعریفی با اصطلاح قانون وجود ندارد، اما متن نشان می دهد که باید به شریعت موسی اشاره باشد، این همان *stoicheia* بود که عیسی در معرض آن قرار گرفت. عیسی نیز تابع قانون روم بود. این عبارت همچنین می تواند مربوط به "نفرین شریعت" بر بشریت باشد، که او داوطلبانه در آن سهیم بود (مراجعه کنید به غلاطیان ۳: ۱۰-۱۳).

۴: ۵ "تا آنان را که زیر شریعت بودند باز خرید کند" "رستگاری" (وجه شرطی آنوریست فعال) در غلاطیان ۳: ۱۳ استفاده شده است (آنوریست فعال اخباری) که می تواند در مورد باز خرید خدا یا (۱) تمام بشریت از بردگی گناه یا (۲) یهودیان از شریعت موسی و غیر یهودیان از *stoicheia*، از طریق زندگی، مرگ و رستخیز مسیح صحبت کند. این نشانگر ناتوانی بشر است (مراجعه کنید به رومیان ۱: ۱۸-۳: ۳۱؛ افسسیان ۲: ۱-۳) و مهربانی خداوند بخشنده (مراجعه شود به مرقس ۱۰: ۴۵؛ افسسیان ۲: ۴-۶). در این متن دشوار است که بدانیم پولس از شریعت موسی، ۳: ۱۹ یا قانون به معنای کلی شایستگی انسان سخن می گوید (مراجعه کنید به غلاطیان ۳: ۲۱). موضوع ویژه: باز خرید را در غلاطیان ۳: ۱۳ مطالعه کنید.

NASB, NKJV "و بدین گونه ما مقام پسر خواندگی را به دست آوریم"

NRSV "که ممکن است ما به عنوان فرزند پروری پذیرفته شویم"

TEV "تا ما فرزندان خدا شویم"

NJB "ما را قادر می سازد که به عنوان پسر پذیرفته شویم"

پولس بحث خود را درباره امتیازاتی که مومنان به عنوان وارث کامل ابراهیم از طریق ایمان به مسیح دریافت می کنند ادامه داد. پولس از استعاره خانوادگی برای نجات ما استفاده کرد در حالی که یوحنا و پطرس از استعاره خانوادگی "دوباره متولد شده" استفاده کردند. استعاره پذیرش در اصل در دو زمینه در فرهنگ رومی مورد استفاده قرار گرفت. در حقوق روم، فرزندخواندگی بسیار دشوار بود. یک رویه قانونی طولانی، درگیر و گران قیمت، پس از تأیید، حقوق و امتیازات ویژه ای نسبت به فرد تعلق می گرفت.

۱. تمام بدهی ها لغو می شد

۲. تمام اتهامات کیفری باطل می شدند

۳. آنها نمی توانستند توسط پدر جدید خود به طور قانونی کشته شوند

۴. آنها نمی توانند از پدر جدیدشان ارث محروم شوند

از نظر حقوقی، آنها فردی کاملاً جدید بودند. پولس با استفاده از این روال قانونی رومی به امنیت مومنان در طریق مسیح اشاره داشت (مراجعه کنید به رومیان ۸: ۱۵، ۲۳). وقتی پدر به طور علنی پسری به دنیا آورد، رسماً و وارث او می‌شد. همچنین از این استعاره در مراسم رسمی پسر شدن مرد، که در هفدهم مارس هر سال برگزار می‌شود، استفاده شده است.

۴: ۶ "پس چون پسرانید، خدا روح پسر خود را در دل‌های ما فرستاده است" پولس مشابه رومیان ۸: ۱۴-۱۷، بار دیگر عمل خیرخواهانه خدا را در فرستادن پسرش و روحش (نگهبانان جدید) تکرار کرد. معنای دقیق عبارت یونانی مشخص نیست. آیا روح گواه است یا نتیجه فرزند پروری؟ "از طریق پسرش، پسر او می‌شویم" شعار غلاطیان ۲: ۱۵-۴: ۳۱ است. جالب است که توجه داشته باشید که به روح در فصل ۳ به صورت مکرر در زمان اشاره به مسیحی شدن مسیحیان، اشاره می‌شود. او اکنون "روح پسرش" خوانده می‌شود. این دو اثر روح را نشان می‌دهد: (۱) توجه مسیح را جلب کردن و (۲) شکل دادن مسیح در خود (مراجعه کنید به یوحنا ۱۶: ۷-۱۵) توسط سه کار روح (مراجعه کنید به یوحنا ۱۴-۱۶). سومین موجود، "مومنان را به نام مسیح تعمیم می‌دهد" (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۱۲: ۱۳). بشارت پسر و روح همیشه از نزدیک تشخیص داده می‌شود (مراجعه کنید به مقدمه این فصل، C).

■ "دلها" موضوع خاص زیر را مطالعه کنید

موضوع خاص: قلب/دل (عهد جدید)

(SPECIAL TOPIC: THE HEART (NT))

اصطلاح یونانی *kardia* که در نسخه Septuagint و عهد جدید استفاده شده است منعکس کننده اصطلاح یونانی *lēb* (BDB 523, KB) است. به شیوه‌های مختلفی این اصطلاح استفاده شده است (مراجعه شود به *A Greek-English Lexicon* اثر Bauer, Arndt, Gingrich and Danker چاپ دوم، صفحات ۴۰۴ الی ۴۰۴).

۱. مرکز زندگی فیزیکی، استعاره‌ای برای یک فرد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۴: ۱۷، دوم قرنتیان ۳: ۲ الی ۳، یعقوب ۵: ۵)
۲. مرکز زندگی معنوی (یعنی اخلاقی)
 - a. خدا دل را می‌شناسد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۶: ۱۵، رومیان ۸: ۲۷، اول قرنتیان ۱۴: ۲۵، اول تسالونیکیان ۲: ۴، مکاشفه ۲: ۲۳)
 - b. در مورد زندگی معنوی نوع بشر استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۵: ۱۸ الی ۱۹، ۱۸: ۳۵، رومیان ۶: ۱۷، اول تیموتائوس ۱: ۵، دوم تیموتائوس ۲: ۲۲، اول پطرس ۱: ۲۲)
 ۳. مرکز زندگی فکری (یعنی فکر، مراجعه شود به انجیل متی ۱۳: ۱۵، ۲۴: ۴۸، اعمال رسولان ۷: ۲۳، ۱۶: ۱۴، ۲۸: ۲۷، رومیان ۱: ۲۱، ۱۰: ۶، ۱۶: ۱۸، دوم قرنتیان ۴: ۶، افسسیان ۱: ۱۸، ۴: ۱۸، یعقوب ۱: ۲۶، دوم پطرس ۱: ۱۹، مکاشفه ۱۸: ۷، در دوم قرنتیان ۳: ۱۴ الی ۱۵ و فیلیپیان ۴: ۷ قلب مترادف با ذهن است)
 ۴. مرکز اراده (مراجعه شود به اعمال رسولان ۵: ۴، ۱۱: ۲۳، اول قرنتیان ۴: ۵، ۷: ۳۷، دوم قرنتیان ۹: ۷)
 ۵. مرکز احساسات (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۲۸، اعمال رسولان ۲: ۲۶ و ۳۷، ۷: ۵۴، ۲۱: ۱۳، رومیان ۱: ۲۴، دوم قرنتیان ۲: ۴، ۷: ۳، افسسیان ۶: ۲۲، فیلیپیان ۱: ۷)
 ۶. مکان منحصر به فرد فعالیت‌های معنوی (مراجعه شود به رومیان ۵: ۵، دوم قرنتیان ۱: ۲۲، غلاطیان ۴: ۶، [مسیح در قلب ما است، افسسیان ۳: ۱۷])
 ۷. قلب استعاره‌ای است برای اشاره یک فرد کامل (مراجعه شود به انجیل متی ۲۲: ۳۷، نقل از تثنیه ۶: ۵). افکار، انگیزه‌ها و اعمال منتسب به قلب کاملاً نوع فرد را مشخص می‌سازند. عهد عتیق برخی استفاده خاص از این اصطلاح دارد.
 - a. پیدایش، ۶: ۶، ۸: ۲۱، "خدا تا قلبش ناراحت شد"، همچنین به یوشع ۱۱: ۸ الی ۹ مراجعه کنید
 - b. تثنیه ۴: ۲۹، ۶: ۵، ۱۰: ۱۲، "با تمام قلب و با تمام روح خود"
 - c. تثنیه ۱۰: ۱۶، ارمیا ۹: ۲۶، "قلب غیر یهودی"
 - d. حزقیال ۱۸: ۳۱ الی ۳۲، "قبل جدید"
 - e. حزقیال ۳۶: ۲۶، "دل جدید" در مقابل "دلی از سنگ"، (حزقیال ۱۱: ۱۹، زکریا ۷: ۱۲)

■ "ندا در می‌دهد «آبا! پدر!»" این عبارت شامل اصطلاحات یونانی و آرامی برای پدر است. اصطلاح آبا کلمه آرامی برای روابط صمیمی خانواده بین کودک و پدر بود (مراجعه کنید به مرقس ۱۴: ۳۶؛ رومیان ۸: ۱۵)، بسیار شبیه به استفاده ما از "بابا". اصطلاحات خانوادگی مانند این، رابطه صمیمی بین عیسی و پدر را برجسته می‌کنند. به دلیل پاسخ ما به پیشنهاد خدا در طریق مسیح، ما همین دسترسی صمیمی به پدر را داریم (مراجعه کنید به رومیان ۸: ۲۶-۲۷).

۴:۷ "بدین سان، دیگر غلام نیستی، بلکه پسری؛ و چون پسری، خدا تو را وارث نیز گردانیده است" این یک جمله شرطی نوع اول است، "از آنجا که شما فرزندان هستید" (NIV, TEV). روح برده داری و اسارت را از بین می برد و فرزند خواندگی ما را ایجاد می کند (مراجعه کنید به رومیان ۸: ۱۲-۱۷). این میراث ما را تضمین می کند (مراجعه کنید به اول پطرس ۱: ۴-۵).

موضوع خاص: وراثت ایمانداران (از اول پطرس ۱) (SPECIAL TOPIC: BELIEVERS INHERITANCE)

در عهد عتیق هر قبیله به غیر از لایوان زمینی را به ارث بردند (مراجعه شود به یوشع ۱۴ الی ۲۲). به لایوان به عنوان کشیشان، خادمان معبد و آموزگاران محلی با دید اینکه یهوه را دارند و وارث او هستند، دیده می شد (مراجعه شود به مزامیر ۱۶: ۵، ۷۳: ۲۳ الی ۲۶، ۱۱۹: ۵۷، ۱۴۲: ۵، مراثی ۳: ۲۴). نگارندگان عهد جدید اغلب حقوق و امتیازات لایوان را از آنان سلب کرده و آنها را به تمامی مومنین اطلاق می کردند. این شیوه آنان در تصریح این بود که پیروان عیسی مردمان راستین خدا بودند و اینکه، هم اکنون تمامی مومنین برای خدمت به عنوان کشیشان خدا به خدمت فرا خوانده شده اند (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۵ الی ۹، مکاشفه ۱: ۶)، همانطور که عهد عتیق در مورد تمامی اسرائیل این امر را تصریح می کند (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۹: ۴ الی ۶). تاکید عهد جدید برای کشیش بودن هر فرد با امتیازات و مزایای خاص نیست، بلکه بر این حقیقت است که تمامی مومنین کشیشانی هستند که باید به صورت گروهی و جمعی خدمت کنند (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۲: ۷). به مردم عهد جدید خدا وظیفه بشارت دادن جهانی داده شده است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳: ۱۲، کتاب خروج ۱۹: ۵، انجیل متی ۲۸: ۱۸ الی ۲۰، انجیل لوقا ۲۴: ۴۶ الی ۴۷، اعمال رسولان ۱: ۸، موضوع خاص: برنامه رستگاری جهانی یهوه را مطالعه کنید).

این است مفهوم کار عیسی به عنوان مالک خلقت زیرا او نماینده پدر در خلقت بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۳ و ۱۰، اول قرنتیان ۸: ۶، کولسیان ۱: ۱۶، عبرانیان ۱: ۲ الی ۳). ما شرکای این میراث هستیم زیرا او وارث است (مراجعه شود به رومیان ۸: ۱۷، غلاطیان ۴: ۷، کولسیان ۳: ۲۴). کتاب مقدس درباره مومنین که چیزهای بسیاری را به واسطه رابطه خانوادگی با عیسی که وارث همه چیز است (مراجعه شود به عبرانیان ۱: ۲) به ارث (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۰: ۳۲، ۲۶: ۱۸، افسسیان ۱: ۴، کولسیان ۱: ۱۲، ۳: ۲۴) می برند، صحبت می کند. بنابراین در به ارث بردن اینها شریک هستند (مراجعه شود به رومیان ۸: ۱۷، غلاطیان ۴: ۷):

۱. پادشاهی (مراجعه شود به انجیل متی ۲۵: ۳۴، اول قرنتیان ۶: ۹ الی ۱۰، ۱۵: ۵۰، افسسیان ۵: ۵)
۲. زندگی جاویدان (مراجعه شود به انجیل متی ۱۹: ۲۹، عبرانیان ۹: ۱۵)
۳. وعده های خدا (مراجعه شود به عبرانیان ۶: ۱۲)
۴. تعهد خدا بر وعده های (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۴ الی ۵)

■ "خدا" در KJV "از طریق مسیح" نوشته شده است. در نسخ خطی قدیمی یونانی "از طریق خدا" نوشته شده است. این بر خداوند به عنوان مبدا و آغازگر فیض تاکید دارد (مراجعه کنید به یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵ و غلاطیان ۴: ۹). چندین نسخه دارای تنوع هستند، اما نسخ P⁴⁶، A، B و C* "از طریق خدا" نوشته اند. از بسیاری از انواع مختلف، به نظر می رسد این یکی غیر عادی ترین و احتمالاً منشا دیگران باشد. UBS⁴ به آن رتبه "A" (یقین) می دهد.

NASB: غلاطیان ۴: ۸ الی ۱۱

^۸پیش از این، زمانی که خدا را نمی شناختید، چیزهایی را بندگی می کردید که در حقیقت خدا نیستند. ^۹اما اکنون که خدا را می شناسید، یا بهتر بگوییم، خدا شما را می شناسد، چگونه است که دیگر بار به سوی آن اصول سست و بی ارزش باز می گردید؟ آیا می خواهید آنها را از سر نو بندگی کنید؟ ^{۱۰}روزها و ماهها و فصلها و سالها را نگاه می دارید! ^{۱۱}می ترسم زحماتی که برایتان کشیدم به هدر رفته باشد.

۴:۸ "پیش از این، زمانی که خدا را نمی شناختید" این یک وجه وصفی کامل فعال است که بر یک حالت با ثبات تاکید می کند. اگرچه برخی از مفسران مدرن سعی کرده اند این موضوع را با پیش زمینه یهودی شناسایی کنند، اما با مفهوم مردمی که مشرک بودند دور از خدا بودند، بسیار بهتر است. درست است که همه انسانها این توانایی را دارند که خدا را از خلقت بشناسند (مراجعه کنید به مزامیر ۱۹: ۱ الی ۵ و رومیان ۱: ۱۹-۲۰) و همچنین شاهد اخلاقی درونی باشند (مراجعه کنید به رومیان ۲: ۱۴-۱۵). این دانش "وحی طبیعی" نامیده می شود، اما کتاب مقدس ادعا می کند که همه ما، یهودی و غیر یهودی، این دانش را رد کرده ایم (مراجعه کنید به رومیان ۳: ۲۳).

"شناختن" هم به معنای عبری از روابط بین فردی، صمیمی، خانوادگی و حس یونانی اش از محتوای شناختی استفاده می شود اما تمرکز اینجا بر حس یونانی همانند غلاطیان ۴: ۹ و در مفهوم عبری است.

■ "چیزهایی را بندگی می‌کردید که در حقیقت خدا نیستند" عبادت بت بیهوده است. با این حال، پولس ادعا کرد که پشت این غرور عبادت بتها فعالیت شیطانی است (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۱۰: ۱؛ ۲۰: ۲؛ مکاشفه ۹: ۲۰). دلالت برده داری بشر به شیاطین به صورت فعل در اول قرنتیان ۲: ۱۲ نیز ذکر شده است.

ممکن است پولس به یکی از چندین مورد ممکن اشاره کرده است:

۱. *stoicheia* غلاطیان ۴: ۳ و ۹

۲. بت‌های کفار

۳. شیاطین پشت بتها

۴. شریعت یهود، که در قانون گرای و آیین‌گرایی خود بیهوه را جایگزین کرده بود

۹: ۴ "اما اکنون که خدا را می‌شناسید، یا بهتر بگوییم، خدا شما را می‌شناسد" عنصر زمانی در آیه ۸ با غلاطیان ۴: ۹ در تضاد است. در غلاطیان ۴: ۹ پولس همانند غلاطیان ۳: ۱-۵، ۱۹، ۲۱ و ۴: ۱۵ از سوال قدرتمند دیگری استفاده کرد. "شناختن" (*ginōskō*) در غلاطیان ۴: ۹ یک کلمه یونانی متفاوت و شاید مناسب‌تر از اصطلاح به کار رفته در آیه ۸ (*oida*) است، گرچه این تمایز در یونانی کویین کار سختی است. این اصطلاح از نظر کلامی، معنای عبری شناختن را به عنوان یک رابطه بین فردی به همراه دارد (مراجعه کنید به پیدایش ۴: ۱؛ ارمیا ۱: ۵). رابطه جدید آنها مبتنی بر حقایق در مورد خدا نبوده است، اما خدا پیمان جدید از طریق مسیح را با کسانی که تنها شده‌اند منعقد کرده است (مراجعه کنید به افسسیان ۲: ۱۱-۳: ۱۳).

NASB "چگونه است که شما دوباره به چیزهای ابتدایی ضعیف و بی ارزش برگردید"

NKJV "چگونه است که دیگر بار به سوی آن اصول سست و بی ارزش باز می‌گردید"

NRSV "چگونه می‌توانید دوباره به روحیه عناصر ضعیف و گدایی برگردید"

TEV "چگونه است که می‌خواهید به آن روحیه‌های حاکم ضعیف و ترحم آور برگردید"

NJB "چگونه می‌توانید بخواهید به موارد ابتدایی مانند این‌ها برگردید، که هیچ کاری نمی‌توانند انجام دهند و هیچ کاری به دست

نیاورند"

این حال فعال اخباری و یک اصطلاح یونانی است که منعکس کننده مفهوم عهد عتیقی (*shuv*، BDB 996) توبه (بازگشت به عقب) است. این آیه مانند کلمه غلاطیان ۴: ۳ شامل کلمه *stoicheia* است. آنها برای برده داری یهودیت به عنوان وسیله ای برای نجات، برده داری بت پرستی را تجارت می‌کردند. هر دو یهودیت و بت پرستی منوط به رواج *stoicheia* بودند (به یادداشتهای غلاطیان ۴: ۸ مراجعه کنید)! این ساختارهای گمراهی جهان کلا برای رستگاری ناکافی هستند. *stoicheia*ها به عنوان "ضعیف و بی ارزش" توصیف شده‌اند که همسو با کولسیان ۲: ۱۵، ۲۰ است.

۴: ۱۰ "روزها و ماهها و فصلها و سالها را نگاه می‌دارید" (در نسخه انگلیسی "شما شاهد روزها و ماه‌ها و سالها هستید" نوشته شده و این تفسیر بر اساس متن انگلیسی است-مترجم) این یک حال اخباری میانی است که نشان دهنده اقدام مداوم، در این مورد، یک مشاهده مذهبی شخصی و فریبنده است - یک اشاره به تقویم مذهبی یهود (مراجعه کنید به کولسیان ۲: ۱۶). این غلاطیان در حال تبادل یک تقویم مذهبی (بت پرست) برای دیگری (یهودی) بودند. درک پولس از انجیل به او امکان داد حقیقت را در موقعیتهای مختلف به کار گیرد. اوضاع کلیسای غلطیه، پولس را ملزم به مخالفت با قانونگرایی کرد و عدالت را به کار گرفت. اما، در رومیان ۱۴، پولس مومنان قوی را ترغیب کرد که در مورد مومنین ضعیف که به روزهای خاصی احترام می‌گذارند، دآوری نکنند (مراجعه کنید به رومیان ۱۴: ۵-۶). در غلاطیان این مسئله درک صحیح از انجیل است، در رومیان این موضوع مربوط به یاران مسیحی است (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۸ و ۱۰).

۱۱: ۴

NASB "می‌ترسم که شاید بیهوده بر روی شما کار کرده باشم"

NKJV "می‌ترسم مبادا بیهوده برای تو کار کرده باشم"

NRSV "می‌ترسم زحماتی که برایتان کشیدم به هدر رفته باشد"

TEV "نگران شما هستیم! آیا ممکن است که تمام کارهای من برای شما به هیچ باشد"

NJB "باعث میشوید که احساس کنیم وقت خود را با شما تلف کرده‌ام"

چندین نسخه مدرن این آیه را با استناد به کار پولس در میان کلیسای غلطیه ترجمه می‌کنند (مراجعه کنید به JB و Revised English Bible). با این حال، این آیه می‌تواند مربوط به نگرانی پولس برای خود مومنان غلطیه باشد (مراجعه کنید به TEV). دو امکان وجود دارد.

۱. پولس در مورد رستگاری آنها تردید نداشت بلکه نسبت به مفید بودن آنها در گسترش، زندگی و لذت بردن از انجیل کاملاً رایگان تردید داشت

۲. پولس می‌ترسید که آنها نعمت عملکرد انسان را نفی کنند (مراجعه کنید به غلاطیان ۳: ۴؛ ۵: ۲-۴)

۱۲ ای برادران، از شما تمنا دارم که همچون من بشوید، زیرا من نیز همانند شما شده‌ام. در حَقْم هیچ بدی نکردید. ۱۳ چنانکه می‌دانید، نخستین بار، بیماری جسمی‌ام سبب شد که بشارت انجیل را به شما برسانم. ۱۴ اما هر چند وضع جسمی من برای شما آزمایشی بود، لیکن به من به دیده تحقیر یا با کراهت نگاه نکردید. بلکه مرا همچون فرشته‌ای از جانب خدا و یا خود مسیح عیسی پذیرا شدید. ۱۵ پس کجاست آن شور و شعف شما؟ زیرا می‌توانم شهادت دهم که اگر می‌توانستید، حتی چشمان خود را بیرون آورده به من می‌دادید. ۱۶ آیا اکنون چون حقیقت را به شما می‌گویم دشمنان شده‌ام؟

۱۷ آن اشخاص برای شما غیرت دارند، اما نه با قصد نیکو. آنان می‌خواهند شما را از ما جدا کنند تا برای خودشان غیرت داشته باشید. ۱۸ غیرت داشتن نیکوست، به شرطی که با قصد نیکو باشد و همیشگی، نه فقط زمانی که من با شما هستم. ۱۹ فرزندان عزیزم، که برایتان باز درد زایمان دارم تا مسیح در شما شکل بگیرد، ۲۰ کاش هم‌اکنون نزدتان بودم تا لحن خود را تغییر می‌دادم، زیرا از شما در شگفتم.

۴: ۱۲ " از شما تمنا دارم که همچون من بشوید، زیرا من نیز همانند شما شده‌ام " این فعل یک حال میانی امری (دپوننت) است. این آیه گوناگون تفسیر شده است.

۱. ترجمه ویلیامز می‌خواند: "نظر من را بگیرید"، پولس از آنها خواست که نظر او راجع به توجیه از طریق ایمان بپذیرند، زیرا او زمانی گرایش فعلی توجیهی خود را با آثار (یهودیت) پذیرفته بود.
۲. برخی می‌گویند که "زیرا من نیز مانند شما شده‌ام" یک توجیه برای اول قرنیتیان ۹: ۱۹-۲۳ است، جایی که پولس ادعا کرد که او به همه چیز برای همه مردم تبدیل شده است تا بتواند برخی را برنده کند. وقتی با یهودیان بود، مانند یهودیان زندگی می‌کرد. هنگامی که با غیر یهودیان بود، مانند غیر یهودیان زندگی می‌کرد. با این حال در حقیقت او قانون را به عنوان راهی برای نجات رها کرده بود. او در روش انعطاف پذیر بود، اما در پیام نبود.

"برادران" دلالت بر این است که پولس به موضوع جدید می‌خواهد بپردازد. همچنین، "برادران" نامیدن آنها، ضربات انتقادات سخت وی را کاهش داد (مراجعه کنید به غلاطیان ۴: ۱۹؛ ۱: ۱۱؛ ۳: ۱۵).

■ " در حَقْم هیچ بدی نکردید " برخی فکر می‌کنند این عبارت مطلب منفی را بیان می‌کند که حاکی از "در گذشته شما به من آسیب نمی‌رساندید، اما اکنون می‌رسانید" است. اما دیگران آن را به عنوان یک بیان مثبت از قدردانی وی از پذیرش اصلی کلیساهای غلاطیه از او و پیامش می‌خوانند. این عبارت باید با غلاطیان ۴: ۱۳-۱۵ خوانده شود.

۴: ۱۳ " نخستین بار، بیماری جسمی‌ام سبب شد که بشارت انجیل را به شما برسانم " ذکر "بار اول" دلالت بر بار دوم قبل از نوشتن نامه دارد. با این حال، این عبارت ممکن است اصطلاحاً در مفهوم "رسم" باشد، همانطور که در اول تیموتائوس ۱: ۱۳ است. پولس به کلیساهای غلاطیه رفت تا:

۱. برای مدت زمانی جهت بهبودی از بیماری
 ۲. به دلیل بیماری مجبور شد مدتی متوقف شود و بماند
- به دلیل (۱) غلاطیان ۴: ۱۴-۱۵؛ (۲) پشت سر هم با ۶: ۱۱؛ و (۳) دوم قرنیتیان ۱۲: ۱ الی ۱۰، من شخصا معتقدم پولس به "خار در بدن"، یک بیماری جسمی اشاره دارد. به نظر می‌رسد با ترکیبی از این آیات، این نوع از مشکلات بینایی بود که احتمالاً با تجربه او در جاده دمشق آغاز شد (اعمال رسولان ۹) و بیماریهای قرن اول بدتر شده است. نایبناهی جزئی پولس ممکن است به علت اختلال *ophthalmia*، ایجاد شده باشد. برای "بیماری" (یعنی "ضعف بدن") به موضوع خاص در غلاطیان ۱: ۱۶ مراجعه کنید.

۴: ۱۴

" اما هر چند وضع جسمی من برای شما آزمایشی بود، لیکن به من به دیده تحقیر یا با کراهت نگاه نکردید "	NASB
" و محاکمه من که در گوشت من بود شما را تحقیر و رد نکردید "	NKJV
" اگرچه شرایط من شما را امتحان کرد ، اما شما را مورد تحقیر یا تحقیر من قرار ندادید "	NRSV
" اما شما مرا تحقیر یا رد نکردید ، حتی اگر وضعیت جسمی من یک آزمایش عالی برای شما بود "	TEV
" شما هرگز کمترین علامت عصیان یا انزجار از بیماری من را نشان ندادید که چنین محاکمه ای برای شما بود "	NJB

بسیاری از یهودیان و غیر یهودیان، بیماری پولس را به عنوان داوری از جانب خدا می‌دیدند. این واقعیت که پولس به خواست خدا و بیمار بود، ما را وادار می‌کند تا دوباره بین پیوند بین گناه و بیماری تجدید نظر کنیم (مراجعه کنید به یوحنا ۹؛ ایوب و مزامیر ۷۳).

این دو فعل از تصاویر قوی استفاده می‌کنند. اولین معنی "برای هیچ چیز، خوب به حساب آوردن" است. دومی به معنای "تف کردن" است. استفاده از فعل دوم به همین دلیل است که برخی بیماری پولس را با خرافات در شرق نزدیک باستان درباره "چشم بد" مربوط می‌کنند (مراجعه کنید به غلاطیان ۳: ۱). راه حل جادویی این بود که "تف کنید" و از این طریق خود را از طلسم محافظت کنید، احتمالاً به (۱) چشمان غیر عادی یا (۲) نگاه وحشی (صرع) اشاره می‌کند.

■ "مرا همچون فرشته‌ای از جانب خدا و یا خود مسیح عیسی پذیرا شدید" یک بیان قوی، پولس بر این دلالت می‌کند که آنها واقعا پیام خدا را از طریق او دریافت کرده اند، و همراه با آن، احترام بسیار برای بنده ای که آن را آورده است، قائل شده‌اند. NJB این عبارت را "رسول خدا" ترجمه می‌کند. کلمه "فرشته" در عبری و یونانی نیز به معنای "پیام رسان" است.

۱۵:۴

NASB "پس آن حس نعمت شما کجاست"
 NKJV "پس چه نعمتی بود که شما از آن بهره مند شدید"
 NRSV "آنچه از حسن نیت شما احساس شده است"
 TEV "شما خیلی خوشحال بودید! چه اتفاقی افتاده است"
 NJB "از این اشتیاق شما به چه چیزی بدست آمده است"

در این سوال بلاغی، پولس می‌خواهد بداند که احساسات اصلی و مثبتی که غلاطیان برای وی داشته‌اند کجا رفته است. در ترجمه فیلیپیان آمده است: "چه اتفاقی برای آن روح خوب شما افتاده است؟"

■ "که اگر می‌توانستید، حتی چشمان خود را بیرون آورده به من می‌دادید" این جمله شرطی نوع دوم را باید اینگونه فهمید که "اگر چشمان خود را که از حدقه در می‌آوردید، که نیاوردید، و آنها را به من می‌دادید که ندادید." این خواندن این تئوری را تایید می‌کند که خار پولس در بدن (مراجعه کنید به دوم قرنتیان ۱۲) بیماری چشم بود.

۱۶:۴ "آیا اکنون چون حقیقت را به شما می‌گویم دشمنان شده‌ام" پولس تغییر شدید قلب نسبت به او را با تغییر قلب به سمت انجیل در تضاد قرار می‌دهد.

۱۷:۴ و ۱۸ دو مشکل در تفسیر غلاطیان ۴: ۱۷ و ۱۸ به وجود می‌آید: (۱) معنی عبارت "مشتاقانه جستجو کنید" و (۲) ابهام موضوع در غلاطیان ۴: ۱۸. آیا به (۱) پولس یا (۲) کلیساهای غلطیه اشاره دارد؟ با این نوع ابهام، تفسیر جزم گرایانه نامناسب است، اما بر معنی کلی گذر تاثیر نمی‌گذارد. یهود زندگان می‌خواستند که غلاطیان به طور انحصاری از آنها پیروی کنند و به روشی که قبلاً با پولس داشتند از آنها قدردانی کنند.

۱۷:۴

NASB "آنها مشتاقانه شما را جستجو می‌کنند"
 NKJV "آنها از روی غیرت به شما اظهار عشق می‌کنند"
 NRSV "آنها بیشتر شما را می‌سازند"
 TEV "این افراد نگرانی عمیقی را برای شما نشان می‌دهند"
 NJB "سرزنش به روشی است که آنها سعی کرده اند شما را برنده کنند"

به معنای واقعی کلمه، گفته است: "آنها نسبت به شما غیرت دارند". این باید مرجع معلمان دروغین باشد، مخصوصاً در متن با عبارت بعدی "اما صمیمانه نیست". "Zealous"، از ریشه "سوختن"، در یونانی کوبین دو مفهوم داشت: (۱) محبت دوستداران جوان و (۲) حسادت نسبت به دیگری. این عواطف شدید، فعالیت معلمان دروغگو را نسبت به کلیساهای غلاطیان مشخص می‌کرد، اما فعالیت آنها ناشی از انگیزه خودخواهانه بود.

NASB "اما آنها آرزو می‌کنند شما را خاموش کنند تا شما آنها را جستجو کنید"
 NKJV "آنان می‌خواهند شما را از ما جدا کنند تا برای خودشان غیرت داشته باشید"
 NRSV "آنها می‌خواهند شما را مستثنی کنند، تا شما بتوانید بسیاری از آنها را بسازید"
 TEV "تنها آنچه آنها می‌خواهند این است که شما را از من جدا کنند، تا شما همان نگرانی را که برای آنها دارید یا از شما وجود دارد."
 NJB "با جدا کردن شما از من، آنها می‌خواهند شما را بر خودشان جلب کنند"

معلمان دروغین نسبت به محبت که کلیساهای غلطیه به پولس نشان دادند که حسادت می‌کردند (مراجعه کنید به غلاطیان ۴: ۱۳ - ۱۵). آنها

می‌خواستند پولس را بیگانه کنند تا جای او را بگیرند! این ممکن است آیه ۱۸ را توضیح دهد.

۴: ۱۸ پولس از اینکه کسانی که با او بسیار مهربان و دلبسته بودند، اینک چنان متخاصم شده‌اند، شوکه شد (مراجعه کنید به غلاطیان ۴: ۱۶). در متن آیات ۱۳ الی ۲۰، این تعبیر به بهترین وجه متناسب است.

۴: ۱۹ "فرزندان عزیزم، که برایتان باز درد زایمان دارم" (در نسخه انگلیسی "که دوباره با شما کار می‌کنم" نوشته شده است و این تفسیر بر اساس نسخه انگلیسی است- مترجم) پولس غالباً از استعاره‌های خانوادگی به دلیل ارتباط گرم و دلسوزانه خود استفاده می‌کرد. او خود را در اول قرن‌تین ۴: ۱۵ و اول تسالونیکیان ۲: ۱۱ پدر نامید و در اینجا، یک مادر (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۲: ۷). پولس ممکن است این نکته را مطرح کند که او پدر و مادر معنوی واقعی غلاطیان بوده است، نه یهود زدگان.

■ "تا مسیح در شما شکل بگیرد" "شکل بگیرد" [ریشه یونانی *morphē*] به معنای پزشکی برای رشد جنین استفاده شد. *morphē* می‌تواند به شخصیت پایدار چیزی اشاره کند. این متن به بلوغ آنها در مسیح اشاره دارد (مراجعه کنید به افسسیان ۴: ۱۳) یا به عبارت دیگر، مسیحی بودن آنها (مراجعه کنید به رومیان ۸: ۲۸-۲۹؛ دوم قرن‌تین ۳: ۱۸؛ ۷: ۱؛ غلاطیان ۴: ۱۹؛ افسسیان ۱: ۴؛ ۴: ۱۳؛ اول تسالونیکیان ۳: ۱۳؛ ۴: ۳، ۷؛ ۵: ۲۳؛ اول پطرس ۱: ۱۵). این لزوماً به معنای دو تجربه متفاوت از زندگی مسیحیان یعنی نجات و بلوغ نیست و با این وجود همه ما می‌دانیم که بلوغ یک تجربه رشد است. پولس نشان داد که انگیزه‌های او در تدریس و موعظه در کلیساهای غلاطیه کاملاً متفاوت با آموزگاران دروغین خودخواه است.

۴: ۲۰ "کاش هم اکنون نزدتان بودم تا لحن خود را تغییر می‌دادم" پولس آرزو می‌کرد که آنها بتوانند مراقبت پدری را که نسبت به آنها احساس می‌کرد درک کنند. قلب او برایشان آتشین بود، هرچند که صفحه کاغذ نامه سرد و خشن به نظر می‌رسید.

NASB, NRSV	"زیرا از شما در شگفتم"
NKJV	"زیرا من در مورد شما شک دارم"
TEV	"من خیلی نگران‌تان هستم"
NJB	"من هیچ ایده ای ندارم که برای بهترین‌ها چکار کنم"

کلمه یونانی "راه" با *alpha privative* ممکن است حداقل به دو طریق ترجمه شود.

۱. کتاب مقدس زنده می‌گوید "من صراحتاً نمی‌دانم چه کنم"

۲. ترجمه فیلیپس می‌خواند: "من صادقانه نمی‌دانم چگونه با شما برخورد کنم"

این ترجمه‌های مختلف اصطلاحات، ابراز ناامیدی پولس در برخورد او با این کلیساهای غلاطیه است.

NASB: غلاطیان ۴: ۲۱ الی ۵: ۱

۲۱ شما که می‌خواهید زیر شریعت باشید، مرا بگوئید، آیا از آنچه شریعت می‌گوید آگاه نیستید؟^{۲۲} زیرا نوشته شده که ابراهیم دو پسر داشت، یکی از کنیز و دیگری از زنی آزاد.^{۲۳} پسر کنیز به شیوه معمول بشری تولد یافت؛ اما تولد پسر زن آزاد، حاصل وعده بود.

۲۴ این را می‌توان تمثیل وار تلقی کرد: این دو زن، به دو عهد اشاره دارند. یکی از کوه سیناست، که فرزندان برای بندگی می‌زاید؛ او هاجر است.

۲۵ هاجر کوه سیناست، در عربستان، و بر شهر اورشلیم کنونی انطباق دارد، زیرا با فرزندان در بندگی به سر می‌برد.^{۲۶} اما اورشلیم بالا آزاد است، که مادر همه ماست.^{۲۷} چرا که نوشته شده است:

«ای نازا که نزاده‌ای،

شادمانه بسرا!

ای که درد زانکشیده‌ای،

بانگ شادی سرده و فریاد بلند برآور!

زیرا فرزندان زن بی‌کس

از فرزندان زن شوهردار زیادتر خواهند بود.»

۲۸ اما شما ای برادران، همچون اسحاق فرزندان وعده‌اید.^{۲۹} در آن زمان، پسری که به شیوه معمول بشری زاده شد، او را که به مدد روح به دنیا آمد آزار می‌داد. امروز نیز چنین است.^{۳۰} اما کتاب چه می‌گوید؟ «کنیز و بسرش را بیرون کن، زیرا پسر کنیز هرگز با پسر زن آزاد میراث نخواهد

برد.»^{۳۱} پس ای برادران، ما فرزندان کنیز نیستیم، بلکه از زن آزادیم.

^۱ مسیح ما را آزاد کرد تا آزاد باشیم. پس استوار بایستید و خود را بار دیگر گرفتار یوغ بندگی مسازید.

۴: ۲۱ " شما که می خواهید زیر شریعت باشید، مرا بگویید، آیا از آنچه شریعت می گوید آگاه نیستید " پولس از نوشته های موسی برای مقابله با خطاهای موسی استفاده کرد. این آیه فکر آیه ۷ را از سر می گیرد. آیات ۸-۲۰ جذابیت عاطفی دیگری توسط پولس است. مفاهیم "پسر بودن" و "وارث" در غلاطیان ۴: ۷ و "بذر" در غلاطیان ۳: ۱۵-۱۸ اجداد این نوع شناسی هستند.

۴: ۲۲ " ابراهیم دو پسر داشت " ابراهیم بیش از دو پسر داشت، اما آنهایی که در اینجا از آنها صحبت می شود متضاد است: پسر اول او، اسماعیل، که در پیدایش ۱۶ به ثبت رسیده است، و فرزند دوم او، اسحاق، در پیدایش ۲۱ ثبت شده است. به روش طبیعی توسط یک دختر برده و یک نفر به واسطه قول خدا توسط یک زن آزاد، یعنی همسرش به روشهای فوق طبیعی متولد شد. تاکید در تمام این زمینه، مانند غلاطیان ۴: ۲۳ بوده است. وعده خدا در مقابل تلاش انسان.

۴: ۲۳ الی ۲۴ یهودیان تا زمان آیه ۲۳ با تاپولوژی پولس موافق بودند، جایی که وی گفت که به واسطه تلاش بشر، یهودیان واقعا نوادگان اسماعیل بودند، در حالی که کلیسا به دلیل "وعده" فرزندان واقعی سارا بود.

۴: ۲۴ " تمثیل وار " این همانگونه که توسط فیلو، کلمنت یا اوریگن استفاده می شود، "تمثیل" نیست، بلکه نوع شناسی است. پولس وضعیت فعلی را شبیه به دو فرزند ابراهیم دانست. یکی به رسم اجتماعی، دیگری با قول الهی. یکی مربوط به کارهای عدالت (اسماعیل)، دیگری با فضل آزاد (اسحاق)! برای پولس، شریعت نمی تواند رستگار سازد، بلکه به مجازات مرگ برای بشر گناهکار تبدیل شده است (مراجعه کنید به کولسیان ۲: ۱۴). فقط در طریق مسیح رستگاری واقعی یافت می شود. جوهر ایمان عهد عتیق در شریعت موسی یافت نشد، بلکه در ایمان ابراهیمی یافت شد.

موضوع خاص: نوع شناسی

SPECIAL TOPIC: TYPOLOGY

استفاده فیلو و کلیسای اولیه از تمثیل و استفاده پولس از همان تکنیک تفاوت چشمگیری داشت. اولی از موقعیت تاریخی کاملاً چشم پوشی می کرد، و آموزه هایی را کاملاً به دور از هدف نویسندگان اصلی (یعنی همسو با مثلثی که در اندیشه افلاطون یافت می شوند) توسعه می داد. رویکرد پولس بیشتر به عنوان "نوع شناسی" توصیف می شود. پولس موقعیت تاریخی پیدایش و وحدت پیمان قدیم و جدید را به عهده گرفت، بنابراین وی توانست شباهت هایی میان آنها ایجاد کند زیرا آنها یک نویسنده دارند - خدا. پولس در این زمینه خاص (مراجعه کنید به غلاطیان ۳-۴)، پیمان ابراهیمی و پیمان موسی را مقایسه و از پیمان جدید ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴ و عهد جدید استفاده کرد.

چهار ارتباط در غلاطیان ۴: ۲۱-۳۱ ممکن است ترسیم شوند

۱. دو مادر برای دو خانواده می ایستند. یکی با وعده های طبیعی شکل می گیرد و دیگری با وعده ماوراءالطبیعی
۲. بین این دو مادر و فرزندان نشان تنش وجود داشت زیرا بین پیام یهود زنگان و انجیل پولس تنش وجود دارد
۳. هر دو گروه ادعا می کردند که فرزندان ابراهیم هستند، اما یکی با شریعت موسی پیوند داشت و گروه دیگر در کار تمام شده و رایگان مسیح بود.
۴. دو کوه به این پیمانهای مختلف، متصل بودند. کوه سینا با موسی و کوه صهیون با ابراهیم. کوه صهیون، یا کوهستان موریان، جایی بود که ابراهیم اسحاق را به عنوان قربانی پیشنهاد کرد (پیدایش ۲۲)، که بعداً به اورشلیم تبدیل شد. ابراهیم به دنبال یک شهر آسمانی بود (مراجعه کنید به عبرانیان ۱۱: ۱۰؛ ۱۲: ۱۲؛ ۱۳: ۱۴، اورشلیم جدید، اشعیا ۴۰ الی ۶۶) نه یک اورشلیم زمینی.

پولس ممکن است از این نوع شناسی استفاده کرده باشد

۱. معلمان دروغین از همین رویکرد به نفع خود استفاده کرده اند و ادعا می کنند که بذر واقعی ابراهیم است
۲. معلمان دروغین ممکن است از تمثیلی از نوشته های موسی برای فشار آوردن به الهیات پیمان یهود خود استفاده کنند، بنابراین پولس از پدر ایمان یهود، ابراهیم استفاده می کند.
۳. ممکن است پولس بخاطر پیدایش ۲۱: ۹-۱۰، که در آیه ۳۰ نقل شده است، از آن استفاده کرده باشد و می گوید، "پسر طبیعی" را رها کنید. در قیاس پولس این به یهود زنگان اشاره دارد

۴. ممکن است پولس بخاطر منحصر به فرد بودن آموزگاران دروغین یهودی، به ویژه در مورد تحقیر غیر یهودیان از آن استفاده کرده باشد. در نوع شناسی پولس، غیر یهودیان پذیرفته می شوند و افراد با اعتماد به نفس نژادی از طرف خدا رد می شوند (متی ۸: ۱۱-۱۲)
۵. ممکن است پولس از این نوع شناسی استفاده کرده باشد زیرا وی در غلاطیان ۳ و ۴ بر "فرزندپروری" و "وراثت" تاکید کرده است. این قلب استدلال او بود: پذیرش ما در خانواده خدا از طریق ایمان فقط از طریق مسیح و نه نزول طبیعی است.

۴: ۲۵ "هاجر کوه سیناست، در عربستان" در اینجا دو شیوه تفسیری وجود دارد: "۱": (۱) "نماینده آن است" یا (۲) بین هاجر و کوه سینا نوعی پیوند شناختی محبوب وجود دارد. نام "هاجر" بسیار شبیه به اصطلاح عبری برای "سنگ" (مترادف برای کوه) است. بیشتر مفسران گزینه شماره ۱ را انتخاب می کنند. هاجر مخفف شریعت موسی است که در کوهستان سینا و از این طریق یهودیت آورده شده است.

عربستان در زمان پولس یک موقعیت جغرافیایی به مراتب گسترده تر از امروز بود.

موضوع خاص: مکان کوه سینا

SPECIAL TOPIC: LOCATION OF MT SINAI

- A. اگر موسی به معنای واقعی کلمه حرف می زد و نه نمادین، سفر سه روزه از فرعون درخواست نمی کرد (مراجعه شود به خروج ۳: ۱۸، ۵: ۳: ۸: ۲۷)، زیرا این زمان کافی نبود تا به محل روایتی حاشیه جنوبی کوه سینا برسند. بنابراین، برخی از محققان محل کوه را در نزدیکی قادش-بارنه تصور می کنند.
- B. محل روایتی به نام "جبل موسی"، در بیابان گناه، چندین مورد به نفع خود دارد:
۱. دشت بزرگی در برابر کوه وجود دارد.
 ۲. تشبیه ۱: ۲ می گوید این یک سفر یازده روزه از کوه سینا به قادش-بارنه بود.
 ۳. اصطلاح "سینا" یک اصطلاح غیر عبری است. ممکن است به بیابان گناه مرتبط شده باشد، که اشاره به بوته کوچک بیابانی دارد. نام عبری برای کوه Horeb (بیابان) است.
 ۴. مکان کوه سینا از زمان قرن چهارم میلادی محل روایتی بوده است. این منطقه در "سرزمین مادها" است که شامل یک منطقه بزرگ از شبه جزیره سینا و عربستان میباشد.
 ۵. به نظر می رسد که باستان شناسی محل برخی از شهرهای ذکر شده در داستان خروج (الیم، دوفکا، رفیدیم) را در سمت غرب شبه جزیره سینا تایید کرده است.
- C. محل روایتی کوه سینا تا زمان زیارت سیلویا، در حدود ۳۸۵ الی ۳۸۸ قبل از میلاد نوشته نشده است (مراجعه شود به F. F. Bruce, *Commentary on Book of Acts*, صفحه ۱۵۱).

■ "بر شهر اورشلیم کنونی انطباق دارد، زیرا با فرزندانش در بندگی به سر می برد" استعاره در اینجا بین سیستم فعلی یهودیت با محوریت در اورشلیم و شهر اکتشافی، اورشلیم جدید قرار دارد. این شهر که با دست ساخته نشده است، تا ابد در آسمان وجود دارد (مراجعه کنید به عبرانیان ۱۱: ۱۰؛ ۱۲: ۲۲؛ ۱۳: ۱۴ و مکاشفه ۲: ۲۱، ۱۰).

توجه کنید که پولس اورشلیم را بالاتر از کلیسا برد. نوشتارهای رسولان عهد جدید تمرکز عهد عتیق (یهودیان در مقابل یونانیان) را به مومنان در مقابل کافران تغییر می دهد. عهد جدید وعده های جغرافیایی عهد عتیق را از فلسطین تا بهشت (اورشلیم زمینی در مقابل اورشلیم آسمانی) بازخوانی می کند. این تغییر اساسی تمرکز است که به کتاب مکاشفه اجازه می دهد تا به (۱) مومنان، نه یهودیان یا (۲) پادشاهی جهانی، و نه یک پادشاهی یهودی اشاره کند.

- ۴: ۲۶ "آزاد" آزادی در اینجا به مومن اطلاق می شود که از تعهد هم یهودیت (یعنی عاری از نفرین، مراجعه کنید به غلاطیان ۳: ۱۳) و بت پرستی (*stoicheia*) رهایی یافته است. آزادی مربوط به فرد مومن بودن نیست که خودش خودش را هدایت کند، بلکه
۱. ما آزاد هستیم که به خدا خدمت کنیم (مراجعه کنید به رومیان ۶)
 ۲. ما رها از استبداد وحشتناک خویشتن گمراه هستیم
- به بیان دیگر، مومنان برای "خدمت کردن" آزاد و از "خویشتن خویش" رها هستند. این یک آزادی دوگانه است! ما با کمال میل به پدر و خانواده به عنوان پسران و دختران او خدمت می کنیم نه مثل برده و خدمتکار!

۴: ۲۷ این نقل قولی از اشعیا ۵۴: ۱ است. در متن اشاره به احیا شهر اورشلیم پس از تبعید از بابل دارد. اورشلیم جدید به طور خاص در فصلهای ۶۵ و ۶۶ ذکر شده است. پولس این تفسیر اسکاتولوژیک را در نوع شناسی خود پیش بینی کرد.

۴: ۲۸ مومنین کلیساهای غلاطیه نوادگان واقعی ابراهیم بر اساس ایمان هستند (مراجعه کنید به رومیان ۲: ۲۸ الی ۲۹).

۴: ۲۹ پولس همه پیروان واقعی عیسی را با فرزندان واقعی اسحاق از طریق وعده خدا پیوند میدهد. اگر چه عهد عتیق به طور خاص آزار و شکنجه را ذکر نمی کند (یعنی، سنت یهود)، اما به رفتارهای شیطنت آمیز هاجر نسبت به سارای بی فرزند اشاره می کند (پیدایش ۱۶: ۴-۵)، بد رفتاری هاجر با سارا (مراجعه کنید به پیدایش ۱۶: ۶). روحانیون یهود پیدایش ۲۱: ۹ را چنین تعبیر کردند که اسماعیل سارا و فرزندش را به سخره می گرفت. متن عبری خود "بازی" یا "خنده" می گوید (KB 1019, BDB 850). احتمالاً پولس به دشمنی های بعدی بین یهودیان و غیر یهودیان اشاره داشت.

جمله آخر غلاطیان ۴: ۲۹، "بنابراین اکنون نیز هست" دلالت بر این دارد که نوادگان فیزیکی (یعنی فرزندان پیمان موسی) ابراهیم هنوز نوادگان معنوی (یعنی فرزندان ایمان) ابراهیم را مورد آزار قرار می دهند. درگیری بین این دو کوه وجود دارد!

۴: ۳۰ "اما کتاب چه می گوید؟ «کنیز و پسرش را بیرون کن» این یک نقل قول از پیدایش ۲۱: ۱۰ است (به نقل از سارا، Peil امری، BDB 176, KB 204). فعل یونانی یک آئوریست امری فعال به معنی "دختر برده را رها کنید" است و در متن غلاطیان به معنای "بیرون انداختن یهودیان است!" به کتاب مقدس شخصیت داده است (مراجعه کنید به یوحنا ۷: ۴۲؛ رومیان ۹: ۱۷؛ غلاطیان ۳: ۸؛ ۴: ۳۶؛ یعقوب ۲: ۲۳؛ ۴: ۵). این ممکن است روشی استعاره ای برای مراجعه به پدر یا صحبت روح باشد، که می تواند روشی برای اشاره به "الهام" باشد (مراجعه کنید به متی ۵: ۱۷-۱۹).

۴: ۳۱ "پس ای برادران، ما فرزندان کنیز نیستیم، بلکه از زن آزادیم" این خلاصه بحث بود. ما که به عیسی مسیح اعتماد داریم، وارث کامل وعده ابراهیمی هستیم و نه فقط کسانی که از نژاد یا اسرائیل طبیعی هستند. همین حقیقت در رومیان ۹-۱۱ بیان شده است.

سوالات بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چرا پولس همچنان بر فرزندی ما در مسیح تأکید دارد؟
۲. تأکید سه گانه آیه ۴ در ارتباط با شخص عیسی چیست؟
۳. تا آنجا که ما خدا را می شناسیم یا اینکه خدا را می شناسیم، چه ارتباطی بین آیات ۸ و ۹ وجود دارد؟
۴. معنای عبارت "مفهوم خام جهان" یا "stoicheia" چیست؟ توضیح دهید.
۵. خار پولس در گوشت که ظاهراً در آیات ۱۴-۱۵ ذکر شده است چیست؟
۶. چرا باید مراقب تعابیر تمثیلی باشیم؟ اگر عیسی و پولس از آن استفاده کردند، چرا ما نمی توانیم؟
۷. با بیان خود توضیح دهید که چگونه آیه ۹ با آیات ۶ و ۷ ارتباط دارد.

غلاطیان ۵

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
		اثبات نهایی		
(۴: ۲۱ الی ۵: ۱)		(۴: ۲۱ الی ۵: ۱)		
رهایی مسیحی	آزادی مسیحی	ماهیت آزادی مسیحی	آزادی خود را حفظ کنید	آزادی مسیحی
	۱: ۵ الی ۶		۱: ۵	۱: ۵
۵: ۲ الی ۶		۵: ۲ الی ۶	۵: ۲ الی ۶	۵: ۲ الی ۶
	عشق شریعت را تحقق می‌بخشد			
۵: ۷ الی ۱۲	۵: ۷ الی ۱۵	۵: ۷ الی ۱۲	۵: ۷ الی ۱۰ ۵: ۱۱ الی ۱۲	۵: ۷ الی ۱۲
				آزادی و عشق
۵: ۱۳ الی ۱۵		۵: ۱۳ الی ۱۵	۵: ۱۳ الی ۱۵	۵: ۱۳ الی ۱۵
ثمره روح و کارهای گوشت	قدم زدن در طریق روح			
۵: ۱۵ الی ۲۱	۵: ۱۶ الی ۲۶	۵: ۱۶ الی ۲۱	۵: ۱۶ الی ۱۸	۵: ۱۶ الی ۲۴
۵: ۲۲ الی ۲۶		۵: ۲۲ الی ۲۶	۵: ۱۹ الی ۲۶	۵: ۲۵ الی ۲۶

* تقسیم‌بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگرافها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکر می‌باشد. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگرافها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخ جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: [انتقادات متنی و واژه‌نامه](#).

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "[سمینار تفسیر کتاب مقدس](#)")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور خود راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم و غیره

۴. و غیره

بینش متنی

A. فصل پنجم جنبه مهم و عملی توجیه پولس را به واسطه فیض از طریق ایمان بیان می‌کند. یهود زندگان نگران بودند که مسیحیان غیر یهودی با تصورات خود از خدایی بودن قوانین موسی مطابقت نداشته باشند، بنابراین، آنها سعی کردند قوانین عهد عتیق را بر آنان تحمیل کنند. با این

حال، پولس به طور یکسان نگران خدایی بودن هم بود، اما وی تایید کرد که این نتیجه یک نتیجه از قوانین خارجی نیست بلکه حاصل یک قلب تغییر یافته است (یعنی راهنمایی داخلی، مراجعه کنید به ارمیا ۳۱: ۳۳؛ حزقیال ۳۶: ۲۶، ۲۷). درست است که بگوییم یهود زنگان همه عناصر نجات واقعی را داشتند، اما آنها را به ترتیب معکوس در اختیار داشتند. آنها احساس کردند که عملکرد بشر منجر به شهادتی قابل قبول برای خدا شده است. با این حال، انجیل مسیح مصلوب شده نشان می‌دهد که این یک رابطه شخصی با مسیح با ایمان است که از طریق قدردانی به زندگی الهی منتهی می‌شود. زندگی جدید در مسیح پایه و اساس ایستادگی درست شخص با خدا نیست، بلکه شاهد آن است. پولس همچنین نگران فرزندان خدا بود که زندگی اخلاقی، قائم و با محوریت داشته باشند. فصل ۵ به این ضرورت اخلاقی می‌پردازد.

B. موضوع آزادی در فصل ۵ در رابطه با دو انحراف متفاوت بیان شده است،

۱. غلاطیان ۵: ۱-۱۲ با انحطاط قانونی (شایستگی انسانی) آزادی روبرو شوید

۲. غلاطیان ۵: ۱۳-۱۵ با انحطاط ضد انحصاری آزادی (مقابله با رومیان ۱۴: ۱-۱۵: ۱۳؛ اول قرنتیان ۸: ۱۰؛ ۲۳: ۱-۳۳) را مقایسه کنید

C. این کتاب را می‌توان پیامی با فضل کاملاً رایگان نامید. پولس به طور منحصر به فردی مشکلات تلاش فردی را درک کرد (یعنی، غلاطیان ۵: ۱-۱۲). انجیل او فراخوانی به آزادی بود، اما نه آزادی که منجر به زیاده از حد مجاز شود (به عنوان مثال، غلاطیان ۵: ۱۳-۱۵) بلکه چیزی است که به خدمت دوست داشتنی منتهی می‌شود. در روزگار ما باید این توازن را ببینیم که مومنان واقعا در طریق مسیح آزاد هستند، اما با رهایی از قانون، اکنون آنها آزاد هستند که به درستی به عشق آزادانه خدا پاسخ دهند (مراجعه کنید به ۶ رومیان). رومیان ۱۴: ۱-۱۵: ۱۳ نمونه خوبی از تعادل کتاب مقدس بین آزادی و مسئولیت است، همانطور که اول قرنتیان ۸-۱۰ بیان میدارد. او (روح) این قدرت را به ما می‌دهد که یک زندگی خدادادی داشته باشیم.

D. غلاطیان ۵: ۱۶-۲۶ منبع فوق طبیعی آزادی مسیحیان که روح القدس است را به ما نشان می‌دهد. همانطور که رستگاری یک عمل آزاد از عشق خدا از طریق مسیح است، زندگی روحانی نیز از طریق روح نیز چنین خواهد بود. همانطور که مومنان باید با توبه و ایمان به رستگاری برسند، باید توبه و ایمان را به رهبری مداوم روح القدس در زندگی روزمره تسلیم کنند. توجیه فقط فرآیند را شروع می‌کند، اما منتهی به نتیجه نمی‌شود!

مطالعه عبارت و کلام

NASB: غلاطیان ۵: ۱

۱ مسیح ما را آزاد کرد تا آزاد باشیم. پس استوار بایستید و خود را بار دیگر گرفتار یوغ بندگی مسازید.

۵: ۱ "تا آزاد باشیم" (در نسخه انگلیسی این آیه "به خاطر آزادی بود که مسیح ما را آزاد کرد" نوشته شده و این تفسیر بر مبنای متن انگلیسی است- مترجم) اولین عبارت غلاطیان ۵: ۱ احتمالاً باید با ۴: ۲۱-۳۱ پیش برود یا پاراگراف جدیدی را شروع کند (NKJV, TEV, NJB). این ممکن است بازی کلامی با "زن آزاد"، ۴: ۳۰، ۳۱؛ "آزادی"، ۵: ۱ و "آزاد"، ۵: ۱ باشد. هدف انجیل این است که مردم را از لعنت شریعت موسی رهایی دهد تا آنها بتوانند با روشی مشابه قول خدا به ابراهیم با خواست خود و به صورت مناسب به خدا پاسخ دهند. بنابراین، مومنان آزاد هستند که گناه نکنند و برای زندگی برای خدا آزاد باشند (مراجعه کنید به غلاطیان ۲: ۴ و رومیان ۶، به ویژه غلاطیان ۵: ۱۱).

اسم "آزادی" در ابتدا است و از فعل همان ریشه استفاده می‌شود ("آزاد شده"، آنوریست فعال اخباری) تا بر مفهوم تاکید شود!

■ "مسیح ما را آزاد کرد" مسیحیان در طریق مسیح واقعا آزاد هستند (مراجعه کنید به یوحنا ۸: ۳۲، ۳۶؛ دوم قرنتیان ۳: ۱۷). همانطور که مارتین لوتر خیلی خوب گفت، "یک مرد مسیحی آزادترین ارباب همه است، مشمول هیچ کس نیست. یک مرد مسیحی شادترین خدمتگزار همه است، مشمول همه میشود." مومنان از گمراهی عاری هستند و از استبداد خویشتن خالی هستند، دوباره برای خدمت به خدا و دیگران آزاد هستند!

NASB "بنابراین محکم ایستاده و دوباره در معرض یوغ برده داری قرار نگیرید"

NKJV "بنابراین در ایستگاهی که مسیح ما را آزاد کرده است، سریع بایستید و دوباره با یوغ اسارت گرفتار نشوید"

TEV "پس استوار بایستید و خود را بار دیگر گرفتار یوغ بندگی مسازید"

NRSV, JB "بنابراین محکم بایستید و از تسلیم شدن دوباره به یوغ برده داری امتناع ورزید"

پولس با توجه به آزادی واقعی مومنان در طریق مسیح دو هشدار صادر کرد:

۱. اینکه آنها استقامت کنند (مراجعه کنید به رومیان ۵: ۲ و اول قرنتیان ۱۶: ۱۳؛ به موضوع خاص در غلاطیان ۳: ۴ مراجعه کنید)

۲. این که آنها از بازگشت به اشکال مختلف قانونگرایی خودداری کنند

هر دو زمان حال امری هستند، اما دومی بار منفی دارد که معمولاً به معنای متوقف کردن عملی است که در حال انجام است.

یک همسوی خوب برای "یوغ برده داری" را می توان در اعمال رسولان ۱۵: ۱۰ یافت. عیسی نیز یوغ دارد اما مال او راحت است (مراجعه کنید به متی ۱۱: ۲۹-۳۰). ربی‌ها از "یوغ" به عنوان استعاره برای احکام شریعت استفاده می‌کردند. "قانون مسیح" با قانون یهودیت یا نفع انسانی کاملاً متفاوت است (مراجعه کنید به یعقوب ۱: ۲۵ و ۲: ۸، ۱۲).

NASB: غلاطیان ۵: ۲ الی ۱۲

این را آویزه گوش کنید! من، پولس، به شما می‌گویم که اگر ختنه شوید، مسیح برایتان هیچ سودی نخواهد داشت. ^۳ یک بار دیگر به هر کسی که ختنه شود اعلام می‌کنم که موظف به نگاه داشتن تمام شریعت خواهد بود. ^۴ شما که می‌کوشید با اجرای شریعت پارسا شمرده شوید، از مسیح بیگانه شده و از فیض به دور افتاده‌اید. ^۵ زیرا در روح و از راه ایمان است که ما مشتاقانه انتظار آن پارسایی را می‌کشیم که در امیدش به سر می‌بریم. ^۶ زیرا در مسیح عیسی نه ختنه اهمیتی دارد نه ختنه‌ناشدگی، بلکه مهم ایمانی است که از راه محبت عمل می‌کند.

^۷ خوب می‌دویدید. چه کسی سد رها شدن تا حقیقت را پیروی نکنید؟ ^۸ این‌گونه انگیزش، از او که شما را فرا می‌خواند، نیست. ^۹ «اندکی خمیرمایه، موجب ور آمدن تمام خمیر می‌شود.» ^{۱۰} در خداوند یقین دارم که عقیده دیگری نخواهید داشت. اما آن که شما را مشوش می‌سازد، هر که باشد، به سزای عملش خواهد رسید. ^{۱۱} ای برادران، اگر من هنوز ختنه را موعظه می‌کردم، چرا دیگر آزار می‌دیدم؟ زیرا در آن صورت، ناخوشایندی صلیب از میان می‌رفت. ^{۱۲} و اما در خصوص آنان که شما را مشوش می‌سازند، کاش که کار را تمام می‌کردند و خود را یکباره از مردی می‌انداختند!

۲: ۵

NASB	"گوش کنید! من، پولس، به شما"
NKJV	"در واقع من، پولس، به شما می‌گویم"
NRSV	"گوش کن! من، پولس، به شما می‌گویم"
TEV	"گوش کن! من، پولس، این را به شما می‌گویم"
NJB	"این من هستم، پولس، که این را به شما می‌گوید"

این حالت امری فعل "گوش کردن" است با ضمیر تاکیدی فردی (*egō*) است. "من، پولس" تاکید سخنان پولس را نشان می‌دهد. پولس، رسول غیر یهودیان، اطلاعات مکاشفه‌ای ارائه می‌دهد!

NASB	"که اگر ختنه بشوید"
NKJV	"که اگر ختنه شوید"
NRSV	"که اگر خودتان اجازه دهید ختنه شوید"
TEV, NJB	"اگر به خودتان اجازه دهید ختنه تان کنند"

این یک جمله شرطی نوع سوم به معنای اقدام بالقوه است. این نشان می‌دهد که مسیحیان غلاطیه هنوز ختنه نشده بودند، اما تمایل داشتند که پیش نیازهای جدید برای به دست آوردن رستگاری را انجام دهند (با حداقل به کمال برسانند، مراجعه کنید به غلاطیان ۳: ۱) که از یهودیان ارائه شده است. با این حال ختنه موضوع اساسی نبوده است (مراجعه کنید به غلاطیان ۵: ۵؛ ۶؛ اول قرنیتیان ۷: ۱۸-۱۹). ختنه فقط یک جنبه از کل سیستم عدالت در کار یهودیان بود. پولس در اعمال رسولان ۱۶: ۳ ختنه کرد تا بتواند به یهودیان خدمت کند. اما پولس مجدداً تاکید کرد که ختنه واقعی از قلب است (مراجعه کنید به تثنیه ۱۰: ۱۰؛ ۱۶: ۴؛ ۱۰: ۴)، نه بدن (مراجعه کنید به رومیان ۲: ۲۸-۲۹؛ کولسیان ۲: ۱۱). مسئله ختنه نبود بلکه این بود که چگونه فردی در جایگاه صحیح قرار بگیرد (مراجعه کنید به غلاطیان ۵: ۴).

■ "مسیح برایتان هیچ سودی نخواهد داشت" پولس دو راه متفاوت درست بودن با خدا را بیان می‌دارد: (۱) تلاش انسان و (۲) فضل آزاد. مضمون کل پاراگراف این است که این دو روش با همدیگر منحصر به فرد هستند: انتخاب تلاش بشری نفی فضل رایگان است؛ انتخاب فضل رایگان به معنای حذف تلاش انسانی است. هیچکس نمی‌تواند آنها را به عنوان پایه رستگاری آن طور که غلاطیان ۳: ۱-۵ به وضوح نشان می‌دهد، در هم ادغام کند.

۵: ۳ "موظف به نگاه داشتن تمام شریعت خواهد بود" اگر کسی راه تلاش انسانی را انتخاب کند، باید از سن مسئولیت اخلاقی (بار-میتسوا، سن ۱۳ سالگی برای پسران، *bathmitzvah*، ۱۲ سالگی برای دختران) تا زمان مرگ کاملاً به شریعت پایبند باشد (مراجعه کنید به تثنیه ۲۷: ۲۶؛ غلاطیان ۳: ۱۰؛ یعقوب ۲: ۱۰). کتاب مقدس ادعا می‌کند از آنجا که تاکنون هیچ کس (به جز عیسی) این کار را نکرده، همه در رده قانون شکنان و گناهکاران قرار دارند (مراجعه کنید به رومیان ۳: ۹-۱۸، ۲۲-۲۳؛ ۶: ۲۳؛ ۵: ۸ و ۱۱: ۳۲).

۵: ۴ "می‌کوشید با اجرای شریعت پارسا شمرده شوید" مضمون کلامی فصول ۳ و ۴ این است که پذیرش ما از جانب خدا فقط بر مبنای شخصیت او، قدرت بخشیدن به روح و کار مسیح او بنا شده است. این جوهره انجیل رادیکال و توجیهی پولس از طریق فیض تنها از طریق ایمان است (مراجعه کنید به رومیان ۴-۸).

NASB	"شما از مسیح جدا شده اید"
NKJV	"شما از مسیح بیگانه شده اید"
NRSV	"شما ... خود را از مسیح جدا کرده اید"
TEV	"خود را از مسیح جدا کرده اید"
NJB	"خود را از مسیح جدا کردید"

این فعل یونانی (آئوریست مجهول اخباری از *katargeō*) به طرق مختلف ترجمه شده است: (۱) بی فایده بودن. (۲) برای ارائه قدرت نیست (۳) برای تولید غیرضروری؛ (۴) بی سود؛ (۵) خالی؛ (۶) لغو؛ (۷) باطل شود. (۸) به پایان برسد. (۹) نابود شود؛ یا (۱۰) جدا از. از این فعل بیش از بیست بار توسط پولس استفاده شده است. موضوع خاص را در غلاطیان ۳: ۱۷ مشاهده کنید. می‌توان بخشی از عطر و طعم آن را در غلاطیان ۳: ۱۷ (لغو) و ۵: ۱۱ (لغو) مشاهده کرد. اگر کسی با تلاش انسانی سعی کند با خدا درست باشد، خود را از عدالت فیض به عنوان ابزاری برای رستگاری خود دور می‌کند (مراجعه کنید به غلاطیان ۵: ۱۲):

۱. در رستگاری اولیه (هنگامی که غلاطیان اولین بار انجیل را دریافت کردند)
۲. در یک زندگی کار-محور (زمانی که غلاطیان فکر می‌کردند اکنون شریعت موسی را دنبال می‌کنند)

NASB, NKJV,	
NJB	"شما از فیض افتاده اید"
NRSV	"از فیض به دور افتاده اید"
TEV	"شما خارج از لطف خدا هستید"

کسانی که بر مبنای عملکرد انسانی به دنبال خدا می‌گردند، رویکرد فیض آزاد را که در کار تمام شده مسیح مصلوب یافت می‌شود، از دست داده‌اند. این متن در درجه اول به سوال الهیات مدرن در مورد احتمال کسانی که نجات یافته‌اند و اکنون آن را گم کرده‌اند، نمی‌پردازد، بلکه به اینکه چگونه انسانها رستگاری را می‌یابند، می‌پردازد. با این حال، توجه داشته باشید که رستگاری شامل یک پاسخ اولیه و مداوم است. این یک نکته و فرایندی است که هر دو شامل فضل و ایمان هستند. هر دو مهم هستند (مراجعه کنید به غلاطیان ۵: ۷).

پولس در این نامه با قانونگرایی مرتبط با نجات سروکار داشت. امروزه بیشتر مشروعیت موجود در کلیسا مربوط به زندگی مسیحیان است. بیشتر مسیحیان قانونگرا شبیه "برادران ضعیف" رومیان ۱۴: ۱-۱۵: ۱۳ هستند. آنها قادر به پذیرش آزادی و رهایی انجیل نیستند. آنها برای نجات به عملکردشان اعتماد ندارند، بلکه می‌ترسند به نوعی به خدا توهین کنند. این نگرش در انتقاد داوری نسبت به سایر مومنان مطرح است. این اختلال در یاران در کلیساهای غلاطیه رخ داده است و هنوز هم در کلیساهای امروز ما رخ می‌دهد.

■ در این مرحله در مورد یک نجات کاملاً رایگان اما پرهزینه و همه چیز، می‌خواهم به سه موضوع خاص اشاره کنم. اولی به عنوان یک فرایند با نجات سروکار دارد و دومی با نجات به عنوان یک رابطه همراه با پایان، و سوم مسئله الهیاتی ارتداد. موضوعات خاص: افعال یونانی برای رستگاری در اول تسالونیکیان ۵: ۹ را مطالعه کنید.

موضوع خاص: استقامت/محافظة

SPECIAL TOPIC: PRESERVANCE

توضیح دکنترین انجیلی در ارتباط با زندگی مسیحی بسیار سخت است زیرا در قالب دیالکتیک شرقی ارائه شده است (به موضوع خاص: ادبیات شرق (پارادوکس‌های انجیلی) مراجعه شود). این دو متناقض به نظر میرسند، با این حال، هر دوی آنها انجیلی هستند. مسیحیان غربی گرایش به این دارند که یک حقیقت را بپذیرند و حقیقت دیگر را نادیده انگاشته و یا آن را کم ارزش تلقی کنند. برخی مثالها:

۱. آیا رستگاری یک تصمیم اولیه نسبت به ایمان آوردن به مسیح است یا یک تعهد مادام العمر که شاگرد او باشیم؟
۲. آیا رستگاری یک انتخاب است به وسیله لطف از جانب خداوند یا ایمان و پاسخ همراه با توبه از جانب نوع بشر به پیشنهاد الهی؟
۳. آیا وقتی رستگاری را دریافت کردیم، غیر ممکن است آن را از دست دهیم یا نیازمند تلاش مداوم برای حفظ آن است؟

در طول تاریخ کلیسا، مسئله استقامت همیشه مورد مناقزه بوده است. مشکل با تضاد میان عبارات عهد جدید آغاز می‌شود:

۱. متون در ارتباط با اطمینان

a. اظهارات عیسی در انجیل یوحنا (انجیل یوحنا ۶: ۳۷، ۱۰: ۲۸ الی ۲۹)

b. اظهارات پولس (رومیان ۸: ۳۵ الی ۳۹، افسسیان ۱: ۱۳، ۲: ۵، ۸ الی ۹، فیلیپیان ۱: ۶، ۲: ۱۳، دوم تسالونیکیان ۳: ۳، دوم تیموتائوس ۱: ۱۲، ۴: ۱۸)

c. اظهارات پطرس (اول پطرس ۱: ۴ الی ۵)

۲. متونی که میگویند استقامت نیاز است

a. اظهارات عیسی در سایر انجیل (انجیل متی ۱۰: ۲۲، ۱۳: ۱ الی ۹، ۲۴: ۳۰، ۲۴: ۱۳، انجیل مرقس ۱۳: ۱۳)

b. اظهارات عیسی در انجیل یوحنا (انجیل یوحنا ۸: ۳۱، ۱۵: ۴ الی ۱۰)

c. اظهارات پولس (رومیان ۱۱: ۲۲، اول قرنتیان ۱۵: ۲، دوم قرنتیان ۱۳: ۵، غلاطیان ۱: ۶، ۳: ۴، ۵: ۵، ۶: ۹، فیلیپیان ۲: ۱۲، ۳: ۱۸ الی ۲۰، کولسیان ۱: ۲۳، دوم تیموتائوس ۳: ۲)

d. اظهارات نویسندگان عبرانیان (۲: ۱، ۳: ۶ و ۱۴، ۶: ۱۱)

e. اظهارات یوحنا (اول یوحنا ۲: ۶، دوم یوحنا ۹، مکاشفه ۲: ۷ و ۱۷ و ۲۶، ۳: ۵ و ۱۲ و ۲۱، ۷: ۲۱)

رستگاری انجیلی حاصل عشق، رحمت، ترحم و بزرگی خدای سه گانه است. هیچ انسانی نمی تواند نجات یابد بدون شروع با روح القدس (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵). الهیات ابتدا می آید و دستور کار را تعیین می کند، ولی انسان باید با ایمان و توبه از ابتدا و تداوم آنها پاسخ دهد. خدا بر اساس رابطه پیمانی با انسان کار می کند. مزایایی هست و همینطور هم مسئولیتهایی!

رستگاری به همه انسانها ارائه شد. مرگ عیسی با مشکل گناه انسان سقوط کرده سر و کار دارد! خدا راهی را ارائه کرده و می خواهد همه تمامی کسانی که آنها را به تصویر کشیده با عشق به عیسی به او پاسخ دهند.

اگر مایل هستید که در این زمینه بیشتر مطالعه کنید به منابع زیر مراجعه نمایید

۱. *The Word of Truth, Eerdmans*, اثر Dale Moody، چاپ ۱۹۸۱، صفحات ۳۴۸ الی ۳۶۵

۲. *Kept by the Power of God* از انتشارات Bethany Fellowship، اثر Howard Marshall، چاپ ۱۹۶۹

۳. *Life in the Son*، انتشارات Westcott، اثر Robert Shank، چاپ ۱۹۶۱

انجیل به دو مسئله متفاوت در این زمینه اشاره می کند: (۱) کسب اطمینان به عنوان مجوزی برای یک زندگی بیشتر، یک زندگی خودخواهانه و یا (۲) تشویق کردن آنان که با بشارت و گناهان فردی در تقلا هستند. مسئله اینجاست که گروه اشتباه پیام اشتباه دریافت میکند و سیستم های الهیات انجیلی را بر روی عبارتهای محدود انجیل بنا میکنند. برخی مسیحیان ناامیدانه به پیام اطمینان نیاز دارند، در حالیکه دیگران به هشدار سفت و محکم استقامت نیازمند هستند. شما عضو کدام گروه هستید؟

یک جدل الهیاتی تاریخی میان آگوستین در مقابل پلاگیوس و کالوین و در مقابل آرمینیوس (نیمه پلاگیان ها) وجود دارد. این بحث شامل این سوال در مورد رستگاری است: اگر کسی واقعا نجات یابد، آیا باید در ایمان و مفید بودن محکم باشد؟

کالوینیستها در پشت آیاتی صف می بندند که بر پادشاهی خدا و حفظ قدرت (انجیل یوحنا ۱۰: ۲۷ الی ۳۰، رومیان ۸: ۳۱ الی ۳۹، اول یوحنا ۵: ۱۳ و ۱۸، اول پطرس ۱: ۳ الی ۵) و زمانهای فعال و مصدر کامل مجهول افسسیان ۲: ۸ و تصریح دارد.

ارامنه پشت متونی که به مومنان هشدار می دهد صبر کنید، دست نگاهدارید یا ادامه دهید، صف بسته اند (انجیل متی ۱۰: ۲۲، ۲۴: ۹ الی ۱۳، انجیل مرقس ۱۳: ۱۳، انجیل یوحنا ۱۵: ۴ الی ۶، اول قرنتیان ۱۵: ۲، غلاطیان ۶: ۹، مکاشفه ۲: ۷ و ۱۱ و ۱۷ و ۲۶، ۳: ۵ و ۱۲ و ۲۱، ۷: ۲۱). من به شخصه باور ندارم که عبرانیان ۶ و ۱۰ مصداق داشته باشند، ولی بسیاری از ارامنه از آن به عنوان هشدار علییه ارتداد استفاده می کنند. تمثیل بذر در انجیل متی ۱۳ و مرقس ۴ بر ایمان بدیهی تصریح دارند، همانند انجیل یوحنا ۸: ۳۱ الی ۵۹ چنین تصریح می کند. کالوینیستها می گویند که افعال زمان کامل برای توصیف رستگاری استفاده شده است، و ارامنه عبارتهای با زمانهای حال کامل را نقل می کنند مانند اول قرنتیان ۱: ۱۸، ۲: ۱۵، دوم قرنتیان ۲: ۱۵.

این یک مثال کامل است از اینکه چطور سیستم های الهیاتی با روشهای تفسیری اثبات از صحت متون سو استفاده می کنند. معمولا اصول راهنما یا متن اصلی استفاده می شود تا یک شبکه الهیاتی برپا شود که توسط آن به تمامی دیگر متون نگاه شود. مراقب این چهارچوبها از هر منبعی باشید. آنها از منطق غربی می آیند نه از مکاشفه. انجیل یک کتاب شرقی است. حقیقت را در شرایط پر از تنش ارائه می دهد، ظاهرا به صورت دو پارادوکس. مسیحیان باید هر دو را بپذیرند و قبول کنند و در این تنش زندگی کنند. عهد جدید هم امنیت به ایمان آورنده ارائه می دهد و هم تقاضا بر تداوم ایمان و در کنار خدا

بودن را دارد. مسیحیت پاسخ اولیه توبه و ایمان است که در پی آن باید تداوم پاسخ به توبه و ایمان باشد. رستگاری یک محصول نیست (یک بلیط به بهشت یا بیمه آتش سوزی)، بلکه یک رابطه است. یک تصمیم و شاگردی است. در عهد جدید با تمامی زمانهای افعال توصیف شده است.

- آئوریست (عمل کامل شده)، اعمال رسولان ۱۵: ۱۱، رومیان ۸: ۲۴، دوم تیموتائوس ۱: ۹، تیتوس ۳: ۵
- کامل (عمل کامل شده و نتایج آن ادامه دارد)، افسسیان ۲: ۵ و ۸
- حال (عمل در حال انجام)، اول قرنتیان ۱: ۱۸، ۲: ۱۵، دوم قرنتیان ۲: ۱۵
- آینده (رخدادهای آتی یا رخدادهای قطعی)، رومیان ۵: ۸ و ۱۰، ۹: ۱۰، اول قرنتیان ۳: ۱۵، فیلیپیان ۱: ۲۸، اول تسالونیکیان ۵: ۸ الی ۹، عبرانیان ۱: ۱۴، ۹: ۲۸

موضوع خاص: ارتداد (APHISTĒMI) (SPECIAL TOPIC: APOSTASY)

اصطلاح یونانی *aphistēmi* زمینه معنایی گسترده‌ای دارد. در زبان انگلیسی اصطلاح *apostasy* از این اصطلاح مشتق شده و کاربرد آن خوانندگان عصر مدرن را متعصب می‌کند. همیشه، متن کلید است نه مفهوم عصر حاضر.

این اصطلاح یک کلمه مرکب است که از پیشوند *apo* که به معنی "از" یا "به دور از" و *histēmi* به معنی "نشستن"، "ایستادن" یا "درست کردن" است. به کاربردهای غیر الهیاتی زیر توجه کنید.

۱. پاک کردن/حذف کردن به صورت فیزیکی
 - a. از معبد، انجیل لوقا ۲: ۳۷
 - b. از خانه، انجیل مرقس ۱۳: ۳۴
 - c. از فرد، انجیل مرقس ۱۲: ۱۲، ۱۴: ۵۰، اعمال رسولان ۵: ۳۸
 - d. از همه چیز، انجیل متی ۱۹: ۲۷ و ۲۹
۲. پاک کردن/حذف کردن به صورت سیاسی، اعمال رسولان ۵: ۳۷
۳. پاک کردن/حذف کردن به صورت رابطه‌ای، اعمال رسولان ۵: ۳۸، ۱۵: ۳۸، ۱۹: ۹، ۲۲: ۲۹
۴. پاک کردن/حذف کردن به صورت قانونی (طلاق)، تثنیه ۲۴: ۱ و ۳ (LXX) و عهد جدید، انجیل متی ۵: ۳۱، ۱۹: ۷، انجیل مرقس ۱۰: ۴، اول قرنتیان ۷: ۱۱
۵. پاک کردن/حذف کردن بدهی، انجیل متی ۱۸: ۷
۶. نشان دادن بی‌توجهی با ترک کردن، انجیل متی ۴: ۲۰، انجیل یوحنا ۴: ۲۸، ۱۶: ۳۲
۷. نشان دادن توجه با ترک نکردن، انجیل یوحنا ۸: ۲۹، ۱۴: ۱۸
۸. اجازه دادن، انجیل متی ۱۳: ۳۰، ۱۹: ۱۴، انجیل مرقس ۱۴: ۶، انجیل لوقا ۱۳: ۸

در مفهوم الهیاتی این فعال معنی گسترده‌ای دارد

۱. لغو کردن، عفو کردن، بخشیدن از گناه، خروج ۳۲: ۳۲ (LXX)، اعداد ۱۴: ۱۹، یعقوب ۴۲: ۱۰ و عهد جدید انجیل متی ۶: ۱۲ و ۱۴ الی ۱۵، انجیل مرقس ۱۱: ۲۵ الی ۲۶
۲. خودداری از گناه، دوم تیموتائوس ۲: ۱۹
۳. بی‌توجهی کردن با دوری کردن از
 - a. قانون، انجیل متی ۲۳: ۲۳، اعمال رسولان ۲۱: ۲۱
 - b. ایمان، حزقیال ۲۰: ۸ (LXX)، انجیل لوقا ۸: ۱۳، دوم تسالونیکیان ۲: ۳، اول تیموتائوس ۴: ۱، عبرانیان ۳: ۱۲،

مومنین عصر مدرن سوالات الهیاتی بسیار زیادی می‌پرسند که نویسندگان عهد جدید هرگز راجع به آنها فکر نکرده بودند. یکی از این سوالات در رابطه با گرایش عصر مدرن نسبت به جدا کردن ایمان از وفاداری است.

افرادی در انجیل هستند که جزو مردمان خدا هستند ولی اتفاقاتی می‌افتند و باعث می‌شوند که آنها بیرونند.

I. عهد عتیق

- A. آنان که گزارش جاسوسی دوازده (ده) نفر را شنیدند، اعداد ۱۴ (مراجعه شود به عبرانیان ۳: ۱۶ الی ۱۹)
- B. قورح، اعداد ۱۶
- C. پسران القانه، اول سموئیل ۲ و ۴

D. شاتول، اول سموئیل ۱۱ الی ۳۱

E. پیامبران دروغین مرد

۱. تشنه ۱۳: ۱ الی ۵، ۱۹: ۱۸ الی ۲۲ (راه های شناختن پیامبران دروغین)

۲. ارمیا ۲۸

۳. حزقیال ۱۳: ۱ الی ۷

F. پیامبران دروغین زن

۱. حزقیال ۱۳: ۱۷

۲. نحمیا ۶: ۱۴

G. رهبران شیطانی اسرائیل

۱. ارمیا ۵: ۳۰ الی ۳۱، ۸: ۱ الی ۲، ۲۳: ۱ الی ۴

۲. حزقیال ۲۲: ۲۳ الی ۳۱

۳. میکاه ۳: ۵ الی ۱۲

I. عهد جدید

A. این فعل یونانی به مفهوم "مرتد شدن" (*to aposasize*) است. عهد عتیق و عهد جدید هر دو تشدید فعالیت شیطان و تعالیم دروغین قبل از آمدن دوم را تأیید می کنند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۲۴، انجیل مرقس ۱۳: ۲۲، اعمال رسولان ۲۰: ۲۹ و ۳۰، دوم تسالونیکیان ۲: ۹ الی ۱۲، دوم تیموتائوس ۴: ۴). این اصطلاح یونانی می تواند منعکس کننده حرفهای یهودیان در تمثیل خاک در انجیل متی ۱۳، انجیل مرقس ۴، و انجیل لوقا ۸ باشد. این معلمین دروغین بدیهی است که مسیحی نیستند، ولی از درون آمده اند (مراجعه شود به امثال ۲۰: ۲۹ الی ۳۰، اول یوحنا ۲: ۱۹). با این حال، آنان می توانند مومنینی را که از نظر معنوی به بلوغ معنوی نرسیده اند، اغوا و گمراه کنند (مراجعه شود به عبرانیان ۳: ۱۲).

سوال الهیاتی این است که اصولاً آیا این معلمین دروغین مومن بوده اند؟ به این سوال به سختی می توان پاسخ داد زیرا این معلمین دروغین در کلیساهای محلی بودند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۸ الی ۱۹). اغلب سنتها یا نگرش الهیاتی یا مذهبی ما بدون استناد به متن خاصی در انجیل به این سوالات پاسخ می دهند (به استثنای روشهای شیوه بررسی و صحت مطلب که از نقل آیه و بطن محتوا می توان گرایش کسی را اثبات کرد).

B. ایمان بدیهی

۱. یهودا، انجیل یوحنا ۱۷: ۱۲

۲. شمعون جادوگر، اعمال رسولان ۸

۳. کسانیکه در موردشان در انجیل متی ۷: ۱۳ الی ۲۳ صحبت می شد

۴. کسانیکه در موردشان در انجیل متی ۱۳ و انجیل مرقس ۴ و انجیل لوقا ۸ صحبت می شد

۵. یهودیان انجیل یوحنا ۸: ۳۱ الی ۵۹

۶. الکساندر و هیمنائوس، اول تیموتائوس ۱: ۱۹ الی ۲۰

۷. آنان که در اول تیموتائوس ۶: ۲۱ در موردشان صحبت شد

۸. هیمنائوس و فیلتوس، دوم تیموتائوس ۲: ۱۶ الی ۱۸

۹. داماس، دوم تیموتائوس ۴: ۱۰

۱۰. معلمین دروغین، دوم پطرس ۲: ۱۹ الی ۲۲، یهودا ۱: ۱۲ الی ۱۹

۱۱. ضد مسیحیان، اول یوحنا ۲: ۱۸ الی ۱۹

C. ایمان بی ثمر

۱. اول قرنطیان ۳: ۱۰ الی ۱۵

۲. دوم پطرس ۱: ۸ الی ۱۱

به دلیل الهیات سیستماتیک (کالوینیسم، ارمنیسم، و غیره) ما به ندرت به این متون فکر می کنیم، زیرا اینها پاسخ مجاز را بر ما دیکته می کنند. لطفاً در مورد من پیش داوری نکنید که این مطلب را مطرح می کنم. توجه من بر فرایند صحیح مطالعه انجیل است. ما باید اجازه دهیم که انجیل با ما صحبت کند و اینکه سعی نکنیم آن را در یک قالب الهیات از پیش آماده شده بگنجانیم. اغلب این کار به دلیل تعصبات فرهنگی، مذهبی و رابطه ای (والدین، دوستان، شبان) دردناک و ناراحت کننده است، نه به دلیل تعصبات انجیلی (موضوع خاص: دریافت کردن، ایمان آوردن اعتراف کردن یعنی چه؟ را مطالعه کنید). کسانی که جزو مردمان خدا هستند تبدیل به کسانی می شوند که جزو مردمان خدا نیستند (مراجعه شود به رومیان ۹: ۶).

۵: " زیرا در روح و از راه ایمان است " این عبارت دو نیاز ضروری را نشان می‌دهد (یعنی، ایمان) که در رستگاری ما دخیل هستند:

۱. کشیدن / جلب کردن روح القدس (مراجعه کنید به یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵: ۱۶: ۷-۱۳)
۲. پاسخ انسان (مراجعه کنید به مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال رسولان ۳: ۱۶، ۱۹: ۲۰: ۲۱)

این عبارات برای تاکید، در ابتدای جمله یونانی قرار گرفته‌اند.

■ " ما مشتاقانه انتظار آن پارسایی را می‌کشیم " "امید" اغلب در عهد جدید برای آمدن دوم استفاده می‌شود. آمدن دوم، زمانی است که مومنان به طور کامل نجات می‌یابند. عهد جدید نجات ما را چنین توصیف می‌کند

۱. یک عمل کامل
۲. حالت بودن
۳. یک فرآیند
۴. به عنوان تحقق در آینده

این چهار ویژگی نجات جدا از هم نیستند بلکه مکمل یکدیگرند. ما نجات یافتیم، نجات یافته ایم، نجات می‌یابیم و نجات خواهیم یافت. جنبه آینده نجات مستلزم تجلیل مومنان در آمدن دوم است (اول یوحنا ۳: ۲). بخش‌های دیگری که رویداد آینده نجات را توصیف می‌کند عبارتند از رومیان ۸: ۲۳؛ فیلیپیان ۳: ۲۱ و کولسیان ۳: ۳ و ۴. به موضوع خاص: افعال استفاده شده در زبان یونانی برای رستگاری در اول تسالونیکیان ۵: ۹ مراجعه کنید.

موضوع خاص: امید (elpis، در پولس)

(SPECIAL TOPIC: HOPE)

پولس اغلب از این اصطلاح به شیوه‌های مختلف ولی در مفاهیم مرتبط استفاده کرده است. اغلب با تحقق یافتن ایمان مومن همراه بود (به عنوان مثال، اول تیموتائوس ۱: ۱). این می‌تواند به عنوان شکوه، زندگی ابدی، نجات نهایی، آمدن دوم و غیره بیان شود. تحقق یافتن قطعی است، اما عنصر زمان، آینده بوده و نامشخص است. امید اغلب با "ایمان" و "عشق" همراه بود (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۳: ۱۳؛ اول تسالونیکیان ۱: ۳؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۶). فهرستی از برخی از کاربردهای پولس عبارتند از:

۱. آمدن دوم، غلاطیان ۵: ۵، افسسیان ۱: ۱۸، ۴: ۴، تیتوس ۲: ۱۳
۲. عیسی امید ما است، اول تیموتائوس ۱: ۱ (خدا امید ما است، اول تیموتائوس ۵: ۵، اول پطرس ۳: ۵)
۳. مومن به خدا نشان داده میشود، کولسیان ۱: ۲۲ الی ۲۳، اول تسالونیکیان ۲: ۱۹
۴. امید در بهشت قرار دارد، کولسیان ۱: ۵
۵. اعتماد به انجیل، کولسیان ۱: ۲۳، اول تسالونیکیان ۲: ۱۹
۶. رستگاری نهایی، کولسیان ۱: ۵، اول تسالونیکیان ۴: ۱۳، ۵: ۸
۷. شکوه خدا، رومیان ۵: ۲، دوم قرنتیان ۳: ۱۲، کولسیان ۱: ۲۷
۸. رستگاری کفار توسط مسیح، کولسیان ۱: ۲۷
۹. تضمین رستگاری، اول تسالونیکیان ۵: ۸
۱۰. حیات جاویدان، تیتوس ۱: ۲، ۳: ۷
۱۱. نتایج بلوغ مسیحی، رومیان ۵: ۲ الی ۵
۱۲. رستگاری همه مخلوقات، رومیان ۸: ۲۰ الی ۲۲
۱۳. تصدیق پذیرش، رومیان ۸: ۲۳ الی ۲۵
۱۴. عنوان خدا، رومیان ۱۵: ۱۳
۱۵. اشتیاق پولس برای مومنین، دوم قرنتیان ۱: ۷
۱۶. عهد عتیق به عنوان راهنمایی برای مومنین عهد جدید، رومیان ۱۵: ۴

۵: ۶ این آیه، مضمون کتاب غلاطیان را در بر می‌گیرد: ما با ایمان با خدا بر حق هستیم، نه با آداب و رسوم انسانی یا عملکرد - از جمله ختنه، قوانین خوراک و / یا زندگی اخلاقی.

عبارت نتیجه‌گیری با مفهوم مجهول یا میانی درک می‌شود (Barbara and Timothy Friberg, *Analytical Greek New Testament*, Harold K Moulton [ویرایش]، *The Analytical Greek Lexicon Revised*، صفحه ۵۸۴). کاتولیک رومی اکثراً آن را مجهول

تعبیر می‌کند، به این معنی که عشق منبع ایمان است. با این حال، اکثر پروتستان‌ها آن را در مفهوم زمان میانی درک کرده‌اند، به این معنی که عشق از ایمان حاصل می‌شود (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۱: ۳). این اصطلاح به طور مرتب در عهد جدید به عنوان زمان میانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ایمان در صدر است.

این پاسخ پولس به آموزگاران دروغین در مورد سبک زندگی مشرکان بود که به طور آزاد در طریق مسیح پذیرفته می‌شوند. این عشق با محوریت روح است (بعد از نجات) که معیار رفتار را برای مومنان تعیین می‌کند و توانایی اطاعت را می‌بخشد. این میثاق جدید، قلب جدید و ذهن جدید است (مراجعه کنید به ارمیا ۳۱: ۳۳؛ حزقیال ۳۶: ۲۶-۲۷).

۷: ۵ "چه کسی" ضمیر مفرد استفاده شده برای یک معلم دروغین، در غلاطیان ۵: ۷ و دو بار در غلاطیان ۵: ۱۰ یافت می‌شود. با این حال، شکل جمع در غلاطیان ۵: ۱۲ دیده می‌شود. این ممکن است یک استفاده جمعی از مفرد باشد. اما به خاطر غلاطیان ۳: ۱، استفاده از مفرد ممکن است دلالت کند بر

۱. یک رهبر حلقه محلی که به دیدگاه یهود زده گرایش پیدا کرده و اکنون کلیسا را به آن سو می‌کشید
۲. بازدید یک رهبر متقاعد کننده یهود زده

NASB	"شما اداره می‌کردید/میدویدید، چه کسی مانع پیروی از حقیقت شد"
NKJV	"خوب اداره می‌کردی/میدویدی. چه کسی مانع پیروی از حقیقت شد"
NRSV	"شما بسیار خوب عمل می‌کردید/میدویدید، چه کسی مانع پیروی از حقیقت شد"
TEV	"شما خیلی خوب کار می‌کردید /میدویدید! چه کسی باعث شد که از حق پیروی نکنید"
NJB	"شما مسابقه خود را خوب شروع کردید: چه کسی باعث شد که از پیروی از حقیقت مضطرب نشوید"

(فعل استفاده شده در نسخه انگلیسی *run* است که به دو معنی اداره کردن و دویده است و در اینجا از این فعل با دو منظور استفاده شده-مترجم) "شما خوب اداره می‌کردید" یک زمان اخباری فعال غیر کامل است. این بدان معناست که برای مدتی کلیساهای غلطیه در بلوغ مسیحیان این کار را به خوبی انجام می‌دادند. پولس اغلب از استعاره های ورزشی استفاده می‌کرد. او به خصوص به "دویدن" علاقه داشت (رجوع کنید به غلاطیان ۲: ۲؛ اول قرنتیان ۹: ۲۴-۲۶؛ فیلمون ۲: ۱۶؛ ۳: ۱۲-۱۴؛ دوم تیموتائوس ۴: ۷).

فعل "مانع شدن" یا "جلوگیری کردن" (آنوریست فعال اخباری) معمولاً دارای معانی نظامی و ورزشی است. به معنای نظامی، این کلمه به معنای عمل تخریب یک جاده در برابر یک دشمن در حال پیشروی بود. به معنای ورزشی، این به معنای عمل یک دهنده مانع دهنده پشت سر خود شود، در نتیجه باعث می‌شد هر دو مسابقه را ببازند.

پولس در غلاطیان ۵: ۲ و غلاطیان ۵: ۸ با "پیروی از حقیقت" در واقع با کلمات بازی می‌کرد.

این بدان معنا نیست که غلاطیان شخصاً مسئولیت پذیر نبودند، بلکه تحت تاثیر قرار گرفته بودند.

پولس از "پیروی از حقیقت" به عنوان راهی برای ابراز "اطاعت از انجیل" استفاده می‌کند. موضوع خاص: حقیقت در نوشته های پولس را در غلاطیان ۲: ۵ مشاهده کنید.

۵: ۸ "او که شما را فرا می‌خواند" غالباً ضمائر مرجع مبهم هستند. همانند غلاطیان ۱: ۶ این عبارت همیشه در مورد انتخاب گزینش خدا پدر استفاده می‌شود. به یادداشت اول تسالونیکیان ۲: ۱۲ مراجعه کنید.

۵: ۹ "اندکی خمیرمایه" خمیرمایه یک اصطلاح معمول عهد جدیدی در کتاب مقدس است که غالباً در مفهوم منفی استفاده می‌شود (مراجعه کنید به متی ۱۶: ۶؛ مرقس ۸: ۱۵؛ اول قرنتیان ۵: ۶، البته نه همیشه) (مراجعه کنید به متی ۱۳: ۳۳). در اینجا استعاره ممکن است بر قدرت فراگیر آموزه عدالت در کارها تاکید کند (مراجعه کنید به متی ۱۶: ۶، ۳۲).

موضوع خاص: خمیرمایه

SPECIAL TOPIC: LEAVEN

اصطلاح "خمیرمایه" (عبریان ۱۸، ۱۳a، ۸، BDB 329، KB 329؛ یونانی، *zume*) به دو معنی در عهد عتیق و عهد جدید استفاده می‌شود:

۱. احساس فساد و بنابراین نمادی از شر

a. خروج ۱۲: ۱۵، ۱۹؛ ۱۳: ۳، ۷؛ ۲۳: ۱۸؛ ۳۴: ۲۵؛ لاویان ۲: ۱۱؛ ۶: ۱۷؛ تثنیه ۱۶: ۳

b. متی ۱۶: ۶، ۱۱-۱۲؛ مرقس ۸: ۱۵؛ لوقا ۱۲: ۱؛ غلاطیان ۵: ۹؛ اول قرنتیان ۵: ۶ الی ۸

۲. احساس نفوذ و بنابراین، تصورات نفوذ، نه نمادی از شر

a. لاویان ۷: ۱۳؛ ۲۳: ۱۷؛ عاموس ۴: ۵

b. متی ۱۳: ۳۳؛ لوقا ۲۰-۲۱

فقط متن می تواند معنای این کلمه را مشخص کند (که در مورد همه کلمات صادق است!).

با توجه به موضوع نان بدون خمیرمایه، بنی اسرائیل نتوانستند تا صبح صبر کنند تا نان ورز کند. این جزئیات شب بازگشت باعث شد تا جشن عید پسح با یک عید کشاورزی ترکیب شود (مراجعه کنید به: خروج ۱۲: ۱۵-۲۰؛ ۲۳: ۱۴-۱۷؛ ۳۴: ۱۸).

خمیرمایه نان به طور مرتب در موارد مربوط به قربانی مورد استفاده قرار می گرفت (مراجعه کنید به لاویان ۷: ۱۳؛ ۲۳: ۱۷)، اما بعدا به نمادی از گناه و شورش تبدیل شد. تخمیر به این مفهوم نمادین به عنوان فرصتی برای بررسی اسرائیل به صورت جداگانه قرار گرفت تا جان خود را از هرگونه شورش یا نافرمانی از یهوه، مورد بررسی قرار دهند. همانطور که روز تطهیر (لاویان ۱۶) در سطح ملی عمل می کرد، جشن نان فطیر در سطح فردی یا خانوادگی کار می کرد.

این جشن مورد نیاز سالانه، همراه با جشن پسح، تحویل بخشنده یهوه را همیشه در ذهن و قلب مردم خود نگه داشته است. همانطور که فیض و وعده رستگاری، و رفتن از مصر را داد، بنابراین اسرائیل به این ویژگیهای تغییر ناپذیر الهی وابسته بود تا او را با گذشت سالها نجات دهند (خروج ۱۳: ۸، ۱۴؛ تثیبه ۴: ۹؛ ۶: ۲، ۷، ۲۰-۲۱).

۵: ۱۰ "در خداوند یقین دارم" (در نسخه انگلیسی، "نسبت به شما اطمینان دارم" نوشته شده و این تفسیر بر مبنای متن انگلیسی است-مترجم) این یک زمان اخباری کامل فعال است و دلالت بر این دارد که پولس در گذشته، به مسیحیان غلاطیه اعتماد داشته و همچنان این اعتماد را دارد (مراجعه کنید به دوم قرنتیان ۲: ۳، دوم تسالونیکیان ۳: ۴، فیلمون ۱: ۲۱).

■ "که عقیده دیگری نخواهید داشت" به یادداشت غلاطیان ۴: ۱۲ مراجعه کنید.

NASB "اما کسی که مزاحم شما باشد، حکم خود را خواهد گرفت، هر کس که باشد"

NKJV "اما آن که شما را مشوش می سازد، هر که باشد، به سزای عملش خواهد رسید"

NRSV "اما هر کس این است که شما گنج کننده است، مجازات را پرداخت خواهید کرد"

TEV "و آن مردی که شما را ناراحت کند، هر کس که باشد، توسط خدا مجازات خواهد شد"

NJB "و هرکسی که در آینده برای شما مشکل ایجاد کند، محکوم خواهد شد، مهم نیست که او کیست"

مومنان در برابر خدا مسئولیت دارند، اما می توانند تحت تاثیر قرار بگیرند (مراجعه کنید به غلاطیان ۱: ۷؛ اعمال رسولان ۱۵: ۲۴). شدت مجازات برای کسانی که مومنان جدید خدا را گمراه می کنند را می توان در متی ۱۸: ۶-۷ مشاهده کرد.

۵: ۱۱ "اگر من هنوز ختنه را موعظه می کردم" این یک جمله شرطی نوع اول است که تصور می کند از دیدگاه نویسنده یا برای اهداف ادبی او شرط صادق است (این استفاده نشان می دهد که ساخت و ساز همیشه به واقعیت صحیح نیست). پولس از ساختاری دستوری نسبتا غیر معمولی استفاده می کند تا بگوید "از آنجا که آنها هنوز مرا به موعظه ختنه متهم می کنند"، که ممکن است اشاره ای به

۱. ختنه کردن تیموتائوس توسط او (مراجعه کنید به اعمال رسولان ۱۶: ۳) و عدم تمایل او به ختنه کردن تیتوس (مراجعه کنید به غلاطیان ۲: ۲-۵)

۲. بیانیه پولس در اول قرنتیان ۷: ۱۸ الی ۱۹

پیش زمینه هرچه باشد، پولس یهود زدگان را ناسازگار اعلام می کرد زیرا اگر او ختنه می کرد، باید با شور و شوق او را می پذیرفتند، اما از آنجا که آنها او را تحت تعقیب قرار می دادند، این شاهد خوبی است که او از ختنه کردن غیر یهودیان طرفداری نمی کند.

■ "زیرا در آن صورت، ناخوشایندی صلیب از میان می رفت" (در متن انگلیسی، این عبارت چنین نوشته شده: "پس بلوک لغزان صلیب از بین میرفت" و این تفسیر بر اساس متن انگلیسی است-مترجم) "از میان رفتن" یا "به باد رفتن" [رسوایی] به مفهوم "چوب تله طعمه ای است که برای به دام انداختن حیوانات استفاده می شد". صلیب برای یهود زدگان توهین بود زیرا آنچه را که آنها برای رسیدن به آن سخت تلاش می کردند، به راحتی و آزادانه ارائه می داد (مراجعه کنید به رومیان ۱۰: ۲-۵).

■ "از میان میرفت" (در نسخه انگلیسی کتاب مقدس این آیه به صورت "از میان برده می شد" که زمان مجهول است نوشته شده ولی در ترجمه فارسی، آیه عوض شده و متناسب با آن فعل از مجهول به معلوم تغییر یافته است- مترجم) این زمان اخباری کامل مجهول است. موضوع خاص در غلاطیان ۳: ۱۷ را مطالعه کنید.

"آرزو می کنم که کسانی که شما را آزار می دهند حتی خود را ناقص کنند"	NASB
"من می توانم آرزو کنم کسانی که برای شما مشکل دارند حتی خودشان را تکه تکه کنند"	NKJV
"من آرزو می کنم کسانی که شما را ناراحت می کنند خود را اخته کنند"	NRSV
"در خصوص آنان که شما را مشوش می سازند، کاش که کار را تمام می کردند و خود را یکباره از مردی می انداختند"	TEV
"به کسانی که مزاحم شما میشوند بگویید من می خواهم لغزش چاقورا ببینم"	NJB

"ناقص کردن" به معنای "اخته کردن" استفاده می شود. از تاریخ میدانیم که فرقه *Cybele*، که در استان غلاطیه حضور داشت، کلیه کاهنانشان (مداحان) را اخته می کردند. پولس در حال ختنه را به طعنه اخته می گفت (مانند فیلیپیان ۳: ۲، جایی که او آنها را "سگ" خطاب می کند).

NASB: غلاطیان ۵: ۱۳ الی ۱۵

^{۱۳} ای برادران، شما به آزادی فرا خوانده شده‌اید، اما آزادی خود را فرصتی برای ارضای نفس مسازید، بلکه با محبت، یکدیگر را خدمت کنید.
^{۱۴} زیرا تمام شریعت در یک حکم خلاصه می شود و آن اینکه «همسایهات را همچون خویشتن محبت کن.»^{۱۵} ولی اگر به گزیدن و دریدن یکدیگر ادامه دهید، مواظب باشید که به دست یکدیگر از میان نروید.

۵: ۱۳ " ای برادران، شما به آزادی فرا خوانده شده‌اید " این مرحله جدیدی از استدلال را آغاز می کند. اصطلاح برادران معمولاً تغییر موضوع و شروع یک بحث جدید را نشان می دهد. همانطور که آیات ۱-۱۲ با انحراف قانونگرایی مقابله می کند، غلاطیان ۵: ۱۳-۱۵ با انحراف و انحصارگری مقابله می کنند. ما نباید از آزادی خود به عنوان مجوزی برای تحریک کردن احساس گناه طبیعت بشر گمراه استفاده کنیم (مراجعه کنید به رومیان ۱۴: ۱-۱۵: ۱۳).

"فقط آزادی خود را به فرصتی برای گوشت تبدیل نکنید"	NASB
"فقط از آزادی به عنوان فرصتی برای گوشت استفاده نکنید"	NKJV
"فقط از آزادی خود به عنوان فرصتی برای نفس نفس استفاده نکنید"	NRSV
"اما اجازه ندهید این آزادی بهانه ای شود برای اجازه دادن به خواسته های جسمی شما بر شما حاکم"	TEV
"اما مراقب باشید ، یا این آزادی زمینه را برای خودسوزی فراهم می کند"	NJB

"فرصت" یک اصطلاح نظامی برای یک منطقه نظامی و مورد حمله است (مراجعه کنید به رومیان ۶: ۱-۱۴). چندین ترجمه انگلیسی "گوشت" را با عبارت "طبیعت پائین" ترجمه می کند. این ارائه آخری با استفاده پولس از "گوشت" مطابقت دارد (به موضوع خاص در غلاطیان ۱: ۱۶ مراجعه کنید) در این متن به عنوان ویژگیهای طبیعی بشریت که از زمان سقوط به سوی خود گرایش پیدا کرده اند، در پیدایش ۳ ثبت شده است. قطبی شدن بین طبیعت آدمی و زندگی روحانی به رهبری روح در رومیان ۸: ۱ الی ۱۱ بیان شده است.

■ "بلکه با محبت، یکدیگر را خدمت کنید" (در نسخه انگلیسی "با عشق" نوشته شده و این تفسیر بر اساس متن انگلیسی است-مترجم) این فعل حال امری فعال است. پیش از این پولس ادعا می کرد که آنها نباید برده قانونگرایی باشند، اما او اکنون این امر را با این دستور وفق می دهد که باید با عشق برده یکدیگر باشند. (مراجعه کنید به غلاطیان ۵: ۶؛ یوحنا ۱۳: ۳۴ الی ۳۵؛ افسسیان ۵: ۲۱؛ فیلیپیان ۲: ۳-۴). کل این متن جمعی است (کلیسا)، و نه فردی (مراجعه کنید به *To What End Exegesis*, Gordon D. Fee، صفحات ۱۵۴-۱۷۲). تفسیر مدرن غربی عمیقاً تحت تاثیر فردگرایی قرار گرفته است. کتاب مقدس در درجه اول یک کتاب مشارکتی است.

"زیرا کل قانون با یک کلمه تحقق می یابد"	NASB
"زیرا همه قانون با یک کلمه انجام می شود"	NKJV
"زیرا کل قانون در یک فرمان واحد خلاصه می شود"	NRSV
"زیرا تمام شریعت در یک حکم خلاصه می شود"	TEV
"از آنجا که کل قانون در یک دستور واحد خلاصه می شود"	NJB

همین حقیقت در رومیان ۱۳: ۸؛ یعقوب ۲: ۸ بیان شده است. این همان "قانون" است همانطور که اراده نازل شده خداست (مراجعه کنید به متی ۵: ۲۰-۱۷)، نه یک سیستم رستگاری. هنوز هم عملکرد مناسبی برای عهد عتیق در مسیحیت وجود دارد! این یک نقل قول از لویان ۱۹: ۱۸ از *Septuagint* بیان شده است. این ممکن است به عنوان یک خلاصه برای ربی‌ها در مورد هدف از قانون عمل کرده باشد. همچنین توسط مسیح به روش بسیار مشابهی در متی ۵: ۴۳-۴۸؛ ۲۲: ۳۹ و در مرقس ۱۲: ۲۹-۳۱؛ لوقا ۱۰: ۲۵-۲۸ مورد استفاده قرار گرفت. این یک فعل زمان کامل است، که بر اوج یک عمل گذشته به وضعیت یا شرایط مداوم تاکید می‌کند. این را می‌توان به عنوان (۱) خلاصه قانون یا (۲) اجرای قانون درک کرد.

۱۵: ۵ این یک جمله شرطی نوع اول است که تصور می‌کند از دیدگاه نویسنده یا برای اهداف ادبی او شرط درست است. در این آیه از تصاویر خشونت آمیز توصیف حیوانات وحشی که در حال بلعیدن یکدیگر هستند، استفاده شده است که تصویری از واقعیت وحشتناک معلمان دروغین در کلیساهای غلطیه بوده است. این تعبیر با همان بیان قدرتمند در غلاطیان ۵: ۲۶ تقویت می‌شود. این یک مشکل جمعی است، نه یک تمرکز فردی.

NASB: غلاطیان ۵: ۱۶ الی ۲۴

۱۶ اما می‌گویم به روح رفتار کنید که تمایلات نفس را به جا نخواهید آورد. ^{۱۷} زیرا تمایلات نفس برخلاف روح است و تمایلات روح برخلاف نفس؛ و این دو بر ضد هم‌اند، به گونه‌ای که دیگر نمی‌توانید هرآنچه را که می‌خواهید، به جا آورید. ^{۱۸} اما اگر از روح هدایت شوید، دیگر زیر شریعت نخواهید بود.

۱۹ اعمال نفس روشن است: بی‌عفتی، ناپاکی، و هرزگی؛ ^{۲۰} بت‌پرستی و جادوگری؛ دشمنی، ستیزه‌جویی، رشک، خشم؛ جاه‌طلبی، نفاق، دسته‌بندی، ^{۲۱} حسد؛ مستی، عیاشی و مانند اینها. چنانکه پیشتر به شما هشدار دادم، باز می‌گویم که کنندگان چنین کارها پادشاهی خدا را به میراث نخواهند برد.

۲۲ اما ثمره روح، محبت، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکویی، وفاداری، ^{۲۳} فروتنی و خویش‌اندازی است. هیچ شریعتی مخالف اینها نیست.

۲۴ آنان که به مسیح عیسی تعلق دارند، نفس را با همه هوسها و تمایلاتش بر صلیب کشیده‌اند.

۱۶: ۵ "به روح رفتار کنید (در نسخه انگلیسی "توسط روح گام بردارید" نوشته شده و این تفسیر بر اساس متن انگلیسی است-مترجم) " یک زمان حال امری فعال است، پولس از غلاطیان خواست تا زندگی را به صورت فوق طبیعی و به طور مداوم تحت کنترل روح خدا کنترل کنند (مراجعه کنید به افسسیان ۴: ۱، ۱۷؛ ۵: ۲، ۱۵-۱۸). یک ایده اصلی در غلاطیان این بود که روح است که نجات اولیه را به ارمغان می‌آورد. بنابراین، این آیه به معنای آن چیزی است که توسط روح آغاز شده است. اصطلاح مربوط به "قانون روح"، رومیان ۸: ۱ و در غلاطیان ۵: ۱۸ مصداق دارد، دقیقاً مشابه "قانون مسیح" در اول قرن‌تین ۹: ۲۱ و یعقوب ۱: ۲۵؛ ۲: ۸، ۱۲ است. قانون عشق به دیگران و همچنین خود خدمت می‌کند (فیلیپیان ۲: ۱-۴).

■ "تمایلات نفس را به جا نخواهید آورد" قوی‌ترین نفی ممکن در یونان کوبین از نفی مضاعف با وجه وصفی آنوریست استفاده می‌کند، این به معنی "هرگز تحت هیچ شرایطی" است. در این آیه یافت می‌شود و پس از آن کلمه‌ای بسیار قوی یونانی برای "شکرگزاری" آمده است. زندگی مسیحیان و نجات ابدی منشا ماورا طبیعی دارند. مومنان نه تنها نجات داده می‌شوند بلکه به مسیحیت فراخوانده می‌شوند. تقابل "گوشت" و "روح" در پولس متداول است (مراجعه کنید به رومیان ۸: ۱-۱۱). "گوشت" [*Sarx*] توسط پل به کار رفته است: (۱) بدن جسمی و (۲) ماهیت افتاده، گناه آلود و انسانی آدمی. در اینجا آشکارا شماره ۲ است. موضوع خاص: گوشت (*Sarx*) را در غلاطیان ۱: ۱۶ مشاهده کنید.

۱۷: ۵ این تقابل بین دو روش زندگی در رومیان ۸: ۱-۱۱ نیز یافت می‌شود. پولس دو راه فرض نجات را ارائه داد: (۱) تلاش انسان و (۲) فضل آزاد خدا در مسیح. پس دو راه برای زندگی یک خدادادی وجود دارد: (۱) تلاش انسان (که تحت تاثیر سقوط است) و (۲) قدرت آزاد خدا در روح. یهود زدگان تلاشهای بشری را هم در نجات و هم در زندگی مسیحیان مدعی بودند، اما پولس تایید ماورا طبیعی خدا را در هر دو مورد ادعا می‌کرد.

۱۸: ۵ "اما اگر از روح هدایت شوید" این یک جمله شرطی نوع اول است که از دیدگاه نویسنده یا برای اهداف ادبی او شرط درست است. کسانی که توسط روح رهبری می‌شوند، مشمول قانون نیستند (مراجعه کنید به رومیان ۶: ۱۴؛ ۷: ۴، ۶). این بدان معنا نیست که مسیحیان گناه نخواهند کرد (مراجعه کنید به رومیان ۷ و اول یوحنا ۲: ۱)، بلکه بیشتر این است که زندگی آنها با شورش مشخص نمی‌شود (اول یوحنا ۳: ۶، ۹).

■ "دیگر زیر شریعت نخواهید بود" هیچ حرف تعریفی در متن یونانی پیش از "شریعت" نیست، بنابراین ممکن است این کلمه مفهوم وسیع‌تری نسبت به شریعت یهود داشته باشد. در اینجا قانون دارای روشی است که از زندگی برای نزدیک شدن به خدا استفاده می‌شود. در اینجا دوباره تضاد بین دو راه رضایت یا قابل قبول برای خدا وجود دارد: تلاش خود و فضل آزاد خدا.

۱۹: ۵ "اعمال نفس روشن است" بسیاری از مفسران، چندین دسته مجزا را در این فهرست گناهان مشاهده می‌کنند. با این حال، در اینجا وحدت وجود دارد که اساساً بر زیاده‌خواهی عبادتهای مشرکان مبتنی است. مردم خود را با اعمال و انگیزه‌های خود نشان می‌دهند (مراجعه کنید به متی ۷: ۱۶، ۲۰؛

۱۲: ۳۳). نتایج سقوط در گزینه‌های سبک زندگی ما دیده می‌شود.

KJV اصطلاح زنا را به این لیست اضافه می‌کند. این فقط توسط نسخه یونانی Codex Bezae, D پشتیبانی می‌شود، که از قرن ششم هجری قمری است. همچنین در برخی از نسخ خطی قدیمی لاتین و Vulgate گنجانده شده است. برای "گوشت" موضوع خاص را در غلاطیان ۱: ۱۶ ببینید.

موضوع خاص: فساد و تقوا در عهد جدید

(SPECIAL TOPIC: VICES AND VIRTUES IN THE NT)

فهرستهای هم تقواها و هم گناهان در عهد جدید مشترک هستند. اغلب آنها منعکس کننده فهرستهای فرهنگی و ربی هستند. فهرستهای عهد عتیق که مشخصه‌های متضاد آنها را بیان می‌دارد به شرح زیر است:

تقواها	فسادها	
----	رومیان ۱: ۲۸ الی ۳۲	۱. پولس
رومیان ۱۲: ۹ الی ۲۱	رومیان ۱۳: ۱۳	
---	اول قرنتیان ۵: ۹ الی ۱۱	
اول قرنتیان ۶: ۶ الی ۹	اول قرنتیان ۶: ۱۰	
دوم قرنتیان ۶: ۴ الی ۱۰	دوم قرنتیان ۱۲: ۲۰	
غلاطیان ۵: ۲۲ الی ۲۳	غلاطیان ۵: ۱۹ الی ۲۱	
---	افسیسیان ۴: ۲۵ الی ۳۲	
---	افسیسیان ۵: ۳ الی ۵	
فیلیپیان ۴: ۸ الی ۹	---	
کولسیان ۳: ۱۲ الی ۱۴	کولسیان ۳: ۵ و ۸	
---	اول تیموتائوس ۱: ۹ الی ۱۰	
---	اول تیموتائوس ۶: ۴ الی ۵	
دوم تیموتائوس ۲: ۲۲ ب و ۲۴	دوم تیموتائوس ۲: ۲۲ الف و ۲۳	
تیتوس ۱: ۸ الی ۹ و ۳: ۱ الی ۲	تیتوس ۱: ۷ و ۳: ۳	
یعقوب ۳: ۱۷ الی ۱۸	یعقوب ۳: ۱۵ الی ۱۶	۲. یعقوب
اول پطرس ۴: ۷ الی ۱۱	اول پطرس ۴: ۳	۳. پطرس
دوم پطرس ۱: ۵ الی ۸	دوم پطرس ۱: ۹	
---	مکاشفه ۲۱: ۸، ۲۲: ۱۵	۴. یوحنا

"بی اخلاقی، ناخالصی" NASB

"زنا، نجس بودن" NKJV

"زنا، ناخالصی" NRSV

"غیراخلاقی، کتیف" TEV

"زنا، زشت ناخوشایند" NJB

این اصطلاح اول یونانی [*porneia*] در ابتدا به معنای "زنا" بود، اما به طور کلی برای ناهنجاری جنسی مورد استفاده قرار گرفت (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۶: ۹). اصطلاح انگلیسی پورنوگرافی را از این واژه یونانی دریافت می‌کنیم. اصطلاح دوم [*akatharsia*]، "ناخالصی" نیز یک اصطلاح کلی برای ناسازگاری جنسی است، اگرچه در اصل در عهد عتیق به معنای نجس بودن یا نجس اخلاقی استفاده می‌شد. پولس معنای دوم را در نظر داشت.

"حسی" NASB

"جواز" NKJV, NRSV

"و اقدامات نامشخص" TEV

"بی مسئولیت جنسی" NJB

این دلالت بر برطرف کردن تمایلات جنسی از افکار عمومی می کند (مراجعه کنید به دوم قرتیان ۱۲: ۲۱). این نوع فعالیت‌های جنسی هیچ محدودیتی و مهار اجتماعی نداشت. پرستش کفار با فعالیت‌های جنسی مشخص می‌شد (مانند بعضی از معلمان دروغین عرفان، مراجعه کنید به اول تیموتائوس ۱: ۱۰؛ دوم تیموتائوس ۳: ۶؛ تیتوس ۳: ۳).

۵: ۲۰ "بت پرستی" این به پرستش هر چیزی به جای خدا اشاره دارد (مراجعه کنید به اول قرتیان ۱۰: ۱۴؛ افسسیان ۵: ۵؛ کولسیان ۳: ۵؛ اول پطرس ۴: ۳). این امر به ویژه مربوط به اعمال عبادی با مجسمه‌ها یا اشیاء بی جان است.

■ "جادوگری" این اصطلاح یونانی *pharmakia* بود که از آن کلمه انگلیسی "*pharmacy*" گرفته شده است. جادوگری شاید به استفاده از مواد مخدر برای القاء یک تجربه مذهبی اشاره کرده باشد. بعداً برای هر نوع جادویی مورد استفاده قرار گرفت.

NASB "دشمنی، ستیزه‌جویی، رشک، خشم؛ جاه‌طلبی، نفاق، دسته‌بندی"

NKJV "نفرت، اعتراضات، حسادت، طغیان غضب، جاه‌طلبی خودخواهانه، اختلافات، بدعت‌ها"

NRSV "دشمنی، نزاع، حسادت، عصبانیت، نزاع‌ها، اختلافات، جناح‌ها"

TEV "مردم دشمن می‌شوند و می‌جنگند، آنها به حسادت، عصبانی و جاه‌طلب تبدیل می‌شوند"

NJB "نزاع و مشاجره، حسادت، بد اخلاقیها و نزاع‌ها؛ اختلافات، جناح‌ها"

این طرز تفکر، نگرش‌ها و اقدامات افراد خشمگین، افتاده، خودخواه را توصیف می‌کند. ۵: ۱۵ و ۲۶ را به خاطر بسپارید.

■ "دشمنی" این کلمه (*echthra*) شرط خصمانه بودن با مردم را توصیف می‌کند

■ "نزاع" این به معنی "مبارزه برای جایزه" است.

■ "حسادت" این کلمه (*zēlos*) می‌تواند دارای مفهوم مثبت یا منفی باشد، اما در این متن به معنی "خودمحوری" است.

■ "طغیان غضب" این اصطلاح یونانی (*thumos*) به معنای "طغیان ناگهانی، غیرقابل کنترل" است.

■ "نزاع‌ها" این به معنای تعارضات مبتنی بر خودخواهی یا جاه‌طلبی است که هیچ محدودیتی در آن نمی‌شناسد.

■ "اختلافات، جناح‌ها" این دو اصطلاح با هم جمع می‌شوند. آنها تقسیم‌بندی‌های جزئی‌گرایانه واقعی را در یک گروه بزرگتر، چیزی که شبیه احزاب سیاسی است، توصیف می‌کنند. از آن برای توصیف کلیساها، مانند کلیسای قرن‌تس استفاده می‌شود (مراجعه کنید به اول قرتیان ۱: ۱۰ الی ۱۳: ۱۱؛ ۱۹: ۱۹؛ دوم قرتیان ۱۲: ۲۰).

۵: ۲۱ "حسد" یک ضرب‌المثل رایج رواقی می‌گوید: "حسادت عزاداری بخاطر خوبی دیگری است." برخی از نسخ خطی قدیمی یونانی پس از کلمه "حسادت" کلمه "قاتلین" را اضافه می‌کنند. در دست‌نوشته‌های A, C, D, G, K, P و گنجانده شده است، اما در P⁴⁶، B و N. از این مطالعه مستثنی است. در نوشتارهای بدعت‌گزاران Marcion اولیه و پدران اولیه کلیسا، Irnaeus، کلمت اسکندریه، اورینگن، کرایستوم، جروم و آگوستین نیز مستثنی است. کاتبین ممکن است آن را از رومیان ۱: ۲۹ اضافه کرده باشند.

■ "مستی و عیاشی" این دو کلمه آخر، ارجیهای مستانه را که مربوط به پرستش بت هستند، توصیف می‌کند (مراجعه کنید به اول قرتیان ۶: ۹).

■ "و مانند اینها" این عبارت نشان می‌دهد که این لیست جامع نیست، بلکه نمونه است (مراجعه کنید به اول قرتیان ۶: ۹ الی ۱۰: ۱۰؛ افسسیان ۵: ۵). به عنوان یک هشدار، این ممکن است به مناسبت قبلی موعظه‌های پولس به غلاطیه را یادآوری کند. این آیه، در کنار اول یوحنا ۵: ۱۶، منبع تمایز کاتولیک روم بین گناهان فانی و قابل بخشش است. با این حال، این تعبیر با توجه به تعاریف همپوشانی این اصطلاحات، و همچنین این واقعیت که این گناهان حتی توسط مسیحیان مرتکب می‌شوند، بسیار مشکوک است. این آیات هشدار می‌دهند که اگر چه مسیحیان می‌توانند در این زمینه‌ها گناه کنند و هنوز هم نجات یابند، اگر زندگی آنها توسط این گناهان مشخص شود یا تحت سلطه آنها قرار گیرند، آنها واقعا موجودات جدیدی در طریق مسیح نشده‌اند (اول یوحنا ۳: ۶، ۹).

■ "چنانکه پیشتر به شما هشدار دادم، باز می‌گویم که کنندگان چنین کارها پادشاهی خدا را به میراث نخواهند برد" انتخاب سبک زندگی، قلب را

آشکار می‌کند. کسانی که واقعا نجات یافته‌اند، هنوز با گناه می‌جنگند، اما زندگی آنها با گناه مشخص نمی‌شود (اول یوحنا ۳: ۶، ۹). اینگونه نیست که این گناهان قابل بخشش نباشند یا مسیحیان واقعی مرتکب این گناهان نشوند، بلکه این است که در یک مومن واقعی روند مسیحیت آغاز شده است. روح، که مومنین را به مسیح جلب کرد، اکنون مسیح را در آنها شکل می‌دهد (مراجعه کنید به غلاطیان ۴: ۱۹؛ یوحنا ۱۶: ۸-۱۳). کلام عیسی در مورد سبک زندگی مومنان در متی ۷ کاملاً واضح بود، "با میوه‌هایشان، آنها را می‌شناسید" و یوحنا ۱۵.

"پادشاهی خدا" موضوع خطبه‌های اول و آخر عیسی و بیشتر مثل‌های اوست. سلطنت خدا در قلب مردان اکنون روزی در تمام زمین مصرف خواهد شد (رجوع کنید به متی ۶: ۱۰؛ اول قرنتیان ۶: ۹ الی ۱۰؛ افسسیان ۵: ۵).

موضوع خاص: پادشاهی خدا

(SPECIAL TOPIC: THE KINGDOM OF GOD)

در عهد عتیق یهوه به عنوان پادشاه اسرائیل تصور می‌شد (مراجعه شود به اول سموئیل ۸: ۷، مزامیر ۱۰: ۱۶، ۲۴: ۷ الی ۹، ۲۹: ۱۰، ۴۴: ۴، ۸۹: ۱۸، ۹۵: ۳، اشعیا ۴۳: ۱۵، ۴۴: ۶) و مسیح به عنوان پادشاه ایده‌آل معرفی می‌گشت (مراجعه شود به مزامیر ۲: ۶، اشعیا ۹: ۶ الی ۷، ۱۱: ۱ الی ۵). با تولد عیسی در بیت‌الحم (۶ الی ۴ قبل از میلاد) پادشاهی خدا با قدرت جدید و رستگاری ("پیمان جدید"، مراجعه شود به ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۳۶: ۲۷ الی ۳۶) وارد تاریخ انسانی شد.

۱. یحیی تعمید دهنده نزدیک بودن پادشاهی خدا را اعلام کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۲، انجیل مرقس ۱: ۱۵).

۲. عیسی به وضوح تعلیم می‌داد که پادشاهی در او و در تعالیم او هستند (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۱۷ و ۲۳، ۱۰: ۷، ۱۲: ۲۸، انجیل لوقا ۱۰: ۹ و ۱۱، ۱۱: ۲۰، ۱۷: ۲۱، ۲۱: ۳۱ الی ۳۲). با این حال، پادشاهی در آینده است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶: ۲۸، ۲۴: ۱۴، ۲۶: ۲۹، انجیل مرقس ۹: ۱، انجیل لوقا ۲۱: ۳۱، ۲۲: ۱۶ و ۱۸).

در همسوه‌های سایر اناجیل در انجیل مرقس و انجیل لوقا عبارت "پادشاهی خدا" را می‌بینیم. این موضوع متداول در تعالیم عیسی بود که شامل قلمرو حال حاضر در قلب انسان، که روزی در تمامی زمین تحقق خواهد یافت بود. این در دعای عیسی در انجیل متی ۶: ۱۰ منعکس شده است. متی، در نوشته‌هایش برای یهودیان ترجیح داد که از نام خدا استفاده نکند و به جای آن عبارت "پادشاهی بهشت" را استفاده کرد، در حالیکه مرقس و لوقا که برای پیروان سایر ادیان و کفار می‌نوشتند، از عنوان متداول، که نام خدا بود استفاده کردند.

این یک عبارت کلیدی در سایر اناجیل است. عیسی در اولین و آخرین موعظه‌اش، و بیشتر تمثیلهایش، روی این موضوع صحبت می‌کرد. اشاره به قلمرو حکومت خدا در حال حاضر در قلب انسانها دارد! حیرت‌انگیز است که یوحنا از این عبارت فقط دو مرتبه استفاده کرده است (و هرگز در تمثیلهای عیسی نیاورده است). در انجیل یوحنا، حیات جاویدان استعاره کلیدی است.

دو بار آمدن عیسی در این عبارت تنش ایجاد می‌کند. عهد عتیق فقط بر یک مرتبه آمدن مسیح تمرکز دارد - یک آمدن نظامی، داوری‌کننده و باشکوه - ولی عهد جدید آمدن او را در مرحله اول به عنوان خادم رنج کشیده اشعیا ۵۳ و پادشاه فروتن زکریا ۹: ۹ نشان می‌دهد. دو عصر یهود (به موضوع خاص: این عصر و عصری که خواهد آمد مراجعه کنید) عصر شرارت و عصر پارسایی و صداقت همپوشانی می‌شوند. عیسی در حال حاضر در قلبهای مومنین حکومت می‌کند، ولی روزی بر تمامی مخلوقات حکومت خواهد کرد. او همان گونه که عهد عتیق پیش‌گویی کرده خواهد آمد (مراجعه شود به مکاشفه ۱۹)! مومنین در پادشاهی خدا که از "قبل وجود داشته" در برابر "هنوز نیامده" زندگی می‌کنند (مراجعه شود به Gordon D. Fee and Douglas Stuart's *How to Read The Bible For All Its Worth* صفحات ۱۳۱ الی ۱۳۴).

۵: ۲۲ "اما ثمره روح، ... است" پولس تلاش بشر را کارهای گوشتی توصیف کرد، اما او زندگی مسیحیان را "میوه" (پیدایش یوحنا ۱۵) یا محصول روح توصیف کرد. بدین ترتیب او دین متمرکز انسان و دین متمرکز بر مافوق طبیعی را متمایز کرد. بدیهی است که میوه روح و هدایای روح متفاوت است. در حالی که هدایای معنوی به هر مومن در هنگام نجات داده می‌شود (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۱۲: ۷ و ۱۱)، میوه استعاره دیگری برای توصیف انگیزه‌ها، نگرشها و سبک زندگی عیسی مسیح است. همانطور که هدایا توزیع بشارتهای مختلف مسیح در بدن مسیح هستند، ثمره نگرش جمعی مسیح در انجام این هدایا نهفته است. داشتن هدایای موثر و داشتن نگرشی شبیه به مسیح ممکن است.

بنابراین، بلوغ شبیه مسیحیت، که میوه روح به ارمغان می‌آورد، با هدایای مختلف روح، جلوه‌ای عالی به خداوند می‌بخشد. این هر دو با پر کردن روح حاصل می‌شود (مراجعه کنید به افسسیان ۵: ۱۸).

همچنین جالب است که توجه داشته باشید که میوه در این آیه مفرد است. استفاده از مفرد از دو طریق قابل درک است: (۱) عشق، ثمره روح است که با اصطلاحات گوناگون پیروی می‌شود. یا (۲) یک مفرد جمعی مانند "دانه" است.

■ "عشق" این شکل یونانی برای عشق، *agapē*، توسط کلیسای اولیه عشق به خود خدا به شکلی منحصر به فرد مورد استفاده قرار گرفت. این اسم اغلب در یونانی کلاسیک استفاده نمی‌شد. کلیسا آن را به معنای جدید الفا کرد تا عشق ویژه خدا را توصیف کند. عشق در اینجا از نظر کلامی مشابه تردید است (BDB 338)، وفاداری و عشق به میثاق خدا، در عهد عتیق.

■ "شادی" شادی یک نگرش به زندگی است که بدون توجه به شرایط، به دلیل کسی که در طریق مسیح هستیم خوشحال می‌شویم (مراجعه کنید به رومیان ۱۴: ۱۷؛ اول تسالونیکیان ۱: ۶؛ ۵: ۱۶؛ یهودا ۲۴).

■ "آرامش" آرامش میتواند به این معانی باشد

۱. احساس خوب بودن ما به دلیل ارتباط ما با مسیح
۲. جهان بینی جدید ما مبتنی بر مکاشفه خداوند است که به شرایط بستگی ندارد
۳. آرامش در روابط ما با افراد دیگر، به خصوص مومنان (مراجعه کنید به یوحنا ۱۴: ۲۷؛ رومیان ۵: ۱؛ فیلیپیان ۴: ۷)

آرامش با خدا باعث آرامش در درون و بدون آن می‌شود (یعنی برادران و خواهران هم پیمان).

■ "صبر" صبر طاقت فرسا حتی در مواجهه با فتنه مناسب بود. این ویژگی خدای پدر بود (مراجعه کنید به رومیان ۲: ۴؛ ۹: ۲۲؛ اول تیموتائوس ۱: ۱۸؛ اول پطرس ۳: ۲۰). همانطور که خدا در برابر ما صبور بود، ما نیز باید در برابر افراد دیگر صبور باشیم (مراجعه کنید به افسسیان ۴: ۲-۳)، خصوصاً مومنان (مراجعه کنید به غلاطیان ۶: ۱۰).

■ "مهربانی، نیکویی" "مهربانی" نه تنها زندگی عیسی را توصیف می‌کند، بلکه یوغ او را نیز توصیف می‌نماید. این دو اصطلاح در کنار هم، یک نگرش مثبت، باز و پذیرش نسبت به دیگران، به ویژه مومنان را توصیف می‌کنند (مراجعه کنید به غلاطیان ۶: ۱۰).

■ "وفاداری" *Pistis* در عهد عتیق برای وفاداری و اعتماد به نفس استفاده می‌شود. این معمولاً برای خدا استفاده می‌شد (مراجعه کنید به رومیان ۳: ۳). در اینجا توصیف روابط جدید مومن با افراد، به ویژه مومنان است.

۵: ۲۳ "فروتنی" (در نسخه انگلیسی اصطلاح "ملایمت" به کار رفته و این تفسیر در رابطه با متن انگلیسی است- مترجم) بعضی اوقات که به عنوان "ظرافت" ترجمه می‌شود، *praotes* مشخصه روحیه مطیع است. این استعاره‌ای است که از حیوانات اهلی گرفته شده است. نجابت در لیست فضیلت‌های یونانی یا رواقی قرار نگرفت، زیرا یونانیان آن را ضعف می‌دیدند. این یک مسیحی منحصر به فرد است (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۴: ۲۱؛ دوم قرنتیان ۱۰: ۱؛ افسسیان ۴: ۲؛ کولسیان ۳: ۱۲؛ اول تیموتائوس ۶: ۱۱؛ دوم تیموتائوس ۲: ۲۵؛ تیتوس ۳: ۲) این هم برای موسی (مراجعه کنید به اعداد ۱۲: ۳) و عیسی استفاده می‌شود (متی ۱۱: ۲۹؛ ۲۱: ۵).

■ "خوبشستن داری" سنگ بنای این لیست، خوبشستن داری، بلوغ مسیحی را مشخص می‌کند (مراجعه کنید به اعمال رسولان ۲۴: ۲۴؛ تیتوس ۱: ۸؛ دوم پطرس ۱: ۶). این اصطلاح در اول قرنتیان ۷: ۹ برای کنترل انگیزه جنسی استفاده شده است و می‌تواند در اینجا اشاره به لیست سوءاستفاده های جنسی عبادات بت پرستان، باشد.

■ "هیچ شریعتی مخالف اینها نیست" یک قانون درونی جدید در زندگی مومن وجود دارد که حضور خود را با زندگی خداپسندانه نشان می‌دهد (مراجعه کنید به رومیان ۶: ۱۹؛ یعقوب ۱: ۲۵؛ ۲: ۸، ۱۲). این دقیقاً هدف پیمان جدید است (مراجعه کنید به ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴ و حزقیال ۳۶: ۲۲-۳۲). همانند مسیح بودن هدف خدا برای هر مسیحی است (مراجعه کنید به رومیان ۸: ۲۸-۲۹؛ غلاطیان ۴: ۱۹؛ افسسیان ۱: ۴).

۵: ۲۴ "آنان که به مسیح عیسی تعلق دارند، نفس را با همه هوسها و تمایلاتش بر صلیب کشیده‌اند" این یک آئوریست فعال اخباری است که از انجام عملی در زمان گذشته صحبت می‌کند. این بخش و سایر مواردی که دلالت بر اتحاد عرفانی دارند، می‌توانند در دسته بندیهای کلامی تفسیر شوند (مراجعه کنید به رومیان ۶: ۶). در سراسر کتاب غلاطیان، به ویژه ۲: ۲۰، از "صلیب" برای توصیف رابطه ما با شریعت استفاده می‌شود. هنگامی که ما پیشنهاد نعمت رایگان خدا در طریق مسیح را به عنوان تنها وسیله نجات خود بپذیریم، قاطعانه خود را از شر طبیعت گمراه و سیستم جهانی سقوط کرده دور می‌کنیم. این تصمیم شخصی برای بریدن خود، استعاره کتاب مقدس "مصلوب شدن" است که در غلاطیان ۲: ۲۰؛ ۵: ۲۴ و ۶: ۱۴ مشاهده می‌شود.

این اغلب به عنوان "مرگ بر خود" توصیف می‌شود. خداوند ما را به صورت جداگانه ساخته است (مراجعه کنید به مزامیر ۱۳۹) تا به او خدمت کنیم و نه خودمان (مراجعه کنید به رومیان ۶). این زندگی جدید در طریق مسیح به معنای مرگ شیوه زندگی متمرد انسان متکبر است (مراجعه کنید به غلاطیان ۲: ۲۰؛ رومیان ۶: ۱۱؛ دوم قرنتیان ۵: ۱۴-۱۵؛ اول یوحنا ۳: ۱۶).

برای "گوشت" موضوع خاص را در غلاطیان ۱: ۱۶ ببینید.

■ "با همه هوسها و تمایلاتش" یونانیان بدن را به عنوان منبع گناه می شناختند زیرا آنها وحی ماورایی در مورد خلقت و سقوط بشر نداشتند (مراجعه کنید به پیدایش ۱-۳). بنابراین، آنها بدن جسمی که از نظر اخلاقی خنثی بود را به خاطر شر سرزنش می کنند. مومنان از پولس درمی یابند که بدن از نظر اخلاقی خنثی است (مراجعه کنید به رومیان ۴: ۱؛ ۹: ۳؛ اول قرنتیان ۱۰: ۱۸). عیسی بدن واقعی انسانی داشت (مراجعه کنید به یوحنا ۱: ۱۴؛ رومیان ۱: ۳؛ ۹: ۵). خوب بودن یا شرارت آن بستگی به نحوه استفاده از آن برای خدا یا شر دارد. هنگامی که ما ایمان آوریم، باید گرایشهای افتاده و خود-محور خود را به قدرت روح القدس تسلیم کنیم (مراجعه کنید به رومیان ۷ و اول یوحنا ۲: ۱).

NASB: غلاطیان ۵: ۲۵ الی ۲۶

۲۵ اگر به روح زیست می کنیم، به روح نیز رفتار کنیم. ۲۶ خودپسند نباشیم و از به خشم آوردن یکدیگر و حسادت نسبت به هم دست برداریم.

۵: ۲۵ "اگر به روح زیست می کنیم، به روح نیز رفتار کنیم" این یک جمله شرطی نوع اول است که تصور می شود از دیدگاه نویسنده یا برای اهداف ادبی او شرط درست است. این بخش را به طور کلی خلاصه می کند. از آنجا که به مومنین فضل رایگان داده می شود، آنها باید زندگی مناسبی داشته باشند (مراجعه کنید به افسسیان ۴: ۱، ۱۷؛ ۵: ۲، ۱۵-۲۱).

■ این همسو با غلاطیان ۵: ۱۵ است و عواقب وحشتناک آموزه های دروغین یهود زدگان در بین کلیساهای غلاطیه و عدم کنترل روح در نگرشهای مخرب بین جمعیت را نشان می دهد.

سوالات بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. فصل پنجم را در ارتباط با بقیه غلاطیان خلاصه کنید.
۲. آزادی و معنای زندگی مسیحیان را توضیح دهید.
۳. معنی متنی عبارت جمع بندی آیه ۴ را توضیح دهید.
۴. چگونه یک پیام خوش که آزادانه به ما پیشنهاد می شود، سبک زندگی ما را کنترل می کند؟
۵. پیامدهای آیات ۱۵ و ۲۶ برای کلیسا امروز چیست؟
۶. آیا آیات ۱۹-۲۱ کلیساهای غلاطیه را توصیف می کند یا تمایل به عبادات بت پرستی را؟
۷. چگونه هدایای روح با میوه روح مرتبط است؟

غلاطیان ۶

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
بارهای سنگین یکدیگر را حمل کنید ۱۰ الی ۱: ۶	تحمل کردن آنها و به اشتراک گذاشتن بارها ۱: ۶ الی ۵	مشخصات ویژه در استفاده از آزادی مسیحی ۱: ۶ الی ۵	بارهای سنگین یکدیگر را حمل کنید ۱: ۶ الی ۵	با مهربانی و استقامت ۱: ۶ الی ۵
	سخت‌ترند باشید و کارهای نیک انجام دهید ۶: ۶			۶: ۶ الی ۱۰
		۶: ۶	۶: ۶	
		۱۰ الی ۷: ۶	۱۰ الی ۷: ۶	
هشدار نهایی و نیایش ۱۶ الی ۱۱: ۶	جلال فقط بر صلیب ۱۱ الی ۱۵: ۶	نوشته‌های خود پولس ۱۱ الی ۱۶: ۶	اخطار نهایی و تهنیت ۱۱ الی ۱۶: ۶	ضمیمه ۱۱ الی ۱۶: ۶
	برکت و دعا ۱۶ الی ۱۸: ۶			
۱۷: ۶		۱۷: ۶	۱۷: ۶	۱۷: ۶
۱۸: ۶		۱۸: ۶	۱۸: ۶	۱۸: ۶

* تقسیم‌بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگرافها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری میباشد. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگرافها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخ جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: انتقادات متنی و واژه‌نامه.

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور خود راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم و غیره

۴. و غیره

بینش متنی

A. غلاطیان ۵: ۱-۶: ۱۰ جنبه عملی انجیل رایگان رادیکال پولس مسیح است که از طریق عشق و لطف خدا و پاسخ از روی ایمان و توبه در اختیار مومنان قرار گرفته است.

۱. غلاطیان ۵: ۱-۵ دستورالعمل خاصی در مورد نحوه برخورد با یک برادر مسیحی گناهکار ارائه می‌دهد.

۲. غلاطیان ۶: ۱-۱۰ دو تا از به یادماندنی‌ترین نقل قولها در عهد جدید است. برخی آن را مجموعه‌ای از حقایق نامربوط می‌دانند. برخی

دیگر آن را یک واحد ادبی می‌دانند که مربوط به استفاده مومنان از پول است.

B. غلاطیان ۶: ۱۲-۱۶ خلاصه‌ای از کل نامه است.

C. جمع‌بندی کوتاه پولس در غلاطیان ۶: ۱۷-۱۸ یادآور نامه چرخه‌ای خود، افسسیان است، جایی که تریک گفتن و سلام‌ها غالباً وجود ندارد. به یاد داشته باشید که کتاب غلاطیان برای چندین کلیسا در یک منطقه جغرافیایی نوشته شده است.

مطالعه عبارت و کلام

NASB: غلاطیان ۶: ۱ الی ۵

ای برادران، اگر کسی به گناهی گرفتار شود، شما که روحانی هستید او را با ملایمت به راه راست بازگردانید. در عین حال، به هوش باش که خود نیز در وسوسه نیفتی. ^۲ بارهای سنگین یکدیگر را حمل کنید که این‌گونه شریعت مسیح را به جا خواهید آورد. ^۳ زیرا اگر کسی خویشتن را فرد برجسته‌ای پندارد، در حالی که به‌واقع کسی نباشد، خود را فریب می‌دهد. ^۴ هر کس باید اعمال خود را بیازماید. در آن صورت فخر او به خودش خواهد بود، بی‌آنکه خود را با دیگران مقایسه کند. ^۵ زیرا هر کس بار خود را خواهد بُرد.

۶: ۱ "اگر" این یک جمله شرطی نوع سوم است به معنی احتمال وقوع یک عمل.

■ "اگر کسی به گناهی گرفتار شود" این یک زمان امری مجهول است. به معنای واقعی کلمه "غافلگیر" (رجوع کنید به *The Analytical Lexicon to the Greek New Testament* اثر William D. Mounce، صفحه ۳۹۳). این عبارت به مسئولیت خود ما در قبال گناهان ما و نیز به وسوسه‌ها و دامهای ظریف گناه اشاره دارد (مراجعه کنید به افسسیان ۴: ۱۴؛ ۶: ۱۰-۱۸). برخی از افراد به شیوه‌ای ابتدایی لطف خدا را نقض نکردند. آنها گول خورده بودند.

NASB, NKJV	"در هر نوع تخلف"
NRSV	"در یک تجاوز"
TEV	"در هر نوع تخلف"
NJB	"سوء رفتار"

در اینجا به حداقل سه گناه اشاره شده است:

۱. با توجه به معلمین دروغین، این ممکن است به کسانی که تسلیم وسوسه ختنه شده و تلاش می‌کردند از طریق شریعت موسی به کمال دست یابند
۲. به دلیل اصطلاحات محکمی که در غلاطیان ۵: ۱۵، ۲۶ به کار رفته، ممکن است به تمایلات مخرب موجود در کلیساهای غلاطیه اشاره داشته باشد
۳. این ممکن است مربوط به زیاده خواهی بت پرستان باشد که در غلاطیان ۵: ۱۹-۲۱ توضیح داده شده است

دستورالعمل‌های زیر برای نشان دادن اینکه چگونه مومنان باید برای بازگرداندن یک برادر گمراه به جمع یاران عمل کنند، بسیار مفید هستند

NASB, TEV	"شما که روحانی هستید"
NKJV	"ای شمایی که روحانی هستید"
NRSV	"شما که رو روح را دریافت کرده‌اید"
NJB	"هر قدر بیشتر روحانی باشید"

موضوع خاص: داوری (آیا مسیحیان باید یکدیگر را داوری کنند) در اول تسالونیکیان ۵: ۲۱ مطالعه کنید.

■ "او را به راه راست بازگردانید" بازگرداندن "یک حال امری فعال است، یک دستور در حال اجرا، که اغلب از آن برای تنظیم استخوان شکسته یا تعمیر تورهای ماهیگیری استفاده می‌شود (مراجعه کنید به متی ۴: ۲۱؛ مرقس ۱: ۱۹). برای کسانی که در طریق مسیح بالغ هستند، بسیار مهم است که به دیگران در کلیسا کمک کنند تا به این قشر برسند (افسسیان ۴: ۱۳) و کسانی که گمراه هستند را باز گردانند (مراجعه کنید به دوم قرنتیان ۱۳: ۱۱).

بخشش و عدم قضاوت، نشانه‌های کتاب مقدس یک مسیحی بالغ هستند (مراجعه کنید به متی ۵: ۷؛ ۶: ۱۴-۱۵؛ ۱۸؛ ۳۵؛ لوقا ۶: ۳۶-۳۷؛ یعقوب ۲: ۱۳؛ ۵: ۹). نظم و انضباط کلیسا باید همیشه رستگاری بخش باشد، نه توهین آمیز (مراجعه کنید به دوم قرنتیان ۲: ۷؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۱۵؛ یعقوب ۵: ۲۰-۱۹). ما جرات نداریم به زخمی‌هایمان تیراندازی کنیم!

■ "به هوش باش که خود نیز در وسوسه نیفتی" "وسوسه" [peirazō] در این متن مفهوم "وسوسه با نگاه تخریب" را دارد. همین کلمه از شیطانی است که عیسی را در متی وسوسه می کند. کلمه دیگر "وسوسه" [dokimazō] دو بار در غلاطیان ۶: ۴ به کار رفته است، اما این کلمه مفهوم "امتحان کردن با دیدگاه تأیید" را دارد. شیطان مومنان را آزمایش و وسوسه می کند تا آنها را از بین ببرد. مومنان باید مراقب باشند (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۱۰: ۱۲؛ دوم قرنتیان ۱۳: ۵). موضوع خاص در اول تسالونیکیان ۳: ۵ را مطالعه کنید.

۶: ۲ "بارهای سنگین یکدیگر را حمل کنید" این یک حال امری فعال است. "یکدیگر" در جملات یونانی در یک موقعیت برجسته قرار می گیرد. به عنوان روشی برای زندگی، مسیحیان بالغ می توانند برادران ضعیف و نابالغ خود را حمل کنند. این قانون، به روشی بسیار عملی و قابل مشاهده، قانون جدید را تحقق می بخشد (مراجعه کنید به غلاطیان ۵: ۱۴).

از "بار" برای وزن خردکننده ای که بر پشت یک حیوان اهلی گذاشته می شد استفاده می شد (مراجعه کنید به متی ۲۳: ۴). در متن، این استعاره برای روایات شفاهی یهود زدگان استفاده می شد. این یک اصطلاح متفاوت از "بار" در غلاطیان ۶: ۵ برای کوله پشتی سرباز است.

■ "که این گونه شریعت مسیح را به جا خواهید آورد" قانون مسیح نیز در اول قرنتیان ۹: ۲۱ ذکر شده است و "قانون روح زندگی در عیسی مسیح" در رومیان ۸: ۲۰ قانون مسیح در یعقوب نیز به طرق مختلف مشخص می شود.

۱. یعقوب ۱: ۲۵، "قانون بی عیب و نقصی که مردان را آزاد می کند"

۲. یعقوب ۲: ۸، "قانون سلطنتی"

۳. یعقوب ۲: ۱۲، "قانون آزادی"

یوغ روایات شفاهی بار سنگین تفسیر شریعت موسی را به عهده یهودیان می گذارد، اما یوغ مسیح آسان و سبک است (مراجعه کنید به متی ۱۱: ۲۹-۳۰). با این حال، یک وظیفه است (مراجعه کنید به یوحنا ۱۳: ۳۴؛ اول یوحنا ۴: ۲۱)، و وظیفه ما این است که به عنوان برادران و خواهران مسیح یکدیگر را دوست داشته باشیم و به یکدیگر خدمت کنیم.

فعل "تحقق" استفاده شده در اینجا در دو متن مختلف در نسخ خطی یافت می شود.

۱. آتوریست امری در MSS A, C, D

۲. آینده اخباری فعال در MSS B, F, G

۳. آینده اخباری فعال، اما با حرف اضافه متفاوت در MS P⁴⁶

کمیته UBS⁴ یقین نداشت که کدام اصل بود. آنها احتمالاً فکر می کردند که آینده به دلیل اقتدار قبلی در غلاطیان ۶: ۱ به یک آتوریست امری تغییر یافته است. (Bruce Metzger, *A Textual Commentary on the Greek New Testament*).

۶: ۳ "زیرا اگر کسی خویشتن را فرد برجسته ای پندارد، در حالی که به واقع کسی نباشد" این یک جمله شرطی نوع اول است که از منظر نویسنده یا برای اهداف ادبی نویسنده شرط صادق است. مسیحیان باید خود را دآوری کنند تا بتوانند به طور مناسب با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و در مورد خود اغراق نکنند (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۳: ۱۸، احتمالاً بازتاب اشعیا. ۵: ۲). این بدان معنا نیست که مسیحیان گناه نمی کنند، بلکه این گناه بر زندگی آنها حاکم نمی شود (مراجعه کنید به اول یوحنا ۱: ۸؛ ۳: ۶، ۹). بنابراین، آنها می توانند به کسانی که زندگیشان تحت تسلط گناه است کمک کنند و برایشان دعا کنند.

■ "خود را فریب می دهد" این فعل فقط یک بار در کل عهد جدید استفاده شده است، به این معنی که خود را به خطا اغوا می کنید. شکل اسمی در تیتوس ۱: ۱۰ ظاهر می شود. خود فریبی بدترین نوع ناپیایی است.

۶: ۴ "هر کس باید اعمال خود را بیازماید" این یک حال امری فعال از اصطلاح "آزمون" یا "وسوسه" (dokimazō) به معنی "آزمایش به منظور تأیید" است. موضوع خاص در اول تسالونیکیان ۳: ۵ را مطالعه کنید.

■ "در آن صورت فخر او به خودش خواهد بود، بی آنکه خود را با دیگران مقایسه کند" مومنان باید مراقب باشند که خود را با یکدیگر مقایسه نکنند (مراجعه کنید به دوم قرنتیان ۱۰: ۱۲)، به ویژه کسانی که گناه ایشان را غافلگیر کرده و بر آنها غلبه کرده است (مراجعه کنید به غلاطیان ۶: ۱).

موضوع خاص: بالیدن

(SPECIAL TOPIC: BOASTING)

این اصطلاحات یونانی، *kauchēma*، *kauchaomai* و *kauchēsis*، توسط پولس ۲۳ بار مورد استفاده قرار گرفته اند و فقط دو بار در بقیه عهد جدید (هر دو در یعقوب) مورد استفاده قرار گرفته اند. استفاده عمده آن در اول و دوم قرنتیان است.

دو حقیقت اصلی در رابطه با بالیدن وجود دارند:

- A. هیچ گوشتی نباید در برابر خدا به خود بیابد/جلال یابد (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱: ۲۹، افسسیان ۲: ۹)
B. مومنین باید در طریق سرورمان جلال یابند (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱: ۳۱، دوم قرن‌تین ۱۰: ۱۷، که اشاره‌ای است به ارمیا ۹: ۲۳ الی ۲۴)

بنابراین بالیدن/جلال یافتن مناسب و نامناسب وجود دارد (یعنی غرور)

A. مناسب

۱. به امید جلال (مراجعه شود به رومیان ۴: ۲)
۲. به خدا از طریق سرورمان عیسی (مراجعه شود به رومیان ۵: ۱۱)
۳. بر صلیب سرورمان عیسی مسیح (یعنی موضوع اصلی نوشته‌های پولس، مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱: ۱۷ الی ۱۸، غلاطیان ۶: ۱۴)
۴. پولس به اینها میباید
 - a. بشارتش بدون دستمزد (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۹: ۱۵ و ۱۶)
 - b. اقتدار او از مسیح (مراجعه شود به دوم قرن‌تین ۱۰: ۸ و ۱۲)
 - c. نبالیدن به کارهای دیگران (آنطور که برخی در قرنتس کردند، مراجعه شود به دوم قرن‌تین ۱۰: ۱۵)
 - d. میراث نژادی او (همانطور که دیگران در قرنتس انجام دادند، مراجعه شود به دوم قرن‌تین ۱۱: ۱۷؛ ۱۲: ۱، ۵، ۶)
 - e. کلیسایهایش

- ۱) قرنتس (دوم قرن‌تین ۷: ۴ و ۱۴، ۸: ۲۴، ۹: ۲، ۱۱: ۱۰)
- ۲) تسالونیکیان (مراجعه شود به دوم تسالونیکیان ۱: ۴)
- ۳) اعتماد به نفس او در آسایش و رستگاری خداوند (دوم قرن‌تین ۱: ۱۲)

B. نامناسب

۱. در رابطه با میراث یهودی (مراجعه شود به رومیان ۲: ۱۷ الی ۲۳، ۳: ۲۷، غلاطیان ۶: ۱۳)
۲. برخی در کلیسای قرنتس به خود می‌بالند
 - a. به مردان (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۳: ۲۱)
 - b. به خرد (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۴: ۷)
 - c. به آزادی (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۵: ۶)
۳. معلمین دروغین تلاش می‌کردند در کلیسای قرنتس فخر فروشی کنند (مراجعه شود به دوم قرن‌تین ۱۱: ۱۲)

۵: ۶ "زیرا هر کس بار خود را خواهد بُرد" این ممکن است به صندلی داوری مسیح در یک بستر زمانی یا آخرالزمان اشاره داشته باشد (مراجعه کنید به دوم قرن‌تین ۵: ۱۰). در نگاه اول، غلاطیان ۶: ۲ و ۵ به ظاهر با یکدیگر متناقض هستند تا اینکه یک مطالعه واژگانی دقیق تر نشان دهد که این دو کلمه ترجمه شده به ترتیب "بار" (*burden*) و "بار" (*load*) کاربردهای متفاوتی داشتند. کلمه قبلی در غلاطیان ۶: ۲ (*baros*) به معنای "وزن خردکننده" است، در حالی که کلمه دوم در غلاطیان ۶: ۵ (*phortion*) به معنی "کوله پشتی سرباز پر شده از تجهیزات مورد نیاز او" است. مسیحیان بالغ باید مسئولیت خود و بعضی اوقات دیگران را به عهده بگیرند. یک مثال از این ممکن است دوم قرن‌تین ۸: ۱۳ الی ۱۴ باشد. همین اصطلاح از دستورالعمل‌های عیسی برای مسیحیان در متی ۱۱: ۳۰ استفاده می‌کند.

NASB: غلاطیان ۶: ۶ الی ۱۰

هر که از کلام آموزش می‌بیند، باید آموزگار خود را در هر چیز نیکو سهیم سازد.^۷ فریب نخورید: خدا را استهزا نتوان کرد. انسان هر چه بکارد، همان را خواهد دروید.^۸ کسی که برای نفس خود می‌کارد، از نفس تباهی درو خواهد کرد؛ اما کسی که برای روح می‌کارد، از روح حیات جاویدان خواهد دروید.^۹ لذا از انجام کار نیک خسته نشویم، زیرا اگر دست از کار برداریم، در زمان مناسب محصول را درو خواهیم کرد.^{۱۰} پس تا فرصت داریم به همه نیکی کنیم، به ویژه به اهل بیت ایمان.

۶: ۶ "کلام" این از همان ریشه ای است که "کلمه" در یوحنا ۱: ۱، با اشاره به عیسی. "کلمه" انجیل و درباره عیسی است. پولس از روشهای مختلفی برای اشاره به این "کلمه" استفاده می‌کند.

۱. "کلام خدا" - اول قرن تیان ۱۴: ۳۶؛ دوم قرن تیان ۲: ۱۷؛ ۴: ۲؛ فیلیپیان ۱: ۱۴؛ کولسیان ۳: ۱۶؛ اول تسالونیکیان ۲: ۱۳
۲. "کلام خداوند" - اول تسالونیکیان ۱: ۸؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۱
۳. کلام - غلاطیان ۶: ۶؛ اول تسالونیکیان ۱: ۶؛ کولسیان ۴: ۳؛ دوم تیموتائوس ۴: ۲

■ "سهیم سازد" این حال امری فعال دیگر است که به یکی از اینها مربوط می‌شود

۱. غلاطیان ۶: ۱-۵، فراخواندن بزرگسالان برای کمک به مسیحیان ضعیف‌تر

۲. غلاطیان ۶: ۷-۱۰، توضیحی در مورد قانون کاشت و برداشت معنوی (به یادداشتهای غلاطیان ۶: ۷ مراجعه کنید)

کسانی که به آنها آموزش داده می‌شود، تحت مسئولیت معنوی قرار دارند که در خدمت کسانی که به آنها آموزش می‌دهند، مشارکت کنند. این یک اصل کلی است و اگر چه پولس شخصا از مزایای شخصی استفاده نکرد، اما به خاطر سایر مبشرین از آن حمایت کرد. کلمه انگلیسی "catechism" از یونانی [katechēō] ترجمه شده به معنی "آموزش می‌دهد" و "می‌آموزد" است که در این آیه دیده می‌شود.

■ "هر چیز نیکو" "چیز نیکو" با اشاره به نیازهای جسمی، نیازهای معنوی یا هر دو، تمعدا مبهم است. حقیقت بارز این است که کسانی که به آنها تدریس می‌شود باید سپاسگزار و پاسخگو باشند. دقیقا چگونه ارتباط این آیه با معلمان دروغین مشخص نیست. پولس می‌توانست به سهم خود و غیر یهودیان برای اورشلیم اشاره کند.

■ "آموزگار خود را" معلم ("کسی که تدریس می‌کند") یا به آن اشاره دارد

۱. هدایای معنوی تدریس مانند اعمال رسولان ۱۳: ۱ و اول قرن تیان ۱۲: ۲۸

۲. معلمی در جماعت محلی که مومنان و کودکان جدید را تربیت می‌کند

۳. کسی که به جماعت پیامدهای آموزه‌های رسولان را همانطور که در زندگی روزمره خود اعمال می‌کرد، تدریس می‌کرد، مانند کشیش / معلم افسسیان ۴: ۱۱

این گزینه آخر شبیه به وظیفه عهد عتیق در مورد لاویان محلی و بعدا کاتبان حرفه‌ای است.

۶: ۷ "فریب نخورید" این یک حال امری مجهول با حرف نفی است که معمولا به معنای متوقف کردن عملی است که در حال انجام بود. آنها قبلا فریب خورده بودند (مراجعه کنید به اول قرن تیان ۶: ۹؛ ۱۵: ۳۳؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۳؛ یعقوب ۱: ۱۶).

■ "خدا را استهزا نتوان کرد" این فعل به معنای "چرخاندن بینی کسی به سوی چیزی یا شخصی است. این ممکن است مربوط به کسانی باشد که به عنوان نمایندگان خدا به عنوان مبشر دعوت شده‌اند، یعنی معلمان غلاطیان ۶: ۶. مسخره کردن مبشرین مسیحی به یک معنا، مسخره کردن خداست. عیسی، در متی ۱۰: ۴۲ و ۲۵: ۴۰، خاطرنشان می‌کند: وقتی به دیگران به نام او کمک می‌کنیم، به او کمک می‌کنیم. این همان حقیقت است اما از جهت مخالف. با این وجود، چگونه ارتباط این آیات با یکدیگر نامشخص است. ممکن است یک ضرب المثل معمولی باشد که با "کاشت و برداشت" اعمال شده در یک مفهوم تصویری مرتبط است.

این آیه ممکن است مربوط به غلاطیان ۶: ۸-۱۰ باشد و نه غلاطیان ۶: ۶. این یک جهان اخلاقی است. ما به اندازه‌ای که خودمان را در برابر قوانین خدا می‌شکنیم، قوانین خدا را زیر پا نمی‌گذاریم. با این شناخت، مومن یا کافر، آنچه را که می‌کاریم درو می‌کنیم. گناه همیشه راه خود را می‌رود، حتی در زندگی مومنان. جو دوسر وحشی بسیار، بسیار گران است - همینطور، کاشت خود محورا!

۶: ۸ "انسان هر چه بکارد" این یک اصل معنوی است. خدا اخلاقی است و مخلوق او نیز همین است. انسانها خود را طبق معیارهای خدا قرار میدهند. آنچه را که می‌کاریم، درو می‌کنیم. این امر برای مومنان و کافران صادق است (اما بر رستگاری تاثیر نمی‌گذارد)، (مراجعه کنید به ایوب ۳۴: ۱۱؛ مزامیر ۲۸: ۴؛ ۶۲: ۱۲؛ امثال ۲۴: ۱۲؛ جامعه ۱۲: ۱۴؛ یوحنا ۱۷: ۱۰؛ ۳۲: ۱۹؛ متی ۱۶: ۲۷؛ ۲۵: ۳۱-۴۶؛ رومیان ۲: ۶؛ ۱۴: ۱۲؛ اول قرن تیان ۳: ۸؛ دوم قرن تیان ۵: ۱۰؛ غلاطیان ۶: ۷ الی ۱۰؛ دوم تیموتائوس ۴: ۱۴؛ اول پطرس ۱: ۱۷؛ مکاشفه ۲: ۲۳؛ ۲۰: ۱۲؛ ۲۲: ۱۲).

■ "تباهی" موضوع خاص زیر را مطالعه کنید.

موضوع خاص: تخریب، نابودی، فساد (phtheirō)

(SPECIAL TOPIC: DESTROY, RUIN, CORRUPT)

معنی اصلی اصطلاح phtheirō نابودی، تخریب، فساد و از بین بردن است. از این اصطلاح در موارد زیر استفاده میشود.

۱. نابودی مالی (احتمالا دوم قرن‌تینان ۷: ۲)
 ۲. تخریب فیزیکی (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۳: ۱۷ الف)
 ۳. فساد اخلاقی (مراجعه شود به رومیان ۱: ۲۳، ۸: ۲۱، اول قرن‌تینان ۱۵: ۳۳ و ۴۲ و ۵۰، غلاطیان ۶: ۸، مکاشفه ۱۹: ۲)
 ۴. سو استفاده جنسی (مراجعه شود به دوم قرن‌تینان ۱۱: ۳)
 ۵. نابودی ابدی (مراجعه شود به دوم پطرس ۲: ۱۲ و ۱۹)
 ۶. سقوط سنت‌های انسانی (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۲۲)
- اغلب این اصطلاح در همان متن به عنوان ناقض آن استفاده می‌شود (مراجعه شود به رومیان ۱: ۲۳، اول قرن‌تینان ۹: ۲۵، ۱۵: ۵۰ و ۵۳). به همسوهای متضاد میان جسم فیزیکی زمینی ما و کالبد ابدی و بهشتی ما توجه کنید.
۱. فاسد شدنی در برابر فاسد ناشدنی، اول قرن‌تینان ۱۵: ۴۲ و ۵۰
 ۲. بی احترامی در برابر شکوه، اول قرن‌تینان ۱۵: ۴۳
 ۳. ضعف در برابر قدرت، اول قرن‌تینان ۱۵: ۴۳
 ۴. کالبد طبیعی در برابر کالبد معنوی، اول قرن‌تینان ۱۵: ۴۴
 ۵. اولین آدم در برابر آخرین آدم، اول قرن‌تینان ۱۵: ۴۵
 ۶. تصویر زمینی در برابر تصویر بهشتی، اول قرن‌تینان ۱۵: ۴۹

■ "حیات جاویدان" مفهوم زندگی ابدی که در غلاطیان ۶: ۸ یافت می‌شود از کلمه یونانی *ZOE* است. به ویژه توسط یوحنا برای اشاره به زندگی رستاخیز، زندگی عصر جدید مورد استفاده قرار می‌گیرد. همین مفهوم را در اینجا دارد. آیات ۸-۱۰ عواقب کاشت و برداشت ما را نشان می‌دهند.

۹: ۶ "لذا از انجام کار نیک خسته نشویم" این به معنای واقعی کلمه "ناامید شدن" یا "از دست دادن قلب" است (وجه وصفی حال فعال نفی شده، به لوقا ۱: ۱۸؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۱۳؛ دوم قرن‌تینان ۴: ۱ و ۱۶؛ عبرانیان ۱۲: ۳ مراجعه کنید). اغلب مسیحیان از همان کارهایی که به آنها محول می‌شود، خسته می‌شوند.

■ "زیرا اگر دست از کار برداریم، در زمان مناسب محصول را درو خواهیم کرد" به عنصر شرطی توجه کنید (جمله شرطی نیست). این مشروط به پاسخ ایمان مداوم ما است. همچنین، به عنصر زمان خداوند در زندگی ما توجه داشته باشید. ما نمی‌فهمیم که چرا اتفاقات مانند گذشته رخ می‌دهند، اما از آنجا که ما به حاکمیت خدا و خواسته‌های خاص انجیل رایگان اعتقاد داریم، زندگی خود را به سمت روش‌های خاصی از خدمات و ارائه هدایت می‌کنیم. موضوع خاص در مورد استقامت را در غلاطیان ۳: ۴ ببینید.

۶: ۱۰ "پس تا فرصت داریم" مومنان باید مراقب فرصت‌ها باشند تا ایمان خود را به مسیح زنده کنند. این عبارت به آن اشاره خواهد کرد

۱. فرصت در کارهای روزانه
 ۲. قبل از فرارسیدن آزار و شکنجه
 ۳. قبل از آمدن دوم
- این ممکن است یک اشاره به مزامیر ۶۹: ۱۳ یا اشعیا ۴۹: ۸ (مراجعه کنید به دوم قرن‌تینان ۶: ۲) باشد.

■ "به همه نیکی کنیم" این یک وجه وصفی حال میانی (دیپوننت) است. پولس با این اعتقاد اظهار داشت که ایستادن ما در برابر خدا با تلاش بشر حاصل نمی‌شود، اما او به همان اندازه تاکید دارد که وقتی خدا را بشناسیم، باید در زندگی بشارت‌های زیادی داشته باشیم (یعنی تیتوس ۳: ۸، ۱۴). این حقایق دوگانه در افسسیان ۲: ۸-۹ و سپس غلاطیان ۱۰: ۶ مشاهده می‌شوند. ما با کارهای خوب نجات نمی‌یابیم، اما قطعاً به خاطر کارهای نیکی که انجام می‌دهیم نجات می‌یابیم.

■ "به همه نیکی کنیم، به‌ویژه به اهل بیت ایمان" توجه کنید که عشق ما برای همه مردم است زیرا در همه اعمال ما همیشه نگاهی به بشارت وجود دارد (مراجعه کنید به متی ۲۸: ۱۹ الی ۲۰؛ لوقا ۲۴: ۴۷؛ یوحنا ۲۰: ۳۱؛ اعمال رسولان ۱: ۸؛ اول قرن‌تینان ۹: ۱۹-۲۳؛ اول پطرس ۳: ۱۵). با این حال، تمرکز اصلی ما، تا آنجا که رفاقت مطرح است، بر اعضای خانواده خدا است. این امر معنی متفاوتی ندارد که ما بخواهیم شخصی را به قول خود بیاوریم که به مسیح اعتماد داشته باشد. هنگامی که او این اعتراف را انجام داد، ما باید در خدمت او باشیم همانطور که مسیح به ما خدمت کرد.

من بسیار بینش Gordon Fee را در مورد ماهیت سازمانی این کتاب دوست دارم، نه تاکید فردی غربی. این کتاب در مورد زندگی پر روح جامعه ایمان و فراتر از آن است (مراجعه کنید به *To What End Exegesis*، صفحه ۱۶۳).

۱۱ ببینید با چه حروف درشتی به دست خود برایتان می‌نگارم! ۱۲ آنان که می‌خواهند خود را به ظاهر خوب نشان دهند، وادارتان می‌کنند که ختنه شوید، تنها به این نیت که به خاطر صلیب مسیح آزار نبینند. ۱۳ زیرا حتی آنان که ختنه می‌شوند شریعت را اجرا نمی‌کنند، بلکه می‌خواهند شما ختنه شوید تا به جسم شما افتخار کنند. ۱۴ اما مباد که من هرگز به چیزی افتخار کنم جز به صلیب خداوندان عیسی مسیح، که به واسطه آن، دنیا برای من بر صلیب شد و من برای دنیا. ۱۵ زیرا نه ختنه چیزی است و نه ختنه‌ناشدگی؛ آنچه اهمیت دارد خلقت جدید است. ۱۶ همه آنان را که از این اصل پیروی می‌کنند، و اسرائیلی خدا را، سلامتی و رحمت باد.

۶: ۱۱ " ببینید با چه حروف درشتی به دست خود برایتان می‌نگارم" (در نسخه انگلیسی "ببینید چه نامه‌های طولانی به خط خود برایتان می‌نگارم" نوشته شده و این تفسیر در رابطه با متن انگلیسی است) این یک اُتوریست امری فعال است. پولس نامه‌های خود را به یک کاتب دیکته می‌کرد (مراجعه کنید به رومیان ۱۶: ۲۲). برخی این سخنان پایانی با دست خط خود پولس را به عنوان روش پولس برای تایید نامه او، در نور دوم تسالونیکیان ۲: ۲ می‌بینند، ما از چندین نامه پولس می‌دانیم که او جملات نتیجه‌گیری را به دست خودش می‌نوشت (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۱۶: ۲۱؛ کولسیان ۴: ۱۸؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۱۷ و فیلمون ۱: ۱۹). از آنجا که من اعتقاد دارم که خار در گوشت بدن پولس چشم‌چپ بود، این یک دلیل دیگر بر نیاز به کاتب نوشتن نامه برای اوست، نه برای نوشتار کوچک و مختصر مردی با دست لرزان که تا حدودی کور بود.

۱۲:۶

NASB	"کسانی که مایل به نمایش خوبی در گوشت هستند"
NKJV	"به همان اندازه که مایل به نمایش خوبی در گوشت هستند"
NRSV	"این کسانی هستند که می‌خواهند نمایش خوبی را در گوشت ایجاد کنند"
TEV	"کسانی که می‌خواهند در مورد مسائل خارجی خود را نشان دهند و لاف بزنند"
NJB	"این فقط علاقه شخصی است"

یهود زدگان بیشتر به جنبه‌های ظاهری دین توجه داشتند (مراجعه کنید به کولسیان ۲: ۱۶-۲۳). آنها یک نمایش مذهبی می‌خواستند (مراجعه کنید به غلاطیان ۴: ۱۷)؛ متقاعد کردن غلاطیان به ختنه کردن می‌تواند "پر در کلاه آنها" باشد (مراجعه کنید به غلاطیان ۶: ۱۳). معلمان دروغین می‌خواستند خود را با هزینه مومنین غلطیه تایید کنند. برای "گوشت" موضوع خاص را در غلاطیان ۱: ۱۶ مطالعه کنید.

■ " وادارتان می‌کنند که ختنه شوید " غلاطیان ۶: ۱۲-۱۶ خلاصه‌ای از کل نامه است که بر تاکید نامناسب معلمان دروغین بر تلاش انسان به عنوان ابزاری برای نجات یا بلوغ کامل متمرکز است. این یک خطر شدید در کلیسای مدرن است زیرا مومنان خواستار خدمات، اشتیاق، آیین، حضور، دانش کتاب مقدس، دعا یا هر یک از تکنیک‌های خوب شاگردی به عنوان ابزاری برای کامل بودن در طریق مسیح هستند. حقیقت بزرگ پولس این بود که مومنان وقتی به عیسی مسیح ایمان دارند، در ایستادگی خود با خدا کامل هستند. با توجه به این پذیرش جدید و کامل، مومنان باید خود را به لطف خدا و خدمت به دیگران تسلیم کنند (مراجعه کنید به یعقوب ۲: ۱۴-۲۶).

■ "تنها به این نیت که به خاطر صلیب مسیح آزار نبینند" این ممکن است به یکی از اینها اشاره داشته باشد

۱. آزار و اذیت یهودیان (مراجعه کنید به اعمال رسولان ۱۳: ۴۵، ۵۰؛ ۱۴: ۲، ۵، ۱۹)؛ یهود زدگان با اصرار خود بر شریعت موسی به آن سختی که

آموزش پولس برای فضل رایگان در مسیح بود، رد نمی‌شدند

۲. آزار و اذیت رومیان به دلیل اینکه مسیحیت، همانند یهودیت دین شناخته شده و قانونی نبود

کنیسه فرمول نفرین خود را ایجاد کرد، که این یک راه روحانیون برای بیرون راندن مسیحیان از کنیسه بود زیرا آنها نمی‌توانستند بگویند "عیسی ملعون

است" (مراجعه کنید به یوحنا ۹: ۲۲، ۳۵؛ ۱۲: ۴۲ و ۱۶: ۲).

۶: ۱۳ " زیرا حتی آنان که ختنه می‌شوند شریعت را اجرا نمی‌کنند " موضوع این جمله مبهم است، که می‌تواند (۱) معلمان دروغین یا (۲) ایمان آورندگان مهاجم در کلیساهای غلطیه باشند. مردانی که ختنه را به عنوان ابزاری برای درست بودن با خدا استدلال می‌کردند، حتی نمی‌توانند کل قانون را خودشان نگه دارند (مراجعه کنید به رومیان ۲: ۱۷-۲۹). اگر یک بار قانون را نقض کنید (بعد از سن مسئولیت اخلاقی)، به یک روش، پس یعقوب ۲: ۱۰ (و غلاطیان ۵: ۳) حقایقی هستند که باید به آنها توجه کرد!

■ "که من هرگز به چیزی افتخار کنم جز به صلیب خداوندان عیسی مسیح" پولس، از همه مردم می دانست که چه چیزی باید از زندگی نجات بخش باز خرید شود، هر چند ممکن است متعصبین باشند (مراجعه کنید به فیلیپیان ۳: ۲-۱۶). غرور و افتخار انسان هنگامی کنار گذاشته می شود که شایستگی انسان از این امر مستثنی باشد (مراجعه کنید به ارمیا ۹: ۲۳-۲۶؛ رومیان ۳: ۲۷-۲۸؛ اول قرنتیان ۱: ۲۶ الی ۳۱). به موضوع خاص: بالیدن در غلاطیان ۴: ۶ مراجعه کنید.

■ "که به واسطه آن، دنیا برای من بر صلیب شد و من برای دنیا" این استعاره مداوم در سراسر غلاطیان است که از مرگ مومنان به شریعت و زنده بودن آنها برای خدا در طریق مسیح سخن می گوید. این یک کامل مجهول اخباری است، که بر وضعیت مداوم انجام شده توسط یک عامل خارجی، در اینجا، روح، تاکید می کند. این استعاره در غلاطیان ۲: ۱۹، ۵: ۲۴، و در اینجا برای بیان اینکه چگونه همه چیز وقتی مومنان با مرگ مسیح روی صلیب مشخص می شوند، تازه می شود، استفاده می گردد. آنها در حال حاضر از شریعت رها هستند تا برای خدا زندگی کنند.

برای "جهان" به موضوع خاص: "کاسموس" در غلاطیان ۴: ۳ مراجعه کنید.

۶:۱۵ "زیرا نه ختنه چیزی است و نه ختنه ناشدگی" پولس قبلا خاطرنشان کرده بود که ختنه مسئله نیست (مراجعه کنید به غلاطیان ۵: ۶؛ رومیان ۲: ۲۹-۲۸؛ اول قرنتیان ۷: ۱۸-۱۹). مسئله رستگاری است، اگر مومنین سعی کنند خود را با تلاش بشر، چه بت پرست و چه یهودی، خود را برای خدا قابل قبول جلوه دهند، کلا از هدیه کاملا رایگان خدا در مسیح جدا می شوند. دو راه متقابل منحصر به فرد برای درستی با خدا وجود دارد.

۱. انجیل رایگان مسیح از طریق توبه و ایمان

۲. تلاش انسان

پولس اظهار داشت که ختنه واقعا مسئله نیست (و نه قوانین مربوط به غذا، مراجعه کنید به اول قرنتیان ۸، ۱۰: ۲۳-۲۶)، بلکه چگونه شخص با اجرای کامل قانون، ایستادن صحیح در کنار خدا را دنبال می کند.

در چندین نسخه خطی اولیه یونانی بعد از "نه برای" در مسیح عیسی اضافه شده است (MSS، A، C، D، F، G، و اکثر نسخ کوچک (مراجعه کنید به (NKJV)). در MSS P⁴⁰ و B غایب است. UBS⁴ به این نبودن رتبه "A" (یقین) می دهد.

■ "آنچه اهمیت دارد خلقت جدید است" این عهد جدید است؛ مومنان در طریق عیسی مسیح افراد جدیدی هستند! همه چیزهای قدیمی از بین رفته اند و همه چیز جدید است (مراجعه کنید به رومیان ۶: ۴؛ ۸: ۱۹-۲۲؛ دوم قرنتیان ۵: ۱۷؛ افسسیان ۲: ۱۵؛ ۴: ۲۴؛ کولسیان ۳: ۱۰).

۶:۱۶ "همه آنان را که از این اصل پیروی می کنند" این ممکن است یک نقل قول سست از مزامیر ۱۲۵: ۵ و ۱۲۸: ۶ باشد. از کلمه یونانی "قاعده" (*kanoni*) کلمه انگلیسی "*canon*" گرفته شده است. این یک اصطلاح ساختمانی بود که برای یک نی اندازه گیری استفاده می شد. در اینجا از آن برای اشاره به انجیل استفاده می شود (یوگ عیسی، مراجعه کنید به غلاطیان ۶: ۲). توجه کنید که مومنان باید در آن راه گام بردارند، نه اینکه فقط آن را تصدیق کنند.

■ "اسرائیل خدا" قابل توجه است که پولس کلیسا را "اسرائیل خدا" می نامد. وی در نوشته های خود تاکید کرده است که بذر واقعی ابراهیم نه بر مبنای نژادی بلکه مبنای ایمان است (مراجعه کنید به غلاطیان ۳: ۷، ۹، ۲۹؛ رومیان ۲: ۲۸-۲۹؛ ۹: ۶؛ فیلیپیان ۳: ۳). انجیل درباره عیسی است، نه اسرائیل ملی! مومنان واقعی در طریق مسیح "قوم خدا" هستند!

NASB: غلاطیان ۶: ۱۷

۱۷ از این پس کسی رنج بر من روا ندارد، زیرا من در بدن خود داغهای عیسی را دارم.

۶:۱۷ "از این پس کسی رنج بر من روا ندارد" فعل یک حال امری فعال است. به چه کسی این موضوع پرداخته شده است یا چرا مشخص نیست. پولس به خدمات خود برای مسیح به عنوان دلیلی که این امر نباید مجددا تکرار شود، استناد کرد. این احتمالا به حملات شخصی اشاره دارد که معلمان دروغین برای بیگانه کردن مومنین غلطیه از انجیل انجام می دادند. مومنان غلطیه اجازه دادند این اتفاق بیفتد!

■ "زیرا من در بدن خود داغهای عیسی را دارم" همانطور که معلمان دروغین بر ختنه به عنوان علامت میثاق با خدا تاکید می کردند، پولس ادعا کرد که او همچنین یک نشانه ظاهری هم دارد. آنها زخم ها بودند

۱. از آزار و اذیت جسمی وی برای موعظه کردن خبر خوب مسیح (یعنی، دوم قرنتیان ۴: ۷-۱۲؛ ۶: ۴-۶؛ ۱۱: ۲۳-۲۸)

۲. از برخورد جاده دمشق خود با مسیح برخاست
 ۳. به عنوان یک نشانه پولس برده / خدمتگزار مسیح بود

فکر می‌کنم شماره ۱ متناسب با متن باشد.

NASB: غلاطیان ۶: ۱۸

۱۸ ای برادران، فیض خداوند ما عیسی مسیح با روح شما باد! آمین!

۶: ۱۸ این نمونه‌ای از یک نعمت مختصر در نامه‌ای چرخشی است (زیرا هیچ تبریک شخصی مانند افسسیان وجود ندارد). توجه داشته باشید که اصطلاح "با روح شما باد" نمونه خوبی از "روح" (روح) کوچک است که از روح بشر استفاده می‌شود، نه روح القدس. با این حال، در بسیاری از موارد در عهد جدید، به روح انسان اشاره می‌شود، که از روح القدس انرژی می‌گیرد. این احتمالاً در اینجا مفهومی است.

موضوع خاص: دعا، تمجید و شکرگزاری پولس از خدا

SPECIAL TOPIC: PAUL'S PRAYER, PRAISE, AND THANKSGIVING

پولس مرد ستایش و عبادت بود. او عهد عتیق را می‌دانست. هر یک از چهار بخش اول (یعنی کتابها) سرود ستایش با دعا پایان می‌دهد (مراجعه شود به مزامیر ۴۱: ۱۳، ۷۲: ۱۹، ۸۹: ۵۲، ۱۰۶: ۴۸). افرادی که خدا را می‌شناسند اغلب او را ستایش می‌کنند.

۱. پاراگراف آغازین در نامه هایش

- a. معارفه و خیر مقدم آغازین (مراجعه شود به رومیان ۱: ۷، اول قرنتیان ۱: ۳، دوم قرنتیان ۱: ۲)
 b. دعای برکت آغازین (*eulogētos*)، مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱: ۳ الی ۴، افسسیان ۱: ۳ الی ۱۴)

۲. دعاها کوتاه

- a. رومیان ۱: ۲۵
 b. دوم قرنتیان ۱۱: ۳۱
 ۳. سرودها (مشخص شده با استفاده از [۱] سرود (یعنی جلال) و [۲] "برای همیشه و همیشه")

a. رومیان ۱۱: ۳۶، ۱۶: ۲۵ الی ۲۷

b. افسسیان ۳: ۲۰ الی ۲۱

c. فیلیپیان ۴: ۲۰

d. اول تیموتائوس ۱: ۱۷

e. دوم تیموتائوس ۴: ۱۸

۴. شکرگزاری (یعنی *eucharisteō*)

a. افتتاحیه نامه‌ها (مراجعه شود به رومیان ۱: ۸، اول قرنتیان ۱: ۴، دوم قرنتیان ۱: ۱۱، افسسیان ۱: ۱۶، فیلیپیان ۱: ۳، کولسیان ۱:

۳ و ۱۲، اول تسالونیکیان ۱: ۲، دوم تسالونیکیان ۱: ۳، فیلمون ۱: ۴، اول تیموتائوس ۱: ۱۲، دوم تیموتائوس ۱: ۳)

b. فراخواندن برای شکرگزاری (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۴ و ۲۰، فیلیپیان ۴: ۶، کولسیان ۳: ۱۵ و ۱۷، ۴: ۲، اول تسالونیکیان ۵:

(۱۸)

۵. شکرگزاری کوتاه

a. رومیان ۶: ۱۷، ۷: ۲۵

b. اول قرنتیان ۱۵: ۵۷

c. دوم قرنتیان ۲: ۱۴، ۸: ۱۶، ۹: ۱۵

d. اول تسالونیکیان ۲: ۱۳

e. دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳

۶. دعای اختتام

a. رومیان ۱۶: ۲۰ و ۲۴

b. اول قرن‌تین ۱۶: ۲۳ الی ۲۴

c. دوم قرن‌تین ۱۳: ۱۴

d. غلاطیان ۶: ۱۸

e. افسسیان ۶: ۲۴

پولس تثلیث را از لحاظ الهی و تجربه‌ای می‌شناخت. نوشته‌هایش را با دعا و ستایش شروع می‌کند. در وسط سخنرانیهایش ستایش و شکرگزاری می‌کند. در پایان نامه‌های او، همیشه دعا، ستایش و تشکر خداوند به یاد آورده میشود. نوشته‌های پولس با نماز، ستایش و شکرگزاری نَفَس می‌کشند. او خدا را می‌شناخت، خودش را می‌شناخت، و انجیل را می‌شناخت.

■ "آمین" به موضوع خاص در غلاطیان ۱: ۵ مراجعه کنید.

سوالات بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. دستورالعمل‌های کتاب مقدس برای بازگرداندن یک برادر گمراه چیست؟
۲. آیا آیات ۲ و ۵ متناقض هستند؟
۳. غلاطیان ۶: ۶ در مورد مسیحیان پشتیبان بشارت مسیحی چه می‌گوید؟
۴. قانون انجیلی کاشت و برداشت محصول را از زبان خود توصیف کنید.
۵. از زبان خود، ایده انجیلی دوروش برای رستگاری که به وضوح و روشنی در کتاب غلاطیان آورده شده‌اند را توصیف کنید.
۶. از زبان خود توضیح دهید که چگونه آیه ۶: ۹ با آیات غلاطیان ۶: ۶ و غلاطیان ۶: ۷ ارتباط دارد.
۷. اگر ختنه مسئله غلاطیان ۶: ۱۵ نبود، چرا پولس چنین مسئله‌ای را مطرح کرد؟
۸. منظور از کلیسای اسرائیل واقعی خدا در غلاطیان ۶: ۱۶ چیست؟

معرفی نامه های تسالونیکیان

مقدمه

A. خلاصه

۱. نامه های تسالونیکیان به عنوان مبلغین و کشیش، بینش فوق العاده ای درباره پولس ارائه می دهند. ما او را می بینیم که در مدت کوتاهی کلیسا تاسیس می کند و به دعا می پردازد و نگران رشد، توسعه و بشارت آن است.
۲. ما می بینیم که او وفادارانه به بشارت انجیل می پردازد، نگران ایمان آورندگان است، ایشان را سرزنش می کند، از آنها تمجید می کند، آنها را هدایت می کند، تشویق می کند، آنها را آموزش می دهد، آنها را دوست می دارد، حتی از خودش به آنها می دهد. او تا آن نقطه از پیشرفت آنها هیجان زده شده بود، ولی از میزان سرعت رشد و بلوغ آنها ناامید شد.
۳. در این رساله ها با یک خدمتکار متعصب، عاشق مسیح و یک کلیسای کوچک، اما رو به رشد روبرو می شویم. هر دو وفادار بودند، هر دو مورد استفاده خدا بودند و هر دو به روشی مسیحی که به ندرت در بین قوم خدا یافت می شد به یکدیگر خدمت می کردند.

B. شهر تسالونیک

۱. تاریخ مختصر تسالونیک

- a. تسالونیک در راس خلیج ترمائیک قرار داشت. تسالونیک یک شهر ساحلی در جاده اصلی روم، از طریق Ignatia (راه ملل) بود که از روم به سمت شرق حرکت می کرد. یک بندر، همچنین به یک دشت ساحلی غنی و پرآب بسیار نزدیک بود. این سه مزیت باعث شدند تسالونیک بزرگترین، مهمترین مرکز تجاری و سیاسی مقدونیه باشد.
 - b. تسالونیک در ابتدا Therma نام داشت که از چشمه های آب گرم موجود در منطقه بدست آمده بود. یک مورخ اولیه، Pliny بزرگ، به ترما و تسالونیک در کنار هم اشاره می کند. اگر اینگونه باشد، تسالونیک به سادگی Therma را محاصره کرد و آن را ضمیمه کرد (Leon Morris, *The First and Second Epistles to the Thessalonians*, Grand Rapids: Wm. B. Eerdmans Publishing Company, چاپ ۱۹۹۱، صفحه ۱۱). با این وجود بیشتر مورخان معتقدند کاساندر، یکی از ژنرالهای اسکندر کبیر، در سال ۳۱۵ قبل از میلاد به ترما نام دختر فیلیپ از مقدونیه و خواهر ناتنی اسکندر و همسرش، تسالونیکا تغییر داد (Strabo VII Fragment 21). زمانی در سده های اولیه گسترش مسیحیت، تسالونیک به دلیل شخصیت مسیحی خود لقب "شهر ارتدکس" گرفت (Dean Farrar, *The Life and Work of St. Paul*, نیویورک: Cassell and Company، با مسئولیت محدود، ۱۹۰۴، صفحه ۳۶۴). تسالونیک امروز، به سالونیکا معروف بوده و هنوز هم یک شهر مهم در یونان است.
 - c. تسالونیک یک کلانشهر شبیه به قرنتس بود که اقوامی از سراسر جهان شناخته شده در آن ساکن بودند.
 - ۱) قومی بربر از آلمانی های وحشی شمال در آنجا زندگی می کردند و دین و فرهنگ بت پرستی خود را با خود به همراه داشتند.
 - ۲) یونانیان در آنجا زندگی می کردند که از آخیا به جنوب و از جزایر دریای اژه می آمدند و به نوبه خود فرهنگ و فلسفه خود را به همراه داشتند.
 - ۳) رومیان غرب نیز در آنجا مستقر شده بودند. آنها بیشتر نظامیان بازنشسته بودند و با خود اراده، ثروت و قدرت سیاسی را به ارمغان می آوردند.
 - ۴) سرانجام، تعداد زیادی از یهودیان از شرق. در نهایت یک سوم جمعیت یهودی بودند. آنها ایمان توحید اخلاقی و تعصبات ملی خود را با خود به همراه آوردند.
 - d. تسالونیک با حدود ۲۰۰۰۰۰ نفر جمعیت واقعا یک شهر کلان شهر بود. به دلیل داشتن چشمه های آب گرم، و مرکز استراحت و درمان بود. این شهر به دلیل داشتن بندر، دشتهای حاصلخیز و مجاورت راه Ignatian، یک مرکز تجاری بود.
 - e. تسالونیک به عنوان پایتخت و بزرگترین شهر، مقر اصلی مقدونیه بود. به عنوان مرکز استان روم و خانه بسیاری از شهروندان رومی (عمدتا نظامیان بازنشسته)، به یک شهر آزاد تبدیل شد. تسالونیک هیچ خراج نمی داد و طبق قانون روم اداره می شد، زیرا بیشتر تسالونیکیان تبعه روم بودند. بنابراین حاکمان تسالونیک "سیاست سالاران" خوانده می شدند. این عنوان در هیچ کجای ادبیات ظاهر نمی شود اما در کتیبه ای بر طاق پیروزی در تسالونیک معروف به دروازه وارادار (Vardar Gate) حفظ شده است (Farrar، صفحه n۳۷۱).
۲. رخدادهایی که منجر به آمدن پولس به تسالونیک شدند

a. بسیاری از حوادث پولس را به سال تسالونیکي سوق داد، اما پشت همه شرایط جسمی، تماس مستقیم و قطعی خداست. پولس در ابتدا قصد نداشت وارد قاره اروپا شود. آرزوی او در این سفر دوم بشارتی، تجدید نظر در کلیساهای آسیای صغیر بود که در اولین سفر خود تأسیس کرده و سپس به سمت شرق حرکت کرده بود. با این حال، درست به محض رسیدن لحظه‌ای برای چرخش شمال شرقی، خدا شروع به بستن درها کرد. اوج این دیدگاه پولس مقدونیه بود (اعمال رسولان ۱۶: ۶-۱۰). این باعث شد که دو چیز اتفاق بیفتند: اول، قاره اروپا تبخیر شد و دوم، پولس به دلیل شرایط موجود در مقدونیه، شروع به نوشتن رساله‌های خود کرد (Thomas Carter, *Life and Letters of Paul*, Nashville: Cokesbury Press, ۱۹۲۱، صفحه ۱۱۲)

b. پس از توجه به معنای فوق، شرایط جسمی که پاول را به تسالونیکي سوق داد:

- ۱) پولس به فیلیپی رفت، شهری کوچک و بدون کنیسه. کار او در آنجا توسط صاحبان نبوی، دختر برده جن زده و شورای شهر خشنی شد. پولس مورد ضرب و شتم قرار گرفت و تحقیر شد، اما حتی در میان همه اینها کلیسایی ایجاد شد. به دلیل مخالفت و تنبیه بدنی، پولس مجبور شد از آنجا برود، احتمالاً زودتر از آنچه که می‌خواست.
- ۲) او از آنجا به کجا می‌رفت؟ او از آمفیپولیس و آپولونیا عبور کرد که کنیسه هم نداشتند،
- ۳) او به بزرگترین شهر منطقه، تسالونیکي آمد، که کنیسه‌ای داشت. پولس الگویی ایجاد کرده بود که ابتدا به نزد یهودیان محلی برود. او این کار را کرد زیرا:

a) از عهد عتیق آگاهی داشتند

b) فرصت تدریس و موعظه‌هایی را کنیسه ارائه کرده بود.

c) به عنوان منتخب مردم پیمان خدا موقعیتی داشت (مراجعه کنید به متی ۱۰: ۶؛ ۱۵: ۲۴؛ رومیان ۱: ۱۶-۱۷؛ ۹-۱۱).

d) عیسی ابتدا خود را به آنها و سپس به جهانیان عرضه کرده بود - بنابراین پولس نیز از مثال مسیح پیروی می‌کرد.

۳. همراهان پولس

a. پولس با سیلاس و تیموتائوس در تسالونیکي همراه بود. لوقا در فیلیپی با پولس بود و در آنجا ماند. ما این را با عبارات "ما" و "آنها" از اعمال رسولان ۱۶ و ۱۷ یاد می‌گیریم. لوقا درباره "ما" در فیلیپی صحبت می‌کند، اما از سفر "تسالونیکي" درباره "آنها" صحبت می‌کند.

b. پس از بازگشت بارنابا و یوحنا-مرقس به قبرس، سیلاس یا همان سیلوانوس مردی بود که پولس پس از بازگشت بارنابا و یوحنا-مرقس با او در مورد سفر دوم بشارتی تصمیم گرفت.

۱) نام وی نخستین بار در کتاب مقدس در اعمال رسولان ۱۵: ۲۲ ذکر شده است که در بین برادران کلیسای اورشلیم به عنوان رئیس ارشد خوانده می‌شد.

۲) او همچنین رسول بود (اعمال ۳۲: ۱۵).

۳) او یک شهروند رومی مانند پولس بود (اعمال رسولان ۱۶: ۳۷).

۴) او و جوداس بارساباس توسط کلیسای اورشلیم برای بازرسی از اوضاع به آنتیوخوس اعزام شدند (اعمال رسولان ۱۵: ۲۲، ۳۰-۳۵).

۵) پولس در دوم قرن‌تین ۱: ۱۹ او را ستایش می‌کند و از او در چندین نامه اسم می‌آورد.

۶) بعداً او در نوشتن اول پطرس با پطرس شناخته می‌شود (مراجعه کنید به اول پطرس ۵: ۱۲).

۷) پولس و پطرس هر دو او را سیلوانوس صدا می‌کنند در حالی که لوقا او را سیلاس می‌نامید.

c. تیموتائوس هم همراه و همکار پولس بود:

۱) پولس او را در لیست ملاقات کرد، جایی که وی در اولین سفر بشارتی او ایمان آورد.

۲) تیموتائوس نیم یونانی (از طرف پدر) و نیم یهودی (از طرف مادر) بود. پولس می‌خواست از او استفاده کند تا در امر بشارت غیر یهودیان کار کند.

۳) پولس او را ختنه کرد تا بتواند با یهودیان همکاری کند.

۴) از تیموتائوس در قسمت سلام دوم قرن‌تین، کولسیان، اول و دوم تسالونیکیان و فیلمون نام برده شده است.

- ۵) پولس از او به عنوان "پسرم در امر بشارت" سخن گفت (مراجعه کنید به اول تیموتائوس ۱: ۲؛ دوم تیموتائوس ۱: ۲؛ تیتوس ۱: ۴).
- ۶) لحن کلی پولس در طول نامه‌هایش دلالت بر این دارد که تیموتائوس جوان و ترسو بود. با این حال پولس به او اعتماد و اطمینان زیادی داشا (مراجعه کنید به اعمال رسولان ۱۹: ۲۷؛ اول کرتینان ۴: ۱۷؛ فیلیپیان ۲: ۱۹).
- d. فقط در این بخش در مورد اصحاب پولس ذکری آمده است در مورد مردانی که به تسالونیکه آمده و پولس را در ماموریت های بعدی خود همراهی می کنند. آنها آریستارخوس (اعمال رسولان ۱۹: ۲۹؛ ۲۰: ۴؛ ۲۷: ۲) و سیکوندوس (اعمال رسولان ۲۰: ۴) هستند. همچنین، دیماس می توانست از تسالونیکه باشد (فیلمون ۲۴؛ دوم تیموتائوس ۴: ۱۰).
۴. بشارت پولس در شهر
- a. بشارت پولس در تسالونیکه از الگوی معمول او برای رفتن نزد یهودیان و سپس روی آوردن به غیر یهودیان پیروی می کرد. پولس سه شنبه در کنیسه موعظه کرد. پیام او این بود "عیسی مسیح است". او از کتاب مقدس عهد عتیق استفاده کرد تا نشان دهد که مسیح، مسیح رنج دیده است (مراجعه کنید به پیدایش ۳: ۱۵؛ اشعیا ۵۳) و نه یک مسیح زمانی سیاسی. پولس همچنین بر قیام از مردگان تاکید کرد و رستگاری را به همه عرضه نمود. مسیح به وضوح همان مسیحی موعود قدیمی بود که می توانست همه مردم را نجات دهد.
- b. پاسخ به این پیام این بود که برخی از یهودیان، بسیاری از غیر یهودیان فداکار و بسیاری از زنان مهم عیسی را به عنوان منجی و ارباب پذیرفتند. تجزیه و تحلیل این گروه از نوادگان در درک نامه های بعدی پولس به این کلیسا بسیار معنی دار است.
- c. غالباً بیشتر اعضای کلیسا را تشکیل می دادند که در غیاب اشاره به عهد عتیق در هر دو رساله دیده می شود. غیر یهودیان به دلایل مختلف عیسی را به عنوان ناجی و ارباب پذیرفتند:
- ۱) مذاهب سنتی آنها خرافات بی قدرت بودند. تسالونیکه در کوهپایه المپ قرار داشت و همه می دانستند ارتفاعات آن خالی است.
- ۲) انجیل برای همه رایگان بود.
- ۳) مسیحیت هیچ ملیت گرای منحصراً به فرد یهودی را در خود نداشت. دین یهود بخاطر توحید و اخلاق بالای خود افراد زیادی را به خود جلب کرده بود، اما به دلیل تشریفات مذهبی (مانند ختنه) و تعصبات ذاتی نژادی و ملی خود، بسیاری را نیز دفع می کرد.
- d. بسیاری از "زنان رئیس" به دلیل این توانایی زنان در انتخاب مذهب خود، مسیحیت را پذیرفتند. زنان در مقدونیه و آسیای صغیر نسبت به بقیه جهان یونانی-رومی آزادتر بودند (Sir Wm. M. Ramsay, *St. Paul the Traveller and Roman Citizen*, New York: G. P. Putnam's Sons, ۱۸۹۶، صفحه ۲۲۷). با این حال، طبقه فقیر زنان، اگرچه آزاد بودند، اما هنوز تحت فشار خرافات و شرک بودند (Ramsay، ص ۲۲۹).
- e. بسیاری در تعیین مورد طول مدت اقامت پولس در تسالونیکه مشکل پیدا کردند
- ۱) اعمال رسولان ۱۷: ۲ در مورد استدلال پولس در کنیسه در سه سبت در زمانی که در تسالونیکه بود صحبت می کند.
- ۲) اول تسالونیکیان ۲: ۷-۱۱ از کار پولس می گوید. شغل او چادر سازی و آنطور که برخی گفته اند کار با چرم بود.
- ۳) فیلیپیان ۴: ۱۶ هنگامی که پولس در زمانی که در تسالونیکه بود، حداقل دو هدیه پول از کلیسای فیلیپیان دریافت، از اقامت طولانی تر پشتیبانی می کند. فاصله بین دو شهر حدود ۱۰۰ مایل است. برخی تصور می کنند که پولس حدود دو یا سه ماه بماند و این سه سبت فقط به بشارت به یهودیان مربوط است (Shepard، صفحه ۱۶۵).
- ۴) داستانهای متفاوت ایمان آوردگان در اعمال رسولان ۱۷: ۴ و اول تسالونیکیان ۱: ۹ و ۲: ۴ این دیدگاه را پشتیبانی می کنند، تفاوت اساسی در داستانها انکار بت‌ها از سوی غیر یهودیان است. غیر یهودیان در اعمال رسولان، غیر یهودیانی بودند که تازه یهودی شده بودند و قبلاً بت پرست بودند. این متن حاکی از آن است که پولس شاید نسبت به یهودیان بشارت طولانیتری انجام داده است.
- ۵) چه زمانی ممکن است یک بشارت بزرگتر اتفاق افتاده باشد، مشخص نیست زیرا پولس همیشه اول به نزد یهودیان می رفت. پس از آنکه پیام او را نپذیرفتند، رو به غیر یهودیان می کرد. هنگامی که آنها به تعداد زیادی به انجیل پاسخ دادند، یهودیان حسادت کردند (این یکی از طرفندهای بشارتی پولس بود، رومیان ۹-۱۱) و شورش را در میان توده های مردم شهر آغاز کردند.

نگارنده

f. به دلیل شورش، پولس خانه جیسون را ترک کرد و با تیموتائوس و سیلاس مخفی شد و یا حداقل وقتی که اوباش به خانه جیسون حمله کردند و به دنبال آنها بودند، آنها حضور نداشتند. سیاست-سالاران باعث شدند تا جیسون پیمان امنیتی برای تامین صلح برقرار کند. این باعث شد پولس شبانه شهر را ترک کرده و به بیریه برود. با این وجود، علیرغم مخالفت‌های زیاد، شاهد شهادت بر مسیح بود.

A.

اول تسالونیکیان. فقط منتقدان مدرن به طور جدی در تالیف پولس و صحت اول تسالونیکیان تردید جدی داشته‌اند، اما نتیجه‌گیریهای آنها بسیاری از محققان را قانع نکرده است. اول تسالونیکیان در فهرست مقدس مارسیون (سال ۱۴۰ قبل از میلاد) و در قطعه موراتوریون (۲۰۰ میلادی) درج شده است. هر دو لیست از کتابهای متعارف عهد جدید در رم منتشر شد. ایرنئوس از اول تسالونیکیان از او به اسم نقل قول کرده است - او حدود سال ۱۸۰ نوشت.

B. دوم تسالونیکیان.

۱. کتاب دوم تسالونیکیان همیشه به عنوان نوشته پولس پذیرفته نشده و به دلایل مختلف مورد حمله قرار گرفته است:

- واژگان یک مشکل ایجاد می‌کنند. نامه شامل کلمات بسیاری است که در نامه‌های دیگر پولس دیده نمی‌شوند.
- "سبک کلیشه‌ای است و بعضی اوقات به طور کنجکاوانه‌ای رسمی است" (Heard, صفحه ۱۸۶).
- اسکاتولوژی دو نامه به طور مشخص متناقض است.
- دوم تسالونیکیان در بر دارنده یک دیدگاه ضد مسیح منحصر به فرد در عهد جدید دارد، بنابراین، برخی نتیجه می‌گیرند که پولس نمی‌تواند نویسنده باشد.

۲. اصالت دوم تسالونیکیان بر اساس چندین فرضیه بنا می‌شود:

- پلیکارپ، ایگناتیوس و جاستین آن را به رسمیت شناختند
- فهرست کتب مقدس مارسیونی آن را در فهرست خود ثبت کرده است
- قسمت موراتوریان آن را در فهرست خود ثبت کرده است
- ایرنئوس از آن به اسم نقل قول کرده است
- واژگان، سبک و الهیات همانند اول تسالونیکیان پولس است

C. مقایسه این دو

- این دو نامه نه تنها در ایده‌ها بلکه در اصطلاحات واقعی بسیار مشابه یکدیگر هستند. اگر فرمول متن آغازین و اختتامیه را در نظر بگیریم، شباهتهایی میان حدود یک سوم موارد وجود دارد.
- لحن کلی دوم تسالونیکیان با نامه اول تفاوت دارد، سردتر و رسمی‌تر است. با این حال وقتی که شرایط عاطفی در نوشتن نامه اول و مشکلات بسط یافته نامه دوم را مشاهده می‌کنید، این امر به راحتی قابل درک است.

D. ترتیب نامه‌ها

۱. فرضیه جالب دیگر توسط F. W. Manson با استفاده از یادداشتهای Johannes Weiss ارائه شده است. آنها ادعا می‌کنند که ترتیب کتب معکوس است. دلایل این امر عبارتند از:

- محاکمات و مصائب در دوم تسالونیکیان به اوج خود رسیده، اما در اول تسالونیکیان گذشته است.
- در دوم تسالونیکیان از مشکلات داخلی گفته می‌شود که از تحولات جدیدی است که نویسنده نامه تازه آموخته است، در حالی که در اول تسالونیکیان شرایط برای همه افراد مربوط آشنا بوده است.
- این گفته که تسالونیکیان نیازی به آموزش در مورد زمانها و فصول ندارند (اول تسالونیکیان ۵: ۱) در صورت آشنایی با دوم تسالونیکیان ۲ بسیار مناسب است.

d. فرمول "اکنون در مورد ... در اول تسالونیکیان ۴: ۹، ۱۳: ۵، ۱: ۷، ۲۵: ۸، ۱: ۱۲، ۱: ۱۶، ۱: ۱۲ است، جایی که نویسنده در پاسخ به نکاتی است که در نامه‌ای که برای او ارسال شده است، پاسخ می‌دهد. مانسون فکر می‌کند که پاسخی ممکن است مربوط به سوالات خاصی باشند که ناشی از اظهارات دوم تسالونیکیان است.

۲. چندین فرضیه می‌توانند این بحث را خنثی کنند

a. مشکلات مورد توجه پولس از اول تسالونیکیان به دوم تسالونیکیان شدیدتر و عمیق‌تر می‌شود.

- b. قسمتهای دوم تسالونیکیان به نامه‌ای از پولس اشاره دارد (دوم تسالونیکیان ۲: ۲، ۱۵؛ ۳: ۱۷) و اگر فرض کنیم که این اول تسالونیکیان نباشد، پس یک نامه گمشده وجود دارد.
- c. یادآوری شخصی که بخشی از نامه اول را آنقدر برجسته می‌کند، در نامه دوم دیده نمی‌شود، که اگر نامه دوم در ادامه نامه اول باشد، طبیعی است.
- d. لحن نامه‌ها اگر ترتیب نامه‌ها را معکوس کنیم، کاملاً غیرطبیعی به نظر می‌رسند.

تاریخ نامه‌ها

- A. تاریخ نگارش نامه‌های تسالونیکیان یکی از قطعی‌ترین تاریخ‌هایی است که ما در نامه‌های پولس داریم. ثبت شده است که در حالی که پولس در "قرنتس" بود، دستگیر شد و به حضور گالیو دادستان آخیا" آورده شد. کتیبه‌ای که در دلفی کشف شده است به سوالی که از همان گالیو به امپراتور کلودیوس ارجاع شده است، پاسخ می‌دهد. این در دوازدهمین سال حکومت امپراتور و پس از بیست و ششمین تأیید او به عنوان امپراتور است. این دوازدهمین سال از ۲۵ ژانویه ۵۲ تا ۲۴ ژانویه ۵۳ میلادی است. در حالی که تاریخ بیست و ششمین تأیید ادعایی دقیقاً مشخص نیست، بیست و هفتمین تأیید قبل از اول آگوست سال ۵۲ میلادی بود. حکم کلودیوس در نیمه اول سال ۵۲ به گالیو اعطا شد. اکنون معمولاً اوایل تابستان مقامات مسئولیت خود را بر عهده می‌گرفتند و برای یک سال آن را بر عهده داشتند. بنابراین به نظر می‌رسد، گالیو در اوایل تابستان سال ۵۱ وارد دوره ریاست جمهوری خود شد (Morris، صفحه ۱۵).
- B. این تاریخ یابی از مدت تصدی دادستان، کلیه مشکلات تاریخ یابی نامه‌های تسالونیکیان را به طور کامل حل نمی‌کند. پولس به مدت ۱۸ ماه در قرنتس بود (اعمال رسولان ۱۸: ۱۱) اما در آن زمان او در برابر گالیو ظاهر نشده است. بیشتر مفسرین تاریخ اول و دوم تسالونیکیان در ۵۰-۵۱ میلادی میدانند.
- C. تاریخنگاری نوشته‌های پولس از دید F. F. Bruce و Murry Harris با اندکی سازگاری

کتاب	تاریخ	مکان نگارش	ارتباط با کتاب اعمال رسولان
۱ غلاطیان	۴۸	آنتیوخوس سوریه	اعمال رسولان ۱۴: ۲۸، ۱۵: ۲
۲ اول تسالونیکیان	۵۰	قرنتس	اعمال رسولان ۱۸: ۵
۳ دوم تسالونیکیان	۵۰	قرنتس	
۴ اول قرنتیان	۵۵	افسس	اعمال رسولان ۱۹: ۲۰
۵ دوم قرنتیان	۵۶	مقدونیه	اعمال رسولان ۲۰: ۲
۶ رومیان	۵۷	قرنتس	اعمال رسولان ۲۰: ۳
۷ الی ۱۰ نامه‌های زندان			
کولسیان	اوایل ۶۰	رم	
فیلمون	اوایل ۶۰	رم	
افسیان	اوایل ۶۰	رم	
فیلیپیان	اواخر ۶۲-۶۲	رم	اعمال رسولان ۲۸: ۳۰ الی ۳۱
۱۱ الی ۱۳ چهارمین سفر بشارتی		افسس (?)	
اول تیموتائوس	۶۳ یا دیرتر ولی قبل از سال ۶۸	مقدونیه	
تیتوس	۶۳ یا دیرتر ولی قبل از سال ۶۸		
دوم تیموتائوس	۶۴ یا دیرتر ولی قبل از سال ۶۸	رم	

رخدادهای حول نامه‌های تسالونیکیان

- A. اتفاقاتی که منجر شدند پولس نامه‌های تسالونیکیان را بنویسد، پیچیده و بهم پیوسته هستند. باید به تمایز خاصی اشاره کرد، خصوصاً در مورد وضعیت جسمی و وضعیت عاطفی. پولس مجبور شد که مومنان جدید تسالونیکیه را ترک کند زیرا یهودیان در جستجوی پولس و یارانش بودند، روحانیون خرافاتیها و مشرکین شهر را تحریک کردند تا به خانه جیسون یورش برند. جیسون و دیگر رهبران مسیحی پس از دادرسی قبل از سیاست-سالاران، برای اطمینان از صلح مجبور به ایجاد پیمان امنیتی شدند. وقتی پولس این را شنید، می‌دانست که باید به حرکت خود ادامه دهد و این کلیسای جوان و نابالغ را ترک کند. بنابراین او به همراه تیموتائوس و سیلاس به بیریه رفت. تیموتائوس ظاهراً در ابتدا ماند (اعمال رسولان ۱۰: ۱۷) و سپس بعداً به سیلاس پیوست تا به آتن برود (اعمال رسولان ۱۷: ۱۵). در ابتدا استقبال صادقانه یهودیان در بیریه، در مقابل چنان مخالفت‌های

شدید یهودیان قلبی، برای پولس نعمتی بود. با این وجود این امر دوام چندانی نداشت. یهودیان تسالونیکایی به سمت بیریه آمدند و شروع به ایجاد مشکل کردند. بنابراین، پولس مجبور شد مجدداً آنجا را ترک کند.

B. این دفعه پولس به آتن رفت و با استقبال سرد و بی پاسخ روبرو شد. او برای فیلسوفان دانشگاهی به یک شخص نوظهور بدل شد. تجربه وی در مقدونیه با آزار و اذیت و مخالفت مشخص شد. او مورد ضرب و شتم قرار گرفت، برهنه شد و شبانه شهر را تعقیب کرد. محققان او را مسخره کردند و مشرکان و بسیاری از هموطنانش از او متنفر بودند (مراجعه کنید به دوم قرنتیان ۴: ۱۷ الی ۱۱: ۶-۴: ۱۰؛ ۱۱: ۲۳-۲۹).

C. پولس مجبور شده بود در زمان مهمی این کلیسای امیدوار کننده در تسالونیکیان را ترک کند. آنها در ایمان نابالغ بودند و با گرفتاری و آزار و اذیت روبرو بودند. پولس دیگر نمی توانست درد و رنج روحی را تحمل کند. پولس که نگران تازه ایمان آوردگان بود، در جایی در بین بیریه و آتن، تیموتائوس و سیلاس را دوباره به کلیساهای جدید مقدونیه فرستاد. تیموتائوس به تسالونیکیان رفت. بسیاری احساس می کنند که او شش ماه تا یک سال در آنجا ماند و بشارت داد. کلیسا به شدت به کسی احتیاج داشت تا به آنها آموزش دهد، آنها را آرام و ترغیب کند. تیموتائوس خود خدمتگزار جدیدی بود. او در اولین سفر بشارتی پولس ایمان آورده بود، اما او تنها از زمان پولس بود که پول در سفر دوم بشارتی به لیستریا رفت. بنابراین وی در امر بشارت دادن تازه کار بود اما پولس به او اعتماد زیادی داشت. این اولین وظیفه تیموتائوس به عنوان نماینده رسمی پولس بود.

D. پولس به تنهایی در آتن خدمت کرد و به دلیل عدم پاسخگویی به انجیل در مقدونیه و نگرانی مداوم وی به مسیحیان جدید در آنجا بسیار دلسرد و افسرده شد. او به ویژه در مورد کلیسای تسالونیکایی نگران بود. آیا می توان کلیسا را در چنین مدت کوتاهی و در شرایط دشوار تأسیس و هنوز هم تحمل کرد؟ (Carter، صفحه ۱۱۵) اضافه بر این، وی مدتی از تیموتائوس و سیلاس خبری دریافت نکرده بود (شش ماه تا یک سال، اگر چه بعضی ها فقط یک یا دو ماه می گویند) (Farrar، صفحه ۳۶۹). این وضعیت احساسی بود که در هنگام ورود او به قرنتس، پولس را پیدا کردیم.

E. در قرنتس دو اتفاق رخ داد که پولس را بسیار تشویق کرد.

۱. بینشی که خدا نسبت به قرنتس بسیاری داشت که به انجیل پاسخ خواهند داد (اعمال رسولان ۱۸: ۹-۱۰).

۲. تیموتائوس و سیلاس رسیدند و خبرهای خوبی آوردند (اعمال رسولان ۱۸: ۵). این پیام تیموتائوس از تسالونیکایی باعث شد که پولس از قرنتس برای آنها بنویسد. پولس در مورد مسائل دگرترین و عملی به سوالات کلیسا پاسخ می داد.

F. نوشتن دوم تسالونیکیان مدت زیادی پس از اول تسالونیکیان صورت نگرفته بود زیرا همه آنچه را که پولس آرزو کرده بود بدست نیامده بود. همچنین، او از مشکلات دیگری آگاه شده بود. بسیاری از محققان معتقدند که دوم تسالونیکیان حدود شش ماه پس از اول تسالونیکیان نوشته شده است.

هدف نامه ها

A. نامه های تسالونیکیان سه منظور را در بر داشتند:

۱. برای به اشتراک گذاشتن شادی و شکرگزاری پولس از خدا برای وفاداری و همانند مسیح بودن تسالونیکیان، حتی در میانه آزار و اذیت

۲. برای پاسخگویی به کسانی که از انگیزه و شخصیت او بر علیه وی انتقاد میکنند

۳. برای بحث در مورد بازگشت سرورمان. این عنصر اسکاتولوژیک موعظه های پولس باعث مطرح شدن دو سوال میان مسیحیان تسالونیکایی شد:

a. بر سر مومنینی که قبل از آمدن سرورمان میمیرند، چه خواهد آمد؟

b. بر سر جماعت مومنی که دست از کار کشیده و منتظر بازگشت سرورمان هستند، چه خواهد آمد؟ (Barclays، صفحات ۲۱ الی

۲۲)

۴. برای پاسخ دادن به سوالات خاصی که توسط کلیسا پرسیده میشد (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۴: ۱۳؛ ۵: ۱).

B. بیشتر موارد فوق را می توان با این واقعیت توضیح داد که این یک کلیسای جوان و بسیار متعهد بود. با این حال به دلیل شرایط، آموزش و نظم و انضباط آنها ناقص بود. این مشکلات نمایانگر آن چیزی است که از یک کلیسای از این نوع انتظار می رود: مومنان جدید، ضعیف، دارای قلبی کمرنگ، بیکار، رویایی و حیران.

C. مناسبت دوم تسالونیکیان این بود که: "این تجویز دوم برای همان مورد مشابه پس از فهمیدن این است که برخی سرسختیها منجر به درمان اولیه نشده اند، ارائه شده است." (Walker، صفحه ۲۹۶۸)

منابع مورد استفاده

- Barclay, William. *The Letters and the Revelation. The New Testament*. 2 vol. New York: Collins, 1969.
- Carter, Thomas. *Life and Letters of Paul*. Nashville: Cokesbury Press, 1921.
- Farrar, Dean. *The Life and Work of St. Paul*. New York: Cassell and Company, Limited, 1904.

- Heard, Richard. *An Introduction to the New Testament*. New York: Harper and Row Publishers, 1950.
- Metzger, Bruce Manning. *The New Testament: Its Background, Growth and Content*. Nashville: Abingdon Press, 1965.
- Manson, T. W. *Studies in the Gospels and Epistles*. Philadelphia: Westminster, 1962.
- Morris, Leon. *The First and Second Epistles to the Thessalonians*. Grand Rapids: Eerdmans, 1991.
- Ramsay, W. M. *St. Paul the Traveller and Roman Citizen*. New York: G. P. Putnam's Sons, 1896.
- Shepard, J. W. *The Life and Letters of Paul*. Grand Rapids: Wm. B. Eerdmans Publishing Company, 1950.
- Walker, R. H. *The International Standard Bible Encyclopedia*. Vol. V. N. D.

مشخصه ها

- A. سلام و تهنیت، اول تسالونیکیان ۱: ۱
- B. دعای شکرگزاری، اول تسالونیکیان ۱: ۲ الی ۴
- C. یادآوری، اول تسالونیکیان ۱: ۵ الی ۲: ۱۶
۱. پاسخ تسالونیکیان به موعظه اولیه، اول تسالونیکیان ۱: ۵ الی ۱۰
۲. موعظه پیام خوش در تسالونیکي، اول تسالونیکیان ۲: ۱ الی ۱۶
- a. خلوص انگیزه‌های گروه، اول تسالونیکیان ۲: ۱ الی ۶الف
- b. رد کردن پذیرش کمک، اول تسالونیکیان ۲: ۶ب الی ۹
- c. رفتار گروه بی عیب بود، اول تسالونیکیان ۲: ۱۰ الی ۱۲
- d. پیام گروه از کلام خدا، اول تسالونیکیان ۲: ۱۳
- e. آزار و اذیت، اول تسالونیکیان ۲: ۱۴ الی ۱۶
- D. رابطه پولس با اهالی تسالونیکي، اول تسالونیکیان ۲: ۱۷ الی ۳: ۱۳
۱. آرزوی او بر بازگشت، اول تسالونیکیان ۲: ۱۷ و ۱۸
۲. شادی پولس در میان تسالونیکیان، اول تسالونیکیان ۲: ۱۹ و ۲۰
۳. ماموریت تیموتائوس، اول تسالونیکیان ۳: ۱ الی ۵
۴. گزارش تیموتائوس، اول تسالونیکیان ۳: ۶ الی ۸
۵. رضایت پولس، اول تسالونیکیان ۳: ۹ و ۱۰
۶. دعای پولس، اول تسالونیکیان ۳: ۱۱ الی ۱۳
- E. تشویق به زندگی مسیحی، ۴: ۱ الی ۱۲
۱. کلی، اول تسالونیکیان ۴: ۱ و ۲
۲. خلوص جنسی، اول تسالونیکیان ۴: ۳ الی ۸
۳. عشق برادرانه، اول تسالونیکیان ۴: ۹ و ۱۰
۴. بدست آوردن زندگی یک نفر، اول تسالونیکیان ۴: ۱۱ و ۱۲
- F. مسائل همراه با آمدن دوم، اول تسالونیکیان ۴: ۱۳ الی ۵: ۱۱
۱. مومنینی که قبل از پاروزیا میمیرند، اول تسالونیکیان ۴: ۱۳ الی ۱۸
۲. زمان پاروزیا، اول تسالونیکیان ۵: ۱ الی ۳
۳. فرزندان روز، اول تسالونیکیان ۵: ۴ الی ۱۱
- G. نصایح کلی، اول تسالونیکیان ۵: ۱۲ الی ۲۲
- H. جمع بندی، اول تسالونیکیان ۵: ۲۳ الی ۲۸

* این کتاب به یک بخش دکتربین و یک بخش عملی به صورت منسجم مانند بیشتر نامه‌های پولس نمی‌پردازد. اگر از الگوی اصلی پیروی کنیم، بحث پولس در مورد آمدن دوم در اول تسالونیکیان ۴: ۱۷-۱۸ بخش عملی است، نه دکتربین! آمدن دوم دکتربینی نیست که فقط تأیید شود، بلکه شیوه زندگی است در انتظار بازگشت هر لحظه او.

اول تسالونیکیان ۱

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
خطابیه	تهنیت	تهنیت	درد	تهنیت
۱ : ۱	۱ : ۱	۱ : ۱	۱ : ۱	۱ : ۱
ایمان تسالونیکیان و الگو	مثال خوب آنان	شکرگزاری	عشق و ایمان اهالی شکرگزاری	شکرگزاری و تبریک
۱۰ : ۱ الی ۲	۱۰ الی ۲	۱۰ الی ۲	۱۰ الی ۲	۳ الی ۱۰
				۴ الی ۱۰

* تقسیم‌بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگرافها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری میباشد. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگرافها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخ جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: انتقادات متنی و واژه‌نامه.

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور خود راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم و غیره

۴. و غیره

بینش متنی

- A. اول تسالونیکیان ۱ : ۱ نامه‌ای در فرم استاندارد نامه‌های قرن اول است. پولس با جایگزین کردن "مرحمت/لطف" با کلمه "تهنیت" در زبان یونانی حالت صدای آنها مشابه یکدیگر است، آن را به طور منحصر به فردی مسیحی کرد (*charis* در برابر *charein*).
- B. اول تسالونیکیان ۱ : ۲-۱۰ یک دعای شکرگزاری طولانی برای خدا برای مومنان در تسالونیک را تشکیل می‌دهد:
۱. اول تسالونیکیان ۱ : ۲-۵ یک جمله را تشریح می‌کند که شهادت بشارت انجیلی پولس را توصیف می‌کند.
۲. اول تسالونیکیان ۱ : ۶-۹ پاسخ تسالونیکیان را شرح می‌دهد.
- C. تثلیث در اول تسالونیکیان ۱ : ۲ الی ۵ آشکار می‌گردد. موضوع خاص: تثلیث در غلاطیان ۴ : ۴ را مطالعه کنید.

مطالعه عبارت و کلام

NASB: اول تسالونیکیان ۱ : ۱

^۱ از پولس و سیلاس و تیموتائوس، به کلیسای تسالونیکیان که در خدای پدر و خداوند عیسی مسیح اند: فیض و سلامتی بر شما باد.

۱: ۱ "پولس" برای اولین بار در اعمال رسولان ۱۳: ۹ پولس اهل تاروسوس، پولس (Paul) نامیده می‌شود. این احتمال وجود دارد که بیشتر یهودیان "دیاسپورا" اسامی عبری و نام یونانی داشتند. اگر چنین باشد، پس والدین شائول این نام را به او دادند، اما چرا، "پولس" ناگهان در اعمال رسولان ۱۳ ظاهر می‌شود؟ احتمالاً (۱) دیگران با این نام او را صدا زدند یا (۲) او با اصطلاح "کوچک" یا "حقیر" شروع به اشاره به خودش کرد. نام یونانی پائولوس به معنی "حقیر" بود. چندین نظریه در مورد منشا نام یونانی او پیش گرفته شده است:

۱. روایت قرن دوم که پولس کوتاه، چاق، طاس، چروکیده، دارای موهای پر پشت و چشمانی براق و زاق بود، منبع احتمالی اسم است که از کتابی غیر متعارف از تسالونیکه بنام پولس و تکلا مشتق شده است.
۲. متونی که پولس خود را "حقیرترین قدیسان" می‌نامد، زیرا کلیسا را تحت آزار و اذیت قرار می‌دهد، همانطور که در اعمال رسولان ۹: ۱-۲ است. برخی این "حقیرترین" را منشا عنوان خود برگزیده دانسته‌اند. با این حال، در کتابی مانند غلاطیان، جایی که وی بر استقلال و برابری خود با دوازده رسول اورشلیم تأکید کرده، این مسئله تا حدودی بعید است (مراجعه کنید به دوم قرنتیان ۱۱: ۵؛ ۱۲: ۱۱؛ ۱۳: ۱۱؛ ۱۵: ۱۰). توجه کنید که هیچ دفاعی در مورد رسول پولس در معرفی این کلیسای تسالونیکه وجود ندارد. از میان تمامی کلیساهای پولس، تسالونیکه و فیلیپی بیشترین پشتیبانی را از او داشتند.

■ "سیلاس" (در نسخه انگلیسی، "سیلوانوس" نوشته شده و این تفسیر بر اساس نسخه انگلیسی است- مترجم) این نام رومی او بود. او مانند پولس یک شهروند رومی بود (مراجعه کنید به اعمال رسولان ۱۶: ۳۷). لوقا همیشه او را "سیلوانوس" خطاب می‌کرد. وی یک رسول با استعداد و عضو محترم کلیسای اورشلیم مانند برنابا بود (مراجعه کنید به اعمال رسولان ۱۵: ۲۲، ۲۷، ۳۲؛ اول پطرس ۵: ۱۲). وی در سفرهای بشارتی دوم و سوم، جایگزین برنابا و به عنوان یار پولس بود.

موضوع خاص: سیلاس/سیوانوس

(SPECIAL TOPIC: SILAS)

- سیلاس یا سیلوانوس کسی بود که پطرس او را انتخاب کرد تا در سفر بشارتی دومش (یعنی اعمال رسولان ۱۵: ۴۰ الی ۱۸: ۵) پس از اینکه بارناباس و یوحنا مرقس به قبرس بازگشتند (یعنی بحث در مورد مرقس، مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵: ۳۶ الی ۳۹) او را همراهی کند.
۱. نخستین بار در انجیل در اعمال رسولان ۱۵: ۲۲ جایی که او در میان برادران کلیسای اورشلیم رئیس خوانده شد، از او نام برده شده است.
 ۲. او هم یک نبی بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵: ۳۲).
 ۳. او همانند پولس یک شهروند روم بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۶: ۳۷).
 ۴. او و یهودا بارساباس توسط کلیسای اورشلیم جهت بررسی وضعیت به آنتیوخوس فرستاده شدند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵: ۲۲ و ۳۰ الی ۳۵).
 ۵. پولس در دوم قرنتیان ۱: ۱۹ از او به عنوان دوستی که انجیل را موعظه میکند، یاد مینماید.
 ۶. بعد از نگارش اول پطرس او با پطرس شناسایی میشود (مراجعه شود به اول پطرس ۵: ۱۲، احتمالاً به این دلیل است که نگارش پطرس بسیار شبیه نگارش پولس است).
 ۷. هم پولس و هم پطرس او را سیلوانوس صدا می‌زنند در حالیکه لوقا او را سیلاس خطاب میکند (حالت آرامی شائول). ممکن است که سیلاس نام یهودی و سیلوانس نام لاتین او بوده باشند (مراجعه شود به *Paul: Apostle of the Heart Set Free* اثر F. F. Bruce صفحه ۱۳۲).

■ "تیموتائوس" او در اولین سفر بشارتی، هنگام بازگشت پولس از لیسترا ایمان آورده بود. تیموتائوس در سفر دوم به عضویت تیم پولس درآمد (اعمال رسولان ۱۶: ۱-۳) و جایگزین یوحنا-مرقس شد. برای توضیحات کاملتر به مقدمه B.3 مراجعه کنید.

■ "تسالونیکیان" اعمال رسولان ۱۷: ۱ الی ۹ برخورد پولس با این مردم را توصیف می‌کند.

■ "کلیسا" *Ekklesia* به معنای "آنهايي که خوانده می‌شوند" است. در ابتدا به معنای اجتماع شهری در جامعه یونان بود (اعمال رسولان ۱۹: ۳۲). ترجمه یونانی عهد عتیق *Septuagint*، از آن برای ترجمه عبری *qahal*، به معنی "جماعت" استفاده می‌کند (مراجعه کنید به خروج ۱۲: ۶؛ ۱۶: ۳؛ لاویان ۴: ۱۳؛ اعداد ۱۴: ۵؛ ۲۰: ۶؛ تثنیه ۵: ۲۲؛ ۹: ۱۰؛ ۱۰: ۴؛ ۱۸: ۱۶). کلیسای اولیه خود را جماعت مسیحی اسرائیل می‌دانست. موضوع خاص در غلاطیان ۱: ۲ را مطالعه کنید.

■ "در خدای پدر و خداوند عیسی مسیح‌اند" (در نسخه انگلیسی برای عیسی مسیح *Lord Jesus Christ* نوشته شده که معنی آن "ارباب عیسی

مسیح" است. این تفسیر بر مبنای نسخه انگلیسی است- مترجم) خدا و عیسی به روش نحوی با استفاده از یک حرف تعریف مشخص می‌شوند تا هر دو آنها به صورت خاص شناسایی شوند. این تکنیکی است که نویسندگان عهد جدید برای الهیات مسیح از آن استفاده می‌کنند. مورد دیگر انتساب عناوین عهد عتیق و کارهای یهوه برای عیسی ناصری بود. موضوع خاص زیر را مطالعه کنید.

موضوع خاص: پدر

(SPECIAL TOPIC: FATHER)

عهد عتیق به صورت استعاره رابطه صمیمی با خدا را تحت عنوان پدر معرفی می‌کند (به موضوع خاص: پدر بودن خدا مراجعه شود):

۱. ملت اسرائیل اغلب به عنوان فرزند "پسر" یهوه توصیف می‌شوند
۲. حتی کمی قبل‌تر در تثنیه از خدا به عنوان پدر یاد شده است
۳. در تثنیه ۳۲ از اسرائیل به عنوان "فرزندان او" و خدا به عنوان "پدر" شما یاد شده است
۴. این الهام در مزامیر ۱۰۳: ۱۳ مطرح شده و در مزامیر ۶۸: ۵ (به صورت پدر یتیمان) بسط یافته است
۵. در میان پیامبران متداول بود (رجوع شود به اشعیا ۱: ۲، ۶۳: ۸، اسرائیل به عنوان پسر، خدا به عنوان پدر، ۶۳: ۱۶، ۶۴: ۸، ارمیا ۳: ۴ و ۱۹، ۳۱: ۹)

عیسی به زبان آرامی صحبت می‌کرد که بدین معنی است که بسیاری از جاهایی که "پدر" به کار رفته است، کلمه یونانی آن "Pater" است، و می‌تواند منعکس کننده کلمه *abba* در زبان آرامی باشد (رجوع شود به انجیل مرقس ۱۴: ۳۶). این کلمه شبیه "بابا" (Daddy) یا "پاپا" (Papa) منعکس کننده صمیمیت با پدر است، و افشا کردن آن برای پیروانش رابطه صمیمی ما با پدر را تشویق می‌کند. کلمه "پدر" به سختی برای یهوه در عهد عتیق استفاده شده است، ولی عیسی اغلب و به صورت فراگیر از آن استفاده می‌کند. این یک مدرک بزرگ رابطه با خدا از طریق مسیح برای پیروان است (رجوع شود به انجیل متی ۶: ۹).

■ "خداوند" (در نسخه انگلیسی *Lord* نوشته شده که معنی آن "ارباب / سرور" است. این تفسیر بر مبنای نسخه انگلیسی است- مترجم) خدا نام خود را با پیمان خود با موسی در موقع خروج ۳: ۱۴ آشکار ساخت: یهوه. بعداً یهودیان از تلفظ این اسم مقدس ترسیدند، مبادا بیهوده از آن استفاده کنند و یکی از ده فرمان را بشکنند. بنابراین، آنها هنگام خواندن کتاب مقدس، آدون، کلمه دیگری را جایگزین کردند که به معنای "شوهر، صاحب، ارباب، سرور" بود. این منبع ترجمه انگلیسی *Lord* است. غالباً وقتی نویسندگان عهد جدید عیسی را "الرد" (*kurios*) می‌نامیدند، الهی بودن عیسی را تصریح می‌کردند. این تایید به بیانیه کلیسای تعمیدی، "عیسی ارباب است" تبدیل شد (مراجعه شود به رومیان ۱۰: ۹ الی ۱۳؛ فیلیپیان ۲: ۶ الی ۱۱).

■ "عیسی" این نام به معنی "یهوه نجات می‌دهد" است (مراجعه کنید به متی ۱: ۲۱)، معادل نام عهد عتیقی "یوشع". "عیسی" از کلمه عبری برای نجات (هوشع) گرفته شده است که به صورت پسوند به نام پیمانی خدا (یهوه) اضافه شده است.

■ "مسیح" این ترجمه ای از اصطلاح عبری برای "مسح شده" (*Mashiach*) است. این امر به توانمندسازی و تجهیز ساختن روح برای وظیفه محوله توسط یهوه اشاره دارد. این اصطلاح عبری برای آن فرد خاص، موعود، آن که می‌آید، "مسیح" است (مراجعه کنید به لوقا ۲: ۱۱، ۲۶: ۳، ۱۵: ۴، ۴۱: ۹، ۲۰: ۲۲، ۶۷: ۲۳، ۲: ۳۵، ۳۹: ۲۴، ۲۶: ۴۶).

■ "فیض" پولس اصطلاح عرفی *charein* (تبریک) را به *charis* (فیض) تغییر داد و آن را به صورت منحصر به فردی مسیحی و از نظر کلامی مقدم بر صلح و دوستی دانست. فیض همیشه مقدم بر صلح است.

■ "سلامتی" (اصطلاح نوشته شده در نسخه انگلیسی *peace* به معنی صلح و آرامش است و این تفسیر در رابطه با اصطلاح به کار رفته در نسخه انگلیسی است- مترجم) این همانند شالوم عبری است. عبارت "فیض و آرامش" احتمالاً برای ترکیب تبریک‌های سنتی یونانی و عبری بود. نسخه پادشاه جیمز یک عبارت معمولی پولسی "از خدا پدر ما و سرورمان عیسی مسیح" را از دوم تسالونیکیان ۱: ۱ بعد از "آرامش" اضافه می‌کند. این عبارت در دست نوشته‌های یونانی B، F، یا G ظاهر نمی‌شود. این در نسخ باستانی دستنویس یونیکال باستان A و ۸ ظاهر می‌شود. یک حالت کمی تغییر یافته در نسخه D ظاهر می‌شود. ممکن است تصحیح کاتبین از دوم تسالونیکیان ۱: ۲ باشد. UBS⁴ به متن کوتاه‌تر رتبه "A" می‌دهد (یقین).

NASB: اول تسالونیکیان ۱: ۲ الی ۱۰

۲ ما همواره خدا را به خاطر وجود همه شما شکر می‌گوییم و از شما در دعاها خود نام می‌بریم،^۳ و پیوسته در حضور خدا و پدر خود، عمل شما را که از ایمان ناشی می‌شود و محنت شما را که محرک آن محبت است و پایداری شما را که از امید به خداوندان عیسی مسیح الهام می‌گیرد، به یاد می‌آوریم.

۴ زیرا ای برادران که محبوب خدایید، از برگزیدگی شما آگاهییم. ۵ چرا که انجیل ما تنها نه با کلمات، بلکه با قدرت و روح القدس و یقین کامل به شما رسید، چنانکه نیک می‌دانید به خاطر شما چگونه در میانان رفتار کردیم. ۶ شما از ما و از خداوند سرمشق گرفتید و در رنج بسیار، کلام را با آن شادی که روح القدس می‌بخشد، استقبال کردید. ۷ بدین گونه شما برای همه ایمانداران مقدونیه و آخائیه سرمشقی بر جای گذاشتید، ۸ زیرا کلام خداوند به واسطه شما نه تنها در مقدونیه و آخائیه طنین افکند، بلکه ایمان شما به خدا در همه جا بر سر زبانهاست، آن گونه که دیگر نیازی نیست ما چیزی بگوییم. ۹ زیرا آنان خود از استقبال گرم شما از ما سخن می‌گویند، و از اینکه چگونه از بتها دست کشیده، به سوی خدا بازگشتید تا خدای زنده و حقیقی را خدمت کنید ۱۰ و در انتظار آمدن پسر او از آسمان باشید، که از مردگان برخیزانیدش، یعنی عیسی، که ما را از غضب آینده رهایی می‌بخشد.

۱: ۲ "ما" این به پولس، سیلاس و تیموتائوس (تیم مامورین مومن یهود) اشاره می‌کند. پولس این ضمیر جمع را تسالونیکیان بیشتر از هر نامه دیگری به کار برده است. هنوز مشخص نیست که چگونه این روند نوشتن کتاب را تحت تاثیر قرار داده است. پولس اغلب از کاتبان استفاده می‌کرد. این کاتبان تا چه اندازه آزادی عمل داشتند، نامشخص است.

■ "خدا را... شکر می‌گوئیم" این یک حال اخباری فعال است که دلالت بر تداوم عمل دارد. روحیه شکرگزاری، مشخصه کل نامه است (اول تسالونیکیان ۲: ۱۳؛ ۳: ۹). پولس مانند کلیسای فیلیپی با این کلیسا رابطه فوق العاده‌ای برقرار کرد. دعاهاى آغازین پولس نه تنها از نظر فرهنگی به شیوه یونانی هستند، بلکه اغلب به نظر می‌رسد مباحث الهیاتی وی را مشخص می‌سازند.

موضوع خاص: شکرگزاری

(SPECIAL TOPIC: THANKSGIVING)

I. مقدمه

A. این نگرش مناسب مؤمنان نسبت به خداست

۱. ستایش ما از خدا از طریق مسیح است

a. دوم قرن‌تیا ۲: ۱۴

b. دوم قرن‌تیا ۹: ۱۵

c. کولسیان ۳: ۱۷

۲. این انگیزه مناسب برای بشارت است، اول قرن‌تیا ۱: ۴

۳. این موضوع همیشگی بهشت است

a. مکاشفه ۴: ۹

b. مکاشفه ۷: ۱۲

c. مکاشفه ۱۱: ۱۷

۴. این موضوع همیشگی مومنین است

a. کولسیان ۲: ۷

b. کولسیان ۳: ۱۷

c. کولسیان ۴: ۲

II. مفاد انجیلی

A. عهد عتیق

۱. دو کلمه اصلی

a. *yadah* (BDB 392, KB 398)، که یعنی ستایش

b. *todah* (BDB 392, KB 1695) که یعنی شکرگزاری. معمولاً در مورد قربانیهای تقدیمی استفاده میشد (مراجعه

شود به دوم تواریخ ۲۹: ۳۱، ۳۳: ۱۶)

۲. داوود لایبان خاصی را برای ستایش و تشکر خداوند منسوب کرد. این کار توسط سلیمان، حزقیال و نحیمیا ادامه یافت.

a. اول تواریخ ۱۶: ۴ و ۷ و ۴۱

b. اول تواریخ ۲۳: ۳۰

c. اول تواریخ ۲۵: ۳

- d. دوم تواریخ ۵: ۱۳
- e. دوم تواریخ ۷: ۶
- f. دوم تواریخ ۳۱: ۲
- g. نحمیا ۱۱: ۱۲
- h. نحمیا ۱۲: ۲۴ و ۲۷ و ۳۱ و ۳۸ و ۴۶
۳. کتاب سرود مزامیر جمع آوری ستایش و قدردانی از اسرائیل است
- a. شکرگزاری از یهوه برای وفاداری وی به پیمان
- (۱) مزامیر ۱۰۷: ۸
- (۲) مزامیر ۱۰۳: ۱ به بعد
- (۳) مزامیر ۱۳۸: ۲
- b. شکرگزاری بخشی از مراسم معبد بود
- (۱) مزامیر ۹۵: ۲
- (۲) مزامیر ۱۰۰: ۴
- c. شکرگزاری با قربانی همراه بود
- (۱) مزامیر ۲۶: ۷
- (۲) مزامیر ۱۲۲: ۴
- d. شکرگزاری به خاطر کارهای یهوه
- (۱) رهایی از دشمنان
- (a) مزامیر ۷: ۱۷
- (b) مزامیر ۱۸: ۴۹
- (c) مزامیر ۲۸: ۷
- (d) مزامیر ۳۵: ۱۸
- (e) مزامیر ۴۴: ۸
- (f) مزامیر ۵۴: ۶
- (g) مزامیر ۷۹: ۱۳
- (h) مزامیر ۱۱۸: ۱ و ۲۱ و ۲۹
- (i) مزامیر ۱۳۸: ۱
- (۲) رهایی از زندان (استعاره)، مزامیر ۱۴۲: ۷
- (۳) رهایی از مرگ
- (a) مزامیر ۳۰: ۴ و ۱۲
- (b) مزامیر ۸۶: ۱۲ الی ۱۳
- (c) اشعیا ۳۸: ۱۸ الی ۱۹
- (۴) اوستمکاران را از بین برد و پارسایان را تمجید کرد
- (a) مزامیر ۵۲: ۹
- (b) مزامیر ۷۵: ۱
- (c) مزامیر ۹۲: ۱
- (d) مزامیر ۱۴۰: ۱۳
- (۵) او می آمرزد
- (a) مزامیر ۳۰: ۴
- (b) اشعیا ۱۲: ۱
- (۶) او مردمانش را تامین میکند
- (a) مزامیر ۱۰۶: ۱ به بعد
- (b) مزامیر ۱۱۱: ۱

(c) مزامیر ۱:۳۶ و ۱ و ۲۶

(d) مزامیر ۱۰:۱۴۵

(e) ارمیا ۱۱:۳۳

B. عهد جدید

۱. کلمه اصلی که برای تشکر و شکرگزاری استفاده شده (برخی منابع)

a. *eucharisteō* (مراجعه شود به اول قرنیتیان ۱: ۴ و ۱۴، ۱۰: ۳۰، ۱۱: ۲۴، ۱۴: ۱۷ و ۱۸، کولسیان ۱: ۳ و ۱۲، ۳: ۱۷)

b. *eucharistos* (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۱۵)

c. *eucharistia* (مراجعه شود به اول قرنیتیان ۱۴: ۱۶، دوم قرنیتیان ۴: ۱۵، ۹: ۱۱ و ۱۲، کولسیان ۲: ۷، ۴: ۹)

d. *charis* (مراجعه شود به اول قرنیتیان ۱۵: ۵۷، دوم قرنیتیان ۲: ۱۴، ۸: ۱۶، ۹: ۱۵، اول پطرس ۲: ۱۹)

۲. مثال عیسی

a. برای خوراک شکرگزار بود

(۱) انجیل لوقا ۲۲: ۱۷ و ۱۹ (اول قرنیتیان ۱۱: ۲۴)

(۲) انجیل یوحنا ۶: ۱۱ و ۲۳

b. برای دعاهای پاسخ داده شده شکرگزار بود، انجیل یوحنا ۱۱: ۴۱

۳. سایر مثالهای شکرگزار بودن

a. به خاطر نعمت مسیح از سوی خدا، دوم قرنیتیان ۹: ۱۵

b. به خاطر خوراک

(۱) اعمال رسولان ۲۷: ۳۵

(۲) رومیان ۱۴: ۶

(۳) اول قرنیتیان ۱۰: ۳۰، ۱۱: ۲۴

(۴) اول تیموتائوس ۴: ۳ الی ۴

c. به خاطر شفا، انجیل لوقا ۱۷: ۱۶

d. به خاطر صلح و آرامش، اعمال رسولان ۲۴: ۲ الی ۳

e. به خاطر رهایی از خطر

(۱) اعمال رسولان ۲۷: ۳۵

(۲) اعمال رسولان ۲۸: ۱۵

f. به خاطر تمامی شرایط، فیلیپیان ۴: ۶

g. برای تمامی انسانها به خصوص رهبران، اول تیموتائوس ۲: ۱ الی ۲

۴. سایر جنبه های شکرگزار بودن

a. اراده خدا برای تمامی مومنین است، اول تسالونیکیان ۵: ۱۸

b. شاهد و سندی بر زندگی پرشده توسط روح القدس است، افسسیان ۵: ۲۰

c. نادیده گرفتن آن گناه است

(۱) انجیل لوقا ۱۷: ۱۶ الی ۱۷

(۲) رومیان ۱: ۲۱

d. پادزهری برای گناه است، افسسیان ۵: ۴

۵. شکرگزار بودن پولس

a. نعمت او برای کلیسا

(۱) برای اعلام انجیل

(a) رومیان ۱: ۸

(b) کولسیان ۱: ۳ الی ۴

(c) افسسیان ۱: ۱۵ الی ۱۶

(d) اول تسالونیکیان ۱: ۲

- (۲) برای بخشش فضل
 (a) اول قرن‌تبیان ۱: ۴
 (b) دوم قرن‌تبیان ۱: ۱۱، ۴: ۱۵
- (۳) برای پذیرفتن انجیل، اول تسالونیکیان ۲: ۱۳
 (۴) برای همکاری در گسترش و توسعه انجیل، فیلیپیان ۱: ۳ الی ۵
 (۵) برای رشد در فیض الهی، دوم تسالونیکیان ۱: ۳
 (۶) برای دانش انتخاب، دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳
 (۷) برای نعمت روحانی، کولسیان ۱: ۱۲، ۳: ۱۵
 (۸) برای آزادی در دادن، دوم قرن‌تبیان ۹: ۱۱ الی ۱۲
 (۹) برای لذت به خاطر کسانی که تازه ایمان می‌آورند، اول تسالونیکیان ۳: ۹
- b. شکرگزاری فردی او
- (۱) به خاطر مومن بودن، کولسیان ۱: ۱۲
 (۲) برای رهایی از یوغ گناه، رومیان ۷: ۲۵، دوم قرن‌تبیان ۲: ۱۴
 (۳) به خاطر فداکاری برای دیگر مومنین، رومیان ۱۶: ۴، دوم قرن‌تبیان ۸: ۱۶
 (۴) برای برخی اعمال که صورت نگرفته‌اند، اول قرن‌تبیان ۱: ۱۴
 (۵) برای نعمت روحانیت فردی، اول قرن‌تبیان ۱۴: ۱۸
 (۶) برای رشد روحانیت دوستان، فیلمون ۴ الی ۵
 (۷) برای قدرت فیزیکی جهت بشارت، اول تیموتائوس ۱: ۱۲

III. جمع بندی

- A. شکرگزاری پاسخ اصلی ما به خدا پس از اینکه نجات یافتیم، است. این مسئله نه تنها در موافقت کلامی، بلکه در مورد شیوه زندگی نیز بیان می‌شود.
- B. شکرگزاری به خاطر همه چیز هدف زندگی بلوغ یافته در حفظ خدا است (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۵: ۱۳ الی ۱۸)
- C. شکرگزاری یک موضوع تکراری عهد قدیم و جدید است. آیا برای شما هم هست؟

■ "از شما... نام می‌بریم" این یک وجه وصفی حال میانی است که دلالت بر تصمیمی هدفمند توسط پولس برای ادامه دعا را بیان می‌دارد. ساختار نحوی دعای پولس را می‌توان در سه عبارت وابسته به یکدیگر مشاهده کرد: (۱) ذکر کردن (اول تسالونیکیان ۱: ۲). (۲) همیشه در ذهن داشته باشید (اول تسالونیکیان ۱: ۳). و (۳) بدانید/بشناسید (اول تسالونیکیان ۱: ۴).

موضوع خاص: نماز روحانی

SPECIAL TOPIC: INTERCESSORY PRAYER

I. مقدمه

- A. به دلیل سرمشق بودن عیسی، دعا اهمیت دارد
۱. دعای فردی، انجیل متی ۳: ۳۵، انجیل لوقا ۳: ۲۱، ۶: ۱۲، ۹: ۲۹، ۲۲: ۳۱ الی ۴۶
 ۲. تطهیر معبد، انجیل متی ۲۱: ۱۳، انجیل مرقس ۱۱: ۱۷، انجیل لوقا ۴: ۴۶
 ۳. الگوی دعا، انجیل متی ۶: ۵ الی ۱۳، انجیل لوقا ۱۱: ۲ الی ۴
- B. دعا محسوس کردن اعتقاد فردی و توجه ما است به خدا که حضور دارد و ما و دیگران از طریق دعاهای ما عمل کند.
- C. خدا خود را محدود کرده که فقط بر اساس دعاهای فرزندان در زمینه‌های مختلف عمل کند (مراجعه شود به یعقوب ۲: ۴)
- D. هدف اصلی دعا دوستی ما و صرف وقت با تثلیث خدا است
- E. محدوده دعا هر کسی یا هر چیزی است که مورد توجه مومن است. می‌توانیم یک بار دعا کنیم و می‌توانیم بر اساس آنچه در فکر و مورد توجه ما است، بارها و بارها دعا کنیم.
- F. دعا می‌تواند شامل عناصر مختلفی باشد

۱. تشکر و تمجید تثلیث
 ۲. شکرگزاری خدا برای حضورش، دوستی اش، و مقرراتش
 ۳. اعتراف به گناهان گذشته و حال
 ۴. درخواست نیازهای احساس شده
 ۵. نماز روحانی که تامین نیازهای دیگران را از خدا می خواهیم
- G. نماز روحانی مرموز است. خدا دعاهایی که برای دیگران می کنیم را بیشتر از دعاهایی که برای خود می کنیم دوست دارد. با این حال، دعاهای ما اغلب منجر به تغییر، پاسخ و یا نیاز نه فقط در ما بلکه در آنها که برایشان دعا می کنیم نیز می شود.

II. انجیل

A. عهد عتیق

۱. برخی مثالها در مورد نماز روحانی
 - a. ابراهیم برای سدوم دعا می کند، پیدایش ۱۸:۲۲
 - b. دعاهای موسی برای اسرائیل
 - (۱) خروج ۵:۲۲ الی ۲۳
 - (۲) خروج ۹:۳۲ الی ۱۴، ۳۱ الی ۳۵
 - (۳) خروج ۱۲:۳۳ الی ۱۶
 - (۴) خروج ۹:۳۴
 - (۵) تثنیه ۹:۱۸، ۲۵ الی ۲۹
 - c. دعای سموئیل برای اسرائیل
 - (۱) اول سموئیل ۷:۵ الی ۶ و ۸ الی ۹
 - (۲) اول سموئیل ۱۶:۱۲ الی ۲۳
 - (۳) اول سموئیل ۱۶ الی ۱۸
 - d. دعای داوود برای فرزندش، دوم سموئیل ۱۲:۱۶ الی ۱۸
۲. خدا در جستجوی نمازهای روحانی است، اشعیا ۵۹:۱۶
۳. گناهان شناخته شده و اعتراف نشده و توبه نشده بر دعاهای ما تاثیر می گذارند
 - a. مزامیر ۱۸:۶۶
 - b. امثال ۹:۲۸
 - c. اشعیا ۱:۵۹ الی ۲، ۷:۶۴

B. عهد جدید

۱. بشارت نماز روحانی پسر و روح
 - a. عیسی
 - (۱) رومیان ۸:۳۴
 - (۲) عبرانیان ۷:۲۵
 - (۳) اول یوحنا ۱:۲
 - b. روح القدس، رومیان ۸:۲۶ الی ۲۷
۲. بشارت نماز روحانی پولس
 - a. دعا برای یهودیان
 - (۱) رومیان ۹:۱
 - (۲) رومیان ۱:۱۰
 - b. دعا برای کلیسا

- (۱) رومیان ۱:۹
 - (۲) افسسیان ۱:۱۶
 - (۳) فیلیپیان ۱:۳ الی ۴ و ۹
 - (۴) کولسیان ۱:۳ و ۹
 - (۵) اول تسالونیکیان ۱:۲ الی ۳
 - (۶) دوم تسالونیکیان ۱:۱۱
 - (۷) دوم تیموتائوس ۱:۳
 - (۸) فیلیمون آیه ۴
- c. پولس از کلیسا درخواست میکند که برایش دعا کنند

- (۱) رومیان ۱۵:۳۰
- (۲) دوم قرنتیان ۱:۱۱
- (۳) افسسیان ۶:۱۹
- (۴) کولسیان ۴:۳
- (۵) اول تسالونیکیان ۵:۲۵
- (۶) دوم تسالونیکیان ۳:۱

۳. بشارت نماز روحانی کلیسا

a. دعا برای یکدیگر

- (۱) افسسیان ۶:۱۸
- (۲) اول تیموتائوس ۲:۱
- (۳) یعقوب ۵:۱۶

b. درخواست دعا برای گروهی خاص

- (۱) دشمنان ما، انجیل متی ۵:۴۴
- (۲) کارگران مسیحی، عبرانیان ۱۳:۱۸
- (۳) حاکمان، اول تیموتائوس ۲:۲
- (۴) بیماران، یعقوب ۵:۱۳ الی ۱۶
- (۵) دعا برای حمایت و بخشش، اول یوحنا ۱۶:۵

III. شرایط برای دعاهای مستجاب شده

A. رابطه ما با مسیح و روح

۱. پایداری در او، انجیل یوحنا ۱۵:۷
۲. بنام او، انجیل یوحنا ۱۴:۱۳ و ۱۴، ۱۵:۱۶، ۱۶:۲۳ الی ۲۴
۳. در روح، افسسیان ۶:۱۸، یهودا ۲۰
۴. بر طبق اراده خدا، انجیل متی ۶:۱۰، اول یوحنا ۳:۲۲، ۳:۱۴ الی ۱۵

B. انگیزه‌ها

۱. تردید نداشتن، انجیل متی ۲۱:۲۲، یعقوب ۱:۶ الی ۷
۲. فروتنی و توبه، انجیل لوقا ۹:۱۸ الی ۱۴
۳. درخواست بیمورد، یعقوب ۴:۳
۴. خودخواهی، یعقوب ۲:۴ الی ۳

C. سایر جنبه‌ها

۱. استقامت

a. انجیل لوقا ۱: ۱۸ الی ۸

b. کولسیان ۲: ۴

۲. درخواست مستمر

a. انجیل متی ۷: ۷ الی ۸

b. انجیل لوقا ۵: ۱۱ الی ۱۳

c. یعقوب ۵: ۱

۳. اختلاف نظر در خانه، اول پطرس ۷: ۳

۴. نداشتن گناه

a. مزامیر ۱۸: ۶۶

b. امثال ۹: ۲۸

c. اشعیا ۱: ۵۹ الی ۲

d. اشعیا ۷: ۶۴

IV. جمع بندی الهیاتی

A. عجب افتخاری. عجب موقعیتی، عجب وظیفه و مسئولیتی

B. عیسی سرمشق ما است. روح راهنمای ما است. پدر مشتاقانه منتظر است.

C. می‌تواند شما، خانواده‌تان و جهان را تغییر دهد.

۱: ۳ "پیوسته ... به یاد می‌آوریم" این یک وجه وصفی حال فعال است. این بیانگر نگرانی شدید و دائمی پولس برای این مومنین است. او اغلب در فکر تمامی این کلیساها بود و از خدا برای این ایمان آوردگان تشکر می‌کرد، همانطور که برای تمامی کلیساهای دیگر هم این کار را می‌کرد. (مراجعه کنید به رومیان ۱: ۳؛ فیلمون ۴).

NASB, NRSV "کار شما با ایمان و کار عشق و استقامت امید"

NKJV "کار شما با ایمان و کار عشق و صبر امید"

TEV "عمل شما را که از ایمان ناشی می‌شود و محنت شما را که محرک آن محبت است و پایداری شما را که از امید به سرورمان

عیسی مسیح الهام می‌گیرد"

NJB "چگونه امید شما به پروردگار ما عیسی مسیح محکم است"

هر یک از این سه عبارت در یک ساختار دستوری هستند که ادعا می‌کند کار با ایمان تولید می‌شود، کار توسط عشق تولید می‌شود و استوار بودن با امید تولید می‌شود. تمرکز روی مومنان فعال و وفادار است. ایمان همیشه پاسخی است به فعالیت آغازگر خدا.

این خصوصیات اساس شکرگزاری پولس به خدا را تشکیل می‌دهد. در افسسیان ۲: ۸-۱۰، فضل و ایمان به کارهای نیک مربوط می‌شود. این سه اصطلاح (ایمان، امید و عشق) غالباً در عهد جدید (مراجعه کنید به رومیان ۵: ۲-۵؛ اول قرنتیان ۱۳: ۱۳؛ غلاطیان ۵: ۵-۶؛ کولسیان ۱: ۴-۵)؛ اول تسالونیکیان ۵: ۸؛ عبرانیان ۶: ۱۰-۱۲؛ ۱۰: ۲۲-۲۴؛ اول پطرس ۱: ۲۱-۲۲) استفاده می‌شوند. ترتیب آنها اغلب متفاوت است. "ایمان" در این متن، به دکتربین اشاره نمی‌کند (مراجعه کنید به یهودا ۱: ۳، ۲۰)، بلکه به اعتماد شخصی اشاره دارد (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۱: ۸). موضوع خاص در غلاطیان ۳: ۶ را مطالعه کنید.

■ "کار" کار یک اصطلاح بسیار جدی است. مسیحیت فعال است نه منفعل (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۵: ۵۸).

■ "پایداری" این یک مفهوم غیر منفعل نیز نیست، بلکه استقامت فعال، داوطلبانه و محکم در مقابل محاکمات است (مراجعه کنید به لوقا ۲۱: ۱۹؛ رومیان ۴-۳). این به معنای دیدن یک نیاز و سپس کمک داوطلبانه و حمل آن تا هر زمان که لازم باشد، است (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۱: ۴).

■ "در حضور خدا ... امید" این به *Parousia* یا آمدن دوم اشاره دارد که موضوع اصلی این نامه است (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۱: ۱۰؛ ۳: ۱۳؛ ۴: ۱۳ الی ۵: ۱۱؛ ۵: ۳۲؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۷، ۱۰). توجه کنید که هر فصل با همین موضوع خاتمه پیدا می‌کند. "امید" مفهوم تردید "شاید" یا "می‌تواند چنین باشد" آن طور که در انگلیسی است، ندارد، بلکه به مفهوم انتظار تحقق یک رخداد با عنصر زمانی مبهم است. موضوع خاص: امید در غلاطیان ۵: ۵ را

۱: ۴ "آگاهیم" این سومین وجه وصفی از سه وجه وصفی است که در رابطه با دعای پولس در اول تسالونیکیان ۱: ۲ می‌باشد.

■ "محبوب خدایید" به معنای واقعی کلمه "کسانی که مورد علاقه خدا هستند" است. این عبارت وجه وصفی مجهول کامل از نظر الهیاتی با انتخاب آنها مرتبط است (مراجعه کنید به افسسیان ۱: ۴-۵). این امر تأکید می‌کند که مومنین همچنان "محبوب" هستند. عامل عشق خداست. صفت «معشوق» (*agapētos*) معمولاً از عشق پدرانه به عیسی استفاده می‌شود (مراجعه کنید به متی ۳: ۱۷؛ ۱۲: ۱۸؛ ۱۷: ۵؛ افسسیان ۱: ۶). این مورد برای کسانی که با ایمان به او اعتماد داشته باشند مورد استفاده قرار می‌گیرد و هم اکنون آنها محبوب پدر هستند (مراجعه کنید به رومیان ۱: ۷؛ کولسیان ۱۲: ۳؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۲).

NASB	"گزینه او برای انتخاب شما"
NKJV	"انتخاب شما توسط خدا"
NRSV	"که او شما را انتخاب کرده است"
TEV	"خدا ... شما را انتخاب کرده است"
NJB	"که شما انتخاب شده اید"

در عین حال که هیچ فعلی ظاهر نمی‌شود (فقط عبارت اسمی «انتخاب شما» است)، عامل کار خدا در مسیح است که با زمان مجهول در فعل قبلی و با خدا به طور خاص ذکر شده است. این نیاز ضرورت الهیاتی عشق و انتخاب اولیه خدا است (مراجعه کنید به یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵). پولس می‌دانست که آنها انتخاب شده‌اند زیرا به انجیل پاسخ دادند! انتخاب خداوند با اقدامات قدرتمند او در اول تسالونیکیان ۵: ۱ تأیید شد. انتخاب فراخوان به تقدس (مراجعه کنید به افسسیان ۱: ۴) و خدمت (مراجعه کنید به کولسیان ۳: ۱۲ الی ۱۴؛ دوم پطرس ۱: ۲-۱۱) است.

موضوع خاص: انتخاب

SPECIAL TOPIC: ELECTION

انتخاب دکترین جالبی است. فراخواندن برای طرفداری یا حمایت نیست، بلکه فراخواندن برای این است که راه باشید، ابزاری برای رستگاری دیگران. در عهد عتیق این اصطلاح اساساً برای خدمت کردن استفاده شده است، در عهد جدید برای رستگاری استفاده شده که خدمتی است. انجیل هرگز آنچه که به نظر می‌رسد تضاد میان اراده خدا و اراده آزاد انسان است را نمی‌پذیرد، ولی هر دو را تأیید می‌کند. مثال خوبی از تنش انجیلی می‌توان رومیان ۹ در مورد انتخاب پادشاهی خدا و رومیان ۱۰ در مورد نیاز انسان به پاسخ باشد (مراجعه شود به رومیان ۱۱: ۱۰ و ۱۳).

کلید این تنش الهیاتی را شاید بتوان در افسسیان ۱: ۴ یافت. عیسی مرد منتخب خدا است و همه چیز در انتخاب او است (*Karl Barth*). عیسی پاسخ "بله" خدا به نیاز انسان سقوط کرده است (*Karl Barth*). افسسیان ۴: ۱ همچنین با تصریح اینکه هدف تقدیر بهشت نیست، بلکه تقدس است کمک می‌کند تا مسئله مشخص شود (همانند مسیح بودن). ما اغلب جذب مزایای انجیل می‌شویم و مسئولیتها را فراموش می‌کنیم! فراخواندن خدا (انتخاب) برای زمان و در عین حال برای ابدیت است!

دکترین‌هایی در رابطه با سایر حقایق ارائه شده‌اند، البته نه یک حقیقت منفرد و نامربوط. یک مقایسه خوب می‌تواند یک کهکشان در برابر یک ستاره باشد. خدا حقیقت را در یک قالب شرقی ارائه داده نه غربی. ما نباید تنشی را که با پارادوکسهای دکترین حقیقت به وجود می‌آیند حذف کنیم (خدا به عنوان متعالی در برابر خدا به عنوان همه جا حاضر. امنیت در برابر استقامت، عیسی برابر با پدر در مقابل عیسی به عنوان خدمتگزار پدر، آزادی مسیحی در برابر مسئولیت مسیحی به پیمان، و غیره).

مفهوم الهیاتی پیمان پادشاهی خدا را (که همیشه پیش قدم بوده و دستور کار را تعیین می‌کند) با الزام اولیه در توبه پایدار و پاسخ از روی ایمان از جانب نوع بشر (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۵، اعمال رسولان ۱۶: ۳ و ۱۹، ۲۱: ۲۰) را به هم می‌پیوندد. مراقب باشید که تأیید یک وجه پارادوکس وجه دیگر را کم ارزش نکند.

موضوعات خاص زیر را مطالعه کنید

۱. انتخاب/تقدیر و نیاز به تعادل الهیاتی
۲. تقدیر در برابر آزادی اراده انسان
۳. پیمان
۴. ادبیات شرقی (پارادوکسهای انجیلی)

"فقط در قالب کلمات برای شما نیامد"	NASB, NKJV
"فقط در قالب کلمات به شما نرسید"	NRSV
"نه فقط با کلمات"	TEV
"تنها به عنوان کلمات به شما نرسید"	NJB

انجیل بیش از یک ایده انتزاعی، زندگی آنان را تغییر داده است (مراجعه کنید به رومیان ۱: ۱۶؛ یعقوب ۲: ۱۴-۲۶). این امر امروز هم باید در مورد موعظه انجیل صادق باشد. مقدس بودن، نه تنها دکترین دقیق، بلکه هدف است (مراجعه کنید به رومیان ۸: ۲۸-۲۹؛ غلاطیان ۴: ۱۹؛ افسسیان ۱: ۴). انجیل (۱) شخصی است که از او باید استقبال کرد، (۲) حقایقی در مورد آن شخص که باید بدانها ایمان آورد، و (۳) تقلید زندگی آن شخص برای زندگی! هر سه مورد مهم هستند.

■ "با قدرت و روح القدس" سه چیز مرتبط هستند که انتخاب خدا را تأیید می‌کنند:

۱. خبر خوش به صورت کلام آمد
۲. خبر خوش با قدرت آمد
۳. خبر خوش در روح القدس آمد

این اشاره دارد به (۱) اتفاقی که برای مومنان تسالونیکیان یا (۲) کار خدا از طریق پولس رخ داد (مراجعه کنید به رومیان ۸: ۱۵-۱۶). تأیید قدرتمندی از حقیقت و قدرت معنوی انجیل در موعظه و آموزش پولس وجود داشت.

■ "یقین کامل" این تضمین کامل (مراجعه کنید به کولسیان ۲: ۲؛ عبرانیان ۶: ۱۱؛ ۱۰: ۲۲) میتواند به موعظه پولس یا پاسخ تسالونیکیان به خبر خوش اشاره داشته باشد.

■ "چنانکه نیک می‌دانید به خاطر شما چگونه در میانتان رفتار کردیم" پولس با نحوه عمل او و تیم خود در میان تسالونیکیان (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۲: ۷، ۱۰) در مقایسه با موارد ذکر شده در اول تسالونیکیان ۲: ۳-۶ مخالف است. به تفاوت های فصل ۲ توجه کنید:

در میان مخالفت های زیاد

نه از روی خطا

نه به دلیل ناخالصی

نه از راه فریب

نه لذت مردم

نه سخنان تملق آمیز

نه برای حرص و آز

نه در پی جلال و شکوه

مهربان همچون یک مادر پرستار

داشتن یک محبت عاشقانه

انجیل و خودشان را بهم رساندند

خطا
ناخالصی
فریب
لذات انسانی
چاپلوسی
طمع
به دنبال جلال

پولس معلمین دروغین و دردساز در میان یهودیان را توصیف می‌کند (یعنی اعمال رسولان ۱۷: ۵).

۱: ۶ "شما" (در نسخه انگلیسی *You also* به معنی "شما نیز" نوشته شده و این تفسیر در ارتباط با متن انگلیسی است- مترجم) این یک تضاد تأکیدی در برابر "ما" در اول تسالونیکیان ۱: ۲ الی ۵ است.

"شما همچنین تقلید کننده ما و خداوند هستید"	NASB, NRSV
"و شما پیروان ما و خداوند شدید"	NKJV

TEV

"شما از ما و از خداوند سرمشق گرفتید"

NJB

"و شما هدایت شدید که از ما و خداوند استفاده کنید"

"Imitators" به صورت "mimic" وارد زبان انگلیسی شده است (به مفهوم این اصطلاح یونانی در اول تسالونیکیان ۱: ۶؛ ۲: ۱۴؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۷، ۹؛ اول قرنتیان ۴: ۱۶؛ ۱۱: ۱؛ غلاطیان ۴: ۱۲؛ فیلیپیان ۳: ۱۷؛ ۴: ۹؛ ۹: ۱۷؛ ۱۲: ۱۲؛ ۱۳: ۱۷؛ ۱۴: ۱۷؛ رومیان ۸: ۲۸-۲۹؛ غلاطیان ۴: ۱۹؛ افسسیان ۱: ۴). تصویر خدا در بشریت احیا می‌شود (مراجعه کنید به لایوان ۱۱: ۴۴؛ ۱۹: ۲؛ متی ۵: ۴۸؛ افسسیان ۱: ۴؛ ۵: ۱).

NASB, NKJV

"با دریافت کلام"

NRSV

"شما کلام را دریافت کردید"

TEV

"شما پیام را دریافت کردید"

NJB

"خبر خوش را گرفتی"

این اصطلاح دارای معنای "برای پذیرایی از مهمان" است (مراجعه کنید به متی ۱۰: ۴۰-۴۱؛ ۱۸: ۵) یا "برای دریافت پیام" (مراجعه کنید به دوم قرنتیان ۱۱: ۴؛ یعقوب ۱: ۲۱). این یک وجه وصفی ائوریست میانی (دپوننت) است. انسانها باید با توبه و ایمان به پیشنهاد عشق به خدا در کارهای مسیح پاسخ دهند (مراجعه کنید به مرقس ۱: ۱۵؛ یوحنا ۱: ۱۲، ۱۶؛ ۳: ۱۶؛ اعمال رسولان ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۲۱؛ رومیان ۱۰: ۹-۱۳) نجات (۱) پیام (حقیقت آموزه) است. (۲) یک شخص (برخورد وجودی) و (۳) زندگی برای زندگی (اول تسالونیکیان ۱: ۶). ما پیام انجیل و دوست داشتن عیسی را دریافت می‌کنیم. ما باید کاملا به هر دو اعتماد داشته باشیم. این منجر به یک زندگی جدید از روی وفاداری و تقدس می‌شود.

NASB

"در سختی های زیادی"

NKJV

"در رنج بسیار"

NRSV

"به رغم آزار و اذیت"

TEV

"حتی اگر شما بسیار رنج ببرید"

NJB

"مخالفت بزرگ حول شما"

این به معنای واقعی کلمه "فشار" است (مراجعه کنید به یوحنا ۱۶: ۳۳؛ اعمال رسولان ۱۴: ۲۲؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۴، ۶). تبدیل شدن به یک مسیحی از بین رفتن تنش را تضمین نمی‌کند - برعکس، کاملا برعکس است (مراجعه کنید به متی ۵: ۱۰ الی ۱۲؛ یوحنا ۱۵: ۱۸ الی ۱۹؛ رومیان ۸: ۱۷؛ اول پطرس ۳: ۱۳ الی ۱۷؛ ۴: ۱۲-۱۹). اعمال رسولان ۱۷ برخی از آزار و اذیتهایی که پولس و این کلیسا آنها را تجربه کردند، را توصیف می‌کند (مراجعه کنید به دوم قرنتیان ۴: ۷ الی ۱۲؛ ۶: ۳-۱۰؛ ۱۱: ۲۳ الی ۲۸).

■ "با آن شادی که روح القدس می‌بخشد" این شادی که توسط روح داده شده، آنقدر فراگیر و کامل است که اثر آن علیرغم آزار و اذیت و درد فراوان باقی مانده و پایدار است. این یک شادی است که تحت تاثیر اوضاع قرار نگرفته است (مراجعه کنید به رومیان ۵: ۲-۵؛ دوم قرنتیان ۷: ۴؛ اول پطرس ۴: ۱۳).

۷: ۱ "شما برای همه ایمانداران ... سرمشقی بر جای گذاشتید" (در نسخه انگلیسی "شما برای تمامی مومنین سرمشق شدید" نوشته شده و این تفسیر بر مبنای متن انگلیسی است- مترجم) از بعضی جهات، این یک اغراق است، اما در بعضی دیگر بسیار تحت اللفظی است. شادی و استقامت مومنان تسالونیک، تحت آزمایش، باعث دلگرمی سایر مومنان شد. اینگونه است که رنج ایوب، انبیا (متی ۵: ۱۰، ۱۲)، مسیح و رسولان بر مومنین آینده تاثیر می‌گذارند. غالبا مومنان موثرترین شهادت در زمان محاکمه، درد و آزار و اذیت هستند.

■ "سرمشق" موضوع خاص زیر را مطالعه کنید.

موضوع خاص: فرم (Tupos)

SPECIAL TOPIC: FORM (tupos)

اصطلاح *tupos* معانی گسترده‌ای دارد.

۱. *The Vocabulary of the Greek New Testament*. Moulton and Milligan. صفحه ۶۴۵.

a. الگو

- b. طرح
- c. فرم یا شیوه نگارش
- d. فرمان یا حکم
- e. حکم یا تصمیم
- f. مدل بدن انسان به عنوان پیشنهاد نذری به خدای شفا دهنده
- g. به صورت فعل، به معنی اجرای قانون

۲. Louw and Nida, *Greek-English Lexicon*، جلد ۲، صفحه ۲۴۹

- a. جای زخم (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۰: ۲۵)
- b. تصویر (مراجعه شود به اعمال رسولان ۷: ۴۳)
- c. مدل (مراجعه شود به عبرانیان ۸: ۵)
- d. الگو/مثال/سرمشق (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۰: ۶، فیلیپیان ۳: ۱۷)
- e. نمونه اولیه (مراجعه شود به رومیان ۵: ۱۴)
- f. نوع (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۳: ۲۵)
- g. محتوا (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۳: ۲۵)

۳. Harold K. Moulton, *The Analytical Greek Lexicon Revised*، صفحه ۴۱۱

- a. ضربه، تصویر، علامت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۰: ۲۵)
- b. طرح
- c. یک تصویر (مراجعه شود به اعمال رسولان ۷: ۴۳)
- d. یک فرمول، طرح (مراجعه شود به رومیان ۶: ۱۷)
- e. فرم، مفهوم (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۳: ۲۵)
- f. شکل، همتا (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۰: ۶)
- g. شکل ظاهری، نوع (مراجعه شود به رومیان ۵: ۱۴، اول قرنتیان ۱۰: ۱۱)
- h. الگوی مدل (مراجعه شود به اعمال رسولان ۷: ۴۴، عبرانیان ۸: ۵)
- i. یک الگوی اخلاقی (فیلیپیان ۳: ۱۷؛ اول تسالونیکیان ۱: ۷؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۹؛ اول تیموتائوس ۴: ۱۲؛ اول پطرس ۵: ۳)

به خاطر داشته باشید که واژه نامه‌ها معنی را تعیین نمی‌کنند؛ فقط استفاده از کلمات در جملات / پاراگراف مجموعه معنی (به عنوان مثال، متن) را تعیین می‌کنند. مراقب باشید که یک تعریف کلی را برای یک کلمه در نظر بگیرید و از آن در هر مکان استفاده کنید. معنی کلمه در کتاب مقدس در متن تعیین می‌شود. متن، متن، متن معنی را تعیین می‌کند!

■ "مقدونیه و آخائیه" اینها استانهای رومی بودند. آخائیه در یونان مدرن واقع شده است. مقدونیه یک کشور سیاسی مستقل از یونان است، هر چند از نظر فرهنگی و اقتصادی نیز مرتبط است.

۱: ۸ "بر سر زبانهاست" این به معنای واقعی کلمه "شیپور نواختن" یا "رعد و برق" است. این یک زمان مجهول اخباری کامل است که نشان می‌دهد از طریق شادی در میان آزمایشات، "نوای انجیل و خبر خوش برخاسته و هنوز به گوش می‌رسد." در انگلیسی، کلمه "echo" را از این کلمه یونانی گرفته شده است. آیات ۸-۱۰ یک جمله به زبان یونانی را تشکیل می‌دهند.

■ "در همه جا" این یک اغراق استعاره‌ای (هایپربول) شبیه به اول تسالونیکیان ۱: ۲ است. (مراجعه کنید به رومیان ۱: ۸). کتاب مقدس، به عنوان یک کتاب شرقی، اغلب از زبان تجسمی استفاده می‌کند. به ادبیات غربی توجه داشته باشید.

موضوع خاص: ادبیات شرقی

SPECIAL TOPIC: EASTERN LITERATURE

۱. این نگرش (یعنی انجیل یک کتاب شرقی است، نه یک کتاب غربی) خیلی به شخص من به عنوان کسی که عاشق انجیل است و به آن به عنوان کلام خدا اعتماد دارد، کمک کرد. در تلاش برای اینکه انجیل را جدی بگیرم، وقتی که متون مختلف را با شیوه‌های انتخابی و نه

سیستماتیک امتحان کردم، حقیقت آشکار شد. یک متن نمی‌تواند متن دیگری را باطل نماید و یا خدشه‌دار سازد! حقیقت زمانی آشکار می‌شود که تمام کتاب مقدس را بدانیم (تمام کتاب مقدس، نه فقط برخی، مطالب الهام برانگیز، رجوع شود به تیموتائوس ۳:۱۶ و ۱۷)، و نه نقل قول یک بخش (اثبات پیام)!

۲. اکثر حقایق انجیلی (ادبیات شرقی)، بیشتر به صورت گویشی یا پارادوکس ارائه می‌شوند (بخاطر داشته باشید که نویسندگان عهد جدید به غیر از لوقا، تفکر عبری داشتند، که به زبان عامیانه یونانی می‌نوشتند. ادبیات عرفانی و شاعرانه حقیقت را در خطوط موازی ارائه می‌دهند. تناقضات موازی همانند پارادوکس عمل می‌کنند. موازی‌گرایی ترکیبی همانند متون موازی عمل می‌کنند). به نوعی هر دو یکسان و درست هستند! این پارادوکس‌ها برای سنتهای مذهبی و ساده مقدس ما دردناک هستند!

- a. تقدیر از پیش تعیین شده در مقابل اراده آزاد
- b. امنیت مومنین در مقابل نیاز به محافظه‌کاری (به موضوع خاص: محافظه‌کاری رجوع کنید)
- c. گناه ذاتی در مقابل گناه ارادی
- d. عیسی به عنوان خدا در مقابل عیسی به عنوان انسان
- e. عیسی به عنوان برابر با خدا در مقابل عیسی به عنوان زیرمجموعه خدا
- f. انجیل به عنوان کلام خدا در مقابل نگارش انسانی
- g. معصومیت (کامل بودن، رجوع شود به رومیان ۶) در مقابل کمتر گناه کردن
- h. داوری سریع و فوری و تقدس در مقابل تقدس مترقی (رجوع شود به موضوع خاص: تقدس)
- i. قضاوت از روی ایمان (رجوع شود به رومیان ۴) در مقابل قضاوت بر اساس اعمال (رجوع شود به یعقوب ۲:۱۴ الی ۲۶)
- j. آزادی مسیحی (رجوع شود به رومیان ۱:۱۴ الی ۲۳، اول قرن‌تین ۸:۱ الی ۱۳، ۲۳:۱۰ الی ۳۳) در مقابل مسئولیت مسیحی (رجوع شود به غلاطیان ۵:۱۶ الی ۲۱، افسسیان ۴:۱)
- k. تعالی خدا در مقابل بودن خدا در مخلوق
- l. خدا به عنوان نهایت ناشناختگی در مقابل قابل شناخت در کتاب مقدس و مسیح.
استعاره‌های پولس در مورد رستگاری
 - ۱) قبول
 - ۲) تقدس
 - ۳) عدالت
 - ۴) رستگاری
 - ۵) شکوه
 - ۶) تقدیر
 - ۷) مصالحه، آشتی
- m. پادشاهی خدا به عنوان هدیه در مقابل نتیجه‌گیری آینده
- n. توبه به عنوان هدیه خدا (رجوع شود به اعمال رسولان ۱۸:۱۱، رومیان ۴:۲، دوم تیموتائوس ۲:۲۵) در مقابل توبه به عنوان پاسخ مجاز برای رستگاری (رجوع شود به انجیل مرقس ۱:۱۵، اعمال رسولان ۲۱:۲۰)
- o. عهد عتیق جاودانیست در مقابل دوره عهد عتیق گذشته و اینک پوچ و توخالی است (رجوع شود به انجیل متی ۳:۱۷ الی ۱۹ در مقابل انجیل متی ۵:۲۱ الی ۴۸، رومیان ۷ در مقابل غلاطیان ۳)

مومنین خادم/برده هستند در مقابل فرزندان/وارثین

"به طوری که ما نیازی به گفتن چیزی نداریم" NASB

"به طوری که ما نیازی به گفتن چیزی نداریم" NKJV

"به طوری که ما نیازی به صحبت در مورد آن نداریم" NRSV

یک عبارت مبهم، بسیاری از ترجمه‌ها "ایمان" را از عبارت قبلی منظور می‌کنند. این لزوماً به این معنی نیست که آنها همه چیز راجع به آموزه مسیحی یا حتی در مورد رنج می‌فهمیدند. اما زندگی آنها نشان داد که انجیل واقعاً در قلب و ذهن آنها ریشه دارد. روح القدس مبانی انجیل را برای هر قلب پذیرا آشکار می‌کند.

۱: ۹ "از بتها دست کشیده، به سوی خدا بازگشتید" این به توبه آنها از بت پرستی اشاره دارد. انجیل هم منفی و هم مثبت است - توبه و ایمان. "چرخش از" و همچنین "بازگشت به" وجود دارد.

مطالعه کتاب مقدس NASB (صفحه ۱۷۴۸) این مشاهدات را نشان می‌دهد که سه مدرک اثبات ایمان تسالونیایی عبارت بودند از:

۱. بازگشت از بتها
۲. خدمت به خدا
۳. منتظر بازگشت مسیح بودند

■ "خدمت کنید" به معنای واقعی کلمه این به معنای "همچون برده خدمت کردن" است. این یک زمان حال نامحدود است. آنها از بتها برگشتند (آئوریست) و به خدمت به خدای زنده پرداختند (مراجعه کنید به رومیان ۶: ۱۸). این خدا را به عنوان پادشاه و پیروانش به عنوان بندگان به تصویر می‌کشد. به یک معنا، ما بردگان هستیم، به تعبیری پسران هستیم.

■ "تا خدای زنده و حقیقی را" این نشان دهنده نام پیمانی خدا، یهوه است (خروج ۱۴: ۳). یهوه خدای همیشه زنده و تنها زنده است. این مبناي توحید کتاب مقدس است (مراجعه کنید به تثنیه ۴: ۳۵، ۳۹؛ ۶: ۴؛ اشعیا ۴۵: ۵، ۶، ۱۸، ۲۱-۲۲؛ ۴۷: ۸، ۱۰).

موضوع خاص: اسامی الهی

SPECIAL TOPIC: THE NAMES FOR DEITY

.A El (BDB 42, KB 48)

۱. ریشه باستانی نام برای خدا قطعی نیست، هرچند، بسیاری از اساتید معتقدند که از ریشه Akkadian به معنی "قوی بودن" یا قدرتمند بودن می‌آید (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۷: ۱، کتاب اعداد ۲۳: ۱۹، کتاب تثنیه ۷: ۲۱، مزامیر ۵۰: ۱).
۲. در زیارتگاه کنعانیان بالاترین خدا El (متون Ras Shamra) است، به معنی "پدر خدایان" و "ارباب بهشت".
۳. در انجیل El اغلب با سایر اصطلاحات ترکیب می‌شود. این ترکیب شدن‌ها تبدیل به شیوه‌ای برای مشخصه خدا شده‌اند.
 - a. El-Elyon (خدای والاترین، BDB 42 & 751 II)، کتاب پیدایش ۱۴: ۱۸ الی ۲۲، کتاب تثنیه ۳۲: ۸، اشعیا ۱۴: ۱۴
 - b. El-Roi ("خدایی که می‌بیند" یا "خدایی که خود را آشکار می‌کند"، BDB 42 & 909)، کتاب پیدایش ۱۶: ۱۳
 - c. El-Shaddai ("خداوند متعال"، یا "خدای تمامی شفقتها" یا "خدای کوه"، BDB 42 & 994)، کتاب پیدایش ۱۷: ۱، ۳۵: ۱۱، ۴۳: ۱۴، ۴۹: ۲۵، کتاب خروج ۶: ۳
 - d. El-Olam ("خدای جاویدان"، BDB 42 & 761)، کتاب پیدایش ۲۱: ۳۳. از منظر الهیاتی این اصطلاح به وعده خدا به داوود مرتبط است، دوم سموئیل ۷: ۱۳ و ۱۶
 - e. El-Berit ("خدای پیمان"، BDB 42 & 136) داوران ۹: ۴۶
۴. El برابر با
 - a. یهوه در اعداد ۲۳: ۸، مزامیر ۱۶: ۱ الی ۲، ۸۵: ۸، اشعیا ۴۲: ۵
 - b. الوهیم در کتاب پیدایش ۴۶: ۳، یعقوب ۵: ۸، "من El هستم، الوهیم پدر شما"
 - c. Shaddai در کتاب پیدایش ۴۹: ۲۵، اعداد ۲۴: ۴ و ۱۶
 - d. "حسادت" در کتاب خروج ۳۴: ۱۴، کتاب تثنیه ۴: ۲۴، ۵: ۹، ۶: ۱۵
 - e. "رحم" در کتاب تثنیه ۴: ۳۱، نحما ۹: ۳۱
 - f. "بزرگ و حیرت انگیز" در کتاب تثنیه ۷: ۲۱، نحما ۱: ۵، ۹: ۳۲، دانیال ۹: ۴
 - g. "آگاهی" در اول سموئیل ۲: ۳
 - h. "پناهگاه قوی من" در دوم سموئیل ۲۲: ۳۳

- i. "انتقام گیرنده من" در دوم سموئیل ۲۲: ۴۸
- j. "آن مقدس" در اشعیا ۵: ۱۶
- k. "قدرت" در اشعیا ۱۰: ۲۱
- l. "رستگاری من" در اشعیا ۱۲: ۲
- m. "قوی و قدرتمند" در ارمیا ۳۲: ۱۸
- n. "مجازات" در ارمیا ۵۱: ۵۶

۵. ترکیب تمامی اسامی مهم عهد عتیق برای خدا در یوشع ۲۲: ۲۲ یافت می‌شوند (El، الوهیم، یهوه، مجموعه تکرار می‌شود)

B. *Elyon* (BDB 751, KB 832)

۱. معنی اصلی آن "بالا"، "عالی" یا "بالا برده شده" است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۴۰: ۱۷، اول پادشاهان ۹: ۸، دوم پادشاهان ۱۷: ۱۸، نحمیا ۳: ۲۵، ارمیا ۲۰: ۲، ۳۶: ۱۰، مزامیر ۱۸: ۱۳).

۲. از آن به عنوان مفهوم همسو برای چندین اسم دیگر خدا استفاده شده است

a. الوهیم - مزامیر ۴۷: ۱ الی ۲، ۷۳: ۱۱، ۱۰۷: ۱۱

b. یهوه - کتاب پیدایش ۱۴: ۲۲، دوم سموئیل ۲۲: ۱۴

c. *El-Shaddai* - مزامیر ۹۱: ۱ و ۹

d. *El* - اعداد ۲۴: ۱۶

e. اله - اغلب در کتاب دانیال ۲ الی ۶ و عزرا ۴ الی ۷ استفاده شده است، و مرتبط با *Illair* (اصطلاح آرامی برای "خدای والا") در دانیال ۳: ۲۶، ۴: ۲، ۵: ۱۸ و ۲۱ می‌باشد.

۳. اغلب توسط غیر اسرائیلیها از آن استفاده می‌شود

a. ملکیزد، کتاب پیدایش ۱۴: ۱۸ الی ۲۲

b. بلام، کتاب اعداد ۲۴: ۱۵

c. موسی، زمانی که در کتاب تثنیه ۳۲: ۸ از قوم صحبت می‌کند

d. انجیل لوقا در عهد جدید، هنگامی که خطاب به کفار می‌نویسد، همچنین از اصطلاح معادل یونانی *Hupsistos* استفاده می‌کند (مراجعه شود به ۱: ۳۲ و ۳۵ و ۶: ۳۵، ۸: ۲۸، اعمال رسولان ۷: ۴۸، ۱۶: ۱۷)

C. الوهیم (حالت جمع) - الوها (حالت مفرد)، اساسا در اشعار استفاده می‌شود (BDB 43, KB 52).

۱. این اصطلاح در خارج از عهد عتیق دیده نمی‌شود

۲. این کلمه میتواند به معنی خدای اسرائیل یا خدای اقوام باشد (مراجعه شود به کتاب خروج ۳: ۶، ۲۰: ۳). خانواده ابراهیم چندین خدا را می‌پرستیدند (مراجعه شود به یوشع ۲۴: ۲).

۳. می‌تواند اشاره به داوران اسرائیلی باشد (مراجعه شود به کتاب خروج ۲۱: ۶، مزامیر ۸۲: ۶)

۴. اصطلاح الوهیم در مورد سایر موجودات روحانی (فرشتگان، شیاطین) در کتاب تثنیه ۳۲: ۸ (LXX)؛ مزامیر ۸: ۵، یعقوب ۱: ۶، ۳۸: ۷ نیز استفاده شده است

۵. در انجیل این نخستین عنوان/نام برای خدا بود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۱). تا کتاب پیدایش ۲: ۴ انحصارا از این اصطلاح استفاده شده است، جایی که با یهوه ترکیب می‌شود. اساسا (از دیدگاه الهیات) اشاره به خدا به عنوان خالق، نگه دارنده، و ایجاد کننده زندگی در این سیاره دارد (مراجعه شود به مزامیر ۱۰۴).

مترادف با *El* است (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۱۵: ۳۲ الی ۱۹). همچنین همسو با یهوه در مزامیر ۱۴ است (الوهیم، ۱، ۲، ۵، یهوه ۲ و ۶، حتی آدون آیه ۴).

۶. هر چند این کلمه جمع است و در مورد سایر خدایان استفاده می‌شود، این اصطلاح اغلب به خدای اسرائیل دلالت دارد، ولی معمولا فعل مفرد برای آن استفاده می‌شود تا دلالت بر کاربرد یکتا پرستی آن داشته باشد (به موضوع خاص: یکتا پرستی مراجعه شود).

۷. خیلی عجیب است که اصطلاح متداول برای خدای یگانه اسرائیل جمع است (همچنین به "ما" در کتاب پیدایش ۱: ۲۶، ۳: ۲۲، ۱۱: ۷ توجه کنید). هر چند هیچ قطعیتی وجود ندارد، نظریاتی وجود دارند:

a. در زبان عبری کلمات جمع زیادی وجود دارند که از آنها برای تاکید استفاده می‌شود. چیزی که به این حالت نزدیک است در زبان عبری حالت دستور زبانی است که جمع شاهانه نامیده می‌شود، که حالت جمع برای بزرگ نمایی مفهوم به کار می‌رود.

b. این می‌تواند اشاره به شورای فرشتگان داشته باشد که خدا در بهشت با آنان ملاقات می‌کند و فرامینش را به آنان می‌گوید (مراجعه شود به اول پادشاهان ۲۲: ۱۹ الی ۲۳، یعقوب ۱: ۶، مزامیر ۸۲: ۱، ۸۹: ۵ و ۷)

C. حتی ممکن است منعکس کننده مکاشفه خدا در عهد جدید در قالب یک خدا به شکل سه فرد باشد. در کتاب پیدایش ۱:۱ خدا خلق می‌کند، کتاب پیدایش ۲ روح مقدس است و در عهد جدید عیسی نماینده خدای پدر آفریننده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱:۳ و ۱۰، رومیان ۱۱:۳۶، اول قرنتیان ۸:۶، کولسیان ۱:۱۶، عبرانیان ۱:۲، ۲:۱۰)

D. یهوه (BDB 217, KB 394)

۱. این اسمی است که منعکس کننده خدا به عنوان خدای خالق پیمان است، خدا به عنوان ناجی و رهایی بخش. انسانها پیمان شکنی می‌کنند، ولی خدا به عهد، کلام، وعده و پیمان خود پایبند است (مراجعه شود به مزامیر ۱۰۳).
کتاب پیدایش ۲: ۴ الی ۳: ۲۴ با مکاشفه خاصی درباره جایگاه برتر و هدف نوع بشر، و همچنین مسئله گناه و شورشی که به واسطه جایگاه خاص او بود، آغاز می‌شود.
۲. در کتاب پیدایش ۴: ۲۶، گفته می‌شود "انسانها شروع به فراخواندن نام خدا (یهوه) کردند". با این حال، کتاب خروج ۶: ۳ دلالت بر این دارد که نخسین انسانهای مطیع پیمان (خان سالاران و خانواده ایشان) خدا را فقط به عنوان *El Shaddai* می‌شناختند. نام یهوه فقط یک مرتبه در کتاب خروج ۳: ۱۳ الی ۱۶ و به خصوص آیه ۱۴ ذکر شده است. با این حال، نوشته‌های موسی اغلب با استفاده از شیوه‌های مرسوم بازی با کلمات تفسیر می‌کند، نه از طریق روشهای ریشه‌یابی لغات (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۷: ۵، ۲۷: ۳۶، ۲۹: ۱۳ الی ۳۵). نظریات متعددی در خصوص معنی این کلمه وجود دارد (به نقل از IDB جلد دوم صفحات ۴۰۹ الی ۴۱۱).

- از ریشه عربی "نشان دادن عشق پرشور"
 - از ریشه عربی "دمیدن" (یهوه به عنوان خدای توفان)
 - از ریشه اوگاریت (کنعانی) به معنی "سخن گفتن"
 - بر اساس یک سنگ نبشته فنیقیه‌ای، صفت فاعلی به معنی "کسی که حمایت می‌کند"، یا "آن که برپا می‌کند"
 - از حالت Qal عبری، "آن یگانه‌ای که هست..."، یا "آن یگانه‌ای که حاضر است" (در حالت زمان آینده "آن یگانه‌ای که خواهد بود")
 - از Hiphil عبری به معنی "آن که باعث وجود داشتن است"
 - از ریشه عبری "زندگی کردن" (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳: ۲۱)، به معنی "همیشه زنده، آن یگانه‌ای که همیشه زنده است"
 - از متن کتاب خروج ۳: ۱۳ الی ۱۶ حالت غیر کامل استفاده شده در فعل زمان کامل، "باید به آنچه که قبلا بودم همچنان ادامه دهم" یا "من همانی خواهم بود که همیشه بوده‌ام" (مراجعه شود به *A Survey of Syntax in the Old Testament* اثر J. Wash Watts صفحه ۶۷). اسم کامل یهوه اغلب به صورت اختصار یا احتمالا به صورت اولیه استفاده می‌شود.
۱. Yah (به عنوان مثال، Hallelu – yah, BDB 219)، مراجعه شود به کتاب خروج ۱۵: ۲، ۱۷: ۱۶، مزامیر ۸۹: ۸، ۱۰۴: ۳۵)

۲. Yahu ("iah") پسوند اسم مثلا اشعیا (Isaiah)

۳. Yo ("Jo") پیشوند اسم، مثلا جاشوا (Joshua) یا یوئیل (Joel)

۳. بعدا در یهود نام این پیمان بسیار مقدس شد (تتراگرافیتون) که یهودیان از بیان آن وحشت دارند که مبادا فرمان کتاب خروج ۲۰: ۷، کتاب تشبیه ۵: ۱۱، ۶: ۱۳ را بشکنند. بنابراین آنها این نام را با اسمی دیگری همچون "مالک"، "ارباب"، "شوهر"، "سرور" - adon یا Adonai (به معنی سرورم) جایگزین کردند. وقتی که به نام یهوه در زمان خواندن عهد عتیق میرسند آن را "سرور" تلفظ می‌کنند. به همین دلیل است که در ترجمه‌های انگلیسی بجای یهوه "سرور" نوشته می‌شود.
۴. همانند El، اغلب یهوه با سایر اصطلاحات جهت تاکید بر مشخصه‌های خاص خدای پیمان اسرائیل ترکیب می‌شود. ترکیبات زیادی وجود دارند که در اینجا به برخی از آنها می‌پردازیم:

- یهوه - *Yireh* (یهوه ارائه می‌کند، BDB 217 و 906)، کتاب پیدایش ۲۲: ۱۴
- یهوه - *Rophekha* (یهوه شفا دهنده شما است، BDB 217 و 950، وجه وصفی *Qal*)، کتاب خروج ۱۵: ۲۶
- یهوه - *Nissi* (یهوه نشان من است، BDB 217 و 651)، کتاب خروج ۱۷: ۱۵
- یهوه - *Meqaddishkem* (یهوه تنها کسی است که تو را تطهیر می‌کند، BDB 217 و 872، وجه وصفی *Piel*)، کتاب خروج ۱۳: ۳۱
- یهوه - *Shalom* (یهوه آرامش است، BDB 217 و 1022)، داوران ۶: ۲۴
- یهوه - *Sabbaoth* (یهوه میزبان، BDB 217 و 878)، اول سموئیل ۱: ۳ و ۴: ۴، ۱۵: ۲، اغلب در مورد انبیا
- یهوه - *Ro'I* (یهوه چوپان من است، BDB 217 و 944، وجه وصفی *Qal*)، مزامیر ۲۳: ۱
- یهوه - *Sidqenu* (یهوه عدالت است، BDB 217 و 841)، ارمیا ۲۳: ۶

۱۰:۱ این آیه شبیه خلاصه ای از انجیل است (مراجعه کنید به اول قرن تیان ۱۵: ۱ الی ۴). این خلاصه ها *kerygma* نامیده می شوند.

موضوع خاص: کاریگما

(SPECIAL TOPIC: THE KERYGMA)

نظرات زیادی در مورد مسیحیت وجود دارند. روزگار ما روزگار جمع گرایی مذهبی است، درست همانند قرن اول. شخصا، من تمام گروه‌هایی که ادعا می‌کنند عیسی می‌شناسند و به او ایمان دارند قبول دارم. همه ما در مواردی اتفاق نظر یا اختلاف نظر داریم ولی اساسا مسیحیت تماما در ارتباط با عیسی است. با این حال، گروه‌هایی هستند که ادعا می‌کنند مسیحی هستند که ظاهرا ادعایی بیش نیست. چگونه اینها را تشخیص دهیم؟
دوراه وجود دارد:

A. یک کتاب مفید تا بدانیم گروه‌های عصر مدرن به چه ایمان دارند (از داخل متون خودشان) کتاب *The Kingdom of the Cults* اثر Walter Martin است.

B. موعظه‌های کلیسای اولیه، به خصوص آنان که توسط پطرس و پولس شاگرد در کتاب اعمال رسولان گفته شدند، ویژگی‌های برجسته اینکه چگونه نویسندگان تحت الهام کلیسای اولیه مسیحیت را به گروه‌های مختلف معرفی می‌کردند. به این "اعلام اولیه" یا "موعظه"ها (که کتاب اعمال رسولان خلاصه آن است) کاریگما (کلمه یونانی است) گفته می‌شود. موارد زیر حقایق پایه‌ای انجیل در مورد عیسی در کتاب اعمال رسولان است.

۱. بسیاری از نبوت‌های عهد عتیق را تحقق بخشیده است - اعمال رسولان ۲: ۱۷ الی ۳: ۲۱، ۳: ۳۱ و ۳: ۳۴ الی ۱۸ الی ۱۹ و ۲۴: ۱۰: ۴۳، ۱۳: ۱۷ الی ۲۳ و ۲۷: ۳۳: ۳۳ الی ۳۷ و ۴۰ الی ۴۱، ۴۱: ۲۶ الی ۶ الی ۷ و ۲۲ الی ۲۳
۲. همانطور که توسط یهوه وعده داده شده بود، فرستاده شد - اعمال رسولان ۲: ۲۳، ۳: ۲۶
۳. معجزاتی انجام داد تا پیام خود و محبت خدا را تأیید کند - اعمال رسولان ۲: ۲۲، ۳: ۱۶، ۱۰: ۳۸
۴. تحویل داده شد - انکار شد - اعمال رسولان ۳: ۱۳ الی ۴: ۱۱
۵. مصلوب شد - اعمال رسولان ۲: ۲۳، ۳: ۱۴ الی ۴: ۱۵، ۴: ۱۰، ۱۰: ۳۹، ۱۳: ۲۶، ۲۸: ۲۳
۶. به زندگی بازگشت - اعمال رسولان ۲: ۲۴، ۳۱ الی ۳۲، ۳: ۱۵ و ۲۶، ۴: ۱۰، ۱۰: ۴۰، ۱۳: ۳۰، ۱۷: ۳۱، ۲۶: ۲۳
۷. در سمت راست خدا نشست - اعمال رسولان ۲: ۲۳ الی ۳: ۳۶، ۱۳ و ۲۱
۸. دوباره خواهد آمد - اعمال رسولان ۳: ۲۰ الی ۲۱
۹. داور منتخب است - اعمال رسولان ۱۰: ۴۲، ۱۷: ۳۱
۱۰. روح القدس را فرستاد - اعمال رسولان ۲: ۱۷ الی ۱۸ و ۳۳ و ۳۸ الی ۳۹، ۱۰: ۴۴ الی ۴۷
۱۱. نجات دهنده همه کسانی است که ایمان می‌آورند - اعمال رسولان ۱۳: ۳۸ الی ۳۹
۱۲. هیچ کس دیگری نجات دهنده نیست - اعمال رسولان ۴: ۱۲، ۳: ۳۴ الی ۳۶

اینها برخی از شیوه‌هایی هستند که می‌توان به حقایق بنیادی پاسخ داد:

۱. توبه - اعمال رسولان ۲: ۳۸، ۳: ۱۹، ۱۷: ۳۰، ۲۶: ۲۰
۲. ایمان داشتن - اعمال رسولان ۲: ۲۱، ۱۰: ۴۳، ۱۳: ۳۸ الی ۳۹
۳. تعمید گرفتن - اعمال رسولان ۲: ۳۸، ۱۰: ۴۷ الی ۴۸
۴. پذیرش روح القدس - اعمال رسولان ۲: ۳۸، ۱۰: ۴۷
۵. همه ممکن است با هم بیایند - اعمال رسولان ۲: ۳۹، ۳: ۲۵، ۲۶: ۲۳

این فهرست می‌تواند به عنوان بیانیه پایه کلیسای اولیه مورد استفاده قرار گیرد، هر چند نویسندگان مختلف عهد جدید ممکن است بخشی از نوشته خود را نادیده بگیرند و بر بخشی دیگر، تأکید بیشتری داشته باشند. تمامی انجیل مرقس از دکتربین کاریگمای پطرس پیروی می‌کند. به انجیل مرقس اساسا به عنوان ساختار موعظه‌های پطرس در روم نگاه می‌شود به که صورت انجیل نوشته شده است. هم متی و هم لوقا از ساختار انجیل مرقس پیروی می‌کنند.

■ "در انتظار آمدن پسر او از آسمان باشید" این یکی دیگر از افعال حال نامحدود است. آنها همچنان به خدمت خود به خدا ادامه می‌دادند و منتظر بازگشت مسیح بودند (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۱: ۹). پولس تأکید خود را بر روی آمدن دوم به عنوان پیام اصلی نامه ادامه داد. هر فصل به این

موضوع ختم می‌شود (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۱: ۱۰؛ ۲: ۱۹؛ ۳: ۱۳؛ ۴: ۱۳-۱۸-۱۵: ۲۳). موضوع خاص در اول تسالونیکیان ۵: ۹ را مطالعه کنید.

■ "که از مردگان برخیزانیدش" این تایید پذیرش پدر از مرگ جانشینی پسر بود (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۱۵). هر سه شخص تثلیث در قیام مسیح فعال بودند: پدر - اعمال رسولان ۲: ۲۴؛ ۳: ۱۵؛ ۴: ۱۰؛ ۵: ۳۰؛ ۱۰: ۱۰؛ ۴۰: ۱۳؛ ۳۰، ۳۳، ۳۴، ۳۷؛ ۱۷: ۳۱؛ روح - رومیان ۸: ۱۱ و پسر یوحنا ۲: ۱۹-۲۲؛ ۱۰: ۱۷ الی ۱۸. موضوع خاص: تثلیث را در غلاطیان ۴: ۴ مشاهده کنید.

■ "ما را ... رهایی می‌بخشد" این یک وجه وصفی حال میانی است که بر عملکرد مداوم عیسی از طرف ما تاکید دارد. این پیروزی در حال انجام است (مراجعه کنید به رومیان ۸: ۳۱-۳۹). او همچنان شفاعت ما را می‌کند (اول یوحنا ۲: ۱؛ عبرانیان ۷: ۲۵؛ ۹: ۲۴).

■ "غضب آینده" برای بعضی‌ها، آمدن دوم عیسی امید بزرگ آنها است، اما برای برخی دیگر، این ضرر ابدی آنها خواهد بود. مومنان آزار و اذیت و فشار یهودیان و بت پرستان را تجربه خواهند کرد، اما آنها هرگز خشم خدا را تجربه نخواهند کرد (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۵: ۹). غضب خدا در حال آمدن بر همه کسانی است که مسیح را نفی می‌کنند (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۱: ۱۶؛ ۲: ۱۶؛ متی ۲۵، رومیان ۱-۲). مطمئناً صحیح است که خشم یک اصطلاح انسانی است، اما "عشق به خدا" نیز چنین است. در پایان هر فصل از اول تسالونیکیان، نکات مربوط به آمدن دوم برجسته است (اول تسالونیکیان ۱: ۱۰؛ ۲: ۱۹؛ ۳: ۱۳؛ ۴: ۱۳-۱۸؛ ۵: ۲۳). نویسندگان عهد جدید، زمان و تاریخ را از طریق جهان بینی خود درباره روز داوری و پاداش مشاهده می‌کنند. عهد جدید کاملاً اسکاتولوژیک است (مراجعه کنید به *How to Read the Bible For All Its Worth* اثر Fee and Stuart. صفحات ۱۳۱ الی ۱۳۴)

موضوع خاص: رنج

SPECIAL TOPIC: TRIBULATION (*thlipsis*)

به یک تمایز الهیاتی میان استفاده پولس از این اصطلاح و استفاده یوحنا وجود دارد:

A. استفاده پولس (که منعکس کننده استفاده عیسی است)

۱. مشکلات رنج و شر که در این دنیای گمراه وجود دارند

a. انجیل متی ۱۳: ۲۱

b. رومیان ۵: ۳

c. اول قرنتیان ۷: ۲۸

d. دوم قرنتیان ۷: ۴

e. افسسیان ۳: ۱۳

۲. مشکلات رنج و شر که توسط بی ایمانان به وجود می‌آیند

a. رومیان ۵: ۳، ۸، ۳۵؛ ۱۲: ۱۲

b. دوم قرنتیان ۱: ۴، ۸، ۶: ۴، ۷: ۴، ۸: ۲ و ۱۳

c. افسسیان ۳: ۱۳

d. فیلیپیان ۴: ۱۴

e. اول تسالونیکیان ۱: ۶

f. دوم تسالونیکیان ۱: ۴

۳. مشکلات رنج و شر مربوط به پایان زمان

a. انجیل متی ۲۴: ۲۱ و ۲۹

b. انجیل مرقس ۱۳: ۱۹ و ۲۴

c. دوم تسالونیکیان ۱: ۶ الی ۹

B. استفاده یوحنا

۱. یوحنا در مکاشفه تمایز خاصی را میان *thlipsis* و *orgē* یا *thumos* (خشم) به وجود می‌آورد. *thlipsis* چیزی است که کافران بر

مؤمنان انجام می‌دهند و *orgē* و *thumos* کاری است که خدا بر غیر مومنین انجام می‌دهد.

- a. thlipsis - مکاشفه ۱: ۹، ۲: ۹ الی ۱۰ و ۲۲، ۷: ۱۴
- b. orgē - مکاشفه ۶: ۱۶ الی ۱۷، ۱۱: ۱۸، ۱۶: ۱۹، ۱۹: ۱۵
- c. thumos - مکاشفه ۱۲: ۱۴، ۸ و ۱۰ و ۱۵، ۷ و ۱۶: ۱۸، ۱: ۳
۲. یوحنا همچنین از این اصطلاح در انجیل خود استفاده می کند تا مسائلی را که مؤمنان در هر سنی با آنها مواجه هستند، نشان دهد (انجیل یوحنا ۱۶: ۳۳).

موضوع خاص: توصیف خدا به مثابه یک انسان (زبان انسان شناسی) (SPECIAL TOPIC: GOD DESCRIBED AS A HUMAN (ANTHROPOMORPHIC LANGUAGE))

I. نوع زبان که در عهد عتیق بسیار متداول است

A. اندام های فیزیکی بدن

۱. چشم - پیدایش ۱: ۴، ۳۱: ۶؛ ۸: خروج ۳۳: ۱۷؛ اعداد ۱۴: ۱۴؛ تثنیه ۱۱: ۱۲؛ زکریا ۴: ۱۰
۲. دست - خروج ۱۵: ۱۷؛ اعداد ۱۱: ۲۳؛ تثنیه ۲: ۱۵
۳. بازو - خروج ۶: ۱۵؛ ۱۶: اعداد ۱۱: ۲۳؛ تثنیه ۴: ۳۴، ۵: ۱۵
۴. گوش - اعداد ۱۱: ۱۸؛ اول سموئیل ۸: ۲۱؛ دوم پادشاهان ۱۹: ۱۶؛ مزامیر ۵: ۱؛ ۱۰: ۱۷؛ ۱۸: ۶
۵. صورت - خروج ۳۲: ۳۰؛ ۳۳: ۱۱؛ اعداد ۶: ۲۵؛ تثنیه ۳۴: ۱۰، مزامیر ۱۱۴: ۷
۶. انگشت - خروج ۸: ۱۹؛ ۳۱: ۱۸؛ تثنیه ۹: ۱۰، مزامیر ۸: ۳
۷. صدا - پیدایش ۳: ۸ و ۱۰، خروج ۱۵: ۲۶؛ ۱۹: ۱۹؛ تثنیه ۲۶: ۱۷، ۲۷: ۱۰
۸. پاها - خروج ۲۴: ۱۰، حزقیال ۴۳: ۷
۹. حالت انسانی - خروج ۲۴: ۹ الی ۱۱، مزامیر ۴۷، اشعیا ۶: ۱، حزقیال ۱: ۲۶
۱۰. فرشته خدا - پیدایش ۱۶: ۷ الی ۱۳، ۲۲: ۱۱ الی ۱۵، ۳۱: ۱۱ و ۱۳، ۴۸: ۱۵ الی ۱۶، خروج ۳

B. اعمال و کارهای فیزیکی

۱. صحبت کردن به عنوان مکانیسم خلقت - پیدایش ۱: ۳، ۶، ۹، ۱۱، ۱۴، ۲۰، ۲۴، ۲۶
۲. پیاده روی (یعنی صدا) در ادن - پیدایش ۳: ۸؛ ۱۸: ۳۳؛ حقوق ۳: ۱۵
۳. بستن درب قایق نوح - پیدایش ۷: ۱۶
۴. بو کردن قربانها - پیدایش ۸: ۲۱؛ لایوان ۲۶: ۳۱؛ عاموس ۵: ۲۱
۵. پایین آمدن - پیدایش ۱۱: ۵؛ ۱۸: ۲۱؛ خروج ۳: ۸؛ ۱۹: ۱۱، ۱۸، ۲۰
۶. دفن موسی - تثنیه ۳۴: ۶

C. احساسات انسانی

۱. پشیمانی / توبه - پیدایش ۶: ۶، ۷؛ خروج ۳۲: ۱۴؛ داوران ۲: ۱۸؛ اول سموئیل ۱۵: ۲۹، ۳۵؛ عاموس ۷: ۶، ۳
۲. خشم - خروج ۴: ۱۴؛ ۱۵: ۷؛ اعداد ۱۱: ۱۰؛ ۱۲: ۹؛ ۲۲: ۲۲؛ ۲۵: ۳؛ ۳۲: ۱۰، ۱۳، ۱۴؛ تثنیه ۶: ۵؛ ۷: ۴؛ ۲۹: ۲۰
۳. حسادت - خروج ۲۰: ۵؛ ۳۴: ۱۴؛ تثنیه ۴: ۲۴؛ ۵: ۹؛ ۶: ۱۵؛ ۳۲: ۱۶، ۲۱؛ یوشع ۲۴: ۱۹
۴. بی رحمانه / بی حوصله - لایوان ۲۰: ۲۳؛ ۲۶: ۳۰؛ تثنیه ۳۲: ۱۹

D. اصطلاحات خانوادگی

۱. پدر
 - a. اسرائیل - خروج ۴: ۲۲، تثنیه ۱۴: ۱، ۳۹: ۵
 - b. پادشاه - دوم سموئیل ۷: ۱۱ الی ۱۶، مزامیر ۲: ۷
 - c. استعاره ها برای کارهای پدرانه - تثنیه ۱: ۳۱؛ ۸: ۵؛ ۳۲: ۱؛ مزامیر ۲۷: ۱۰، امثال ۳: ۱۲؛ ارمیا ۳: ۴، ۲۲: ۳۱؛ ۲۰: هوشع ۱۱: ۱-۴؛ ملاکی ۳: ۱۷
۲. والدین - هوشع ۱۱: ۱ الی ۴
۳. مادر - مزامیر ۲۷: ۱۰ (همچون مادر پرستار)، اشعیا ۴۹: ۱۵، ۶۶: ۹ الی ۱۳

۴. معشوق وفادار جوان - هوشع ۱ الی ۳

II.

دلایل برای استفاده از این نوع زبان

- A. این ضرورت است که خداوند خود را به انسان نشان دهد. مفهوم فراگیر خدا به عنوان مرد، یک مورد انسان شناسی است؛ زیرا خدا روح است!
- B. خداوند جنبه های معنی دار زندگی انسانی را می گیرد و از آنها برای نشان دادن خود به انسان سقوط کرده و گمراه (پدر، مادر، پدر و مادر، عاشق) استفاده می کند
- C. اگر لازم باشد، خدا نمی خواهد به هیچ گونه شکل فیزیکی محدود شود (به عبارتی خروج ۲۰؛ تثنیه ۵)
- D. انطباق نهایی تجسم عیسی است! خدا فیزیکی، قابل لمس شد (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۱-۳). پیام خدا به کلام خدا تبدیل شد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱-۱۸).

سوالات بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید. این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چرا پولس رسول بودن خود را در این نامه اثبات نکرد؟
۲. در مورد آیه ۱ چه چیزی اهمیت دارد؟
۳. چرا ایمان، امید و عشق اینقدر در عهد جدید ذکر شده اند که به هم نزدیک می شوند؟
۴. چگونه انتخاب با کارهای مومنان مرتبط است؟
۵. چرا مسیحیان رنج می برند؟ چگونه آمدن دوم مسئله رنج را برطرف می کند؟

اول تسالونیکیان ۲

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
بشارت پولس در تسالونیکي ۲: ۱۱ الی ۱۲	هدایت پولس ۲: ۱۱ الی ۱۲	کار و زندگی پولس ۲: ۱۱ الی ۸	کار پولس در تسالونیکي ۲: ۱۱ الی ۹	مثال پولس در تسالونیکي ۲: ۱۱ الی ۷ الف ۲: ۷ ب الی ۱۲
		۲: ۱۱ الی ۹	۲: ۱۰ الی ۱۲	
	ایمان			ایمان و صبوری تسالونیکیان
۲: ۱۳ الی ۱۶	۲: ۱۳ الی ۱۶	۲: ۱۳ الی ۱۶	۲: ۱۳ الی ۱۶	۲: ۱۳ الی ۱۶
اشتیاق پولس به دیدار دوباره کلیسا (۲: ۱۷ الی ۳: ۱۳)	اشتیاق دیدار آنها	علاقه پولس نسبت به تسالونیکیان (۲: ۱۷ الی ۳: ۱۳)	تمایل پولس برای ملاقات مجدد آنها (۲: ۱۷ الی ۳: ۱۳)	نگرانی پولس
۲: ۱۷ الی ۲۰	۲: ۱۷ الی ۲۰	۲: ۱۷ الی ۲۰	۲: ۱۷ الی ۲۰	۲: ۱۷ الی ۲۰

* تقسیم‌بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگرافها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری میباشد. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگرافها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخ جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: انتقادات متنی و واژه‌نامه.

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور خود راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم و غیره

۴. و غیره

بینش متنی

A. این فصل به رشد مخالفت یهودیان با کلیسا در تسالونیکي می‌پردازد (مراجعه کنید به اعمال رسولان ۱۷: ۱ الی ۹).

B. این فصل به طرز شگفت انگیزی ویژگیهای یک بشارت دهنده واقعی را بیان می‌کند. پولس این خصوصیات را در سه جفت متضاد ارائه داد: ابتدا منفی، سپس مثبت (اول تسالونیکیان ۲: ۳-۷). پولس از پیام، روش و انگیزه‌های خود دفاع می‌کند.

- C. اول تسالونیکیان ۲: ۱۰ الی ۱۲ خلاصه ای از اول تسالونیکیان ۲: ۱ الی ۹ است.
- D. این فصل برخی از سردرگمی‌ها را در بین ترجمه‌های انگلیسی نشان می‌دهد که در آنها باید متن یونانی بدین صورت تقسیم شود:
۱. اول تسالونیکیان ۲: ۶-۷.
۲. اول تسالونیکیان ۲: ۱۱-۱۲.
- E. پولس در اول تسالونیکیان ۲: ۱۴-۱۶ برای گفتگو در مورد وضعیت فعلی وی در قرنتس و خلاصه‌ای از اولین تجربیات وی با مخالفت یهودیان می‌پردازد. این آیات شدیدترین اظهارات منفی پولس درباره یهودیان است (به جز رومیان ۹-۱۱).

مطالعه عبارت و کلام

NASB: اول تسالونیکیان ۲: ۱ الی ۱۲

۱ ای برادران، خود می‌دانید که آمدن ما نزد شما بیهوده نبوده است، بلکه هرچند پیشتر در شهر فیلیپی آزار و اهانت بر ما رفت، چنانکه می‌دانید، اما به مدد خدای خود دلیری کردیم تا انجیل خدا را با وجود مخالفت‌های بسیار به شما برسانیم. زیرا اگر ترغیب‌تان می‌کنیم، از گمراهی یا انگیزه‌های ناپاک نیست، و قصد فریب‌تان را نیز نداریم، بلکه چون کسانی سخن می‌گوییم که خدا بر آنها مَهر تأیید زده و انجیل را بدیشان به امانت سپرده است. ما در پی خشنود ساختن مردم نیستیم، بلکه خشنودی خدایی را طالبیم که دل‌های ما را می‌آزماید. شما نیک می‌دانید که ما هرگز به چاپلوسی متوسل نشدیم، و از ظاهرسازی چون سرپوشی برای طمع سود نجستیم - خدا گواه ماست. و نیز جویای ستایش از انسانها نبوده‌ایم، چه از شما و چه از دیگران.

هرچند در مقام رسولان مسیح حقی بر گردن شما داشتیم،^۷ اما همچون مادری شیرده که از کودکان خود نگهداری می‌کند، با شما به نرمی رفتار کردیم.^۸ شدت علاقه ما به شما چنان بود که شادمانه حاضر بودیم نه تنها انجیل خدا را به شما برسانیم، بلکه از جان خود نیز در راه شما بگذریم، چندان که ما را عزیز گشته بودید.^۹ شما ای برادران، به یقین محنت و مشقت ما را به یاد دارید، که شب و روز کار می‌کردیم تا وقتی انجیل خدا را به شما وعظ می‌کنیم، سربار کسی نباشیم.

^{۱۰} شما شاهدید و خدا خود نیز گواه است که با چه پاکی و درستی و بی‌عیبی با شما ایمانداران رفتار کردیم.^{۱۱} چنانکه می‌دانید، رفتار ما با یک یک شما چون رفتار پدری با فرزندانش بود.^{۱۲} شما را تشویق کرده، دل‌داری می‌دادیم و سفارش می‌کردیم که شیوه رفتارتان شایسته خدایی باشد که شما را به پادشاهی و جلال خود فرا می‌خواند.

۲: ۱ "خود می‌دانید" پولس چنان از تجربه مسیحیان تسالونیکی استفاده کرد که این عبارت به ویژگی این کتاب بدل شد (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۵: ۲؛ ۱: ۲، ۵، ۱۱). عبارات مشابه در اول تسالونیکیان ۲: ۹ "شما به یاد می‌آورید" و ۱۰، "شما شاهد هستید" دیده می‌شوند.

NASB, NKJV,

NRSV "که آمدن ما نزد شما بی‌فایده نبود"

TEV "این که دیدار ما با شما یک شکست نبود"

NJB "که دیدار ما با شما بی‌تأثیر نبوده است"

این یک زمان اخباری کامل فعال است. هم می‌تواند به معنای (۱) "بی‌ثمر بودن باشد (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۱۵: ۱۰ و ۵۸) یا (۲) "دست خالی" نیست (مراجعه کنید به مرقس ۱۲: ۲). این کلیسا علیرغم مخالفت پرخاشگرانه یهود، درست مانند کلیساهای یهودیه، که همچنین خشم یهودیان را تجربه کردند، ادامه دارد (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۲: ۱۳ الی ۱۶).

۲: ۲ "بلکه" این یک کلمه نقض ربط قوی است (*alla*)، مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۲: ۴ [دو مرتبه]، ۷ و ۸ که دلالت بر تضاد دارد.

■ "در شهر فیلیپی آزار و اهانت بر ما رفت" پولس شروع به بازگو کردن رنج‌های خود به خاطر انجیل می‌کند (اعمال رسولان ۱۶: ۱۱ الی ۴۰ و اول قرنتیان ۹: ۱۳؛ دوم قرنتیان ۴: ۸ الی ۱۲؛ ۶: ۴-۱۰؛ ۱۱: ۲۴-۲۷).

NASB "بدرفتاری کردند"

NKJV "با شدت رفتار کردند"

NRSV "به طور شرم‌آوری بد رفتاری کردند"

TEV "توهین کردند"

NJB "به شدت توهین کردند"

اینها بدرفتاری فیزیکی و روحی بودند.

NASB	"ما به واسطه خدای خود جسارت پیدا کردیم که انجیل خدا را به شما بشارت دهیم"
NKJV	"ما به واسطه خدای خود جسور شدیم که با شما در مورد پیام خدا صحبت کنیم"
NRSV	"ما به واسطه خدای خود شجاعت داشتیم که بشارت خدا را به شما اعلام کنیم"
TEV	"با این وجود خداوند به ما شجاعت بخشید تا به شما خبر خوبی را که از او می‌آید، بگوییم"
NJB	"این خدای ما بود که به ما شجاعت داد که خبر خوب خود را به شما اعلام کنیم"

برای "شجاعت" موضوع زیر را مطالعه کنید.

عبارت "انجیل خدا" می‌تواند به معنی باشد

۱. انجیل در مورد خدا (حالت مفعولی)

۲. انجیل از جانب خدا (حالت فاعلی، مراجعه کنید به JB, TEV). همین عبارت دوباره در اول تسالونیکیان ۲: ۸ و ۹ تکرار می‌شود (مراجعه کنید به رومیان ۱۶: ۱۵؛ اول تیموتائوس ۱: ۱۱؛ اول پطرس ۴: ۱۷)

موضوع خاص: جسارت (*parrhēsia*)

(SPECIAL TOPIC: BOLDNESS (*parrhēsia*))

این اصطلاح یونانی از ترکیب "همه" (*pan*) و "سخن گفتن" (*rhēsis*) درست شده است. این آزادی یا جسارت در سخن گفتن اغلب مفهوم جسارت در میان مخالفان و طردکنندگان دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۱۳، اول تسالونیکیان ۲: ۲). در نوشته‌های یوحنا (۱۳ مرتبه استفاده شده است) اغلب به مفهوم اعلام عمومی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۲۰، همچنین در نوشته‌های پولس، کولسیان ۲: ۱۵). با این حال، گاهی اوقات فقط به معنی "به روشنی" است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۲۴، ۱۱: ۱۴، ۱۶: ۲۵ و ۲۹).

در اعمال رسولان، شاگردان از پیامی در باره عیسی صحبت می‌کنند، به همان شیوه (با جسارت) که عیسی درباره پدر و برنامه‌ها و وعده‌هایش صحبت می‌کرد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۲۹، ۴: ۱۳ و ۲۹، ۳۱ و ۹: ۲۷، ۲۸، ۱۳: ۴۶، ۱۴: ۱۳، ۱۸: ۱۹، ۲۶، ۸: ۲۶، ۲۶: ۲۸، ۳۱). پولس همچنین درخواست کرد برایش دعا شود که بتواند با جسارت انجیل را موعظه کند (مراجعه شود به افسسیان ۶: ۱۹، اول تسالونیکیان ۲: ۲) و انجیل را زنده نگاه دارد (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۲۰).

امید اسکاتولوژیک پولس در مسیح به او جسارت و اعتماد به نفس داد تا انجیل را در این عصر شیطانی موعظه کند (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۳: ۱۱ و ۱۲). او همچنین اطمینان داشت که پیروان عیسی به صورت مناسب عمل خواهند کرد (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۷: ۴). یک جنبه دیگر در این اصطلاح وجود دارد. کتاب عبرانیان از آن به مفهومی منحصر به فرد جسارت مومن در مسیح برای نزدیک شدن به خدا و صحبت کردن با او استفاده می‌کند (مراجعه شود به عبرانیان ۳: ۶، ۴: ۱۶، ۱۰: ۱۹ و ۳۵). مومنین به طور کامل با صمیمیت پدر از طریق پسر مورد استقبال قرار گرفته و پذیرفته می‌شوند (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵: ۲۱)!

به چندین شیوه در عهد جدید مورد استفاده قرار گرفته است

۱. اطمینان، جسارت یا اعتماد نسبت به

a. انسانها (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۲۹، ۴: ۱۳ و ۳۱، دوم قرنتیان ۳: ۱۲، افسسیان ۶: ۱۹)

b. خدا (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۲۸، ۳: ۲۱، ۴: ۱۲، ۵: ۱۴، عبرانیان ۳: ۶، ۴: ۱۶، ۱۰: ۱۹)

۲. آزادانه، شفاف یا غیر مبهم سخن گفتن (مراجعه شود به انجیل مرقس ۸: ۳۲، انجیل یوحنا ۷: ۴ و ۱۳، ۱۰: ۲۴، ۱۱: ۱۴، ۱۶: ۲۵، اعمال رسولان ۲۸: ۳۱)

۳. در ملا عام صحبت کردن (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۲۶، ۱۱: ۵۴، ۱۸: ۲۰)

۴. حالت مرتبط (*parrhēsiazomai*) برای با جسارت موعظه کردن در شرایط سخت استفاده می‌شود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۸: ۲۶، ۱۹: ۸، افسسیان ۶: ۲۰، اول تسالونیکیان ۲: ۲)

■ "با وجود مخالفت‌های بسیار" این یک اصطلاح ورزشی یا نظامی برای نبردهای خشن و دست به دست است (مراجعه کنید به فیلیپیان ۱: ۳۰؛ کولسیان ۲: ۱). این اصطلاح یونانی به صورت "agony" وارد زبان انگلیسی شده است.

NASB, NKJV "تشویق"
 NRSV, TEV "پند"
 NJB "ترغیب"

این از همان ریشه (*paraklēsis*) است که در مورد روح (*paraklētos*) در یوحنا ۱۶:۱۴، ۲۶؛ ۲۶:۱۵ و ۱۶:۷ و در مورد عیسی در اول یوحنا ۲:۱ از آن استفاده شده است که در آن "راحت"، "مدافع" یا "یاور" ترجمه شده است. یادداشت کامل را در اول تسالونیکیان ۳:۷ مطالعه کنید.

NASB "از خطا نمی آید"
 NKJV "از فریب ناشی نمی شود"
 NRSV "از فریب فوران نمی کند"
 TEV "بر مبنای خطا نیست"
 NJB "زیرا فریب خورده ایم"

Planēs کلمه یونانی برای "سیاره" است که به نورهای آسمانی (سیارات، ستاره های دنباله دار، ستاره های دنباله دار) اشاره می کرد که از الگوی معمول صور فلکی پیروی نمی کردند. بنابراین، آنها "سرگردان" نامیده می شدند که به صورت استعاری به خطا تفسیر می شدند.

NASB "ناخالصی"
 NKJV "ناپاکی"
 NRSV, TEV "انگیزه های ناپاک"
 NJB "غیر اخلاقی"

این اصطلاح دلالت بر یک سستی جنسی دارد (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۴:۷؛ رومیان ۱:۲۴؛ غلاتیان ۵:۱۹؛ افسسیان ۵:۳؛ کولسیان ۳:۵). باید به خاطر داشت که عبادات بت پرستی اغلب شامل اعمال جنسی می شد. پولس ممکن است متهم به حمایت از سستی اخلاقی توسط حقوق دانان یهودی باشد که آن را با فیض از طریق ایمان را اشتباه درک کرده اند.

NASB "به واسطه فریب"
 NKJV "و نه در حيله"
 NRSV "یا حيله"
 TEV "قصد فریب کسی را نداریم"
 JB "قصد فریبستان را نیز نداریم"

دو اصطلاح دیگر در آیه ۳ از انگیزه های پولس سخن می گویند، اما این عبارت بیانگر جو حيله و فریب است (مراجعه کنید به افسسیان ۴:۱۴). "فریب" در ابتدا به معنای "گرفتن با طعمه" بود. مراجعه کنید به دوم قرنتیان ۲:۱۷). پولس غالباً به حرص و آز متهم می شد (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۲:۵).

۲:۴ "خدا بر آنها مُهر تأیید زده" (در نسخه انگلیسی، "ما توسط خدا تأیید شده ایم" نوشته شده که زمان فعل مجهول است و این تفسیر بر اساس نسخه انگلیسی کتاب مقدس است-مترجم) زمان فعل این آیه اخباری مجهول کامل است که دارای مفهوم آزمایش با دیدگاه جهت تأیید است (*dokimazō*). "تأیید" به این معنا معمولاً به معنای آزمایش اصالت سکه ها بود. تیم بشارتی توسط خدا مورد آزمایش و تأیید قرار گرفته بود. موضوع خاص: اصطلاحات یونانی برای آزمایش و یادداشت های آنها را در اول تسالونیکیان ۳:۵ مطالعه کنید.

■ "سپرده است" این یک اُتوریست مجهول نامحدود است. این اصطلاح از همان ریشه (*pisteuō*) با عنوان "ایمان"، "باور" یا "اعتماد" گرفته می شود. ایده اصلی این است که چیزی را به دیگری واگذار کنیم (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۹:۱۷؛ غلاتیان ۲:۷؛ اول تیموتائوس ۱:۱۱؛ تیتوس ۱:۳). مومنان بشارت دهند انجیل هستند (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۴:۱ الی ۲؛ اول پطرس ۴:۱۰).

■ "سخن می گوئیم" این یک حال اخباری فعال است. مومنان باید مزده ای را که دریافت کرده اند (مراجعه کنید به کولسیان ۴:۲ الی ۶؛ اول پطرس ۳:۱۵) با جسارت (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۲:۲) به اشتراک بگذارند.

■ "ما در پی خشنود ساختن مردم نیستیم، بلکه خشنودی خدایی را" (در نسخه انگلیسی، این آیه به صورت "نه برای خشنودی انسانها بلکه خدا" نوشته شده است-مترجم) (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۲:۶؛ غلاتیان ۱:۱۰).

■ "که دل‌های ما را می آزماید" این منعکس کننده کاربرد عبری اصطلاح دل در مفهوم کل شخصیت فرد است. خدا انگیزه های ما را میدانند (مراجعه کنید به

اول سموئیل ۱۶: ۷؛ مزامیر ۷: ۹؛ ۲۶: ۲؛ ۴۴: ۲۱؛ ۱۳۹: ۱ و ۲۳؛ مزامیر ۲۱: ۲؛ ارمیا ۱۱: ۲۰؛ ۱۲: ۳؛ ۱۷: ۱۰؛ لوقا ۱۶: ۱۵؛ اعمال رسولان ۱: ۲۴؛ ۱۵: ۸؛ رومیان ۸: ۲۷؛ مکاشفه ۲: ۲۳). به موضوع خاص: قلب/دل در غلاطیان ۴: ۶ مراجعه کنید.

۲: ۵ "ما هرگز به چاپلوسی متوسل نشدیم" این اصطلاح دلالت بر دستکاری انگیزه‌های دروغین دارد. مخالفان، به ویژه در قرن‌س (پولس هنگام نوشتن این نامه در قرن‌س بود)، اغلب پولس را به انگیزه‌های دروغین متهم می‌کردند، همانطور که در اینجا یهودیان این کار را انجام می‌دادند.

■ "سرپوشی برای طمع" پولس غالباً به حرص و طمع و فرصت طلبی متهم می‌شد، احتمالاً به این دلیل که اینها از ویژگی‌های معلمان دوره‌گرد یونان بودند (مراجعه کنید به اعمال رسولان ۲۰: ۳۳). به همین دلیل است که او مرتباً از کلیساهایی که در خدمت آنها بود، پول دریافت نمی‌کرد. او بعداً از فیلیپی (دو بار، مراجعه کنید به فیلیپیان ۴: ۱۶) و تسالونیکیان کمک گرفت.

■ "خدا گواه ماست" پولس با استفاده از خدا به عنوان شاهد سوگند یاد کرد (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۲: ۱۰؛ رومیان ۱: ۹؛ اول قرنتیان ۱: ۲۳؛ ۱۱: ۳۱؛ غلاطیان ۱: ۱۹؛ فیلیپیان ۲: ۲۵).

۲: ۶ "هرچند در مقام رسولان مسیح" این شامل سیلاس و تیموتائوس است. این نشان دهنده کاربرد گسترده‌تر این اصطلاح است. در اول قرنتیان ۱۲: ۲۸ و افسسیان ۴: ۱۱، "رسولان" به عنوان یک هدیه معنوی مداوم در کلیسا ذکر می‌شود. برخی از نمونه‌ها عبارتند از:

۱. برنابا (مراجعه کنید به اعمال رسولان ۱۴: ۴، ۱۴)

۲. آندرونیکس و جونیس (مراجعه کنید به رومیان ۱۶: ۷-۶)

۳. آپولوس (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۴: ۶)

۴. یعقوب عادل (مراجعه کنید به غلاطیان ۱: ۱۹)

مشخص نیست که این هدایای بشارتی مربوط به کدام جنبه از بشارت مربوط می‌باشند: (۱) بنا کردن کلیسا، (۲) بشارت دادن؛ (۳) رهبری منطقه‌ای یا (۴) این امر به پیامبران، بشارت دهندگان، شبانان/ معلمان در افسسیان ۴: ۱۱ مرتبط است، همه آنها انجیل را به صورت متفاوتی تأکید می‌کنند.

■ برخی ترجمه‌های انگلیسی این عبارت را در اول تسالونیکیان ۲: ۶ و دیگران در اول تسالونیکیان ۲: ۷ قرار داده‌اند:

NASB ۲: ۶ "ما ممکن است اقتدار خود را ادعا کرده باشیم"

NKJV ۲: ۶ "ممکن است خواسته‌هایی داشته باشیم"

NRSV ۲: ۷ "ممکن است خواسته‌هایی داشته باشیم"

TEV ۲: ۷ "ما می‌توانستیم درخواست کنیم"

JB ۲: ۷ "ما می‌توانستیم خودمان را با تمام وزن به شما تحمیل کنیم"

به معنای واقعی کلمه، این "با وزن/ سنگینی" ترجمه می‌شود. معنای مورد نظر می‌تواند (۱) اقتدار رسولی (۲) اقتدار رسولانه؛ یا (۳) جبران خسارت مالی باشد (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۲: ۹؛ اول تسالونیکیان ۳: ۸؛ اول قرنتیان ۹: ۳ الی ۱۴؛ دوم قرنتیان ۱۱: ۷ الی ۱۱).

۲: ۷ "با شما به نرمی رفتار کردیم" (در نسخه انگلیسی "ما اثبات کردیم که با شما به ملایمت رفتار کردیم" نوشته شده و این تفسیر بر مبنای نسخه انگلیسی است- مترجم) تفاوتی میان نسخ خطی یونانی بین استفاده از اصطلاحات (۱) "شیرخواران" (*nēpios*)، مراجعه کنید به *MSS P⁶⁵, G, F, D, C, B, 8* و (۲) "ملایم" (*ēpios*)، مراجعه کنید به *MSS 8c, A, C2, D2* وجود دارد. فقط حرف اول آنها متفاوت است. صرفاً بر مبنای متن، شماره ۱ بهترین به نظر می‌رسد، اما بر مبنای مفهوم شماره ۲ بهترین گزینه است (ممکن است این نمایانگر یک تغییر عمدی در نگارش باشد). *UBS⁴* به "نوزادان" رتبه "B" تقریباً یقین می‌دهد).

۷، ۸ و ۱۱ از زبان والدین استفاده می‌کند. او خود را والدین معنوی آنها می‌دید.

■ "اما همچون مادری شیرده که از کودکان خود نگهداری می‌کند" این یک جمله شرطی نوع سوم است. این فعل به معنای واقعی کلمه به معنای "گرم کردن" است و معمولاً در مورد پرندگان ماده استفاده می‌شود که جوجه خود را "گرم می‌کنند" (مراجعه کنید به افسسیان ۵: ۲۹). این استعاره برای شیر دادن بود. پولس (مراجعه کنید به غلاطیان ۴: ۱۹)، مانند عیسی (متی ۲۳: ۳۷)، عشق خود به آنها را با اصطلاحات زنانه توصیف می‌کند (و یهوه، مراجعه کنید به خروج ۱۹: ۴؛ اشعیا ۶۶: ۶۶؛ هوشع ۱۱: ۴؛ و روح مراجعه کنید به پیدایش ۱: ۲).

NASB	"به شما علاقه زیادی دارم"
NKJV	"بنابراین، علاقه عمیقی به شما دارم"
NRSV	"عمیقا به شما توجه دارم"
TEV	"به خاطر عشق ما به شما"
NJB	"ما نسبت به شما احساس فداکاری و محافظت داریم"

کلمه (*homeiromai*) در هیچ کجای دیگر عهد جدید دیده نمی شود. در Septuagint در یعقوب ۳: ۲۱ استفاده شده است. در ادبیات یونانی اصطلاحی برای محبت شدیدی بود که والدین نسبت به فرزندان مرده خود بروز می دادند.

■ "شدت علاقه ما به شما چنان بود که شادمانه حاضر بودیم نه تنها انجیل خدا را به شما برسانیم، بلکه از جان خود نیز در راه شما بگذریم، چندان که ما را عزیز گشته بودید" این نشان از گرانبها بودن بشارت و همچنین عشق رسول دارد. بشارت کاری نیست که ما انجام می دهیم، بلکه چیزی است که هستیم.

۹: ۲ "محنت و مشقت" اینها اصطلاحات مترادف قوی هستند (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۳: ۸ و دوم قرنتیان ۱۱: ۲۷). جامعه یونان کار را فقط مختص برده ها می دانست. پولس، یهودی بوده، به کار دستی احترام می گذاشت. او غالبا آن را تشویق می کرد، به ویژه در این مکاتبات با اهالی تسالونیک، زیرا برخی کار خود را رها کرده و منتظر آمدن دوم بودند (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۳: ۶ الی ۱۵).

■ "که شب و روز کار می کردیم" همه ربی ها باید کار می داشتند تا معیشت خود را تامین کنند (مراجعه کنید به اعمال رسولان ۱۸: ۳: اول قرنتیان ۴: ۱۲). به پولس اتهام طمع ورزی زده بودند، بنابراین برای بشارت خود پول دریافت نمی کرد (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۲: ۵). "شب و روز" نشانگر احتساب یهودیان از زمان شروع روز در غروب است (مراجعه کنید به پیدایش ۱: ۵، ۸، ۱۳، ۱۹، ۲۳، ۲۱). پولس در طول روز در چادر دوزی یا چرم کاری کار می کرد و شبها موعظه انجیل را به عهده داشت. بشارت نیاز به کار سخت دارد!

۱۰: ۲ "شما شاهدهید و خدا خود نیز گواه است" این بیان دیگری مانند سوگند توسط پولس است که صادقانه بودن اظهارات و اعمال او را تایید می کند. خداوند شاهد سوگند اول تسالونیکیان ۲: ۵ بوده و مومنین تسالونیکی نیز تایید می کنند.

■ "که با چه پاکی و درستی و بی عیبی با شما ایمانداران رفتار کردیم" برخی در کلیسا، در جامعه یا افراد خارجی باید حتما انگیزه های او را زیر سوال برده باشند. پولس همیشه باید از انگیزه هایش دفاع می کرد.

موضوع خاص: بی گناه، معصوم، منزّه، بدون رسوایی

(SPECIAL TOPIC: BLAMELESS, INNOCENT, GUILTLESS, WITHOUT REPROACH)

A. کلام آغازین

- این مفهوم از نظر الهیاتی شرایط اصلی نوع بشر را توصیف می کند (یعنی کتاب پیدایش ۱، باغ عدن)
- گناه و شورش این حالت از رفاقت کامل را تخریب کرده است (یعنی پیدایش ۳)
- انسانها (زن و مرد) آرزوی احیا دوستی با خدا را دارند زیرا آنان از تصویر او و شبیه او خلق شده اند (پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷)
- خدا با انسان گناهکار به طریق مختلف برخورد کرد
 - رهبران الهی (یعنی ابراهیم، موسی، اشعیا)
 - سیستم قربانی (لاویان ۱ الی ۷)
 - مثالهای الهی (نوح و یعقوب)
- نهایتا خدا مسیح را فرستاد
 - جهت مکاشفه کامل خودش (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱ الی ۱۴، کولسیان ۱: ۱۳ الی ۱۷، عبرانیان ۱: ۲ الی ۳)
 - به عنوان یک قربانی کامل برای گناه (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، دوم قرنتیان ۵: ۲۱)
- مسیحیان بی گناه شدند

- a. به طور قانونی از طریق پارسایی منتسب به مسیح (مراجعه شود به رومیان ۴: ۳، ۶، ۸، ۱۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، یعقوب ۲: ۲۳)
- b. به طور پیشرونده از طریق کار روح القدس (انجیل یوحنا ۱۶: ۸ الی ۱۱)
- c. هدف مسیحیت، همانند مسیح بودن است (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۸ الی ۳۰، دوم قرن تیان ۳: ۱۸، غلاطیان ۴: ۱۹، افسسیان ۱: ۴، ۴: ۱۳، اول تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۴: ۳، ۵: ۲۳، دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳، تیتوس ۲: ۱۴، اول پطرس ۱: ۱۵)، که در واقعیت احیا تصویر گم شده خدا در آدم و حوای سقوط کرده است.
۷. بهشت احیا کامل رفاقت باغ عدن است. بهشت اورشلیم جدید است که در حضور خدا به یک زمین پاک شده (مراجعه شود به دوم پطرس ۳: ۱۰) به پائین می آید (مراجعه شود به مکاشفه ۲۱: ۲). انجیل با یک موضوع آغاز و خاتمه می یابد.
- a. رابطه دوستانه صمیمانه با خدا
- b. در یک باغ (پیدایش ۱ الی ۲ و مکاشفه ۲۱ الی ۲۲)
- c. با بیان یک نبوت، و حضور و همراهی حیوانات (مراجعه شود به اشعیا ۱۱: ۶ الی ۹)
- B. عهد عتیق
۱. بسیاری واژه‌های عبری وجود دارند که مفهوم کمال، بی گناه و معصوم را بیان میدارند، به طوری که به سختی میتوان آنها را نام برد و تمامی ارتباطات پیچیده میان آنها را گفت.
۲. اصطلاحات اصلی که مفهوم کمال، معصومیت یا بی گناهی را در بر می گیرند (بر طبق Robert B. Girdlestone, *Synonyms of the Old Testament*, صفحات ۹۴ الی ۹۹) به این شرح می باشند
- a. *shalom* (BDB 1022, KB 1532)
- b. *thamam* (BDB 1070, KB 1743)
- c. *calah* (BDB 478, KB 476)
۳. ترجمه Septuagint (انجیل کلیسای اولیه) این مفاهیم عبری را به اصطلاحات یونانی کوین ترجمه می کند که در عهد جدید استفاده شده اند (به بند C در زیر مراجعه کنید).
۴. مفهوم کلیدی به سیستم قربانی کردن مرتبط است.
- a. *amōmos* (BDB 1071), مراجعه شود به خروج ۲۹: ۱، لایوان ۱: ۳ و ۱۰، ۳: ۱ و ۶، اعداد ۶: ۱۴)
- b. *amiantos* و *aspilus* همچنین مفهوم کلاسیک دارند
- C. عهد جدید
۱. مفهوم قانونی
- a. مفاهیم قانون کالتیک عبری ترجمه شده توسط *amōmos* (BDB 1071), مراجعه شود به افسسیان ۵: ۲۷، فیلیپیان ۲: ۱۵، اول پطرس ۱: ۱۹)
- b. مفاهیم قانونی یونانی (مراجعه شود به اول قرن تیان ۱: ۸، کولسیان ۱: ۲۲)
۲. مسیح آن بیگناه، بی تقصیر و معصوم است (*amōmos*), مراجعه شود به عبرانیان ۹: ۱۴، اول پطرس ۱: ۱۹)
۳. پیروان مسیح باید همانند او رفتار کنند (*amōmos*), مراجعه شود به افسسیان ۱: ۴، ۵: ۲۷، فیلیپیان ۲: ۱۵، کولسیان ۱: ۲۲، دوم پطرس ۳: ۱۴، یهودا ۱: ۲۴، مکاشفه ۱۴: ۵)
۴. این مفهوم همچنین در مورد رهبران کلیسا استفاده می شود
- a. *aneglētos* "بدون متهم کردن" (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۳: ۱۰، تیتوس ۱: ۶ الی ۷)
- b. *anepileptos* "فرا تر از انتقاد" یا "هیچ مسئولیتی برای سرزنش وجود ندارد" (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۳: ۲، ۵: ۷، ۶: ۱۴، تیتوس ۲: ۸)
۵. مفهوم "بدون شک" (*amiantos*) در موارد زیر استفاده می شود
- a. خود مسیح (مراجعه شود به عبرانیان ۷: ۲۶)
- b. میراث مسیحیان (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۴)
۶. مفهوم "یکپارچگی" یا "یک صدایی" (*holoklēria*) (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳: ۱۶، اول تسالونیکیان ۵: ۲۳، یعقوب ۱: ۴)

۷. مفهوم "بدون خطا"، "معصوم بی گناه" با *amemptos* بیان می‌شود (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۶، فیلیپیان ۲: ۱۵، ۳: ۶، اول تسالونیکیان ۲: ۱۰، ۳: ۱۳، ۵: ۲۳)

۸. مفهوم "سرزنش نمیشود" با *amōmētos* بیان می‌شود (مراجعه شود به دوم پطرس ۳: ۱۴)

۹. مفهوم "بی عیب"، "بدون شک" اغلب در عباراتی استفاده می‌شود که دارای یکی از موارد فوق نیز هستند (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۶: ۱۴، یعقوب ۱: ۲۷، اول پطرس ۱: ۱۹، دوم پطرس ۳: ۱۴)

D. تعداد کلمات در زبان عبری و یونانی که این مفهوم را بیان می‌کنند اهمیت آن را نشان می‌دهد. خداوند ما را از طریق مسیح فراهم کرده است و اکنون از ما می‌خواهد مثل او باشد.

مومنان از لحاظ موقعیتی و قانونی از طریق کار مسیح «درست»، «صالح»، «بی تقصیر» اعلام می‌شوند. اکنون مومنان باید جایگاه خود را بدست آورند. "در نور گام بردارند زیرا او در نور است" (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۷). "ارزش فرا خواندن برای قدم زدن دارد" (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱، ۱۷؛ ۵: ۲، ۱۵). عیسی تصویر خداوند را احیا کرد. دوستی صمیمانه اینک امکان پذیر است، اما به یاد داشته باشید که خداوند مردمی را میخواهد که منعکس کننده شخصیت او باشند، همانطور که پسر، در برابر دنیای گمراه و سقوط کرده رفتار کرد. ما به هیچ چیز کمتر از تقدس فرا خوانده نمی‌شویم (متی ۵: ۲۰، ۴۸؛ افسسیان ۱: ۴؛ اول پطرس ۱: ۱۳-۱۶). تقدس خدا، نه تنها به لحاظ قانونی، بلکه از نظر وجودی!

۲: ۱۱ "تشویق" (در نسخه انگلیسی این اصطلاح در آیه ۱۲ نوشته شده است- مترجم) به یادداشت اول تسالونیکیان ۲: ۳ توجه کنید. به سه صفت مفعولی (همه با در اول پاراگراف هستند) فعالیت موعظه و بشارت پولس را توصیف می‌کنند: (۱) "تشویق" (حال فعال). (۲) "تشویق کننده" (حال میانی [دیپوننت]) و (۳) "تحریک کننده" (حال میانی [دیپوننت]).

۲: ۱۲ "شیوه رفتارشان شایسته... باشد" این یک حال نامحدود است. این استعاره اشاره به ادامه زندگی ما دارد، که باید منعکس کننده استادمان باشد (مراجعه کنید به کولسیان ۱: ۱۰؛ ۲: ۶؛ افسسیان ۲: ۱۰؛ ۴: ۱، ۱۷؛ ۵: ۲، ۱۵). به پایان اول تسالونیکیان ۲: ۱۲ توجه کنید. مومنان فراخوانده شده‌اند تا به اشتراک گذارند و از این طریق منعکس کننده جلال خدا باشند.

■ "که شما را... فرا می‌خواند" در زمان فعل این آیه تفاوتی در میان نسخ خطی یونانی وجود دارد: (۱) نسخ خطی α و A آئوریست دارند، مانند غلاطیان ۱: ۶. این امر بر فراخوان اولیه خدا تاکید می‌کند (مراجعه کنید به غلاطیان ۱: ۶؛ اول پطرس ۱: ۱۵). (۲) دست نوشته‌های P, L, K, H, G, F, D, B این هدایا را دارند که بر فراخوان مستمر خدا بر تقدس تاکید می‌کند (مراجعه کنید به رومیان ۸: ۲۸-۲۹؛ غلاطیان ۴: ۱۹؛ افسسیان ۱: ۴). UBS^4 به گزینه شماره ۲ رتبه "B" (تقریباً یقین) را می‌دهد.

به تعادل الهیاتی بین خدایی که موعظه می‌کند و مومنین که باید گام‌های ارزشمند بردارند، توجه کنید (مراجعه کنید به فیلیپیان ۲: ۱۲-۱۳). فرقه‌های مختلف روی یک جنبه یا جنبه دیگر (تمایل یا اراده آزاد انسان) تمرکز دارند. خداوند با ما در چهارچوب یک پیمان برخورد می‌کند. هم تماس او و هم پاسخ اجباری ما (اولیه و مداوم) ضروری است.

موضوع خاص: انتخاب

SPECIAL TOPIC: ELECTION

انتخاب دکترین جالبی است. فراخواندن برای طرفداری یا حمایت نیست، بلکه فراخواندن برای این است که راه باشید، ابزاری برای رستگاری دیگران. در عهد عتیق این اصطلاح اساساً برای خدمت کردن استفاده شده است، در عهد جدید برای رستگاری استفاده شده که خدمتی است. انجیل هرگز آنچه که به نظر می‌رسد تضاد میان اراده خدا و اراده آزاد انسان است را نمی‌پذیرد، ولی هر دو را تأیید می‌کند. مثال خوبی از تنش انجیلی می‌توان رومیان ۹ در مورد انتخاب پادشاهی خدا و رومیان ۱۰ در مورد نیاز انسان به پاسخ باشد (مراجعه شود به رومیان ۱۱: ۱۰ و ۱۳).

کلید این تنش الهیاتی را شاید بتوان در افسسیان ۴: ۱ یافت. عیسی مرد منتخب خدا است و همه چیز در انتخاب او است (*Karl Barth*). عیسی پاسخ "بله" خدا به نیاز انسان سقوط کرده است (*Karl Barth*). افسسیان ۴: ۱ همچنین با تصریح اینکه هدف تقدیر بهشت نیست، بلکه تقدس است کمک می‌کند تا مسئله مشخص شود (همانند مسیح بودن). ما اغلب جذب مزایای انجیل می‌شویم و مسئولیتها را فراموش می‌کنیم! فراخواندن خدا (انتخاب) برای زمان و در عین حال برای ابدیت است!

چندین دکترین در رابطه با سایر حقایق ارائه شده‌اند، البته نه یک حقیقت منفرد و نامربوط. یک مقایسه خوب می‌تواند یک کهکشان در برابر یک

ستاره باشد. خدا حقیقت را در یک قالب شرقی ارائه داده نه غربی. ما نباید تنشی را که با پارادوکسهای دکترین حقیقت به وجود می‌آیند حذف کنیم (خدا به عنوان متعالی در برابر خدا به عنوان همه جا حاضر. امنیت در برابر استقامت، عیسی برابر با پدر در مقابل عیسی به عنوان خدمتگزار پدر، آزادی مسیحی در برابر مسئولیت مسیحی به پیمان، و غیره).

مفهوم الهیاتی پیمان پادشاهی خدا را (که همیشه پیش قدم بوده و دستور کار را تعیین می‌کند) با الزام اولیه در توبه پایدار و پاسخ از روی ایمان از جانب نوع بشر (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱:۱۵، اعمال رسولان ۱۶:۳ و ۱۹:۲۱، ۲۰:۲۱) را به هم می‌پیوندد. مراقب باشید که تأیید یک وجه پارادوکس وجه دیگر را کم ارزش نکند.

موضوعات خاص زیر را مطالعه کنید

۱. انتخاب/تقدیر و نیاز به تعادل الهیاتی

۲. تقدیر در برابر آزادی اراده انسان

۳. پیمان

۴. ادبیات شرقی (پارادوکسهای انجیلی)

■ "به پادشاهی ... خود" پولس زیاد از این اصطلاح استفاده نمی‌کند. این اشاره به قانون خدا در قلب و ذهن مومنان دارد که روزی در سرتاسر زمین اعمال خواهد شد (مراجعه کنید به متی ۶: ۱۰). این بار تعالیم و موعظه‌های عیسی بود. این بیانگر تنش "در حال حاضر" اما "نه هنوز" از زمان بین تجسم و آمدن دوم است (مراجعه کنید به *How to Read the Bible For All Its Worth* اثر Fee and Stuart صفحات ۱۳۱ الی ۱۳۴).

موضوع خاص: پادشاهی خدا

(SPECIAL TOPIC: THE KINGDOM OF GOD)

در عهد عتیق یهوه به عنوان پادشاه اسرائیل تصور می‌شد (مراجعه شود به اول سموئیل ۸: ۷، مزامیر ۱۰: ۱۶، ۲۴: ۷ الی ۹، ۲۹: ۱۰، ۴۴: ۴). ۸۹: ۱۸، ۹۵: ۳، اشعیا ۴۳: ۱۵، ۴۴: ۶) و مسیح به عنوان پادشاه ایده‌آل معرفی می‌گشت (مراجعه شود به مزامیر ۲: ۶، اشعیا ۹: ۶ الی ۷، ۱۱: ۱ الی ۵). با تولد عیسی در بیت‌الحم (۶ الی ۴ قبل از میلاد) پادشاهی خدا با قدرت جدید و رستگاری ("پیمان جدید"، مراجعه شود به ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۳۶: ۲۷ الی ۳۶) وارد تاریخ انسانی شد.

۱. یحیی تعمید دهنده نزدیک بودن پادشاهی خدا را اعلام کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۲، انجیل مرقس ۱: ۱۵).

۲. عیسی به وضوح تعلیم می‌داد که پادشاهی در او و در تعالیم او هستند (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۱۷ و ۲۳، ۱۰: ۷، ۱۲: ۲۸، انجیل لوقا ۱۰: ۹ و ۱۱، ۱۱: ۲۰، ۱۷: ۲۱، ۲۱: ۳۱ الی ۳۲). با این حال، پادشاهی در آینده است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶: ۲۸، ۲۴: ۱۴، ۲۶: ۲۹، انجیل مرقس ۹: ۱، انجیل لوقا ۲۱: ۳۱، ۲۲: ۱۶ و ۱۸).

در همسوه‌های سایر اناجیل در انجیل مرقس و انجیل لوقا عبارت "پادشاهی خدا" را می‌بینیم. این موضوع متداول در تعالیم عیسی بود که شامل قلمرو حال حاضر در قلب انسان، که روزی در تمامی زمین تحقق خواهد یافت بود. این در دعای عیسی در انجیل متی ۶: ۱۰ منعکس شده است. متی، در نوشته‌هایش برای یهودیان ترجیح داد که از نام خدا استفاده نکند و به جای آن عبارت "پادشاهی بهشت" را استفاده کرد، در حالیکه مرقس و لوقا که برای پیروان سایر ادیان و کفار می‌نوشتند، از عنوان متداول، که نام خدا بود استفاده کردند.

این یک عبارت کلیدی در سایر اناجیل است. عیسی در اولین و آخرین موعظه‌اش، و بیشتر تمثیلهایش، روی این موضوع صحبت می‌کرد. اشاره به قلمرو حکومت خدا در حال حاضر در قلب انسانها دارد! حیرت‌انگیز است که یوحنا از این عبارت فقط دو مرتبه استفاده کرده است (و هرگز در تمثیلهای عیسی نیآورده است). در انجیل یوحنا، حیات جاویدان استعاره کلیدی است.

دو بار آمدن عیسی در این عبارت تنش ایجاد می‌کند. عهد عتیق فقط بر یک مرتبه آمدن مسیح تمرکز دارد - یک آمدن نظامی، داوری‌کننده و باشکوه - ولی عهد جدید آمدن او را در مرحله اول به عنوان خادم رنج کشیده اشعیا ۵۳ و پادشاه فروتن زکریا ۹: ۹ نشان می‌دهد. دو عصر یهود (به موضوع خاص: این عصر و عصری که خواهد آمد مراجعه کنید) عصر شرارت و عصر پارسایی و صداقت همپوشانی می‌شوند. عیسی در حال حاضر در قلبهای مومنین حکومت می‌کند، ولی روزی بر تمامی مخلوقات حکومت خواهد کرد. او همان گونه که عهد عتیق پیش‌گویی کرده خواهد آمد (مراجعه شود به مکاشفه ۱۹)! مومنین در پادشاهی خدا که از "قبل وجود داشته" در برابر "هنوز نیامده" زندگی می‌کنند (مراجعه شود به Gordon D. Fee and Douglas Stuart's *How to Read The Bible For All Its Worth* صفحات ۱۳۱ الی ۱۳۴).

■ "و جلال" به یادداشت کامل در غلاطیان ۱: ۵ مراجعه کنید.

NASB: اول تسالونیکیان ۲: ۱۳ الی ۱۶

۳ نیز ما خدا را بی‌وسه شکر می‌گوییم که شما به هنگام پذیرفتن کلام خدا، که از ما شنیدید، آن را نه چون سخنان انسان، بلکه چون کلام خدا

پذیرفتید، چنانکه برآستی نیز چنین است؛ همان کلام اکنون در میان شما که ایمان دارید، عمل می‌کند.^۴ زیرا ای برادران، شما از کلیساهای خدا در یهودیه که در مسیح عیسایند، سرمشق گرفتید: شما نیز از هموطنان خود، همان آزارها را دیدید که آنان از یهودیان دیدند،^۵ از آنان که عیسای خداوند و پیامبران را کشتند و ما را نیز بیرون راندند. آنان خدا را خشنود نمی‌سازند و با همه مردم دشمنی می‌ورزند،^۶ و نمی‌گذارند ما با غیریهودیان سخن بگوییم تا نجات یابند. بدین‌گونه همواره پیمانۀ گناهان خود را لبریز می‌کنند. اما غضب خدا سرانجام بر ایشان فرو ریخته است.

۱۳:۲ "نیز ما خدا را پیوسته شکر می‌گوییم" یک حال اخباری فعال، ممکن است به ۱: ۲-۱۰ اشاره داشته باشد. این نشان دهنده زندگی مداوم نماز و سبک نوشتاری پولس است (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۱: ۲؛ ۵: ۱۷-۱۸). به موضوع خاص: شکرگزاری در اول تسالونیکیان ۱: ۲ مراجعه کنید.

■ "پذیرفتن" این یک وجه وصفی آنوریست فعال است. این امر ضرورت پاسخ شخصی ما را نشان می‌دهد. در اینجا، به پیام اشاره دارد. در یوحنا ۱: ۱۲ به شخص مسیح اشاره دارد. در اول تسالونیکیان ۴: ۱، به سبک زندگی اشاره دارد. انجیل به سه مورد تأکید می‌کند: (۱) رابطه شخصی (مراجعه کنید به کولسیان ۲: ۶)، (۲) حقیقت دکتربین (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۳: ۶؛ اول قرنتیان ۱۵: ۱-۴)، و (۳) مسیحی بودن سبک زندگی (مراجعه کنید به فیلیپیان ۴: ۹). مومن باید برای بلوغ به هر سه پاسخ دهد.

عبارت "کلام خدا را دریافت کرد" اصطلاحی برای "دریافت انجیل" شده است ("او که کلام من را می‌شنود و به کسی که مرا فرستاده است ایمان می‌آورد"، یوحنا ۵: ۲۴).

۱. *dechomai* - لوقا ۱۳: ۸؛ اعمال رسولان ۸: ۱۴؛ ۱۱: ۱؛ ۱۷: ۱۱؛ اول تسالونیکیان ۱: ۱۶
۲. *paralambanō* اول تسالونیکیان ۲: ۱۳
۳. *paradechomai* - مرقس ۴: ۲۰
۴. *apolambanō* - یعقوب ۱: ۲۱

توجه کنید که یک عنصر شناختی و یک عنصر ارادی وجود دارد.

عهد جدید چندین چیز دارد که به فعلی که "دریافت" ترجمه شده، مرتبط است.

A. موارد منفی

۱. رومیان ۸: ۱۵ - روح برده داری (*lambanō*) دریافت نکنید
۲. اول قرنتیان ۲: ۱۴ - انسان طبیعی چیزهای روح خدا را دریافت نمی‌کند (*apolambanō*)
۳. اول قرنتیان ۲: ۱۲ - روح جهان را دریافت نکنید (*lambanō*)
۴. دوم قرنتیان ۶: ۱ - بیهوده لطف خدا را دریافت نکنید (*apolambanō*)
۵. دوم تسالونیکیان ۲: ۱۰ - آنها عشق به حقیقت را نجات ندادند (*apolambanō*)

B. موارد مثبت

۱. اعمال رسولان ۱: ۸ - قدرت (*lambanō*) را دریافت کنید
۲. اعمال رسولان ۲: ۳۳ - وعده پدر را دریافت کنید (*lambanō*)
۳. اعمال رسولان ۲: ۳۸؛ ۸: ۱۵، ۱۷، ۱۹؛ ۱۰: ۴۷؛ ۱۹: ۲ - هدیه روح القدس را دریافت کنید (*lambanō*)
۴. اعمال رسولان ۱۰: ۴۳؛ ۲۶: ۱۸ - بخشش (*lambanō*) را دریافت کنید
۵. رومیان ۵: ۱۱ - آشتی (*lambanō*) دریافت کنید
۶. رومیان ۵: ۱۷ - دریافت فراوانی از لطف و هدایای پرهیزکاری (*lambanō*)
۷. روم. ۸: ۱۵ - روحیه فرزندخوانی را دریافت کنید (*lambanō*)
۸. غلاطیان ۳: ۱۴ - وعده روح را از طریق ایمان دریافت کنید (*lambanō*)
۹. کولسیان ۲: ۶ - دریافت (*paralambanō*) عیسی مسیح
۱۰. عبرانیان ۱۰: ۳۶ - چیزهای وعده داده شده را دریافت کنید (*anadechomai*)
۱۱. عبرانیان ۱۱: ۱۷ - وعده ها را دریافت کنید (*anadechomai*)
۱۲. عبرانیان ۱۲: ۲۸ - پادشاهی را دریافت کنید که نمی‌تواند متزلزل شود (*paralambanō*)
۱۳. یعقوب ۱: ۲۱ - کلمه کاشته شده را که قادر به نجات جانها است، دریافت کنید (*apolambanō*)
۱۴. اول پطرس ۵: ۴ - تاج محو ناشدنی جلال را دریافت کنید (*komizō*)
۱۵. اول یوحنا ۲: ۲۷ - مسح را دریافت کرد (*lambanō*)

چه طیف وسیعی از چیزهای شگفت انگیز با انجیل همراه است!

■ "پذیرفتن ... پذیرفتید" این اصطلاحات مترادف لزوم پاسخ انسان به پیشنهاد انجیل الهی را توصیف می‌کنند! بشر افتاده باید را توبه کرده و به انجیل ایمان آورد (مراجعه کنید به مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال رسولان ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۲۱)، و همچنان با توبه، ایمان و زندگی انجیلی ادامه دهید. کلمه پیشین اصطلاح ترکیبی است که در یوحنا ۱: ۱۲ آمده است. دومی یعنی استقبال از کسی به عنوان مهمان. در این متن، باید از انجیل استقبال کرد. عهد جدید انجیل را به عنوان یک شخص و یک پیام توصیف می‌کند.

■ "کلام خدا" موعظه پولس (پیام انجیل) مکاشفه ای بود که توسط خدا الهام شده است (مراجعه کنید به دوم تیموتائوس ۳: ۱۵-۱۷؛ اول پطرس ۱: ۲۳-۲۵؛ دوم پطرس ۱: ۲۰-۲۱؛ ۳: ۱۵-۱۶). در اینجا به کتاب مقدس اشاره نمی‌شود، بلکه اعلام و آموزه های رسولان است. عهد جدید فقط بخش منتخبی از سخنان و اعمال عیسی و پیام رسول را ثبت می‌کند.

NASB "کلام خدا، که کار خود را نیز در شما که ایمان آورده‌اید انجام می‌دهد"

NKJV "کلام خدا، که در شما که ایمان دارید نیز موثر است"

NRSV "کلام خدا، که در شما مومنان نیز کارگر است"

TEV "به عنوان پیام خدا، که در واقع این است. زیرا خدا بر روی شما که ایمان دارید، کار می‌کند"

NJB "پیام خدا ... این هنوز یک قدرت زنده در بین شما است که آن را باور دارید"

این حال اخباری میانی است (مراجعه کنید به فیلیپیان ۲: ۱۳). "کار" کلمه مورد علاقه پولس بود که به اصطلاح انگلیسی "انرژی" مرتبط است. پولس انجیل را به عنوان دادن انرژی مستمر به مومنین توصیف می‌کرد! احتمالاً این منعکس کننده درک عهد عتیقی از قدرت کلام گفتاری، همانند پیدایش ۱ و اشعیا ۵۵: ۱۱ (و همچنین یوحنا ۱: ۱) است.

■ "در میان شما که ایمان دارید" این صفت مفعولی حال فعال است. باز هم، ادامه اعتقاد مهم است! انجیل محصول نیست (بلیط به بهشت، بیمه نامه)، بلکه یک رابطه شخصی و رو به رشد با پدر از طریق پسر است.

۲: ۱۴ "کلیساهای" این به معنای واقعی کلمه "آنهايي که فرا خوانده می‌شوند" ترجمه می‌شود. در *Septuagint*، همین ایده با عنوان "جماعت اسرائیل" بیان می‌شود. کلیسای اولیه خود را ادامه دهنده مردم عهد عتیق خدا می‌دانست. توجه کنید که آنها "کلیساهای خدا" خوانده می‌شوند. موضوع خاص را در غلاطیان ۲: ۱ مشاهده کنید.

■ "در مسیح عیسی" این عبارت یک مفهوم کروی را در بر دارد، به معنی "درون" یا "احاطه شده" از جو، مانند یک ماهی در آب. یک عبارت بسیار رایج پولسی، از اتحاد ما با عیسی سخن می‌گوید. ما زندگی می‌کنیم و حرکت می‌کنیم و وجود خود را در او داریم. برای نمونه‌ای از استفاده پولس از این فرم، به افسسیان ۱: ۳ الی ۱۴: (۱) "در مسیح" ۱: ۳، ۱۰، ۱۲؛ (۲) "در او" ۱: ۴، ۷، ۹، ۱۳، ۱۰ (دو بار)؛ (۳) "در معشوق" ۱: ۶ توجه کنید.

■ "در یهودیه" کلیساهای تسالونی دقیقاً مانند کلیساهای یهودیه، آزار و اذیت یهودیان را تجربه می‌کردند (مراجعه کنید به متی ۵: ۱۰-۱۲).

■ "شما نیز ... همان آزارها را دیدید" به طور کلی، واکنش به پیام مسیحیان در دنیای روم، (مراجعه کنید به اول پطرس ۴: ۱۲-۱۶)، به دلیل خاص بودن خاصیت پیام (مراجعه کنید: یوحنا ۱۴: ۶) آزار و اذیت بود.

■ "از هموطنان خود" در متن، این اشاره به آزار و اذیت یهودیان مقیم آنجا بود، دقیقاً همانگونه که پولس که در زمان نگارش در قرنتس بود، و او نیز با همان مخالفتها روبرو شده بود.

۲: ۱۵ "آنان که عیسی خداوند ... را کشتند" (در متن انگلیسی *Lord Jesus* نوشته شده که اصطلاح *Lord* به معنی ارباب/سرور است) یهودیان به طور فیزیکی عیسی را نکشتند، بلکه آنان مسئول مرگ عیسی بودند (مراجعه کنید به متی ۲۱: ۳۳ الی ۴۶؛ اعمال رسولان ۲: ۲۳).

■ "و پیامبران" مردم خدا نمی‌خواستند پیام خدا را بشنوند، بنابراین سخنگویانش را می‌کشتند (مراجعه کنید به متی ۲۳: ۳۱ و ۳۷؛ اعمال رسولان ۷: ۵۲).

موضوع خاص: نبوت عهد عتیق

SPECIAL TOPIC: OLD TESTAMENT PROPHECY

I. معرفی

A. کلام آغازین

۱. جامعه مومنین در نحوه تفسیر نبوت اتفاق نظر ندارند. سایر حقایق بر اساس موقعیت تفکر مرسوم طی قرن‌ها شکل گرفته‌اند، ولی این یکی نه.

۲. در مورد نبوت عهد عتیقی، چندین مرحله به خوبی تعریف شده وجود دارند

a. پیش اخلاقی

(۱) افرادی که پیامبر خطاب می‌شدند

(a) ابراهیم - پیدایش ۷:۲۰

(b) موسی - اعداد ۶:۱۲ الی ۸، تثنیه ۱۵:۱۸، ۱۰:۳۴

(c) هارون - خروج ۱:۷ (سخنگوی موسی)

(d) مریم - خروج ۲۰:۱۵

(e) میداد و الداد - اعداد ۲۴:۱۱ الی ۳۰

(f) دبوره - داوران ۴:۴

(g) گمنام - داوران ۷:۶ الی ۱۰

(h) سموئیل - اول سموئیل ۲۰:۳

(۲) اشاره به پیامبران به عنوان گروه - تثنیه ۱:۱۳ الی ۵، ۱۸:۲۰ الی ۲۲

(۳) گروه نبوتی یا انجمن - اول سموئیل ۵:۱۰ الی ۱۳، ۱۹:۲۰، اول پادشاهان ۳۵:۲۰ و ۴۱، ۶:۲۲ و ۱۰ الی ۱۳، دوم

پادشاهان ۳:۲ و ۷، ۱:۴ و ۳۸، ۲۲:۵، ۶:۱، و غیره

(۴) مسیح که پیامبر نامیده می‌شد - تثنیه ۱۵:۱۸ الی ۱۸

b. نامکتوبات پادشاهان

(۱) جاد - اول سموئیل ۵:۲۲، دوم سموئیل ۱۱:۲۴، اول تواریخ ۲۹:۲۹

(۲) ناتان - دوم سموئیل ۲:۷، ۲۵:۱۲، اول پادشاهان ۲۲:۱

(۳) اخیا - اول پادشاهان ۲۹:۱۱

(۴) ییهو - اول پادشاهان ۱:۱۶ و ۷ و ۱۲

(۵) گمنام - اول پادشاهان ۴:۱۸ و ۱۳، ۱۳:۲۰ و ۲۲

(۶) الیاس - اول پادشاهان ۱۸، دوم پادشاهان ۲

(۷) میکاه - اول پادشاهان ۲۲

(۸) الیشع - دوم پادشاهان ۹:۲ و ۱۲ الی ۱۳

۳. نوشته‌های سنتی پیامبران (آنها اقوام و همچنین پادشاه را مورد خطاب قرار می‌دادند): اشعیا، ملاکی (به استثنای دانیال)

B. اصطلاحات انجیلی

۱. روعه = "پیغمبر" (BDB 906, KB 1157)، اول سموئیل ۹:۹. این مرجع خودش تحول به اصطلاح "نبی" را نشان می‌دهد. روعه از اصطلاح کلی "دیدن" می‌آید. این فرد راه خدا و برنامه‌های او را درک کرده بود و با او برای تحقق بخشیدن به اراده خدا مشورت می‌شد.

۲. هوزه = "پیغمبر" (BDB 302, KB 3011)، دوم سموئیل ۱۱:۲۴. این اصطلاح مترادف با روعه است. این از اصطلاح نادرتری می‌آید و به معنی دیدن است. حالت وصفی آن بیشتر برای اشاره به پیامبران استفاده می‌شود (مشاهده کردن).

۳. نبی = "پیغمبر" (BDB 611, KB 661)، از فعل آکادیایی نابو به معنی "فراخواندن" و عربی "نبأ" به معنی "اعلام کردن/اخبار" می‌آید. این متداولترین اصطلاح در عهد عتیق برای پیامبران است. این اصطلاح بیش از ۳۰۰ مرتبه استفاده شده است. در مورد ریشه این اصطلاح اطلاعات دقیقی در دست نیست ولی در حال حاضر، فراخواندن بهترین گزینه است. احتمالاً بهترین درک از توصیف رابطه موسی با فرعون از طریق عارون توسط یهوه باشد (مراجعه شود به خروج ۱۰:۴ الی ۱۶، ۷:۱، تثنیه ۵:۵). پیامبر کسی است که از طرف خدا با مردمش صحبت می‌کند (عاموس ۸:۳، ارمیا ۷:۱ و ۱۷، حزقیال ۴:۳).

۴. هر سه این اصطلاحات در مورد مقام پیامبران در کتاب اول تواریخ ۲۹:۲۹، سموئیل - روعه، ناتان - نبی، و جاد - هوزه استفاده شده‌اند.

۵. عبارت "ایشا الوهیم"، مرد خدا، یک بیان جامع‌تر برای سخنگوی خدا است. حدود ۷۶ مرتبه در عهد عتیق در مفهوم نبی استفاده شده است.

۶. منشا اصطلاح پیامبر یا همان نبی از زبان یونانی است. این اصطلاح از ترکیب (۱) *pro* به معنی "قبل" یا "برای" و *phemi* به معنی "سخن گفتن" می‌آید.

II. تعریف نبوت

A. اصطلاح نبوت گستره مفهومی وسیعتری در زبان عبری نسبت به زبان انگلیسی دارد. کتب تاریخی یوشع تا پادشاهان (به استثنای روت) را یهودیان پیامبران پیشین نامگذاری کرده‌اند. هم ابراهیم (پیدایش ۷:۲۰، مزامیر ۱۵:۱۰) و موسی (تثنیه ۱۸:۱۸) به عنوان نبی انتخاب شدند (همچنین میریام، خروج ۲۰:۱۵). بنابراین در مورد مفهوم متصوره در زبان انگلیسی مراقب باشید.

B. "نبوت را می‌توان به صورت مشروع به عنوان آن درک تاریخ که فقط معانی را در چهار چوب الهیات، هدف الهی و مشارکت الهی می‌پذیرد، تعریف کرد." *Interpreter's Dictionary of the Bible*. جلد ۳، صفحه ۸۹۶

C. "نبی نه فیلسوف است نه خداشناس سیستماتیک، بلکه فقط واسطه پیمان است تا به منظور شکل بخشیدن به آینده مردم، با اصلاح زمان حال آنان، کلام خدا را به مردمش تحویل دهد." *Prophets and Prophecy, Encyclopedia Judaica*. جلد ۱۳، صفحه ۱۱۵۲

III. هدف نبوت

A. نبوت شیوه‌ای است برای خدا که با مردمش صحبت کند، راهنمایی به آنها ارائه کند و به آنها امید دهد در زندگی و رخدادهای جهان در کنارشان است. پیام آنها اساساً یکسان بود. پیام سرزنش، تشویق، ایجاد انگیزه در ایمان و توبه بود و به مردم خدا درباره او و برنامه‌هایش آگاهی دهند. آنان حافظ مردم خدا در پیمان خدا بودند. به این باید اضافه شود که اغلب به وضوح انتخاب سخنگوی خدا آشکار می‌شد (تثنیه ۱:۱۳ الی ۳، ۱۸:۲۰ الی ۲۲). این نهایتاً اشاره به مسیح بود.

B. اغلب نبی از بحرانهای تاریخی یا الهیاتی روزگار خود الهام می‌گرفت و آن را در قالب یک زمینه اسکاتولوژییک بزرگ می‌کرد. این نگرش پایان زمان از تاریخ منحصر به اسرائیل بوده و مفهوم انتخاب الهی و پیمان وعده داده شده را دارد.

C. مقام نبی به نظر می‌رسد متعادل کننده بود (مراجعه شود به ارمیا ۱۸:۱۸) و غضب مقام کاهن اعظم بود به شیوه‌ای که اراده خدا است. اوریم و تواریم فراتر رفته و تبدیل به پیام شفاهی از جانب سخنگوی خدا شدند. به نظر می‌رسد که مقام نبوت در اسرائیل پس از ملاکی از بین رفت و ۴۰۰ سال بعد و توسط یحیی تعمید دهنده مجدداً ظاهر شد. مشخص نیست که چگونه هدیه نبوت عهد جدید با عهد عتیق ربط دارد. پیامبران عهد جدید (اعمال رسولان ۲۷:۱۱ الی ۲۸، ۱۳:۱، ۱۵:۳۲، اول قرنتیان ۱۰:۱۲ و ۲۸ الی ۲۹، ۲۹:۱۴ و ۳۲ و ۳۷، افسسیان ۱:۱۱) آشکار کننده یک مکاشفه جدید یا کتاب مقدس جدید نیستند، بلکه پیشگامان هستند و پیشگامان اراده خدا در شرایط پیمان جدید.

D. نبوت انحصاری یا در ماهیت قابل پیشبینی نیست. پیش‌گویی شیوه‌ای برای تأیید مقام و پیام او بود، ولی باید توجه شود که کمتر از ۲٪ نبوت عهد عتیق مسیحانه است. کمتر از ۵٪ به خصوص پیمان عصر جدید را توصیف می‌کند. کمتر از ۱٪ در رابطه رخدادهایی است که به وقوع خواهند پیوست. (*Fee and Stuart, How to Read the Bible For All Its Worth*. صفحه ۱۶۶)

E. انبیا خدا را به مردم معرفی می‌کردند، در حالی که کشیشان نماینده مردم در برابر خدا بودند. این یک بیان کلی است. استثنایهایی مانند حقوق وجود دارند که خطاب به خدا سوالاتی می‌پرسید.

F. یک دلیل که به سختی می‌توان انبیا را درک کرد این است که نمی‌دانیم کتب آنان چگونه ساختار یافته‌اند. آنها بر اساس زمانبندی تاریخی نیستند. به نظر می‌رسد آنها موضوعی باشند ولی نه همیشه به شیوه‌ای که انتظار داریم. اغلب هیچ شرایط تاریخی، زمان‌بندی خاص، یا تمایز مشخصی میان وحی دیده نمی‌شود.

این کتب به دلایل زیر سخت هستند:

۱. با یکبار نشستن نمی‌توان آنها را خواند

۲. بر اساس موضوع نمی‌توان تقسیم بندی کرد

۳. نمی‌توان از حقیقت اصلی یا عزم نویسندگان در هر وحی اطمینان حاصل کرد.

IV. مشخصه‌های نبوت

A. در عهد عتیق به نظر می‌رسد در رابطه با مفهوم نبی و نبوت پیشرفتی حاصل شده باشد. در اسرائیل اولیه یک رفاقت انبیا بسط یافت، به رهبری یک رهبر قوی بنام الیاس یا الیشا. گاهی اوقات عبارت "پسران انبیا" برای اشاره به این گروه استفاده می‌شد (دوم پادشاهان ۲). انبیا با حالات وحی آنها مشخص می‌شدند (اول سموئیل ۱۰:۱۰، ۱۳، ۱۸:۱۹ الی ۲۴).

B. با این حال این دوران سریعاً گذشت و دوران انبیا منفرد آمد. آنان انبیایی بودند (هم راستین و دروغین) که توسط پادشاه شناسایی می‌شدند، و در کاخ زندگی می‌کردند (جاد و ناتان). همچنین کسانی هم بودند که مستقل بودند، گاهی اوقات کاملاً بی‌ارتباط با شرایط جامعه موجود اسرائیل بودند (مانند عاموس). اینان هم زن و هم مرد بودند (دوم پادشاهان ۱۴:۲۲).

C. نبی اغلب آشکار کننده آینده بود، که به پاسخ سریع انسان حالت می‌بخشید. اغلب وظیفه نبی آشکار کردن برنامه جهانی خدا برای مخلوقاتش بود که تحت تاثیر پاسخ انسانی قرار نگرفته بودند. این برنامه کلی اسکاتولوژیک میان انبیا خاور نزدیک باستان، منحصر به فرد بود. پیشگویی و پیمان وفاداری دو وجه پیامهای انبیا بود (مراجعه شود به فی و استوارت، صفحه ۱۵۰). این دلالت بر این دارد که انبیا اساساً در مرکز توجه بودند. آنها معمولاً، ولی نه انحصاری، مردم را مورد خطاب قرار می‌دادند.

D. بیشتر مطالب انبیا به صورت شفاهی ابراز می‌شدند. بعداً با ابزارهای موضوعی، زمانبندی تاریخی یا سایر الگوهای ادبیات خاور نزدیک که دیگر در دسترس قرار ندارند ترکیب می‌شدند. از آنجا که شفاهی بودند برای منظور نگارش ساختار یافته نبودند. این باعث می‌شود که کتب را سخت بتوان خواند و به سختی بتوان بدون آگاهی از شرایط و موقعیت تاریخی آنها را درک کرد.

E. انبیا از الگوهای مختلف برای ارسال پیامهایشان استفاده می‌کردند.

۱. صحن دادگاه - خدا مردمش را به دادگاه می‌برد، همانند یک پرونده طلاق است که بیهوش زنش (اسرائیل) را به دلیل وفادار نبودن رد می‌کند (هوشع ۴، میکاه ۶).

۲. مراسم تشییع جنازه - اندازه خاص این نوع پیام و مشخصه آن که یک فرم خاص را به هم می‌ریزد (اشعیا ۵، حبقوق ۲).

۳. سخنرانی برکت و میثاق - بر ماهیت مشروط پیمان و عواقب آن تاکید می‌شود، هم مثبت و هم منفی، و برای آینده نوشته می‌شود (تثنیه ۲۷ الی ۲۸).

V. خط مشی‌های مفید برای تفسیر نبوت

A. با توجه به شرایط تاریخی و مفهوم متن هر وحی نیت نبی نگارنده را دریابید. معمولاً به نوعی در رابطه با اسرائیل است که پیمان موسی را شکست.

B. کل وحی را بخوانید و تفسیر کنید، نه فقط بخشی از آن را، بر اساس محتوا آن را مشخص سازید. ببینید که چگونه با وحی‌های قبلی و بعدی ربط دارد. سعی کنید طرح کلی کتاب را ترسیم نمائید.

C. مفهومی را در متن تصور کنید تا زمانی که چیزی در خود متن شما را به کاربرد نمادین خاصی هدایت کند، سپس آن زبان نمادین را به نثر درآورید.

D. در نور شرایط تاریخی و متون همسو کارهای نمادین را تحلیل کنید. حتماً به خاطر داشته باشید که این یک مفهوم باستانی خاور نزدیکی است نه یک ادبیات مدرن غربی.

E. در مورد پیشگویی‌ها احتیاط کنید.

۱. آیا آنها بصورت انحصاری مربوط به روزگار نگارنده هستند؟

۲. آیا آنها در تاریخ اسرائیل به تحقق پیوستند؟

۳. آیا آنها رخدادهای مربوط به آینده هستند؟

۴. آیا آنها در دوران معاصر تحقق یافته‌اند و در آینده نیز تحقق خواهند یافت؟

۵. اجازه دهید که نویسندگان انجیل و نه نویسندگان عصر مدرن شما را راهنمایی کنند.

F. توجهات خاص

۱. آیا پیش‌گویی‌ها با پاسخ مشروط می‌توانند واجد شرایط و درست باشند؟

۲. آیا یقین است که نبوت خطاب به چه کسی خطاب شده و چرا؟

۳. آیا احتمال چندین بار تحقق یافتن، هم انجیلی و یا تاریخی، هست؟

۴. نویسندگان عهد جدید، تحت وحی و الهام، قادر بودند مسیح را در بسیاری جاهای عهد عتیق ببینند که برای ما مشهود نیستند. به

نظر می‌رسد که آنان از واژه شناسی و بازی با کلمات استفاده می‌کردند. از آنجا که ما تحت الهام و وحی نیستیم بهتر است این

گرایش را به آنان واگذار کنیم.

.VI کتابهای مفید

A. *A Guide to Biblical Prophecy* by Carl E. Amending and W. Ward Basque

B. *How to Read the Bible for All Its Worth* by Gordon Fee and Douglas Stuart

C. *My Servants the Prophets* by Edward J. Young

D. *Plowshares and Pruning Hooks: Rethinking the Language of Biblical Prophecy and Apocalyptic*

by D. Brent Sandy

E. *New International Dictionary of Old Testament Theology and Exegesis*, vol. 4, pp. 1067-1078

F. *The Language and Imagery of the Bible* by G. B. Caird

موضوع خاص: نبوت عهد جدید

(SPECIAL TOPIC: NEW TESTAMENT PROPHECY)

I. همانند نبوت عهد عتیق نیست (BDB 611, KB 661، موضوع خاص: نبوت عهد عتیق را مطالعه کنید)، که مفاهیم روحانی دریافت کردن و ثبت مکاشفه بیهوده را در بر دارد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳: ۱۸ و ۲۱، رومیان ۱۶: ۲۶). فقط پیامبران می‌توانستند کتاب مقدس بنویسند.

A. موسی نبی خطاب می‌شد (مراجعه شود به تثنیه ۱۸: ۱۵ الی ۲۱)

B. در کتب تاریخی (یوشع - پادشاهان [به غیر از روت] پیامبران پیشین خطاب می‌شدند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳: ۲۴).

C. پیامبران جایگاه کاهن اعظم را بدست می‌آوردند زیرا آنها منشا اطلاعات از خدا بودند (مراجعه شود به اشعیا - ملاکی)

D. بخش دوم احکام موسی "پیامبران" است (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۷، ۲۲: ۴۰، انجیل لوقا ۱۶: ۱۶، ۲۴: ۲۵ و ۲۷، رومیان ۳: ۲۱).

II. در عهد جدید مفهوم به چندین شیوه مختلف استفاده میشود

A. اشاره به انبیای عهد عتیق و پیام‌های وحی شده به آنان (مراجعه شود به انجیل متی ۲: ۲۳، ۵: ۱۲، ۱۱: ۱۳، ۱۳: ۱۴، رومیان ۱: ۲)

B. اشاره به پیام برای فرد تا پیام برای یک گروه (پیامبران عهد عتیق اساسا با اسرائیل صحبت می‌کردند)

C. هم به یحیی تعمید دهنده (مراجعه شود به انجیل متی ۱۱: ۹، ۱۴: ۵، ۲۱: ۲۶، انجیل لوقا ۱: ۷۶) و هم عیسی به عنوان مبشرین

پادشاهی خدا اشاره می‌شود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳: ۵۷، ۲۱: ۱۱ و ۴۶، انجیل لوقا ۴: ۴، ۲۴: ۷، ۱۶: ۱۳، ۳۳: ۲۴، ۱۹: ۱۹).

عیسی همچنین ادعا می‌کرد که از سایر پیامبران بزرگتر است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۱: ۹، ۱۲: ۴۱، انجیل لوقا ۷: ۲۶).

D. سایر پیامبران در عهد جدید

۱. اوایل زندگی عیسی، آن طور که در انجیل متی ثبت شده است (خاطرات مریم)

a. الیزابت (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۴۱ الی ۴۲)

b. زکریا (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۶۷ الی ۷۹)

c. شمعون (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲: ۵۵ الی ۳۵)

d. حَنّی (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲: ۳۶)

۲. پیش‌گوییهای دوگانه (مراجعه شود به قیفا، انجیل یوحنا ۱۱: ۵۱)

E. اشاره به کسی که انجیل را اعلام می‌دارد (در لیست کسانی که موهبت را اعلام می‌دارند در اول قرن‌تینان ۱۲: ۲۸ الی ۲۹، افسسیان ۴: ۱۱ اضافه شده است)

F. اشاره به موهبت مستمر در کلیسا (انجیل متی ۲۳: ۳۴، اعمال رسولان ۱۳: ۱، ۱۵: ۳۲، رومیان ۱۲: ۶، اول قرن‌تینان ۱۲: ۱۰، و ۲۸ الی ۲۹، ۱۳: ۲، افسسیان ۴: ۱۱). گاهی اوقات می‌تواند به زنان اشاره داشته باشد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲: ۳۶، اعمال رسولان ۲: ۱۷، ۲۱: ۹، اول قرن‌تینان ۱۱: ۴ الی ۵)

G. اشاره به بخشهای آخرالزمانی کتاب مکاشفه (مراجعه شود به مکاشفه ۱: ۳، ۲۲: ۷ و ۱۰ و ۱۸ و ۱۹)

پیامبران عهد جدید

.III

A. آنان، آن‌طور که پیامبران عهد عتیق تحت وحی مکاشفه می‌کردند (کتاب مقدس)، مکاشفه نمی‌کردند. این اظهار به واسطه استفاده عبارت "ایمان" (در مفهوم کامل شدن خبر خوش) که در اعمال رسولان ۶: ۷، ۱۳: ۸، ۱۴: ۲۲، غلاطیان ۱: ۲۳، ۳: ۲۳، ۶: ۱۰، فیلیپیان ۱: ۲۷، یهودا ۳ و ۲۰ امکانپذیر است.

این مفهوم از کل عبارت استفاده شده از یهودا ۳ میرا است، "ایمان یکبار و برای همیشه به قدیسان واگذار می‌شود". عبارت "یکبار برای همیشه" ایمان اشاره به حقایق، دکترین‌ها، مفاهیم، تعالیم جهان بینی مسیحیت دارد. عبارت، تاکید یکبار دادن مبنای انجیلی برای محدود ساختن نوشته‌های وحی شده عهد جدید از نظر الهیات است که اجازه نمی‌دهد سایر نوشته‌های آتی، مکاشفه تلقی گردند (موضوع خاص: الهام و وحی را مطالعه کنید). در عهد عتیق، بسیاری از بخش‌ها مبهم و نامشخص هستند (موضوع خاص: ادبیات شرقی [تضادهای انجیلی]، ولی مومنین با ایمان تائید می‌کنند که هر آنچه برای ایمان لازم است به اندازه کافی و به وضوح در عهد جدید وجود دارد. این مفهوم در آنچه تثلیث مکاشفه نامیده می‌شود، تعریف شده است.

a. خدا در مقاطع زمانی مختلف خود را آشکار کرده است (مکاشفه).

b. او نویسندگان خاصی را انتخاب کرده است تا اعمال او را ثبت کرده و توضیح دهند (الهام).

c. او روح خود را داده است تا اذهان و قلبهای انسانها را برای درک این نوشته‌ها باز کند، نه به طور قطع، بلکه به صورت متناسب برای رستگاری و زندگی مسیح‌گونه. (نورانی، موضوع خاص: نورانی را مطالعه کنید). نکته در اینجاست که الهام و وحی محدود به نویسندگان کتاب مقدس است. هیچ نوشته، دیدگاه، یا مکاشفه دیگری وجود ندارد. قانون کلی بسته می‌شود. ما تمامی حقیقتی را که بدان نیاز داریم تا به خدا پاسخ دهیم، در اختیار داریم. حقیقت را به بهترین شکل می‌توان در نوشته‌های انجیلی در برابر مخالفت‌های مومنین دید. هیچ نویسنده یا سخنران عصر مدرنی آن سطح مدیریت الهی را که نویسنده کتاب مقدس داشتند را داشته باشد.

B. پیامبران عهد جدید به نوعی همانند پیامبران عهد عتیق هستند.

a. پیش‌بینی رخدادهای آینده (مراجعه شود به پولس، اعمال رسولان ۲۷: ۲۲، آگابوس، اعمال رسولان ۱۱: ۲۷ الی ۲۸، ۲۱: ۱۰ الی ۱۱، سایر پیامبران بی‌نام، اعمال رسولان ۲۰: ۲۳).

b. داوری را اعلام می‌دارند (مراجعه شود به پولس، اعمال رسولان ۱۳: ۱۱، ۲۸: ۲۵ الی ۲۸)

c. اعمال نمادین که به صورت مشهود نمایانگر رخدادی هستند (مراجعه شود به آگابوس، اعمال رسولان ۲۱: ۱۱)

C. آنان حقیقت انجیل را اعلام می‌دارند، گاهی اوقات به شیوه‌ای قابل پیش‌بینی (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۱: ۲۷ الی ۲۸، ۲۰: ۲۳، ۲۱: ۱۰ الی ۱۱)، ولی این تمرکز اصلی نیست. نبوت کردن در اول قرن‌تینان اساساً برقراری ارتباط با انجیل است (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۴: ۲۴ و ۳۹).

D. آنان ابزارهای عصر معاصر روح برای مکاشفه عصر حاضر حقیقت خدا برای هر موقعیت، فرهنگ یا دوره زمانی جدید نیستند (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۴: ۳).

E. آنها در کلیساهای پولس فعال بودند (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۱: ۴ الی ۵، ۱۲: ۲۸ و ۲۹، ۱۳: ۲ و ۸ و ۹، ۱۴: ۱ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۲۲ و ۲۴ و ۲۹ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۷ و ۳۹، افسسیان ۲: ۲۰، ۳: ۵، ۴: ۱۱، اول تسالونیکیان ۵: ۲۰) و در *Didache* (نوشته شده در قرن اول یا دوم، تاریخ آن قطعی نیست) و در موتنائیسیم قرنهای دوم و سوم شمال آفریقا ذکر شده‌اند.

IV. آیا مواهب عهد جدید خاتمه یافته‌اند؟

A. به سختی می‌توان به این سوال پاسخ داد. این سوال کمک می‌کند که مسئله با تعریف اهداف مواهب روشن شود. آیا آنها برای تائید موعظه اولیه انجیل هستند یا آنها شیوه‌های مستمر برای کلیسا جهت بشارت به خود و جهان گمراه هستند؟

- B. آیا کسی به تاریخ کلیسا نگاه می‌کند تا به سوال عهد جدید پاسخ دهد؟ هیچ چیزی در انجیل نیست که بگوید مواهب معنوی موقتی بودند. آنها که سعی می‌کردند از اول قرن‌های ۱۳ تا ۸ الی ۱۳ استفاده کنند که تا این مسئله را بیان کنند، از نیت نگارنده از متن سو استفاده می‌کند، که تصریح می‌کند هر چیزی غیر از محبت کردن گذرا است.
- C. وسوسه شدم که بگویم از آنجا که عهد جدید، و نه تاریخ کلیسا، نشان از اقتدار دارد، مومنین باید تأیید کنند که این مواهب ادامه دارند. با این حال، من فکر می‌کنم که فرهنگ بر تفسیر تاثیرگذار است. برخی متون کاملاً شفاف دیگر کاربرد ندارند (مانند بوسه مقدس، پوشیدن حجاب توسط زنان، ملاقاتهای کلیسایی در خانه، و غیره). اگر فرهنگ بر متن تاثیر گذارد، پس چرا تاریخ کلیسا تاثیر نگذارد؟
- D. این سوالی است که یقیناً نمی‌توان به طور قطع به آن پاسخ داد. برخی مومنین مواهب عهد جدید متوقف شده و برخی دیگر می‌گویند متوقف نشده و همچنان ادامه دارند. در این زمینه، همانند بسیاری از دیگر مسائل تفسیر، قلب مومن کلید است. عهد جدید مبهم و فرهنگی است. سختی در این است که بتوان تصمیم گرفت کدام متون تحت تاثیر فرهنگ/تاریخ قرار می‌گیرند و کدامها برای تمام دورانها هستند (*Fee and Stuart's How to Read the Bible for All Its Worth*، صفحات ۱۴ الی ۱۹ و ۶۹ الی ۷۷). در اینجاست که بحث در مورد آزادی و مسئولیت، که در رومیان ۱: ۱۴ الی ۱۵: ۱۳ و اول قرن‌های ۸ الی ۱۰ یافت می‌شوند، حساس هستند. اینکه چگونه به سوال پاسخ دهیم، به دو شیوه بستگی پیدا می‌کند.
۱. هر مومن باید با ایمان و نوری که دارند، گام بردارد. خدا به قلب ما و انگیزه‌هایمان نگاه می‌کند.
 ۲. هر مومن باید اجازه دهد سایر مومنین با درک و ایمانی که دارند گام بردارند. باید تناوباتی در محدودیتهای انجیلی وجود داشته باشد. خدا از ما می‌خواهد همانطور که او ما را دوست دارد، همدیگر را نیز دوست داشته باشیم.
- E. و در انتها باید توجه داشت که مسیحیت زندگی از روی ایمان و محبت است، نه یک الهیات کامل. رابطه با او که بر رابطه ما با دیگران تاثیر می‌گذارد، بمراتب مهمتر از کامل بودن است.

■ "و ما را نیز بیرون راندند" احتمالاً این مربوط به (۱) پیوند صلح جیسون (اعمال رسولان ۱۷: ۵-۹) یا (۲) تجربه عمومی بشارت پولس است (مراجعه کنید به اعمال رسولان). پولس تجربه خود را به موازات انبیاء عهد عتیق و به ویژه رد عیسی توسط معاصران خود دانست.

NASB "آنها مطلوب خدا نیستند"

NKJV "آنها خدا را راضی نمی‌کنند"

NRSV "خدا از آنها ناراضی است"

TEV "چقدر برای خدا نامطلوب هستند"

NJB "به شیوه‌ای عمل می‌کردند که خدا را خشنود نمی‌کرد"

یهودیان فکر می‌کردند که اعمال آنها خواست خدا است و از عهد خود با موسی دفاع می‌کنند. آنها اعتقاد داشتند که بندگان او هستند و از ایمان خود در برابر معلمان دروغین دفاع می‌کردند (پولس این احساسات را خوب می‌دانست). فاجعه این بود که آنها خود معلمان دروغین بودند.

■ "با همه مردم دشمنی می‌ورزند" دشمنی که در اینجا ذکر شد ریشه در استکبار و تعصب ملی یهود داشت. آنها مسیح و انجیل جهانی او را رد کرده بودند (مراجعه کنید به اشعیا ۲: ۲-۴؛ ۴۵: ۲۲؛ ۴۹: ۶؛ ۶۰: ۳؛ ۶۶: ۱۸، ۲۳؛ یوحنا ۳: ۱۶؛ افسسیان ۲: ۱۱-۱۲؛ ۱۳).

۲: ۱۶ "نمی‌گذارند ما با غیریهودیان سخن بگوییم" این نشان دهنده تجربه پولس در قرنتس در زمان نگارش اول تسالونیکیان است. این جملات شدیدترین شکایت پولس علیه یهودیان است (مراجعه کنید به رومیان ۹-۱۱).

■ "تا نجات یابند" (در نسخه انگلیسی "تا شاید نجات یابند" نوشته شده و این تفسیر بر اساس متن انگلیسی است-مترجم) این یک وجه وصفی آئوریست مجهول است. خدا می‌خواهد همه انسانهای ساخته شده در تصویر خود را نجات دهد (مراجعه کنید به پیدایش ۳: ۱۵؛ ۱۲: ۳؛ خروج ۵: ۱۹-۶؛ حزقیال ۱۸: ۲۳، ۳۲؛ یونس؛ یوحنا ۳: ۱۶؛ اعمال رسولان ۲۸: ۲۸؛ افسسیان ۲: ۱۱ الی ۱۳: ۲؛ اول تیموتائوس ۲: ۴؛ دوم پطرس ۳: ۹) اما آنها باید توبه کنند و به مسیح ایمان بیاورند (مراجعه کنید به مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال رسولان ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۲۱).

NASB "همواره پیمانه گناهان خود را لبریز می‌کنند"

NKJV "برای پر کردن پیمانه گناهانشان"

NRSV "آنها مرتباً پیمانه گناهان خود را پر می‌کنند"

TEV "این آخرین پیمانه کامل از گناهانی است که آنها همیشه مرتکب می‌شوند"

این عبارت ممکن است به چند شیوه ترجمه شود، بنابراین کتاب مقدس انگلیسی خود را مقایسه کنید تا ترجمه‌های ممکن را به طور کامل درک کنید. نسخ اصلی شامل موارد زیر هستند:

۱. نگاه به عقب و جمع بندی
۲. مشتاقانه منتظر تحقق آمدن او هستم
۳. در مفهوم سامی به معنی "کاملاً"، که توصیف ترسناکی از خشم خداوند می‌باشد، به کار رفته است.

NASB: اول تسالونیکیان ۲: ۱۷ الی ۲۰

۱۷ و اما ای برادران، چون کوتاه زمانی از شما به دور افتادیم، البته جسماً و نه قلباً، با اشتیاقی بس پرشورتر کوشیدیم تا روی شما را ببینیم. ^{۱۸} چرا که خواهان آمدن نزد شما بودیم - براستی که من، پولس، بارها سعی کردم - ولی شیطان مانع شد. ^{۱۹} زیرا چیست امید و شادی و تاج افتخار ما در حضور خداوندمان عیسی به هنگام ظهور او؟ مگر شما نیستید؟ ^{۲۰} براستی که شما باید جلال و شادی ما.

۱۷:۲

NASB, NKJV "از شما به دور افتادیم"

NRSV "ما با جدا شدن از شما یتیم شدیم"

TEV "ما از شما جدا شدیم"

NJB "ما از شما جدا شده بودیم"

این یک وجه وصفی آنوریست مجهول است. این پاراگراف را یک زبان لبریز از احساسات پر می‌کند. این ادامه استعاره‌های والدینی پولس از اول تسالونیکیان ۲: ۷ و ۱۱ است. به معنای واقعی کلمه توسط یک عامل خارجی "یتیم" شده است.

احتمالاً متهمین پولس می‌گفتند که خروج سریع وی و غیبت طولانی مدت او نشان داد که واقعا به آنها اهمیت نمی‌دهد. پولس این موضوع را در اول تسالونیکیان ۲: ۱۷ الی ۲۰ و ۳: ۶ رد می‌کند.

■ "با اشتیاقی بس پرشورتر" (در نسخه انگلیسی صفت ساده نوشته شده نه صفت برتر-مترجم) این اصطلاح غالباً به معنای هنجارشکنانه "شهوت" به کار می‌رود، اما در اینجا، از آن با مفهوم مثبت استفاده می‌شود. تمایل پولس به دیدن آنها به طور گرافیکی در اول تسالونیکیان ۳: ۱۰ به تصویر کشیده شده است.

۲: ۱۸ "چرا که خواهان آمدن نزد شما بودیم" تمامی برنامه های پولس تحقق نیافتند (مراجعه کنید به رومیان ۱: ۱۳؛ ۱۵: ۲۲).

■ "شیطان" یک نیروی شیطانی شخصی در جهان ما فعال است و به دنبال خنثی کردن برنامه‌ها و اهداف خدا توسط عامل (۱) یک سیستم جهانی در حال انحطاط، (۲) شیطان و (۳) بشریت انحطاط یافته است (مراجعه کنید به افسسیان ۲: ۲-۳ و یعقوب ۴). (ما شیطان را در عهد عتیق در ایوب ۱-۲ و زکریا ۳ به عنوان خادم یهوه می‌بینیم. در عهد جدید او یک دشمن است (مراجعه کنید به رومیان ۱۶: ۲۰؛ اول قرنتیان ۵: ۵ و ۷؛ دوم قرنتیان ۲: ۱۱؛ ۱۱: ۱۴؛ ۱۲: ۷) (اما هنوز تحت کنترل خدا است! برای بحث خوب در مورد شدت گرفتن شر در کتاب مقدس، *Old Testament Theology* اثر A.B. Davidson صفحات ۳۰۰ الی ۳۰۶ را مطالعه کنید.

موضوع خاص: شیطان فردی

(SPECIAL TOPIC: PERSONAL EVIL)

I. شیطان موضوع بسیار سختی است

- A. عهد عتیق یک دشمن قوی بر علیه نیکی (خدا) را نشان نمی‌دهد، بلکه یک خادم یهوه که به انسان جایگزین‌هایی را معرفی کرده و انسان را متهم به بی‌صدقاتی می‌کند (A. B. Davidson, *A Theology of the OT*, صفحه ۳۰۰ الی ۳۰۶).
- B. مفهوم دشمن خدا تحت تاثیر نفوذ دین زرتشتی پارسیان و در نوشته‌های غیر انجیلی ساخته شد. این، به نوبه خود، شدیداً روحانیون یهود را تحت تاثیر قرار داد (تبعید اسرائیل در بابل، پارس).
- C. عهد جدید موضوع عهد عتیق را به شیوه بسیار زیبایی بسط داد، ولی به صورت منتخب و طبقه‌بندی شده.

اگر کسی بخواهد از دیدگاه الهیات انجیلی، شیطان را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد (هر کتاب، نویسنده، و موضوع جداگانه) نگرشهای کاملا متفاوتی نسبت به شیطان آشکار خواهد شد.

اگر مطالعه شیطان از روی منابع غیر انجیلی و از دیدگاه سایر مذاهب یا مذاهب شرقی باشد، بیشتر توسعه‌های عهد جدید در سایه دوگانگی پارسی و یونانی-رومی قرار می‌گیرند.

اگر به صورت پیش فرض، فرد خود را بر اقتدار الهی کتب مقدس متعهد بدارد (همانطور که من هستم)، پس بسط عهد جدید باید به صورت مکاشفه تصاعدی دیده شود. مسیحیان باید در برابر اجازه دادن به فولکور یهودی یا ادبیات انگلیسی، جبهه بگیرند (یعنی دانت، میلتن) تا مفهوم را بیشتر روشن کنند. یقیناً رازها و ابهاماتی در زمینه مکاشفه وجود دارند. خدا چنین تصمیم گرفت که همه جنبه‌های پلیدی، منشا آن (موضوع خاص: لوسیفر را مطالعه کنید)، و هدف آن را آشکار نکند، بلکه شکست آن را آشکار کرده است!

شیطان در عهد عتیق

.II

در عهد عتیق به نظر می‌رسد "شیطان" (BDB 966, KB 1317) یا "متهم کننده" به سه گروه جداگانه مرتبط باشد:

A. انسانهای متهم کننده (اول سموئیل ۲۹: ۴، دوم سموئیل ۱۹: ۲۲، اول پادشاهان ۵: ۴ و ۱۱: ۱۴ و ۲۳ و ۲۵، مزامیر ۱۰۶: ۶ و ۲۰ و ۲۹)

B. فرشتگان متهم کننده (اعداد ۲۲: ۲۲ الی ۲۳، زکریا ۳: ۱)

۱. فرشته خدا - اعداد ۲۲: ۲۲ الی ۲۳

۲. شیطان - اول تواریخ ۲۱: ۱، یعقوب ۱ الی ۲، زکریا ۳: ۱

C. شیاطین (احتمالاً شیطان) متهم کننده (اول پادشاهان ۲۲: ۲۱، زکریا ۱۳: ۲)

ابلیس فقط در دوره تعاملی پیدایش ۳ به عنوان شیطان معرفی می‌شود (مراجعه شود به کتاب حکمت ۲: ۲۳ الی ۲۴، دوم انوش ۳: ۱، و حتی بعداً این تبدیل به گزینه روحانیون شد (مراجعه شود به تورات یهودیان Sanh 29a و Sot 9b). "پسران خدا" در پیدایش ۶ تبدیل به فرشتگان شیطان در اول انوش ۵۴: ۶ می‌شوند. آنها تبدیل به منشا الهیات روحانیون می‌شوند. این را برای تصریح دقیق بودن الهیات نمی‌گوئیم، بلکه برای نشان دادن بسط و گسترش آن. در عهد جدید این فعالیتهای عهد عتیقی در دوم تواریخ ۱۱: ۳، مکاشفه ۱۲: ۹ به فرشتگان پلید (شیطان) منتسب می‌شوند.

از عهد عتیق منشا شخصیت دادن به شیطان را (بسته به دیدگاه شما) به سختی می‌توان تعیین کرد یا حتی می‌توان گفت غیر ممکن است. یک دلیل برای این امر، یکتاپرستی قوی اسرائیل است (مراجعه شود به تثنیه ۶: ۴ الی ۶، اول پادشاهان ۲۲: ۲۰ الی ۲۲، جامعه ۷: ۱۴، اشعیا ۴۵: ۷، عاموس ۳: ۶). تمام علت و معلول به یهوه منسوب است تا منحصر به فرد بودن و ارشدیت خود را نشان دهد (مراجعه شود به اشعیا ۴۳: ۱۱، ۴۴: ۶ و ۸ و ۲۴، ۴۵: ۵ الی ۶ و ۱۴ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۲).

منابع احتمالی اطلاعات عبارتند از: (۱) یعقوب ۱ الی ۲، که شیطان یکی از پسران خدا است (یعنی فرشته است) یا (۲) اشعیا ۱۴، حزقیال ۲۸ که از پادشاهان مغرور شرقی (بابل و تیریه) برای نشان دادن غرور شیطان استفاده شدند (اول تیموتائوس ۳: ۶). در مورد این گرایش، احساسات را هم ادغام کردم. حزقیال از استعاره‌های باغ عدن نه فقط برای پادشاه تیریه به عنوان شیطان استفاده می‌کند (مراجعه شود به حزقیال ۲۸: ۱۲ الی ۱۶)، بلکه برای پادشاه مصر هم به عنوان درخت دانش خوبی و بدی استفاده می‌کند (حزقیال ۳۱). با این حال، به نظر می‌رسد اشعیا ۱۴ به خصوص آیات ۱۲ الی ۱۴، یک شورش از روی غرور فرشتگان را توصیف می‌کند. اگر خدا می‌خواست ماهیت خاص و منشا شیطان را بر ما آشکار کند، این یک شیوه کاملاً غیر مستقیم و محل انجام آن بود (موضوع خاص: لوسیفر را مطالعه کنید). ما باید در مقابل گرایش الهیات سیستماتیک برداشتهای کوچک و مبهم از اظهارات، نویسندگان، کتب و موضوعات جبهه‌گیری کنیم و آنها را به عنوان قطعاتی از یک پازل الهی ببینیم.

شیطان در عهد جدید

.III

آلفرد ادرسهایم (*The Life and Times of Jesus the Messiah*)، جلد دوم ضامم ۸، صفحات ۷۴۸ الی ۷۶۳ و ضمیمه ۹ (صفحات ۷۷۰ الی ۷۷۶)، می‌گوید که روحانیون یهود شدیداً تحت تاثیر دوالیسم پارسی و حدس و گمان شیطانی قرار داشتند. روحانیون در این زمینه منبع خوبی برای حقیقت نیستند. عیسی بر انشعابات تعالیم کنیسه شدیداً حمله می‌کرد. من فکر می‌کنم که مفهوم روحانی وساطت فرشتگان (مراجعه شود به اعمال رسولان ۷: ۵۳) و مخالفت در دادن قانون به موسی در کوه سینا، درب را برای مفهوم دشمن بزرگ یهوه و نوع بشر باز کرد. دو خدا در دوگانگی خدایان ایرانی (زرتشتی) وجود دارند.

۱. اهورا مزدا، که بعداً اهورمزد گفته شد، و خدای خالق و خدای نیکی بود

۲. انگرا مینیو که بعداً اهریمن به آن گفته شد، نابود کننده روح و خدای پلیدی

آنان بر سر برتری در زمین می‌جنگند. این دوگانگی به صورت دوگانگی میان یهوه و شیطان به صورت محدودتر در یهودیسم بسط یافت.

یقیناً مکاشفه تصاعدی در عهد عتیق در خصوص بسط شیطان وجود دارد، ولی نه با جزئیاتی که روحانیون یهود ادعا می‌کردند. یک مثال خوب در مورد این تفاوت، "جنگ در بهشت" است. سقوط شیطان یک الزام منطقی است، ولی مشخصه‌های آن داده نشده است (مراجعه شود به موضوع خاص: سقوط شیطان و فرشتگان). حتی آنچه که ارائه شده در یک حجاب آخرالزمانی پوشیده شده است (مراجعه شود به مکاشفه ۱۲: ۴ و ۷ و ۱۲ الی ۱۳). هر چند شیطان شکست خورد و به زمین تبعید گردید، هنوز به عنوان خادم یهوه خدمت می‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۱، انجیل لوقا ۲۲: ۳۱ الی ۳۲، اول قرنتیان ۵: ۵، اول تیموتائوس ۱: ۲۰). ما باید محدوده کنجکاوی خود را به این زمینه محدود کنیم. یک نیروی انسانی وسوسه و شیطان وجود دارند، ولی هنوز فقط یک خدا هست و نوع بشر هنوز مسئول انتخاب‌هایش می‌باشد. یک نبرد معنوی وجود دارد، هم قبل و هم بعد از رستگاری. پیروی فقط از طریق تثلیث خدا می‌آید و باقی خواهد ماند. شیطان شکست خورده و حذف خواهد شد (مکاشفه ۲۰: ۱۰)!

■ "مانع شد" این یک اصطلاح نظامی است که برای تخریب جاده‌ها و پلها برای جلوگیری از پیشروی دشمن به کار می‌رود. درگیری معنوی واقعا وجود دارد (مراجعه کنید به افسسیان ۴: ۱۴؛ ۶: ۱۰-۱۸). همچنین این احتمال وجود دارد که مشکل از بیماری جسمی باشد نه شیطان (مراجعه کنید به دوم قرنتیان ۱۲). پولس زندگی خود را در گروه‌های معنوی و جسمی می‌دید.

۲: ۱۹ نشانه اصالت رسول بودن پولس موفقیت بشارت وی در بین غیر یهودیان بود (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۲: ۲۰).

■ "امید" موضوع خاص در غلاطیان ۵: ۵ را مطالعه کنید.

NASB	"آیا حتی شما نیستید"
NKJV	"آیا حتی شما نیستید"
NRSV	"مگر شما نیستید"
TEV	"این شما هستید - شما، کمتر از دیگران"
NJB	"شما هستید"

مشکلی که در این عبارت وجود دارد این است که چگونه آن را با محبت و عشق به پولس به کلیسای تسالونیکی نسبت به سایر کلیساهای غیر یهودیان مرتبط می‌کند. آیا آنها به نوعی خاص بودند؟ ترجمه TEV از "شما، کمتر از دیگران" ممکن است نماینده این طرز فکر باشد. به یک معنا، مومنان تسالونیکی شاهد قدرتمندی از کارهای موثر پولس به عنوان یک رسول برای غیر یهودیان بودند. همانطور که پولس، از عیسی پیروی می‌کند، آنها از پولس پیروی می‌کنند، که گواه بیرونی از قلب و روح جدید آنها (میثاق جدید) است.

■ "به هنگام ظهور او" "*Parousia*" به معنای واقعی کلمه به معنای "حضور" است و با گسترش استعاره به معنای "آمدن" استفاده می‌شود. این اولین بار است که از این اصطلاح در عهد جدید استفاده شده است (اول تسالونیکیان ۲: ۱۹؛ ۳: ۱۳؛ ۴: ۱۵؛ ۵: ۲۳؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۱، ۸-۹؛ اول قرنتیان ۱۵: ۲۳). در ادبیات سکولار قرن اول برای یک دیدار سلطنتی توسط یک پادشاه مورد استفاده قرار می‌گرفت. به نظر می‌رسید که برای آمدن دوم معنای فنی در کلیسا داشته باشد. این آمدن مسیح تمرکز کلامی اول و دوم تسالونیکی است. هر فصل از اول تسالونیکیان به این یادداشت ختم می‌شوند (اول تسالونیکیان ۱: ۱۰؛ ۲: ۱۹؛ ۳: ۱۳؛ ۴: ۱۳-۱۸؛ ۵: ۲۳). به موضوع خاص مراجعه کنید: به اصطلاحات عهد جدید برای بازگشت مسیح در اول تسالونیکیان ۳: ۱۳ مراجعه کنید.

موضوع خاص: هر لحظه امکان بازگشت عیسی در مقابل نه هنوز (پارادوکس عهد جدید)

SPECIAL TOPIC: THE ANY-MOMENT RETURN OF JESUS VS. THE NOT YET (NT paradox)

A. بخشهای مطبوعاتی عهد جدید منعکس کننده بینش نبوی عهد عتیق است که زمان پایان را از طریق وقایع معاصر مشاهده می‌کرد.

B. متی ۲۴، مرقس ۱۳ و لوقا ۲۱ تفسیر بسیار دشوار است زیرا همزمان با چندین سوال سر و کار دارند.

۱. چه زمانی معبد نابود خواهد شد؟

۲. نشانه بازگشت مسیح چه خواهد بود؟

۳. چه زمانی این عصر پایان می‌یابد (رجوع کنید به متی ۲۴: ۳)؟

C. ژانر عبارات اصطلاحات عهد جدید معمولاً ترکیبی از زبان آخرالزمانی و نبوی است که کاملاً مبهم و کاملاً نمادین است (مراجعه کنید به D. Ploswhares and Pruning Hooks: Rethinking the Language of Biblical Prophecy and Apocalyptic).

D. چندین متن در عهد جدید (مراجعه شود به متی ۲۴، مرقس ۱۳، لوقا ۱۷ و ۲۱، ۱ و ۲ تسالونیکیان و مکاشفه) با آمدن دوم سروکار دارد. مواردی که در این قسمت‌ها تأکید شده است:

۱. زمان دقیق رویداد ناشناخته است، اما این رویداد مشخص است
۲. می‌توانیم از زمان وقایع کلی، اما نه زمان مشخص، آگاه باشیم
۳. به طور ناگهانی و غیر منتظره اتفاق می‌افتد
۴. ما باید برای انجام وظایف دعا، آماده و وفادار باشیم.

E. یک تنش پارادوکسی کلامی بین آن وجود دارد

۱. بازگشت هر لحظه (رجوع کنید به لوقا ۱۲: ۴۰، ۴۶؛ ۲۱: ۳۶؛ متی ۲۴: ۲۷، ۴۴) و
۲. این واقعیت که برخی از وقایع در تاریخ باید رخ دهند (گزینه F در زیر)

F. عهد جدید اظهار داشت که برخی از وقایع قبل از آمدن دوم رخ خواهند داد:

۱. انجیل به تمام جهان موعظه شد (رجوع کنید به متی ۲۴: ۱۴؛ مرقس ۱۳: ۱۰)
۲. ارتداد بزرگ (مراجعه کنید به متی ۲۴: ۱۰-۱۳، ۲۱؛ اول تیموتائوس ۴: ۱؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۳)
۳. مکاشفه "مرد گناه" (مراجعه کنید به دانیال ۷: ۲۳ الی ۲۶؛ ۹: ۲۴-۲۷؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۳)
۴. حذف آن / چه کسی مهار می‌کند (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۲: ۶-۷)
۵. احیای امیدوارانه یهودیان (مراجعه کنید به زکریا ۱۲: ۱۰؛ رومیان ۱۱)

G. لوقا ۱۷: ۲۶-۳۷ در مرقس همسو ندارد. این یک همسویی سینوپتیک جزئی در متی ۲۴: ۳۷-۴۴ دارد.

H. برای بحث در مورد بازگشت مجدد مسیح، به موضوع خاص: به زودی باز می‌گردد مراجعه کنید.

I. برای بحث در مورد بازگشت تأخیر، به موضوع خاص: آمدن دوم با تأخیر مراجعه کنید

۲۰: ۲

NASB, NKJV,
NRSV
"جلال ما"
TEV, NJB
"افتخار ما"

این استفاده از اصطلاح جلال به عنوان غرور است. این به شکوه الهیاتی که برای توصیف خدا به کار می‌رود، مربوط نمی‌شود (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۲: ۱۲).

سوالات بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه

قطعی.

۱. چه کسی به پولس حمله می‌کرد و چرا؟
۲. چرا پولس از دریافت وجه به خاطر موعظه خود چنان سرسختانه مخالفت می‌کرد؟
۳. چرا پولس بحث مخالفت یهود با انجیل را مطرح می‌کند؟
۴. آیه ۱۶ برای ملت یهود در مورد اهداف خدا چه معنایی دارد؟
۵. چرا آیات ۱۷ - ۲۰ بسیار احساسی هستند؟

اول تسالونیکیان ۳

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
اشتیاق پولس به دیدار مجدد کلیسا (۲: ۱۷ الی ۳: ۱۳) ۳: ۱ الی ۵	اهمیت نسبت به تقدیر آنان ۳: ۱ الی ۵ تشویق توسط تیموتائوس	محبت پولس به تسالونیکیان (۲: ۱۷ الی ۳: ۱۳) ۳: ۱ الی ۵	اشتیاق پولس به دیدار مجدد آنها (۲: ۱۷ الی ۳: ۱۳) ۳: ۱ الی ۵	ماموریت تیموتائوس در تسالونیک پولس به خاطر گزارشات خوب تسالونیکیان خدا را شکر می‌کند ۳: ۱۰ الی ۶
۳: ۶ الی ۱۰	۳: ۶ الی ۱۰ دعا برای کلیسا	۳: ۶ الی ۱۰	۳: ۶ الی ۱۰	۳: ۶ الی ۱۰
۳: ۱۱ الی ۱۳	۳: ۱۱ الی ۱۳	۳: ۱۱ الی ۱۳	۳: ۱۱ الی ۱۳	۳: ۱۱ الی ۱۳

* تقسیم‌بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگرافها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری میباشد. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگرافها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخ جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: انتقادات متنی و واژه‌نامه.

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور خود راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم و غیره

۴. و غیره

بینش متنی

A. پولس با اضطراب زیاد تیموتائوس را به نزد آنان میفرستد، اول تسالونیکیان ۳: ۱ الی ۵

B. تیموتائوس با خبرهای خوب بازمی‌گردد، اول تیموتائوس ۳: ۶ الی ۱۰

C. دعای پولس برای کلیسای تسالونیک، اول تسالونیکیان ۳: ۱۱ الی ۱۳

NASB: اول تسالونیکیان ۳: ۱۰ الی ۱۰

۱ سرانجام چون دیگر طاقت نداشتیم، رضا دادیم که ما را در آتن تنها واگذارند. ۲ پس تیموتائوس را که برادر ما و همکار خدا در کار انجیل مسیح است، نزدتان فرستادیم تا شما را در ایمانتان تقویت و تشویق کند، ۳ تا هیچ کس در اثر این سختیها سست نشود، زیرا نیک می دانید که اینها برای ما مقرر است. ۴ به واقع هنگامی که با شما بودیم، پیشاپیش گفتیم که آزار خواهیم دید، و همان گونه که آگاهید، چنین نیز شد. ۵ از این رو، چون دیگر طاقت نداشتیم، فرستادم تا از ایمانتان آگاهی یابیم، زیرا بیم آن داشتیم که آن وسوسه گر به نحوی شما را وسوسه کرده، و زحمات ما به هدر رفته باشد.

۶ اما اکنون تیموتائوس از نزد شما بازگشته و ما را مژده از ایمان و محبت شما آورده است. او به ما خبر داده که شما همیشه از ما به نیکی یاد می کنید و همان گونه که ما مشتاق دیدار شما مییم، شما نیز شوق دیدار ما را دارید. ۷ از همین رو، ای برادران، با وجود همه فشارها و زحماتمان، از بابت شما و ایمانتان دلگرم شده ایم. ۸ اکنون می توانیم نفسی به راحت برآوریم، زیرا شما در خداوند استوارید. ۹ اما چگونه می توانیم به شکرانه این همه شادی که به خاطر شما در حضور خدای خود یافته ایم، او را سپاسی بسزا گوئیم؟ ۱۰ ما روز و شب از دل و جان دعا می کنیم که باز به دیدارتان نایل شویم تا هر کاستی ایمان شما را برطرف سازیم.

۳: ۱ "دیگر طاقت نداشتیم" پولس نگران این کلیسا بود زیرا (۱) در دوران آزار و اذیت متولد شد (اول تسالونیکیان ۲: ۱۷-۲۰) و (۲) مجبور شد خیلی زود آن را ترک کند. قلب شبانی او به وی استراحت نمی داد (اول تسالونیکیان ۳: ۵).

■ "واگذارند" این صفت فاعلی حال فعال در مورد (۱) کودکی که پدر و مادرش را ترک می کند، افسسیان ۵: ۳۱ (احتمالا استعاره والدین دیگری مانند ۲: ۷، ۱۱، ۱۷) یا (۲) درگذشت همسر (مراجعه کنید به مرقس ۱۲: ۱۹) استفاده شده است. پولس این کلیسا را عمیقا دوست داشت.

■ "در آتن تنها" بازدید پولس در اعمال رسولان ۱۷: ۱۵-۳۴ ثبت شده است. این مرکز تفکر جهان هلنیستی بود. پولس مشکل چشم داشت (دوم قرنتیان ۱۲: ۷) را با غلاطیان ۴: ۱۵ و ۶: ۱۱ مقایسه کنید) و تنها بودن او مخصوصا در یک محیط ناآشنا مانند آتن برای او بسیار سخت بود. اصطلاح "تنهایی" جمع است اما معنی آن نامشخص است. اعمال رسولان ۱۸: ۵ حاکی از آن است که هم سیلاس و هم تیموتائوس با او بودند. این آیه ممکن است نمونه ای از استفاده پولس از "ما" به عنوان یک تصحیح ویراستاری باشد و فقط به خودش اشاره دارد.

۳: ۲

NASB	"همکار خدا در کار انجیل مسیح"
NKJV	"مبشر خدا، و همکار ما در انجیل مسیح"
NRSV	"همکار خدا برای اعلام بشارت مسیح"
TEV	"که با ما برای موعظه مژده های مسیح با ما همکاری می کند"
NJB	"که یاور خدا در انتشار خبر خوش مسیح است"

این عبارت به تیموتائوس اشاره دارد. نسخ خطی یونان با هم فرق می کند: نسخ خطی B دارای "همکار" است، در حالی که نسخ خطی K و A دارای "مبشر" هستند. این به معنای خدمت حقیرانه یک برده است. بیشتر ترجمه های مدرن از نسخه خطی B پیروی می کنند. احتمالا کاتب از پولس شوکه شده بود که تیموتائوس را "همکار خدا" خوانده بود.

این آیه مانند یک توصیه نامه برای تیموتائوس عمل می کند (اعمال رسولان ۱۸: ۲۷؛ رومیان ۱۶: ۱؛ دوم قرنتیان ۸: ۱۸-۲۴؛ ۳ یوحنا ۹، ۱۰).

■ "تا شما را در ایمانتان تقویت و تشویق کند" پولس نگران این کلیسای تازه بود که در دوران آزار و اذیت بنا شده بود (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۱: ۳: ۲؛ ۱۴: ۳).

۳: ۳ "تا هیچ کس در اثر این سختیها سست نشود" (نسخه انگلیسی "تا هیچ کس به واسطه این شکنجه ها آشفته نشود" خوانده میشود و این تفسیر بر اساس متن انگلیسی است-مترجم) این تنها استفاده از اصطلاح "آشفته" در عهد جدید است. اساسا به سگی گفته می شد که دم خود را تکان می داد. در یونانی کلاسیک (هومر) از آن در مفهوم "پراکنده کردن" استفاده می شد. این ممکن است با اول تسالونیکیان ۲: ۱ یا ۳: ۵ مرتبط باشد. ایمان واقعی پایدار است (مراجعه کنید به متی ۱۳: ۱-۲۳؛ غلاطیان ۶: ۹؛ مکاشفه ۲: ۲-۳، ۷، ۱۱، ۱۷، ۱۹، ۲۶: ۳، ۵، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۲۱). به موضوع خاص: نیاز به استقامت در غلاطیان ۳: ۴ مراجعه کنید.

■ " اینها برای ما مقرر است " (در نسخه انگلیسی " برای ما چنین تقدیر شده است " نوشته شده که زمان آن مجهول است ولی در ترجمه فارسی جمله و زمان آن کلاً تغییر یافته. این تفسیر بر اساس متن انگلیسی است) این یک حال اخباری مجهول (دیپوننت) است. زمان مجهول دلالت بر این دارد که خداوند عامل فعال است. این هیچ اشاره‌ای به ایده بت پرستانه تقدیر شخصی و یا ایده جبرگرایی اسلامی نیست. رنج برای افراد مومن در یک دنیای در حال انحطاط عادی است (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۳: ۴؛ متی ۵: ۱۰-۱۲؛ یوحنا ۱۵: ۱۸، ۲۰؛ ۱۶: ۳۳؛ اعمال رسولان ۱۴: ۲۲؛ رومیان ۱۷: ۸؛ دوم قرنتیان ۴: ۷-۱۱؛ ۱۱: ۲۳-۲۷؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱۲؛ اول پطرس ۲: ۲۱؛ ۴: ۱۲-۱۶). رنج راهی برای بلوغ معنوی است (مراجعه کنید به عبرانیان ۵: ۸).

موضوع خاص: چرا مسیحیان رنج می‌کشند؟

(SPECIAL TOPIC: WHY DO CHRISTIANS SUFFER)

۱. به واسطه گناهان فردی (داوری موقتی). این دلالت بر تمامی مشکلات و شرایط منفی به واسطه نتیجه گناه ندارد (مراجعه شود به یعقوب، مزامیر ۷۳، انجیل لوقا ۱۴: ۱ الی ۵، نحمیا ۹، انجیل لوقا ۹، اعمال رسولان ۵: ۱ الی ۱۱، اول قرنتیان ۱۱: ۲۹ الی ۳۰، غلاطیان ۶: ۷)
 ۲. برای همانند مسیح شدن (عبرانیان ۵: ۸). حتی عیسی، اگر به زبان انسانی سخن بگوئیم، باید بالغ میشد، همچنین پیروانش (مراجعه شود به رومیان ۵: ۳ الی ۴، ۸: ۲۸ الی ۲۹، دوم قرنتیان ۱۲: ۷ الی ۱۰، فیلیپیان ۳: ۱۰، عبرانیان ۱۲: ۵ الی ۱۲، یعقوب ۱: ۲ الی ۴، اول پطرس ۱: ۷).
 ۳. به منظور توسعه یک شهادت موثر و قدرتمند (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۰ الی ۱۲، انجیل یوحنا ۱۵: ۱۸ الی ۲۲، اول پطرس ۲: ۱۸ الی ۲۱، ۳: ۱۳ الی ۱۷)
 ۴. به عنوان نشانه ای همانند درد تولد عصر جدید (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۶، انجیل مرقس ۱۳: ۸)
- دو کتاب که به من در درک بی‌عدالتی و پلیدی این دنیای گمراه کمک کردند *The Christian's Secret of a Happy Life* اثر Hannah Whithall Smith و *The Goodness of God* اثر John W. Wenham هستند.
- مومنین باید به خاطر داشته باشند که مشکلات و رنج الزاماً نشان خشم یا طرد شدن توسط خدا نیستند. در جهان گمراه اتفاقات ناگواری برای مومنین وفادار رخ میدهند (مراجعه شود به اول پطرس ۴: ۱۲ الی ۱۹). وعده‌های خدا و جان دادن مسیح نشانه‌های محبت خدا هستند (مراجعه شود به رومیان ۵: ۸). کتاب مقدس باید بر شرایط موقتی اولویت داشته باشد.

۴: " هنگامی که با شما بودیم، پیشاپیش گفتیم " (در متن انگلیسی این آیه به صورت " مرتب به شما می‌گفتیم " نوشته شده و این تفسیر بر اساس متن انگلیسی است) این زمان غیر کامل بوده و به معنای اقدام مکرر در زمان گذشته است. پولس باید چندین بار در مورد آزار و اذیت قرار گرفته باشد و رنج مربوط به انجیل را به آنها هشدار می‌داد. او این را از آموزه‌های عیسی و تجربه شخصی می‌دانست. اکنون آنها نیز این موضوع را به صورت تجربی می‌شناختند.

NASB "رنج‌ها را تحمل می‌کردیم"

NKJV "ما دچار مصیبت شدیم"

NRSV "ما متحمل آزار و اذیت شدیم"

TEV "که مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتیم"

NJB "ما باید انتظار آن را می‌داشتیم که آزار و اذیت‌هایی را تحمل کنیم"

این یک حال اخباری فعال با یک حال مجهول نامحدود است. پاورقی ترجمه ویلیامز می‌گوید "تصویری از یک واگن پرشده که زیر بار سنگینی آن خرد شده است."

۳: ۵ " ایمانتان " این احتمالاً در مفهوم عهد عتیقی " وفاداری " استفاده شده است. آیا واقعا در ایمان خود صادق بودند؟ به موضوع خاص در غلاطیان ۳: ۶ مراجعه کنید.

■ " آن وسوسه‌گر به نحوی شما را وسوسه کرده " یک نیروی شرور و شخصی (*ho peirazōn*) در جهان و زندگی ما فعال است. این کلمه یونانی ترجمه شده از " وسوسه " (*peirazō*) وسوسه انگیز " با نگاه به تخریب "، "نقطه مقابل" (*dokimazō*) در اول تسالونیکیان ۲: ۴ است. به موضوع خاص: شیطان فردی در اول تسالونیکیان ۲: ۱۸ مراجعه کنید.

موضوع خاص: اصطلاحات یونانی برای آزمودن و مفاهیم آنها

(SPECIAL TOPIC: GREEK TERMS FOR TESTING AND THEIR CONNOTATIONS)

دو اصطلاح یونانی وجود دارند که به مفهوم "آزمودن کسی برای هدفی" هستند.

۱. *Dokimazō, Dokimion, Dokimasia*

این اصطلاح یک اصطلاح متالورژیست است برای آزمودن اصل بودن چیزی (به صورت استعاره برای فردی) با استفاده از آتش (موضوع خاص: آتش را مطالعه کنید). آتش ماهیت واقعی فلز را نشان می‌دهد و مواد خارجی را می‌سوزاند (یعنی خالص می‌کند). این فرایند فیزیکی تبدیل به اصطلاحی قدرتمند برای خدا و یا شیطان و یا انسانها برای آزمودن دیگران شد. این اصطلاح فقط در مفهوم مثبت آزمایش و با دید پذیرش استفاده می‌شود (موضوع خاص: خدا مردمش را می‌آزماید [عهد عتیق] را مطالعه کنید).

در عهد عتیق برای آزمودن موارد زیر استفاده شده است:

a. گاوها، انجیل لوقا ۱۴: ۱۹

b. خودمان، اول قرنتیان ۱۱: ۲۸

c. ایمان ما، یعقوب ۱: ۳

d. حتی خدا، عبرانیان ۳: ۹

تصور می‌شد که حاصل این آزمونها مثبت باشد (مراجعه شود به رومیان ۲: ۱۸، ۱۴: ۲۲، ۱۶: ۱۰، دوم قرنتیان ۱۰: ۱۸، ۱۳: ۳ و ۷، فیلیپیان ۲: ۲۷، اول پطرس ۱: ۷)، بنابراین اصطلاح دربردارنده این عقیده در مورد کسی است که آزموده شده و پذیرفته می‌شود

a. ارزش دارد

b. خوب است

c. اصل است

d. ارزشمند است

e. قابل احترام است

۲. *Peirazō, Peirasmus*

این اصطلاح اغلب مفهوم آزمودن به منظور یافتن خطا و یا رد کردن دارد. در مورد وسوسه عیسی در بیابان استفاده شده است.

a. در بردارنده تلاش برای به دام انداختن عیسی است (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۱، ۱۶: ۱، ۱۹: ۳، ۲۲: ۱۸ و ۳۵، انجیل مرقس ۱: ۱۳، انجیل لوقا ۴: ۲، عبرانیان ۲: ۱۸)

b. این اصطلاح (*Peirazōn*) به عنوان لقبی برای شیطان در انجیل متی ۴: ۳، اول تسالونیکیان ۳: ۵ (یعنی "وسوسه") استفاده شده است

c. کاربرد

۱) توسط عیسی استفاده شد تا به انسانها هشدار دهد خدا را مورد آزمون قرار ندهند (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۷، انجیل لوقا ۴: ۱۲، [یا مسیح مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۰: ۹])

۲) همچنین به تلاش برای انجام کاری است که شکست خورده است (مراجعه شود به عبرانیان ۱۱: ۲۹)

۳) در رابطه با وسوسه و محاکمه مومنین استفاده شده است (مراجعه شود به اول قرنتیان ۷: ۵، ۱۰: ۹ و ۱۳، غلاطیان ۶: ۱، اول تسالونیکیان ۳: ۵، عبرانیان ۲: ۱۸، یعقوب ۱: ۲ و ۱۳ و ۱۴، اول پطرس ۴: ۱۲، دوم پطرس ۲: ۹)

■ "زحمات ما به هدر رفته باشد" استفاده از روحیه در اینجا حائز اهمیت است. حالت اخباری که خلق و خوی واقعیت است در مورد شیطان استفاده شده است، اما برای موقعی که خلق و خوی را توصیف می‌شود، از وجه وصفی استفاده شده است. این ممکن است مربوط به ۲: ۱ باشد. سوال این است، "آیا به هدر رفته" به ایمان شخصی آنها مرتبط است یا تاسیس کلیسای موثر در تسالونیکه؟ "من فکر می‌کنم دومی بهترین گزینه باشد، گرچه پولس احتمالاً تمایزی میان آنها قائل نمی‌شد.

پولس معمولاً از مفهوم "بیهوده" یا "بی ثمر" استفاده می‌کند و سه کلمه متفاوت را در بر می‌گیرد.

۱. *eikē* - رومیان ۱۳: ۴؛ اول قرنتیان ۱۵: ۲؛ غلاطیان ۳: ۴؛ ۱۱: ۴؛ کولسیان ۲: ۱۸

۲. *kenos* - اول قرنتیان ۱۵: ۱۰ و ۱۴ و ۵۸؛ دوم قرنتیان ۶: ۱؛ غلاطیان ۲: ۲؛ افسسیان ۵: ۶؛ فیلیپیان ۱۶: ۲؛ کولسیان ۲: ۸؛ اول تسالونیکیان ۳: ۳؛ ۱: ۲ (فعل در دوم قرنتیان ۹: ۳)

۳. *Matalos* - اول قرنتیان ۳: ۲۰؛ ۱۵: ۱۷؛ تیتوس ۳: ۹ (فعل در رومیان ۲: ۲۱)

پولس می‌دانست که قدرت انجیل از فعالیت الهی است، اما او همچنین می‌دانست که انتخاب انسان بر نتیجه تأثیر می‌گذارد!

۳: ۶ "مژده" (اصطلاح استفاده شده در نسخه انگلیسی *gospel* به معنی خبر خوش است ولی در فارسی در اینجا مژده ترجمه شده - این تفسیر در ارتباط با متن انگلیسی است - مترجم) این تنها جایی است که از این اصطلاح یونانی استفاده شده و به انجیل مسیح اشاره نمی‌کند. پیام در مورد وضعیت وفادار این کلیسا "انجیل"، "خبر خوش" به پولس بود.

■ "از ایمان و محبت شما" این عبارت می تواند چندین معنی داشته باشد (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۱: ۳) و می تواند به این موارد اشاره داشته باشد: (۱) آموزه ارتدوکس و مراقبت از عشق به یکدیگر یا (۲) وفاداری و عشق به خدا.

■ "شما همیشه از ما به نیکی یاد می کنید و همان گونه که ما مشتاق دیدار شما ایم، شما نیز شوق دیدار ما را دارید" این نشان می دهد که نه آزار و اذیت و نه آموزگاران دروغین این کلیسا را علیه پولس نتوانسته اند تحریک کنند.

۳: ۷ "با وجود همه فشارها و زحماتمان" مشکلات پولس در قرنتس در اول قرنتس ۴: ۹-۱۳؛ دوم قرنتس ۴: ۷ الی ۱۲: ۶؛ ۴-۱۰ و ۱۱: ۲۳-۲۸ ذکر شده است! بهای خدمتگزار مسیح بودن!!

■ "دلگرم شده ایم" پولس اغلب از این کلمه مرکب (با ترکیب "با" و "فرا خواندن") استفاده می کند. چندین مفهوم دارد.

۱. برای ترغیب، تشویق (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۲: ۳، ۱۱: ۴؛ ۱: ۵؛ ۱۴: دوم تسالونیکیان ۳: ۱۲)
۲. آسایش داشتن/یافتن (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۲: ۱۱؛ ۳: ۲؛ ۴: ۱۸؛ ۵: ۱۱؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۱۷)
۳. شکل اسمی آن (*paraclētos*) که هر دو برای بشارت روح (مراجعه کنید به یوحنا ۱۴: ۱۶، ۲۶: ۱۵؛ ۱۶: ۷) و پسر (مراجعه کنید به اول یوحنا ۲: ۱) استفاده می شوند.

۸: ۳ "اکنون می توانیم نفسی به راحت برآوریم" پولس از زبان استعاره برای بیان آسوده شدن از تنش به واسطه خبر خوش درباره کلیسا استفاده می کند.

■ "زیرا شما در خداوند استوارید" (در نسخه انگلیسی، "اگر در ایمان به خدا استوار بایستید" نوشته شده و این تفسیر در رابطه با متن انگلیسی است- مترجم) این یک جمله شرطی یونانی است، که شرط نوع اول و سوم را در هم ادغام کرده است، در نتیجه یک احتمال به گفته پولس اضافه می شود. او فرض کرد که آنها محکم خواهند بود، اما این امر برای ماندن تا ببینند (اول تسالونیکیان ۲: ۱ و ۳: ۵).
"استوار بودن" به موقعیت ما در مسیح مربوط می شود. کتاب مقدس نجات ما را در یک جفت حقیقت پر از تنش ارائه می دهد: (۱) رایگان است، در مسیح است، اما (۲) پر هزینه است، مترقی است، در گزینه های شیوه زندگی ما دیده می شود (متی ۷: یعقوب، اول یوحنا) هر دو واقعیت دارند. این آیه بر حقیقت اول تاکید دارد (مراجعه کنید به رومیان ۵: ۲؛ اول قرنتس ۱۵: ۱ و افسسیان ۶: ۱۱، ۱۳).

۹: ۱۰ الی ۱۰ این یک سوال بلاغی است که به یک دعا منتهی می شود. اول تسالونیکیان ۳: ۱۱-۱۳، نتیجه گیری نیمه اول نامه پولس است.

۱۰: ۳ "روز و شب" (در نسخه انگلیسی، "شب و روز" نوشته شده و این تفسیر در ارتباط با متن انگلیسی است) این ترتیب زمانی یهودیان است (به یادداشتهای اول تسالونیکیان ۲: ۹ مراجعه کنید). این نشان دهنده زندگی مداوم و پایدار دعای پولس است (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۱: ۲؛ ۲: ۱۲؛ دوم تیموتائوس ۱: ۳).

NASB "صادقانه دعا کنید"

NKJV "زیاد دعا کنید"

NRSV "ما در نهایت صداقت دعا می کنیم"

TEV "ما با تمام وجود از او درخواست می کنیم"

NJB "ما صادقانه دعا می کنیم"

قید "در نهایت صداقت" یک ترکیب بسیار قوی و سه گانه (*hyper + ek + perissou*)، اصطلاح عاطفی است (مراجعه کنید به افسسیان ۳: ۲۰؛ اول تسالونیکیان ۳: ۱۰؛ ۵: ۱۳). پولس در مورد این کلیساهای جدید نگران شد و دعا کرد (مراجعه کنید به دوم قرنتس ۱۱: ۲۸). موضوع خاص: استفاده پولس از ترکیبات *hyper* در غلاطیان ۱: ۱۳ را مطالعه کنید.

NASB "ممکن است آنچه را که در ایمان شما وجود ندارد کامل کند"

NKJV "کامل آنچه در ایمان شما فاقد است"

NRSV "هر آنچه را که در ایمان شما وجود دارد بازگرداند"

TEV "آنچه را که در ایمان شما لازم است تامین کنید"

NJB "تا هر کاستی ایمان شما را برطرف سازیم"

آنها خوب کار کرده اند، همانطور که سوء تفاهم درباره آمدن دوم نشان می دهد، هنوز درکشان به بلوغ نرسیده است. این استفاده از ایمان (۱) به عنوان دکتربین است (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۴: ۱۳-۵: ۱۱) یا (۲) تاکید مکرر بر سبک زندگی، "آنچه فاقد آن بود" ممکن است جنبه اخلاقی داشته باشد (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۴: ۱-۱۲). پولس این اصطلاح ایمان (*pistis / pisteuō*) را غالباً در نامه هایش به کار می برد (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۱: ۳، ۴، ۸؛ ۲: ۳، ۵؛ ۳: ۱، ۲، ۴، ۱۱؛ ۴: ۳)، اما به ویژه در این زمینه. موضوع خاص در غلاطیان ۳: ۶ را مطالعه کنید.

NASB: اول تسالونیکیان ۳: ۱۱ الی ۱۳

۱۱ خودِ خدا، پدر ما، و خداوند ما عیسی، راه ما را به سوی شما هموار سازد. ۱۲ و همان گونه که محبت ما به شما فزونی می یابد، خداوند محبت شما را به یکدیگر و به همه مردم بسیار افزون گرداند. ۱۳ و دلهای شما را استواری بخشد تا آنگاه که خداوند ما عیسی با همه مقدسان خود می آید، در حضور خدا، پدر ما، بی عیب و مقدس باشید.

۳: ۱۱ الی ۱۳ در زبان یونانی این یک جمله است. این دعا شامل سه شکل کلامی نادر است: "مستقیم" (اول تسالونیکیان ۳: ۱۱)، "افزایشی" (آیه ۱۲) و "فراوان" (آیه ۱۲). خلق و خوی بهینه، پتانسیل روحی است که در نمازها به کار می رود.

۳: ۱۱ "هموار سازد" (در کتاب مقدس اصطلاح *Lord* به معنی ارباب و سرور برای عیسی به کار رفته که در ترجمه فارسی به غلط خداوند ترجمه شده. این آیه در نسخه انگلیسی "باشد که خدا، پدر ما و سرورمان عیسی ما را به راه خود هدایت کنند" نوشته شده. این تفسیر بر اساس متن انگلیسی است) این یک فعل آتوریست مفرد فعال نادر آرزویی است که در چندین دعا در عهد جدید مورد استفاده قرار می گیرد (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۵: ۲۳؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۱۶؛ ۳: ۵ و ۱۶ و در رومیان ۱۵: ۵ الی ۶ و ۱۳). توجه داشته باشید که فعل مفرد است، گرچه به هر دو خدا پدر یا عیسی مسیح نیز اشاره دارد. این راهی بود که نویسندگان عهد جدید بتوانند الهی بودن عیسی ناصری را تایید کنند (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۱: ۱؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۲). یک نکته کلامی دیگر این است که درست همانطور که شیطان مانع شد که پولس نزد آنها برود، و در اول تسالونیکیان ۲: ۱۸ ثبت شده است، پولس از پدر و پسر خواست که راهی (صاف یا هموار، مراجعه کنید به لوقا ۱: ۷۹) برای او باز کنند تا وی از آنها دیدن کند!

■ "پدر" به موضوع خاص در غلاطیان ۱: ۱ مراجعه کنید.

۳: ۱۲ الی ۱۳ پولس در اول تسالونیکیان ۳: ۱۱ برای خودش دعا کرد، اما اکنون طومار او به سمت کلیسا در تسالونیک می چرخد. او برای عشق آنها به یکدیگر و همه مردم دعا می کرد (مراجعه کنید به افسسیان ۶: ۱۸). او همچنین برای تقدس مومنان دعا کرد (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۳: ۱۳؛ افسسیان ۱: ۴). خواست خدا برای هر مومن، مسیحی بودن است (مراجعه کنید به رومیان ۸: ۲۸-۲۹؛ غلاطیان ۴: ۱۹).

■ "افزون" موضوع خاص زیر را مطالعه کنید.

موضوع خاص: وفور

(SPECIAL TOPIC: ABOUND)

این اصطلاح عمدتاً توسط پولس استفاده شده است. این اصطلاح به معنی بیش از حد، بیش از اندازه (یعنی، در مفهوم یک حس مثبت) است.

۱. حقیقت خداوند به شکوه او رسیده است. رومیان ۳: ۷
۲. هدیه رایگان در فضل آن مرد، عیسی مسیح، فراوان، رومیان ۵: ۱۵
۳. مومنان امید فراوان دارند، رومیان ۱۵: ۱۳
۴. با خوردن یا نوشیدن غذاهای خاص، معتقدان به خدا خدمت نمی کنند، اول قرنتیان ۸: ۸ (مراجعه شود به انجیل مرقس ۷: ۱۵، ۱۷-۲۳)
۵. مومنان در ساخت کلیسا فراوان هستند، اول قرنتیان ۱۴: ۱۲
۶. مومنان در کار خداوند فراوانند. ۱۵: ۵۸
۷. مومنان به شدت از درد و رنج مسیح برخوردارند و به راحتی در مسیحیت به اشتراک می گذارند، دوم قرنتیان ۱: ۵
۸. وزارت عدالت در شکوه فراوان است، دوم قرنتیان ۳: ۹
۹. شکرگزاری مومنان به شکوه خداوند فراوان است. دوم قرنتیان ۴: ۱۵
۱۰. فراوانی شایستگان مومن، دوم قرنتیان ۸: ۲

۱۱. مومنان در همه چیز (ایمان، سخن، دانش، محبت و عشق) و همچنین در هدیه برای کلیسای اورشلیم فراوان هستند. ۸: ۷
۱۲. لطف کامل به مومنان، دوم قرن‌تیاں ۹: ۸
۱۳. قدردانی مومنان به خداوند، دوم قرن‌تیاں ۹: ۱۲
۱۴. ثروت فیض خدا بر مومنان عفو است. افسسیان ۱: ۸
۱۵. عشق به مومنان می تواند بیشتر و بیشتر نفوذ کند. فیلیپیان ۱: ۹
۱۶. اعتماد به نفس مومنان در پولس منجر به فراوانی در مسیح، است. فیلیپیان ۱: ۲۶
۱۷. داشتن فراوان، فیلیپیان ۴: ۱۲، ۱۸
۱۸. مومنان لبریز از قدردانی هستند، کولسیان ۲: ۷
۱۹. مومنان عاشق یکدیگر می شوند، اول تسالونیکیان
۲۰. فراوانی در شیوه زندگی خداپرستانه، اول تسالونیکیان
۲۱. فراوانی در عشق مومنان اول تسالونیکیان ۴: ۱۰

درک پولس از فضل خدا در مسیح "بیش از حد و بالاتر" است، همچنین مومنان به پیروزی در این "فراوانی و وفور" فضل و عشق در زندگی روزمره خود نیاز دارند!

■ "همه مردم" عشق خدا به اندازه دنیا گسترده است (مراجعه کنید به یوحنا ۱: ۲۹؛ ۳: ۱۶؛ اول تیموتائوس ۲: ۴؛ دوم پطرس ۳: ۹). پس ما نیز که او را می‌شناسیم باید همانگونه باشیم.

۱۳: ۳ "دلها" موضوع خاص در غلاطیان ۴: ۶ را مطالعه کنید.

NASB	"بی عیب و مقدس"
NKJV	"بی روح در مقدس بودن"
NRSV, NJB	"در تقدس که ممکن است شما بی شرم باشید"
TEV	"کامل و مقدس"

تقدس هم هدیه است و هم یک کار (اخباری و امری). این ویژگی کسی است که فراتر از سرزنش است، علیه او هیچ اتهامی مطرح نشده است (مراجعه کنید به افسسیان ۵: ۲۷). این هیچ بهانه ای به شیطان برای انتقاد نمی‌دهد (مراجعه کنید به رومیان ۸: ۳۱، ۳۲، ۳۳). خواست خدا برای هر مومن، تقدس مسیحی است (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۴: ۳؛ رومیان ۸: ۲۸-۲۹؛ غلاطیان ۴: ۱۹؛ افسسیان ۱: ۴). به یادداشت مندرج در دوم تسالونیکیان ۴: ۳ توجه کنید. موضوع خاص: بی تقصیر، معصوم، بی گناه، بدون ملامت در اول تسالونیکیان ۲: ۱۰ را مطالعه کنید. موضوع خاص: تقدس/تطهیر در عهد جدید در اول تسالونیکیان ۴: ۳ را ببینید.

■ "آنگاه که خداوند ما عیسی ... می‌آید" (در کتاب مقدس اصطلاح *Lord* به معنی ارباب و سرور برای عیسی به کار رفته است-مترجم) این نگرانی مداوم پولس در مورد وقایع آخرالزمان را نشان می‌دهد (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۲: ۱۹؛ ۴: ۱۵-۱۷؛ همچنین دوم تسالونیکیان ۲). رابطه دقیق بین وقایع آمدن دوم، شعف روحانی (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۴: ۱۳-۱۸)، صندلی داوری مسیح (مراجعه کنید به دوم قرن‌تیاں ۵: ۱۰) و تخت داوری (متی ۲۵ و مکاشفه ۲۰) نامشخص هستند. پولس یک خداشناس سیستماتیک نبود. موضوع خاص را در زیر ببینید.

موضوع خاص: اصطلاحات عهد جدید برای بازگشت مسیح

SPECIAL TOPIC: NT TERMS FOR CHRIST'S RETURN

تاکید اسکاتولوژیک یک روز خاص برای زمانی که انسان عیسی مسیح را (به عنوان نجات دهنده و قاضی) ملاقات می‌کند، توسط چندین اسم مشخص می‌شوند:

۱. "روز خداوندمان عیسی مسیح" (مراجعه شود به اول قرن‌تیاں ۱: ۸)
۲. "روز خداوند" (مراجعه شود به اول قرن‌تیاں ۵: ۵، اول تسالونیکیان ۵: ۲، دوم تسالونیکیان ۲: ۲)
۳. "روز خداوند عیسی" (مراجعه شود به دوم قرن‌تیاں ۱: ۱۴، در MS ۴ در اول قرن‌تیاں ۵: ۵ "... ارباب عیسی" آمده است)

۴. "روز عیسی مسیح" (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۶)
۵. "روز مسیح" (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۱۰، ۲: ۱۶)
۶. "روز او (پسر انسان)" (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۷: ۲۴)
۷. "روز ظهور پسر انسان" (انجیل لوقا ۱۷: ۳۰)
۸. "مکاشفه خداوندان عیسی مسیح" (اول قرنتیان ۱: ۷)
۹. "زمانی که خداوند عیسی از آسمان ظهور کند" (اول تسالونیکیان ۱: ۷)
۱۰. "در حضور خداوندان عیسی به هنگام ظهور او" (اول تسالونیکیان ۲: ۱۹)

حداقل چهار شیوه وجود دارند که در عهد جدید نگارندگان به بازگشت عیسی اشاره می‌کنند

۱. *epiphaneia*، که اشاره به روشنایی خیره کننده است که از نظر الهی (و نه لغوی) مرتبط به "جلال" است. در دوم تیموتائوس ۱: ۱۰، تیتوس ۲: ۱۱ و ۳: ۴ اشاره به اولین آمدن عیسی (یعنی قیام او از مردگان) و دومین آمدن او دارد. در دوم تسالونیکیان ۲: ۸ استفاده شده که شامل هر سه اصطلاح مهم برای آمدن دوم است: اول تیموتائوس ۶: ۱۴، دوم تیموتائوس ۴: ۱ و ۸، تیتوس ۲: ۱۳
۲. *parousia*، که دلالت بر حضور دارد و اساسا به بازدید سلطنتی اشاره دارد. این شایع ترین اصطلاح استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۳ و ۲۷ و ۳۷ و ۳۹، اول قرنتیان ۱۵: ۲۳، اول تسالونیکیان ۲: ۱۹، ۳: ۱۳، ۴: ۱۵۶، ۵: ۲۳، دوم تسالونیکیان ۲: ۱ و ۸، یعقوب ۵: ۷ و ۸، دوم پطرس ۱: ۱۶، ۳: ۴ و ۴: ۱۲، اول یوحنا ۲: ۲۸).
۳. *apokalupsis* (یا آپوکالیپس)، که یعنی پرده برداری کردن به منظور نمایان ساختن است. نام آخرین کتاب در عهد جدید است (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۷: ۳۰، اول قرنتیان ۱: ۷، دوم تسالونیکیان ۱: ۷، اول پطرس ۱: ۷، ۴: ۱۳).
۴. *phaneroō*، که یعنی در نور آوردن یا به وضوح نمایان ساختن. این اصطلاح اغلب در عهد جدید برای بسیاری از جنبه های مکاشفه خدا استفاده شده است. این اصطلاح همانند *epiphaneia*، می‌تواند اشاره به اولین آمدن مسیح (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۲۰، اول یوحنا ۱: ۲، ۳: ۵ و ۸، ۹: ۴) و آمدن دوم او (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۳۰، کولسیان ۳: ۴، اول پطرس ۵: ۴، اول یوحنا ۲: ۲۸، ۳: ۲) داشته باشد.
۵. متداولترین اصطلاح برای "آمدن" یعنی *erchomai*، هم اغلب برای بازگشتن مسیح استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶: ۲۷ الی ۲۸، ۲۳: ۳۹، ۲۴: ۳۰، ۲۵: ۳۱، اعمال رسولان ۱: ۱۰ الی ۱۱، اول قرنتیان ۱۱: ۲۶، مکاشفه ۱: ۷ و ۸)
۶. همچنین با اصطلاح "روز خداوند" استفاده شده است (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۵: ۲)، که یک عنوان عهد عتیقی برای روز نعمت خدا (قیام) و داوری است.

عهد جدید به طور کلی بر اساس نگرش و جهان بینی عهد عتیق نوشته شده است که اینها را تصریح می‌کند:

a. عصر پلیدی و یاغیگری حال

b. عصر پارسایی که می‌آید

c. عصری که توسط نماینده روح القدس از طریق کار مسیح (آن مطهر) می‌آید

فرضیه الهیات مکاشفه پیشرفته مورد نیاز است، زیرا نگارندگان عهد عتیق به میزان اندکی انتظارات اسرائیل را تغییر می‌دهند. به جای آمدن مسیح با یک ارتش، ملی (اسرائیل)، دو آمدن وجود دارند. اولین رسیدن به مفهوم تولد عیسی ناصری است. او به عنوان غیرنظامی غیرداور "بنده رنجور" اشعیا ۵۳ آمد. همچنین سوار بر یک کره الاغ آمد (نه یک اسب جنگی و یا پادشاه فاتح) از زکریا ۹: ۹. اولین آمدن، آغازگر عصر جدید مسیحیت، پادشاهی خدا در زمین شد (نگاه کنید به موضوع ویژه: پادشاهی خدا). در یک نگاه پادشاهی در اینجا است، اما البته، یکی دیگر هست ولی دور است. این تنش بین دو دیدگاه مسیحیت است (نگاه کنید به موضوع ویژه: مسیح) که به نوعی بیش از هر زمان بیانگر تفکر دوقطبی یهودیان است (نگاه کنید به موضوع خاص: این عصر و عصری که خواهد آمد) و نامعلوم بود، یا حداقل مشخص نیست. واقعیت این است که این دوگانگی بر تعهد یهوه برای رهایی تمام بشریت تاکید می‌کند (مراجعه شود به پیدایش ۳: ۱۵، ۱۲: ۳، خروج ۱۹: ۵ و موعظه پیامبران، به ویژه اشعیا و یونس).

کلیسا منتظر تحقق نبوت عهد عتیق نیست زیرا بیشتر نبوتها اشاره به اولین آمدن دارند (مراجعه شود به *How to Read the Bible For All Its Worth* صفحه ۱۶۵ الی ۱۶۶). آنچه مومنین پیش بینی می‌کنند آمدن پر شکوه شاه شاهان و سرور سرورها، تحقق تاریخی عصر جدید پارسایی بر زمین همانگونه که در بهشت است، می‌باشد (مراجعه شود به انجیل متی ۶: ۱۰). گفته های عهد عتیق نادرست نیستند، بلکه ناقص هستند (موضوع خاص: چرا وعده های پیمانی عهد عتیق بسیار متفاوت از وعده های پیمان عهد جدید هستند؟ را مطالعه کنید). او مجددا خواهد آمد، درست همانگونه که انبیا پیشگویی کرده بودند، با قدرت و اقتدار یهوه.

عنوان "آمدن دوم" یک اصطلاح انجیلی نیست، اما مفهوم جهان بینی و چارچوب کل عهد جدید است. خداوند همه چیز را درست می کند. رفاقت میان خدا و انسان در تصویر او احیا خواهد شد. شرارت محکوم خواهد شد. اهداف خدا شکست نخواهند خورد، نمی توانند شکست بخورند! کلیسای اولیه هم در روز شبات و هم روز اول هفته (یعنی روز یکشنبه، روز قیامت) عبادت می کنند. کنیسه به جنبش رو به رشد مسیحی اعتراض کرده و خواست عیسی را به عنوان مسیح انکار کنند (یعنی بندیکت هیجدهم). در این نقطه (یعنی در سال ۷۰ میلادی) مسیحیان انحصاراً در روزهای یکشنبه ملاقات و عبادت می کنند.

■ "مقدسان خود" "مقدسان" (به معنای "قدیسان") یا (۱) فرشتگانی هستند که عیسی را همراهی می کنند (مراجعه کنید به تثنیه ۳۳: ۲-۳؛ حزقیال ۱۴: ۵؛ متی ۱۶: ۲۷؛ ۲۵: ۳۱؛ مرقس ۸: ۳۸؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۷؛ مکاشفه ۱۹: ۴)؛ یا (۲) قوم او، مقدسان (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۴: ۱۴-۱۶). پولس هرگز فرشتگان را "مقدسان" یا "قدیسان" نمی نامید، که احتمالاً این مسئله تفسیر را حل می کرد. احتمالاً فرشتگان و مقدسان هم با او در ابرهای بهشت باز خواهند گشت. این کلیسا مطمئن نبود اگر مقدسان مرده در رویدادهای آخرالزمان شرکت کنند. مقدسان، به معنای واقعی کلمه "مقدسان"، توسط آن قدیس فراخوانده می شوند (مراجعه کنید به اول پطرس ۱: ۱۵)؛ هدف مسیحیت اکنون "مقدس بودن" است (مراجعه کنید به افسسیان ۱: ۴)، نه وقتی که بمیریم به بهشت برویم!

موضوع خاص: مقدسین (*hagios*)

(SPECIAL TOPIC: SAINTS)

این اصطلاح معادل یونانی اصطلاح عبری *kadosh* (اسم، BDB871، فعل BDB 872، KB 1066-1067، موضوع خاص: مقدس را بخوانید) است، که معنی پایه آن جدا کردن کسی یا چیزی یا مکانی برای استفاده انحصاری یهوه است. معادل انگلیسی این اصطلاح "sacred" است. اسرائیل "قوم مقدس" یهوه بود (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۹، که از کتاب خروج ۱۹: ۶ نقل قول میکند). یهوه به واسطه طبیعت او (جاودانی و خلق نشده) و شخصیت او (کمال اخلاقی) جدا از بشریت است. او استاندارد است که توسط آن همه چیز اندازه گیری و قضاوت می شود. او متعال و مقدس است.

خدا انسانها را برای دوستی خلق کرد، اما سقوط (پیدایش ۳) باعث ایجاد یک مانع ارتباطی و اخلاقی میان یک خدای مقدس و انسان گناهکار شد. خدا تصمیم گرفت که مخلوق آگاه خود را بازگرداند؛ بنابراین او از مردم خواسته است که "مقدس" باشند (مراجعه شود به لاویان ۱۱: ۴۴، ۱۹: ۲، ۲۰: ۷، ۲۶: ۸). با رابطه از روی ایمان با یهوه، مردم خود با موقعیت پیمانی خود در او مقدس می شوند، اما همچنین از آنان خواسته میشود تا زندگی مقدسی داشته باشند (به موضوع ویژه: تقدس، انجیل متی ۵: ۴۸، افسسیان ۴: ۱، ۱۷، ۵: ۳-۲، ۱۵، ۱ پطرس ۱: ۱۵ مراجعه شود).

این زندگی از روی تقدس محتمل است، زیرا معتقدین به طور کامل از طریق (۱) زندگی عیسی و (۲) کار و حضور روح القدس در ذهن و قلب خودشان، پذیرفته شده اند. این امر یک موقعیت پارادوکسی برای مومنان ایجاد می کند:

۱. مقدس بودن به خاطر پارسایی مسیح (به عنوان مثال، رومیان ۴)

۲. به خاطر حضور روح القدس خواسته شده تا با تقدس زندگی کرد (مراجعه شود به موضوع ویژه: تقدس)

مومنان به واسطه این موارد "مقدس" (*hagioi*) هستند

۱. اراده آن مقدس (پدر، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۲۹، ۴۰؛ اول پطرس ۱: ۱۵-۱۶)

۲. کار پسر مقدس (عیسی، دوم قرنتیان ۵: ۲۱، اول پطرس ۱: ۱۸-۲۱)

۳. حضور ماندگار روح القدس (مراجعه شود به رومیان ۸: ۹-۱۱، ۲۷)

عهد جدید همیشه به قدیسان به صورت جمع اشاره می کند (به جز یک بار در فیلیپیان ۴: ۲۱، اما حتی متن آن را جمع می سازد). نجات یافتن یعنی بخشی از یک خانواده، یک بدن، یک ساختمان شدن! ایمان انجیلی با پذیرش شخص شروع می شود، اما منجر به دوستی گروهی می شود. هر یک از ما نعمت (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۲: ۱۱) سلامتی، رشد و رفاه بدن مسیح - یعنی کلیسا (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۲: ۷) را داریم. ما نجات یافتیم تا خدمت کنیم. تقدس یک ویژگی خانوادگی است!

این تبدیل به عنوانی برای مومنان شد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۱۳، ۳۲، ۴۱، ۱۰: ۲۶، رومیان ۱: ۷؛ اول قرنتیان ۱: ۲؛ دوم قرنتیان ۱: ۱؛ افسسیان ۱: ۱؛ فیلمون ۱: ۱؛ کولسیان ۱: ۲) و راهی برای خدمت به دیگران (رومیان ۱۲: ۱۳؛ ۱۶: ۲؛ افسسیان ۱: ۱۵؛ کولسیان ۱: ۴؛ اول تیموتائوس ۵: ۱۰؛ عبرانیان ۶: ۱۰). پولس یک پیشنهاد خاص از کلیساهای غیر یهودی برای فقرا در کلیسای مادر در اورشلیم دریافت کرد (رومیان ۱۵: ۲۶-۲۵؛ اول قرنتیان ۱۶: ۱؛ دوم قرنتیان ۸: ۴؛ ۹: ۱).

برای موضوع خاص در مورد "آمین" به غلاطیان ۱: ۵ مراجعه کنید.

سوالات بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید. این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چرا تنها برای پولس سخت بود؟
۲. معانی مختلف اصطلاح ایمان را ذکر کنید.
۳. آیا رنج برای مومنان عادی است؟ چرا؟
۴. آیا تقدیس اولیه است یا مترقی؟
۵. آیا آیه ۵ به نجات یا ثمربخش بودن شخص اشاره دارد؟ چگونه ۲: ۱ و ۳: ۵ با مثل خاکها ارتباط دارد (رجوع کنید به متی ۱۳: ۱-۲۳)؟

اول تسالونیکیان ۴

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
زندگی که خدا را خشنود می‌سازد ۴: ۱ الی ۸	درخواست به وحدت ۴: ۱ الی ۸	تشویق به خلوص ۴: ۱ الی ۸	زندگی که خدا را می‌کند ۴: ۱ الی ۸	در مقدسات و نیکوکاری زندگی کنید ۴: ۱ الی ۲ ۴: ۳ الی ۸
۴: ۹ الی ۱۲	زندگی منظم و برادرانه ۴: ۹ الی ۱۲	۴: ۹ الی ۱۲	۴: ۹ الی ۱۲	۴: ۹ الی ۱۲
آمدن ارباب	آسودگی در آمدن مسیح	سوالاتی در ارتباط با آمدن ارباب (۴: ۱۳ الی ۵: ۱۱)	آمدن سرورمان	مرگ و زندگی در زمان آمدن سرورمان
۴: ۱۳ الی ۱۴	۴: ۱۳ الی ۱۸	۴: ۱۳ الی ۱۸	۴: ۱۳ الی ۱۴	۴: ۱۳ الی ۱۸
۴: ۱۵ الی ۱۸			۴: ۱۵ الی ۱۸	

* تقسیم‌بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگرافها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری میباشد. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگرافها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخ جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: انتقادات متنی و واژه‌نامه.

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور خود راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم و غیره

۴. و غیره

بسط رؤس نکات آیات ۱ الی ۱۲

A. سخنان مقدماتی، اول تسالونیکیان ۴: ۱ الی ۲

B. هشدارهایی درباره بی اخلاقیهای جنسی، اول تسالونیکیان ۴: ۳ الی ۸

۱. مقدس باشید، اول تسالونیکیان ۴: ۳ الف

۲. پرهیز از بی اخلاقی جنسی، اول تسالونیکیان ۴: ۳ ب

۳. از نظر جنسی منضبط باشید، اول تسالونیکیان ۴: ۴-۵

۴. با عدم تجاوز به حقوق جنسی برادر همپیمان، رابطه جنسی مناسب داشته باشید

C. پندهایی برای دیگر مسیحیان

۱. مسیحیان باید عاشق یکدیگر باشند، اول تسالونیکیان ۴: ۹-۱۰
۲. بهتر و بهتر زندگی کنید، اول تسالونیکیان ۴: ۱۰
۳. زندگی آرام زندگی کنید، اول تسالونیکیان ۴: ۱۱ الف
۴. تمایل به امور خود، اول تسالونیکیان ۴: ۱۱ ب
۵. کار خود را خودتان انجام دهید، اول تسالونیکیان ۴: ۱۱ پ
۶. به طوری که شما می توانید شاهد گمراهان باشید، اول تسالونیکیان ۴: ۱۲

مطالعه عبارت و کلام

NASB: اول تسالونیکیان ۴: ۱ الی ۸

۱ دیگر اینکه، ای برادران، شما از ما آموختید که چگونه باید رفتار کنید تا خدا را خوشنود سازید، همان گونه که چنین نیز می کنید. اکنون به نام عیسی خداوند از شما استدعا داریم و اندرزتان می دهیم که در این باره هر چه بیشتر تلاش کنید. زیرا آگاهی که از جانب عیسی خداوند، چه احکامی به شما داده ایم.

۳ اراده خدا این است که مقدس باشید: خود را از بی عفتی دور نگاه دارید. هر یک از شما باید بدانند که چگونه در پاکی و برانزندی، بدن خود را تحت تسلط نگاه دارد. ۵ نباید همانند قومهایی که خدا را نمی شناسند، دستخوش امیال شهوانی باشید. هیچ کس نباید در این امر دست تجاوز یا طمع به حریم برادر خود دراز کند. چنانکه پیشتر به شما گفتیم و هشدار دادیم، خداوند همه این کارها را کیفر خواهد داد. ۷ زیرا خدا ما را نه به ناپاکی، بلکه به قدوسیت فرا خوانده است. ۸ پس، هر که این تعلیم را رد کند، نه انسان، بلکه خدایی را رد کرده که روح قدوس خود را به شما عطا می فرماید.

۴: ۱ "دیگر اینکه" (در نسخه انگلیسی، *finally* یعنی "نهایتاً" نوشته شده و این تفسیر بر اساس متن انگلیسی است- مترجم) این به معنای واقعی کلمه "بابت بقیه" است. این آغازگر بخش عملی بحث پولس است. بیشتر نامه های پولس را می توان به یک بخش آموزه و یک بخش عملی تقسیم کرد، هر چند انجام این کار در اول تسالونیکیان دشوار است. پولس این عبارت را برای معرفی آخرین موضوع اصلی استفاده کرد، نه به عنوان یک پیش درآمد سریع برای ختم کلام (مراجعه کنید به دوم قرنتیان ۱۳: ۱۱؛ افسسیان ۶: ۱۰؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۱).

■ "برادران" پولس اغلب از این اصطلاح برای آغاز یک بحث جدید استفاده می کند (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۱: ۴؛ ۲: ۱، ۹، ۱۴، ۱۷؛ ۳: ۷؛ ۴: ۱، ۱۰، ۱۳؛ ۵: ۱، ۴، ۱۲، ۱۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۳؛ ۲: ۱، ۱۳، ۱۵؛ ۳: ۱، ۶، ۱۳).

■ "استدعا داریم و اندرزتان می دهیم" پولس از این زمانهای حال اخباری فعال برای تاکید بر تداوم عمل و ملایم کردن فرمان خود به عنوان رسول استفاده می کند (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۴: ۲، ۱۱؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۴، ۶، ۱۰، ۱۲).

■ "شما از ما آموختید" (در نسخه انگلیسی، "همانطور که راهنمایها را از ما دریافت کردید" نوشته شده و این تفسیر بر اساس متن انگلیسی است- مترجم) این یک آتوریست اخباری فعال است، که به زمانی که پولس شخصا با آنها بوده است اشاره می کند. این اصطلاح یونانی است که به معنای "دریافت تعلیم سنتی از دیگری" است (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۲: ۱۳؛ اول قرنتیان ۱۵: ۱). پولس نه تنها به آنها آموخت که چگونه نجات یابند (توجه)، بلکه یاد داد که چگونه به عنوان افراد نجات یافته (تقدیس) باید زندگی کنند.

■ "که چگونه باید رفتار کنید" این یک فعل حال نامحدود است. "گام برداشتن" استعاره ای از کتاب مقدس برای شیوه زندگی بر مبنای ایمان است (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۲: ۱۲؛ افسسیان ۲: ۱۰؛ ۴: ۱، ۱۷؛ ۵: ۲، ۱۵؛ کولسیان ۱: ۱۰؛ ۲: ۶). در ابتدا مسیحیت "راه" خوانده می شد (اعمال رسولان ۹: ۲؛ ۱۹: ۹، ۲۳؛ ۲۲: ۴؛ ۲۴: ۱۴؛ ۲۲: ۱۸-۲۵). این صحبت از ایمان سبک زندگی پایدار است. پاسخ اولیه ما به صورت توبه و ایمان باید با اطاعت و پشتکار دنبال شود. زندگی ابدی ویژگیهای قابل ملاحظه ای دارد! در راه مسیح هر روز مقدس و ویژه است و برای عبادت و خدمت از آن باید استفاده شود.

■ "تا خدا را خوشنود سازید" خواست خدا فقط این نیست که فرزندانش پس از مرگ به بهشت بروند، بلکه هم اکنون همانند مسیح زندگی کردن هم هست (مراجعه کنید به رومیان ۸: ۲۸ الی ۲۹؛ غلاطیان ۴: ۱۹؛ افسسیان ۱: ۴؛ ۲: ۱۰؛ اول پطرس ۱: ۱۵).

NASB (درست همانطور که واقعا گام بر میدارید)

[حذف شده است]	NKJV
"و، در واقع دارید انجام می‌دهید)"	NRSV
"این، البته، راهی/شیوه‌ای است که زندگی می‌کنید"	TEV
"همینطور که دارید زندگی می‌کنید"	NJB

یک نسخه خطی یونانی به این عبارت وصل شده است. این عبارت در دست نوشته های یونانی ^cD، K، L و متون Textus Receptus وجود ندارد. در ترجمه‌های A، B، D*، F، G و همچنین در ترجمه‌های سریانی، قبطی و والگیت موجود است. جای تعجب دارد که نسخ اولیه آن را دارند و نسخ بعدی آن را حذف کرده‌اند. این بدان معنی است که به طور تصادفی کنار گذاشته شده است. ⁴UBS درج آن را با عنوان "A" (یقین) ارزیابی می‌کند. این یا حال اخباری یا حالت امری است. این امر احتمالاً اخباری باشد که در اینصورت اعتماد پولس به سبک زندگی مسیح را بیان می‌دارد (مراجعه کنید به NASB، NRSV، TEV و JB).

■ "که در این باره هر چه بیشتر تلاش کنید" آنها خوب عمل می‌کردند، اما پولس از آنها خواست تا تقدس بیشتری داشته باشند (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۴: ۱۰). موضوع خاص: فراوان (*Perisseuō*) در اول تسالونیکیان ۳: ۱۲ را مطالعه کنید.

۲:۴

"فرامین"	NASB, NKJV
"راهنماییها"	NRSV, NJB, TEV

این اصطلاح نظامی نادر برای دستورات معتبر است که از طریق سلسله مراتب ابلاغ می‌شود (مراجعه کنید به اول تیموتائوس ۱: ۵، ۱۸).

■ "اکنون به نام عیسی‌ای خداوند" (در نسخه انگلیسی، "به اقتدار سرورمان عیسی" نوشته شده و این تفسیر بر اساس متن انگلیسی است-مترجم) اینها افکار شخصی پولس نبودند بلکه تعالیم عیسی بودند. اقتدار رسول بودن پولس به اقتدار عیسی مسیح وابسته بود (اول تسالونیکیان ۴: ۸).

۴: ۳ الی ۶ این یک زبان یونانی یک جمله است.

۴: ۳ "اراده خدا این است" هیچ حرف تعریفی وجود ندارد، بنابراین، این یکی از خواسته‌های خدا (مراجعه کنید به افسسیان ۵: ۱۷)، بعد از نجات است (مراجعه کنید به یوحنا ۶: ۴۰).

موضوع خاص: اراده (THELĒMA) خدا (SPECIAL TOPIC: THE WILL (THELĒMA) OF GOD)

اراده خدا شامل طبقه بندیهای بسیاری می‌شود

انجیل یوحنا

- عیسی آمد که خواست خدا را انجام دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۳۴، ۵: ۳۰، ۶: ۳۸)
- در روز آخر تمام کسانی که پدر به پسر داده برمی‌خیزند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۳۹)
- تمام آنان که به پسر ایمان دارند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۲۹ و ۴۰)
- دعاهای پاسخ داده شده در رابطه با اراده خدا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۹: ۳۱ و اول یوحنا ۵: ۱۴)

سایر اناجیل

- انجام خواست خدا که مهم است (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۲۱)
- انجام اراده خدا فرد را با عیسی خواهر یا برادر می‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲: ۵۰، انجیل مرقس ۳: ۳۵)
- خدا برای هیچکس آرزوی نابودی نمی‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۸: ۱۴، اول تیموتائوس ۲: ۴، دوم پطرس ۳: ۹)
- کالواری ارائه خدا برای عیسی بود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۴۲، انجیل لوقا ۲۲: ۴۲)

نامه‌های پولس

- خدمت به تمامی مومنین (مراجعه شود به رومیان ۱۲: ۱ الی ۲)

- مومنینی که از این عصر شیطانی می‌روند (مراجعه شود به غلاطیان ۱: ۲)
- اراده خدا برنامه رستگاری او بود (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۵ و ۹ و ۱۱)
- مومنینی که زندگی سرشار از روح را تجربه می‌کنند (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۱۷ الی ۱۸)
- مومنینی که سرشار از آگاهی نسبت به خدا هستند (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۹)
- مومنینی که کامل شده‌اند (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۱۲)
- مومنینی که تقدیس شدند (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۴: ۳)
- مومنینی که بابت همه چیز شکرگزار هستند (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۵: ۱۸)

نامه‌های پطرس

- مومنینی که کار درست را انجام می‌دهند (مثلا به مقامات ارجاع می‌دهند) و بدینوسیله کارهای احمقانه افراد را متوقف می‌کنند، بنابراین فرصتی برای بشارت فراهم می‌سازند (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۱۵)
- مومنینی که رنج می‌کشند (مراجعه شود به اول پطرس ۳: ۱۷، ۴: ۱۹)
- مومنینی که زندگیشان خود-محورانه نیست (مراجعه شود به اول پطرس ۴: ۲)

نامه‌های یوحنا

- مومنینی که برای همیشه اطاعت می‌کنند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۷)
- کلید مومنین در دعا‌های مستجاب شده (مراجعه شود به اول یوحنا ۵: ۱۴)

■ "مقدس باشید" این کلمه همان کلمه ریشه را با "مقدس" و "مقدسین" به اشتراک می‌گذارد. تقدیس، مانند توجیه، یک عمل فوری و اولیه فیض است. از نظر موقعیتی، مومنان در راه مسیح هستند. با این حال، این باید به شخصیت سبک زندگی، تقدیس مترقی بسط یابد. خواست خدا برای هر مسیحی، همانند مسیح بودن است!! ما نمی‌توانیم توجیه را از تقدیس جدا کنیم!

موضوع خاص: تقدس در عهد جدید

(SPECIAL TOPIC: NT HOLINESS / SANCTIFICATION)

عهد جدید معتقد است که وقتی گناهکاران با توبه و ایمان به سوی عیسی باز می‌گردند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال رسولان ۳: ۱۹، ۱۶؛ ۲۱: ۲۰)، آنها بلافاصله موجه و تقدیس می‌شوند. این موقعیت جدید آنها در مسیح است. پارسایی او به آنها نسبت داده می‌شود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۵: ۶؛ رومیان ۴). آنها درست و مقدس (عملی از سوی خدا) اعلام می‌شوند. اما عهد جدید نیز مومنان را به تقدس و تقدیس دعوت می‌کند. این هر دو موقعیت الهیات در کار پایان یافته عیسی مسیح و دعوت به مسیحیت در نگرش و اعمال در زندگی روزمره است. به عنوان رستگاری یک هدیه رایگان است و هزینه زندگی و شیوه زندگی هم همینطور تقدس است.

پاسخ اولیه

مسیحیت پیشرو

اعمال رسولان ۱۸: ۲۶	رومیان ۶: ۱۹
رومیان ۱۵: ۱۶	دوم قرنتیان ۷: ۱
اول قرنتیان ۱: ۲ الی ۳، ۶: ۱۱	افسسیان ۱: ۴، ۲: ۱۰
دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳	اول تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۴: ۳ الی ۷، ۵: ۲
عبرانیان ۲: ۱۱، ۱۰: ۱۰ و ۱۴، ۱۳: ۱۲	اول تیموتائوس ۲: ۱۵
دوم پطرس ۱: ۲	دوم تیموتائوس ۲: ۲۱
	اول پطرس ۱: ۱۵ الی ۱۶
	عبرانیان ۱۲: ۱۴

■ "خود را از بی‌عفتی دور نگاه دارید" این به معنای واقعی کلمه "فساد/فحشا" است. رابطه جنسی قبل از ازدواج و خارج از ازدواج در عهد عتیق با کلمات

جداگانه متمایز شده‌اند، اما معنای این کلمه در دامنه عهد جدید گسترده‌تر بود. "فساد/فحشا" به معنای کلیه فعالیت‌های جنسی نامناسب از جمله همجنسگرایی و بزهکاری بود. غالباً پرستش بت شامل اعمال جنسی هم می‌شد (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۵: ۲۲).

۴:۴

"به تملک در آوردن"	NASB, NKJV
"کنترل کردن"	NRSV
"چگونه برداشتن"	TEV
"استفاده کردن"	NJB

این یک حال میانی (دیپونت) نامحدود است. به مفهوم واقعی کلمه به معنی به صورت مداوم بدست آوردن یا به تملک در آوردن است.

"وسيله خودش"	NASB, NKJV
"بدن خودتان"	NRSV
"یک همسر"	TEV
"بدنی که متعلق به او است"	NJB

این می تواند به "بدن خودش" یا "همسر خودش" اشاره داشته باشد. تئودور از مویسوستیا، آگوستین، کاربرد روحانی، اول پطرس ۳: ۷، و *Septuagint* این را به معنای "همسر" تفسیر می کنند (مراجعه کنید به TEV). اما پدران اولیه کلیسا (یعنی Tertullian و Chrysostom) آن را به عنوان "بدن" تعبیر کردند و این متن به بهترین وجه متناسب است (مراجعه کنید به NIV, JB, NRSV). اصطلاح کشتی در معنای "بدن" در دوم قرنتیان ۴: ۷ استفاده می شود.

■ "در پاکی و برآزندگی" (اصطلاح استفاده شده در نسخه انگلیسی به معنی "شرافت/نجابت" به کار رفته و این تفسیر در رابطه با متن انگلیسی است) شناختن عیسی شیوه زندگی را تغییر می دهد. مومنان مستخدم هستند و مطیع خواست دیگران می باشند. خواست خدا این است که از هر مومن استفاده کند تا قدرت دگرگون کننده خود را به جهان گمراه نشان دهد. ازدواج مسیحی شاهد قدرتمندی در دنیای سردرگم است!

۴: ۵ "امیال شهوانی" این امر به ناتوانی انسانها در کنترل جنسی خود (عبادت کفار) اشاره دارد. خویشنداری ویژگی یک زندگی پر روح و روان است (مراجعه کنید به غلاطیان ۵: ۲۳).

■ "همانند قومهایی" (در نسخه انگلیسی "همانند کفار" نوشته شده و این تفسیر بر اساس متن انگلیسی است- مترجم) این به معنای واقعی کلمه "ملل" است. اما در اینجا، به غیر یهودیان اشاره ندارد بلکه به همه غیر مسیحیان اشاره می شود. سبک زندگی مشرکان روزگار پولس بسیار غیراخلاقی بود.

■ "که خدا را نمی شناسند" این "مکاشفه طبیعی" را کنار نمی گذارد (مراجعه کنید به مزامیر ۱۹: ۱ الی ۶ و رومیان ۱-۲)، بلکه از دانش شخصی صحبت می کند (مراجعه کنید به غلاطیان ۴: ۸-۹). در عهد عتیق "شناختن" به معنی رابطه صمیمی و شخصی است (مراجعه کنید به پیدایش ۴: ۱؛ ارمیا ۵: ۱). غیر یهودیان از خدا بیرون هستند (مراجعه کنید به افسسیان ۲: ۱۱-۱۳؛ ۵: ۸؛ کولسیان ۱: ۲۱).

■ "طمع ورزیدن" این اصطلاح به معنی از مرزها فراتر رفتن است.

■ "دست دراز کردن" این اصطلاح به معنای "بهره گیری از سوا استفاده از" است. این اصطلاح با حرص و طمع مرتبط است.

■ "برادر خود" این ممکن است مربوط به آزادیهای جنسی با خانواده مومن دیگری باشد (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۴: ۹). اما اصطلاح "برادر" در متن می تواند به هر انسان دیگری، همچون "همسایه" اشاره داشته باشد (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۴: ۱۲).

■ "در این امر" این حرف تعریف مشخص دارد و به همین دلیل به اول تسالونیکیان ۴: ۳-۵ (یعنی پاکیزگی جنسی) اشاره دارد. این کلمه به امور تجاری اشاره دارد. بنابراین، می تواند به صورت استعاره ای برای مسائل جنسی استفاده شود و یا اینکه پولس موضوعات اول تسالونیکیان ۴: ۶ را تغییر داده باشد و اکنون با مسائل مالی سر و کار دارد. فکر می کنم گزینه اول بهترین باشد.

■ "چنانکه پیشتر به شما گفتیم و هشدار دادیم" این مربوط به عدالت یک دست است - هم موقتی (مراجعه کنید به رومیان ۱: ۲۴، ۲۶، ۲۸) و هم به عنوان اسکاتولوژیک (متی ۲۵: ۳۱). بیهوده خدایی اخلاقی است (مراجعه کنید به غلاطیان ۶: ۷). در اول تسالونیکیان ۴: ۶، a۷ و a۸، به سه دلیل مختلف

گفته شده است که چرا مومنان باید زندگی مقدسی داشته باشند.

■ "خداوند همه این کارها را کیفر خواهد داد" این جمله قوی در مورد خلوص جنسی است (مراجعه کنید به عبرانیان ۱۳: ۴). موضوع خاص: استفاده پولس از ترکیبات *Huper* در غلاطیان ۱: ۱۳ را مطالعه کنید.

۴: ۷ "خدا... فرا خوانده است" خدا همیشه قدم اول را هم در رستگاری و هم در تقدیس بر می‌دارد (مراجعه کنید به یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵)

۴: ۸ "هر که این تعلیم را رد کند، نه انسان، بلکه خدایی را رد کرده" این به معنای واقعی کلمه "حقیرانه رفتار می‌کند" است. پولس ادعا می‌کند که همراه با حقیقت انجیل الزامات زندگی را دنبال می‌کند. اینها حقایق خدا هستند، نه پولس، ۲: ۱۳؛ ۳: ۱-۲.

■ "که روح قدوس خود را به شما عطا می‌فرماید" این یک وجه وصفی حال فعال است. به معنای روح سکنی گزیده است که هم به یک تجربه اولیه و هم مداوم (مراجعه کنید به اعمال رسولان ۲: ۳۸؛ دوم قرن‌تینان ۱: ۲۲؛ ۵: ۵؛ اول یوحنا ۳: ۲۴) اشاره دارد. مانند رستاخیز، وعده قول حضور الهی نیز هست. هر سه شخص تثلیث در همه وقایع رستگاری شرکت دارند. در مومنان روح القدس (مراجعه کنید به اول رومیان ۸: ۹-۱۰) (۲) پسر (مراجعه کنید به متی ۲۸: ۲۰؛ کولسیان ۱: ۲۷) و (۳) پدر (مراجعه کنید به یوحنا ۱۴: ۱۴) ساکن هستند.

NASB: اول تسالونیکیان ۴: ۹ الی ۱۲

۹ و اما دربارهٔ محبت برادرانه نیازی نیست چیزی به شما بنویسیم، زیرا خود از خدا آموخته‌اید که یکدیگر را محبت کنید،^۱ و براستی که همهٔ برادران را در سرتاسر مقدونیه محبت می‌کنید. با این همه، ای برادران، ترغیب‌تان می‌کنیم که هر چه بیشتر چنین کنید.
۱۱ آرزومند این باشید که زندگی آرامی داشته باشید و سر به کار خویش مشغول بدارید و با دستهای خود کار کنید، همان‌گونه که شما را حکم کردیم.^{۱۲} بدین‌سان، زندگی روزمرهٔ شما احترام مردم بیرون را بر خواهد انگیخت، و محتاج کسی نیز نخواهید بود.

۹: ۴

NASB	"عشق برادران"
NKJV	"عشق برادرانه"
NRSV	"عشق برادران و خواهران"
TEV	"عشق به هم‌نوعان خود"
NJB	"دوست داشتن برادران ما"

این اصطلاح یونانی، *philadelphia* است. این به عشق به هم‌پیمانان اشاره دارد (مراجعه کنید به رومیان ۱۲: ۱۰؛ عبرانیان ۱۳: ۱؛ اول پطرس ۱: ۲۳؛ دوم پطرس ۱: ۷). جمله متعادل کننده در مورد دوست داشتن گمراهان در اول تسالونیکیان ۴: ۱۲ است (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۳: ۱۲).

■ "نیازی نیست چیزی به شما بنویسیم" این روش تاکتیکی پولس برای تایید آنها بود و در عین حال آنها را به تلاش بیشتر تشویق می‌کرد. این موضوع به مسائل دکتربین (یعنی آمدن دوم) اشاره نمی‌کند، بلکه یک سبک زندگی عملی و اخلاقی اشاره دارد.

■ "زیرا خود از خدا آموخته‌اید" این زمان حال است. تعلیم و تربیت همچنان ادامه می‌یابد همانطور که سکنی گزیدن روح القدس ادامه پیدا می‌کند (اول تسالونیکیان ۵: ۱؛ یوحنا ۱۴: ۲۶؛ ۱۶: ۱۳؛ دوم قرن‌تینان ۹: ۱؛ اول یوحنا ۲: ۲۰، ۲۷)، که نشانه‌ای از پیمان جدید است (مراجعه کنید به ارمیا ۳۱: ۳۳-۳۴). اصطلاح یونانی *theodidaktōi* (فقط در اینجا در عهد جدید یافت می‌شود) و به معنی "خدا یاد داده" است (مراجعه کنید به یوحنا ۶: ۴۵) و هدف آن "دوست داشتن یکدیگر" است (مراجعه کنید به یوحنا ۱۳: ۳۴؛ ۱۵: ۱۲، ۱۷؛ اول یوحنا ۲: ۷-۸؛ ۳: ۱۱، ۲۳؛ دوم یوحنا ۵).

۴: ۱۰ "چنین کنید" این یک زمان حال دیگر است که از ادامه کار سخن می‌گوید (اول تسالونیکیان ۴: ۱۷). پولس عشق آنها را تایید می‌کند اما آنها را به چالش می‌کشد تا حتی بیشتر محبت ورزند (همانطور که او در خلوص سبک زندگی خود در اول تسالونیکیان ۴: ۱ انجام داد).

■ "هر چه بیشتر" آنها کار خوبی انجام می‌دهند، اما باید بیشتر انجام دهند (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۴: ۱). عشق امضای خداست. ما هرگز به اندازه کافی عاشق نمی‌شویم (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۳: ۱۲). به موضوع خاص: فراوانی در اول تسالونیکیان ۳: ۱۲ مراجعه کنید.

"برای رسیدن به آرزوی خود برای داشتن یک زندگی آرام"	NASB
"که شما نیز آرزو دارید زندگی آرام را پشت سر بگذارید"	NKJV
"آرزو به زندگی بی سر و صدا"	NRSV
"زندگی خود را به هدف خود تبدیل کنید"	TEV
"ما به شما برادران ترغیب می کنیم که پیشرفت بیشتری کنید و پیشرفت کنید"	NJB

آیه ۱۱ مجموعه ای از چهار زمان حال نامحدود است که به صورت امری مورد استفاده قرار گرفته اند و امر به تداوم عمل دارند. این احتمالاً در جوهیجان انگیز ناشی از انتظار آمدن دوم، صبر و شکیبایی را القا می کند. "آماده باشید و وفادار بمانید"، نه اینکه "آماده بشوید" پیام عهد جدید در این زمینه است. اصطلاح "جاه طلبی" به معنای "در نظر گرفتن یک افتخار" یا "آرزو" است. در رومیان ۱۵: ۲۰ و دوم قرنتیان ۵: ۹ نیز از آن استفاده شده است.

■ "با دستهای خود کار کنید" به یاد داشته باشید که موقعیت تاریخی نوشتن این بود که عده ای در کلیسا موعظه های پولس را در مورد آمدن دوم اشتباه درک کرده بودند و کار خود را رها کرده منتظر بازگشت مسیح بودند. در فرهنگ یونانی اعتقاد بر این بود که کار دستی مختص بردگان است. اما در فرهنگ عبری، هر کس، حتی ربی ها، به یک حرفه نیاز داشت به عنوان وسیله ای برای حمایت از خود (مراجعه کنید به اعمال رسولان ۲۰: ۳۵؛ اول قرنتیان ۴: ۱۷). برخی از نسخ خطی اولیه یونانی، A، B، D (NRSV)، "کار را با دست خودتان" اضافه می کنند، اما برخی دیگر (B، D*) آن را حذف می کنند. UBS⁴ مطمئن نیست که آیا باید آن را شامل شود (رتبه "C").

■ "همان گونه که شما را حکم کردیم" این یک حالت قوی برای "فرمان" است (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۳: ۴، ۶، ۱۰، ۱۲).

"که شما به درستی با افراد خارجی رفتار خواهید کرد"	NASB, NRSV
"تا بتوانید به درستی به سمت کسانی که در خارج هستند گام بردارید"	NKJV
"به این ترتیب شما احترام کسانی را که مومن نیستند کسب خواهید کرد"	TEV
"طوری که به نظر افراد خارج از کلیسا قابل احترام است"	NJB

مردم نظاره گر هستند. ما شاهدان هستیم (مراجعه کنید به متی ۵: ۱۳ الی ۱۶؛ کولسیان ۴: ۵؛ اول تیموتائوس ۳: ۷؛ ۵: ۱۴؛ ۶: ۱؛ تیتوس ۲: ۵).

"به هیچ وجه نیازی نیست"	NASB
"که ممکن است شما هیچ چیزی را نداشته باشید"	NKJV
"و به هیچ کس وابسته نباشید"	NRSV
"و لازم نیست به آنچه نیاز دارید به کسی وابسته شوید"	TEV
"اگرچه لازم نیست به آنها وابستگی داشته باشید"	NJB

ظاهراً مسیحیانی که کار خود را رها کرده بودند انتظار داشتند که سایر مسیحیان همه نیازهای آنان را تامین کنند. مومنان باید از منابع خود برای نیازهای خانواده مسیحی استفاده کنند (مراجعه کنید به دوم قرنتیان ۸-۹؛ افسسیان ۴: ۲۸)، اما نه برای کسانی که از کار کردن امتناع می ورزند!

موضوع خاص: ثروت

(SPECIAL TOPIC: WEALTH)

I. چشم انداز عهد عتیق در عنوان کل

A. خدا مالک همه چیز است

۱. پیدایش ۱ الی ۲

۲. اول تواریخ ۱۱: ۲۹

۳. مزامیر ۱:۲۴، ۱۲:۵۰، ۱۱:۸۹

۴. اشعیا ۲:۶۶

B. انسانها ناظرین ثروت برای اهداف خدا هستند

۱. تثنیه ۱۱:۸ الی ۲۰

۲. لایوان ۹:۱۹ الی ۱۸

۳. یعقوب ۱۶:۳۱ الی ۳۳

۴. اشعیا ۶:۵۸ الی ۱۰

C. ثروت بخشی از عبادت است

۱. دو عشر

(a) اعداد ۲۱:۱۸ الی ۲۹، تثنیه ۶:۱۲ الی ۷، ۲۲:۱۴ الی ۲۷

(b) تثنیه ۱۰:۳، ۲۰:۸ الی ۲۱، ۲۲:۱۰، ۶:۱۵

۲. امثال ۹:۳

D. ثروت به عنوان هدیه ای از جانب خدا برای وفاداران به پیمان

۱. تثنیه ۲۷ الی ۲۸

۲. امثال ۱۰:۳، ۲۰:۸ الی ۲۱، ۲۲:۱۰، ۶:۱۵

E. هشدار در برابر ثروت به قیمت دیگران

۱. امثال ۶:۲۱

۲. ارمیا ۲۶:۵ الی ۲۹

۳. یوشع ۶:۱۲ الی ۸

۴. میکاه ۹:۶ الی ۱۲

F. ثروت به خودی خود گناه نیست مگر اینکه اولویت داشته باشد

۱. مزامیر ۷:۵۲، ۱۰:۶۲، ۳:۷۳ الی ۹

۲. امثال ۲۸:۱۱، ۴:۲۳ الی ۵، ۲۴:۲۷، ۲۰:۲۸ الی ۲۲

۳. یعقوب ۲۴:۲۱ الی ۲۸

II.

چشم انداز منحصر به فرد امثال

A. ثروت حاصل تلاش فردی است

۱. سستی و تنبلی محکوم است، امثال ۶:۶ الی ۱۱، ۴:۱۰ الی ۵ و ۲۶، ۲۴:۱۲ و ۲۷، ۴:۱۳، ۱۹:۱۵، ۱۹:۱۸، ۱۵:۱۹ و ۲۴.

۲. سخت کار کردن تشویق شده است - امثال ۱۱:۱۲ و ۱۴، ۱۱:۱۳

۳. ۲۰:۴، ۱۳:۲۱، ۱۳:۲۲، ۳۰:۲۴ الی ۳۴، ۱۳:۲۶ الی ۱۶

B. از فقر در برابر ثروت برای به تصویر کشیدن ضعف در برابر پارسایی استفاده شده است - امثال ۱:۱۰، ۲۷:۱۱ الی ۲۸، ۷:۱۳، ۱۶:۱۵

الی ۱۷، ۶:۲۸ و ۱۹ الی ۲۰

C. خرد (شناختن خدا و کلامش و زندگی با این آگاهی) بهتر از ثروت است - امثال ۱۳:۳ الی ۱۵، ۹:۸ الی ۱۱ و ۱۸ الی ۲۱، ۱۸:۱۳

D. هشدارها و نصایح

۱. هشدارها

(a) موقع تضمین وام همسایه مراقب باشید - امثال ۱:۶ الی ۵، ۱۱:۱۵، ۱۷:۱۸، ۱۶:۲۰، ۲۶:۲۲ الی ۲۷، ۱۳:۲۷

(b) مراقب باشید که از راه های شیطانی ثروتمند نشوید - امثال ۱:۱۹، ۲:۱۰ و ۱۵، ۱:۱۱، ۱۱:۱۳، ۱۱:۱۶، ۱۰:۲۰ و ۲۳،

۶:۲۱، ۱۶:۲۲ و ۲۲، ۸:۲۸

(c) موقع قرض گرفتن مراقب باشید، امثال ۷:۲۲

(d) حواستان باشد که ثروت کوتاه مدت است، امثال ۴:۲۳ الی ۵

(e) ثروت در روز داوری کمک نخواهد کرد - امثال ۴:۱۱

(f) ثروت "دوستان" زیادی دارد - امثال ۲۰:۱۴، ۴:۱۹

۲. نصایح

- (a) سخاوتمندی تشویق می‌شود - امثال ۱۱:۲۴ الی ۲۶، ۳۱:۱۴، ۵:۱۷، ۱۷:۱۹، ۹:۲۲ و ۲۲ الی ۲۳، ۱۰:۲۳ الی ۱۱، ۲۸:۲۷
- (b) پارسایی بهتر از ثروت است - امثال ۸:۱۶، ۶:۲۸ و ۸ و ۲۰ الی ۲۲
- (c) دعا برای نیاز است نه فراوانی - امثال ۷:۳۰ الی ۹
- (d) به فقیر کمک کردن همانند کمک کردن به خدا است - امثال ۳۱:۱۴

III. چشم انداز عهد جدید

A. عیسی

۱. ثروت یک وسوسه منحصر به فرد برای اعتماد به خود و منابع خود به جای خدا و منابع او است

- (a) انجیل متی ۶:۲۴، ۱۳:۲۲، ۱۹:۲۳
- (b) انجیل مرقس ۱۰:۲۳ الی ۳۱
- (c) انجیل لوقا ۱۵:۱۲ الی ۲۱ و ۳۳ الی ۳۴
- (d) مکاشفه ۳:۱۷ الی ۱۹

۲. خدا نیازهای فیزیکی ما را تامین می‌کند

- (a) انجیل متی ۶:۱۹ الی ۳۴
- (b) انجیل لوقا ۱۲:۲۹ الی ۳۲

۳. هر آنچه بکاری، حاصل همان را برداشت می‌کنی

- (a) انجیل مرقس ۴:۲۴
- (b) انجیل لوقا ۶:۳۶ الی ۳۸
- (c) انجیل متی ۶:۱۴، ۱۸:۳۵

۴. توبه بر ثروت تاثیر می‌گذارد

- (a) انجیل لوقا ۱۹:۲ الی ۱۰
- (b) لاویان ۱۶:۵

۵. سو استفاده اقتصادی محکوم است

- (a) انجیل متی ۲۳:۲۵
- (b) انجیل مرقس ۱۲:۳۸ الی ۴۰

۶. داوری پایان زمان با استفاده ما از ثروت رابطه دارد - انجیل متی ۲۵:۳۱ الی ۴۶

B. پولس

۱. نگاه عملی همانند امثال

- (a) افسسیان ۴:۲۸
- (b) اول تسالونیکیان ۴:۱۱ الی ۱۲
- (c) دوم تسالونیکیان ۳:۸ و ۱۱ الی ۱۲
- (d) اول تیموتائوس ۵:۸

۲. نگاه معنوی همانند عیسی (همه چیز کوتاه مدت است)

- (a) اول تیموتائوس ۶:۶ الی ۱۰ (قناعت)
- (b) فیلیپیان، ۴:۱۱ الی ۱۲ (قناعت)
- (c) عبرانیان ۱۳:۵ (قناعت)
- (d) اول تیموتائوس ۶:۱۷ الی ۱۹ (سخاوتمندی و اعتماد به خدا، نه ثروت)
- (e) اول قرنتیان ۷:۳۰ الی ۳۱

IV. جمع بندی

A. هیچ الهیات انجیلی سیستماتیکی در مورد ثروت وجود ندارد

B. هیچ عبارت قطعی و مشخصی در این مورد وجود ندارد، بنابراین بینشها باید بسوی عبارتهای متفاوت باشند. مراقب باشید که در میان متون بدنبال عقیده خود نباشید.

- C. امثال، که توسط افراد خردمند نوشته شده، نگرش متفاوتی از سایر انواع ژانرهای انجیلی دارد. امثال عملی بوده و بر افراد تمرکز دارد.
 برقرار کننده توازن است و باید میان بقیه کتاب مقدس توازن برقرار کند (مراجعه شود به ارمیا ۱۸:۱۸)
- D. روزگار ما باید نگرش خود و تجربیاتش در رابطه با ثروت را در نور انجیل تحلیل کند. اگر فقط سرمایه داری یا کمونیسیم تنها راهنمای ما باشند، اولویتهای جابجا می‌شوند. چرا و چگونه یک نفر موفق می‌شود سوالات مهمتری هستند تا اینکه چقدر اندوخته است.
- E. انباشتن ثروت باید در توازن با عبادت و خدمتگزاری مسئولانه باشد (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۸ الی ۹).

NASB: اول تسالونیکیان ۴: ۱۳ الی ۱۸

^{۱۳} ای برادران، نمی‌خواهیم از حال خفتگان بی‌خبر باشید، مبدا همچون دیگر مردمان که امیدی ندارند، به ماتم بنشینید. ^{۱۴} زیرا اگر ایمان داریم که عیسی مرد و برخاست، پس به همین‌سان خدا آنان را نیز که در عیسی خفته‌اند، با وی باز خواهد آورد. ^{۱۵} این را به واسطه کلام خود خداوند به شما می‌گوییم: کسانی از ما که هنوز زنده‌اند و تا آمدن خداوند باقی می‌مانند، به یقین از خفتگان پیشی نخواهند گرفت. ^{۱۶} زیرا خداوند، خود با فرمانی بلندآواز و آوای رئیس فرشتگان و نفیر شیپور خدا، از آسمان فرود خواهد آمد. آنگاه نخست مردگان در مسیح، بر خواهند خاست. ^{۱۷} پس از آن، ما که هنوز زنده و باقی مانده‌ایم، با آنها در ابرها روبرو خواهیم شد تا خداوند را در هوا ملاقات کنیم، و بدین‌گونه همیشه با خداوند خواهیم بود. ^{۱۸} پس بدین سخنان، یکدیگر را دل‌داری دهید.

۴: ۱۳ الی ۵: ۱۱ متن در مورد آمدن دوم تا ۵: ۱۱ ادامه پیدا می‌کند. توجه داشته باشید که تمرکز آن برای شبانان است (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۱۵: ۵۸). دکتربین ارائه می‌شود، ولی فقط به اینصورت که در خدمت یک شیوه زندگی خداپسندانه در حال حاضر باشد!

۴: ۱۳ "نمی‌خواهیم از حال خفتگان بی‌خبر باشید" این یک عبارت رایج در نوشته‌های پولس است (مراجعه کنید به رومیان ۱: ۱۳؛ ۱۱: ۲۵؛ اول قرنتیان ۱۰: ۱؛ ۱۲: ۱؛ دوم قرنتیان ۱: ۸). معمولا عبارت مهمی را بیان می‌دارد، شبیه به استفاده عیسی از "آمین، آمین". آگاهی از حقیقت مسیحی (دکترین و جهان بینی) به مومنان در دنیای گمراه‌ثبات می‌بخشد.

■ "از حال" (در متن انگلیسی "درباره" نوشته شده و این تفسیر بر اساس متن انگلیسی است- مترجم) ممکن است تیموتائوس برخی سوالات را کلیسا در مورد آمدن دوم از پولس پرسیده باشد.

۱. در مورد مومنانی که قبلا فوت کرده‌اند، چه می‌شود؟ آیا آنها در رویدادهای آخرالزمان شرکت می‌کنند؟
۲. آیا مومنین از آمدن دوم غافلگیر می‌شوند و از این رو برای وقایع آخرالزمان آماده نمی‌شوند؟

پولس غالبا از این پیشفرض "درباره" استفاده می‌کند تا پاسخ‌های خود را به سوالات کلیسای قرنتس ارائه کند (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۸: ۱؛ ۱۲: ۱؛ همچنین اول تسالونیکیان ۵: ۱).

NASB "کسانی که خواب هستند"
 NKJV "کسانی که خوابیده‌اند"
 NRSV, TEV, NJB "کسانی که فوت کرده‌اند"

نسخ خطی یونانی در اینجا تفاوت دارند: (۱) برخی نسخ خطی یونیکال، وجه وصفی حال معلوم دارند، A، B و (۲) دیگران دارای یک وجه وصفی حال کامل دارند، مانند D، F، G، K، و L. کاتبین احتمالا زمان حال اصل را در پی استفاده در متی ۲۷: ۵۲ و اول قرنتیان ۱۵: ۲۰ به زمان کامل تغییر داده باشند. (یعنی، Metzger، صفحه ۶۳۲).

عیسی از یک اصطلاح جایگزین عهد عتیقی برای مرگ استفاده کرد، "خواب" (مراجعه کنید به BDB 1011، یعنی دوم سموئیل ۷: ۱۲؛ اول پادشاهان ۲۲: ۴۰؛ مراجع در عهد جدید: متی ۲۷: ۵۲؛ یوحنا ۱۱: ۱۱-۱۳؛ اعمال رسولان ۷: ۶۰؛ اول قرنتیان ۷: ۳۹؛ ۱۱: ۳۰؛ ۱۵: ۱۸؛ دوم پطرس ۳: ۴). اصطلاح انگلیسی "قبرستان" از این کلمه یونانی گرفته شده است.

این به دکتربین "خواب روح" اشاره نمی‌کند، که مومنان به طور ناخودآگاه تا روز رستاخیز صبر می‌کنند. عهد جدید از مشارکت آگاهانه اما محدود تا روز رستاخیز، یعنی آمدن دوم صحبت می‌کند (مراجعه کنید به لوقا ۱۶: ۱۹-۳۱؛ ۲۳: ۴۳؛ دوم قرنتیان ۵: ۸؛ فیلیپیان ۱: ۲۳).

■ "مبدا همچون دیگر مردمان که امیدی ندارند، به ماتم بنشینید" (در نسخه انگلیسی این عبارت به صورت "مبدا همچون دیگران که نا امید هستند، عزاداری کنید" نوشته شده و این تفسیر در رابطه با متن انگلیسی است- مترجم) فعل "عزاداری کردن" یک وجه شرطی مجهول است (رجوع کنید افسسیان

۱۲:۲). مومنان نباید با مرگ جسمی اندوهگین شوند زیرا ما حقایق انجیل را می‌دانیم.

۱. عیسی به خاطر ما مرد

۲. روح القدس که او را برخیزاند، ما را نیز برمی‌خیزاند

۳. او به خاطر ما باز می‌گردد

۴. کسانی که مرده‌اند، در حال حاضر با او هستند

دنیای بت پرستی (به عنوان مثال، "بقیه"، مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۵: ۱۶) آسایش هنگام مرگ را از دست می‌دهد. سقراط گفت: "اوه، کلام الهی وجود داشته است که می‌توانستیم با ایمنی بیشتر و خطر کمتر قایق سواری را بر روی یک کشتی قوی‌تر انجام دهیم." موضوع خاص: امید در غلاطیان ۵: ۵ را مطالعه کنید.

۴: ۱۴ "اگر" این یک جمله شرطی نوع اول است که از دیدگاه نویسنده و یا از منظر نویسنده شرط درست است.

■ **"ایمان داریم"** این فعل الهیاتی مهم است (حال اخباری فعال) برای اینکه انسان به مسیح ایمان داشته باشد. این فعل یونانی *pisteuō* است که با ترجمه "ایمان"، "اعتماد" یا "ایمان" به انگلیسی ترجمه شده است. موضوع خاص: ایمان در غلاطیان ۳: ۶ را مطالعه کنید. این اعتماد شخصی در عهد جدید با استفاده از تمام حالات صرف فعل یونانی متداول مشخص می‌شود:

۱. آئوریست (زمان گذشته ساده)، اعمال رسولان ۱۵: ۱۱؛ رومیان ۸: ۲۴؛ دوم تیموتائوس ۱: ۹؛ تیتوس ۳: ۵

۲. حال (روند در حال انجام)، اول قرنتیان ۱: ۱۸؛ ۱۵: ۲؛ دوم قرنتیان ۲: ۱۵؛ اول تسالونیکیان ۴: ۱۴

۳. کامل (عمل در گذشته به اتمام رسیده و تاثیر آن تا زمان حال باقی می‌ماند)، افسسیان ۲: ۵، ۸

۴. آینده (در صرف فعل یا متن)، رومیان ۵: ۹، ۱۰؛ ۱۰: ۹؛ ۱۳: ۱۱؛ اول قرنتیان ۳: ۱۵؛ فیلیپیان ۱: ۲۸؛ اول تسالونیکیان ۵: ۸-۹؛ عبرانیان ۱: ۱۴؛ ۹: ۲۸.

این یک تصمیم اولیه است و به دنبال آن، سبک زندگی شاگردی است که روزی در یک کالبد جاودانی و دوستی رو در رو با تثلیث تحقق می‌یابد (مراجعه کنید به اول یوحنا ۳: ۲). پیشرفت الهیاتی را می‌توان در رومیان ۸: ۲۹-۳۰، از انتخاب گرفته تا توجیه، تقدیس، تجلیل مشاهده کرد.

■ **"که"** این عبارت *hoti* محتوای دکتترین را به انجیل می‌دهد. موضوع خاص: ایمان، اعتماد، باور و وفاداری در عهد عتیق را در E#5 مطالعه کنید.

■ **"عیسی مرد و برخاست"** اینها هر دو آئوریست اخباری فعال هستند که منعکس کننده حقایق تاریخی می‌باشند. این حقایق انجیل پایه و اساس امید مومن هستند: (۱) کفار به عنوان جانشین (مراجعه کنید به اشعیا ۵۳، مرقس ۱۰: ۴۵؛ دوم قرنتیان ۵: ۲۱) و (۲) رستاخیز جسمانی، فیزیکی، ابدی (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۱: ۱۰؛ اول قرنتیان ۱۵).

■ **"خدا... با وی باز خواهد آورد"** این یک عبارت دشوار است زیرا فعل (*agō*) زمینه معنایی گسترده‌ای دارد (آوردن، هدایت کردن، در جهتی رهبری کردن، در مسیری هدایت کردن، رفتن، گریز زدن و غیره). آیا این نشان می‌دهد که مردگان در بهشت با عیسی هستند یا مردگان به هنگام آمدن عیسی برخاستند؟

در متن ضمیر به عیسی در زمان آمدن او اشاره می‌کند. مومنان تسالونیکی موعظه پولس را درباره آمدن دوم درک نکردند. آنها می‌خواستند بدانند که آیا کلیساهای آنان که قبلاً فوت کرده بودند، در رویدادهای آخرالزمان شرکت خواهند کرد. این پاسخ مثبت پولس است. نه تنها آنها شرکت می‌کنند، بلکه ابتدا بدن جدید خود را دریافت می‌کنند و در ابرهای بهشت عیسی را همراهی می‌کنند.

موضع عهد جدید درباره وضعیت مومنان بین مرگ و روز رستاخیز مشخص نیست. وقتی این متن با دوم قرنتیان ۵: ۶، ۸ مقایسه شود، فرض کردن یک دوره بدوم کالبد یک ضرورت منطقی است. مومنان نزد پروردگار هستند، اما هنوز بدنهای زمان رستاخیز خود را ندارند.

۴: ۱۵ "این را به واسطه کلام خود خداوند به شما می‌گوییم" پولس نظر شخصی خود را ارائه نمی‌داد، بلکه با تعالیم عیسی در ارتباط بود (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۴: ۲)، با این حال، این گفته خاص از عیسی در انجیل رعایت نشده است. مشخص نیست که آیا این موضوع مربوط می‌شود

۱. روایات شفاهی مسیحی (اعمال رسولان ۲۰: ۳۵)

۲. خطبه‌های عیسی، مانند متی ۲۴ یا مرقس ۱۳ یا لوقا ۲۱

۳. اگر این بخشی از مکاشفه شخصی عیسی به پولس در حالی که در عربستان بود، غلاطیان ۱: ۱۷ بوده باشد

۴. بعداً، وحی مستقیم مانند دوم قرنتیان ۱۲: ۱ به بعد آمده باشد

این عبارت دلالت بر این دارد که پولس چیزی را که دریافت کرده است، بیان می‌دارد، بدان معناست که دیدگاه‌های تبعیض آمیز او منحصر به فرد نبودند. او آنچه را دریافت کرده است می‌گوید. مشکل این است که ما مدرن‌ها از منبع این مکاشفه آگاهی نداریم یا اینکه نمیدانیم از چه گسترده‌ای استفاده

NASB, NKJV	"ما که زنده هستیم و تا آمدن خداوند باقی می مانیم"
NRSV	"ما زنده هستیم، که تا آمدن خداوند باقی مانده اند"
TEV	"ما که روزی که خداوند فرا می رسد زنده هستیم"
NJB	"تا زمان آمدن خداوند زنده است"

استفاده از ضمیر "ما" می تواند به معنای این باشد که (۱) پولس انتظار داشت که سرورمان در زمان حیات او بازگردد یا (۲) استفاده ویراستارانه از "ما" است. موضوع خاص: بازگشت عیسی در اول تسالونیکیان ۲: ۱۹ و ۳: ۱۳ را مطالعه کنید. این انتظار بازگشت "هر لحظه" سرورمان، امتیاز هر نسل از مومنان است، اما تجربه تنها یک نسل می باشد. این بدان معنی نیست که پولس نادرست بود که الهام بخشی را زیر سوال می برد. این همچنین ممکن است فقط یک تکنیک ادبی باشد زیرا در دوم تسالونیکیان پولس آمدن دوم با تاخیر را اظهار داشت، همانگونه که عیسی در متی ۲۴ بیان کرد (و به صورت همسو) و پطرس در دوم پطرس ۳ اظهار داشت.

موضوع خاص: هر لحظه امکان بازگشت عیسی در مقابل نه هنوز (پارادوکس عهد جدید)

SPECIAL TOPIC: THE ANY-MOMENT RETURN OF JESUS VS. THE NOT YET (NT paradox)

- A. بخشهای مطبوعاتی عهد جدید منعکس کننده بینش نبوی عهد عتیق است که زمان پایان را از طریق وقایع معاصر مشاهده می کرد.
- B. متی ۲۴، مرقس ۱۳ و لوقا ۲۱ تفسیر بسیار دشوار است زیرا همزمان با چندین سوال سر و کار دارند.
۱. چه زمانی معبد نابود خواهد شد؟
 ۲. نشانه بازگشت مسیح چه خواهد بود؟
 ۳. چه زمانی این عصر پایان می یابد (رجوع کنید به متی ۲۴: ۳)؟
- C. ژانر عبارات اصطلاحات عهد جدید معمولاً ترکیبی از زبان آخرالزمانی و نبوی است که کاملاً مبهم و کاملاً نمادین است (مراجعه کنید به D. Brent Sandy. *Ploswhares and Pruning Hooks: Rethinking the Language of Biblical Prophecy and Apocalyptic*).
- D. چندین متن در عهد جدید (مراجعه شود به متی ۲۴، مرقس ۱، لوقا ۱۷ و ۲۱، اول و دوم تسالونیکیان و مکاشفه) با آمدن دوم سروکار دارد. مواردی که در این قسمت ها تاکید شده است:
۱. زمان دقیق رویداد ناشناخته است، اما این رویداد مشخص است
 ۲. می توانیم از زمان وقایع کلی، اما نه زمان مشخص، آگاه باشیم
 ۳. به طور ناگهانی و غیر منتظره اتفاق می افتد
 ۴. ما باید برای انجام وظایف دعا، آماده و وفادار باشیم.
- E. یک تنش پارادوکسی کلامی بین آن وجود دارد
۱. بازگشت هر لحظه (رجوع کنید به لوقا ۱۲: ۴۰، ۴۶؛ ۲۱: ۳۶؛ متی ۲۴: ۲۷، ۴۴) و
 ۲. این واقعیت که برخی از وقایع در تاریخ باید رخ دهند (گزینه F در زیر)
- F. عهد جدید اظهار داشت که برخی از وقایع قبل از آمدن دوم رخ خواهند داد:
۱. انجیل به تمام جهان موعظه شد (رجوع کنید به متی ۲۴: ۱۴؛ مرقس ۱۳: ۱۰)
 ۲. ارتداد بزرگ (مراجعه کنید به متی ۲۴: ۱۰-۱۳، ۲۱؛ اول تیموتائوس ۴: ۱؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۳)
 ۳. مکاشفه "مرد گناه" (مراجعه کنید به دانیال ۷: ۲۳ الی ۲۶؛ ۹: ۲۴-۲۷؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۳)
 ۴. حذف آن / چه کسی مهار می کند (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۲: ۶-۷)
 ۵. احیای امیدوارانه یهودیان (مراجعه کنید به زکریا ۱۲: ۱۰؛ رومیان ۱۱)
- G. لوقا ۱۷: ۲۶-۳۷ در مرقس همسو ندارد. این یک همسویی سینوپتییک جزئی در متی ۲۴: ۳۷-۴۴ دارد.
- H. برای بحث در مورد بازگشت مجدد مسیح، به موضوع خاص: به زودی باز می گردد مراجعه کنید.
- I. برای بحث در مورد بازگشت تاخیر، به موضوع خاص: آمدن دوم با تاخیر مراجعه کنید

"پیشی نخواهند گرفت"	NASB
"به هیچ طریقی پیشی نخواهند گرفت"	NKJV, NRSV
"جلو نخواهند رفت"	TEV
"هیچ مزیتی نخواهند داشت"	NJB

این یک منفی مضاعف است، "هرگز - نه ، هرگز". آن قدیسانی که مرده اند، کاملاً در کلیه رویدادهای آخرالزمان شرکت خواهند کرد، همانطور که مومنانی که در آمدن دوم زنده هستند. اصطلاح "جلوگیری" که در KJV استفاده شده، گمراه کننده است. در انگلیسی سال ۱۶۱۱ به معنای "پیش روی" بود. هیچ انسانی نمی تواند از آمدن دوم جلوگیری کند.

۱۶:۴ "خداوند، خود" (در کتاب مقدس برای عیسی مسیح اصطلاح Lord به معنی ارباب/سرور استفاده شده که به اشتباه در فارسی خداوند ترجمه شده است-مترجم) متن یونانی بر بازگشت شخصی عیسی تاکید می کند - نه جانشین وی (مراجعه کنید به یوحنا ۵: ۲۵-۲۸).

■ "از آسمان فرود خواهد آمد" (در متن انگلیسی "از بهشت پائین خواهد آمد" نوشته شده و این تفسیر بر مبنای متن انگلیسی است-مترجم) عیسی دومین بار حضور پدر را برای بازیابی خانواده ایمان ترک خواهد کرد (مراجعه کنید به یوحنا ۱۴: ۲-۳).

"با یک فریاد ، با صدای فرشته کماندار و با صدای شیپور خدا"	NASB, NKJV
"با فرمانی بلندآواز و آوای رئیس فرشتگان و نفیر شیپور خدا"	NRSV
"فریاد فرمان ، صدای فرشته ، صدای شیپور خدا خواهد بود"	TEV
"در شیپور خدا، صدای فرشته فرمان را فرامی خواند"	NJB

این سوال باقی می ماند که چه تعداد از افراد آسمانی با این سه واقعه همسو ارتباط دارند. یک فریاد وجود دارد (این کلمه فقط در اینجا در عهد جدید یافت می شود)، یک صدا و یک انفجار صدای ترومپت. JB فرض می کند که هر سه توسط فرشته انجام شده و سپس عیسی فرود می آید. ترجمه های دیگر حاکی از آن هستند که اولین "فریاد"، "دستور" یا "صدای بلند" از طرف عیسی است و سپس فرشته برای شیپور می نوازد. بهشت برای این رویداد آماده است - در تقویم است. عدم قطعیت زمان وقوع و وقوع این رویداد با آگاهی از چه کسی خواهد آمد ناچیز می شود. عیسی دوباره می آید تا آنچه را که متعلق به او است را دریافت کند.

■ "فرشته کماندار" هیچ حرف تعریف خاصی وجود ندارد، بنابراین، باید "فرشته ای" خوانده شود. هر چند دانیال ۱۰: ۱۳ دلالت بر چندین مورد دارد، کتاب مقدس فقط به یک مورد اشاره می کند: میخائیل (مراجعه کنید به یهودا ۹). او فرشته ملی اسرائیل است.

■ "شیپور" صدای شیپور یک روش فرهنگی برای اعلام ورود یک عضو سلطنتی در شرق بود (مراجعه کنید به عبریان ۱۲: ۱۸-۱۹). با این حال، به شیوه های دیگری نیز کاربرد دارد.

۱. داوری الهی، مکاشفه ۸: ۲؛ ۱۱: ۱۵-۱۹

۲. رستاخیز ، اول قرن تیان ۱۵: ۵۲

۳. جمع آوری منتخبان توسط فرشتگان ، متی ۲۴: ۳۱

این وسیله ارتباطی بسیار مهمی در عهد عتیق بود که برای وقایع مذهبی و نظامی مورد استفاده قرار می گرفت (مراجعه کنید به خروج ۱۹: ۱۶؛ اشعیا ۲۷: ۱۳؛ یوئیل ۲: ۱؛ صفتیا ۱: ۱۶؛ حزقیال ۹: ۱۴؛ اول قرن تیان ۱۵: ۵۲).

دو نوع شیپور در عهد عتیق ظاهر می شود: (۱) شیپورهای نقره ای (مراجعه کنید به اعداد ۱۰: ۲، ۸: ۱۰-۳۱: ۶) و (۲) شاخ سمت چپ یک قوچ بنام شوفر (رجوع کنید به خروج ۱۹: ۱۶، ۱۹: ۲۰؛ ۱۸: ۲۵؛ ۹: یوشع ۶).

این امکان وجود دارد که هر سه صدا (فریاد، صدا، شیپور) به صداهای فرشته اشاره کنند زیرا در مکاشفه ۴: ۱ صدای فرشته به عنوان یک شیپور نامیده می شود (مراجعه کنید به مکاشفه ۱: ۱۰).

موضوع خاص: شاخ های مورد استفاده اسرائیل

SPECIAL TOPIC: HORNS USED BY ISRAEL

چهار لغت به زبان عبری وجود دارد که با شاخ ها و شیپورها همراه هستند:

۱. "شاخ قوچ" (BDB 901, KB 1144) - از آن به عنوان ابزار بادی استفاده می‌شود، مراجعه کنید به یوشع ۶: ۵. همین کلمه در مورد قوچی که توسط شاخهای گرفته شده و ابراهیم برای اشعیا در پیدایش ۲۲: ۱۳ جایگزین می‌کند، به کار می‌رود.
 ۲. "شیپور" (BDB 1051) - از اصطلاح آشوری برای گوسفندان وحشی (ibex) است. این شاخی است که در خروج ۱۹: ۱۶، ۱۹ در کوهسینا / هورب استفاده شده است. شماره ۱ و شماره ۲ به صورت همسو در یوشع ۶: ۵ برای برقراری ارتباط استفاده می‌شد.
 - a. مواقع عبادت (مراجعه کنید به لاویان ۲۵: ۹)
 - b. مواقع جنگیدن (به عنوان مثال، اریحا هر دو، مراجعه کنید به یوشع ۶: ۴؛ داوران ۳: ۲۷؛ ۶: ۳۴؛ اول سموئیل ۱۳: ۳؛ ارمیا ۴: ۵؛ هوشع ۵: ۸)
 - c. در زمان مسح کردن یک پادشاه جدید، اول پادشاهان ۱: ۳۴، ۳۹
 - d. دمیده شده توسط خدا، زکریا ۹: ۱۴
 ۳. "شاخ قوچ" (BDB 385, KB 398) - از کلمه فنیقی برای قوچ (مراجعه کنید به یوشع ۶: ۴، ۶، ۸، ۱۳). همچنین معرف سالگرد یوبیل است (مراجعه کنید به لاویان ۲۵: ۱۳، ۲۸، ۴۰، ۵۰، ۵۲، ۵۴؛ ۷: ۱۷، ۱۸، ۲۳، ۲۴). به نظر می‌رسد همه این سه مورد با یکدیگر قابل جایگزینی باشند و هیچ تمایزی در نظر گرفته نشده است. میشنا (RH 3.2) شاخ را از گوسفند، بز یا آنتلوپ اجازه می‌داد، اما نه از گاو.
 ۴. "شیپور" (BDB 348, KB 344) - احتمالاً از فعل "کشیدن"، که حاکی از استخوان صاف است (مانند شاخهای حیوان خمیده نیست). اینها از نقره (پس از شکل و حالت دادن از مصر) ساخته شده بودند. برای موارد زیر استفاده می‌شدند:
 - a. مناسک عبادت (مراجعه کنید به اعداد ۱۰: ۲، ۸، ۱۰؛ عزرا ۳: ۱۰؛ نمیا ۱۲: ۳۵، ۴۱)
 - b. برای اهداف نظامی (مراجعه کنید به اعداد ۱۰: ۹؛ ۳۱: ۶؛ هوشع ۵: ۸)
 - c. برای اهداف سلطنتی (مراجعه کنید به دوم پادشاهان ۱۱: ۱۴)
- شرح می‌دهد. *Antiq. 3.12.6* یکی از این شاخهای فلزی در ارک تیتوس در رم به تصویر کشیده شده است. همچنین جوزفوس آنها را در

■ **"آنگاه نخست مردگان در مسیح، بر خواهند خاست"** این عبارت باعث سردرگمی در مورد جایی است که مردگان بین مرگ و روز رستاخیزشان می‌روند. این آیه دلالت بر این دارد که آنها در گور خواهند ماند (مراجعه کنید به متی ۲۷: ۵۲-۵۳). با این حال، دوم قرن‌تین ۵: ۶، ۸ دلالت بر این دارند که آنها با خداوند هستند. راه حل ممکن است در فرض حالت جدا شده باشد. بدن جسمی در قبر باقی مانده است، نیروی زندگی در کنار خداوند قرار می‌گیرد. در اینجا بسیاری از سوالات، بی پاسخ هستند. کتاب مقدس شرح واضح و روشنی درباره این موضوع ارائه نمی‌کند. به *The Bible On the Life Hereafter* اثر William Hendricksen مراجعه کنید.

اکثر ترجمه‌ها آن را چنان ترجمه می‌کنند که گویی قدیسان با خدا / عیسی هستند و با او باز می‌گردند (مراجعه کنید به NASB). دیدگاه دیگری در TEV یافت شده است، "کسانی که با ایمان به مسیح درگذشتند، ابتدا حیات خواهند یافت.

۴: ۱۷ "زبوده خواهیم شد" مفهوم الهیاتی ما از "وجد روحانی" از همین فعل سرچشمه می‌گیرد. در اینجا "زبودن" واژه‌ای لاتین از فعل یونانی است (*harpazō* - آینده اخباری مجهول)، که دلالت بر "دزدیدن نیروی" دارد (مراجعه کنید به یوحنا ۱۵: ۶؛ ۱۰: ۱۲، ۲۸-۲۹). این رویداد همچنین در اول قرن‌تین ۱۵: ۵۱-۵۲ ذکر شده است.

بسیاری در مورد این رویداد آخرالزمان اختلاف نظر دارند. برخی انتظار دارند که پیش از هزار سال سلطنت مسیحی بر روی زمین، یک اعتصاب پنهانی از مومنین (به متی ۲۴: ۴۰-۴۲) انجام صورت می‌گیرد. غالباً یک دوره مصیبت هفت ساله (مراجعه کنید به دانیال ۷: ۷؛ ۹: ۲۷) به این موضوع مرتبط است. برخی متکلمان پیش از این، در میانه یا بعد از این دوره هفت ساله، وجد روحانی را تجربه می‌کنند. ترتیب و ماهیت این رویدادهای آخرالزمان در بهترین حالت مبهم است. در اینجا مطمئناً دگماتیسم نامناسب است.

مومنان می‌خواهند سرورمان را در هوا ملاقات کنند، زیرا در عهد جدید هوا به عنوان قلمرو شیطان (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۲) دیده می‌شد و یونانیان تصور می‌کردند که هوای پایین (جو) نجس است و بنابراین، قلمرو ارواح نجس. مومنان در میان پادشاهی شیطان با سرور خود متحد خواهند شد تا سرنگونی کامل قلمرو شیطان را نشان دهند.

■ **"با آنها"** این کلیسا تفسیر موعظه پولس درباره آمدن دوم را اشتباه گرفته بود. پولس اول و دوم تسالونیکیان را برای پاسخ به این سوالات نوشت. کلیسا می‌خواست بداند: (۱) آیا مسیحیانی که فوت کرده‌اند در این رویدادهای آخرالزمان شرکت خواهند داشت؟ و (۲) چه وقت مومنین مرده و زنده مجدداً متحد خواهند شد؟ این موضوع در دوم تسالونیکیان ۲: ۱ بحث شده است.

■ **"در ابرها"** ابرها وسیله سنتی حمل و نقل خدایان هستند (مراجعه کنید به دانیال ۷: ۷؛ متی ۲۴: ۳۰؛ ۲۶: ۶۴؛ اعمال رسولان ۱: ۹-۱۱؛ مکاشفه ۱:

۷. این تصویر یادآور ابر شکینا از تجربه خروج عهد عتیق است (مراجعه کنید به خروج ۱۳: ۲۱، ۲۲؛ ۱۴: ۱۹، ۲۰، ۲۴؛ ۱۶: ۱۰، ۱۹؛ ۹، ۱۶؛ ۲۴: ۱۵، ۱۶، ۱۸؛ ۳۴: ۵؛ ۴۰: ۳۴-۳۸) که نمادی از حضور خدا در کنار قوم خود است.

موضوع خاص: سوار بر ابرها آمدن (چندین کلمه عبری، ولی عمدتاً *anan*, BDB 777, KB 857)

(SPECIAL TOPIC: COMING ON THE CLOUDS)

آمدن بر سوار ابرها یک نشان کاملاً اسکاتولوژیک است. در عهد عتیق به شیوه کاملاً متمایز استفاده شده است.

۱. برای نشان دادن حضور فیزیکی خدا، ابر جلال شکینا (مراجعه شود به کتاب خروج ۲۱: ۱۳، ۱۹: ۱۴ و ۲۰ و ۲۴، ۱۰: ۱۶، ۱۶: ۹، ۱۹: ۹، کتاب اعداد ۱۱: ۲۵، نحمیا ۱۹: ۹)

۲. برای پوشاندن تقدس او برای اینکه انسان با دیدن او نمیرد (مراجعه شود به کتاب خروج ۲۰: ۳۳، اشعیا ۵: ۶)

۳. برای جابجا شدن خدا (مراجعه شود به مزامیر ۹: ۱۸، ۳: ۱۰، ۴: ۱۰، اشعیا ۱: ۱۹، ناحوم ۳: ۱، اعمال رسولان ۹: ۱، اول تسالونیکیان ۱۷: ۴) در کتاب دانیال ۷: ۱۳ ابرها برای نقل و انتقال خدا، مسیح انسانی استفاده شده است (مراجعه شود به موضوع خاص: مسیح). به این نبوت کتاب دانیال بیش از ۳۰ مرتبه در عهد جدید اشاره شده است. همین ارتباط مسیح با ابرهای بهشتی را میتوان در انجیل متی ۳۰: ۲۴، ۶۴: ۲۶، انجیل مرقس ۲۶: ۱۳، ۶۲: ۱۴، انجیل لوقا ۲۷: ۲۱، اعمال رسولان ۹: ۱ و ۱۱، اول تسالونیکیان ۱۷: ۴، مکاشفه ۷: ۱ دید.

■ " ملاقات کنیم " این کلمه یونانی *apanēsis* است که به معنای ملاقات با کسی و سپس همراهی وی به کار می‌رود (مراجعه کنید به متی ۲۵: ۶؛ اعمال رسولان ۲۸: ۱۵). بنابراین مومنان با سرورمان ملاقات کرده و با او به زمین دوباره خلق شده باز می‌گردند!

■ " در هوا " هوا تسلط شیطان و پیروانش بود (مراجعه کنید به افسسیان ۲: ۲). ما در آنجا قصد داریم سرورمان را ملاقات کنیم تا پیروزی کامل را نشان دهیم. من فکر می‌کنم که در حالی که مومنان با مسیح در هوا متحد هستند، نبوت پاکسازی و تجدید در دوم پطرس ۳: ۱۰، بهشت به عنوان یک باغ بازسازی شده عدن به تصویر کشیده شده است (مراجعه کنید به پیدایش ۱-۲ در مقایسه با مکاشفه ۲۱-۲۲).

■ " و بدین‌گونه همیشه با خداوند خواهیم بود " (در کتاب مقدس برای عیسی مسیح اصطلاح *Lord* به معنی ارباب / سرور استفاده شده که به اشتباه در فارسی خداوند ترجمه شده است - مترجم) حرف دیگر نمی‌توان زد (مراجعه کنید به مزامیر ۲۳: ۶). آمدن دوم به طور مکرر در اول تسالونیکیان ذکر شده است (اول تسالونیکیان ۱: ۱۰، ۲: ۱۹، ۳: ۱۳؛ ۴: ۱۳-۱۸؛ ۵: ۱-۱۱). توجه کنید که پولس نه در این کتاب و نه در دوم تسالونیکیان (برخی اول قرن‌تین ۱۵: ۲۵ به عنوان اشاره به سلطنت زمینی می‌دانند) از سلطنت هزار ساله بلکه یک سلطنت ابدی، مانند دانیال ۷: ۱۳-۱۴ را یاد می‌کند. اصطلاحات پولس حاکی از این هستند که پادشاهی جاویدان با بازگشت عیسی آغاز می‌شود. تمام وقایع پایان زمان دیگر نیز مانند اول قرن‌تین ۱۵: ۵۸-۵۰ ذکر نشده‌اند. پولس حتی تأکید نمی‌کند که عیسی کاملاً به زمین باز می‌گردد. در «*The Meaning of the Millennium*» Robert G. Clouses، هر چهار موقعیت بزرگ هزاره توسط نویسندگان مختلف بیان شده است. در *George E. Ladd, Millennial Answers* این جمله غافلگیرانه را بیان می‌کند، "اعتراف می‌کنم که بزرگترین مشکل برای هر دوره پیش از هزاره، این واقعیت است که بیشتر عهد جدید عکس مصرف را همانطور که در پاروژبای عیسی رخ می‌دهد، به تصویر می‌کشند" (صفحات ۱۸۹-۱۹۰). این دقیقاً همان چیزی است که پولس در اینجا بدون هیچ توضیح بیشتری ادعا می‌کند.

۴: ۱۸ این، مانند اول تسالونیکیان ۴: ۱۳، هدف ارائه پولس از این وقایع آخرالزمان را نشان می‌دهد. مومنان نگرانیهای زیادی راجع به هم‌زمان خود که فوت کرده بودند، داشتند. آیا آنها درگیر وقایع شگفت‌انگیز بازگشت سرورمان می‌شوند؟ پولس به آنها اطمینان داد که همه مومنان، زنده و مرده، در نهایت در آمدن دوم خواهند بود. بخاطر بسیاری که این متن در اصل اسکاتولوژیک است (همانند اول قرن‌تین ۱۵: ۵۸)، عملی نیست. چگونگی جابجایی این در قسمتهای متون اسکاتولوژیک دیگر مشخص نیست.

■ " دلداری دهید " این زمان حال امری فعال است.

سوالات بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه

قطعی.

۱. در کتاب مقدس مفصل‌ترین بحث درباره آمدن دوم کجاست؟
۲. دلیل نوشتن این متن از پول چیست؟
۳. خلسه چیست؟ چه کسی درگیر است؟ چه زمانی رخ خواهد داد؟

اول تسالونیکیان ۵

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
آمدن سرور	روز ارباب	سوالاتی در ارتباط با آمدن سرور	برای آمدن سرورمان آماده	هوشیاری در حالی که منتظر آمدن سرورمان باشید
		(۴: ۱۳ الی ۵: ۱۱)		هستیم
۱۱ الی ۱: ۵	۱۱ الی ۱: ۵	۱۱ الی ۱: ۵	۱۱ الی ۱: ۵	۳ الی ۱: ۵ ۴ الی ۱: ۵
جمع‌بندی نهایی و بدرود	سخنان مختلف	جمع بندی	آخرین راهنماییها و بدرود	
۱۵ الی ۱۲: ۵	۲۲ الی ۱۲: ۵	۲۲ الی ۱۲: ۵	۱۳ الی ۱۲: ۵	۱۲ الی ۱۳ الف ۱۳: ۵
			۱۵ الی ۱۴: ۵	۱۴ الی ۱۸: ۵
۲۲ الی ۱۶: ۵			۱۸ الی ۱۶: ۵	۱۹ الی ۲۲: ۵
	برکت دادن		۲۲ الی ۱۹: ۵	دعای پایانی و وداع
۲۴ الی ۲۳: ۵	۲۸ الی ۲۳: ۵	۲۴ الی ۲۳: ۵	۲۴ الی ۲۳: ۵	۲۴ الی ۲۳: ۵
۲۵: ۵		۲۵: ۵	۲۵: ۵	۲۵: ۵
۲۷ الی ۲۶: ۵		۲۷ الی ۲۶: ۵	۲۶: ۵	۲۷ الی ۲۶: ۵
			۲۷: ۵	
۲۸: ۵	۲۸: ۵	۲۸: ۵	۲۸: ۵	۲۸: ۵

* تقسیم‌بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگرافها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری میباشد. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگرافها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخ جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: انتقادات متنی و واژه‌نامه.

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور خود راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم
 ۳. پاراگراف سوم و غیره
 ۴. و غیره

بسط رؤس نکات آیات ۱ الی ۲۲

- A. اول تسالونیکیان ۴: ۱-۱۱ شدیداً با اول تسالونیکیان ۴: ۱۳-۱۸ مرتبط است. به پایان مشابه در اول تسالونیکیان ۱۸: ۴ و ۱۱: ۵ توجه کنید. این متن در درجه اول کشیشانه است. هدف مفهومی آنها راحتی بخشیدن است، نه ارائه دکترین، هر چند مطمئناً پولس چنین هدفی دارد.
 B. این بحث آمدن دوم و اینکه چگونه مسیحیان باید با توجه به بازگشت قریب الوقوع خداوند زندگی کنند، را ادامه می‌دهد.
 C. اول تسالونیکیان ۴: ۱۳-۲۲ پانزده فعل حال امری دارد که از ویژگیهای سبک زندگی مومنان با توجه به وقایع آخرالزمان صحبت می‌کند.

مطالعه عبارت و کلام

NASB: اول تسالونیکیان ۵: ۱ الی ۱۱

۱ و اما دربارهٔ وقتها و زمانها، ای برادران، نیازی نیست چیزی به شما بنویسم. ^۲ زیرا خود نیک می‌دانید که روز خداوند همچون دزدی که شب‌هنگام می‌آید، فرا خواهد رسید. ^۳ آن زمان که مردم می‌گویند: «صلح و امنیت حکمفرماست»، ناگهان هلاکت بر ایشان نازل خواهد شد، بدان‌سان که زن آبستن به درد زایمان دچار شود، و از آن گریزی نخواهد بود.

۴ اما شما ای برادران، در تاریکی نیستید تا آن روز چون دزد غافلگیرتان کند. ^۵ شما همه فرزندان نور و فرزندان روزید؛ ما به شب و به تاریکی تعلق نداریم. ^۶ پس همانند دیگران به خواب نرویم، بلکه بیدار و هوشیار باشیم. ^۷ زیرا آنان که می‌خوابند، شب‌هنگام می‌خوابند، و آنان که مست می‌کنند، شب‌هنگام مست می‌کنند. ^۸ اما ما چون به روز تعلق داریم، باید هوشیار باشیم، و ایمان و محبت را همچون زرّهٔ سینه‌پوش بر تن کنیم، و امید نجات را همچون کلاهخود بر سر نهیم. ^۹ زیرا خدا ما را نه برای غضب، بلکه برای کسب نجات به واسطهٔ خداوندان عیسی مسیح تعیین کرده است، ^{۱۰} که به خاطر ما مرد، تا چه بیدار باشیم و چه خفته، با او زندگی کنیم. ^{۱۱} پس یکدیگر را تشویق و تقویت کنید، چنانکه اکنون نیز می‌کنید.

۵: ۱ " و اما دربارهٔ " (در نسخه انگلیسی "حال در خصوص" نوشته شده و این تفسیر در رابطه با متن انگلیسی است- مترجم) موضوع آمدن دوم ادامه دارد، اما جنبه جدیدی از این رویداد نزدیک شده است: داوری کافران.

NASB "زمانها و دورانها"

NKJV, NRSV "زمان و فصول"

TEV "زمانها و مناسبتها"

NJB "اوقات و فصلها"

اگرچه مومنان به دنبال اوقات خاص نیستند (مراجعه کنید به متی ۲۴: ۳۶)، اما باید روند تاریخ را بشناسند (اعمال رسولان ۱: ۷؛ متی ۲۴: ۳۲-۳۳). اصطلاح یونانی *chronōn*، که "بارها/اوقات/زمانها" ترجمه شده، به سوال "تا کی؟" پاسخ می‌دهد، و صحبت از گذشت زمان است. کلمه انگلیسی "*chronology*" از این ریشه یونانی گرفته شده است. *Kairōn*، که "دوره‌ها" ترجمه شده، به سوال "چه زمانی؟" پاسخ می‌دهد، و از وقایع خاص صحبت می‌کند.

■ "برادران" پولس اغلب از این اصطلاح برای تغییر موضوع و شروع یک بحث جدید استفاده می‌کند (به ۴: ۱ مراجعه کنید).

■ "نیازی نیست چیزی به شما بنویسم" پولس نتوانسته است درباره آمدن دوم اطلاعات گسترده و طولانی به آنها بدهد. به یاد داشته باشید، او فقط مدت کوتاهی در تسالونیک می‌ماند، اما باید چندین بار در این باره موعظه کرده باشد. این عبارت به معنای این نیست که مومنان تسالونیک تمام جنبه‌های وقایع آخرالزمان را کاملاً درک کرده‌اند، بلکه روح آنها را راهنمایی می‌کند و آنها را در زمینه‌های لازم آگاه می‌سازد (مراجعه کنید به یوحنا ۱۴: ۲۶؛ ۱۶: ۱۳؛ اول یوحنا ۲: ۲۰، ۲۷). به ویژه حقایقی که مربوط به: (۱) انجیل و (۲) زندگی مسیحی هستند.

گزینه ممکن دیگر این است که مربوط به عهد جدید ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴ خصوصاً اول تسالونیکیان ۵: ۳۳-۳۴ است. عصر جدید عدالت توسط مومنین مشخص می‌شود که خدا را به روشهای شخصی به صورت صمیمی می‌شناسند. آنها معلم نخواهند داشت زیرا خدا کلام خود را با استفاده از روح بر قلبشان نوشته است.

۵:۲ "روز خداوند" (در نسخه انگلیسی روز "ارباب اسرور" نوشته شده و این تفسیر در ارتباط با متن انگلیسی است- مترجم) این مطابق با عبارت عهد عتیق است که به خدا یا مسیح او در تاریخ شکسته می‌شود تا عصر جدیدی از عدالت را تنظیم کند. در عهد عتیق، آمدن ارباب می‌تواند برای نعمت دادن یا داوری باشد. برای مومنان، اوج نجات خواهد بود، اما برای کافران تحقق داوری است.

تاکید اسکاتولوژیک از روز آمدن که مردم با عیسی (به عنوان منجی یا قاضی) ملاقات می‌کنند، دارای چندین مشخصه در نوشته‌های پولس است:

۱. "روز سرور ما عیسی مسیح" (مراجعه کنید به اول قرن‌تیاں ۱: ۸)
۲. "روز سرور" (مراجعه کنید به اول قرن‌تیاں ۵: ۵؛ اول تسالونیکیان ۵: ۲؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۲)
۳. "روز سرور عیسی" (مراجعه کنید به دوم قرن‌تیاں ۱: ۱۴)
۴. "روز عیسی مسیح" (مراجعه کنید به فیلیپیان ۱: ۶)
۵. "روز مسیح" (مراجعه کنید به فیلیپیان ۱: ۱۰؛ ۲: ۱۶)
۶. "روز او (پسر انسان)" (مراجعه کنید به لوقا ۱۷: ۲۴)
۷. "روزی که پسر انسان نازل می‌شود" (مراجعه کنید به ۱۷: ۳۰)
۸. "مکاشفه سرور ما عیسی مسیح" (مراجعه کنید به اول قرن‌تیاں ۱: ۷)
۹. "هنگامی که سرورمان عیسی از بهشت نازل می‌شود" (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۱: ۷)
۱۰. "در حضور سرورمان عیسی مسیح با آمدن او" (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۲: ۱۹)

در عهد عتیق، نویسندگان دو عصر را دیدند، عصر شیطنانی و عصر عدالت، عصر روح. خداوند از طریق مسیح خود در تاریخ مداخله می‌کند تا این عصر جدید را تنظیم کند. این رویداد با عنوان "روز سرور" شناخته می‌شود. توجه کنید که نویسندگان عهد جدید این را به مسیح نسبت می‌دهند. اولین آمدن وی با عنوان تولد در بسیاری از متون عهد عتیق پیش بینی شده بود. یهودیان انتظار نداشتند که یک شخص الهی باشد، فقط منتظر مداخله الهی بودند. دو ورود مسیح، یکی به عنوان خدمتگزار و ناجی رنج کشیده، و دیگری به عنوان قاضی و ارباب، برای افراد عهد عتیق آشکار نبود. موضوع خاص: دو عصر در غلاطیان ۴: ۱ را ببینید.

■ "همچون دزدی که شب‌هنگام می‌آید" این یک فعل زمان حال است که به عنوان زمان آینده استفاده شده است. این بازگشت "هر لحظه" موضوعی مکرر در عهد جدید است (مراجعه کنید به متی ۲۴: ۴۲-۴۴؛ ۲۵: ۱۳؛ لوقا ۱۲: ۴۰، ۴۵؛ ۲۱: ۳۴-۳۶؛ دوم پطرس ۳: ۱۰؛ ۳: ۱۶؛ ۱۵). موضوع خاص در اول تسالونیکیان ۴: ۱۵ را مطالعه کنید.

یک روایت یهودی بود که می‌گفت مسیح نیمه شب، همانند فرشته مرگ در خروج، در عید پسخ خواهد آمد.

۵:۳ "آن زمان که مردم می‌گویند: «صلح و امنیت حکمفرماست»" این پیام انبیای دروغین روزگار ارمیا بود (مراجعه کنید به ارمیا ۶: ۱۴؛ ۸: ۱۱، ۲۸). زندگی و جامعه بشری قبل از مداخله خداوند عادی به نظر می‌رسد (مراجعه کنید به متی ۲۴: ۳۷-۳۸؛ لوقا ۱۷: ۲۶-۲۷). آنها انتظار مسیح را ندارند. تاکید عهد جدید این است که قبل از آمدن دوم، رنجها و سختیها به وجود خواهد آمد (مراجعه کنید به متی ۲۴: ۲۴؛ مرقس ۱۳: ۱۹-۲۰).

■ "ناگهان هلاکت بر ایشان نازل خواهد شد" این قسمت با "آنها" (اول تسالونیکیان ۵: ۳) و "برادران" (اول تسالونیکیان ۵: ۴) به شدت تضاد دارد. این تخریب به نابودی اشاره نمی‌کند، بلکه یک استعاره کتاب مقدس برای داوری خدا است (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۱: ۹؛ دانیال ۱۲: ۲).

"ناگهان" فقط در اینجا و به روایت لوقا از گفتمان عیسی مسیح (مراجعه کنید به لوقا ۲۱: ۳۴) یافت می‌شود. این دلالت از یک واقعه ناگهانی و غیر منتظره دارد.

■ "درد زایمان" این استعاره عهد عتیق از داوری (مراجعه کنید به اشعیا ۱۳: ۶-۸؛ ارمیا ۴: ۳۱) تبدیل به استعاره عهد جدید شد (به عنوان مثال، دردهای تولد عصر جدید، مراجعه کنید به متی ۲۴: ۸؛ مرقس ۱۳: ۸؛ رومیان ۸: ۲۲). این صحبت از ناگهانی بودن و در عین حال یقین بودن وقوع یک واقعه، و همچنین درد شدید ناشی از آن است.

NASB "و آنها فرار نخواهند کرد"

NKJV "و آنها نباید فرار کنند"

NRSV "و از آن گریزی نخواهد بود"

TEV "آنها فرار نخواهند کرد"

JB "و راهی نخواهد بود که کسی از آن بگریزد"

این یک نفی تاکیدی مضاعف است: "هرگز، نه، هرگز تحت هیچ شرایطی".

۴:۵ "اما شما ای برادران، در تاریکی نیستید" خداوند، از طریق پیامبران عهد عتیق، عیسی و نویسندگان عهد جدید، رؤس مطالب اصلی وقایع آخرالزمان را آشکار کرده است تا مومنین زنده از آنچه اتفاق می افتد غافلگیر نشوند. این روشی است که خداوند در میان مشکلات این زندگی و دوره مصیبت آخرالزمان شجاعت به پیروان خود داده است. یکی از دلایل سردرگمی مکرر مومنان در مورد این وقایع، این است که هر نسلی از مومنان سعی کرده اند این وقایع را وارد تاریخ خود کنند.

موضوع خاص: پیشگوییهای عهد عتیق در برابر پیشگوییهای عهد جدید - چرا مسیحیان تفسیرهای بسیار دگماتیک در مورد مکاشفه دارند؟

(SPECIAL TOPIC: OLD TESTAMENT PREDICTIONS OF THE FUTURE VS. NEW TESTAMENT PREDICTIONS)

در طول سالهایی که بر روی اسکاتولوژی مطالعه می کردم، فراگرفتم که بیشتر مسیحیان یک پایان زمان سیستماتیک و توسعه یافته نمی خواهند. برخی مسیحیانی هستند که بر روی این زمینه مسیحیت به دلایل الهیاتی، روانشناسی و یا سایر دلایل مذهبی تمرکز می کنند. به نظر می رسد که این مسیحیان غرق در این شده اند که چگونه همه چیز پایان خواهد یافت، و به نوعی اولویت و فوریت انجیل را فراموش می کنند! مومنین نمی توانند بر دستور کار اسکاتولوژیک خدا (پایان زمان) تاثیر بگذارند، ولی می توانند در به اجرا گذاشتن حکم شرکت کنند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۱۹ الی ۲۰، انجیل لوقا ۲۴: ۴۶ الی ۴۷، اعمال رسولان ۱: ۸). بیشتر مومنین آمدن دوم مسیح و وعده های خدا مربوط به پایان زمان را تأیید می کنند. مشکلات تفسیری از آنجا ناشی می شوند که چگونه این شرایط موقتی را که از چندین پارادوکس انجیل می آیند درک کرد (موضوع خاص: پارادوکس در کتاب مقدس را مطالعه کنید).

۱. تنش میان الگوی پیمان انبیا عهد قدیم و الگوی شاگردان در عهد جدید
۲. تنش میان یکتا پرستی انجیل (یک خدا برای همه) و انتخاب اسرائیل (یک قوم خاص)
۳. تنش میان جنبه شرطی پیمان و وعده ها (اگر... پس) و وفاداری بی قید و شرط خدا به انسان گمراهی که رستگار شده است
۴. تنش میان ژانر ادبیات خاور میانه ای و الگوی ادبی جامعه مدرن غربی
۵. تنش میان پادشاهی خدا در حال ولی با این حال در آینده
۶. تنش میان بازگشت قطعی مسیح و این باور که برخی رخدادهای ابتدا به وقوع پیوندند اجازه دهید این رخدادهای را به تفکیک مورد بحث قرار دهیم

تنش نخست (طبقه بندیهای نژادی، قومی و جغرافیایی عهد قدیم در برابر تمامی مومنین از سراسر جهان) انبیا عهد قدیم احیا پادشاهی یهود در فلسطین با مرکزیت اورشلیم را پیش گویی کردند، جایی که تمامی اقوام جهان گرد هم آمده و یک حاکم الهی را پرستش و عبادت کنند، ولی نه عیسی و نه هیچ یک از شاگردان عهد جدید بر این موضوع تمرکز نکردند. آیا تحت الهام عهد قدیم نیست (مراجعه شود به انجیل متی ۱۷: ۵ الی ۱۹)؟ آیا نگارندگان عهد جدید رخدادهای حیاتی پایان زمان را حذف کرده اند؟

منابع زیادی در باره پایان جهان وجود دارند

۱. انبیا عهد قدیم (اشعیا، میکاه، ملاکی)
۲. نگارندگان اپوکالیپتیک عهد قدیم (مراجعه شود به حزقیال ۳۷ الی ۳۹، دانیال ۷ الی ۱۲، زکریا)
۳. نگارندگان تعاملی و غیر مذهبی اپوکالیپتیک یهودی (مانند اول انوش، که توسط یهودا به او اشاره شده است)
۴. خود عیسی (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴، انجیل مرقس ۱۳، انجیل لوقا ۲۱)
۵. نوشته های پولس (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۵، دوم قرنتیان ۵، اول تسالونیکیان ۴ الی ۵، دوم تسالونیکیان ۲)
۶. نوشته های یوحنا (اول یوحنا و مکاشفه)

آیا همه اینها به وضوح موضوع آخر زمان را تعلیم می دهند (رخدادهای، زمان، اشخاص)؟ اگر نه، چرا؟ آیا همه آنان تحت الهام نبودند (به استثنای نگارندگان تعاملی یهودی)؟

روح حقایق را بر نگارندگان عهد عتیق با اصطلاحات و طبقه بندیهای آشکار کرد که آنان بتوانند درک کنند. با این حال، در طول یک مکاشفه مترقی روح این مفاهیم اسکاتولوژیک را به مفاهیم کلی تبدیل کرد ("راز مسیح"، مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۱ الی ۳: ۱۳). اینها برخی مثالهای مرتبط هستند:

۱. شهر اورشلیم در عهد عتیق به عنوان استعاره برای مردم خدا (صهیون) استفاده شده است، ولی در عهد جدید به عنوان اصطلاحی برای بیان پذیرش تمامی انسانهای توبه کرده و ایمان آورده استفاده شده است ("اورشلیم جدید" مکاشفه ۲۱ الی ۲۲). بسط مفهومی یک شهر فیزیکی به مردم جدید خدا (یهودیان و دیگرانی که ایمان آورده اند) در وعده خدا بر رستگار کردن انسان گمراه در کتاب پیدایش ۳: ۱۵ پیش بینی شده است، یعنی پیشتر از زمانی که یهودی یا یک پایتخت یهودی وجود داشته باشد. حتی فرا خواندن ابراهیم (مراجعه شود به کتاب پیدایش

۱: ۱۲ (۳ دیگران را هم شامل کرد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳: ۱۲، کتاب خروج ۵: ۱۹). موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی
یهوه را مطالعه کنید.

۲. در عهد عتیق دشمنان مردم خدا اقوام اطراف خاور نزدیک باستان هستند، ولی در عهد جدید آنها بسط یافته و تبدیل به تمامی مردم بی ایمان، ضد خدا، و شیطان زده شده اند. نبرد از حالت یک نبرد جغرافیایی و منطقه ای خارج شده و تبدیل به یک نبرد جهانی شده است (مراجعه شود به کولسیان).

۳. وعده سرزمینی که در عهد قدیم به طور کامل و تمام و کمال است (وعده های پدر سالارانه کتاب پیدایش، مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۲: ۷، ۱۳: ۱۵، ۱۵: ۷ و ۱۵ و ۱۶، ۷: ۸) اینک تبدیل به کل کرده زمین شده است. اورشلیم جدید تبدیل به زمین شده، نه فقط خاور نزدیک یا جای خاصی به صورت انحصاری (مراجعه شود به مکاشفه ۲۱ الی ۲۲).

۴. برخی مثالهای نبوتی دیگر عهد عتیق که بسط یافته اند به شرح زیر می باشند:

a. بذر ابراهیم اینک مفهوم معنوی پیدا کرده است (مراجعه شود به رومیان ۲: ۲۸ الی ۲۹).

b. مردم هم پیمان اینک دیگران را هم شامل می شود (مراجعه شود به یوشع ۱: ۱۰، ۲: ۲۳، نقل شده در رومیان ۹: ۲۴ الی ۲۶، همچنین لویان ۲۶: ۱۲، کتاب خروج ۲۹: ۴۵ نقل شده در دوم قرن تیان ۶: ۱۶ الی ۱۸ و کتاب خروج ۱۹: ۵، کتاب تثنیه ۱۴: ۲، نقل شده در تیتوس ۲: ۱۴).

c. معبد اینک عیسی است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۶۱، ۲۷: ۴۰، انجیل یوحنا ۲: ۱۹ الی ۲۱) و از طریق او و کلیسای محلی (مراجعه شود به اول قرن تیان ۳: ۱۶) یا مومنین به صورت انفرادی (مراجعه شو به اول قرن تیان ۶: ۱۹)

d. حتی اسرائیل و عبارات مشخصه توصیفی عهد عتیقی آن به کل مردم خدا اشاره می کند (یعنی "اسرائیل"، مراجعه شود به رومیان ۹: ۶، غلاطیان ۶: ۱۶، یعنی "پادشاهی کشیشان"، مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۵، ۹ الی ۱۰، مکاشفه ۱: ۶)

الگوی انبیا تحقق یافته، بسط پیدا کرده و اینک جامعتر شده است. عیسی و شاگردان نگارنده اش همانند انبیا عهد عتیق در آخر زمان حضور ندارند (مراجعه کنید به *The Future of The Kingdom in Prophecy and Fulfillment* اثر Martin Wyngaarden). مفسرین عصر مدرن تلاش می کنند الگوی ادبی عهد عتیق بسازند یا پیچش های هنجاری کتاب مکاشفه را در داخل یک کتاب یهودی بگنجانند و مفاهیم را به زور در قالب عبارتهای ریز و مبهم عیسی و پولس قرار دهند. نگارندگان عهد جدید نبوتهای عهد عتیق را نفی نمی کنند، ولی دلالتهای کلی و غایی خود را ابراز می دارند. هیچ سیستم منطقی و سازمان یافته ای بر اسکاتولوژی عیسی و پولس وجود ندارد. هدف آنان اساسا رستگاری یا معنوی بوده است.

با این حال، حتی در درون عهد جدید هم تنش وجود دارد. هیچ ساختار سیستماتیک و سازمان یافته ای در مورد رخدادهای اسکاتولوژیک وجود ندارد. به بسیاری از شیوه ها، مکاشفه از مفاهیم عهد عتیقی برای توصیف آخر زمان استفاده می کند تا از تعالیم عیسی (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴، انجیل مرقس ۱۳) از ژانر ادبی که توسط حزقیال، دانیال و زکریا آغاز گشت پیروی می کند، ولی در طول دوره تعاملی بسط یافت (ادبیات اپوکالیپتیک یهودی). این می تواند شیوه یوحنا برای ارتباط دادن پیمانهای قدیم و جدید باشد. این الگوی قدمت شورش انسان و تعهد خدا بر رستگاری را نشان می دهد. ولی باید به این نکته توجه داشت هر چند مکاشفه از زبان، مردم و رخدادهای عهد قدیم استفاده می کند، ولی آنها را در نور روم قرن نخست مجدداً تفسیر می نماید (مراجعه کنید به مکاشفه ۱۷).

تنش دوم (یکتاپرستی در برابر قوم منتخب)

تاکید انجیل بر یک فرد معنوی و خالق رستگاری است، یعنی خدا (مراجعه شود به کتاب خروج ۸: ۱۰، اشعیا ۴۴: ۲۴، ۴۵: ۵ الی ۷ و ۱۴ و ۱۸ و ۲۱ الی ۲۲، ۴۶: ۹، ارمیا ۱۰: ۶ الی ۷). وحدانیت عهد عتیقی به شیوه آن روزگار یکتا پرستی بود (به موضوع خاص: یکتا پرستی، مراجعه کنید). تمامی اقوام اطراف چند خدا را میپرستیدند. یکتا بودن خدا قلب مکاشفه عهد عتیق است (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۶: ۴). خلقت مرحله ای از هدف دوستی میان خدا و نوع بشری است که از تصویر او و شبیه او خلق شده است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷). با این حال، نوع بشر قیام کرد، بر علیه محبت، رهبری و هدف خدا گناه کرد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳). محبت و هدف خدا بسیار قوی بود به طوری که یقین کرد وعده دهد انسان گناهکار را رستگار کند (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳: ۱۵)!

تنش از آنجا آغاز گردید که خدا یک نفر، یک خانواده، یک قوم را انتخاب کرد تا آن برای رسیدن به بقیه مردم استفاده کند. انتخاب ابراهیم توسط خدا (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۲، ۱۵، ۱۷، ۱۸) و یهودیان به عنوان کشیش (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۹: ۴ الی ۶) منجر به غرور شد تا خدمتگزاری، جدا کردن شد به جای جمع کردن. فرا خواندن ابراهیم توسط خدا شامل نعمت بین المللی برای تمامی نوع بشر بود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۲: ۳). باید به خاطر داشت و تاکید کرد که انتخاب عهد عتیق برای خدمتگزاری بود نه رستگاری. تمامی اسرائیل هرگز با خدا نبودند، هرگز برای ابد به واسطه صرفا تولد نجات نیافتند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۳۱ الی ۵۹، انجیل متی ۳: ۹)، ولی با ایمان فردی و اطاعت (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۶: ۱۵ نقل شده در رومیان ۴: ۳ و ۹ و ۲۲، غلاطیان ۶: ۳). اسرائیل در ماموریت خود شکست خورد (کلیسا اینک پادشاهی کشیشان

است، مراجعه شود به مکاشفه ۶: ۱، اول پطرس ۲: ۵ و ۹) و فرمان را تبدیل به مزیت، خدمت را به جایگاه خاص کرد! خدا یکی را انتخاب کرد تا همه را انتخاب کند!

تنش سوم (پیمان مشروط در برابر پیمان بی قید و شرط)

این یک تنش الهیاتی یا پارادوکس میان پیمانهای مشروط و بی قید و شرط است. یقیناً این درست است که برنامه/هدف رستگاری خدا بی قید و شرط است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۵: ۱۲ الی ۲۱). با این حال، پاسخ انسان به فرمان او همیشه مشروط است! الگوی "اگر... پس" هم در عهد عتیق و هم در عهد جدید دیده میشود. خدا وفادار است، انسان بی وفا است. این تنش ابهامات زیادی را منجر شده است. مفسرین تمایل به این دارند که فقط بر یک بخش این موضوع تمرکز کنند، وفاداری خدا یا تلاش انسان، حکومت خدا یا اراده آزاد انسان. هر دوی اینها انجیلی و ضروری هستند. موضوع خاص: انتخاب/تقدیر و نیاز به برقراری توازن الهیاتی مراجعه کنید.

این به اسکاتولوژی، به وعده عهد عتیق خدا به اسرائیل مربوط است. اگر خدا این را وعده میدهد، پس برقرار است. خدا به وعده خود متعهد است، پای اعتبارش در میان است (مراجعه شود به حزقیال ۳۶: ۲۲ الی ۳۸). پیمانهای مشروط و بی قید و شرط با مسیح مرتبط هستند (مراجعه شود به اشعیا ۵۳)، نه اسرائیل. فاداری غایبی خدا بستگی به رستگاری تمامی کسانی دارد که توبه خواهند کرد و ایمان خواهند آورد نه به اینکه چه کسی پدر یا مادر شما باشد. عیسی و نه اسرائیل کلید تمامی پیمانها و وعده های خدا هستند. اگر یک پراتز الهیاتی در انجیل وجود داشته باشد، آن کلیسا نیست، بلکه اسرائیل است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۷، غلاطیان ۳).

ماموریت جهانی پیام انجیل به کلیسا واگذار شده است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۱۹ الی ۲۰، انجیل لوقا ۲۴: ۴۷، اعمال رسولان ۱: ۸). هنوز یک پیمان مشروط است! بدین معنی نیست که خدا به طور کامل یهودیان را در کرده باشد (مراجعه شود به رومیان ۹ الی ۱۱). ممکن است مکانی و هدفی برای آخر زمان وجود داشته باشد که به اسرائیل اعتقاد داشته باشد (مراجعه شود به زکریا ۱۲: ۱۰).

تنش چهارم (الگوهای ادبی خاور نزدیک در برابر الگوهای غربی)

ژانر یک عنصر حساس در تفسیر درست انجیل است (به *How To Read the Bible For All Its Worth* اثر Fee and Stuart مراجعه کنید). کلیسا بر اساس ضوابط فرهنگی غربی (یونانی) شکل گرفت و توسعه یافت. ادبیات شرقی به مراتب نمادین تر، استعاره‌ای و تمثیلی تر از الگوهای ادبی فرهنگی مدرن غربی است (به موضوع خاص: ادبیات شرقی (پارادوکسهای انجیل) مراجعه کنید). تمرکز آن بر مردم، رویارویی‌ها، و رخدادها بیش از حقایق قضایی مختصر است. مسیحیان در مورد استفاده از الگوهای ادبی و تاریخی جهت تفسیر نبوت انجیل (هم عهد قدیم و هم عهد جدید) گناهارک هستند. هر نسلی و هر جمعیت منطقه ایی از تاریخ، فرهنگ و مفاهیم ادبی و لغوی خود برای تفسیر و مکاشفه انجیل استفاده کرده است. تک تک آنها در اشتباه هستند. مغرورانه است که تصور کنیم فرهنگ غربی نقطه تمرکز بر نبوت انجیل است.

ژانری که نگارنده اولیه و تحت الهام انتخاب میکند تا بر آن اساس بنگارد، یک قرارداد ادبی با خواننده است (Bruce Corley). کتاب مکاشفه یک روایت تاریخی نیست. ترکیبی از نامه (فصول ۱ الی ۳)، نبوت، و عمدتاً ادبیات اپوکالیپتیک است. به همان اندازه اشتباه است که بگوئیم انجیل بیش از آنچه که نگارنده تحت الهام نوشته برای گفتن حرف دارد تا بگوئیم کمتر از آنچه قصد نگارنده بوده، حرفی برای گفتن دارد. غرور و دگماتیسم مفسرین در کتابی همچون مکاشفه بیشتر نامناسب است.

کلیسا هرگز با یک تفسیر مناسب مکاشفه موافقت نکرده است. توجه من شنیدن و سر و کار داشتن با کل انجیل است، نه برخی بخشهای منتخب. تفکر شرقی انجیل حقیقت را در جفتهای پر از تنش نشان می‌دهد. گرایش غربی ما نسبت به حقیقت پیش بینی شده معتبر نیست، بلکه نامتوازن است. فکر می‌کنم امکان این باشد که حد اقل برخی از تنگناها در تفسیر مکاشفه باید در نور و ژانر روزگار خودش تفسیر شوند. یک گرایش تاریخی نسبت به مکاشفه باید نخست با آنچه که نخستین خوانندگان درک میکردند و یا می‌توانستند در کنند، کار داشته باشد. به طرق مختلف مفسرین غربی مدرن معنی بسیاری از نمادهای کتاب را متوجه نشده اند. اعتماد اولیه کتاب مکاشفه برای تشویق مومنانی بود که مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند. این کتاب کنترل خدا بر تاریخ (همانند انبیا عهد عتیق) را نشان می‌دهد، این کتاب تصریح می‌کند که تاریخ به سمت پایان، داوری یا نعمت تعیین شده در حرکت است (همانطور که انبیا عهد عتیق می‌گفتند). این کتاب با اصطلاحات یهودی آپوکالیپتیک، محبت حضور، قدرت و سلطه خدا را تصریح می‌کند.

این کتاب به همین شیوه های الهیاتی برای هر نسلی از مومنین مصداق دارد. این کتاب نبرد دائمی میان نیکی و پلیدی را نشان می‌دهد. ممکن است جزئیات قرن نخست برای ما از دست رفته باشند، ولی نه حقایق قدرتمند و آرامش بخش آن. زمانی که مفسرین غربی عصر مدرن تلاش می‌کنند تا جزئیات کتاب مکاشفه را به زور در تاریخ معاصر قرار دهند، الگوهای نادرست و اشتباه ادامه پیدا می‌کنند!

کاملاً امکان پذیر است که جزئیات کتاب مفهومی باشند (همانند عهد عتیق در رابطه با تولد، زندگی و مرگ مسیح) برای آخرین نسل مومنین که با تهاجم رهبر ضد خدا (مراجعه شود به دوم تسالونیکیان ۲) و فرهنگ مواجه می‌شوند. هیچ کس نمی‌تواند از این تحقق مفهومی مکاشفه آگاه شود تا زمانی که کلام عیسی (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴، انجیل مرقس ۱۳ و انجیل لوقا ۲۱) و پولس (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۵، اول تسالونیکیان ۴ الی ۵، و دوم تسالونیکیان ۲) هم از نظر تاریخی مشهود گردند. حدس و گمان و دگماتیسم همگی نامناسب هستند. ادبیات اپوکالیپتیک اجازه این انعطاف

پذیری را میدهد. از خدا به خاطر این تصاویر و نمادها که بر روایتهای تاریخی تفوق دارند، سپاسگزاریم. خدا کنترل همه چیز را عهده دارد، حکومت می‌کند، خواهد آمد!

اکثر تفاسیر غربی نکته اصلی ژانر را گم کرده اند. مفسرین غربی عصر مدرن اغلب در جستجوی یک سیستم منطقی روشن الهیاتی هستند تا اینکه بخواهند با ژانر ادبیات اپوکالیپتیک مبهم، نمادین و درام یهودی منصفانه برخورد کنند. این حقیقت به خوبی توسط Ralph P. Martin در مقاله‌اش تحت عنوان *Approaches to New Testament Exegesis* در کتاب *New Testament Interpretation* ویرایش I. Howard Marshall بیان شده است:

"ما در درک خود از آخرالزمان بسیار دچار اشتباه می‌شویم و به اشتباه سعی خواهیم کرد که دیدگاه‌های آن را مانند یک کتاب معرفت‌شناختی که هدفش توصیف وقایع تاریخ تجربی و تاریخی است، درک کنیم، مگر اینکه ما کیفیت قابل توجهی از این نوشتار را تشخیص دهیم و به یاد آوریم که چگونه زبان به عنوان وسیله‌ای برای بیان حقیقت مذهبی مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای حصول هدف اخیر، باید تمام مشکلات تفسیر را به کار گرفت. به طور جدی تر منجر به تحریف مفهوم اصلی آخرالزمان می‌شود و بنابراین ارزش عظیمی از این قسمت از عهد جدید را به عنوان ادعایی دراماتیک در زبان اسطوره‌ای حاکمیت خدا در مسیح و پارادوکس حکومت او که می‌تواند عشق و لطافت را در هم آمیزد، را از دست می‌دهد (مراجعه شود به مکاشفه ۵: ۵ و ۶، شیر بره است)" (صفحه ۲۳۵).

W. Randolph Tate در کتاب *Biblical Interpretations* می‌گوید:

"هیچ ژانر دیگری از کتاب مقدس با چنین نتایجی غم‌انگیز به عنوان اپوکالیپس، به ویژه کتابهای دانیال و مکاشفه، با اشتیاق خوانده نشده است. این سبک از یک تاریخ فاجعه آمیز سوء تفاهم ناشی از یک سوء برداشت اساسی از اشکال، ساختار و هدف ادبی اش بوده است. به دلیل همین ادعا جهت نشان دادن آنچه که در کوتاه مدت رخ می‌دهد، اپوکالیپس به عنوان یک نقشه راه و طرح آینده شناخته شده است. نقص غم‌انگیز در این دیدگاه این فرضیه است که مرجع کتابها، مراجع عصر معاصر خواننده است تا مراجع عصر نویسنده. این رویکرد اشتباه به اپوکالیپس (به ویژه مکاشفه) به گونه‌ای با کار برخورد میکند که همانطور که یک کریپتوگرافی است، که توسط آن رویدادهای معاصر می‌تواند برای تفسیر نماد متن مورد استفاده قرار گیرد. ابتدا، مترجم باید تشخیص دهد که اپوکالیپس پیام‌های خود را به شیوه‌های نمادین منتقل می‌کند. تفسیر یک نماد به معنای واقعی کلمه زمانی که به صورت استعاره باشد به سادگی به اشتباه تفسیر میشود. مسئله این نیست که آیا رویدادهای آخر الزمانی تاریخی هستند یا نه. حوادث ممکن است تاریخی باشند؛ ممکن است واقعا اتفاق افتاده یا ممکن است اتفاق بیافتد، اما نویسنده حوادث را می‌گوید و معنای آن را از طریق تصاویر و نمونه‌های اولیه ارتباط می‌دهد" (صفحه ۱۳۷)

به نقل از *Dictionary of Biblical Imagery* ویرایش شده توسط Longman III و Ryken, Wilhost:

"خوانندگان امروز اغلب از این سبک ناراحت و ناامید می‌شوند. تصاویر غیر منتظره و تجربیات خارج از این جهان، عجیب و غریب و بدون هماهنگی با بسیاری از کتاب مقدس است، به نظر می‌رسند. با در نظر گرفتن این ادبیات به صورت ظاهری بسیاری از خوانندگان حیران می‌شوند که "چه خواهد شد، کی اتفاق می‌افتد، چه زمانی"، بنابراین نیت پیام از بین می‌رود" (ص ۳۵)

تنش پنجم (پادشاهی خدا در حالی ولی با اینحال در آینده)

پادشاهی خدا حاضر است ولی با اینحال در آینده است. این پارادوکس الهیاتی در نقطه اسکاتولوژی تبدیل به نقطه تمرکز می‌شود. اگر کسی انتظار تحقق مفهومی تمامی نبوت‌های عهد عتیق برای اسرائیل را داشته باشد، در نتیجه پادشاهی خدا عمدتاً تبدیل به احیا اسرائیل به صورت یک مکان جغرافیایی و پیشینه الهیاتی می‌شود. این امر ضرورت پیدا می‌کند که کلیسا در فصل ۵ به طور مخفیانه مورد سرزنش قرار گیرد و فصل‌های باقی مانده مربوط به اسرائیل باشد (به مکاشفه ۲۲: ۱۶ مراجعه کنید).

با این حال، اگر تمرکز بر روی پادشاهی که توسط مسیح عهد عتیق وعده داده شده، افتتاح شد، پس با اولین ورود مسیح حاضر است، و سپس تمرکز تبدیل به تجسم، زندگی، تعالیم، مرگ و رستاخیز مسیح است. تاکید بر خداشناسی بر رستگاری جاری است. پادشاهی خدا آمده است، عهد عتیق با پیشنهاد مسیح برای رستگاری برای همه تحقق یافته است، نه سلطنت خود بر برخی از مردم!

یقیناً این درست است که انجیل از دو بار آمدن مسیح سخن می‌گوید، ولی تاکید بر کجا باید واقع شود؟ به نظر من اینطور می‌آید که بیشتر نبوت‌های عهد عتیق بر آمدن اول و برقراری پادشاهی مسیح (مراجعه شود به دانیال ۲) تمرکز دارند. به بسیاری از شیوه‌ها این قابل قیاس پادشاهی جاودانه خدا است (مراجعه شود به دانیال ۷). در عهد عتیق تمرکز بر پادشاهی جاودانه خدا است، با این حال، مکانیسم بیانیه آن پادشاهی بشارت مسیح است (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱۵: ۲۵ الی ۲۷). سوال این نیست که کدامیک درست هستند، هر دو درست هستند، ولی تاکید بر کجاست؟ باید گفته شود که برخی از مفسرین بیش از حد بر پادشاهی مسیح تمرکز می‌کنند (مراجعه شود به *Contextual Insights to Revelation 20*) که آنها تمرکز انجیلی بر پادشاهی پدر را فراموش کرده اند. پادشاهی مسیح یک رخداد اولیه است نه نهایی (مراجعه شود به مکاشفه ۲۱ الی ۲۲). از عهد عتیق چنین بر نمی‌آید که پادشاهی موقتی الزامی باشد، در واقع، پادشاهی مسیح که در دانیال ۷ از آن صحبت شده، ابدی است.

تنش ششم (بازگشت قریب الوقوع مسیح در برابر آمدن دوم همراه با تاخیر)

به اکثر مومنین چنین آموزش داده شده است که عیسی به زودی، ناگهان و به صورت غیر منتظره خواهد آمد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۲۳، ۲۴: ۲۷ و ۳۴ و ۴۴، انجیل مرقس ۹: ۱، ۱۳: ۳۰، مکاشفه ۱: ۱ و ۳، ۲: ۱۶، ۳: ۱۱، ۲۲: ۷ و ۱۰ و ۱۲ و ۲۰، مراجعه شود به موضوع خاص: بزودی باز خواهد گشت). ولی هر نسل منتظری از مومنین تا کنون در اشتباه بوده اند! نزدیکی بازگشت عیسی (قریب الوقوع بودن آن) یک امید و وعده قوی برای هر نسل است، ولی واقعیت فقط برای یک نسل است (و آن همانی است که مورد آزار و اذیت قرار می گیرد). مومنین باید چنان زندگی کنند که گویی فردا او خواهد آمد، ولی اگر برای آمدن تاخیر داشت، کمیسیون بزرگ را تشکیل دهند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۱۹ الی ۲۰). برخی عبارتهای انجیل و اول و دوم تسالونیکیان بر اساس آمدن دوم همراه با تاخیر است (*Parousia*). برخی رخدادهای تاریخی هستند که باید نخست به وقوع پیوندند:

۱. بشارت جهانی (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۱۴، انجیل مرقس ۱۳: ۱۰)
۲. مکاشفه "انسان گناهکار" (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۱۵، دوم تسالونیکیان ۲، مکاشفه ۱۳)
۳. آزار و اذیت زیاد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۲۱ و ۲۴، مکاشفه ۱۳)
۴. یک ابهام تعمدی وجود دارد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۴۲ الی ۵۱، انجیل مرقس ۱۳: ۳۲ الی ۳۶)! هر روز به گونه ای زندگی کنید که گویی امروز آخرین روز زندگیتان است، ولی برای تعلیم و بشارت آینده برنامه ریزی کنید!

همبستگی و توازن

باید گفته شود که مکاتب تفسیری اسکاتولوژیک مدن متفاوتی وجود دارند که همه آنها در بر دارنده نیمی از حقیقت هستند. آنها برخی از متون را به خوبی تفسیر می کنند. مسئول در همبستگی و توازن است. اغلب مجموعه ای از پیش فرضهایی وجود دارند که از متن کتاب مقدس برای تکمیل اسکلت الهیات پیشین استفاده می کنند. کتاب مقدس اسکاتولوژی منطقی، زمانی و سیستماتیک را نشان نمی دهد. این مانند یک آلبوم خانوادگی است. تصاویر درست است، اما نه همیشه در جهت، در زمینه یا در مسیر منطقی. بعضی از عکسها از آلبوم افتاده اند و نسل های بعد از اعضای خانواده دقیقاً نمی دانند چگونه آنها را بازگردانند. کلید تفسیر مناسب از وحی، قصد نویسنده اصلی است که در انتخاب ژانر ادبی خود نشان داده است. اکثر مترجمین تلاش می کنند ابزارها و شیوه های گوناگون خود را از دیگر ژانرهای عهد جدید به تفسیر مکاشفه برسانند. آنها بر روی عهد عتیق تمرکز می کنند تا بتوانند با تعلیم عیسی، پلی را برای ایجاد ساختار الهیاتی و قرار دادن به مکاشفه به عنوان نشانگر برقرار کنند.

باید اعتراف کنم که من این تفسیر مکاشفه را با ترس و اضطراب به وحی می رسانم، نه به دلیل نفرین ادیان ۲۲: ۱۸-۱۹، اما به دلیل سطح اختلاف تفسیر این کتاب در میان مردم خدا. من مکاشفه خدا را دوست دارم. درست است که همه مردان دروغگو هستند (رومیان ۳: ۴)! لطفاً از این تفسیر به عنوان یک تلاش برای تحسین و نه قطعی، به عنوان یک پست نشانه و نه یک نقشه راه، به عنوان "آنچه که اگر"، نه "به این ترتیب خداوند می گوید:" استفاده کنید. من با ناراحتی های خود، تعصبات و دستور کار الهیات روبرو هستم. من نیز از دیگر مترجمان چنین مواردی را دیده ام. تقریباً به نظر می رسد که افراد در مکاشفه آنچه را که انتظار دارند پیدا می کنند. این ژانر خود به سوء استفاده منتهی می شود! با این حال، برای مقاصد خاصی در کتاب مقدس است. قرار دادن آن به عنوان ختم "کلام" تصادفی نیست. این یک پیام از خدا به فرزندانش از هر نسل است. خدا می خواهد ما را درک کند! بیابید دست در دست هم دهیم، نه اینکه کمپ درست کنیم؛ بگذارید تأکید کنیم که چه چیزی روشن و مرکزی است، ممکن است هر چیزی درست نباشد. خداوند به همه ما کمک کند!

■ "فرزندان نور و فرزندان روزید" این دو اصطلاح سامی برای صالحان است (مراجعه کنید به لوقا ۱۶: ۸؛ یوحنا ۱: ۴-۹؛ ۳: ۱۷-۲۱؛ ۸: ۱۲؛ ۱۱: ۹-۱۰؛ ۱۲: ۳۵-۴۶، افسسیان ۵: ۸؛ اول یوحنا ۱: ۵، ۷؛ ۲: ۸-۱۰). این دوگانگی استعاری نور در مقابل تاریکی مشخصه خاور نزدیک باستان است. این یک موضوع مکرر در نوشته های رسولی یوحنا و در کتیبه بحرالمیت است.

■ "به خواب نرویم" این یک کلمه متفاوت از ۴: ۱۳ به بعد است. این اصطلاح اغلب در عهد جدید برای بی تفاوتی اخلاقی مورد استفاده قرار می گیرد (مراجعه کنید به مرقس ۱۳: ۳۶؛ افسسیان ۵: ۱۴). به سه کاربرد مختلف "خواب" توجه کنید (*katheudō*): (۱) عدم هوشیاری اخلاقی، (اول تسالونیکیان ۵: ۶). (۲) استراحت بدنی، (اول تسالونیکیان ۵: ۷)؛ (۳) مرگ، (اول تسالونیکیان ۵: ۱۰).

NASB, NKJV,
NRSV
TEV
NJB
"همانطور که دیگران انجام می دهند"
"مثل دیگران"
"مانند هر کس دیگری"

این به معنای واقعی کلمه "باقی مانده" یا "بقیه" است. این همان اصطلاح است که برای توصیف کافران که هیچ امیدی به اول تسالونیکیان ۴: ۱۳ ندارند، به کار رفته است.

■ **"بلکه بیدار و هوشیار باشیم"** آیه ۶ دارای سه وجه وصفی حال فعال است. اولی منفی است، "به خواب خود ادامه ندهید." دو مورد بعدی مثبت هستند، "آگاه و هوشیار باشید." اینها بر کوشش مداوم تاکید دارند اما با عنصر احتمالی. برخی از مومنان در خواب هستند و هوشیار نیستند. هوشیاری موضوع مشترک عهد جدید برای مسیحیان در مورد آمدن دوم است (مراجعه کنید به متی ۲۴: ۴۲-۴۳؛ ۲۵: ۱۳؛ مرقس ۱۳: ۳۴؛ لوقا ۲۱: ۳۴). هر دو "آگاه" و "هوشیار" به صورت استعاری استفاده می‌شوند. "هوشیار" در اول تسالونیکیان ۵: ۶ و ۸ از هوشیاری ذهنی یا اعتماد به نفس استفاده می‌شود (مراجعه کنید به دوم تیموتائوس ۴: ۵؛ اول پطرس ۱: ۱۳؛ ۴: ۷؛ ۵: ۸).

۵: ۸ **"بر تن کنیم"** (در نسخه انگلیسی، "با بر تن داشتن" نوشته شده و این تفسیر در رابطه با متن انگلیسی است) این یک صفت مفعولی آئوریست میانی است که می‌تواند "همه برای یک بار بر تن میکنیم" خوانده شود. این استفاده بسیار شبیه به رومیان ۱۳: ۱۲؛ افسسیان ۶: ۱۱-۱۴ است، که منعکس کننده اشعیا ۵۹: ۱۷ است. پولس اغلب از این استعاره زره نظامی استفاده می‌کرد، اما همیشه از زره برای نشان دادن همان خصوصیات مسیحی استفاده نمی‌کرد. مومنان باید شخصا از سلاحهای معنوی تهیه شده توسط مسیح استفاده کنند. محافظت از بلوغ اتوماتیک نیست (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۵: ۷).

■ **"ایمان ... محبت ... امید"** این سه اصطلاح مورد علاقه پولس برای تقوای مسیحی بود (مراجعه کنید به رومیان ۵: ۲ الی ۵؛ غلاطیان ۵: ۵ الی ۶؛ کولسیان ۱: ۴-۵؛ اول تسالونیکیان ۱: ۳؛ عبرانیان ۶: ۱۰-۱۲؛ اول پطرس ۱: ۲۱-۲۲). آنها یک ایمان اولیه را برای تحقق به ایمان ایجاد می‌کنند.

■ **"امید"** این اصطلاح اغلب برای اشاره به آمدن دوم در اول و دوم تسالونیکیان استفاده می‌شود. موضوع خاص: امید در غلاطیان ۵: ۵ را مطالعه کنید.

موضوع خاص: افعال یونانی که برای رستگاری استفاده شدند

(SPECIAL TOPIC: GREEK VERB TENSES USED FOR SALVATION)

رستگاری یک محصول نیست، بلکه رابطه روزانه فردی با خدا در مسیح است. با اعتماد کردن فرد به مسیح خاتمه نمی‌یابد، تازه شروع شده است (یک دروازه و سپس یک راه، مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۱۳ الی ۱۴). یک بیمه آتش سوزی نیست، و نه بلیط به بهشت، بلکه زندگی است که در شبیه مسیح بودن باید رشد کند (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۸ الی ۲۹، دوم قرنتیان ۳: ۱۸، ۷: ۱، غلاطیان ۴: ۱۹، افسسیان ۱: ۴، ۱۳: ۴، اول تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۴: ۳ و ۷، ۵: ۲۳، اول پطرس ۱: ۱۵). در آمریکا ضرب المثلی داریم که می‌گوید هر چه یک زوج بیشتر با هم زندگی کنند، بیشتر شبیه به یکدیگر می‌شوند. این هدف رستگاری است!

رستگاری به عنوان عمل کامل شده (آئوریست)

- اعمال رسولان ۱۵: ۱۱
- رومیان ۸: ۲۴
- دوم تیموتائوس ۱: ۱۹
- تیتوس ۳: ۵
- رومیان ۱۳: ۱۱ (زمان آئوریست با مسیر آینده ترکیب کرده است)

رستگاری به عنوان حالی از بودن (کامل)

- افسسیان ۲: ۵ و ۸

رستگاری به عنوان فرایندی ممتد (حال)

- اول قرنتیان ۱: ۱۸، ۱۵: ۲
- دوم قرنتیان ۲: ۱۵
- اول پطرس ۳: ۲۱

رستگاری به عنوان آینده‌ای که تحقق خواهد یافت (حالت آینده در زمان فعل یا متن)

- رومیان ۵: ۹ و ۱۰، ۱۰: ۹ و ۱۳
- اول قرنتیان ۳: ۱۵، ۵: ۵

- فیلیپیان ۱: ۲۸
- اول تسالونیکیان ۵: ۸ الی ۹
- عبرانیان ۱: ۱۴، ۹: ۲۸
- اول پطرس ۱: ۵

بنابراین رستگاری با تصمیم اولیه و ایمان آغاز می‌شود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۳: ۱۶، رومیان ۱۰: ۹ الی ۱۳)، ولی این باید تبدیل به شیوه زندگی از روی ایمان شود (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۹، غلاطیان ۲: ۱۹ الی ۲۰، افسسیان ۱: ۴، ۲: ۱۰)، که روزی تحقق آن دیده خواهد شد (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۲). رستگاری وضعیت نهایی جلال یافتن نامیده می‌شود (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۸ الی ۳۰) می‌توان آن را به شیوه زیر به تصویر کشید:

۱. رستگاری اولیه - نجات یافتن از مجازات گناه
۲. رستگاری در حال بسط یافتن - نجات یافتن از قدرت گناه
۳. رستگاری نهایی - جلال یافتن (نجات یافتن از وجود گناه)

۵: ۱۰ "که به خاطر ما مرد" این بیانگر قربانی جان‌شین عیسی از جانب ما است (مراجعه کنید به اشعیا ۵۳، مرقس ۱۰: ۴۵؛ دوم قرنتیان ۵: ۲۱).

■ "با او زندگی کنیم" به طور یقین بهشت مکانی است (مراجعه کنید به یوحنا ۱۴: ۲-۳ الف)، اما اولویت با عیسی بودن است (مراجعه کنید به یوحنا ۱۴: ۳ پ؛ دوم قرنتیان ۵: ۶ و ۸). بهشت، مانند نجات، یک رابطه شخصی است!

۵: ۱۱ "یکدیگر را تشویق ... کنید" این یک حال امری فعال است. "تشویق" از همان ریشه "*paraclētos*" است. بحث پولس در مورد خلسه روحانی (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۴: ۱۳-۱۸) به یک بشارت اخلاقی ختم می‌شود (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۱۵: ۵۸؛ افسسیان ۴: ۱۳). دکترین باید زندگی خدا پسندانه را تشویق کند (مراجعه کنید به لوقا ۱۲: ۴۸).

■ "تقویت" این یک حال امری فعال دیگر است. انتظار بازگشت مسیح و بهشت باید ما را وادار کند که به یکدیگر خدمت کنیم، نه بر سر سیستمهای اسکاتولوژیک انسانی رقابت کنیم.

موضوع خاص: تقدیس کردن

(SPECIAL TOPIC: EDIFY)

اصطلاح *oikodomeō* و سایر حالات آن اغلب توسط پولس استفاده شده اند. این اصطلاح به مفهوم "ساختن یک خانه" است (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۲۴)، ولی به صورت استعاره برای موارد زیر استفاده میشود:

۱. بدن مسیح، کلیسا، اول قرنتیان ۳: ۹، افسسیان ۲: ۲۱، ۴: ۱۶
۲. بناکردن

- a. برادران ضعیف، رومیان ۱۵: ۱
 - b. همسایگان، رومیان ۱۵: ۲
 - c. یکدیگر، افسسیان ۴: ۲۹، اول تسالونیکیان ۵: ۱۱
 - d. قدیسان برای بشارت، افسسیان ۴: ۱۱
۳. بنا می‌کنیم یا تقدیس می‌کنیم با
- a. محبت، اول قرنتیان ۸: ۱، افسسیان ۴: ۱۶
 - b. محدود کردن آزادیهای فردی، اول قرنتیان ۱۰: ۲۳ الی ۲۴
 - c. پرهیز از احتکار، اول تیموتائوس ۱: ۴
 - d. محدود کردن سخنگویان در عبادت (خوانندگان، معلمین، انبیا، و مفسرین، سخن گفتن به زبانها)، اول قرنتیان ۱۴: ۳ الی ۴ و ۱۲
۴. همه چیز باید تقدیس شوند
- a. اقتدار پولس، دوم قرنتیان ۱۰: ۸، ۱۲: ۱۹، ۱۳: ۱۰
 - b. جمع بندی در رومیان ۱۴: ۱۹ و اول قرنتیان ۱۴: ۲۶

NASB: اول تسالونیکیان ۵: ۱۲ الی ۲۲

۱۲ حال ای برادران، تقاضا می‌کنیم آنان را که در میان شما زحمت می‌کشند و از جانب خداوند رهبران شما بوده، پندتان می‌دهند، گرامی بدارید،^{۱۳} و با محبت، کمال احترام را به سبب کاری که انجام می‌دهند، برایشان قائل باشید. و با یکدیگر در صلح و صفا زندگی کنید.
۱۴ ای برادران، از شما استدعا می‌کنیم که کاهلان را هشدار دهید؛ کم‌جرتان را تشویق کنید؛ ضعیفان را حمایت نمایید؛ و با همه بردبار باشید.
۱۵ زنهار، کسی بدی را با بدی پاسخ نگوید، بلکه همواره در پی نیکی کردن به یکدیگر و به همه مردم باشید.
۱۶ همیشه شاد باشید؛^{۱۷} پیوسته دعا کنید؛^{۱۸} در هر وضعی شکرگزار باشید، زیرا این است اراده خدا برای شما در مسیح عیسی.
۱۹ آتش روح را خاموش نکنید؛^{۲۰} نبوتها را خوار شمارید.^{۲۱} همه چیز را بیازمایید؛ به آنچه نیکوست، محکم بچسبید.^{۲۲} از هر گونه بدی دوری کنید.

۵: ۱۲ "برادران" این غالباً توسط پولس مورد استفاده قرار می‌گیرد تا آغاز یک موضوع جدید را نشان دهد (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۴: ۱۳؛ ۵: ۱)، هر چند نه همیشه (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۵: ۱۴ و ۲۵، ۲۶). در اینجا نشان می‌دهد که پولس به کل کلیسا اشاره می‌کند.

NASB	"قدردانی کردن"
NKJV	"تشخیص دادن/به رسمیت شناختن"
NRSV	"احترام گذاشتن"
TEV	"احترام مناسب به جا آوردن"
NJB	"ملاحظه دار بودن"

این یک زمان کامل نامحدود است، به معنای واقعی کلمه "دانستن"، به معنای "قدردانی"، "برای نشان دادن احترام به مردم"، "به رسمیت شناختن ارزش" یا "دانستن ارزش" استفاده می‌شود. مومنان باید به طور مناسب و با احترام نسبت به رهبری خداپاور پاسخ دهند (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۱۶: ۱۸؛ فیلیپیان ۲: ۲۹؛ اول تیموتائوس ۵: ۱۷).

NASB	"کسانی که با جدیت در میان شما کار می‌کنند"
NKJV, NRSV	"کسانی که بین شما کار می‌کنند"
TEV	"به کسانی که در بین شما کار می‌کنند"
NJB	"کسانی که در میان شما کار می‌کنند"

این اصطلاح برای "کار" به معنای "تلاش شدید" است (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۱۶: ۱۶). به نظر می‌رسد که این بخش به یک مسئله نگرش در کلیسا نسبت به رهبری آن اشاره دارد.

۱. کسانی که با جدیت در میان شما کار می‌کنند (صفت مفعولی حال فعال)
۲. رهبران شما بوده (صفت مفعولی حال میانی)
۳. پندتان می‌دهند (صفت مفعولی حال فعال). این یک حرف تعریف در متن یونانی است که در پی آن سه عبارت توصیفی می‌آید. همه این صفات مفعولی به رهبری اشاره دارند.

■ "از جانب خداوند رهبران شما بوده" (در نسخه انگلیسی "از طرف سرور رهبران شما بوده" نوشته شده. در اینجا منظور عیسی است نه خداوند-مترجم) این به معنای واقعی کلمه "در برابر شما قرار داده شده" است. آنها نزد خدا به خاطر خدمتشان اعتبار دارند (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۳: ۱۰ الی ۱۷؛ عبرانیان ۱۳: ۱۷).

■ "پندتان می‌دهند" این به معنای واقعی کلمه "معنی دادن" است. این معمولاً "به افراد سرکش پند دادن" ترجمه می‌شود.

۵: ۱۲ الی ۲۲ مجموعه ای از پانزده زمان حال امری وجود دارد که مومنان را ترغیب می‌کند تا در یک دنیای گمراه و در آستانه ویرانی، بتوانند به طور مناسب زندگی کنند. زندگی خدا پسندانه ما باید مردم گمراه را به مسیح نشان دهد.

۱۳: ۵	
NASB, NKJV, NRSV	"با محبت، کمال احترام را ... برایشان قائل باشید"
TEV	"با آنها با بیشترین احترام و محبت رفتار کنید"

فعل یک حال نامحدود است که بر ادامه اقدامات شخصی تاکید دارد. قید یک اصطلاح مرکب سه گانه است که سه بار توسط پولس مورد استفاده قرار گرفته است (مراجعه کنید به افسسیان ۳: ۲۰؛ اول تسالونیکیان ۳: ۱۰). مومنان باید به پیشوای خود احترام بگذارند (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۱۶: ۱۸؛ فیلیپیان ۲: ۲۹؛ اول تیموتائوس ۵: ۱۷). موضوع خاص: استفاده پولس از ترکیبات *Huper* در غلاطیان ۱: ۱۳ را مطالعه کنید.

■ "به سبب کاری که انجام می دهند" رهبری هدیه‌ای است از جانب خداوند (مراجعه کنید به افسسیان ۴: ۱۱-۱۳). وقتی او وظیفه را تعیین کرد، او به این وظیفه احترام می‌گذارد، نه لزوماً به کسی که آن را دریافت می‌کند. اصطلاح ترجمه شده "کار" در اول تسالونیکیان ۵: ۱۳ با آنچه در اول تسالونیکیان ۵: ۱۲ است متفاوت می‌باشد. این گروه سخت کوش از رهبران ممکن است با کسانی که از کار امتناع ورزیده‌اند، در تضاد باشند (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۵: ۱۴ و دوم تسالونیکیان ۳: ۶-۱۱).

■ "با یکدیگر در صلح و صفای زندگی کنید" این یک حال امری فعال است، یک دستور مداوم برای مومنان و یک درخواست مشترک عهد جدید است (مراجعه کنید به مرقس ۹: ۵۰؛ رومیان ۱۲: ۱۸؛ دوم قرنتیان ۱۳: ۱۱). این نشان دهنده یک مشکل رایج در کلیساها است. مسیحیت مردان و زنان بسیاری از پیشینه‌های مختلف را در آغوش گرفت (مراجعه کنید به رومیان ۱۴: ۱-۱۵؛ اول قرنتیان ۸: ۱ الی ۱۳؛ ۱۰: ۲۳-۳۳).

۵: ۱۴ "برادران" این آیه می‌تواند در درجه اول به رهبران اشاره داشته باشد (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۵: ۲۷)، اما موارد ذکر شده در مورد همه مومنان صدق می‌کند. این مسئله در مورد اول تیموتائوس ۳ نیز صادق است. مسیحیت عهد جدید تمایزی بین "روحانیت" و "عوام" نمی‌گذارد. همه ما بشارت دهندگان با روح و روان و عطای عیسی مسیح هستیم (مراجعه کنید به افسسیان ۴: ۱۱-۱۳). خداوند در درون این خانواده از میان مبشران با استعداد، رهبران را انتخاب می‌کند!

NASB "به یاغیان نصیحت کردن"

NKJV "به کسانی که سرکش هستند هشدار دادن"

NRSV "به مشرکان پند دادن"

TEV "هشدار دادن به مشرک"

NJB "هشدار دادن به مشرکان"

این عبارت با مجموعه‌ای از افعال زمان حال امری آغاز می‌شود، که نشان دهنده اقدام مداوم یا عادت است. پانزده فعل امری در اول تسالونیکیان ۵: ۲۲-۱۲ وجود دارد. این یکی ممکن است یکی از دو معنی را داشته باشد: (۱) یک اصطلاح نظامی برای هدایتهای نامنظم. یا (۲) در نسخه پاپیروس یونانی کوئین از مصر برای "بی پروا"یی استفاده شده باشد. معنای دوم با متن این نامه مناسبتر است (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۳: ۷-۱۶).

NASB, NRSV "افراد ضعیف النفس را تشویق کنید"

NKJV "تسکین دهنده افراد ضعیف النفس باشید"

TEV "افراد خجالتی را تشویق کنید"

NJB "به افراد نگران شهادت دهید"

حال امری میانی (دپوننت) موجود، این به معنای واقعی کلمه، "کم فکر" است. KJV "بی پروا" ترجمه کرده است، اما واقعا از آن به معنای "سست ایمان" یا "وفاداری ضعیف" استفاده می‌شود (مراجعه کنید به رومیان ۱۴: ۱-۱۵؛ اول قرنتیان ۸، ۱۰؛ ۳۳-۲۳) این ممکن است یک اشاره ای به اشعیا ۳۵: ۴ در *Septuagint* باشد.

■ "ضعیفان را حمایت نمایید" این حال میانی امری به معنای ضعف در بدن و یا ذهن استفاده می‌شود. ممکن است همان نوع مسیحی را که رومیان ۱۴: ۱-۱۳ (یعنی اول قرنتیان ۸: ۷؛ ۹: ۲۲) توصیف می‌کند، بیان کند یا ممکن است به یک مشکل جسمی اشاره داشته باشد.

■ "با همه بردبار باشید" این یک حال فعال امری است. این دستور است که به طور مستمر باید زحمت کشید و نه اینکه کم طاقت بود (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۱۳: ۴؛ افسسیان ۴: ۲). این خطاب به رهبران و مردم است. همچنین پنجره‌ای برای مشکلات کلیسای اولیه به ما می‌دهد. دو اصطلاح یونانی وجود دارند که "صبر" ترجمه شده‌اند: (۱) *makrothomia* و (۲) *hupomonē*. آنها در دوم قرنتیان ۶: ۶؛ غلاطیان ۵: ۲۲؛ کولسیان ۱: ۱۱؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱۰ استفاده شده‌اند. اولین مورد در این متن استفاده شده است. این می‌تواند به یک ویژگی خدا مراجعه کند (مراجعه کنید به LXX اشعیا ۵۷: ۱۵؛ رومیان ۲: ۴؛ ۹: ۲۲؛ اول پطرس ۳: ۲۰؛ دوم پطرس ۳: ۹). مومنان برای تقلید از شخصیت (تصویر) پدر خود هستند.

همچنین در مورد صبر و شکیبایی با (۱) چیزی، عبرانیان ۶: ۱۲؛ یعقوب ۵: ۷، ۸ یا (۲) شخصی، متی ۱۸: ۲۶، ۲۹؛ اول قرنتیان ۱۳: ۱؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۴؛ یعقوب ۵: ۱۰ استفاده می‌شود. این گواه بلوغ معنوی و زندگی مسیحی است.

۱۵: ۵ "کسی بدی را با بدی پاسخ نگوید" این یک حال امری فعال دیگر است (مراجعه کنید به متی ۴۴: ۵؛ رومیان ۱۲: ۱۷-۲۱؛ اول پطرس ۳: ۹). مومنان باید متفاوت از کافران پاسخ دهند. مومنان باید با عشق عمل کنند، نه با عصبانیت و اکنش نشان دهند. موقعیتهای دشوار و ناعادلانه اغلب موثرترین فرصتهای شهادت دادن هستند.

NASB	"همیشه به دنبال چیز خوب باشید"
NKJV	"همیشه دنبال آنچه خوب است"
NRSV	"همیشه به دنبال انجام کارهای خوب"
TEV	"در همه زمانها هدف شما را از انجام کار خوب"
NJB	"همه شما باید به بهترین چیز فکر کنید"

این حال امری فعال به معنای واقعی کلمه "در پی خیر ادامه دادن" است (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۵: ۲۱؛ رومیان ۱۲: ۹). اصطلاح "خیر" در اینجا *agathos* است که معمولاً بر یک کیفیت اخلاقی تأکید دارد. اما فرد تعجب می‌کند که چگونه این به عبارت بعدی "برای یکدیگر و برای همه مردم" مربوط می‌شود. اصطلاح *kalos* (خوب یا زیبا) در اول تسالونیکیان ۵: ۲۱ استفاده شده است. یک همپوشانی معنایی بزرگ بین این دو اصطلاح در یونانی کوئین وجود دارد. آیا منظور از تمایز است؟ هر دو متن بلافاصله به "شر" اشاره دارند (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۵: ۱۵ الف، ۲۲). آیه ۱۵ مربوط به اقدامات مسیحیان نسبت به مومنان و غیر مومنان (همه مردم) است، اما اول تسالونیکیان ۵: ۲۱ مربوط به تحلیل رهبران یا نعمات مسیحی است. من در حال حاضر فکر می‌کنم که آنها مترادف هستند. در گرامر و واژگان در یونانی کوئین در زمان پولس ساده سازی وجود داشت. برای بحث خوب درباره *kalos*، به *New Testament Words* اثر William Barclay، صفحات ۱۵۱-۱۶۱ مراجعه کنید.

■ "به یکدیگر و به همه مردم" این تقریباً شبیه اول تسالونیکیان ۵: ۱۴ و ۳: ۱۲ است. مومنان باید منافع جامعه را بالاتر از منافع شخصی قرار دهند (مراجعه کنید به رومیان ۱۲: ۱۰؛ اول قرنتیان ۱۲: ۷؛ فیلیپیان ۲: ۱-۵). نحوه برخورد مومنان با سایر مومنین باید به گونه‌ای که با کافران رفتار می‌کند نیز تعمیم یابد (مراجعه کنید به غلاطیان ۶: ۱۰).

۱۶: ۵ "همیشه شاد باشید" این ضرورت فعال فعلی موضوع کتاب فیلیپیان است (مراجعه کنید به فیلیپیان ۲: ۱۸؛ ۳: ۱؛ ۴: ۴؛ ۱۰). این یک جهان بینی مبتنی بر ارتباط ما با مسیح و رابطه پیمانی ما با سایر مسیحیان است، نه بر اساس شرایط (مراجعه کنید به رومیان ۸: ۳۱-۳۹).

۱۷: ۵ "پیوسته دعا کنید" یک حال امری میانی (دپوننت) دیگر، این باید به دعای سبک زندگی، لحظه به لحظه یاری با خدا اشاره داشته باشد (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۱: ۳؛ ۲: ۱۳). پولس نیاز به نماز را احساس کرد و معتقد بود که این امر بر خدمت وی تأثیر می‌گذارد (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۵: ۲۵؛ افسسیان ۶: ۱۸-۱۹؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۱).

۱۸: ۵

NASB, NKJV	"به خاطر همه چیز تشکر می‌کنم"
NRSV	"سپاس در هر شرایطی"
TEV	"در هر شرایطی سپاسگزار باشید"
NJB	"برای همه چیز خدا را شکر می‌کنیم"

این یک حال امری فعال دیگر است. شرایط نباید شکرگزاری یا شادی ما را دیکته کند (مراجعه کنید به رومیان ۸: ۲۶-۳۰، ۳۱-۳۹؛ افسسیان ۵: ۲۰). به یاد داشته باشید که شکرگزاری نباید "برای همه چیز" بلکه "در هر شرایطی" جریان داشته باشد. موضوع خاص: ستایش، دعا و شکرگزاری پولس در غلاطیان ۶: ۱۸ را مطالعه کنید. به موضوع خاص: شکرگزاری در اول تسالونیکیان ۱: ۲ مراجعه کنید.

■ "اراده خدا" این به معنای واقعی کلمه "اراده خدا" است مانند افسسیان ۵: ۱۷، اراده خدا این است که بشر سقوط کرده به مسیح ایمان بیاورد (مراجعه کنید به یوحنا ۶: ۲۹). پس از این، چندین "اراده" خداوند وجود دارند. یکی شادی و شادمانی حتی در هنگام آزار و اذیت و درگیری است. موضوع خاص را در اول تسالونیکیان ۴: ۳ مطالعه کنید.

NASB, NKJV,
NRSV
TEV
NJB

"روح را خاموش نکنید"

"روح القدس را مهیار نکنید"

"هرگز سعی نکنید روح را سرکوب کنید"

آیات ۱۹-۲۰ حال امری فعال با بار منفی هستند، که معمولاً به معنای متوقف کردن یک عمل در حال اجرا است. ترجمه ویلیامز "از خاموش کردن روح دست نگاهدارید" است. پنج فعل امری اول تسالونیکیان ۵: ۱۹-۲۲ باید با هم باشند. دو مورد منفی اول از اول تسالونیکیان ۵: ۱۹، ۲۰ محدوده‌های سه زمان امری مثبت اول تسالونیکیان ۵: ۲۱-۲۲ را تعیین می‌کنند. "فرونشاندن" به معنای "آتش سوزی" است. اقدامات ما بر کار روح تأثیر می‌گذارند (مراجعه کنید به اشعیا ۶۳: ۱۰؛ افسسیان ۴: ۳۰).

موضوع خاص: شخصیت روح

(SPECIAL TOPIC: PERSONHOOD OF THE SPIRIT)

در عهد عتیق "روح خدا" (*ruach*) نیرویی بود که هدف یهوه را تحقق می‌بخشید، ولی اشاره کوچکی هست که فردی بود (یکتاشناسی عهد عتیق، به موضوع خاص: یکتاپرستی مراجعه شود). با این حال، در عهد جدید شخصیت کامل و فردیت روح افشا می‌شود:

۱. می‌توان به او توهین کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲: ۳۱، انجیل مرقس ۳: ۲۹)
 ۲. آموزش می‌دهد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۲: ۱۲، انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶)
 ۳. شهادت می‌دهد (انجیل یوحنا ۱۵: ۲۶)
 ۴. محکوم، هدایت می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۷ الی ۱۵)
 ۵. می‌توان وی را "او" خطاب کرد (*hos*)، مراجعه شود به افسسیان ۱: ۱۴)
 ۶. می‌تواند ترسناک باشد (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۳۰)
 ۷. می‌تواند فرو بنشیند (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۵: ۱۹)
 ۸. می‌تواند مقاومت کند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۷: ۵۱)
 ۹. او حامی مومنین است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶، ۱۵: ۲۶، ۱۶: ۷)
 ۱۰. او پسر را جلال می‌دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۱۴)
- متون تثلیث (در اینجا به سه مورد از بسیار موارد اشاره می‌کنیم، موضوع خاص تثلیث را بخوانید) از سه فرد صحبت می‌کنند

۱. انجیل متی ۲۸: ۱۹

۲. دوم قرنتیان ۱۳: ۱۴

۳. اول پطرس ۱: ۲

هر چند کلمه یونانی روح (*pneuma*) خنثی است، وقتی به روح القدس اشاره می‌شود، عهد جدید عمدتاً از صفت نشان دهنده مذکر استفاده می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۸ و ۱۳ الی ۱۴)

روح به فعالیت‌های انسان مرتبط است

۱. اعمال رسولان ۱۵: ۲۸

۲. رومیان ۸: ۲۶

۳. اول قرنتیان ۱۲: ۱۱

۴. افسسیان ۴: ۳۰

در ابتدای اعمال رسولان، بر نقش روح تأکید میشود (همانند انجیل یوحنا). پنتیکاست شروع کار روح نیست، بلکه فصل جدیدی است. عیسی همیشه روح داشت. تعمیر او شروع کار روح نبود، بلکه فصل جدیدی بود. روح ابزار موثر هدف پدر برای احیای انسانها است که از تصویر او ساخته شده‌اند (به موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی یهوه مراجعه شود)!

NASB "سخنان نبوی را تحقیر نکنید"

NKJV "نبوت‌ها را تحقیر نکنید"

"سخنان پیامبران را تحقیر نکنید"	NRSV
"پیامهای الهام بخش را نادیده نگیرید"	TEV
"هرگز. هرگز. به پیشگویی هتک حرمت نکنید"	NJB

تعریف "نبوت" در عهد جدید بسیار مورد بحث قرار گرفته است. این هدیه در لیست هدایای معنوی در اول قرن‌تینان ۱۲: ۲۸-۲۹ و افسسیان ۴: ۱۱ ذکر شده است. چگونگی ارتباط پیامبران نگارنده کتاب مقدس عهد عتیق با هدایای "نبوت" پس از آخرازمان، نامشخص است. اکثر محققان می‌خواهند الهام / وحی را برای دوره عهد جدید محدود کنند (مراجعه کنید به یهودا ۳، ۲۰).

واضح است که پیامبران عهد جدید با پیامبران عهد عتیق متشابه نیستند. هدیه عهد جدید معمولاً به موارد کاربرد عملی مربوط می‌شود و نه اطلاعات جدید وحی. با این حال، در اعمال رسولان ۱۱: ۲۷-۳۰ و ۱۰-۱۱: یک عنصر پیش بینی وجود دارد. در اول و دوم قرن‌تینان نبوت و پیشگویی (مراجعه کنید به اول قرن‌تینان ۱۳: ۱؛ ۱۴: ۱، ۳۹) به معنای اعلام انجیل است. دقیقاً چگونگی تفاوت این اعلامیه بین رسولان، انبیا، بشارت دهندگان انجیل، کشیشان و معلمان نامشخص است.

آیه ۲۰ به نوعی مربوط به اول تسالونیکیان ۵: ۱۹ است. دقیقاً چگونگی قرار گرفتن این در کلیسای تسالونیکی نامشخص است. مومنان باید با جدیت رهبران دروغین را رد کنند، اما با شور و اشتیاق رهبران خدادادی را در آغوش بگیرند.

۵: ۲۱

"همه چیز را با دقت بررسی کنید"	NASB
"همه چیز را تست کنید"	NKJV
"همه چیز را بیازمایید"	NRSV
"همه چیز را تحت آزمایش بیاورید"	TEV
"قبل از انجام هر کاری فکر کنید"	NJB

این یک حال امری فعال است. به معنای واقعی کلمه، "و همه چیز اثبات شده است." می‌باشد. در متن، این می‌تواند به (۱) رهبران کلیسا، (۲) نعمات معنوی، (۳) یک پیام معنوی یا (۴) دکترین اشاره کند. کلمه *dokimazō*، به موضوع خاص در اول تسالونیکیان ۳: ۵ مراجعه کنید). به مفهوم "با نگاه تأیید چیزی را امتحان کردن" دلالت دارد. برخی از امور، معنوی به نظر می‌رسند اما در واقع چنین نیستند (مراجعه کنید به متی ۷: ۲۱-۲۳؛ کولسیان ۲: ۱۶-۲۳).

موضوع خاص: داوری در عهد جدید

(SPECIAL TOPIC: JUDGMENT IN THE NT)

داوری قطعی است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲: ۳۶، عبرانیان ۹: ۲۷، دوم پطرس ۲: ۴ و ۹، ۳: ۷).

A. کسی که داوری می‌کند

۱. خدا است (مراجعه شود به رومیان ۲: ۲ الی ۳، ۱۴: ۱۰ و ۱۲، اول پطرس ۱: ۱۷، ۲: ۲۳، مکاشفه ۲: ۱۱ الی ۱۵)
 ۲. مسیح است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۹: ۳۹، انجیل متی ۱۶: ۲۷، ۲۵: ۳۱ الی ۴۶، اعمال رسولان ۱۰: ۴۲، ۱۷: ۳۱، دوم قرن‌تینان ۵: ۱۰، دوم تیموتائوس ۴: ۱)
 ۳. پدر از طریق پسر (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۲ الی ۲۷، اعمال رسولان ۱۷: ۳۱، رومیان ۲: ۱۶)
- داوری یک موضوع نامطبوع است، ولی یک موضوع تکراری در انجیل می‌باشد. بر اساس چندین حقیقت انجیلی است
۱. این یک جهان اخلاقی است که توسط یک خدای با اخلاق خلق شده است (هر چه بکاریم، همان را درو خواهیم کرد، مراجعه شود به غلاطیان ۶: ۷)
 ۲. انسان گمراه و سقوط کرده است، ما شورش کردیم
 ۳. این جهانی نیست که خدا نیت آن را داشت
 ۴. همه مخلوقات آگاه (فرشتگان و انسانها) به خالق خود بابت نعمت زندگی حساب پس میدهند. ما خدمتگزار هستیم.
 ۵. ابدیت همیشه با اعمال و انتخابهای ما در زندگی تعیین می‌شود
- B. آیا مسیحیان باید یکدیگر را داوری کنند؟ به دو شیوه باید با این مسئله برخورد کرد

۱. به مومنین نصیحت می‌شود که بر یکدیگر داوری نکنند (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۱ الی ۵، انجیل لوقا ۶: ۳۷ و ۴۲، رومیان ۲: ۱ الی ۱۱، یعقوب ۴: ۱۱ الی ۱۲)
۲. به مومنین نصیحت میشود که رهبران را مورد ارزیابی قرار دهند (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۶ و ۱۵ الی ۱۶، اول قرنتیان ۱۴: ۲۹، اول تسالونیکیان ۵: ۲۱، اول تیموتائوس ۳: ۱ الی ۱۳، و اول یوحنا ۴: ۱ الی ۶) برخی شروط ممکن است برای داوری مناسب کمک کننده باشند
۱. ارزیابی باید با هدف تأیید کردن باشد (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۱ - "آزمودن" با نگرش به سوی موافقت، موضوع خاص: آزمودن [peirazō and dokimazō] را مطالعه کنید)
۲. ارزیابی باید با فروتنی و مهربانی انجام شود (مراجعه شود به غلاطیان ۶: ۱)
۳. ارزیابی نباید بر اساس غرض‌ورزیهای شخصی باشد (مراجعه شود به رومیان ۱۴: ۱ الی ۲۳، اول قرنتیان ۸: ۱ الی ۱۳، ۱۰: ۲۳ الی ۳۳)
۴. ارزیابی باید آن دسته از رهبران را شناسایی کند که کلیسا یا جامعه "نتواند از آنها انتقاد کند" (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۳)

■ "به آنچه نیکوست، محکم بچسبید" "محکم چسبیدن" یک حال امری فعال دیگر است. به نظر می‌رسد در ارتباط با مسائلی باشد که مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این اصطلاح یونانی *kalos* (خوب یا زیبا) است، نه *agathos* که در اول تسالونیکیان ۱۵: ۵ آمده است.

۵: ۲۲ "از هر گونه بدی دوری کنید" "دوری کردن" حال امری میانی است. "پلیدی" می‌تواند مذکر یا خنثی باشد. این مسئله باعث ایجاد مشکلاتی در متونی مانند متی ۶: ۱۳ می‌شود، زیرا متن می‌تواند به طور کلی در ارتباط با شیطان یا شر باشد. در این متن، به طور کلی می‌تواند اشخاص پلیدی یا شرور باشند. در اول تسالونیکیان هیچ تأکیدی در مورد معلمان دروغین وجود ندارد، بنابراین، احتمالاً با خوبی معمولی در اول تسالونیکیان ۵: ۲۱ همسو است. عبارت "هرگونه" را می‌توان از دو طریق فهمید: (۱) KJV آن را مانند "لوقا ۹: ۲۹" ترجمه می‌کند "هر ظاهر شر". این همچنین روشی است که پدران اولیه کلیسا این اصطلاح را درک کردند، یا (۲) Didache 3:1 این اصطلاح را به معنای کلی "تمامی پلیدی" به کار می‌برد، نه فقط ظاهری بلکه شر واقعی.

NASB: اول تسالونیکیان ۵: ۲۳ الی ۲۴

۲۳ خدای سلامتی، خود شما را به تمامی تقدیس کند و روح و جان و تن شما تا آمدن خداوندمان عیسی مسیح، بی‌عیب محفوظ بماند. ۲۴ او که شما را فرا می‌خواند، امین است و این را خواهد کرد.

۵: ۲۳ "خدای سلامتی" (در نسخه انگلیسی "خدای صلح" نوشته شده و این تفسیر در رابطه با متن انگلیسی است- مترجم) این یک عبارت رایج در اختتامیه نامه‌های پولس است (مراجعه کنید به رومیان ۱۵: ۳۳؛ ۱۶: ۲۰؛ دوم قرنتیان ۱۳: ۱۱؛ فیلیپیان ۴: ۴؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۱۶). چه عنوان فوق العاده و توصیفی زیبایی برای الهیت!

■ "تقدیس کند ... محفوظ بماند" اینها هر دو به عنوان آئوربست ایتاتیو هستند، که روحیه آرزو یا دعا کردن است. پولس دعا کرد که مومنین توسط خدا تقدیس و حفظ شوند. این نشان می‌دهد که تقدیس هم هدیه نجات است و هم کار مداوم. موضوع خاص: تقدس در عهد جدید در اول تسالونیکیان ۴: ۳ را مطالعه کنید.

■ "شما را به تمامی تقدیس کند" در این جمله، دو صفت یونانی "کاملاً" و "کامل"، همراه با سه اسم "روح، روان و بدن"، بر کامل بودن شخص ما تأکید می‌کند، نه اینکه انسان موجودی مثلثی مانند خدای تثلیث باشد. در لوقا ۱: ۴۶-۴۷ همسو نشان می‌دهد که روح و روان مترادف هستند. انسانها روح ندارند. آنها یک روح هستند (مراجعه کنید به پیدایش ۲: ۷). این عبارت تأکید می‌کند که دعوت مومنان به تقدس در هر زمینه از زندگی آنها وجود دارد (مراجعه کنید به متی ۴۸: ۵؛ افسسیان ۱: ۴).

■ "و روح و جان و تن شما ... محفوظ بماند" این یک اثبات متن برای یک *trichotomy* (تقسیم وجود انسان به سه بخش) هستی‌شناختی در بشر است (انسانها تثلیثی همانند خدا)، اما انسان‌ها هم با این سیاره و هم با خدا رابطه دوگانه دارند. کلمه عبری *nephesh* هم در بشر و هم در حیوانات در پیدایش به کار رفته است (مراجعه کنید به پیدایش ۱: ۲۴؛ ۲: ۱۹)، در حالی که از "روح" (*ruah*) انحصاراً برای بشر استفاده می‌شود (نفس زندگی). این نه یک متن اثباتی در مورد ماهیت بشر به عنوان یک موجودیت سه بخشی (*trichotomous*) است، و نه عبرانیان ۴: ۱۲. بشریت در درجه اول به عنوان یک وحدت در کتاب مقدس به نمایش درآمده است (مراجعه کنید به پیدایش ۲: ۷). برای خلاصه‌ای از تئوریهای بشریت به عنوان تثلیث، دوگانگی یا وحدت، به *Christian Theology* اثر Millard J. Erickson (چاپ دوم) صفحات ۵۳۸-۵۵۷ و *Polarities of Man's Existence in Biblical Perspective* اثر

■ "بی عیب" این اصطلاح فقط در اینجا در عهد جدید یافت می‌شود. در کتیبه‌هایی در تسالونیکه یافت شده است. این به معنی "نداشتن گناه، و بنابراین از نظر اخلاقی پاک و خالص" است. احتمالاً این اصطلاح عهد عتیقی "بی پروا" را نشان می‌دهد که به معنای عاری از نقص و در نتیجه آماده برای فداکاری است. موضوع خاص را در اول تسالونیکیان ۲: ۱۰ مطالعه کنید.

■ "تا آمدن خداوندمان عیسی مسیح" (در نسخه انگلیسی "تا آمدن سرورمان عیسی مسیح" نوشته شده و این تفسیر بر اساس متن انگلیسی است- مترجم) این تمرکز الهیاتی کل کتاب بوده است، یعنی آمدن دوم (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۱: ۱۰؛ ۲: ۱۹؛ ۳: ۱۳؛ ۴: ۱۳-۱۵؛ ۵: ۱۱؛ ۵: ۲۳). به موضوع خاص: بازگشت عیسی در اول تسالونیکیان ۲: ۱۹ و ۳: ۱۳ مراجعه کنید.

۵: ۲۴ "او امین است" اینها هر دو به عنوان "لقب توصیفی دوم" و مشخصه یهوه عمل می‌کنند (مراجعه کنید به مزامیر ۳۶: ۵؛ ۴۰: ۱۰؛ ۸۹: ۱، ۲، ۵، ۸؛ ۹۲: ۲؛ ۱۱۹: ۹۰). اعتماد به نفس مومنان در شخصیت ثابت، محکم و تغییر ناپذیر یهوه است (مراجعه کنید به ملاکی ۳: ۶).

■ "او که شما را فرا می‌خواند، ... و این را خواهد کرد" عنوان توصیفی سوم، "او که فرا می‌خواند"، همواره به خدای پدر اشاره می‌کند (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۲: ۱۲؛ ۴: ۷). این آیه اشاره به انتخاب مومنان و همچنین جلال دادن آنان دارد (مراجعه کنید به رومیان ۸: ۲۹-۳۴). این تمرکز بر خدای قابل اعتماد دارد که آغازگر بوده و کامل است (مراجعه کنید به فیلیپیان ۱: ۶؛ ۲: ۱۳). امید ما به خدا است تا وعده‌های خود را حفظ کرده و بجا آورد.

NASB: اول تسالونیکیان ۵: ۲۵

^{۲۵}ای برادران، برای ما دعا کنید

۵: ۲۵ "برای ما دعا کنید" پولس نیاز به دعا را احساس کرد (مراجعه کنید به رومیان ۱۵: ۳۰؛ افسسیان ۶: ۱۸-۱۹؛ کولسیان ۴: ۳-۴؛ فیلیپیان ۱: ۱۹). دعا به نوعی قدرت خدا را برای خدمت موثر آزاد می‌کند. خدای متعال تصمیم گرفته است که در بعضی مناطق خود را به دعای فرزندان محدود کند (مراجعه کنید به یعقوب ۴: ۲). این چه مسئولیتی را بر عهده هر یک از ما به عنوان یک مسیحی می‌گذارد. موضوع خاص: نماز روحانی را در اول تسالونیکیان ۱: ۲ مطالعه کنید.

NASB: اول تسالونیکیان ۵: ۲۲۶ الی ۲۷

^{۲۶}با بوسه‌ای مقدس همه برادران را سلام گویند. ^{۲۷}در حضور خداوند، شما را قسم می‌دهم که این نامه را برای همه برادران قرائت کنید.

۵: ۲۶ "بوسه مقدس" "کی"، "کجا" و "چگونگی" استفاده اولیه کلیسا از این نوع ادای احترام و خیر مقدم، نامشخص است. بعداً، مردان همدیگر را بوسیدند و زن‌ها یکدیگر را (مراجعه کنید به رومیان ۱۶: ۱۶؛ اول قرنتیان ۱۶: ۲۰؛ دوم قرنتیان ۱۳: ۲۳؛ اول پطرس ۵: ۱۴). بوسه مقدس به دلیل سوء تفاهم فرهنگی مشرکان قطع شد.

این نشانه فرهنگی آنها از عشق، پشتیبانی و اجتماع بود. در روزگار ما در فرهنگ آمریکایی، آغوش یا یک دست گرم نیز به همین روش عمل می‌کند. این یک سمبل است برای تصدیق یکتایی ما!

۵: ۲۷ این آیه خطاب به رهبران است. نامه‌های پولس برای خواندن عمومی بود (کولسیان ۴: ۱۶) و بعداً به کلیساهای دیگر فرستاده می‌شد. پولس فهمید که نوشته‌های او فراتر از زمان و شرایط زمانه معنی دارد.

NASB: اول تسالونیکیان ۵: ۲۸

^{۲۸}فیض خداوند ما عیسی مسیح با شما باد. آمین.

۵: ۲۸ (در نسخه انگلیسی "سرورمان عیسی مسیح" نوشته شده و این تفسیر بر اساس متن انگلیسی است- مترجم) احتمالاً پولس این را برای خودش نوشته تا اصل بودن نامه را ابراز دارد (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۳: ۱۷ الی ۱۸).

سوالات بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه

قطعی.

۱. آیا باید سعی کنیم تاریخی برای بازگشت عیسی را تعیین کنیم؟ چرا؟
۲. عبارت "روز سرور" را تعریف کنید.
۳. چرا آمدن دوم به این صورت توصیف می‌شود: (۱) مثل دزد در شب؛ و (۲) درد زایمان؟
۴. در کجای کتاب مقدس زره مسیحی مورد بحث قرار می‌گیرد؟
۵. کدام یک از این آیات برای مردم نوشته شده است و کدام یک برای رهبران؟
۶. شرایط احتمالی در تسالونیک، برای این فصل چه بود؟
۷. چرا بسیاری از "افعال حال امری" در این فصل وجود دارند؟ این فرم دستوری برای ما چه معنی دارد؟

دوم تسالونیکیان ۱

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
درد و تهنیت	خیر مقدم	درد و تهنیت	خیر مقدم	خطاب
۱ : ۱ الی ۲	۱ : ۱ الی ۲	۱ : ۱ الی ۲	۱ : ۱ ۲ : ۱	۱ : ۱ الی ۲
داوری با آمدن مسیح	داوری نهایی خدا و جلال	شکرگزاری	داوری با آمدن مسیح	تشکر و تشویق. آخرین داوری
۱ : ۳ الی ۱۲	۱ : ۳ الی ۱۲	۱ : ۳ الی ۴ داوری خدا ۱ : ۵ الی ۱۲	۱ : ۳ الی ۴ ۱ : ۵ الی ۱۰ ۱ : ۱۱ الی ۱۲	۱ : ۳ الی ۵ ۱ : ۶ الی ۱۰ ۱ : ۱۱ الی ۱۲

* تقسیم‌بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگرافها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری میباشد. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگرافها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخ جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: انتقادات متنی و واژه‌نامه.

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور خود راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم و غیره

۴. و غیره

بینش متنی نسبت به آیات ۱ الی ۱۰

- دوم تسالونیکیان مباحث اسکاتولوژیک مربوط به اول تسالونیکیان را بسط می‌دهد.
- دوم تسالونیکیان ۱ : ۳ الی ۱۰ در یونانی یک جمله است. آنها اعتماد پولس نسبت به مومنان و اعتماد نسبت به داوری خدا بر کافران را توصیف می‌کنند. این یک جمله بسیار قوی برای داوری نهایی خداوند است. نقشهای زمینی، برکت یافته و بی برکت آزار و اذیت شده و آزار و اذیت نشده جابجا می‌شوند.
- دوم تسالونیکیان ۱ : ۱۱ الی ۱۲ خلاصه آیات ۳ الی ۳۰ هستند.

NASB: دوم تسالونیکیان ۱: ۱ الی ۲

از پولس و سیلاس و تیموتائوس،

به کلیسای تسالونیکیان که در خدا، پدر ما، و خداوند عیسی مسیح اند:

فیض و سلامتی از سوی خدا، پدر ما، و خداوند عیسی مسیح بر شما باد.

۱: ۱ "پولس" اولین بار در اعمال رسولان ۱۳: ۹ شائل از تاروسوس، پولس نامیده شد. این احتمال وجود دارد که بیشتر یهودیان "دیاسپورا" نام عبری و نام یونانی داشتند. اگر چنین باشد، والدین شائل این نام را به او دادند، اما چرا "پولس" ناگهان در اعمال ۱۳ ظاهر می‌شود؟ احتمالا

۱. دیگران با این نام مستعار او را صدا می‌کردند

۲. او شروع به استفاده از عنوان "حقیر" یا "حقیرترین" برای خود کرد

نام یونانی پائولوس به معنی "حقیر/کوچک" بود. چندین نظریه در مورد منشا نام یونانی وی بسط یافته‌اند

۱. روایت قرن دوم که می‌گوید پولس کوتاه، چاق، طاس بود، پاهای خمیده داشت، دارای ابروان پرپشت و چشمانی براق بود و چشمانش بیرون زده بودند. این یک منبع احتمالی برای نام او است که از کتابی غیر متعارف از تسالونیکیان بنام پولس و تکلا گرفته شده است.

۲. متونی که پولس خود را "حقیرترین قدیسان" می‌نامد، زیرا او کلیسا را مانند اعمال رسولان ۹: ۲-۱ مورد آزار قرارداد (مراجعه کنید به اول قرتیان ۱۵: ۹ افسسیان ۳: ۸؛ اول تیموتائوس ۱: ۱۵)

برخی این "حقیرترین" را منشا عنوان خود-برگزیده دانسته‌اند. با این حال، در کتابی مانند غلاطیان، جایی که وی بر استقلال و برابری خود با دوازده رسول اورشلیم تاکید کرده است، این تا حدودی بعید است (مراجعه کنید به دوم قرتیان ۱۱: ۵؛ ۱۲: ۱۱؛ ۱۵: ۱۰).

■ "سیلوانوس" سیلاس

۱. او را در اعمال رسولان و *Epistles* سیلوانوس می‌نامند

۲. او مانند بارناباس رهبر کلیسای اورشلیم بود (اعمال رسولان ۲۲-۲۳)

۳. او از نزدیک با پولس در ارتباط است (اعمال رسولان ۱۵: ۴۰؛ ۱۶: ۱۹؛ ۱۷: ۱-۱۵؛ اول تسالونیکیان ۱: ۱)

۴. او مانند برنابا و پولس رسول بود (اعمال رسولان ۱۵: ۳۲)

۵. او را رسول خطاب می‌کردند (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۲: ۶)

۶. او، مانند پولس، تبعه روم بود (اعمال رسولان ۱۶: ۳۷-۳۸)

۷. او، مانند یوحنا مرقس، با پطرس نیز در ارتباط است، حتی ممکن است به عنوان کاتب نیز عمل کرده باشد (مراجعه کنید به اول پطرس ۵: ۱۲)

■ "تیموتائوس"

۱. نام او به معنای "کسی است که به خدا احترام می‌گذارد" است.

۲. او فرزند یک مادر یهودی و یک پدر یونانی بود و در لیسترا زندگی می‌کرد (مراجعه کنید به اعمال رسولان ۱۶: ۱). ترجمه لاتین تفسیر اوریگن در مورد رومیان ۱۶: ۲۱ می‌گوید تیموتائوس شهروند دربی بود. این احتمالا از اعمال رسولان ۲۰: ۴ گرفته شده باشد.

۳. ایمان یهودی توسط مادر و مادر بزرگ او به وی آموزش داده شد (مراجعه کنید به دوم تیموتائوس ۱: ۵؛ ۳: ۱۴-۱۵).

۴. او در اولین سفر بشارتی پولس به مسیح ایمان آورد (اعمال رسولان ۱۳: ۴۹-۱۴: ۲۵).

۵. از وی خواسته شد که در سفر دوم به تیم مبلغین پولس و سیلاس بپیوندد (اعمال رسولان ۱۶: ۱-۵). وی بر اساس نبوت تایید شد (مراجعه کنید به اول تیموتائوس ۱: ۱۸؛ ۴: ۱۴).

۶. وی توسط پولس ختنه شد تا بتواند با یهودیان و یونانیان همکاری کند (اعمال رسولان ۱۶: ۳).

۷. او یک همراه و همکار اختصاصی پولس بود. از وی بیش از سایر یاران پولس نام برده شده است (۱۷ بار در ۱۰ نامه، مراجعه کنید به رومیان ۱۶: ۲۱؛ اول قرتیان ۴: ۱۷؛ ۱۶: ۱۰؛ فیلیپیان ۱: ۱؛ ۲: ۱۹، ۲۲؛ کولسیان ۱: ۵؛ اول تسالونیکیان ۱: ۱؛ ۲: ۳؛ ۳: ۲؛ اول تیموتائوس ۱: ۲، ۱۸؛ ۴: ۱۴؛ دوم تیموتائوس ۱: ۱۸؛ ۲: ۱؛ ۳: ۱۴-۱۵).

۸. پولس با مهر و محبت او را "فرزند من در ایمان" می‌نامد (مراجعه کنید به اول تیموتائوس ۱: ۲)، "پسر محبوب من" (مراجعه کنید به دوم تیموتائوس ۱: ۲)، و "فرزند واقعی من در ایمان مشترک" (مراجعه کنید به تیتوس ۱: ۴).

۹. او ظاهراً در روم بود که پولس از زندان آزاد شد و او را در چهارمین سفر بشارتی وی همراهی کرد.

۱۰. او را "رسول" می نامند (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۲: ۶).

۱۱. دو سه تا از نامه های شبانی خطاب به او هستند.

۱۲. نام او آخرین بار در عبرانیان ۱۳: ۲۳ ذکر شده است.

■ "کلیسا" اصطلاح یونانی *ekklesia* به معنای "کسانی که فرا خوانده شده اند" است. همین اصطلاح به معنای جلسات شهری در شهرهای یونان بود (اعمال رسولان ۱۹: ۳۲). این مورد در *Septuagint* برای ترجمه *(qahal BDB 874)*، یعنی، خروج ۱۲: ۶؛ لویان ۱۶: ۱۷؛ اعداد ۲۰: ۴؛ تثنیه ۳۱: ۳۰) یا "جماعت" اسرائیل استفاده شده است. مسیحیان اولیه خود را تحقق و بسط عهد عتیق اسرائیل می دیدند. موضوع خاص را در غلاطیان ۱: ۲ ببینید.

■ "در خدا، پدر ما، و خداوند عیسی" (در نسخه انگلیسی "در خدا، پدر ما، و سرورمان عیسی" نوشته شده است که به اشتباه کلمه *Lord* در فارسی "خداوند" ترجمه شده در صورتیکه به معنی "سرور / ارباب" است - مترجم) این عبارت یکی از معدود تفاوت های موجود در مقدمه در اول تسالونیکیان ۱: ۱ و دوم تسالونیکیان ۱: ۱ است. مومنان می توانند خدا را "پدر ما" بنامند (مراجعه کنید به متی ۶: ۹). البته خدا پدر ما به معنای جسمی یا زایشی نیست بلکه در مفهوم ارتباطات خانوادگی است. موضوع خاص را در غلاطیان ۱: ۱ مطالعه کنید.

ساختار دستوری (یک پیشفرض "در" با دو مفعول "پدر" و "سرور") یکی از راه هایی است که نویسندگان عهد جدید پدر و پسر را به هم پیوند داده اند (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۱: ۱). این ساخت و ساز برابری آنها و بنابراین الهی بودن عیسی را تایید می کند.

روش مورد علاقه پولس برای خطاب مومنین "در مسیح" است، اما در اینجا او ادعا می کند که مومنان در طریق پدر نیز هستند.

۱: ۲ "فیض و سلامتی ... بر شما باد" بسیاری این را ترکیبی از تبریک یونانی و یهودی می دانند. عبارت مکرر "از خدا پدر ما و سرورمان عیسی مسیح" پدر و پسر را با هم پیوند می زند. "و" و حرف اضافه مفرد، نشانگر کلام پولس در مورد الهی بودن عیسی است (دقیقا مانند دوم تسالونیکیان ۱: ۱). از نظر الهیاتی لطف خدا همیشه مقدم بر صلح و آرامش است.

NASB: دوم تسالونیکیان ۱: ۳ الی ۱۲

آی برادران، ما باید همواره خدا را به خاطر وجود شما شکر گوئیم، و سزاوار نیز همین است، زیرا ایمان شما هر چه بیشتر رشد می کند و محبت هر یک از شما به یکدیگر فزونی می یابد.^۴ از این رو، ما در کلیساهای خدا به خاطر پایداری و ایمان شما در تحمل آزارها و سختیها، به وجودتان افتخار می کنیم.

^۵ اینها همه نشان داوری عادلانه خداست، و ثمرش این است که شما شایسته پادشاهی خدا شمرده خواهید شد که در راهش رنج می برید.^۶ زیرا این عادلانه است که خدا آنان را که شما را رنج می دهند، به رنج عوض دهد،^۷ و شما را که رنج می برید با ما آرام بخشد. این زمانی واقع خواهد شد که خداوند عیسی همراه با فرشتگان نیرومند خویش با آتشی فروزان از آسمان ظهور کند.^۸ او خدانشناسان و نافرمانان به انجیل خداوند ما عیسی را کیفر خواهد داد.^۹ جزای ایشان هلاکت جاودانی از حضور خداوند و از جلال قدرت او خواهد بود،^{۱۰} در آن روز که او می آید تا در مقدسین خود تمجید شود و در میان همه آنان که ایمان آورده اند، مایه شگفتی گردد. این شامل شما نیز خواهد بود، چرا که به شهادت ما ایمان آورده اید.

^{۱۱} از همین رو، پیوسته برای شما دعا می کنیم تا خدای ما شما را شایسته دعوت خود شمارد و به نیروی خود هر قصد نیکو و هر عملی را که از ایمان شما سرچشمه می گیرد، به انجام رساند،^{۱۲} و تا نام خداوند ما عیسی در شما جلال یابد، و شما نیز در او جلال یابید، بر حسب فیض خدای ما و خداوند عیسی مسیح.

۱: ۳ "ما باید همواره خدا را شکر گوئیم" این نمایانگر زندگی دعای پولس برای کلیساها است (مراجعه کنید به آیه ۱۱؛ اول تسالونیکیان ۱: ۲؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳ و فیلیپیان ۱: ۳-۴؛ دوم قرنتیان ۱۱: ۲۸). پولس احساس میکرد به این نیاز دارد که همیشه در دعاهاش شکرگزاری هم بکند (اول تسالونیکیان ۵: ۱۸). به موضوع خاص: شکرگزاری در اول تسالونیکیان ۱: ۲ مراجعه کنید.

NASB "زیرا ایمان شما تا حد زیادی بزرگ شده است"

NKJV "زیرا ایمان شما بیش از حد رشد می کند"

NRSV "زیرا ایمان شما به وفور در حال رشد است"

TEV "زیرا ایمان شما خیلی زیاد می شود"

این استعاره از کشاورزی بیانگر رشد جدی گیاهان است (مراجعه کنید به دوم قرن‌تین ۱۰: ۱۵؛ دوم پطرس ۳: ۱۸). موضوع خاص: استفاده پولس از ترکیبات *Huper* در غلاطیان ۱: ۱۳ را مطالعه کنید. پولس تحول ایمان و عشق آنها را تحسین کرد. این شبیه به اول تسالونیکیان ۱: ۳ است. اما توجه کنید که "امید" حذف شده است. هنوز هم سردرگمی زیادی در این زمینه وجود داشت (یعنی آمدن دوم، به موضوع خاص در غلاطیان ۵: ۵ مراجعه کنید).

■ "و محبت هر یک از شما به یکدیگر" با توجه به مشکلات مربوط به یاران داخلی در کلیسا (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۳: ۱۲؛ ۵: ۱۲-۱۳؛ اول یوحنا ۴: ۷، ۱۱، ۱۲، ۳۱)، این تصدیق عشق آنها به یکدیگر مهم بود.

■ "فزونی می‌یابد" این عبارت به صورت استعاره برای ایجاد ذهنیتی از سیل در حال افزایش استفاده شده است.

۱: ۴ "ما ... به وجودتان افتخار می‌کنیم" تاکید این عبارت بر خلاف "شما" بر "ما خود" است. خود کلیسا احساس ضعف می‌کند (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۵: ۱۴). پولس نقاط قوت آنها را دید و بیان کرد. همانند مسیح بودن آنها تحت آزار و شکنجه، گواهی بر خدمت موثر پولس و در نتیجه رسمیت او بود (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۲: ۱۹).

NASB "استقامت"

NKJV "صبر"

NRSV "پایداری"

TEV "در مورد شیوه‌ای که همچنان به استقامت خود ادامه می‌دهید"

NJB "ثبات"

این به معنای واقعی کلمه "استقامت داوطلبانه، فعال، و پایدار" است (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۱: ۳). این هم به افراد و هم به شرایط ارتباط دارد. این شاهد دیگری از کار روح در زندگی آنان بود. موضوع خاص: استقامت در غلاطیان ۵: ۴ را مطالعه کنید.

■ "ایمان" این اصطلاح در عهد عتیق در مورد اعتماد به نفس خدا و پاسخ انسان به اعتماد خدا استفاده شده است (مراجعه کنید به عبرانیان ۲: ۴، به موضوع خاص در غلاطیان ۳: ۴ مراجعه کنید). در اینجا از وفاداری آنها در دوران آزار و اذیت صحبت می‌شود. پولس برای ایمان آنان در اول تسالونیکیان ۳: ۱۰ دعا کرد و آنها را به خاطر ایمان خود در اینجا ستایش می‌کند. از طریق ایمان، وفاداری خداوند به وفاداری مومن تبدیل می‌شود. موضوع خاص را در غلاطیان ۳: ۶ مطالعه کنید.

■ "به خاطر پایداری و ایمان شما در تحمل آزارها و سختیها" رنج کشیدن برای مومنین در جهان گمراه عادی است (مراجعه کنید به متی ۵: ۱۰-۱۲؛ اعمال رسولان ۱۴: ۲۲؛ رومیان ۸: ۱۷-۱۸؛ اول تسالونیکیان ۲: ۱۴؛ ۳: ۳؛ یعقوب ۱: ۲-۴؛ اول پطرس ۴: ۱۲-۱۶). اغلب این وسیله رشد معنوی ماست (مراجعه کنید به عبرانیان ۵: ۸). موضوع خاص: عذاب در اول تسالونیکیان ۱: ۱۰ و چرا مسیحیان رنج می‌کشند؟ در اول تسالونیکیان ۳: ۳ را مطالعه کنید.

۱: ۵ "اینها همه نشان دآوری عادلانه خداست" این اشاره به خشم خدا دارد که بر سر بی‌ایمانانی که مردمش را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند، سرازیر می‌شود (مراجعه کنید به فیلیپیان ۱: ۲۸).

برای مطالعه کلمه پارسا به موضوع خاص در غلاطیان ۲: ۲۱ مراجعه کنید.

NASB "تا شما شایسته ارزیابی بشوید"

NKJV "که ممکن است شما شایسته شمرده شوید"

NRSV "قصد دارد شما را شایسته سازد"

TEV "زیرا در نتیجه این همه شما شایسته خواهید بود"

NJB "ممکن است شما ارزشمند بشوید"

این یک آتوریست مجهول نامحدود است، "تا شما شایسته ارزیابی بشوید". صدای مجهول دلالت بر این دارد که خدا پدر عامل است. این یکی از اهداف رنج است. این شخصیت را می‌سازد (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۱: ۱۱؛ رومیان ۵: ۳-۴؛ عبرانیان ۵: ۸).

این نمونه خوبی از تمایز الهیاتی بین یک پارسایی مکانی در طریق مسیح است و در عین حال نیاز به یک عدالت در حال رشد در مومن دارد. ایستادن ما در برابر خدا یک هدیه (اخباری) است، اما همچنین یک حکم (امری) است. یک راه برای بیان این حقیقت ممکن است با استعاره ورزشی صورت گیرد. مومنان براساس روابط ایمان خود با مسیح در این مسابقه پیروز شده‌اند. اکنون آنها باید به خاطر او در مسابقه شرکت کنند. قدردانی، و نه صرفاً عملکرد، مسیحیان را به سوی خدا سوق می‌دهد (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۲: ۱۲؛ افسسیان ۴: ۱، ۱۷؛ ۵: ۲).

■ "پادشاهی خدا" این یک عبارت کلیدی در اناجیل سینوپتیک است (به موضوع خاص در غلاطیان ۵: ۲۱ مراجعه کنید). اولین و آخرین خطبه‌های عیسی و بیشتر مباحث او به این موضوع پرداخته‌اند. این اشاره به سلطنت خدا در قلب انسان در حال حاضر دارد! جای تعجب است که انجیل یوحنا این عبارت را فقط دو بار دارد (و هرگز در تمثیلهای عیسی ندارد). در انجیل یوحنا "زندگی ابدی" یک اصطلاح کلیدی و استعاره است.

این عبارت مربوط به نیروی محرمانه (آخرالزمان) تعالیم عیسی است. این پارادوکس الهیاتی "در حال حاضر، اما نه هنوز" مربوط به مفهوم یهودی دو دوره، عصر شیطانی کنونی و عصر پارسایی آینده است، که توسط مسیح آغاز می‌شود. یهودیان انتظار داشتند فقط یک رهبر نظامی دارای قدرت روح باشد (مانند داوران عهد عتیق). این دو پیام عیسی باعث همپوشانی دو دوره شد (به موضوع خاص: دو عصر در غلاطیان ۱: ۴ مراجعه کنید). پادشاهی خدا با تولد در بیت اللحم به تاریخ بشر وارد شد. با این حال، عیسی نه به عنوان فاتح نظامی مکاشفه ۱۹، بلکه به عنوان خدمتگزار رنج کشیده (مراجعه کنید به اشعیا ۵۳) و رهبر فروتن (مراجعه کنید به حزقیال ۹: ۹) آمد. بنابراین، این پادشاهی آغاز می‌شود (مراجعه کنید به متی ۳: ۲؛ ۴: ۱۷؛ ۱۰: ۷؛ ۱۱: ۱۱؛ ۱۲: ۱۲؛ ۲۸: مرقس ۱: ۱۵؛ لوقا ۹: ۹، ۱۱؛ ۱۱: ۲۰؛ ۲۱: ۳۱-۳۲)، اما تحقق کامل نیافته است (مراجعه کنید به متی ۶: ۱۰؛ ۱۶: ۲۸؛ ۲۶: ۶۴).

۶:۱

NASB	"زیرا در نهایت فقط این است"
NKJV	"از آنجا که این یک امر صالحانه/پارسایانه است"
NRSV	"زیرا واقعا فقط"
TEV	"خداوند آنچه را که درست است انجام خواهد داد:"
NJB	"خدا خیلی به درستی"

این یک جمله شرطی ضمنی نوع اول است که از منظر نویسندگان یا برای اهداف ادبی او درست تصور می‌شود. داوری خدا عادلانه است.

■ "که خدا... به رنج عوض دهد" این نظم جهان اخلاقی است. خدا همه چیز را درست می‌کند (یادداشت کامل در غلاطیان ۶: ۷ را مطالعه کنید).

۱: ۷ "به ما نیز" (این عبارت در نسخه فارسی اصلا ترجمه نشده است-مترجم) پولس نیز رنج می‌کشید (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۴: ۹ الی ۱۳؛ دوم قرنتیان ۴: ۸ الی ۱۲؛ ۶: ۴ الی ۱۰؛ ۱۱: ۲۴ الی ۲۷).

■ "زمانی... که خداوند عیسی... ظهور کند" (به اشتباه کلمه Lord در فارسی "خداوند" ترجمه شده در صورتیکه کلمه Lord به معنی "سرور/ارباب" است نه خدا یا خداوند-مترجم) به معنای واقعی کلمه "در زمان ظهور سرورمان عیسی". در این آیه فعل وجود ندارد. آخرالزمان به معنای "به وضوح آشکار ساختن" است (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۱: ۷). این به آمدن دوم مسیح اشاره دارد. زمان قضاوت صالح خدا (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۱: ۵) روز آمدن دوم / رستاخیز / روز داوری خواهد بود (مراجعه کنید به متی ۲۵: ۳۱-۴۶؛ مکاشفه ۲۰: ۱۱-۱۵). موضوع خاص را در اول تسالونیکیان ۳: ۱۳ مشاهده کنید.

■ "فرشتگان نیرومند خویش" این یک مضمون متداول در کتاب مقدس است. او همچنین به همراه قدیسان خود خواهد آمد (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۴: ۱۳-۱۸). متی ۱۳: ۴۱ و ۲۴: ۳۱ دلالت دارد که فرشتگان انسانها را تفکیک می‌کنند (مراجعه کنید به متی ۱۳: ۳۹-۴۱؛ ۲۴: ۳۱).

■ "با آتشی فروزان" این نمادی از داوری خداوند است (مراجعه کنید به اشعیا ۲۹: ۶؛ ۳۰: ۲۷-۳۰؛ ۶۶: ۱۴-۱۵؛ دانیال ۷: ۹-۱۰). در اینجا ابهامی وجود دارد که آیا این عبارت با دوم تسالونیکیان ۱: ۷ یا ۸ باید همراه باشد. اگر با دوم تسالونیکیان ۱: ۷ همراه باشد، مربوط به فرشتگان است. اگر با دوم تسالونیکیان ۱: ۸ همراه باشد، مربوط به داوری است. ترجمه‌های NKJV، NRSV و REB آن را در دوم تسالونیکیان ۱: ۸ قرار می‌دهند.

موضوع خاص: آتش

(SPECIAL TOPIC: FIRE)

در کتاب مقدس، آتش هم مفهوم مثبت و هم مفهوم منفی دارد.

A. مثبت

۱. گرمی (مراجعه شود به اشعیا ۴۴: ۱۵، انجیل یوحنا ۱۸: ۱۸)
۲. نور (مراجعه شود به اشعیا ۵۰: ۱۱، انجیل متی ۲۵: ۱ الی ۱۳)
۳. آشپزی (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۲: ۸، اشعیا ۴۴: ۱۵ الی ۱۶، انجیل یوحنا ۲۱: ۹)
۴. پاک کننده (مراجعه شود به کتاب اعداد ۳۱: ۲۲ الی ۲۳، امثال ۱۷: ۳، اشعیا ۱: ۲۵، ۶: ۶ الی ۸، ارمیا ۶: ۲۹، ملاکی ۳: ۲ الی ۳)
۵. تقدس خدا (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۵: ۱۷، کتاب خروج ۳: ۲، ۱۹: ۱۸، حزقیال ۱: ۲۷، عبرانیان ۱۲: ۲۹)
۶. رهبری خدا (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۳: ۲۱، کتاب اعداد ۱۴: ۱۴، اول پادشاهان ۱۸: ۲۴)
۷. قدرت بخشیدن خدا (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۳)

B. منفی

۱. سوزاندن (مراجعه شود به یوشع ۶: ۲۴، ۸: ۸، ۱۱: ۱۱، انجیل متی ۲۲: ۷)
۲. نابود کردن (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۹: ۲۴، لاویان ۱۰: ۱ الی ۲)
۳. خشم (مراجعه شود به کتاب اعداد ۲۱: ۲۸، اشعیا ۱۰: ۱۶، زکریا ۱۲: ۶)
۴. مجازات کردن (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳۸: ۲۴، لاویان ۲۰: ۱۴، ۲۱: ۹، یوشع ۷: ۱۵)
۵. نشانه های اسکاتولوژیک دروغین (مراجعه شود به مکاشفه ۱۳: ۱۳)

C. خشم خدا در برابر گناه اغلب به صورت تصویری از آتش بیان میشود

۱. خشم او میسوزاند (مراجعه شود به هوشع ۸: ۵، صفیا ۳: ۸)
۲. او آتش فرو میریزد (مراجعه شود به نحیا ۱: ۶)
۳. آتش ابدی (مراجعه شود به ارمیا ۱۵: ۱۴، ۱۷: ۴، انجیل متی ۲۵: ۴۱، یهودا آیه ۷)
۴. داوری اسکاتولوژیک (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۱۰، ۵: ۲۲، ۱۳: ۴۰، انجیل یوحنا ۱۵: ۶، دوم تسالونیکیان ۱: ۷، دوم پطرس ۳: ۷ الی ۱۰، مکاشفه ۸: ۷، ۱۶: ۸، ۲۰: ۱۴ الی ۱۵)

D. آتش اغلب در الهیات ظاهر می شود

۱. پیدایش ۱۵: ۱۷
۲. خروج ۳: ۲
۳. خروج ۱۹: ۱۸
۴. مزامیر ۱۸: ۷-۱۵؛ ۲۹: ۷
۵. حزقیال ۱: ۴، ۲۷: ۱۰؛ ۲: ۱۰
۶. عبرانیان ۱: ۷؛ ۱۲: ۲۹

E. همانند بسیاری از استعاره ها در انجیل (یعنی خمیرمایه، شیر) آتش میتواند بسته به متن نعمت یا نفرین باشد.

۸:۱

NASB	"مجازات کردن"
NKJV	"انتقام گرفتن"
NRSV	"انتقام انتقام"
TEV	"مجازات"
NJB	"اعمال مجازات"

این یک وجه وصفی حال فعال است. این یک واکنش احساسی و کینه جویانه نیست، بلکه اجرای "عدالت کامل برای همه" است. آفرینش خدا منعکس کننده شخصیت خدا خواهد بود.

■ "خدانشناسان" این کلمه منعکس کننده طرد آگاهانه و تعمدی نور است (مراجعه کنید به مزامیر ۷۹: ۶؛ ارمیا ۱۰: ۲۵؛ اول تسالونیکیان ۴: ۵؛ یوحنا ۳: ۱۷ الی ۲۱؛ رومیان ۱: ۱۸، ۲۵: ۲؛ ۱۴-۱۵) و آزار و اذیت مومنان در تسالونیکی. این عبارت نه فقط به حقیقت شناختی درباره خدا (مفهوم یونانی "نمی دانم")، بلکه دوستی صمیمی با خدا (مفهوم عبری "می دانم") نیز اشاره دارد. "می دانیم" معنای عبری از یاران صمیمی را دارد (مراجعه کنید به پیدایش ۴: ۱؛ ارمیا ۱: ۵؛ مرقس ۱۴: ۷۱؛ تیتوس ۱: ۱۶).

موضوع خاص: دانستن (بر مبنای تثنيه)

SPECIAL TOPIC: KNOW

کلمه عبری "دانستن" (*yada*, BDB 393, KB 390) در ریشه *Qal* معانی مختلفی دارد.

۱. درک خوبی و پلیدی - پیدایش ۲۲:۳، تثنيه ۳۹:۱، اشعیا ۷:۱۴ و ۱۵، یونس ۱۱:۴
۲. دانستن بوسیله درک کردن - تثنيه ۲:۹ و ۳ و ۶ و ۲۱:۱۸
۳. دانستن توسط تجربه کردن - تثنيه ۱۹:۳، ۳۵:۴، ۲:۸ و ۳ و ۵، ۲:۱۱، ۲۰:۲۰، ۱۳:۳۱، یوشع ۱۴:۲۳
۴. در نظر گرفتن - تثنيه ۳۹:۴، ۲:۱۱، ۱۶:۲۹
۵. شخصا شناختن/دانستن
 - a. یک شخص - پیدایش ۵:۲۹، خروج ۸:۱، تثنيه ۲:۲۲، ۹:۳۳، ارمیا ۵:۱
 - b. خدا - تثنيه ۲۸:۱۱، ۲:۱۲ و ۶ و ۱۳، ۶۴:۲۸، ۲۶:۲۹، ۱۷:۳۲
 - c. یهوه - تثنيه ۳۵:۴ و ۳۹:۹، ۷:۶، ۲۹:۶، اشعیا ۱:۱، ۱۰:۵۶ و ۱۱
 - d. جنسی - پیدایش ۱:۴ و ۱۷ و ۲۵، ۱۶:۲۴، ۲۶:۳۸
۶. مهارت یا دانش فراگرفته شده - اشعیا ۱۱:۲۹ و ۱۲، عاموس ۱۶:۵
۷. خردمند بودن - تثنيه ۴:۲۹، امثال ۲:۱، ۱:۴، اشعیا ۲۴:۲۹
۸. شناخت خدا
 - a. از موسی - تثنيه ۱۰:۳۴
 - b. از اسرائیل - تثنيه ۲۱:۳۱

از دید الهیات، مورد شماره ۵ بسیار مهم است. ایمان انجیلی روزانه، در حال رشد، و دوستی صمیمانه با خدا است (به موضوع خاص: *Koinōnia* مراجعه شود). یک عقیده به تنهایی زندگی اخلاقی محض نیست. یک رابطه ایمان فردی است. به این دلیل است که پولس از خانه مسیحی در افسسیان ۲۲:۵ الی ۹:۶ استفاده می کند تا عشق مسیح به کلیسا را ترسیم نماید.

■ "نافرمانان به انجیل" برخی از مفسران تصور می کنند که این به گروه دوم اشاره دارد که مومنان تسالونیکایی را آزار می دهند. جمله اول مربوط به مشرکان ("کسانی که خدا را نمی شناسند") و دومی به یهودیان.

۱:۹ "جزا" این از همان ریشه مجازات/عذاب در دوم تسالونیکیان ۱:۸ است.

■ "هلاکت جاودانی" "ابدی" (مراجعه کنید به متی ۱۸:۸؛ ۲۵:۴۱؛ مرقس ۳:۲۹؛ عبرانیان ۶:۲؛ یهودا ۱:۷) همین ریشه را با "عصر" به اشتراک می گذارد (مراجعه کنید به متی ۲۸:۲۰؛ عبرانیان ۱:۲). در متی ۲۵:۴۶ آن هم بهشت و هم جهنم را توصیف می کند (اول تسالونیکیان ۲:۱۶). پاسخ شخص به انجیل در زمان حاضر (عصر) زمان آینده (عصر) خود را مهر و موم می کند.

اصطلاح تخریب (*olethros*) نیز در اول قرتیان ۵:۵؛ اول تسالونیکیان ۵:۳؛ اول تیموتائوس ۶:۹ یافت می شود. این به معنای "از دست دادن همه چیزهایی است که به حیات ارزش می دهند" (Moulton, Milligan, صفحه ۴۴۵)، اما نابود نمی شوند (*LXX .exoletheuō* تثنيه ۱۸:۱۹).

موضوع خاص: جاودانی

(SPECIAL TOPIC: ETERNAL)

Robert B. Girdlestone در کتاب خود *Synonyms of the Old Testament*، تفسیر بسیار جالبی در مورد کلمه "جاودانی" دارد:

"صفت *aiōnios* بیش از چهل بار در عهد جدید، در رابطه با زندگی ابدی، که تا حدودی به عنوان یک هدیه حاضر به شمار می رود، تا حدودی به عنوان وعده ای برای آینده است، استفاده شده است. همچنین به وجود بی پایان خدا در رومیان ۱۶:۲۶ دلالت می کند؛ و تا کارایی بی پایان تطهیر مسیح در عبرانیان ۹:۱۲، ۱۳:۲۰ و تا اعصار بعدی در رومیان ۱۶:۲۵، دوم تیموتائوس ۱:۹ و تیتوس ۱:۲ اشاره می کند. این کلمه با اشاره به آتش ابدی، در انجیل متی ۱۸:۸، ۲۵:۴۱، داوران ۱:۷، مجازات ابدی، انجیل متی ۲۵:۴۶، داوری یا محکومیت ابدی، انجیل مرقس ۳:۲۹، عبرانیان ۶:۲، تخریب ابدی، دوم تسالونیکیان ۱:۹ استفاده شده است. کلمه ای که در این قسمت ها استفاده شده به نهایت اشاره می کند، و ظاهرا نشان می دهد که زمانیکه این قضاوت ها اعمال می شود، زمان آزمایش، تغییر، یا احتمال بازیابی شانس، به طور مطلق و برای همیشه گذشته است. ما در مورد آینده، در مورد رابطه زندگی انسانی با مابقی حیات، و در مورد وزن اخلاقی بی ایمانی، در نگاه ابدی، درک بسیار اندکی داریم.

اگر، از یک طرف، اشتباه به کلام خدا اضافه کردن اشتباه باشد، از سوی دیگر ما نباید از آن روی برگردانیم؛ و اگر ما تحت دکترین مجازاتهای ابدی متلاشی شویم، همانطور که در کتاب مقدس مطرح شده است، ما باید محتاط باشیم و صبر کنیم، به عشق خداوند از طریق مسیح بیوندیم و در عین حال تصدیق کنیم که زمینه تاریکی وجود دارد که ما قادر به درک آن نیستیم" (صفحات ۳۱۸ الی ۳۱۹).

■ "از حضور خداوند... خواهد بود" (در نسخه انگلیسی "به دور از حضور سرورمان" نوشته شده و این تفسیر در رابطه با متن انگلیسی است- مترجم) این جنبه بدتر از جهنم است. در KJV روانشناسی ۱۳۹: ۸ می‌گوید: "اگر من تختخواب خود را در جهنم قرار دهم، تو آنجا هستی"، اما در مزامیر، این به شئول یا هادس اشاره دارد (محل نگهداری مردگان، مراجعه کنید به متی ۱۱: ۲۳؛ ۱۶: ۱۸؛ لوقا ۱۰: ۱۵؛ ۱۶: ۲۳؛ مکاشفه ۱: ۱۸؛ ۲۰: ۱۳، ۱۴)، نه جهنم، که محل جدایی دائمی از خداوند است (مراجعه کنید به متی ۵: ۲۲، ۲۹، ۳۰؛ ۱۰: ۲۸؛ ۱۸: ۹؛ ۲۳: ۱۵، ۳۳؛ مرقس ۹: ۴۳، ۴۵، ۴۷؛ لوقا ۱۲: ۵).

موضوع خاص: مردگان، کجا هستند؟ (Sheol/Hades, Gehenna, Tartarus)

(SPECIAL TOPIC: WHERE ARE THE DEAD)

۱. عهد عتیق

a. همه انسانها به *Sheol* (دنیای زیر زمین در زبان عبری) می‌روند (هیچ ریشه‌ای برای این کلمه موجود نیست و ریشه آن مشخص نیست، BDB 982, KB 1368)، و شیوه‌ای است برای اشاره به مکانی که مردگان را در آنجا گذاشته و در آنجا زندگی می‌کنند یا قبر است، بیشتر در ادبیات عرفانی و اشعیا استفاده شده است. در عهد عتیق هستی در سایه، هشیار ولی بدون لذت وجود دارد (مراجعه شود به یعقوب ۱۰: ۲۱ الی ۲۲، ۳۸: ۱۷).

b. مشخصه های شئول (*Sheol*)

- ۱) با داوری خدا همراه است (آتش)، تنبیه ۳۲: ۲۲
- ۲) زندانی با دروازه، یعقوب ۳۸: ۱۷، مزمور ۹: ۱۳، ۱۰۷: ۱۸
- ۳) سرزمین بدون بازگشت، یعقوب ۷: ۹ (اصطلاح اکادادی برای مرگ)
- ۴) سرزمین/قلمرو تاریکی، یعقوب ۱۰: ۲۱ الی ۲۲، ۱۷: ۱۳، ۱۸: ۱۸
- ۵) مکان سکوت، مزمور ۲۸: ۱، ۳۱: ۱۷، ۹۴: ۱۷، ۱۱۵: ۱۷، اشعیا ۴۷: ۵
- ۶) همراه با مجازات حتی قبل از روز داوری، مزمور ۱۸: ۴ الی ۵
- ۷) همراه با شیطان (تخریب، موضوع خاص: شیطان را مطالعه کنید)، که در آن خدا نیز حضور دارد، یعقوب ۲۶: ۶، مزمور ۱۳۹: ۸، عاموس ۹: ۲
- ۸) همراه با گودال است (قبر)، مزمور ۱۶: ۱۰، ۸۸: ۳ الی ۴، اشعیا ۱۴: ۱۵، حزقیال ۳۱: ۱۵ الی ۱۷
- ۹) افراد شرور زنده وارد شئول می‌شوند، اعداد ۱۶: ۳۰ الی ۳۳، یعقوب ۷: ۹، مزمور ۵۵: ۱۵
- ۱۰) انسان حیوان‌نمایی با دهان بزرگ، اعداد ۱۶: ۳۰، امثال ۱: ۱۲، اشعیا ۵: ۱۴، حقوق ۲: ۵
- ۱۱) به مردم آنجا رفتیم (یعنی روح مردگان) گفته می‌شود، یعقوب ۲۶: ۵، امثال ۲: ۱۸، ۲۱: ۱۶، ۲۶: ۱۴، اشعیا ۱۴: ۹ الی ۱۱
- ۱۲) با این وجود، حتی در اینجا نیز یهوه حاضر است، یعقوب ۲۶: ۶، مزمور ۱۳۹: ۸، امثال ۱۵: ۱۱

۲. عهد جدید

a. کلمه عبری شئول در زبان یونانی به *Hades* ترجمه می‌شود (دنیای دیده نشده)

b. مشخصه‌های *Hades* (همانند شئول است)

- ۱) اشاره به مرگ دارد، انجیل متی ۱۶: ۱۸
 - ۲) به مرگ مرتبط است، مکاشفه ۱: ۱۸، ۶: ۸، ۲۰: ۱۳ الی ۱۴
 - ۳) اغلب شبیه مکانی برای مجازات دائمی است (*Gehenna* یا جهنم)، متی ۱۱: ۲۳ (نقل از عهد عتیق)، لوقا ۲۳: ۴۳
- c. احتمالاً مجزا شده (روحانیون)

۱) بخش نیکی آن بهشت نامیده می‌شود (مراجعه شود به دوم قرن‌تبیان ۱۲: ۴، مکاشفه ۲: ۷)، انجیل لوقا ۲۳: ۴۳
 ۲) بخش پلیدی آن که تارتاروس نامیده می‌شود، مکانی به مراتب پائینتر از حادس، دوم پطرس ۲: ۴، که در آن شیاطین هستند (مراجعه شود به پیدایش ۶، اول انوش). پرتگاه (*Abyss*)، انجیل لوقا ۸: ۳۱، رومیان ۱۰: ۷، مکاشفه ۹: ۱ الی ۲، ۱۱، ۱۱: ۷، ۱۷: ۱ و ۸، ۲۰: ۱ و ۳

d. جهنما (جهنم)

۱) منعکس کننده یک عبارت عهد عتیقی است، "دره پسران هینوم"، (جنوب اورشلیم). مکانی بود که خدای آتش فینقیان، مولک (KB591, BDB 574) با قربانی کردن کودکی پرستش و عبادت می‌شد (مراجعه شود به دوم پادشاهان ۱۶: ۳، ۲۱: ۶، دوم قرنتیان ۲۸: ۳، ۳۳: ۶)، که در لاویان ۱۸: ۲۱، ۲۰: ۲ الی ۵ منع شده بود.

۲) ارمیا این مکان را از محل عبادت کفار و بت پرستان تبدیل به محل داوری یهوه کرد (مراجعه شود به ارمیا ۷: ۳۲، ۱۹: ۶ الی ۷). این مکان تبدیل به محل داوری آتشین در اول انوش ۹۰: ۲۶ الی ۲۷ و خویشان ۱: ۱۰۳

۳) یهودیان روزگار عیسی اجدادشان از حضور در مراسم عبادت بت پرستان و کفار به خاطر قربانی کردن کودکان ترسانده بودند، به همین دلیل آنها این مکان را تبدیل به زباله‌دانی شهر اورشلیم کرده بودند. بسیاری از استعاره‌های داوری جاودانی عیسی از این مکان می‌آیند (آتش، دود، کرم‌ها، بوی تعفن، مراجعه شود به انجیل مرقس ۹: ۴۴ و ۴۶). اصطلاح جهنم/جهنم فقط توسط عیسی استفاده شده است (به استثنای یعقوب ۳: ۶).

۴) استفاده عیسی از جهنم

۱. آتش، انجیل متی ۵: ۲۲، ۱۸: ۹، انجیل مرقس ۹: ۴۳

۲. همیشگی، انجیل مرقس ۹: ۴۸ (انجیل متی ۲۵: ۴۶)

۳. محل خراب شدن (هم روح و هم جسم)، انجیل متی ۱۰: ۲۸

۴. همسو با شئول، انجیل متی ۵: ۲۹ الی ۳۰، ۱۸: ۹

۵. پلیدی را بیان می‌دارد مانند "فرزند جهنم"، انجیل متی ۲۳: ۱۵

۶. نتیجه حکم داوری، انجیل متی ۲۳: ۳۳، انجیل لوقا ۱۲: ۵

۷. مفهوم جهنم همسو با مرگ دوم است (مراجعه شود به مکاشفه ۱۱: ۲، ۶: ۲۰ و ۱۴) یا دریاچه آتش (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳: ۴۲ و ۵۰، مکاشفه ۱۹: ۲۰، ۲۰: ۱۰ و ۱۴ الی ۱۵، ۲۱: ۸). احتمال دارد که دریاچه آتش تبدیل به محل دائمی انسانها (از شئول) و شیطان (از تارتاروس، دوم پطرس ۲: ۴، یهودا ۱: ۶ یا هاویه، مراجعه شود به انجیل لوقا ۸: ۳۱، مکاشفه ۹: ۱ الی ۱۱، ۲۰: ۳) شود.

۸. این برای انسانها نبود، بلکه برای شیطان و فرشتگان او بود، مراجعه شود به انجیل متی ۲۵: ۴۱

e. این احتمال هست، به واسطه همپوشانی حادثه و شئول و جهنم که:

۱) همه انسانها به شئول / حادثه بروند

۲) کارهای (نیک و بد) آنها پس از داوری تشدید می‌شد، ولی مکان پلیدی بود، به همین دلیل انجیل KJV حادثه را قبر و جهنم را جهنم ترجمه کرده است.

۳) تنها جایی در انجیل که مجازات قبل از داوری را ذکر کرده، تمثیل انجیل لوقا ۱۶: ۱۹ الی ۳۱ (ایلعازر و مرد ثروتمند) است. شئول به عنوان مکان فعلی مجازات توصیف شده (مراجعه شود به تثنیه ۳۲: ۲۲، مزمور ۱۸: ۱ الی ۵). با این حال، کسی نمی‌تواند برای آن دکترینی یا تمثیلی تعریف کند.

۲. حالت میان مرگ و بازگشت از مرگ

a. انجیل جاودانگی روح را تعلیم نمی‌دهد، که یکی از چندین نگرش باستانی در مورد پس از مرگ است، و تصریح می‌کند که:

۱) روح انسان قبل از زندگی فیزیکی وجود داشته است

۲) روح انسان قبل و بعد از مرگ فیزیکی جاویدان است

۳) اغلب جسم فیزیکی به عنوان زندان دیده می‌شود و مرگ آن را به حالت قبل از وجود تبدیل می‌کند

b. عهد جدید به حالت جدا شدن از بدن میان مرگ و رستاخیز اشاره می‌کند

۱) عیسی از حالت جدایی میان بدن و روح صحبت می‌کند، انجیل متی ۱۰: ۲۸

۲) ابراهیم ممکن است جسم داشته باشد، انجیل مرقس ۱۲: ۲۶ الی ۲۷، انجیل لوقا ۱۶: ۲۳

۳) موسی و الیاس در زمان تغییر شکل بدن فیزیکی داشتند، انجیل متی ۱۷

۴) پولس تصریح می‌کند که در زمان آمدن دوم، مومنینی که با عیسی می‌آیند ابتدا بدن جدیدی می‌گیرند، اول تسالونیکیان ۴: ۱۳ الی ۱۸

۵) پولس تصریح می‌کند که مومنین در روز رستاخیز بدن معنوی جدیدی می‌گیرند، اول قرنتیان ۱۵: ۲۳ و ۵۲

۶) پولس تصریح می‌کند که مومنین به حادثه نمی‌روند، ولی در زمان مرگ با عیسی هستند، دوم قرنتیان ۵: ۶ و ۸، فیلیپیان ۱: ۲۳

۲۳. عیسی بر مرگ غلبه کرد و پارسایان را با خود به بهشت برد، اول پطرس ۳: ۱۸ الی ۲۲.

۴. بهشت

a. این اصطلاح به سه مفهوم در انجیل استفاده شده است

۱) اتمسفر بالای زمین، پیدایش ۱: ۱ و ۸، اشعیا ۴۲: ۵، ۴۵: ۱۸

۲) بهشت درخشان، پیدایش ۱: ۱۴، تثنیه ۱۰: ۱۴، مزبور ۱۴۸: ۴، عبرانیان ۴: ۱۴، ۷: ۲۶

۳) محل پادشاهی خدا، تثنیه ۱۰: ۱۴، اول پادشاهان ۸: ۲۷، مزبور ۱۴۸: ۴، افسسیان ۴: ۱۰، عبرانیان ۹: ۲۴ (بهشت سوم، دوم قرنیتیان ۱۲: ۲)

b. انجیل مطالب زیادی در مورد پس از زندگی بیان نمی‌کند، احتمالا به این دلیل که انسان گمراه نمی‌تواند یا توان درک آن را ندارد (مراجعه شود به اول قرنیتیان ۲: ۹)

c. بهشت هم مکان (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲ الی ۳) و هم فرد (دوم قرنیتیان ۵: ۶ و ۸) است. بهشت می‌تواند باغ احیا شده عدن باشد (پیدایش ۱ الی ۲، مکاشفه ۲۱ الی ۲۲). زمین پاک شده و احیا می‌گردد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳: ۲۱، رومیان ۸: ۲۱، دوم پطرس ۳: ۱۰). تصویر خدا (پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷) در مسیح احیا می‌شود. اینک دوستی صمیمانه باغ عدن دوباره امکانپذیر است.

با این حال، این می‌تواند استعاره‌ای باشد (بهشت به عنوان یک شهر مکعب شکل عظیم مکاشفه ۲۱: ۹ الی ۲۷) و نه فقط مفهومی. اول قرنیتیان ۱۵ تفاوت‌های میان بدن فیزیکی و بدن معنوی را به عنوان بذر گیاه بالغ توصیف می‌کند. اول قرنیتیان ۲: ۹ (نقل قولی از اشعیا ۶۴: ۴ و ۱۷: ۶۵) وعده بزرگی است. می‌دانم که وقتی او را ببینیم، همانند او خواهیم بود (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۲).

۵. منابع مفید

a. William Hendriksen, *The Bible On the Life Hereafter*

b. Maurice Rawlings, *Beyond Death's Door*

■ "واز جلال قدرت او" این ممکن است اشاره ای به اشعیا ۲: ۱۰، ۱۹، ۲۱ باشد. بشر سقوط کرده از حضور پرشکوه آن مقدس اسرائیل فرار خواهد کرد. تراژدی آفرینش این است که بزرگترین نیاز بشر همکاری با خداست، اما به دلیل گناه و عصیان، از او می‌ترسیم و از او می‌گریزیم و از کسی که ما را مانند خودش برای یاریهای باشکوه آفرید، فرار می‌کنیم.

در عهد عتیق رایج ترین کلمه عبری برای "جلال" (*BDB 458, kabod*) در ابتدا یک اصطلاح تجاری بود (برای ترازوی اندازه‌گیری به کار می‌رفت) و به معنای "سنگین بودن" بود. آنچه سنگین بود ارزشمند بود یا ارزش ذاتی داشت. غالبا مفهوم روشنایی برای بیان عظمت خداوند به این کلمه اضافه می‌شد (مراجعه کنید به خروج ۱۵: ۱۶؛ ۲۴: ۱۷؛ اشعیا ۶۰: ۱-۲). او به تنهایی شایسته و شریف است. او برای دیدن انسانهای گمراه و سقوط کرده بسیار درخشان است (نگاه کنید به خروج ۳۳: ۱۷-۲۳؛ اشعیا ۶: ۵). خدا را فقط از طریق مسیح می‌توان شناخت (مراجعه کنید به ارمیا ۱: ۱۴؛ متی ۱۷: ۲؛ عبرانیان ۱: ۳؛ یعقوب ۲: ۱).

اصطلاح جلال به نوعی مبهم است: (۱) ممکن است همسو با "عدالت خدا" باشد. (۲) ممکن است به "تقدس" یا "کمال" خداوند اشاره کند. یا (۳) می‌تواند به تصویری از خدا که در آن بشریت خلق شده است مراجعه کند (مراجعه کنید به پیدایش ۱: ۲۶-۲۷؛ ۵: ۱؛ ۹: ۶)، که بعدا به واسطه شورش آسیب دید (مراجعه کنید به پیدایش ۱۳ الی ۲۲). این نخستین باری است که در مورد حضور یهوه در کنار مردمش استفاده شده است. موضوع خاص: شکوه (*DOXA*) را در غلاطیان ۱: ۵ مشاهده کنید.

۱۰: ۱

NASB, NKJV "در قدیسانش جلال داده شود"

NRSV "توسط قدیسانش جلال داده می‌شود"

TEV "از همه قوم خود جلال می‌پذیرد"

NJB "در میان قدیسانش جلال داده می‌شود"

این عبارت را می‌توان حداقل به دو طریق درک کرد.

۱. بیانگر یک اصطلاح عبری، عظمت آمدن دوم باعث می‌شود که عیسی جلالش را از پیروان خود بدست آورد

۲. منعکس کننده معنای عادی حرف اضافه یونانی، به اضافه ترکیب غیر معمول حرف اضافه که با اسم تکرار شده است، (دوم تسالونیکیان ۱: ۱۰، ۱۲) مبنی بر اینکه مسیح در میان یا توسط مومنان جلال می‌یابد.

"قدیسان" به معنای واقعی کلمه "قدیسان" است. اصطلاح "قدیسان" همیشه جمع است، مگر یک بار در فیلیپیان ۴: ۲۱، و حتی در آنجا، آن مشارکتی

است. نجات ما را در بدن مسیح و در خانواده او قرار می‌دهد. به موضوع خاص: قدیسان در اول تسالونیکیان ۳: ۱۳ مراجعه کنید.

این چندان به معنی تجربه برابر با موقعیت و جایگاه نیست. امیدوارم موقعیت ما در زندگی روزمره ما واقعیت پیدا کند. هنگامی که او تجلیل ما را بازگرداند، آنی و کامل خواهد بود (اول یوحنا ۳: ۲؛ رومیان ۸: ۳۰). عیسی در زندگی الهی خود تجلیل می‌شود (مراجعة کنید به دوم تسالونیکیان ۱: ۱۲؛ اول تسالونیکیان ۲: ۱۲؛ یوحنا ۱۷: ۹-۱۰).

■ "در آن روز" این عبارت برجسته یک استعاره عهد عتیقی از زمانی است که خداوند به برکت (مومنان) یا داوری (کافران) به آفرینش خود باز خواهد گشت. یادداشت‌های کاملتر را در اول تسالونیکیان ۵: ۲ مشاهده کنید.

NASB "و در میان همه آنان که ایمان آورده‌اند، مایه شگفتی گردد"

NKJV "و در بین همه کسانی که ایمان می‌آورند تحسین می‌شوند"

NRSV "و از اینکه در بین همه کسانی که ایمان داشته‌اند شگفت زده می‌شوند"

TEV "و از همه کسانی که ایمان آورده‌اند افتخار می‌کنند"

NJB "و در جلال او توسط همه کسانی که به او ایمان آورده شده‌اند دیده می‌شوند"

دو عبارت مبهم در دوم تسالونیکیان ۱: ۱۰ وجود دارد. آنها می‌توانند این معنی را داشته باشند که: (۱) مقدسین با مسیح تجلیل می‌شوند و این آنها را شگفت زده می‌کند، یا (۲) فرشتگان از آنچه خدا برای مومنین انجام می‌دهد متحیر هستند (مراجعة کنید به افسسیان ۲: ۷؛ ۳: ۱۰؛ اول قرنتیان ۴: ۹).

■ "چرا که به شهادت ما ایمان آورده‌اید" پاسخ مومنان بر خلاف پاسخ مشرکان در دوم تسالونیکیان ۱: ۸ بود. آنها انجیل را هم به عنوان پیام و هم به عنوان شخص دریافت کرده بودند (یعنی یوحنا ۱: ۱۲؛ ۳: ۱۶، ۳۶؛ ۶: ۴۰؛ ۱۱: ۲۵-۲۶؛ رومیان ۱۰: ۹-۱۳).

۱۱: ۱ "پیوسته برای شما دعا می‌کنیم" پولس به طور مداوم برای این کلیساها دعا می‌کرد (مراجعة کنید به دوم تسالونیکیان ۱: ۳؛ ۲: ۱۲؛ اول تسالونیکیان ۱: ۲؛ ۵: ۱۳-۱۸). موضوع خاص: نماز روحانی را در اول تسالونیکیان ۱: ۲ ببینید.

NASB "خدا شما را شایسته فراخوانی شما خواهد دانست"

NKJV "خدا شما را شایسته این فراخوانی خواهد دانست"

NRSV, NJB "خدای ما شما را شایسته دعوت خود شمارد"

TEV "خدا برای شما ارزش زندگی را فراهم کرد که شما را برای زندگی فرا خوانده است"

خدا این کار را انجام می‌دهد (مراجعة کنید به فیلیپیان ۱: ۶؛ ۲: ۱۳؛ افسسیان ۴: ۴)، اما مومنان باید به او اجازه دهند و با روح همکاری کنند (مراجعة کنید به فیلیپیان ۲: ۱۲؛ افسسیان ۴: ۱). این تناقض حاکمیت خداوند و اراده آزاد بشر است که باید یک پاسخ از روی ایمان اولیه و مترقی داشته باشد. در این متن، تاکید بر زندگی جدید مسیحیان است (مراجعة کنید به افسسیان ۴: ۱؛ ۵: ۲، ۱۵). انجیل شخصی است که از آن استقبال می‌کند، پیامی در مورد آن شخص برای باور کردن و شیوه زندگی برای شخص که به آن طریق زندگی کند.

موضوع خاص: فراخواندن

(SPECIAL TOPIC: CALLED)

خدا همیشه در فرا خواندن، انتخاب کردن و تشویق مومنین به سوی خود گام اول را برمی‌دارد (مراجعة شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵؛ ۱۵: ۱۶، اول قرنتیان ۱: ۱ الی ۲، افسسیان ۴: ۱ الی ۵ و ۱۱). اصطلاح "فراخواندن" در چندین مفهوم الهیاتی استفاده شده است.

۱. در عهد عتیق، "فراخواندن به نام او" همیشه در متن دعاها استفاده شده است (مراجعة شود به کتاب پیدایش ۴: ۲۶، ۲۱: ۲۶، ۲۵: ۲۵، کتاب خروج ۳۴: ۵).

۲. با فیض خدا (یعنی کتاب خروج ۳۴: ۶ الی ۷)، و از طریق کاری که مسیح انجام داده و روح القدس گناهکاران را محکوم کرده است (یعنی *klētos* مراجعه شود به رومیان ۱: ۶ الی ۷، ۹: ۲۴، که از نگاه الهیاتی مشابه اول قرنتیان ۱: ۱ الی ۲ و دوم تیموتائوس ۱: ۹، دوم پطرس ۱: ۱۰ است) گناهکاران به رستگاری فراخوانده میشوند.

۳. به نام خدا گناهکاران برای رستگاری فرا خوانده میشوند (یعنی *epikaleō*، مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۲۱، ۲۲: ۱۶، رومیان ۱۰: ۹ الی ۱۳). این عبارت یک اصطلاح در دعاهای یهودیان است.

۴. در مواقع بحران و فشار مومنین به نام او فرا خوانده میشوند (یعنی اعمال رسولان ۷: ۵۹)

۵. مومنین فرا خوانده میشوند که همانند مسیح زندگی کنند (یعنی *klēsis*، مراجعه شود به اول قرنتیان ۱: ۲۶، ۷: ۲۰، افسسیان ۴: ۱، فیلیپیان

۳: ۱۴، دوم تسالونیکیان ۱: ۱۱، دوم تیموتائوس ۱: ۹)

مومنین فراخوانده می‌شوند تا بشارت کنند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۳: ۲، اول قرنتیان ۱۲: ۴ الی ۷، افسسیان ۴: ۱)

■ "و به نیروی خود هر قصد نیکو ... را ... به انجام رساند" پولس در حال دعا بود تا اهداف جدیدشان عملی شود (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۱: ۳). مانند قلب جدیدشان (مراجعه کنید به حزقیال ۳۶: ۲۶-۲۷)، آنها دهان، دستها و پاهای جدیدی به دست آورده‌اند (مراجعه کنید به رومیان ۶: ۴؛ دوم قرنتیان ۵: ۱۷؛ کولسیان ۳: ۱۰).

پولس از مفهوم "نیکی" غالباً در نامه‌های تسالونیکیان استفاده می‌کند:

۱. *agathos*، اول تسالونیکیان ۳: ۶؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۱۶-۱۷؛

a. *agathon*، اول تسالونیکیان ۵: ۱۵

b. *agathōsunē*، دوم تسالونیکیان ۱: ۱۱

۲. *kalon*، اول تسالونیکیان ۵: ۲۱

۳. *eudokia*، دوم تسالونیکیان ۱: ۱۱

۱۲: ۱ "نام خداوند ما عیسی در شما" (در کتاب مقدس انگلیسی برای عیسی اصطلاح *Lord* استفاده شده که به معنی ارباب/سرور است و متأسفانه در ترجمه فارسی به اشتباه خداوند ترجمه شده- این تفسیر در رابطه با متن انگلیسی است- مترجم) اینجا ساختار موازی و بدیهی استفاده شده که "نام" نشان دهنده شخص است. موضوع خاص زیر را مطالعه کنید.

موضوع خاص: اسم سرور/ارباب

SPECIAL TOPIC: THE NAME OF THE LORD

در کلیسا این اسم متداول عهد جدیدی برای حضور و قدرت فعال خدای تثلیث است. یک فرمول جادویی نیست، بلکه درخواستی برای شخصیت خدا آن طور که در عیسی دیده شد، است.

اغلب این اصطلاح به عیسی به عنوان سرور اشاره می‌کند (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۱۱)

۱. در کار ایمان فرد به عیسی (مراجعه شود به رومیان ۱۰: ۹ الی ۱۳، اعمال رسولان ۲: ۲۱ و ۳۸، ۸: ۱۲ و ۱۶، ۱۰: ۴۸، ۱۹: ۵، ۲۲: ۱۶، اول قرنتیان ۱: ۱۳ و ۱۵، یعقوب ۲: ۷)

۲. در زمان جن‌گیری و بیرون راندن دیوها (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۲۲، انجیل مرقس ۹: ۳۸، انجیل لوقا ۹: ۴۳۹، ۱۰: ۱۷، اعمال رسولان ۱۹: ۱۳)

۳. در زمان شفا دادن (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳: ۶ و ۱۶، ۴: ۱۰، ۹: ۳۴، یعقوب ۵: ۱۴)

۴. در زمان بشارت (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۴۲، ۱۸: ۵، انجیل لوقا ۹: ۴۸)

۵. در زمان مراسم در کلیسا (مراجعه شود به انجیل متی ۸: ۱۵ الی ۲۰)

۶. در زمان موعظه برای پیروان سایر ادیان (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۴: ۴۷، اعمال رسولان ۹: ۱۵، ۱۵: ۱۷، رومیان ۱: ۵)

۷. در دعا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۳ الی ۱۴، ۱۵: ۷ و ۱۶، ۲۳: ۱۶، اول قرنتیان ۱: ۲)

۸. راهی برای اشاره به مسیحیت (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۶: ۹، اول قرنتیان ۱: ۱۰، دوم تیموتائوس ۲: ۱۹، یعقوب ۲: ۷، اول پطرس ۴: ۱۴)

هر آنچه به عنوان بشارت‌دهنده، کمک‌کننده، شفا دهنده، بیرون‌کننده دیو و غیره انجام دهیم، در شخصیت او، قدرت او و بنام او انجام می‌دهیم (یعنی فیلیپیان ۲: ۹ الی ۱۰)!

■ "در شما ... و شما نیز در او" عیسی در مومنین جلال می‌یابد و مومنین در خدا.

■ "بر حسب فیض خدای ما و خداوند عیسی مسیح" در نامه‌های تسالونیکیان معمول است که پولس به طور عاطفی پیوند پدر و پسر را تأکید کند (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۱: ۳، ۳: ۱۱، ۱۳: ۵، ۱۸: ۲۳؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۱، ۲: ۲، ۱۲: ۲، ۱۳: ۱۶، ۳: ۵).

ممکن است که این عبارت فقط به مسیح اشاره داشته باشد. اگر چنین باشد، با سایر متون عهد جدید که ادعای الهی بودن مسیح را دارند مطابقت دارد (یعنی یوحنا ۱: ۱، ۸: ۵۷-۵۸، ۲۰: ۲۸، رومیان ۹: ۵؛ فیلیپیان ۲: ۶؛ تیتوس ۲: ۱۳؛ عبرانیان ۱: ۸؛ اول یوحنا ۵: ۲۰؛ دوم پطرس ۱: ۱ و ۱۱).

سوالات بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید. این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. موضوع اصلی فصل ۱ چیست؟ تفاوت آن با اول تسالونیکیان ۱ چیست؟
۲. چرا رنج برای مومنین عادی است؟ (آیه ۵)
۳. آیا خدا مقصر است و کینه توز است؟ اگر نه، آیه ۸ به چه چیزی اشاره دارد؟
۴. آیا جهنم برای همیشه است؟

دوم تسالونیکیان ۲

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
مرد بی قانون	ارتداد بزرگ	روز ارباب	آن شریب	آمدن سرورمان و پیش درآمدی بر آن
۲: ۱ الی ۱۲	۲: ۱ الی ۱۲	۲: ۱ الی ۱۲	۲: ۱ الی ۴ ۲: ۵ الی ۱۲	۲: ۱ الی ۳ الف ۲: ۳ الی ۸ ۲: ۹ الی ۱۲
انتخاب شده برای رستگاری	محکم ایستادن	شکرگزاری و تشکر	شما برای رستگاری انتخاب شدید	تشویق به استقامت (۲: ۱۳ الی ۳: ۵)
۲: ۱۳	۲: ۱۳ الی ۱۷	۲: ۱۳ الی ۱۵ ۲: ۱۶ الی ۱۷	۲: ۱۳ الی ۱۵ ۲: ۱۶ الی ۱۷	۲: ۱۳ الی ۱۷

* تقسیم‌بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگرافها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری میباشد. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگرافها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخ جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: انتقادات متنی و واژه‌نامه.

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور خود راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم و غیره

۴. و غیره

بینش متنی نسبت به آیات ۱ الی ۱۰

A. به واسطه نظریات مختلف در سراسر تاریخ کلیسا، این متن را به سختی میتوان ترجمه و تفسیر کرد.

B. زمینه انجیلی

۱. فصل ۱ در رابطه با آمدن دوم مسیح و داوری بی ایمانان است، فصل ۲: ۱ الی ۱۲ در رابطه با آمدن و داوری ضد مسیح است. این با توصیف

با بیشترین جزئیات این شخص در عهد جدید است. پولس از اصطلاح یوحنايي "ضد مسیح" استفاده نمی‌کند (اول یوحنا ۲: ۱۸، ۲۲: ۴؛

۳: دوم یوحنا ۷) بلکه او را مرد بی قانونی در دوم تسالونیکیان خطاب می‌کند. ۲: ۳ و "آن بی قانون" در دوم تسالونیکیان ۲: ۸.

۲. پیشینه کلی این متن در اعتقاد عهد عتیقی به روایتی نهایی بین خدایان و مردم ضرور قرار دارد (مراجعه کنید به مزامیر ۲: ۴۸؛ ۴ الی ۸؛

حزقیال ۳۸-۳۹؛ دانیال ۷؛ زکریا ۱۴) این درگیری میان رهبران تبدیل به مسئله شخصی شد: مسیح خدا و ضد مسیح (مراجعه کنید به

پیدایش ۳: ۱۵؛ دانیال ۷: ۹؛ ۲۳-۲۷).

۳. متون مرتبط در عهد جدید عبارتند از متی ۲۴؛ مرقس ۱۳؛ لوقا ۱۷؛ ۲۱؛ اول تسالونیکیان ۴ الی ۵؛ اول یوحنا ۲؛ مکاشفه.

۴. سه مرتبه عناصری در دوم تسالونیکیان ۲: ۱ الی ۱۲ درگیر بوده اند:

a. رخدادهای جاری

b. رخدادهای آتی ولی قبل از آمدن دوم

c. رخدادهای آتی در ارتباط با روز ارباب

C. باید به خاطر داشت که کل موضوع بازگشت مسیح در کتاب مقدس با تنش دیالکتیکی ارائه می شود. از یک طرف، بازگشت قریب الوقوع خداوند با چندین اتفاق که باید ابتدا رخ دهند، متعادل است. یکی از این حقایق، دیگری را حذف نکرده و یا متضاد آن نخواهد بود. برخی از نمونه‌های وقایع اولیه پیش بینی شده عبارتند از:

۱. ارتداد (مراجعه کنید به متی ۲۴: ۱-۱۳؛ اول تیموتائوس ۴: ۱؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱ و دوم تسالونیکیان ۲: ۳)

۲. مصیبت بزرگ (مراجعه کنید به متی ۲۴: ۲۱-۲۲، ۲۹-۳۱)

۳. انجیل بر همه ملل موعظه شد (مراجعه کنید به متی ۲۴: ۲۴)

۴. آشکار شدن ضد مسیح (متی ۲۴، دوم تسالونیکیان ۲ و مکاشفه ۱۳)

۵. نجات تعداد کامل غیر یهودیان و یهودیان (مراجعه کنید به رومیان ۱۱: ۱۱-۱۳)

D. بسیاری این فصل را ژانر آخرالزمانی می دانند. موضوع خاص زیر را مطالعه کنید.

موضوع خاص: ادبیات اپوکالیپتی (به نقل از مقدمه‌ای بر مکاشفه)

(SPECIAL TOPIC: APOCALYPTIC LITERATURE)

مکاشفه یک ژانر منحصر به فرد ادبیات یهودی، اپوکالیپتیک، است. از آن اغلب در مواقع پر از تنش برای بیان این عقیده که خدا تاریخ را کنترل

کرده و مردمش را رستگار می کند، استفاده می شود. مشخصه های این نوع ادبیات به شرح زیر هستند:

۱. احساس قوی حکومت جهانی خدا (یکناپرستی و جبرگرایی)

۲. مبارزه میان نیکی و پلیدی، این عصر و عصری که خواهد آمد (دوالیسم)

۳. استفاده از کلمات و کدهای رمزی (معمولا از عهد عتیق یا ادبیات تعاملی اپوکالیپتیک یهود)

۴. استفاده از رنگها، اعداد، حیوانات، گاهی اوقات حیوانات/انسانها

۵. استفاده از میانجیهای فرشتگان توسط بینشها و رویاها، ولی معمولا از طریق میانجیگری فرشتگان

۶. اساسا بر پایان زمان تمرکز میکند (عصر جدید)

۷. استفاده یک نمادهای ثابت، نه واقعیت، به منظور برقراری و انتقال پیام آخر زمان

۸. برخی از مثالهای این نوع ژانر به شرح زیر هستند:

a. عهد عتیق

(۱) اشعیا ۲۴ الی ۲۷ و ۵۶ الی ۶۶

(۲) حزقیال ۳۷ الی ۴۸

(۳) دانیال ۷ الی ۱۲

(۴) یوئیل ۲: ۲۸ الی ۳: ۲۱

(۵) زکریا ۱ الی ۶ و ۱۲ الی ۱۴

b. عهد جدید

(۱) انجیل متی ۲۴، انجیل مرقس ۱۳، انجیل لوقا ۲۱ و اول قرنیتیان ۱۵ (به شیوه هایی)

(۲) دوم تسالونیکیان ۲ (در بیشتر شیوه ها)

(۳) مکاشفه (فصل های ۴ الی ۲۲)

c. غیر شرعی (بر گرفته از *The Method and Message of Jewish Apocalyptic* اثر D. S. Russell صفحات ۳۷ الی ۳۸)

(۱) اول انوش، دوم انوش (اسرار انوش)

(۲) کتاب جشنها

(۳) سیبیلین اوراکل ۳ و ۴ و ۵

(۴) عهد و پیمان دوازده شیخ

- ۵) مزامیر سلیمان
 ۶) تصورات موسی
 ۷) شهادت اشعیا
 ۸) اپوکالیپس موسی (زندگی آدم و حوا)
 ۹) اپوکالیپس ابراهیم
 ۱۰) عهد و پیمان ابراهیم
 ۱۱) دوم ادریس (چهارم ادریس)
 ۱۲) دوم و سوم باروخ

۹. در این ژانرها یک حس دوگانگی وجود دارد. واقعیت را به صورت یک مجموعه دوالیسمها، تضادها یا تنشها میان وارد زیر می بیند (که بسیار در نوشته‌های یوحنا متداول است):

- a. بهشت - زمین
 b. عصر پلیدی (انسانهای پلید و فرشتگان پلید) - عصر پارسایی (انسانهای خداپرست و فرشتگان خداپرست)
 c. شرایط حال حاضر - شرایط آینده

تمامی اینها به سوی تحقیق در حرکتند که توسط خدا ارائه شده اند. این دنیایی نیست که خدا قصد آن را داشت، ولی او به کار خود و پروژه‌اش ادامه می‌دهد تا رفاقت و دوستی در باغ عدن برقرار و احیا شود. رخداد مسیح نقطه آبیاری برنامه خدا است، ولی دو آمدن او این دوالیسم و دوگانگی را به وجود آورده است.

مطالعه عبارت و کلام

NASB: دوم تسالونیکیان ۲: ۱ الی ۱۲

۱) برادران، درباره آمدن خداوند ما عیسی مسیح و گرد آمدن ما نزد او، استدعا داریم^۲ از پیام نبوتی یا گفته یا نامه‌ای که گویا از ما باشد، بدین مضمون که روز خداوند هم اکنون فرا رسیده است، زود متزلزل یا مشوش مشوید. آنگذارید هیچ کس به هیچ طریقی شما را فریب دهد. زیرا تا نخست آن عصیان واقع نشود و آن مرد بی دین که فرزند هلاکت است به ظهور نرسد، آن روز فرا نخواهد رسید. او با هر آنچه خدا خوانده می‌شود و مورد پرستش قرار می‌گیرد، مخالفت می‌ورزد و خود را بالاتر قرار می‌دهد، تا آنجا که در معبد خدا جلوس می‌کند و خود را خدا معرفی می‌نماید.^۵ آیا به یاد ندارید هنگامی که با شما بودم اینها را به شما می‌گفتم؟^۶ شما می‌دانید که اکنون چه چیزی مانع است و سبب می‌شود که او تنها در زمان مناسب خود ظهور کند.^۷ زیرا سر بی دینی هم اکنون نیز عمل می‌کند، اما فقط تا وقتی که آن که تا به حال مانع است از میان برداشته شود.^۸ آنگاه آن بی دین ظاهر خواهد شد، که خداوند عیسی با نفس دهان خود او را هلاک خواهد کرد و با درخشندگی ظهور خویش او را نابود خواهد ساخت.^۹ ظهور آن بی دین به نیروی شیطان و همراه با همه گونه معجزات و آیات و عجایب همراه کننده خواهد بود،^{۱۰} و نیز همراه با همه گونه شرارت که راهبان طریق هلاکت را فریفته می‌سازد. ایشان از آن رو هلاک می‌شوند که نخواستند حقیقت را دوست بدارند تا نجات یابند.^{۱۱} پس خدا ایشان را به توهمی بزرگ دچار خواهد کرد، به گونه‌ای که دروغ را باور خواهند داشت،^{۱۲} تا همه کسانی که حقیقت را باور نکرده و از شرارت خشنود گشته‌اند، محکوم شوند.

۲: ۱ "درباره آمدن" این اصطلاح یونانی parousia به معنای "حضور" است. پیشینه فرهنگی این اصطلاحات دیدارهای سلطنتی بود که به طور مرتب از آن کلمه استفاده می‌شد. از سه کلمه در عهد جدید برای توصیف آمدن دوم استفاده شده است.

۱. *parousia*، مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۲: ۸، ۱؛ اول تسالونیکیان ۲: ۱۹
 ۲. *epiphaneia*، مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۲: ۸، یک اشعه نورانی مشهود و در حال آمدن
 ۳. *apocalypsis*، مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۱: ۶-۷، به معنای "آشکار شدن" به منظور رویت شدن
- کلمه آخر نیز در بیانیه ضد مسیح در دوم تسالونیکیان ۲: ۳، ۶، ۸ به کار رفته است.

"آمدن دوم" یک اصطلاح کتاب مقدس نیست. اولین بار توسط جاستین شهید استفاده شد. موضوعات خاص بازگشت عیسی در اول تسالونیکیان ۲: ۱۹ و شرایط عهد جدید برای بازگشت مسیح در اول تسالونیکیان ۳: ۱۳ را مطالعه کنید.

■ "گرد آمدن ما نزد او" این یک اشاره به "خلسه روحانی" در اول تسالونیکیان ۴: ۱۳-۱۸ است. از این متن، یک آمدن دیده می‌شود. آیه ۳ هم در مورد هر

دو قدیسانی که عذاب را تجربه می کنند و هم در مورد مکاشفه ضد مسیح صحبت می کند. این دو آیه ۱ و ۳ با دیدگاه آزارهای پنهان ماقبل هزاره مومنان مغایرت دارد.

معمولا از متی ۲۴: ۳۲-۴۴ (مراجعه کنید به لوقا ۱۷: ۲۲-۳۷) به عنوان پشتیبانی از شکنجه پنهانی مومنان در حالی که افراد غیرقابل رها باقی مانده اند، استفاده می شود. با این حال، در متن (روزگار نوح)، افراد ناشناس مورد داوری قرار می گیرند. در متی ۲۴: ۳۹، "همه آنها را از بین برد" کسانی که در سیل نابود شده اند را توصیف می کند (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۲: ۳۷-۳۸).

هدف الهیاتی واقعی برخی متخصصین الهیات برای عصبانیت پنهانی متمایز از بازگشت دیرتر و قابل رویت عیسی، برطرف کردن تنش بین بازگشت قریب الوقوع عیسی و ضرورت آن است که برخی از نبوت‌های پیش-هزاره برای حذف کلیسا از روی زمین، به گونه‌ای که پیشگوییهای عهد عتیق به معنای واقعی کلمه برای قوم اسرائیل تحقق یابد، که با توجه به اول تسالونیکیان ۲: ۱۳-۱۶ تعجب آور است.

۲:۲

NASB "به سرعت آرامش خود را از دست ندهید"

NKJV "سریع ذهنتان مشوش نشود"

NRSV "به سرعت در ذهن مغشوش نشود"

TEV "به راحتی در افکار خود سردرگم نشوید"

NJB "لطفا خیلی زود هیجان زده نشوید"

این یک آنوریست مجهول نامحدود است که از یک سردرگمی ذهنی و اضطراب ناشی از یک عامل بیرونی، در اینجا یک روح یا یک پیام صحبت می کند. این کلمه به معنای واقعی کلمه می تواند یک زمین لرزه یا آمدن خدا یا روح را توصیف کند (مراجعه کنید به عبرانیان ۱۲: ۲۶ الی ۲۸). از لحاظ نمادین، این به حالت روانی وفاداری متزلزل اشاره دارد (مراجعه کنید به LXX، مزامیر ۱۵: ۸ و اعمال رسولان ۲: ۲۵).

"به سرعت" دلالت دارد بر (۱) تعجب پولس که خیلی زود پس از صحبت با آنها در مورد این چیزهایی که اینقدر سردرگمی، ترس و گمانه زنی را باعث شده اند یا (۲) پذیرش راحت نظر شخص دیگری در این باره.

■ "مشوش مشوید" این یک حال مجهول نامحدود است که از وقوع مداوم یک عامل خارجی صحبت می کند، در اینجا یک روح یا پیام است. اگر اصطلاح اول در دوم تسالونیکیان ۲: ۲ به روند تفکر آنها اشاره داشته باشد، این اصطلاح نادر به احساسات آنها اشاره دارد. این اصطلاح فقط در مباحث اسکاتولوژیک یافت می شود (مراجعه کنید به متی ۲۴: ۶؛ مرقس ۱۳: ۷).

NASB "یا با یک روح یا"

NKJV, NRSV "یا با روح یا"

TEV "این ادعا، شاید این توسط کسی که پیشگویی می کند، گفته شده باشد"

NJB "با هر پیش بینی یا"

پولس سه چیز را فهرست کرد (با سه بار استفاده از *metē*) که نباید موجب مزاحمت مومنان تسالونیکیان شود (یعنی "یک روح"، "یک پیام" و "نامه"). اولین اصطلاح "یک روح" (*pneumatōs*) است که به معنای پیام پیامبر یا یک مکاشفه ماورای طبیعی دیگر استفاده می شود (مراجعه کنید به اول یوحنا ۴: ۱، که همچنین *pneuma* را با ضد مسیح مرتبط می کند).

NASB "یا پیام"

NKJV, NRSV "یا با کلمه"

TEV "یا توسط موعظه کسی"

NJB "یا شایعه"

این اصطلاح (*logos*) می تواند "با استفاده از تفسیر شخصی کسی" یا "با استفاده از گفتار کسی" ارائه شود.

NASB "یا نامه ای انگار از طرف ما"

NKJV "یا با نامه، انگار از ما"

NRSV "یا با نامه، انگار از ما"

TEV "یا ممکن است گفته شده باشد که ما این نامه را در نامه نوشتیم"

NJB "یا هر نامه ای که ادعا می کند از ما می آید"

پولس برای تأمین صحت و سقم نامه های شخصی خود، آنها را امضا می کرد (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۳: ۱۷). این می تواند به تعبیر نادرست شخصی از اول تسالونیکیان یا موعظه پولس در تسالونیکیه اشاره داشته باشد.

■ "بدین مضمون که روز خداوند هم اکنون فرا رسیده است" این یک زمان اخباری فعال کامل است، یعنی "روز خداوند فرا رسید". تمام این مسئله الهیاتی در مورد اسکاتولوژی عمده ترین مشکل پولس بود که سعی در پاک کردن آن داشت. بقیه دوم تسالونیکیان ۲: ۳-۱۲ توضیحی است مبنی بر اینکه چرا این گفته نمی تواند صحیح باشد (مراجعه کنید به متی ۲۴: ۲۳، ۲۶). رویدادهای همراه با آمدن دوم هنوز آغاز نشده بودند (به مقدمه این فصل مراجعه کنید). برای بحث و گفتگوی کامل در مورد "روز خداوند" به یادداشت های اول تسالونیکیان ۵: ۲ مراجعه کنید.

۲:۲

NASB "بگذار هیچ کس به هیچ وجه شما را فریب ندهد"

NKJV "اجازه دهید هیچ کس شما را به هیچ وجه فریب ندهد"

NRSV "اجازه دهید هیچ کس شما را به هیچ وجه فریب ندهد"

TEV "اجازه ندهید کسی به هیچ وجه شما را فریب دهد"

NJB "هرگز اجازه ندهید کسی از این طریق شما را فریب دهد"

این یک منفی مضاعف است با یک وجه وصفی آتوریست فعال + *tis*، دلالت بر یک عامل فردی دارد. ظاهراً گمراه سازی تعمدی صورت گرفته است.

■ "زیرا ... فرا نخواهد رسید" این یک جمله شرطی نوع سوم است. بعضی از وقایع ابتدا باید اتفاق بیفتند (مراجعه کنید به مقدمه این فصل، بخش C). این آمدن دوم قریب الوقوع نبود. در این متن، دو واقعه ذکر شده اند: (۱) ارتداد بزرگ و (۲) آشکار شدن "بشر گناهکار".

NASB "اول ارتداد می آید"

NKJV "گمراهی اول می آید"

NRSV "شورش اول می آید"

TEV "شورش نهایی صورت می گیرد"

NJB "شورش بزرگ اتفاق افتاده است"

این اصطلاح مرکب *apo + histēmi*، به معنای واقعی کلمه به معنای "ایستادگی از" است (به موضوع خاص: ارتداد در غلاطیان ۵: ۴ مراجعه کنید). می توان از آن به معنای منفی (عصیان) یا یک احساس مثبت استفاده کرد (به دور از گناه، مراجعه کنید به دوم تیموتائوس ۲: ۱۹). از این کلمه در ادبیات یونانی (*Plutarch*) و اعمال رسولان ۵: ۳۷ برای شورش سیاسی یا نظامی استفاده شده است، اما در *Septuagint* (مراجعه کنید به یوشع ۲۲: ۲۲) و آخرالزمان، اغلب به شورش معنوی اشاره دارد. کسی که عصیان می کند نامشخص است، اما آنها خدا را رد می کنند و حتی سعی می کنند او را جایگزین کنند. این می تواند مشرکان، یهودیان یا بخشی از کلیسا باشد (مراجعه کنید به متی ۲۴: ۳-۱۲؛ اول تیموتائوس ۴: ۱؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱، ۸، ۱۳؛ اول یوحنا ۲: ۱۸-۱۹)

NASB "مرد بی قانونی آشکار شده است"

NKJV "مرد گناه نازل شده است"

NRSV "بی قانونی آشکار شد"

TEV "بدکار ظاهر می شود"

NJB "شورش ... ظاهر شد"

اینجا تفاوتی میان نسخ خطی یونانی وجود دارد. "بی قانونی" در دستنوشته های یونانی یونیکال، B، 8، ترجمه های کپتیک و ارمنی و متون یونانی که توسط اورینگن و مارسیون به کار رفته است، وجود دارد. در حالی که به گفته تر تولیان، "گناه" در نسخه های A، F، D، G یافت می شود. ترجمه های L، K، P و والگیت و ترجمه های سریانی توسط بیشتر پدران اولیه کلیسا شناخته شده بودند. "بی قانونی" (آنومیا) در نوشته های پولس نادر است (مراجعه کنید به

رومیان ۴: ۷؛ ۶: ۱۹؛ تیتوس ۲: ۱۴) و کاتبان ممکن است اصطلاح معروف‌تر "گناه" (*hamartias*) را جایگزین کنند. اصطلاح "بی قانونی" نیز در دوم تسالونیکیان ۲: ۷ و ۸ به کار رفته است. ⁴UBS "بی قانونی" را "تقریباً یقین" (B) ارزیابی می‌کند.

شیطان مانند دوم تسالونیکیان ۲: ۹ در نظر گرفته نشده است، بلکه خدمتکار او، تجسم او (تقلیدی از مسیح، مراجعه کنید به مکاشفه ۱۳: ۱-۸). پولس هرگز از اصطلاح "ضد مسیح" استفاده نکرد، بلکه اول یوحنا ۲: ۱۸؛ ۴: ۳؛ و دوم یوحنا ۷ (نوشته شده پس از مرگ پولس) به همین شخص اشاره دارد. در اول یوحنا "گناه" و "بی قانونی" با هم برابر هستند (مراجعه کنید به اول یوحنا ۳: ۴).

این احتمال وجود دارد که "مرد بی قانونی" پولس با شخصیت آخرالزمانی یهودیان "آن شخص بی ارزش" (محرمانه) به یک مسیح دروغین، یک رهبر الهام شیطانی مرتبط باشد. اصطلاح ممکن است در این معنی در این موارد استفاده شده باشد:

۱. تثنیه ۱۳: ۱۳، کسی که دیگران را از یهوه به سوی خدایان دروغین سوق می‌دهد
۲. اول سموئیل ۲: ۱۲، کسی که یهوه را نمی‌شناسد
۳. ناحوم ۱: ۱۵، شر را شخصی کرد
۴. کتاب جبیلی ۱: ۲۰، روح شخصیت پردازی شده
۵. صعود اشعیا، ۴: ۱۸

فعل یک امر وجه وصفی آتوریست مجهول است. صدای مجهول دلالت بر یک عامل بیرونی دلالت دارد. خدا، تاریخ را کنترل می‌کند، نه شیطان. در زمان خدا (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۲: ۶) این تقلید مسیح، این شر منسوخ شده، به این بنده شیطان اجازه داده می‌شود در تاریخ خود را تجلی کند (اصطلاح "آشکار" برای مکاشفه مسیح در دوم تسالونیکیان ۱: ۷ به کار رفته است).

حالت وجه وصفی بر این دلالت ندارد که این شرایط ممکن است رخ ندهد، بلکه زمان مکاشفه مبهم اما در آینده را تایید می‌کند (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۲: ۶، ۸).

به عباراتی توجه کنید که این شخص آخر زمان را توصیف می‌کند.

۱. مرد بی قانونی
۲. پسر تخریب
۳. آن که مخالف است
۴. آن که از خودش تمجید می‌کند
۵. به طوری که او جای خود را در معبد خدا بگیرد
۶. خود را به عنوان خدا نشان دادن

این شخص نه تنها با خدا مخالف است، بلکه سعی در جایگزینی او دارد! پیشگفتار "ضد" در ابتدا به معنای "در جای" و بعداً به معنای "مخالف" بود. هر دو این مفهوم متناسب با این مرد بی قانونی است. او قدرت، کنترل و عبادت را می‌خواهد. ذات گمراهی، استقلال انسانی و فرشته‌ای، شخصیت پردازی می‌شود (مراجعه کنید به دانیال ۱۱: ۳، ۱۶، ۳۶).

از بسیاری جهات، این توصیفات پادشاهان و قدرتمندان را توصیف می‌کند. یک مثال خوب نرون است!

NASB	"پسر تخریب"
NKJV	"فرزند تباهی"
NRSV	"کسی که تقدیرش نابودی است"
TEV	"کسی که تقدیرش جهنم است"
NJB	"آن گمراه"

این اصطلاح عبری به معنای واقعی کلمه "پسر نابودی" ترجمه می‌شود. این در مورد یهودا اسخریوطی در یوحنا ۱۷: ۱۲ استفاده شده است. این شخص وابسته به ذات، مانند یهودا، اگر چه عمیقاً درگیر در معنویت باشد، از نظر روحی گمراه شده و محکوم به مجازات ابدی خواهد شد.

۴: ۲

NASB	"کسی که مخالفت می‌کند و خود را بالاتر از هر به اصطلاح خدای یا چیزی که عبادت می‌شود، می‌داند"
NKJV	"کسی که خود را بالاتر از هر آنچه خدا خوانده می‌شود میداند و با هر چیزی که عبادت شود مخالف است"

این دو وجه وصفی حال میانی هستند. آنچه در اینجا نشان داده می‌شود، یک مسیح قلبی و تقلیدی شیطنانی است که به دنبال جلال و پرستش است (مراجعه کنید به اشعیا ۱۴: ۱۳-۱۴؛ حزقیال ۲۸: ۲؛ دانیال ۷: ۲۵؛ ۸: ۹-۱۴؛ ۹: ۲۷؛ ۱۱: ۳۶-۳۷؛ متی ۴: ۱۵؛ مرقس ۱۳: ۱۴؛ مکاشفه ۱۳).

■ "خود را بالاتر قرار می‌دهد" این ترکیب یونانی *hyperairomai* است. موضوع خاص: استفاده پولس از ترکیبات *Huper* در غلاطیان ۱: ۱۳ را مطالعه کنید.

■ "تا آنجا که در معبد خدا جلوس می‌کند" این عبارت غالبا توسط کسانی استفاده میشود که اعتقاد دارند همه وقایع اسکاتولوژیک ذکر شده توسط عیسی (متی ۲۴، مرقس ۱۳؛ لوقا ۱۷، ۲۱) یا یوحنا (مراجعه کنید به اول یوحنا ۲؛ مکاشفه) مربوط به آینده هستند. اگر چنین باشد، به نظر می‌رسد این یک معبد یهودی بازسازی شده، احتمالا در حزقیال ۴۰-۴۸ است.

مفسران دیگر معتقدند که این رویدادهای اسکاتولوژیک آشکار شده "به زودی" رخ می‌دهند و بنابراین باید به وقایع تاریخی جهان مدیترانه قرن اول اشاره کنند.

۱. کالیگولا مجسمه‌ای را از خودش در معبد اورشلیم قرار می‌دهد

۲. سقوط اورشلیم به دست تیتوس در سال ۷۰ میلادی

۳. حکومت ترس و آزار و اذیت مومنان در دوران سلطنت نرون و دومیتیان

برخی دیگر از ما این وقایع اسکاتولوژیک را با توجه به وقایع قرن اول و رویدادهای آینده می‌بینیم. پیامبران عهد عتیق غالبا وقایع روزگار خود را می‌گرفتند و آنها را در مجموعه "روز خداوند" در آینده قرار می‌دادند. به این ترتیب عهد جدید برای روز خود و هر دوره موفقیت آمیز تاریخ پیامی دارد. ما باید شرایط تاریخی نویسنده اصلی را جدی بگیریم، اما همچنین تاخیر شگفت آور ۲۰۰۰ ساله از آمدن دوم را نیز.

این متن بسیار خاص و شخصی نشانگر تحقق تاریخی آینده فردی است. با این حال این متن نیز مبهم است. به خصوص این نوع زبان (یعنی "نفرت از ویرانی"، نام دانیال برای این قربانی) متناسب با هجومهای سلوکی (آنتیوخوس اپیفان IV) و رومی (تیتوس) در اورشلیم است که طی آن خدایان مشرک در منطقه معبد حکومت می‌کنند. این چهره آخرالزمان نیز به غرور و تکبر پادشاهان بابل (اشعیا ۱۴) و تیریه (حزقیال ۲۸) شباهت دارد که احتمالا انواع ارتداد شیطنانی هستند.

این اصطلاح یونانی "معبد" (*naos*) برای مقدس مقدس‌ها در معبد یهود استفاده می‌شد، اگرچه هیچ جایی در آن نبود. این اصطلاح همچنین برای معابد بت پرست که در آن خدایان سلطنت می‌کردند، به کار رفته است. این ممکن است بدان معنا باشد که معبد یهودی باید از نظر فیزیکی بازسازی شود (مراجعه کنید به دانیال ۹: ۲۴-۲۷)، احتمالا در پی حزقیال ۴۰-۴۸، اما نه لزوما. به یاد داشته باشید که معبد یهودی جایی برای نشستن نداشت. فقط یک معبد یونانی (یعنی زئوس) بود که تاج و تخت داشت. اگر به معنای واقعی کلمه نباشد، این عبارت نمی‌تواند به مکان عبادت یهودیان اشاره داشته باشد. کریسوستوم "یک معبد" را به عنوان استعاره رایج پولسی برای کلیسا تعبیر کرد (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۳: ۱۶ الی ۱۷؛ ۶: ۱۹؛ دوم قرنتیان ۶: ۱۶؛ افسسیان ۲: ۲۱). این دیدگاه، ضد مسیح را بیانیه خودش در کلیسای مرئی می‌داند.

■ "خود را خدا معرفی می‌نماید" آن بی‌قانون در حقیقت ادعای خدایی دارد، او یک مسیح تقلبی است، او تجسم شیطان است. در مکاشفه یوحنا یک تثلیث شیطنانی وجود دارد (جانوری از دریا، جانوری از زمین، که پیامبر دروغین است و شیطان). جانور از دریا مسیح تقلبی است، یعنی

۱. زخم کشنده دارد اما زنده است، مراجعه کنید به مکاشفه ۱۳: ۳، ۱۴

۲. عنوان "که مثل جانور است" بیانگر توصیف یهوه در اشعیا ۴۰: ۱۸-۲۲؛ ۴۳: ۱۱؛ ۴۴: ۶، ۸، ۹-۲۰؛ ۴۵: ۶ است

۳. معجزات عالی را ارائه میدهد، مراجعه کنید به مکاشفه ۱۳: ۱۳

۴. به پیروان خود علامت مشخصی ارائه می‌دهد، مراجعه کنید به مکاشفه ۱۳: ۱۶، مانند نشان خدا در مورد پیروان مسیح، مراجعه کنید به مکاشفه ۷: ۷

۳

۵: ۲ "اینها را به شما می‌گفتم" این یک زمان غیر کامل بوده و نشانگر این است که این مومنین بارها و بارها موعظه یا تعلیم در مورد این موضوع شنیده‌اند. آنها اطلاعاتی در مورد این موضوع داشتند که خوانندگان مدرن از آنها برخوردار نیستند (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۲: ۵، "آیا شما به یاد نمی‌آوردید" و دوم تسالونیکیان ۲: ۶، "می‌دانید.") بنابراین، همه تعبیر مدرن، تا حدودی، ناقص و فرض هستند. باید از دکماتیسم پرهیز کرد، هر چند که تفسیر دقیق مفید

است. مشخص نیست که آیا این عبارت به اطلاعات مندرج در دوم تسالونیکیان ۲: ۱-۵ یا دوم تسالونیکیان ۲: ۶-۱۲ اشاره دارد یا خیر.

۲: ۶ "شما می‌دانید" این بدان معناست که (۱) این مومنان می‌دانستند که (پولس) به چه کسی اشاره می‌کند یا (۲) آنها در حال حاضر قدرت / شخص را در زندگی خود تجربه می‌کنند.

NASB "چه چیزی او را مهار می‌کند"

NKJV "چه چیزی مهار است"

RSV "آنچه اکنون او را مهار می‌کند"

TEV "چیزی وجود دارد که این مانع این اتفاق می‌شود"

NJB "آنچه هنوز او را عقب نگه دارد"

این فعل می‌تواند این معانی را داشته باشد

۱. "عقب نگاهداشتن" (مراجعه کنید به لوقا ۴: ۲۴؛ فیلمون ۱۳)

۲. "سریع نگه داشتن" (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۵: ۲۱؛ لوقا ۸: ۱۵)

۳. "دور نگه داشتن" (هیچ مثال انجیلی ندارد)

متن از "عقب نگه داشتن" یا "محدود کردن" حمایت می‌کند. سوال واقعی این است: این مهارکننده چه کسی یا چه چیزی است؟ یک تغییر دستوری جالب از خنثی در دوم تسالونیکیان ۲: ۶، ۷ تا مذکر در دوم تسالونیکیان ۲: ۷، ۸ رخ می‌دهد. این به معنای اثرگذاری است که توانایی تجسم آن را دارد. به همین دلیل، حداقل سه تفسیر قابل قبول است.

۱. قانون در مقابل هرج و مرج، در امپراتور روم شخصیت پردازی شده

۲. اقتدار فرشته، در یک فرشته (های) خاص شخصیت پردازی شده، مراجعه کنید به مکاشفه ۷: ۱-۳

۳. خدا، به شخصه روح خود یا روح روحانی که موعظه انجیل را تقویت می‌کنند

نظریه اول بسیار قدیمی و فراگیر است، اولین بار توسط ترتولیان بیان شده است. این معیارها متناسب با معیارهای متنی است که مسیحیان تسالونیکیان درک می‌کردند. پولس همچنین از تجربیات خود و فواید قانون سخن گفت (مراجعه کنید به رومیان ۱۳: ۱ به بعد؛ اعمال رسولان ۱۷-۱۸). نظریه دوم ارتباط نزدیکی با هم دارد. از دانیال ۱۰ به عنوان شواهدی برای کنترل فرشتگان و اقتدار بر ملل و سیستم‌های قانونی آنها استفاده می‌کند. نظریه سوم از جدیدترین نظریات است. تحسین آن بسیار زیاد است اما همچنین بسیار پیش فرض است. این کار بیشتر از طرف دیسپنسالیست‌های خاص برای حمایت از یک شبه پنهانی استفاده می‌شود.

روح ضد مسیح همیشه در جهان بوده است (اول یوحنا ۲: ۱۸؛ ۴: ۳؛ ۲ یوحنا ۷)، اما روزی او در نهایت به شخصیت داده می‌شود. شیطان نقشه خدا را نمی‌داند و احتمالاً انسانهای شیطانی را در هر عصر آماده می‌کند. این نیروی مهارکننده در نهایت فوق طبیعی بوده و تحت کنترل و برنامه خداوند است (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۲: ۶ ب-۷).

■ "او تنها در زمان مناسب خود ظهور کند" شخص / قدرتی که به آن اشاره شده ظاهراً توسط خدا مهار می‌شود. در زمان مقرر در آینده به او اجازه داده می‌شود خود را نشان دهد.

■ "بسر" خدا برای رستگاری بشر یک هدف مشخص دارد که حتی پیش از سقوط نیز بوده است (مراجعه کنید به اعمال رسولان ۲: ۲۳؛ ۳: ۱۸؛ ۴: ۲۸؛ ۱۷: ۳۱؛ لوقا ۲۲: ۲۲). نکات این طرح در عهد عتیق نازل شده است (مراجعه کنید به پیدایش ۳: ۱۵؛ ۱۲: ۳؛ خروج ۱۹: ۵-۶؛ و متون کلی در انبیا). با این حال دستور کار کاملاً مشخص نبود. با آمدن عیسی و روح، آشکارتر می‌شود. پولس از اصطلاح "رمز و راز" برای توصیف این نقشه رستگاری کلی استفاده کرد (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۴: ۱؛ افسسیان ۶: ۱۹؛ کولسیان ۴: ۳؛ اول تیموتائوس ۳: ۹). با این حال، او از چندین حس مختلف استفاده کرد.

۱. سخت شدن جزئی اسرائیل برای اجازه ملحق شدن غیر یهودیان. این هجوم یهودیان به عنوان مکانیزمی برای پذیرش عیسی به عنوان مسیح نبوت شده عمل خواهد کرد (مراجعه کنید به رومیان ۱۱: ۲۵-۳۲).

۲. انجیل برای ملل شناخته شده است، که همه در مسیح و از طریق مسیح شامل شده اند (مراجعه کنید به رومیان ۱۶: ۲۵-۲۷؛ کولسیان ۲: ۲).

۳. کالبد جدید مومنان در آمدن دوم (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۱۵: ۵ الی ۵۷؛ اول تسالونیکیان ۴: ۱۳-۱۸).

۴. جمع شدن همه چیز در مسیح (مراجعه کنید به افسسیان ۱: ۸ الی ۱۱).

۵. غیر یهودیان و یهودیان وارث هستند (مراجعه کنید به افسسیان ۲: ۱۱-۳؛ ۱۳).

۶. صمیمیت رابطه مسیح و کلیسا که در قالب اصطلاحات ازدواج توضیح داده شده اند (مراجعه کنید به افسسیان ۵: ۲۲-۳۳).

۷. غیر یهودیانی که در قوم پیمان اضافه شده‌اند، از روح مسیح استقبال می‌کنند تا بلوغ مسیحی را به وجود آورند، یعنی بازگرداندن چهره متبحر خدا در بشریت در حال سقوط (مراجعه کنید به کولسیان ۱: ۲۶-۲۸).
۸. ضد مسیح آخرالزمان (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۲: ۱-۱۱).
۹. عقاید یا سرود مسیحیان اولیه (مراجعه کنید به اول تیموتائوس ۳: ۱۶).

این اصطلاح ممکن است به این معنا نیز استفاده شود که خداوند برای آینده یک "نقشه مرموز" داشته باشد، بنابراین شیطان نیز "نقشه مرموز" دارد. این آیات نشان می‌دهند که چگونه شخصیت شر از مسیح تقلید می‌کند.

■ "سرّ بی‌دینی هم‌اکنون نیز عمل می‌کند" (در نسخه انگلیسی "بی قانونی در جریان است" نوشته شده و این تفسیر در رابطه با متن انگلیسی است- مترجم) این یک حال میانی اخباری است. این مفهومی است که در اول یوحنا نیز ذکر شده است (اول یوحنا ۲: ۱۸-۲۹؛ ۴: ۳). این شکل ترکیبی از اصطلاح "کار" (انرژی) تقریباً به طور انحصاری در فعالیت‌های ماوراء طبیعی استفاده می‌شود. (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۱۲: ۶ و ۱۱؛ دوم قرنتیان ۴: ۱۲؛ غلاطیان ۲: ۸؛ ۳: ۵؛ افسسیان ۱: ۱۱ و ۲۰؛ ۲: ۲؛ ۳: ۴؛ ۷: ۱۶؛ فیلیپیان ۲: ۱۳؛ ۳: ۲۱؛ کولسیان ۱: ۲۹؛ اول تسالونیکیان ۲: ۱۳؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۹؛ اول تیموتائوس ۲: ۱۲) این شورش روحانی از زمان سقوط رخ داده است. شورش روزی شخصیت پردازی خواهد شد. در حال حاضر خدا این نفوذ را مهار می‌کند. کتاب مقدس یک تقابل آخرالزمان بین پلیدی انسانی و مسیح خدا است (مراجعه کنید به مزامیر ۲).

NASB	"فقط او که اکنون مهار می‌کند، تا زمانی که از راه خارج نشود، این کار را خواهد کرد"
NKJV	"فقط کسی که اکنون مهار کرده است، تا زمانی که او از راه خارج نشود، این کار را خواهد کرد"
NRSV	"اما فقط تا زمانی که کسی که این کشور را مهار می‌کند، برداشته شود"
TEV	"تا کسی که آن را عقب نگه دارد، از راه خارج نشود"
NJB	"و کسی که آن را عقب نگه دارد، ابتدا باید برداشته شود"

(متاسفانه ترجمه فارسی این آیه با متن هیچکدام از اناجیل انگلیسی فوق مطابقت ندارد و این تفسیر در رابطه با متن انگلیسی است- مترجم) این یک صفت مفعولی حال فعال با آتوریست میانی (دیپوننت) است. خدا (یا نماینده او) همچنان به مهار کردن ادامه می‌دهد، اما زمانی در آینده، این تاثیر مهارکننده برداشته می‌شود. برای تئوریهای مربوط به هویت "کسی که مانع است"، به دوم تسالونیکیان ۲: ۶ مراجعه کنید. هر کسی یا هر چه باشد، خدا و نه بی قانونی، کنترل تاریخ را بر عهده دارد.

۲: ۸ "آنگاه آن بی‌دین ظاهر خواهد شد" (در نسخه انگلیسی "آنگاه آن بی قانون آشکار خواهد شد" نوشته شده و این تفسیر در رابطه با متن انگلیسی است- مترجم) عنصر زمان، مورد سوال است. متن بلافصل بر بعد از آنکه خداوند قدرت مهارکننده را حذف کند، دارد. آیات زیر به شرح فعالیت وی می‌پردازند (مراجعه کنید به دانیال ۷: ۷؛ ۸: ۷؛ ۹: ۲۴-۲۷).

NASB	"که سرورمان او را خواهد کشت"
NKJV	"که سرورمان او مصرف خواهد کرد"
NRSV	"که سرورمان عیسی او را نابود خواهد کرد"
TEV	"سرورمان عیسی او را خواهد کشت"
NJB	"ارباب او را خواهد کشت"

دو مشکل در نسخه خطی یونانی در این آیه وجود دارد. اولین نام "سرور" یا "سرورمان عیسی" است.

عنوان مفرد در نسخ B, Dc و K است. عنوان دوم در نسخ خطی A, D*, G, P و ترجمه‌های والگیت، سوری و کپتیک است.

مشکل دوم فعل است. "نابود کردن" در نسخ A, D*, G و P و همچنین ترجمه والگیت، سوری و کپتیک است. احتمالاً پولس به اشعیا ۱۱: ۴ اشاره داشت که در آن همان فعل (ذبح) در Septuagint تکرار می‌شود. اصطلاح غیر معمول "مصرف کردن" در نسخ F و G یافت می‌شود و یک شکل از آن در Dc و K وجود دارد. آمدن دوم به این دوره از شورش پایان می‌دهد.

■ "با نفس دهان خود" زمینه عهد عتیقی برای این یعقوب ۴: ۹؛ ۱۵: ۳۰ یا اشعیا ۱۱: ۴؛ ۳۰: ۲۸، ۳۳ است. در عهد جدید در مکاشفه ۲: ۱۶؛ ۱۵: ۹ استفاده شده است. اصطلاحات عبری و یونانی همانطور که یوحنا ۳: ۸ نشان می‌دهد، می‌تواند به باد، نفس یا روح اشاره کند، اما در اینجا متن نیاز به "نفس"

دارد. این ممکن است به (۱) قدرت سخنان وی (جان کالوین) یا (۲) قدرت کلام گفتاری در عهد عتیق اشاره کند (مراجعه کنید به پیدایش ۱؛ اشعیا ۵۵: ۱۱).

"پایان دادن"	NASB
"نابود کردن"	NKJV, NRSV
"او را بکش"	TEV
"او را نابود خواهد کرد"	NJB

این کلمه بسیار محبوب پولس است. او بیش از ۲۷ بار از آن استفاده کرده است. این عبارت به معنای "غیرفعال کردن" یا "محو کردن" یا "نابود کردن" است. به موضوع خاص: پوچ و تهی کردن (*Kartargeō*) در غلاطیان ۳: ۱۷ مراجعه کنید.

"ظهور"	NASB
"روشنایی"	NKJV
"مظهر"	NRSV
"ظهور باشکوه او"	TEV
"ظاهر شدن باشکوه او"	NJB

این اصطلاح ترجمه‌های احتمالی زیادی دارد: "روشنایی"، "درخشش"، "شکوه"، "جلال". این یک تایید قوی از تجلی بارز بازگشت فیزیکی مسیح به زمین است (مراجعه کنید به اول تیموتائوس ۶: ۱۴؛ دوم تیموتائوس ۱: ۱۰؛ ۴: ۱، ۸؛ تیتوس ۲: ۱۱، ۱۳؛ ۳: ۴). اصطلاح انگلیسی "*epiphany*" ترجمه‌ای از این اصطلاح یونانی است. به یادداشت مندرج در دوم تسالونیکیان ۲: ۱ توجه کنید. موضوع خاص درباره بازگشت مسیح را در اول تسالونیکیان ۳: ۱۳ ببینید.

■ "ظهور خویش" (اصطلاح به کار رفته در نسخه انگلیسی معادل اصطلاح "شرفیاب شدن" در زبان فارسی است و این تفسیر در رابطه با متن انگلیسی است-مترجم) این اصطلاح یونانی *parousia* است که به معنی "شرفیاب شدن" است. در روزگار خود به یک دیدار سلطنتی اشاره داشت. حتی در ادبیات یونانی برای آمدن یک خدا نیز مورد استفاده قرار گرفته است. این اصطلاح در مورد عیسی در دوم تسالونیکیان ۲: ۱ و ۸ استفاده شده است، ولی در دوم تسالونیکیان ۲: ۹ در مورد آمدن شیطان به کار رفته است. به موضوع خاص: بازگشت عیسی در اول تسالونیکیان ۲: ۱۹ مراجعه کنید.

۲: ۹ "به نیروی شیطان" (در نسخه انگلیسی "بار کار شیطان" نوشته شده و این تفسیر در رابطه با متن انگلیسی است-مترجم) آن بی قانون توسط شیطان توانمند و هدایت می‌شود (به موضوع خاص: شیطان فردی در اول تسالونیکیان ۲: ۱۸ مراجعه کنید. به مکاشفه ۱۳: ۲ مراجعه کنید). از زمان تئودور مپسوستی، ضد مسیح به عنوان میمون یا تقلید کننده مسیح دیده می‌شد. در این متن توجه کنید که چقدر شبیه این مسیح است: "نازل شده" یا "پرده برداری"، دوم تسالونیکیان ۲: ۳، ۶، ۸؛ "آمدن"، دوم تسالونیکیان ۲: ۹؛ "علائم" دوم تسالونیکیان ۲: ۹؛ "او نسبت به موارد زیر متعهد خواهد بود"، دوم تسالونیکیان ۲: ۱۰، ۱۲.

"با تمام قدرت و نشانه‌ها و شگفتی‌های تقلبی"	NASB
"با تمام قدرت، نشانه‌ها و شگفتی‌های دروغین"	NKJV, NRSV
"با قدرت شیطان و انجام انواع معجزه و علائم و شگفتی‌های قلابی"	TEV
"انواع معجزه وجود خواهد داشت و نمایش فریبنده‌ای از نشانه‌ها و نذورات"	NJB

معجزات به طور خودکار نشانه خدا نیستند (مراجعه کنید به خروج ۷: ۱۱-۱۲، ۲۲؛ تثنیه ۱۳: ۱-۵؛ متی ۷: ۲۱-۲۳؛ ۲۴: ۲۴؛ مرقس ۱۳: ۲۲؛ مکاشفه ۱۳). شیطان برای فریب و سردرگمی فرزندان آدم همه چیز را جعل می‌کند. به نظر می‌رسد از نظر زمانی و تاریخی آیه ۹ مقدم بر آیه ۸ است. همچنین، آیات ۹-۱۰ ممکن است زمان قابل توجهی را شامل شوند.

۲: ۱۰ "همراه با همه گونه شرارت" شیطان بی ایمانان (مراجعه کنید به متی ۱۳: ۱۹؛ دوم قرنتیان ۴: ۴) و همچنین مومنان (افسیان ۴: ۱۴) اگر آنها از نظر روحی نابالغ بمانند، را گمراه می‌کند.

■ "نخواستند تا حقیقت را دوست بدارند" این به معنای انتزاعی نیست، بلکه یک اشاره به آن است

۱. شخص و کار عیسی. مراجعه کنید به یوحنا ۱۴: ۶
۲. روح، مراجعه کنید به یوحنا ۱۴: ۱۷؛ ۱۵: ۱۶؛ ۱۶: ۱۳
۳. پیام در مورد عیسی، مراجعه کنید به یوحنا ۱۷: ۱۷

"دریافت کردن/پذیرفتن" در اول تسالونیکیان ۱: ۶ و ۲: ۱۳ به معنای استقبال شخص به عنوان مهمان، استفاده می‌شود. این کافران از باور انجیل و استقبال از عیسی امتناع ورزیدند. موضوع خاص: حقیقت در غلطیان ۲: ۵ را مطالعه کنید.

■ "تا نجات یابند" در عهد عتیق این اصطلاح به معنای "نجات فیزیکی" بود (مراجعه کنید به یعقوب ۵: ۱۵). با این حال، در عهد جدید اهمیت معنوی / ابدی به خود می‌گیرد.

۱۱:۲

"به همین دلیل، خداوند تاثیر فریبنده ای را بر آنها خواهد فرستاد"	NASB
"و به همین دلیل، خداوند هذیان قوی برای آنها می‌فرستد"	NKJV
"به همین دلیل، خداوند برای آنها یک قدرتمند می‌فرستد"	NRSV
"به همین دلیل، خداوند قدرت خطا را برای کار در آنها ارسال می‌کند"	TEV
"دلیل ارسال نیرویی به خدا برای فریب آنها"	NJB

این یک حال فعال اخباری است که به عنوان زمان آینده استفاده شده است. حقیقت اصلی در اینجا این است که خدا کنترل همه چیزها را در دست دارد، حتی شیطان (مراجعه کنید به ایوب ۱-۲؛ حزقیال ۳). این ارسال یا به صورت (۱) خداوند به طور جدی داوری را برای آنها که حقیقت را نفی می‌کنند ارسال می‌کند (مراجعه کنید به رومیان ۱۱: ۷-۱۰) یا (۲) خدا منفعلانه اجازه می‌دهد که عواقب کفر خود را در زندگی خویش آشکار کنند (مراجعه کنید به مزامیر ۸: ۱۲؛ هوشع ۴: ۱۷؛ رومیان ۱: ۲۴، ۲۶ و ۲۸). این ابهام همچنین در داستان عهد عتیق از فرعون وجود دارد، جایی که گفته می‌شود، فرعون قلب خود را سخت کرد (خروج ۷: ۱۴؛ ۸: ۱۵، ۳۲)، و همچنین خدا قلب او را سخت کرد (خروج ۴: ۲۱؛ ۷: ۳، ۱۳؛ ۹: ۱۲، ۳۵؛ ۱۰: ۱، ۲۰، ۲۷؛ ۱۴: ۴، ۸).

ضمایر جمع به مردان شرور دوم تسالونیکیان ۲: ۱۰ اشاره دارد.

"تا آنها ایمان بیاورند"	NASB
"که آنها باید اعتقاد داشته باشند"	NKJV
"آنها را به ایمان آورد"	NRSV
"به طوری که آنها اعتقاد دارند"	TEV
"و آنها را باور کن"	NJB

انسانی که مسیح را رد می‌کند، توسط خدا طرد می‌شود (مراجعه کنید به هوشع ۵: ۵؛ یوحنا ۳: ۱۷-۲۱). این یک تقدیر مضاعف نیست، بلکه عواقب بی‌ایمانی ممتد است.

"آنچه غلط است"	NASB, NRSV, TEV
"دروغ"	NKJV
"آنچه نادرست است"	NJB

این به معنای واقعی کلمه "دروغ" است (مراجعه کنید به یوحنا ۸: ۴۴؛ رومیان ۱: ۲۵). این برخلاف "حقیقت" در آیه ۱۰ است. این دروغگو "ضد مسیح" نامیده می‌شود.

۱۲:۲

"تا همه آنها داوری شوند"	NASB
"که همه آنها محکوم شوند"	NKJV
"به طوری که همه محکوم می‌شوند"	NRSV

KJV این اصطلاح را "لعنتی" ترجمه کرده است. این اصطلاح به معنای "قضاوت عادلانه" است (همانطور که در سال ۱۶۱۱ "لعن شد").

■ "و از شرارت خشنود گشته‌اند" آنها نه تنها در برابر حقیقت سر بودند، بلکه به گرمی پلیدی را می‌پذیرفتند (مراجعه کنید به عبرانیان ۱۱: ۲۵).

پیش‌متنی نسبت به آیات دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳ الی ۱۷

- A. این متن، دعا به خدا است که فیض ابتکار و انتخاب او (بر خلاف دوم تسالونیکیان ۲: ۱۱) در زندگی مسیحیان تسالونیکی قرار دارد. همانند دوم تسالونیکیان ۱: ۳-۴ دعای شکرگزاری برای مومنان است، این دعایی است برای ادامه فعالیت خداوند در زندگی آنها.
- B. از بسیاری جهات، نزدیک شدن به فصل ۲ شبیه به بسته شدن فصل ۱ است.
- C. آیات ۱۳ به بعد در تقابل آشکار با عذاب کافران در دوم تسالونیکیان ۲: ۱۱-۱۲ است.
- D. سه واحد فکری در این بخش ظاهر می‌شوند:
۱. دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳-۱۴، مومن و تقدیس
 ۲. دوم تسالونیکیان ۲: ۱۵، پشتکار مومن
 ۳. دوم تسالونیکیان ۲: ۱۶-۱۷، مسائل تشویق و امید مومن در "چیزهای خوب" (در هر بخش فیض ابتکاری خداوند با پاسخ مناسب بشر متعادل می‌شود)

مطالعه عبارت و کلام

NASB: دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳ الی ۱۵

۱۳ اما ای برادران که محبوب خداید، ما باید همواره خدا را به خاطر وجود شما شکر گوئیم، زیرا خدا شما را از آغاز برگزید تا به واسطه عمل تقدیس‌کننده روح و ایمان به حقیقت نجات یابید. ۱۴ او شما را به واسطه انجیل ما فرا خواند تا از جلال خداوند ما عیسی مسیح برخوردار شوید. ۱۵ پس، ای برادران، استوار باشید و سنتهایی را که چه با سخن زبان و چه با نامه به شما سپردیم، نگاه دارید.

۲: ۱۳ "ما باید همواره خدا را... شکر گوئیم" همین حقیقت در دوم تسالونیکیان ۵: ۱۸ بیان شده است. موضوع خاص: ستایش، دعا و شکرگزاری پولس در غلاطیان ۶: ۱۸ را مطالعه کنید.

■ "خدا... خدا... روح" پولس اغلب به تثلیث اشاره می‌کند (مراجعه کنید به رومیان ۱: ۴-۵؛ ۱: ۵؛ ۸: ۱-۴، ۸-۱۰؛ اول قرنتیان ۱۲: ۴ الی ۶؛ دوم قرنتیان ۱: ۲۱؛ ۱۳: ۱۴؛ غلاطیان ۴: ۴-۶؛ افسسیان ۱: ۳-۱۴، ۱۷: ۲؛ ۱۸: ۳؛ ۱۴-۱۷: ۴؛ ۴-۶؛ اول تسالونیکیان ۱: ۲-۵؛ تیتوس ۳: ۴-۶). سایر نگارندگان عهد جدید نیز چنین تصور کرده‌اند (مراجعه کنید به متی ۳: ۱۶-۱۷؛ ۲۸: ۱۹؛ یوحنا ۱۴: ۲۶؛ اعمال رسولان ۲: ۳۲-۳۳، ۳۸-۳۹؛ اول پطرس ۱: ۲ و یهوذا ۲۰-۲۱). موضوع خاص: تثلیث را در غلاطیان ۴: ۴ مطالعه کنید.

■ "ای برادران که محبوب خداید" "محبوب" یک وجه وصفی کامل مجهول از *agapō* است. این به معنای انتخاب است (مراجعه کنید به رومیان ۱: ۷؛ کولسیان ۳: ۱۲؛ اول تسالونیکیان ۱: ۴). عنوان شگفت‌انگیز مسیحی "محبوب من" (مراجعه کنید به متی ۳: ۱۷؛ ۱۷: ۵) اکنون به عنوانی برای پیروان او تبدیل شده است. آنها محبوب هستند زیرا آنها حقیقت را دوست دارند (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۲: ۱۰).

NASB "زیرا خداوند شما را از ابتدا برای نجات برگزیده است"

NKJV "زیرا خداوند از ابتدا شما را برای نجات برگزیده است"

NRSV "زیرا خداوند شما را به عنوان اولین میوه برای نجات برگزیده است"

TEV "زیرا خدا شما را به عنوان اولین کسی برگزید که نجات یافت"

NJB "زیرا خداوند شما را از ابتدا انتخاب کرد تا نجات یابید"

این یک آئوریست اخباری میانی است به این معنی که خود خدا مومنان را برگزیده است (مراجعه کنید به افسسیان ۱: ۴). این از نظر الهیاتی مخالف با دوم تسالونیکیان ۲: ۱۱ است. دکتترین انتخاب (۱) فراخوانی برای تقدس است (مراجعه کنید به افسسیان ۱: ۴)، نه موضع مطلوب (۲) نه در برابر گمشده،

بلکه برای نجات یافتن. چندین بار توسط پولس در عهد جدید ذکر شده است (مراجعه کنید به رومیان ۹، اول قرنتیان ۷: ۷؛ افسسیان ۱: ۴-۱۳؛ دوم تیموتائوس ۱: ۹). در اول تسالونیکیان ۲: ۱۲؛ و ۵: ۹ به آن اشاره شده است. کنترل خداوند بر نجات و تاریخ محور این متن است. شر در قلمروهای معنوی و جسمی وجود دارد، اما دوگانگی وجود ندارد. گرچه مومنان نمی‌توانند راز انتخاب را به طور کامل درک کنند، اما اطمینان دارند که پدر سرور ما عیسی مسیح کنترل کامل و محبت آمیز بر همه چیز را در اختیار دارد.

انتخاب یک دکترین عالی است. با این حال، این دعوت به محبوب‌گرایی نیست، بلکه فراخوان به کانال، ابزار یا ابزار رستگاری دیگران بودن است. در عهد عتیق این اصطلاح در درجه اول برای خدمت کردن استفاده می‌شد. در عهد جدید در درجه اول برای نجات به خدمت گرفته شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد. کتاب مقدس هرگز تضاد ظاهری بین حاکمیت خدا و اراده آزاد بشر را آشتی نمی‌دهد، بلکه هر دو را تایید می‌کند! دو نمونه خوب از تنش‌های کتاب مقدس رومیان ۹ در انتخاب حق حاکمیت خدا و رومیان ۱۰ در مورد پاسخ ضروری بشر است (دوم تسالونیکیان ۱۰: ۱۱، ۱۳).

کلید این تنش الهیاتی را می‌توان در افسسیان ۱: ۴ مشاهده کرد. عیسی مسیح منتخب خدا است و همه به طور بالقوه در او انتخاب می‌شوند (کارل بارت). عیسی "بله" خدا به نیاز انسان سقوط کرده (کارل بارت) است. افسسیان ۱: ۴ همچنین با اثبات اینکه هدف از نبوت بهشت نیست، بلکه تقدس (مسیحیت) است، به روشن شدن مسئله کمک می‌کند. یوحنا ۱۵: ۱۶ می‌گوید عیسی ما را برای بارور کردن انتخاب کرد! ما اغلب جذب فواید انجیل می‌شویم و مسئولیت‌ها را نادیده می‌گیریم! ندای خدا (انتخاب) برای زمان و همچنین ابدیت است.

دکترین در ارتباط با حقایق دیگر است، نه به عنوان حقایق مجرد و نامربوط. یک قیاس خوب می‌تواند صورت فلکی در مقابل یک ستاره واحد باشد. خداوند حقیقت را در ژانرهای شرقی و نه غربی ارائه می‌دهد. ما نباید تنش ناشی از جفت‌های دیالکتیکی (متناقض) را برطرف کنیم.

مفهوم الهیاتی "پیمان" حاکمیت خداوند (که همیشه ابتکار عمل را در دست می‌گیرد و دستور کار را تعیین می‌کند) با یک پاسخ اجباری اولیه و مداوم توبه کننده ایمان از انسان متحد می‌شود. مراقب متن نوشتاری یک طرف پارادوکس باشید و طرف مقابل را کم ارزش‌تر کنید! مراقب باشید که فقط دکترین مورد علاقه یا سیستم الهیاتی خود را تصریح نکنید.

عبارت "از ابتدا" از نسخ خطی یونانی $\alpha, \beta, \gamma, \delta, \epsilon, \zeta, \eta, \theta, \iota, \kappa, \lambda, \mu, \nu, \xi, \omicron, \pi, \rho, \sigma, \tau, \upsilon, \phi, \chi, \psi, \omega$ و ترجمه پیشینا (مراجعه کنید به NEB) است. اما دست نوشته های P, G, F, B و ترجمه‌های والگیت و هارکلین سیریاک دارای "اولین میوه‌ها" هستند (مراجعه کنید به NAB, NIV). مسئله این است که عبارت "از ابتدا" توسط پولس در جایی دیگر استفاده نمی‌شود. A. T. Robertson پیش از این فکر می‌کرد که اینها کلمات اصلی بودند. مراجعه کنید به *Word Pictures in the New Testament*. جلد چهارم، ص ۵۴ و UBS⁴ به آن رتبه "B" (تقریباً یقین) می‌دهد. او از "از سالها" استفاده می‌کند (مراجعه کنید به کولسیان ۱: ۲۶) یا "پیش از این عصر" (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۲: ۷). با این حال، پولس هرگز از مفهوم "اولین میوه‌ها" برای نشان دادن انتخاب استفاده نکرد. به پیوست در دو اصول نقد متنی مراجعه کنید.

موضوع خاص: منشا (archē)

(SPECIAL TOPIC: ARCHE)

کلمه یونانی *archē* به معنی "آغاز" یا "منشا" چیزی است.

۱. آغاز نظم خلقت (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱، عبرانیان ۱: ۱۰)
۲. آغاز بشارت (رجوع شود به انجیل مرقس ۱: ۱، فیلیپیان ۴: ۱۵، دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳، عبرانیان ۲: ۳، اول یوحنا ۱: ۱)
۳. آغاز شاهدان عینی (رجوع شود به انجیل لوقا ۱: ۲)
۴. شروع نشان‌ها (معجزات، رجوع شود به انجیل یوحنا ۲: ۱۱)
۵. اصول ابتدایی (رجوع شود به عبرانیان ۵: ۱۲)
۶. به شرطی که اطمینان آغازین خود را تا به آخر استوار نگاه داریم (رجوع شود به عبرانیان ۳: ۱۴)
۷. سرآغاز، رجوع شود به کولسیان ۱: ۱۸، مکاشفه ۳: ۱۴
برای "حکمرانی" و "قدرت" هم استفاده شده است
۱. در مورد مقامات حاکم
 - a. انجیل لوقا ۱۲: ۱۱
 - b. انجیل لوقا ۲۰: ۲۰
 - c. رومیان ۱۳: ۳ و تیتوس ۳: ۱
۲. مسئولان مبلغین دینی
 - a. رومیان ۸: ۳۸
 - b. اول قرنتیان ۱۵: ۲۴
 - c. افسسیان ۱: ۲۱، ۱۰: ۳ و ۱۲: ۶

d. کولسیان ۱:۱۶، ۱۰:۱۵ و ۱۵

e. یهودا ۱:۶

معلمین دروغین کتاب یهودا همه مقامات زمینی و بهشتی را نفرین کردند. آنها آزادیخواهان آنتینومی هستند. آنها خود و امبال خود را اول و ماقبل از خدا، فرشتگان، مقامات مدنی و سران کلیسا قرار می دهند.

■ **"به واسطه عمل تقدیس کننده روح"** دو جنبه مفهوم تقدس در اینجا خود را نشان می دهند: (۱) تقدس اولیه در مسیح موقعیتی است و (۲) تقدس پیشرو رشد به سمت مسیحیت است (مراجعه کنید به رومیان ۸: ۲۸-۲۹؛ غلاطیان ۴: ۱۹). روح ما را به سوی مسیح سوق می دهد، گناه ما را محکوم می کند و ما را نسبت به حقیقت انجیل متقاعد می کند، ما را به مسیح تعمیم می دهد و مسیح را در ما شکل می دهد (مراجعه کنید به یوحنا ۱۶: ۸-۱۶). موضوع خاص مربوط به تقدیس را در اول تسالونیکیان ۴: ۳ ببینید.

■ **"و ایمان به حقیقت"** حقیقت در دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳ همسو با "انجیل" در دوم تسالونیکیان ۲: ۱۴ است.

■ **"۱۴: ۲ او شما را... فرا خواند"** این تاکید دیگر بر انتخاب است (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۲: ۱۲؛ ۵: ۹، ۲۴). این گروه مومن کوچک که مورد آزار و اذیت قرار داشتند، مومنان منتخب خدا بودند. آنها به تقدیس (مراجعه کنید به افسسیان. ۱: ۴)، به همانند مسیح بودن (مراجعه کنید به رومیان ۸: ۲۸-۲۹؛ غلاطیان ۴: ۹) فراخوانده شدند.

■ **"به واسطه انجیل ما"** انجیل هم پیامی است که باید باور شود و هم فردی که باید دریافت شود. این مکانیسم نعمت خداوند است که به سمت انسان گمراه می رود. راه دیگری وجود ندارد.

■ **"تا از جلال خداوند ما عیسی مسیح برخوردار شوید"** این یک بازنویسی از دوم تسالونیکیان ۱: ۱۲ است. تعریف "شکوه" دشوار است. از روشهای مختلفی در عهد عتیق استفاده می شود. در این متن، این نشان دهنده دعوت مومنان از پدر برای تقدیس روح توسط اثر مسیح است (مراجعه کنید به افسسیان ۱: ۴). مومنان مانند مسیح هستند و در آمدن دوم در جلال او سهیم می شوند (اول یوحنا ۳: ۲).

یادداشت‌های کاملتر را در دوم تسالونیکیان ۱: ۹ و موضوع خاص: جلال (DOXA) در غلاطیان ۱: ۵ مشاهده کنید.

■ **"خداوند"** نام پیمانی برای خدا در عهد عتیق، یهوه است. این فعل ممکن است به صورت متناوب "من همان چیزی باشم که هستم" یا "من همانم که هستم" باشد. یهودیان از ترس اینکه نام خدا را بیهوده بگویند، تمایلی به بر زبان آوردن این نام با صدای بلند نداشتند (مراجعه کنید به خروج ۲۰: ۷). بنابراین آنها کلمه عبری *adon* را جایگزین کردند که به معنای "صاحب، شوهر، ارباب یا سرور" بود. کتاب مقدس انگلیسی ما یهوه را در همه جا با حروف بزرگ نوشته و آن را پروردگار ترجمه می کند. هنگامی که نویسندگان عهد جدید از این اصطلاح برای عیسی استفاده می کنند، این یکی از راه‌های شناسایی و تمایز او با خدای عهد عتیق بود. موضوع خاص: اسامی خدا را در اول تسالونیکیان ۱: ۹ مشاهده کنید.

■ **"عیسی"** وقتی این اصطلاح به خودی خود استفاده می شود، روش نویسندگان عهد جدید برای اشاره به بشر بودن عیسی ناصری بود.

■ **"مسیح"** کرایست ترجمه‌ای از اصطلاح عبری برای "مسیح" است که به معنای واقعی کلمه "آن مسح شده" است. در عهد عتیق سه مقام مختلف مسح شدند: پیامبران، کاهنان و پادشاهان. این نمادی از دعوت و تجهیز خداوند برای خدمات ویژه بود. عیسی هر سه مقام عهد عتیق را برآورده می کند (مراجعه کنید به عبرانیان ۱: ۲ الی ۳).

موضوع خاص: تدهین در انجیل

SPECIAL TOPIC: ANOINTING IN THE BIBLE (BDB 603)

(فعل عبری، BDB 602، KB 643 I، اسم BDB 603)

۱. برای زیبایی استفاده می شد (BDB 691 I)، مراجعه شود به تثنیه ۴۰: ۲۸، روت ۳: ۳، دوم سموئیل ۲۰: ۱۲، ۲: ۱۴، دوم تواریخ ۱۵: ۲۸، دانیال ۳: ۱۰، میکاه ۶: ۱۵)
۲. برای میهمانان استفاده می شد (BDB 206)، مراجعه شود به مزمور ۵: ۲۳، انجیل لوقا ۷: ۳۸ و ۴۶، انجیل یوحنا ۲: ۱۱)
۳. برای درمان استفاده می شد (BDB 602)، مراجعه شود به اشعیا ۱: ۶۱، انجیل مرقس ۶: ۱۳، انجیل لوقا ۳: ۱۰، یعقوب ۵: ۱۴)

۴. برای آماده کردن جسد جهت دفن استفاده می‌شد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱:۱۶، انجیل یوحنا ۳:۱۲ و ۷، ۱۹:۳۰ الی ۴۰)، یادداشت دوم تواریخ ۱۶:۱۴ ولی بدون فعل "تدهین"
۵. استفاده در مراسم مذهبی (BDB 602، مراجعه شود به پیدایش ۱۸:۲۸، ۱۳:۳۱ [ستون]، خروج ۳۶:۲۹ [محراب]، خروج ۲۶:۳۰، ۳۰:۹، ۴۰: الی ۱۶، لاویان ۱۰:۸ الی ۱۳، اعداد ۱:۷ [جشن خیمه‌ها])
۶. برای انتصاب رهبران
- a. کشیشان
۱. آرون (خروج ۲۸:۴۱، ۲۹:۷، ۳۰:۳۰)
 ۲. پسران آرون (خروج ۴۰:۱۵، لاویان ۷:۳۶)
 ۳. عنوان یا عبارت استاندارد (اعداد ۳:۳، لاویان ۱۶:۳۲)
- b. پادشاهان
۱. توسط خدا (مراجعه شود به اول سموئیل ۲:۱۰، دوم سموئیل ۱۲:۷، دوم پادشاهان ۳:۹ و ۶ و ۱۲، مزبور ۷:۴۵، ۲۰:۸۹)
 ۲. توسط پیامبران (مراجعه شود به اول سموئیل ۹:۱۰، ۱۰:۱، ۱۵:۱، ۱۷ و ۱۶:۳، ۱۲ الی ۱۳، اول پادشاهان ۱:۴۵، ۱۹:۱۵ الی ۱۶)
 ۳. توسط کشیشان (مراجعه شود به اول پادشاهان ۱:۳۴ و ۳۹، دوم پادشاهان ۱۱:۱۲)
 ۴. توسط بزرگان (مراجعه شود به داوران ۸:۹ و ۱۵، دوم سموئیل ۲:۷، ۳:۵، دوم پادشاهان ۳۰:۲۳)
 ۵. توسط عیسی به عنوان پادشاه مسیحی (مراجعه شود به مزبور ۲:۲، انجیل لوقا ۱۸:۴، [اشعیا ۱:۶۱]، اعمال رسولان ۲۷:۴، ۳۸:۱۰، عبرانیان ۹:۱ [مزبور ۷:۴۵])
 ۶. پیروان عیسی (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱:۲۱، اول یوحنا ۲:۲۰ و ۲۷)
- c. احتمالا پیامبران (مراجعه شود به اول پادشاهان ۱۶:۱۹، اشعیا ۱:۶۱)
- d. بی‌ایمانانی که ابزار الهی بودند
۱. کوروش (مراجعه شود به اشعیا ۱:۴۵)
 ۲. پادشاه تیریه (مراجعه شود به حزقیال ۲۸:۱۴، جایی که او از باغ عدن به عنوان استعاره استفاده می‌کند)
- e. اصطلاح "مسیح" یعنی "آن تدهین شده" (BDB 603)، مراجعه شود به مزبور ۲:۲، ۳۸:۸۹، ۱۰:۱۳۲
- اعمال رسولان ۳۸:۱۰ آیه‌ای است که تمامی سه فرد خدا (تثلیث) در تدهین دخیل هستند. عیسی تدهین شد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۸:۴، اعمال رسولان ۲۷:۴، ۳۸:۱۰). این مفهوم بسط یافت تا تمامی مومنین شامل تدهین شوند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲:۲۷). "آن تدهین شده" تبدیل به "آن تدهین شدگان" شد! این می‌تواند با ضد مسیح و ضد مسیحیان همسو باشد (مراجعه شود به اول یوحنا ۲:۱۸). در عهد عتیق عمل نمادین تدهین با روغن (مراجعه شود به خروج ۷:۲۹، ۲۵:۳۰، ۲۹:۲۹) در رابطه با آنانی است که توسط خدا برای کارهای خاصی فراخوانده شده‌اند (یعنی پیامبران، کشیشان، و پادشاهان). کلمه مسیح ترجمه اصطلاح عبری آن تدهین شده یا مسیح است.

۲:۱۵ "برادران" این نشان دهنده انتقال به یک جمله خلاصه است.

■ "استوار باشید" این اولین فعل از دو فعل حال امری فعال است. پولس غالبا از این استعاره برای استقامت استفاده می‌کند (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۳:۸؛ اول قرنتیان ۱۶:۱۶؛ افسسیان ۶:۱۱، ۱۳). این امر بر لزوم اعتقاد مومنان در مواجهه با آزارهای جسمی و روحی و آموزش غلط تاکید می‌کند. در اول قرنتیان ۱:۱۵ این اصطلاح برای موقعیت ما در مسیح استفاده می‌شود. این تاکید فوق بر انتخاب را متعادل می‌کند. موضوع خاص: استقامت در غلاطیان ۵:۴ را مطالعه کنید.

■ "نگاه دارید" این یک حال امری فعال دیگر است. مومنان همچنان باید به حقایقی که پولس موعظه می‌کرد، پایبند باشند (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۱:۱۱). این تعادل الهیاتی برای انتخاب است.

■ "سنت‌هایی" این اصطلاح (*pardosis*) در چندین حس استفاده می‌شود:

۱. در اول قرنتیان ۱۱:۲ و ۲۳ برای حقایق انجیل
۲. در متی ۱۵:۶؛ ۲۳:۱ به بعد؛ مرقس ۷:۸؛ غلاطیان ۱:۱۴ در مورد روایات یهود
۳. در کولسیان ۲:۶-۸ در مورد حدس و گمان‌های عرفانی
۴. کاتولیک‌های رومی از این آیه به عنوان متن اثبات کتاب مقدس استفاده می‌کنند تا کتاب مقدس و سنت از نظر اقتدار برابر باشد

با این وجود، در این متن، به حقیقت رسولی یا به صورت گفتاری یا نوشتاری اشاره دارد (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۳: ۶).

NASB: دوم تسالونیکیان ۲: ۱۶ الی ۱۷

۱۶ خود خداوند ما عیسی مسیح و پدر ما خدا که ما را محبت کرد و به فیض خود به ما دلگرمی جاودانی و امیدی نیکو بخشید،^{۱۷} شما را دلگرمی بخشید و در هر کردار و گفتار نیکو استوار گرداند.

۲: ۱۶ الی ۱۷ این یک دعا است همانند ۱: ۲ و ۳: ۱۶

۲: ۱۶ " خود خداوند ما عیسی مسیح و پدر ما خدا که ما را محبت کرد و به فیض خود به ما " در متن یونانی دو فاعل وجود دارد اما با یک ضمیر مفرد شدید، "خودش" و دو وجه وصفی آتوریست مفرد (دوست داشتنی و داده شده). همچنین توجه داشته باشید که در ابتدا از عیسی یاد شده است. این اتحاد و برابری فاعل‌ها را نشان می‌دهد (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۱: ۱، ۲: ۱۱). پسر و پدر به ما آسایش ابدی و امید خوب داده‌اند. موضوع خاص: پدر را در اول تسالونیکیان ۱: ۱ مشاهده کنید.

NASB, NRSV "آسایش ابدی"

NKJV "خوشی جاودانی"

TEV "شجاعت ابدی"

NJB "راحتی وصف نشدنی"

آسایش و امید مومنان برگرفته از لطف خداوندی است که از طریق مسیح دیده می‌شود. دقیقاً مانند اول تسالونیکیان ۴: ۱۸، به زمینه شادکامی و تشویق توجه کنید. بینش پولس در مورد آمدن دوم برای پر کردن نمودارها و نظریات ما ارائه نشده بود، بلکه برای انرژی بخشیدن به هر روز همانند مسیح بودن بود (مراجعه کنید به I C یا ۱۵: ۵۸).

■ **"امیدی نیکو"** این فرم خاص فقط در اینجا در عهد جدید استفاده شده است. اصطلاح امید در اغلب موارد در عهد جدید به معنای آمدن دوم به کار می‌رود (مراجعه کنید به موضوع خاص: امید در غلاطیان ۵: ۵). این امر به ویژه در نامه‌های تسالونیکیان که در مورد این موضوع الهیاتی متمرکز شده است، صادق می‌باشد. "امید خوب" فقط به لطف خدا حاصل می‌شود.

۲: ۱۷ عیسی مسیح و خدای پدر ما را دوست داشتند و به واسطه فیض آنها، که به گونه‌ای طراحی شده است، آسایش ابدی و امید خوب به ما بخشیده‌اند تا

۱. دل‌هایمان را تسکین دهند

۲. قلب خود را برای این نیت تقویت کنیم

a. هر کار خوب

b. هر کلام خوب

این همان اصطلاح در یونانی است به عنوان "راحتی" در دوم تسالونیکیان ۲: ۱۷ استفاده شده است. این دو آیه یک جمله را در زبان یونانی تشکیل می‌دهند. توجه کنید که به مومنان گفته می‌شود "کارهای خوب" انجام دهند. ما با انجام کارهای خوب نجات نمی‌یابیم، بلکه به خاطر انجام و گفتن کارهای خوب نجات می‌یابیم. رابطه ما با مسیح باید به همانند مسیح بودن منجر شود. ما به کارهای خوب فراخوانده شدیم (مراجعه کنید به افسسیان ۱: ۴؛ ۲: ۱۰). هدف هر مومن فقط رفتن به بهشت بعد از مردن نیست، بلکه اکنون همانند مسیح بودن نیز هست. این کارهای خوب و گفته‌ها برای کمک به ما به عنوان مومن است.

■ **"دل"** موضوع خاص در غلاطیان ۴: ۶ را مطالعه کنید.

سوالات بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید. این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چرا موضوع آمدن دوم در کلیسا بسیار مورد بحث است؟

۲. آیا آمدن دوم قریب الوقوع است یا باید وقایع خاصی در ابتدا رخ دهند؟
۳. آیا خدا باعث می شود مردم بی ایمان شوند؟
۴. "آن دروغ" چیست؟

دوم تسالونیکیان ۳

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
برایمان دعا کنید	برایمان دعا کنید	اختتامیه، عتاب و دعا	برایمان دعا کنید	تشویق به استقامت (۲: ۱۳ الی ۳: ۱۵)
۳: ۱ الی ۵	۳: ۱ الی ۵	۳: ۱ الی ۵	۳: ۱ الی ۲ ۳: ۳ الی ۴ ۳: ۵	۳: ۱ الی ۵
هشدار نسبت به بیکاری	هشدار نسبت به بیکاری		الزام به کار	در برابر بیکاری و ناسازگاری
۳: ۶ الی ۱۵	۳: ۶ الی ۱۵	۳: ۶ الی ۱۳	۳: ۶ الی ۱۰	۳: ۶
				۳: ۷ الی ۹ ۳: ۱۰ الی ۱۲
			۳: ۱۱ الی ۱۲ ۳: ۱۳ الی ۱۵	۳: ۱۳ الی ۱۵
		۳: ۱۴ الی ۱۵		
دعای خیر	دعای خیر		آخرین کلمات	دع ۱۸ و آرزوهای وداع
۳: ۱۶	۳: ۱۶ الی ۱۸	۳: ۱۶	۳: ۱۶	۳: ۱۶
۳: ۱۷ الی ۱۸		۳: ۱۷ الی ۱۸	۳: ۱۷	۳: ۱۷ الی ۱۸
			۳: ۱۸	

* تقسیم‌بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگرافها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری میباشد. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگرافها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخ جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: انتقادات متنی و واژه‌نامه.

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور خود راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم و غیره

بینش متنی نسبت به آیات ۱ الی ۱۸

- A. پولس درخواست می کند تا برای موعظه های انجیل او دعا کنند (مراجعه کنید به افسسیان ۶: ۱۹؛ کولسیان ۴: ۳). او برای موعظه آتی خود در پی نعمت خدا بود، همانطور که در اولین پیامهای او به آنها صورت گرفته بود (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۳: ۱).
- B. پولس درباره عواقب مخرب تعالیم دروغین درباره آمدن دوم هشدار می دهد، همانطور که در برخی مومنین دیده شده بود که از کار دست کشیده بودند.

مطالعه عبارت و کلام

NASB: دوم تسالونیکیان ۳: ۱ الی ۵

۱ در خاتمه، ای برادران، برای ما دعا کنید تا کلام خداوند به سرعت پیش رود و عزت یابد، همان گونه که در میان شما چنین شد،^۲ و تا از افراد خبیث و شرور رهایی یابیم، زیرا همگان را ایمان نیست. ^۳ اما خداوند امین است؛ او شما را نیرو می بخشد و از آن شریر حفظ می کند. ^۴ اما در خداوند به شما اطمینان داریم که آنچه به شما حکم می کنیم به جای می آورید و خواهید آورد. ^۵ خداوند دلهای شما را به محبت خدا و پایداری مسیح هدایت فرماید.

۳: ۱ "در خاتمه" این عبارت ("بابت بقیه") توسط پولس استفاده می شود تا آخرین حقیقت یا موضوع اصلی خود را مشخص کند (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۴: ۱). این آغاز نتیجه گیری است. همچنین برای معرفی جملات اختتامیه وی استفاده می شود (مراجعه کنید به دوم قرنتیان ۳: ۱۱). این احتمال نیز وجود دارد که این یک نشانگر ادبی برای محور اصلی یک ساختار نگارشی خاص باشد (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۴: ۱).

■ "برای ما دعا کنید" این یک حال میانی امری (دیپوننت) است. پولس لزوم دعا را احساس کرد و معتقد بود که این کارآیی خدمت وی را تحت تاثیر قرار داده است (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۵: ۲۵؛ افسسیان ۶: ۱۹؛ کولسیان ۴: ۳). موضوع خاص: نماز روحانی را در اول تسالونیکیان ۱: ۲ مطالعه کنید.

■ "تا کلام خداوند" (اصطلاح استفاده شده در متن انگلیسی *Lord* به معنی ارباب/سرور میباشد-مترجم) پولس بخاطر انجیل دعا می کند نه خودش. در پیدایش ۱۵: ۱، ۴ عبارت "کلام خداوند" (YHWH) به پیام خدا به ابراهیم اشاره داشت. این در مفهوم نبوت در اول سموئیل ۱۵: ۱۰ و اشعیا ۱: ۱۰ استفاده می شود.

در عهد جدید به دو شکل نمایان می شود:

۱. با استفاده از *rhēma* (کلام گفتاری)، لوقا ۲۲: ۶۱؛ اعمال رسولان ۱۱: ۱۶؛ اول پطرس ۱: ۲۵
۲. با استفاده از *logos*، اعمال رسولان ۸: ۲۵؛ ۱۳: ۴۴، ۴۸، ۴۹؛ ۱۵: ۳۵؛ ۱۶: ۳۲؛ ۱۹: ۱۰، ۲۰؛ اول تسالونیکیان ۱: ۸؛ ۴: ۱۵

به نظر می رسد هیچ تمایز الهیاتی بین این دو شکل وجود نداشته باشد.

NASB, NRSV "به سرعت پیش رود و عزت یابد"

NKJV "ممکن است دوره آزاد داشته باشد و تجلیل شود"

TEV "ممکن است همچنان به سرعت گسترش یابد و جلال دریافت کند"

NJB "ممکن است به سرعت گسترش یابد، و با افتخار پذیرفته شود"

دو وجه شرطی حال وجود دارند. اصطلاح "گسترش" به معنای واقعی کلمه "اجرای یک مسابقه" (وجه شرطی حال فعال) است. این ممکن است یک اشاره برای مزامیر ۱۴۷: ۱۵ باشد. "جلال" (وجه شرطی حال مجهول) در این زمینه باید "افتخار/عزت" تلقی شود. این اشاره به انجیل است که دریافت شده و از آن شاد می شویم. وقتی بشریت سقوط کرده متناسب با آن واکنش نشان می دهد، انجیل جلال می یابد (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۳: ۲) و انسانها به طور متناسب تغییر می یابند.

۳: ۲ "تا از افراد خبیث و شرور رهایی یابیم" این یک وجه شرطی آئوربست مجهول است. این تنش و مفعول با دو صفت نشان می دهد که به یک اتفاق خاص در زندگی پولس اشاره شده است. این کلیسا می فهمید که چه حادثه ای در نظر گرفته شده است (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۲: ۱۶). پولس، که

از قرن نهم می‌نوشت، در همان زمان محاکمات بسیاری داشت (مراجعه کنید به دوم قرن تیان ۴: ۸ الی ۱۲؛ ۶: ۴-۱۰؛ ۱۱: ۲۳-۲۸).

■ **"زیرا همگان را ایمان نیست"** این به معنای واقعی کلمه "ایمان" است. این می‌تواند به (۱) تجربه شخصی دریافت انجیل یا (۲) حقیقت انجیل در مفهوم دکترین اشاره داشته باشد. شر اغلب اوقات خود را در قالب خوبی نشان می‌دهد (مراجعه کنید به متی ۷: ۲۱-۲۳). موضوع خاص: ایمان/باور را در غلاطیان ۳: ۶ مطالعه کنید.

■ **۳: ۳ "اما خداوند امین است"** در اینجا اصطلاح امین به معنای وفاداری عهد عتیقی به کار رفته است. عیسی دقیقاً مخالف مردان شرور دوم تسالونیکیان ۳: ۲ است (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۵: ۲۴). موضوع خاص: باور/ایمان در عهد عتیق در غلاطیان ۳: ۶ مطالعه کنید.

■ **"نیرو می‌بخشد"** در *Septuagint (LXX)* از این اصطلاح برای ایجاد چیزی شبیه به یک شهر استفاده شده است. به نظر می‌رسد که از تاسیس یا تأیید شخص به صورت استعاری استفاده شود (مراجعه کنید به رومیان ۱۶: ۲۵؛ اول تسالونیکیان ۳: ۲؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۱۷؛ ۳: ۳). پروردگار مومنین خود را از شر پلیدی، افراد شرور و آن شرور محافظت می‌کند.

■ **"حفظ می‌کند"** این یکی از اصطلاحات نظامی بسیاری است که در این فصل وجود دارد (مراجعه کنید به اول پطرس ۱: ۳-۱۲؛ اول یوحنا ۵: ۱۸).

■ **"از آن شریر"** این شکل یونانی می‌تواند خنثی یا مذکر باشد. پدران کلیسای شرقی و ترتولیان آن را مذکر تفسیر می‌کنند، در حالی که پدران کلیسای غربی آن را به صورت خنثی تفسیر می‌کنند (مراجعه کنید به رومیان ۱۲: ۹). به نظر می‌رسد عهد جدید از مذکر پشتیبانی می‌کند (مراجعه کنید به متی ۵: ۳۷؛ ۶: ۱۳؛ ۱۳: ۱۹، ۳۸؛ یوحنا ۱۷: ۱۵؛ افسسیان ۶: ۱۶؛ اول یوحنا ۲: ۱۳-۱۴؛ ۳: ۱۲؛ ۵: ۱۸-۱۹). به موضوع خاص: شیطان فردی در اول تسالونیکیان ۲: ۱۸ مراجعه کنید.

این متن دارای دو جهت گیری ممکن است: (۱) معلمان دروغین روزگار پولس (ضد مسیحیان، اول ۱ یوحنا ۲: ۱۸) یا (۲) شر اسکاتولوژیک ضد مسیح (مراجعه کنید به مکاشفه ۱۳). شر همیشه حاضر است، اما خداوند پرهیزگار هم همینطور است! او پیروان خود را از شر پلیدی نجات داده و حفظ خواهد کرد.

■ **۴: ۴ "ما در خداوند به شما اطمینان داریم که آنچه به شما حکم می‌کنیم"** این یک زمان اخباری فعال کامل است، عملی که در گذشته اتفاق افتاده و اکنون به یک وضعیت موجود تبدیل شده است. اعتماد به نفس پولس نه تنها "در سرورمان" بود بلکه در این مومنان نیز وجود داشت. همین تعادل را می‌توان در فیلیپیان ۲: ۱۲ الی ۱۳ مشاهده کرد. نجات هم از خدای متعال است و هم انسان پاسخگو ("انجام دادن" و "تداوم در انجام آن"). تمام برخورد خداوند با انسانها شامل وعده‌های بی‌قید و شرط و در عین حال مشروط است.

■ **"حکم"** این یک اصطلاح نظامی است. در این متن بارها و بارها از آن استفاده می‌شود. این نشان دهنده اقتدار پولس به عنوان یک رسول است. این اصطلاح می‌تواند به (۱) موعظه پولس (۲) اولین نامه او، اول تسالونیکیان؛ یا (۳) دستورالعمل فعلی او، دوم تسالونیکیان اشاره داشته باشد.

■ **۵: ۳ "خداوند ... خدا ... مسیح"** ابهام اصطلاح "پروردگار" بدیهی است. در عهد عتیق همیشه یهوه است. نویسندگان عهد جدید غالباً عبارات عهد عتیقی را نقل می‌کنند که در آن اعمال یهوه را به عیسی نسبت می‌دهند. سیالیت ممکن است هدفمند باشد زیرا نویسنده اصلی الهام گرفته از عهد جدید می‌خواست الهیت عیسی و عمل یکپارچه از خدای تثلیث را تصدیق کند (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۲: ۱۶-۱۷).

■ **"هدایت فرماید"** این یک آئوریست فعال گزینه‌ای است که منعکس کننده یک دعا است (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۳: ۱۱-۱۳). این یک اصطلاح نظامی دیگر است، "مستقیماً با از بین بردن موانع". این یک اشاره به استعاره عهد عتیق است، "راههای فرسوده عدالت" (مراجعه کنید به لوقا ۱: ۷۹؛ اول تسالونیکیان ۳: ۱۱). به دو جنبه این دعا توجه کنید: (۱) عشق به خدا و (۲) استوار بودن مسیح.

■ **"دلها"** این اصطلاح در عهد عتیق برای یک فرد به طور کامل مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما می‌توان به طور خاص در مورد ذهن استفاده کرد که به بهترین وجه متناسب با این متن است. موضوع خاص را در غلاطیان ۴: ۶ مطالعه کنید.

■ **"محبت خدا"** این عبارت مضاف الهی را می‌توان به صورت عینی یا ذهنی درک کرد، یعنی عشق خدا به ما و عشق ما به او. در این متن، عشق خدا به ما بهتر مصداق دارد.

■ **"پایداری مسیح"** این عبارت در هیچ جای دیگر در نوشته‌های پولس به کار نرفته است. تا حدودی مبهم است. این یک اصطلاح فعال برای "استقامت داوطلبانه" است. به دلیل الگو بودن استقامت بیمارگونه مسیح (مراجعه کنید به فیلیپیان ۲: ۶-۱۱)، مومنان می‌توانند با صبر و تحمل طاقت بیابند.

این عبارت با حالت مضاف الیه می تواند به معنای صبر مومنان مانند صبر مسیح یا صبر و شکیبایی باشد که مسیح به مومنین می دهد. این احتمالاً مانند یک عبارت قبلی یک وجه شرطی مضاف الیهی است. در هر دو حالت، این صبر مربوط می شود به

۱. آزار و اذیت فعلی آنها
۲. پاسخ آنها به تعالیم دروغین و بی حرمتی ناشی از آن از طرف برخی از اعضای کلیسا
۳. صبر، اعتماد و ایمان مومنان با توجه به بازگشت هر لحظه و / یا بازگشت با تاخیر عیسی مسیح (بر خلاف کسانی در دوم تسالونیکیان ۳: ۱۱)

NASB: دوم تسالونیکیان ۳: ۶ الی ۱۵

ای برادران، به نام خداوند عیسی مسیح به شما حکم می کنیم که از هر برادری که کاهلی پیشه کرده است و مطابق تعلیمی که از ما گرفته اید رفتار نمی کند، دوری کنید.^۷ زیرا خود می دانید که چگونه باید از ما سرمشق بگیرید. زمانی که ما با شما بودیم، کاهلی نکردیم^۸ و نان کسی را مفت نخوردیم، بلکه شب و روز کار کردیم و زحمت کشیدیم تا سربار هیچ یک از شما نباشیم.^۹ نه اینکه چنین حقی نداریم، بلکه می خواستیم نمونه ای به شما بدهیم تا از ما سرمشق بگیرید.^{۱۰} زیرا حتی زمانی که با شما بودیم این حکم را به شما دادیم که «هر که نمی خواهد کار کند، نان هم نخورد.»

^{۱۱} شنیده ایم در میان شما برخی کاهلی پیشه کرده اند. اینان کار نمی کنند، بلکه در کارهای دیگران فضولی می نمایند.^{۱۲} پس به نام خداوند عیسی مسیح چنین کسان را حکم می کنیم و پند می دهیم که آرام و قرار بگیرند و برای تأمین معاش خود به آرامی کار کنند.^{۱۳} و اما شما ای برادران، هرگز از انجام کار درست خسته نشوید.

^{۱۴} هر گاه کسی از تعالیم ما در این نامه اطاعت نکند، او را نشان کنید و با وی معاشرت ننمایید تا شرمنده شود.^{۱۵} ولی او را دشمن بشمارید، بلکه همچون برادر به وی هشدار دهید.

۳: ۶ "به نام خداوند به شما حکم می کنیم" این عبارت جمع مودبانه بوده و سیلاس و تیموتائوس را نیز شامل میشود، اما در واقع، این سخنی است از جانب پولس رسول. او الهام و اقتدار خود را در مسیح برای هدایت و فرماندهی (حال اخباری فعال) به رسمیت می شناسد (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۳: ۱۰، ۱۲). "به نام" اصطلاحی عبری است که به یک شخصیت یا شخصیت یک فرد اشاره می کند.

■ "به نام" این یک اصطلاح سامی است که نمایانگر شخصیت یک فرد است (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۱: ۱۲). پولس از اقتدار خودش سخن نگفت. موضوع خاص: اسامی الهی در دوم تسالونیکیان ۱: ۱۲ را ببینید.

■ "دوری کنید" این یک حال میانی نامحدود است، که اغلب در یونانی کوبین به عنوان امری مورد استفاده قرار می گیرد، "شما، خودتان همچنان از این امر دوری کنید" (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۳: ۱۴). مومنان نباید با کسانی که اطاعت نمی کنند، روابط شخصی صمیمی برقرار کنند (مراجعه کنید به رومیان ۱۶: ۱۷؛ اول قرنتیان ۵: ۱۱؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۱۴). این به دوستی گاه و بیگاه با افراد گمشده و مومنان گمراه کننده اشاره نمی کند (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۳: ۱۵).

NASB	"زندگی ناعادلانه ای را هدایت می کند"
NKJV	"بی نظمی راه می رود"
NRSV	"زندگی در بیکاری"
TEV	"که زندگی تنبلی دارند"
NJB	"که از کار امتناع می ورزد"

این یک اصطلاح نظامی دیگر برای "رفتار نامنظم" است (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۳: ۶، ۷، ۱۱). در اینجا در مورد مومنان بیکار و تنبل استفاده شده است (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۴: ۱۱-۱۲؛ ۵: ۱۴). بدهی بودن آمدن دوم باعث شده بود که بسیاری از مومنین از انجام امور عادی زندگی دست بکشند. آنها انتظار داشتند که توسط دیگر اعضای کلیسا مورد حمایت قرار گیرند. موضوع خاص: ثروت را در اول تسالونیکیان ۴: ۲ ببینید.

NASB	"که شما از ما دریافت کرده اید"
NKJV	"که او از ما دریافت کرد"
NRSV	"آنها از ما دریافت کردند"
TEV	"که ما به آنها دادیم"

تفاوت‌هایی میان نسخ خطی یونانی وجود دارد که مربوط به شکل فعل است:

۱. *parelabosan* یا *parelabon* (آئوریست اخباری فعال، سوم شخص جمع)، "آنها دریافت کردند" - NRSV

۲. *parelaben* (آئوریست اخباری فعال، سوم شخص مفرد) "او دریافت کرد" - NKJV

۳. *parelabete* (آئوریست اخباری فعال، دوم شخص جمع) "شما دریافت کردید" - NJB, NASB

در نامه های پولس در جاهایی از که ضمیر استفاده شده، تفاوت‌های زیادی در متن دیده میشود.

۳:۷ "باید از ما سرمشق بگیرید" در این زمان، هیچ عهد جدید مکتوبی وجود نداشت. این مومنان مجبور بودند که (۱) بشارت پولس را دریافت کنند، و (۲) بر اساس الگوهای او گام بردارند (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۳:۹؛ اول قرنتیان ۴:۱۶؛ فیلیپیان ۳:۱۷؛ ۴:۹؛ اول تسالونیکیان ۱:۶).

۳:۸ "نان کسی را مفت نخوردیم" (در نسخه انگلیسی، "نان کسی را بدون پرداخت پول آن نخوردیم" نوشته شده و این تفسیر بر اساس متن انگلیسی است- مترجم) این اصطلاح عبری است. پولس، مانند همه ربی‌ها، برای نیازهای روزانه خود کار می‌کرد (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۹:۱۲، ۱۸؛ ۱۱:۷؛ دوم قرنتیان ۱۱:۹؛ ۱۲:۱۳-۱۴؛ اول تسالونیکیان ۲:۹). در دنیای یونان و روم، بسیاری از افراد شیادان دوره گرد مردم را طعمه خود می‌کردند. پولس اغلب متهم به موعظه در قبال پول بود. وی که نسبت به این اتهام حساس بود، به ندرت از کسانی که او برایشان موعظه می‌کرد، پول می‌گرفت.

■ "کار کردیم و زحمت کشیدیم" برای یونانیان کار دستی فقط مختص بردگان بود، اما کتاب مقدس تصریح می‌کند که کار از جانب خدا است. در پیدایش کار هم قبل از سقوط و هم و بعد از آن است (مراجعه کنید به پیدایش ۲:۱۵؛ ۳:۱۹؛ خروج ۳۱:۳؛ ۳۵:۵؛ تثیبه ۵:۵۳؛ اشعیا ۵۴:۱۶). مفهوم کار برای تأمین نیازهای شخصی در این متن بسیار مهم است. برخی از مومنان کار خود را رها کرده بودند، زیرا تصور می‌کردند که آمدن دوم نزدیک است.

■ "شب و روز" این ترتیب زمان یهودیان است (مراجعه کنید به پیدایش ۱:۵؛ ۸، ۱۳، ۱۹، ۲۳، ۳۱). این اصطلاحی است به معنای "تمام-وقت کار کردن"، نه به معنای واقعی کلمه ۲۴ ساعت در روز.

۳:۹ "نه اینکه چنین حقی نداریم" پولس در حال تصدیق این عقیده بود که مومنان باید از رهبران خود حمایت کنند (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۹:۴؛ ۱۷؛ غلاطیان ۶:۶). با این حال، در این موقعیت خاص، او دست به کار شد و (۱) برای کسانی که کار را ترک کرده بودند الگو شد و (۲) تا از هر انتقاد احتمالی دوری کرد.

■ "نمونه‌ای" موضوع خاص: فرم در اول تسالونیکیان ۱:۷ را مطالعه کنید.

۳:۱۰ "این حکم را به شما دادیم" این یک زمان اخباری غیر کامل فعال است، که در این متن باید بدان معنی باشد که پولس هنگامی که با آنها بود، بارها و بارها به آنها گفته بود. این دستور جدیدی نبود. این مشکل باید در اوایل این کلیسا ظاهر شده باشد، احتمالاً حتی قبل از اینکه پولس از آنجا خارج شود.

■ "اگر" این یک جمله شرطی نوع اول است. افرادی مانند این در کلیسا وجود داشتند.

■ "هر که نمی‌خواهد کار کند، نان هم نخورد" این یک حال اخباری فعال است که به دنبال آن یک فعل حال امری فعال وجود دارد. این نکته کل فصل است. این مسئله به سبک زندگی بی‌تحریکی می‌پردازد، نه بیکاری موقتی. فرد باید توازنی میان این حکم و نامه‌های دیگر پولس در مورد مراقبت از فقرا برقرار کند (مراجعه کنید به اعمال رسولان ۲۴:۱۷؛ رومیان ۱۵:۲۶-۲۹؛ دوم قرنتیان ۸-۹؛ غلاطیان ۲:۱۰). این دستور را می‌توان چنین درک کرد که (۱) کسانی که از کار امتناع می‌ورزند، خوراک هم نخورند و (۲) آنها را از وعده غذایی مشترک مسیحیان یا اعیاد محروم می‌کردند (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۳:۱۳، ۱۴).

۳:۱۱ "شنیده‌ایم" این زمان حال اخباری فعال است که به مفهوم "مرتب میشنویم" است.

NASB "اما ادای کسانی که کار میکنند را در می‌آورند"

NKJV "اما مشغول کار هستند"

NRSV "هیچ کاری انجام نمی‌دهند"

TEV "کاری نمی‌کنند غیر از فضولی در کار دیگران"

NJB "در کارهای دیگران فضولی می‌نمایند"

این در متن یونانی بازی با کلمه "کار" است - "کار نکردن" (*epgazomenous*)، بلکه کارهایی جسته و گریخته انجام دادن (*periergazomenous*)". "کار" آنها در کار دیگران مداخله کردن و فضولی بود. پولس اصطلاح "کار" را غالباً در این فصل به کار می‌برد (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۳: ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و اول تسالونیکیان ۴: ۱۱).

۱۲: ۳ پولس از کلمات محکم برای هشدار استفاده می‌کند

۱. "فرمان" حال اخباری فعال

۲. "تشویق" حال اخباری فعال

۳. "بنام سرورمان عیسی مسیح"

این می‌تواند حاکی از آن باشد که (۱) بت پرستان مسیحی هستند یا (۲) پولس به نام عیسی است که به آنها دستور می‌دهد.

■ "به آرامی کار کنند" این یک هشدار مکرر از جانب پولس است (اول تسالونیکیان ۴: ۱۱؛ اول تیموتائوس ۲: ۲). به نظر می‌رسد منظور این است که مومنان با رفتارهای عجیب و غریب و غیر معمول توجه را به خود جلب نمی‌کنند بلکه با زندگی مناسب و آرام، ملایم، صبورانه، اخلاقی، دوست داشتنی، دلسوزانه و کار، این کار را انجام می‌دهند (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۳: ۱۱).

بنابراین اغلب در روزگار ما به دلیل اعتقادات عجیب و یا اعمال عجیب، "عناوین" را ایجاد می‌کنند! همانطور که پولس باید نمونه‌ای از مومنان مدرن برای کار و شاهد باشد. اگر پیام باعث ایجاد تعارض شود، چنین می‌شود، ولی نه پیام آوران!

NASB, NKJV "نان خود را بخورند"

NRSV "کار خودشان را انجام دهند"

TEV "برای تأمین زندگی خود کار کنند"

NJB "غذایی که می‌خورند را خود تأمین کنند"

این اصطلاحی است به مفهوم اینکه با کارتان زندگیتان را تأمین کنید.

۱۳: ۳ "هرگز از انجام کار درست خسته نشوید" این به زندگی آرام، ملایم و روزانه کلیسا اشاره دارد (مراجعه کنید به لوقا ۱۸: ۱؛ دوم قرنتیان ۴: ۱؛ غلاطیان ۶: ۹). مردم زندگی خداپسندانه را تماشا کرده و نظاره‌گر آن هستند.

۱۴: ۳ "اگر" این عبارت یک جمله شرطی نوع اول است که از نظر نویسنده و یا از منظر ادبی شرط درست تلقی می‌شود.

NASB "توجه دقیق به آن شخص داشته باشید"

NKJV "به آن شخص توجه کنید"

NRSV "به آنان توجه کنید"

TEV, NJB "به او توجه کنید"

این حال اخباری میانی است. به مفهوم واقعی کلمه "نشان کردن" یا "برچسب زدن" است. این استعاره ای برای "توجه کردن به" از نظر روانی و ذهنی است.

■ "با وی معاشرت ننمایید" این یک حال میانی (دپوننت) است که در مفهوم امری مورد استفاده قرار می‌گیرد. این همان "بازپرداخت از" دوم تسالونیکیان ۳: ۶ است. مشخص نیست که آیا یکی از اینها دخیل باشند

۱. یک ارتباط قبلی کامل

۲. محرومیت از وعده‌های غذایی کلیسایی (جشن های *agape*)

۳. نوعی محرومیت از نقشهای رهبری یا موقعیتهای دوستانه

همانند اول قرنتیان ۵: ۹، ۱۱ است (همان کلمه، فقط در اینجا و اول قرنتیان ۵ یافت می‌شود)، که به دوستی صمیمی اشاره دارد. پولس نمی‌خواست که اینها دیگر مومنین را متحول سازند، اما همچنین او نمی‌خواست که آنها دوستی مومنین را رها کنند (و احتمالاً یک جناح اسکاتولوژیک را برپا سازند).

■ "ناشرمنده شود" هدف از انضباط کلیسا رستگاری و همچنین انضباطی است (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۳: ۱۵؛ غلاطیان ۶: ۱؛ اول تسالونیکیان ۴: ۱۵). هدف ترمیم و احیا است!

NASB: دوم تسالونیکیان ۳: ۱۶

۱۶ حال، خداوند سلامتی، خود همواره و از هر حیث به شما سلامتی عطا فرماید. خداوند با همگی شما باد.

۳: ۱۶ "خداوند سلامتی" (در متن انگلیسی "the Lord of peace" به معنی ارباب سلامتی " نوشته شده و این تفسیر در رابطه با متن انگلیسی است - مترجم) این یک لقب متداول برای خدای پدر است (مراجعه کنید به رومیان ۱۵: ۳۳؛ ۱۶: ۲۰؛ دوم قرنتیان ۱۳: ۱۱؛ فیلیپیان ۴: ۹؛ اول تسالونیکیان ۵: ۲۳؛ عبرانیان ۱۳: ۲۰). توجه کنید که متن پایانی دوم تسالونیکیان چطور به متن پایانی اول تسالونیکیان شباهت دارد. پولس در حال توسعه و بسط شیوه نگارشی نامه خود است.

■ "خداوند با همگی شما باد" اصطلاح یونانی "همه" (pantos) دو مرتبه در این آیه و نیز در دوم تسالونیکیان ۳: ۱۸ استفاده شده است. هشدار پولس حتی افراد نادرست را شامل می‌شود. "خداوند" می‌تواند به عیسی یا پدر اشاره کند. متن همسو در اول تسالونیکیان ۳: ۱۱ را ببینید.

NASB: دوم تسالونیکیان ۳: ۱۷ الی ۱۸

۱۷ من، پولس، به خط خود این سلام را می‌نویسم. این نشان ویژه همه نامه‌های من است. من چنین می‌نویسم.
۱۸ فیض خداوند ما عیسی مسیح با همگی شما باد. آمین.

۳: ۱۷ "به خط خود این سلام را می‌نویسم" پولس نامه‌های خود را برای یک کاتب دیکته می‌کرد، اما او احکام اختتامیه را به دست خودش می‌نوشت تا اقتدار نگارندگی خود را تایید کند. (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۲: ۲؛ اول قرنتیان ۱۶: ۲۱؛ غلاطیان ۶: ۱۱؛ کولسیان ۴: ۱۸؛ فیلمون ۱۹). این ممکن است الگوی همه نامه‌های بعدی پولس شده باشد.

۳: ۱۸ این متن اختتامیه و پایانی بسیار شبیه به اول تسالونیکیان ۵: ۲۸ است. بیشتر نسخ خطی یونانی "آمین" را اضافه می‌کنند، اما در R و B غایب است کاتبین تمایل بر آن داشتند که آن را به هر کتاب اضافه کنند.

سوالات بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید. این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چگونه کلیسا با دیگرانی که کتاب مقدس را نفی می‌کنند، باید رفتار کند؟
۲. این فصل به وضعیت رفاهی مدرن ما چه می‌گوید؟
۳. چرا حقیقت آیه ۱۶ بسیار مهم است؟

موضوع خاص: اصطلاحات دستور زبان یونانی

یونانی کوین (*Koine Greek*) که اغلب یونانی هلنی (*Hellenistic Greek*) هم گفته می‌شود، زبان متداول در منطقه مدیترانه بود که از زمان اسکندر کبیر (۳۳۶ تا ۳۲۳ قبل از میلاد) رایج شد و تا هشت صد سال (۳۰۰ قبل از میلاد تا ۵۰۰ بعد از میلاد) دوام یافت. این زبان صرفاً یک زبان ساده شده و کلاسیک یونانی نبود، بلکه از جهات مختلف حالت جدیدی از زبان یونانی بود که تبدیل به زبان دوم سرزمینهای باستانی خاور نزدیک و مدیترانه شده بود.

نسخه یونانی عهد جدید از برخی جهات منحصر به فرد است، زیرا نویسندگان آن به استثنای لوقا و نویسنده عبری، زبان اولش احتمالاً آرامی بود. بنابراین نوشته‌های او تحت تأثیر کلمات و چارچوب ساختاری زبان آرامی بود. همچنین آنها Septuagint (ترجمه یونانی عهد عتیق) را می‌خواندند و از آن نقل قول می‌کردند که آن هم به زبان یونانی کوین نوشته شده بود. ولی Septuagint توسط اساتید یهودی که زبان مادری آنها یونانی نبود، نوشته شده بود.

این امر به ما یادآوری می‌کند که ما نمی‌توانیم عهد جدید را در قالب دستور زبانی درست ببینیم. منحصر به فرد است و وجوه اشتراک زیادی با (۱) Septuagint، (۲) نوشته‌های یهودی مانند نوشته‌های جوزفوس و (۳) پاپیروس‌ی که در مصر یافت شد، دارد. پس چگونه می‌توانیم عهد جدید را از نظر دستور زبانی مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم؟

ویژگی‌های دستور زبانی یونانی کوین و عهد جدید روان هستند. از جهات بسیاری نوعی ساده‌سازی دستور زبان است. متن راهنمای اصلی ما می‌باشد. کلمات فقط در متون طولانی دارای معنی هستند، بنابراین ساختار دستور زبانی را فقط می‌توان در سایه (۱) شیوه نگارش یک نویسنده خاص، و (۲) یک متن خاص درک کرد.

زبان یونانی کوین اساساً یک زبان گفتاری بود. اغلب کلید تفسیر و ترجمه نوع و فرم کلمات و افعال هستند. در بیشتر عبارات اصلی فعل اول می‌آید تا برتری آن را نشان دهد. در تحلیل فعل در زبان یونانی باید به سه بخش اطلاعات توجه کرد: (۱) تأکید اولیه زمان فعل، لحن گفتار و حس گفتار (اصول صرف و نحو و تاریخ لغوی)، (۲) معنی اصلی یک فعل خاص (واژه نگاری)، و (۳) موضوع متن (هماهنگی قسمتهای مختلف متن).

۱. زمان فعل

- a. زمان یا وضع فعل شامل رابطه افعال برای تکمیل یک عمل یا کامل نشدن یک عمل است. این اغلب "کامل" یا "ناکامل" گفته می‌شود.
- i. فعل زمان کامل بر رخداد یک عمل تمرکز دارد. هیچ گونه اطلاعات بیشتری داده نمی‌شود به جز اینکه اتفاقی رخ داده است! شروع، طول مدت یا دوام و پایان آن مشخص نمی‌شود.
- ii. فعل زمان ناکامل بر تداوم فرایند یک عمل تمرکز دارد. می‌توان آن را در قالب یک حرکت خطی، مدت زمان سپری شده و پیشرفت عمل توصیف کرد.
- b. زمانهای افعال را می‌توان بر اساس اینکه نویسنده چگونه پیشرفت عمل را می‌بیند، طبقه‌بندی کرد
- i. رخ داد (عمل انجام شد) = آتوریستی
- ii. رخ داد و نتایج آن متوقف شد = کامل
- iii. در زمان گذشته در حال انجام بود و خاتمه یافت، ولی نه در حال = ماضی بعید
- iv. در حال وقوع است = زمان حال
- v. در حال انجام بود = ناکامل

یک مثال صریح از اینکه چگونه این زمان‌ها به ترجمه و تفسیر کمک می‌کنند می‌تواند فعل "نجات دادن" (save) باشد. این در چندین حالت زمانی مختلف استفاده شده است تا روند اجرا و نقطه اوج آن نشان داده شود.

- a. آتوریست - "نجات داد" (رجوع شود به رومیان ۸:۲۴)
- b. کامل - "نجات داده شد و نتیجه آن همچنان ادامه دارد" (رجوع شود به افسسیان ۲:۵ و ۸)
- c. حال - "نجات داده می‌شود" (رجوع شود به اول قرنتیان ۱:۱۸، ۲:۱۵)
- d. آینده - "نجات داده خواهد شد" (رجوع شود به رومیان ۹:۵ و ۱۰، ۹:۱۰)
- c. با تمرکز بر روی زمان فعل، مترجمین باید بدنبال دلیلی بگردند که چرا نویسنده اصلی یک زمان خاصی را برای بیان عبارت خویش استفاده کرده است. زمان فعل "ریشه‌دار نکردن" آتوریستی بود. از آن می‌توان برای طیف وسیعی از شیوه‌هایی که متن باید تعیین کننده باشد، استفاده کرد. خیلی ساده، می‌گویید که اتفاقی رخ داده است. جنبه گذشته زمان صرفاً به منظور این است که نشان دهنده حالت باشد. اگر هر زمان دیگری استفاده شده بود، بر روی چیزی دقیقتر تأکید شده بود. ولی چه؟
- i. زمان کامل. از کامل شدن عملی با نتیجه مشخص صحبت می‌کند. در برخی شرایط، ترکیبی از زمان آتوریستی و زمان حال است. معمولاً تمرکز بروی نتایج حاصله و یا کامل شدن عمل است (مثال: افسسیان ۲:۵ و ۸، "از راه ایمان نجات یافته‌اید")

- ii. زمان ماضی بعید. این زمان همانند زمان کامل است با این تفاوت که نتیجه آن کامل شده است. مثال: انجیل یوحنا ۱۶:۱۸ "پطرس پشت در ایستاد".
- iii. زمان حال. این زمان از عملی ناقص و خاتمه نیافته صحبت می‌کند. تمرکز آن معمولاً بر روی ادامه یک رخداد است. مثال: اول یوحنا ۳:۶، ۹ "آن که در او می‌ماند گناه نمی‌کند". "آن که از خدا مولود شده است گناه نمی‌کند"
- iv. زمان غیر کامل. در این زمان، رابطه با زمان حال مشابه رابطه میان زمان کامل و ماضی بعید است. زمان غیر کامل از کامل نشدن عملی در گذشته خبر می‌دهد. مثال: انجیل متی ۵:۳ "مردمان اورشلیم و سراسر یهودیه و تمامی نواحی اطراف رود اردن، جملگی نزد او می‌رفتند" یا "پس همه مردم اورشلیم بیرون آمده و نزد او می‌رفتند".
- v. زمان آینده. این زمان از عملی صحبت می‌کند که باید در یک مقطع زمانی در آینده رخ دهد. تمرکز آن بر روی احتمال وقوع آن است تا حتم بر وقوع آن. مثال: انجیل متی ۴:۵ الی ۹، "خوشا به حال ... خواهد شد".

۲. لحن گفتار

- a. لحن یا صدای گفتار از رابطه میان عمل فعل و موضوع سخن می‌گوید.
- b. لحن فعال یک شیوه معمولی، قابل انتظار، غیر تأکیدی برای بیان موضوعی است که عمل فعل بر روی آن انجام می‌گیرد.
- c. لحن مجهول یعنی موضوع عمل فعل را که توسط یک عامل خارجی انجام شده، دریافت می‌کند. عامل خارجی که عمل را ایجاد می‌کند در نسخه یونانی عهد جدید با حروف اضافه و حالات مختلف نشان داده‌اند.
- i. عامل مستقیم فردی توسط *hupo* با مفعول عنه (رجوع شود به انجیل متی ۲۲:۱، اعمال رسولان ۳۰:۲۲)
- ii. یک عامل فردی واسطه توسط *dia* با مفعول عنه (رجوع شود به انجیل متی ۲۲:۱)
- iii. یک عامل غیر فردی توسط *en* با حالت موردی
- iv. گاهی اوقات یک عامل فردی یا غیر فردی و توسط مفعول عنه به تنهایی
- d. لحن متوسط یعنی موضوع عمل فعل را ایجاد می‌کند و همچنین به صورت مستقیم با عمل فعل در ارتباط است. این حالت اغلب لحن بلند با اهداف شخصی گفته می‌شود. این ساختار به شیوه‌ای تأکید بر موضوع جمله یا عبارت دارد. این ساختار در زبان انگلیسی وجود ندارد.
- احتمالات زیادی برای معانی و ترجمه آن از زبان یونانی وجود دارد. برخی مثالهای این حالت به شرح زیر هستند:
- i. انعکاسی - عمل مستقیم موضوع بر روی خودش. مثال: انجیل متی ۵:۲۷، "خود را حلق آویز کرد"
- ii. شدید - موضوع عملی را برای خودش ایجاد می‌کند. مثال: دوم قرنتیان ۱۴:۱۱، "شیطان نیز خود را به شکل فرشته نور درمی‌آورد"
- iii. متقابل - عمل متقابل دو موضوع. مثال: انجیل متی ۴:۲۶، "شور کردند"

۳. حس گفتار (یا "حالت")

- a. در یونانی کوبین چهار نوع حالت وجود دارد. آنها، حداقل از دیدگاه شخصی نویسنده، دلالت بر رابطه فعل با واقعیت دارند. حالت‌ها به دو گروه کلی تقسیم می‌شوند: آنها که بر واقعیت دلالت دارند (دلالت کننده) و آنها که بطور بالقوه دلالت می‌کنند (وجه شرطی، دستوری و آرزویی).
- b. حالت دلالت کننده حالت معمولی برای بیان عملی است که رخ داده است و یا در حال وقوع است، حداقل از دیدگاه نویسنده. اینها حالتی در دستور زبان یونانی هستند که زمان مشخصی را بیان می‌کنند، و حتی در اینجا این یک جنبه ثانویه است.
- c. حالت وجه شرطی احتمال وقوع عمل در آینده است. چیزی که هنوز اتفاق نیفتاده است، ولی احتمال وقوع آن می‌رود. این زمان وجه اشتراک زیادی با آینده دلالت کننده دارد. تفاوت در این است که وجه شرطی تردیدی را نشان می‌دهد. در انگلیسی این حالت معمولاً با *may, would, could* و یا *might* بیان می‌شود.
- d. حالت آرزو، آرزویی را که از نظر تئوری وقوع آن ممکن است را بیان می‌دارد. یک گام جلوتر از واقعیت نسبت به وجه شرطی در نظر گرفته شد. حالت آرزویی احتمال وقوع را تحت شرایط خاصی بیان می‌دارد. حالت آرزویی در عهد جدید به ندرت استفاده شده است. بیشترین کاربرد آن توسط پولس در جمله معروف او است: "شاید که هرگز نباشد" (انجیل نسخه شاه جیمز، "خدا منع می‌کند")، پانزده مرتبه استفاده شده است (رجوع شود به رومیان ۴:۳ و ۶ و ۳۱، ۲:۲ و ۱۵، ۷:۱۳ و ۱۴:۹، ۱۱:۱ و ۱۱، اول قرنتیان ۱۵:۶، غلاطیان ۱۷:۲، ۲۱:۳، ۱۴:۶)
- e. حالت دلالت کننده بر فرمانی که احتمالش هست، تأکید می‌کند، ولی تأکید بر روی قصد گوینده است. فقط احتمال قابل نقض و مشروط، انتخاب دیگر است. یک کاربرد دلالت کننده خاص در درخواست دعای شخص ثالث هم هست. این دستورات فقط در زمان آنوریستی در عهد جدید هستند.
- f. برخی دستورات گرامری ضمائر مفعولی را به عنوان نوع دیگری از حالت طبقه‌بندی می‌کنند. آنها در عهد جدید یونانی بسیار متداول هستند، معمولاً به عنوان صفت شفاهی تعریف می‌شوند. تنوع زیادی در ترجمه صفات مفعولی وجود دارد. آنها در ترکیب با فعل اصلی که به آن مرتبط هستند ترجمه می‌شوند. احتمال تنوع در ترجمه صفت مفعولی بسیار زیاد است. بهترین کار این است که به ترجمه‌های مختلف مراجعه

- g. *The Bible in Twenty Six Translations* از انتشارات بیکر کمک زیادی می‌کند.
۴. g. زمان آثوریت دلالته کننده فعال یک شیوه معمولی و بدون نشان برای ثبت یک رخداد است. سایر زمانها، لحن یا حالت یک اهمیت تفسیری خاصی دارند که نویسنده اصلی قصد داشته تا بدان طریق ارتباط برقرار کند.
- a. برای کسی که با زبان یونانی آشنایی نداشته باشد، مطالعات ذیل کمک کرده و اطلاعات مورد نیاز را ارائه می‌کند: باربارا و تیمونائوس فرایبرگ. *Analytical Greek New Testament*. انتشارات بیکر، سال ۱۹۸۸
- b. آلفرد مارشال. *Interlinear Greek-English New Testament*. انتشارات زوندروان، سال ۱۹۷۶
- c. ویلیام دی. ماونس. *The Analytical Lexicon to the Greek New Testament*. انتشارات زوندروان، سال ۱۹۹۳
- d. ری سامرز. *Essentials of New Testament Greek*. انتشارات برادمن، سال ۱۹۵۰
- e. درس مکاتباتی زبان یونانی کوین که دارای تائید آکادمیک می‌باشند نیز توسط Moody Bible Institute در شیکاگوی ایلینویز قابل دسترسی است.

۵. اسم

- a. از نظر دستور زبان، اسم‌ها بر اساس موردی طبقه‌بندی می‌شوند، یعنی بر اساس یک اسم که رابطه آن با فعل و سایر اجزا جمله را نشان می‌دهد، طبقه‌بندی می‌شوند. در زبان یونانی کوین، بسیار از عملکردهای مورد دلالت بر ضمائر مفعولی دارند. از آنجا که حالت مورد می‌تواند روابط مختلفی را شناسایی کند، از ضمیر مفعولی برای بسط آن استفاده می‌شود تا تفکیک سازی بهتر این اعمال انجام شود.
- b. مورد در دستور زبان یونانی به هشت گروه زیر تقسیم می‌شود:
- i. حالت فاعلی برای نامگذاری استفاده می‌شد و معمولاً موضوع جمله یا عبارت بود. همچنین برای اسم‌های پیش فرض و صفت با متصل کردن به افعال "بودن" یا "شدن" استفاده می‌شد.
- ii. حالت مضاف الیه برای توصیف کردن استفاده می‌شد و معمولاً یک صفت یا کیفیتی که با آن در ارتباط بود، به کلمه اطلاق می‌شد. این به سوال "چه نوعی" پاسخ می‌دهد. در زبان انگلیسی با حرف اضافه of این حالت توصیف می‌شود.
- iii. حالت مفعول عنه به همان شیوه صرف شده برای مضاف الیه استفاده می‌شد، ولی برای توصیف جداسازی به کار می‌رفت. معمولاً برای بیان جدا شدن از یک نقطه در زمان، مکان، مبدا، منشا یا درجه استفاده می‌شد. در زبان انگلیسی این حالت با حرف اضافه "از" (*from*) بیان می‌شود.
- iv. حالت مفعولی برای توصیف نفع شخصی استفاده می‌شد. می‌توانست به جنبه مثبت یا منفی دلالت کند. اغلب مفعول غیر مستقیم بود. اغلب در زبان انگلیسی با حرف اضافه "به" (*to*) بیان می‌شد.
- v. حالت مکانی مشابه فرم صرفی حالت مفعولی است، ولی موقعیت یا مکان را در فضا، زمان یا محدودیت‌های منطقی بیان می‌کرد. این معمولاً در زبان انگلیسی با یکی از حروف اضافه "در، آن، روی، میان، در طول، توسط، و باضافه" بیان می‌شود.
- vi. حالت یابی مشابه همان حالت صرف حالت مفعولی و حالت مکانی است. از آن برای بیان ابزار یا پیوستگی استفاده می‌شد. اغلب در زبان انگلیسی با "بوسیله" یا "با" بیان می‌شد.
- vii. حالت مفعولی اتهامی برای توصیف جمع‌بندی یک عمل استفاده می‌شد. این حالت محدودیت را بیان می‌کرد. استفاده اصلی آن برای مفعول بیواسطه بود. این حالت به سوال "چه اندازه" یا "تا چه حد" پاسخ می‌دهد.
- viii. حالت آوایی برای بیان مستقیم استفاده می‌شد.

۶. حروف ربط

- a. یونانی زبان بسیار دقیقی است زیرا کلمات ربط بسیار زیادی دارد. آنها افکار (عبارات، جملات و پاراگرافها) را به یکدیگر متصل می‌سازند. آنها بسیار متداول هستند بطوری که بودن آنها اغلب اهمیت خاصی دارد. در حقیقت، این حروف ربط مشخص کننده مسیر فکری نویسنده هستند. اغلب آنها در تعیین اینکه گوینده دقیقاً چه چیزی می‌خواهد بگوید بسیار مهم هستند.
- b. در اینجا فهرستی از برخی حروف ربط و معنی آنها را ارائه می‌کنم (این اطلاعات بیشتر از *A Manual Grammar of the Greek New Testament* اثر H. E. Dana and Julius K. Mantey گردآوری شده‌اند).

i. حروف ربط زمانی

۱. *epei, epeidē, hopote, hōs, hote, hotan* (موضوع) - "وقتی که"

۲. *heōs* "در حالی که"

۳. *hotan, epan* (موضوع) - "هر وقت"

۴. *heōs, achri, mechri* (موضوع) - "تا وقتی که"

۵. *priv* (مصدر) - "قبل از"

۶. *Hōs* - "از وقتی که"، "وقتی که"، "از"

ii. حروف ربط منطقی

۱. هدف

a. *hina, hopōs, hōs* - به منظور، "که"

b. *hōste* (مصدر مفعولی) - "که"

c. *Pros* - (مصدر مفعولی) یا *eis* (مصدر مفعولی) - "که"

۲. نتیجه (ارتباط نزدیکی میان حالات دستوری هدف و نتیجه وجود دارد)

a. *hōste* (مصدر، این متداولترین است) - "به منظور اینکه"، "بنابراین"

b. *hiva* (موضوع) - "تا"

c. *Ara* - "بنابراین"

۳. دلیل یا سبب

a. *gar* (سبب/تاثیر یا دلیل/جمع بندی) - "برای"، "زیرا"

b. *dioti, hotiy* - "از"

c. *dia* (با حالت مفعولی) و (با حالت مفصل انتزاعی) - "زیرا"

۴. استنتاج

a. *ara, poinun, hōste* - "بنابراین"

b. *dio* (قویترین حرف ربط استنتاجی) - "به چه حسابی"، "بر چه اساسی"، "بنابراین"، "به چه دلیل"

c. *oun* - "بنابراین"، "در نتیجه"، "بدنبال آن"

d. *Toinoun* - "متعاقبا"

۵. حرف نقض یا مخالف

a. *Alla* (قویترین حرف نقض) - "ولی"، "بجز"

b. *De* - "ولی"، "اما"، "با این حال"، "به عبارت دیگر"

c. *kai* - "اما"

d. *mentoi, oun* - "معهدا"

e. *plēn* - "با این وجود"

f. *oun* - "معهدا"

۶. مقایسه

a. *hōs, kathōs* - (معرفی جمله مقایسه‌ای)

b. *kata* - (در ترکیب، *kathaper, kathōsper, kathoti, katho*)

c. *hosos* - (در عبرانیان)

d. *ē* - "از"

e. توالی یا سری

f. *de* - "و"، "حالا"

g. *kai* - "و"

h. *tei* - "و"

i. *hina, oun* - "که"

j. *oun* - "بعد" (در انجیل یوحنا)

c. کاربردهای تاکیدی

۱. *Alla* - "قطعیت"، "اری"، "در حقیقت"

۲. *ara* - "در واقع"، "یقینا"، "واقعا"

۳. *gar* - "اما واقعا"، "یقینا" حتما"

۴. *de* - در واقع

۵. *ean* - "حتی"

۶. kai - "حتی"، "در واقع"، "واقعا"

۷. mentoi - "در واقع"

۸. oun - "واقعا"، "با تمام قوا"

۷. جملات شرطی

- a. یک جمله شرطی جمله‌ای است که شامل یک یا چند شرط باشد. این ساختار دستور زبانی به تفسیر جمله کمک می‌کند زیرا شرایط یا دلایلی را ارائه می‌دهد یا عواملی را نشان می‌دهد که چرا عمل فعل اصلی انجام شده یا انجام نشده است. چهار نوع جمله شرطی وجود داشتند. آنها از آن که تصور می‌شود از دیدگاه نگارنده یا برای منظورش درست بودند شروع می‌شود و تا اینکه فقط یک آرزو بود ختم می‌شوند.
- b. جمله شرطی نوع اول برای بیان عمل یا حضوری استفاده می‌شود که از دیدگاه نگارنده و یا به خاطر منظورش تصور می‌شود درست باشد، حتی در صورتیکه "اگر" در جمله به کار رفته باشد. در بسیاری از جملات می‌توان آن را "از آنجا که" ترجمه کرد (رجوع شود به انجیل متی ۴:۳، رومیان ۸:۳۱). با این حال، این بدین معنی نیست که تمامی جملات شرطی نوع اول در واقعیت درست هستند. اغلب از آنها برای ایجاد یک نکته در بحث و یا مشخص کردن یک اشتباه استفاده می‌شود (رجوع شود به انجیل متی ۱۲:۲۷).
- c. به حالت جملات نوع دوم شرطی اغلب "برخلاف واقعیت" گفته می‌شود. بیان کننده چیزی است که خلاف واقعیت است و برای ایجاد یک نکته استفاده می‌شود. مثالها:
- i. "اگر این مرد براستی پیامبر بود، می‌دانست این زن که لمسش می‌کند کیست و چگونه زنی است - می‌دانست که بدکاره است" (انجیل لوقا ۷:۳۹)
- ii. "اگر موسی را تصدیق می‌کردید، مرا نیز تصدیق می‌کردید، چرا که او درباره من نوشته است" (انجیل یوحنا ۴:۵).
- iii. "اگر همچنان در پی خشنودی مردم بودم، خادم مسیح نمی‌بودم" (غلاطیان ۱:۱۰)
- d. حالت سوم از احتمال وقوع عملی در آینده صحبت می‌کند. اغلب احتمال وقوع عملی را تصور می‌کند. معمولا بر یک احتمال دلالت دارد. عمل فعل اصلی احتمال عمل در "اگر" است. مثالهای این حالت: اول یوحنا ۶:۱۰ الی ۱۰، ۲:۴ و ۶ و ۹ و ۱۵ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۴ و ۲۹ و ۳:۲۱، ۴:۲۰ و ۵:۱۴ و ۱۶.
- e. حالت چهارم شرط، دورترین حالت احتمال است. این حالت به ندرت در عهد جدید به کار رفته است. در واقع، هیچ جمله شرطی نوع چارمی که در آن هر دو حالت شرط در آن قرار بگیرند، کامل نمی‌شوند. به عنوان مثال جمله شرطی چهارم در اول پطرس ۱:۱۴ دیده می‌شود. مثال جمله شرطی نوع چارم تقریبا جمله جمع‌بندی در اعمال رسولان ۸:۲۱ می‌باشد.

۸. ممانعت‌ها

- a. زمان حال امری با پسوند ME اغلب (ولی نه انحصارا) تاکید بر متوقف کردن عملی را دارد که در حال حاضر در حال انجام است. برخی مثالها: "بر زمین گنج می‌اندوزید" انجیل متی ۶:۱۹، "نگران زندگی خود نباشید" (انجیل متی ۶:۲۵)، "اعضای بدن خود را تسلیم گناه نکنید تا ابزار شرارت باشند" (رومیان ۶:۱۳)، "روح قدوس خدا را که بدان برای روز رهایی مهر شده‌اید، غمگین مسازید" (افسسیان ۴:۳۰)، "مست شراب مشوید" (افسسیان ۵:۱۸).
- b. وجه شرطی آنوریستی با پسوند ME تاکید بر "عملی را حتی شروع یا آغاز نکن" دارد. برخی مثالها: "گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات و نوشته‌های پیامبران را نسخ کنم" (انجیل متی ۵:۱۷)، "پس نگران نباشید و نگویید چه بخوریم یا چه بنوشیم و یا چه بپوشیم" (انجیل متی ۶:۳۱)، "از شهادت بر خداوند ما عار مدار" (دوم تیموتائوس ۱:۸).
- c. منفی مضاعف با حالت وجه شرطی نفی کاملا محرز است. "هرگز، نه هرگز"، یا "تحت هیچ شرایطی نه". برخی مثالها: "مرگ را تا به ابد نخواهد دید" (انجیل یوحنا ۸:۵۱)، "تا ابد گوشت نخواهم خورد" (اول قرتیان ۸:۱۳).

۹. حرف تعریف

- a. در یونانی کوبین حرف تعریف مطلق "the" کاربردی دقیقا مشابه انگلیسی دارد. کاربرد اصلی آن به عنوان یک نشانگر است که توجه به یک کلمه، اسم یا عبارت جلب شود. کاربرد آن میان نویسندگان عهد عتیق متفاوت است. حرف تعریف مطلق می‌تواند کاربردهای زیر را داشته باشد
- i. به عنوان تضاد روش برای نشان دادن ضمیر
- ii. به عنوان نشان برای اشاره کردن که موضوع یا فردی که قبلا معرفی شده
- iii. شیوه‌ای برای شناسایی موضوع در یک جمله با فعل ربط. مثالها: "خدا روح است" (انجیل یوحنا ۴:۲۴)، "خدا نور است" (اول یوحنا ۱:۵)، "خدا محبت است" (اول یوحنا ۴:۸ و ۱۶)
- b. یونانی کوبین حرف تعریف نامعین همانند "a" یا "an" نداشت. عدم وجود حرف تعیین مطلق به یکی از معانی زیر می‌تواند باشد:
- i. تمرکز بر روی مشخصه یا کیفیت چیزی

ii. تمرکز بر روی طبقه‌بندی چیزی

c. نویسندگان عهد جدید از روشهای کاملا متنوعی برای استفاده از حرف تعریف استفاده کرده‌اند.

۱۰. راه‌های نشان دادن تاکید در عهد عتیق یونانی

a. در عهد جدید تکنیک‌های به کار رفته برای نشان دادن تاکید میان نگارندگان کاملا متفاوت است. رسمی‌ترین و ثابت قدم‌ترین نویسندگان لوقا و نویسنده عبرانیان بودند.

b. پیشتر گفتیم که آئوریست دلالت کننده فعال یک روش استاندارد برای تاکید است، ولی زمان، لحن و حالت اهمیت تفسیری دارند. این دلالت بر این ندارد که آئوریست دلالت کننده فعال اغلب برای مفاهیم دستور زبانی مهمی بکار نمی‌رفت. (مثال: در رومیان ۱۰:۶ دو مرتبه تکرار شده)

c. ترتیب کلمه در یونانی کوبین

i. زبان یونانی کوبین زبان متفاوتی است که به ترتیب کلمات مانند زبان انگلیسی وابسته نیست. در نتیجه، نویسنده می‌تواند از ترتیبی

که انتظار می‌رود برای نشان دادن موارد زیر استفاده کند

۱. آنچه که نگارنده می‌خواست به خواننده تاکید کند

۲. آنچه که نگارنده تصور می‌کرد برای خواننده حیرت‌انگیز باشد

۳. آنچه نگارنده عمیقاً بدان فکر می‌کرد

ii. هنوز ترتیب درست کلمات در ادبیات یونانی معضلی است. با این حال، ترتیبی که تصور می‌شود درست باشد، به شرح زیر است

۱. برای وصل کردن افعال

a. فعل

b. فاعل

c. متمم

۲. برای افعال متعدی

a. فعل

b. فاعل

c. مفعول

d. مفعول باواسطه

e. حرف اضافه

۳. برای عبارات اسمی

a. اسم

b. تعدیل کننده

c. حرف اضافه

iii. ترتیب کلمات می‌تواند یک نکته بیش از حد مهم در ترجمه و تفسیر باشد. مثالها:

۱. "دست رفاقت به من و برنابا دادند." عبارت "دست رفاقت" در متن اصلی و انگلیسی جدا شده و در ابتدای جمله آمده تا اهمیت آن نشان داده شود (غلاطیان ۹:۲).

۲. "با مسیح" در اول جمله آمده. مرگ او در وسط (غلاطیان ۲۰:۲).

۳. "بارها و از راه‌های گوناگون" (عبرانیان ۱:۱) در اول جمله قرار گرفته است. این شیوه‌ای است که خدا خودش را نشان داد که متناقض است، نه واقعیت مکاشفه.

d. معمولا مقداری تاکید نشان داده می‌شود توسط:

i. تکرار ضمیری که قبلا در حالت تعریف فعل معرفی شده است. مثال: "من هر روزه تا پایان این عصر با شما هستم!" (انجیل متی ۲۸:۲۰)

ii. نبود حرف ربطی که باید باشد، یا سایر اضافاتی که میان کلمات، عبارات یا جملات باید باشند. به این حالت غیر مرتبط گفته می‌شود. انتظار یک رابط می‌رفت، بنابراین نبود آن جلب توجه می‌کند. مثالها:

۱. سعادت جاویدان، انجیل متی ۵:۳ (تاکید در لیست)

۲. انجیل یوحنا ۱:۱۴ (موضوع جدید)

۳. رومیان ۹:۱ (بخش جدید)

۴. دوم قرن‌تین ۱۲:۲۰ (تاکید در لیست)
- iii. تکرار کلمات یا عبارات حاضر در یک متن مشخص. مثالها: "فیض پر جلال او ستوده شود" (افسسیان ۶: ۱ و ۱۲ و ۱۴). از این عبارت استفاده شده تا نقش هر فرد در تثلیث نشان داده شود.
- iv. استفاده از یک کلمه (صدا) یا اصطلاح برای بازی میان کلمات
۱. Euphemisms - کلمات با فاعل‌های تابورا جایگزین می‌کند مانند "خواب" برای مرگ (انجیل یوحنا ۱۱: ۱۱ الی ۱۴) یا "پا" برای اندام تناسلی مرد (روت ۷: ۳ و ۸، اول سموئیل ۳: ۲۴)
۲. بیان غیر مستقیم - نام خدا را با کلمات دیگر جایگزین می‌کند، مانند "پادشاهی بهشت" (انجیل متی ۲: ۳) یا "صدایی از بهشت" (انجیل متی ۱۷: ۳)
۳. حالات سخن گفتن
- a. اغراق غیر ممکن (انجیل متی ۹: ۳، ۲۹: ۵ و ۳۰، ۱۹: ۲۴)
- b. اظهارات زیادی ملایم (انجیل متی ۵: ۳، اعمال رسولان ۲: ۳۶)
- c. تجسم شخصیت (اول قرن‌تین ۵۵: ۱۵)
- d. وارونه گویی (غلاطیان ۱۲: ۵)
- e. شعر (فیلیپیان ۲: ۶ الی ۱۱)
- f. اصوات میان کلمات
- i. کلیسا
۱. کلیسا (افسسیان ۳: ۲۱)
۲. صدا کردن (افسسیان ۴: ۱ و ۴)
۳. فرا خوانده شدن (افسسیان ۴: ۱ و ۴)
- ii. آزاد
۱. زن آزاد (غلاطیان ۴: ۳۱)
۲. آزادی (غلاطیان ۱: ۵)
۳. آزاد (غلاطیان ۱: ۵)
۴. زبان اصطلاحی - زبانی است که اولاً فرهنگی و مشخص است
- a. استفاده تمثیلی از "غذا" (انجیل یوحنا ۴: ۳۱ الی ۳۴)
- b. استفاده تمثیلی از "معبد" (انجیل یوحنا ۲: ۱۹، انجیل متی ۶: ۲۶)
- c. اصطلاح عبری مقایسه، "نفرت" (سفر پیدایش ۳۱: ۲۹، تثنیه ۱۵: ۲۱، انجیل لوقا ۲۶: ۱۴، انجیل یوحنا ۲۵: ۱۲، رومیان ۹: ۱۳)
- d. "همه" در مقابل "بسیاری". اشعیا ۶: ۵۳ (همه) را با ۱۱: ۵۳ و ۱۲ (بسیاری) مقایسه کنید. اصطلاحات مترادف هستند مانند آنچه رومیان ۱۸: ۵ و ۱۹ نشان می‌دهد.
- i. استفاده از یک عبارت کامل دستوری در مقابل یک کلمه. مثال: "خداوند عیسی مسیح".
- ii. استفاده خاص *autos*
۵. وقتی که با مفعول (صفت مکانی) "همان" ترجمه شده باشد
۶. وقتی که بدون مفعول (موقعیت پیش بینی شده) و به عنوان ضمیر انعکاسی با شدت ترجمه شده باشد، مانند "خودش".
- e. دانشجویی که انجیل غیر یونانی را مطالعه می‌کند، می‌تواند تاکیدها را به شیوه‌های مختلف شناسایی کند:
- i. استفاده تحلیلی فرهنگ لغت و مقایسه سطر به سطر متن یونانی/انگلیسی
- ii. مقایسه ترجمه‌های مختلف انگلیسی، به خصوص ترجمه‌هایی از دیدگاه‌های مختلف. مثال: مقایسه "کلمه به کلمه" (نسخه شاه جیمز، نسخه بازبینی شده شاه جیمز، نسخه استاندارد انگلیسی، نسخه انگلیسی امروز، نسخه بازبینی شده استاندارد، نسخه استاندارد بازبینی شده جدید) با "معادل دینامیک" (ویلیامز، نسخه انگلیسی استاندارد، انجیل انگلیسی جدید، نسخه انگلیسی بازبینی شده، انجیل اورشلیم، انجیل جدید اورشلیم، نسخه انگلیسی امروز). کمک مفید در اینجا *The Bible in Twenty-Six Translations* از انتشارات بیکر است.
- iii. استفاده از *The Emphasized Bible* اثر جوزف برایانت روترهام (کرگل، ۱۹۹۴)
- iv. استفاده از ترجمه‌های تحت الفظی

۱. *The American Standard Version* (نسخه استاندارد امریکایی) از سال ۱۹۰۱
۲. *Young's Literal Translation of the Bible* از رابرت یانگ (انتشارات گاردین، ۱۹۷۶)

مطالعه دستور زبان خسته کننده است ولی برای ترجمه درست لازم است. این تعاریف، تفسیرها و مثالهای مختصر به منظور تشویق و آماده کردن خوانندگانی است که نسخه غیر یونانی را می‌خوانند تا بتوانند از توضیحات دستور زبانی که در اینجا قید شده استفاده نمایند. به طور قطع این تعاریف بیش از حد ساده شده‌اند. از آنها نباید بطور محض (دگماتیک) یا غیر قابل انعطاف استفاده شوند، بلکه به عنوان آگاهی بیشتر برای درک بهتر می‌باشند. امیدواریم که این تعاریف به درک خواننده از ترجمه‌های سایر منابع مطالعاتی مانند تفاسیر فنی عهد جدید کمک کنند.

ما باید بتوانیم تعبیر خود را بر اساس بخشهای اطلاعاتی که در متون انجیل یافت می‌شوند، تأیید نمائیم. دستور زبان یکی از کمک کننده‌ترین این موارد است. سایر اقلام شامل زمینه‌های تاریخی، متون تحت الفظی، و کاربرد کلمات امروزی عبارات مترادف می‌باشند.

موضوع خاص: نقد متنی

این موضوع خاص جهت توضیح یادداشتهای متنی است که در این تفسیر یافت می‌شوند. رؤس مطالب زیر مورد بهره برداری قرار خواهند گرفت:

I. منابع انگلیسی انجیل

A. عهد قدیم

B. عهد جدید

II. توضیح مختصر مسائل و نظریات "نقد کوتاه" یا "انتقاد متنی"

III. منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر

I. منابع متنی انجیل انگلیسی ما

A. عهد قدیم

۱. منبع مازراتی (MT - Masoretic Text) - متن عبری مختلط که توسط ربی آکویبا (Rabbi Aquiba) در سال ۱۰۰ پس از میلاد تنظیم شده است. اضافه کردن حروف صدا دار، تاکیدها، پی‌نویسها، علامتگذارها و نشانه‌گذارها در قرق ششم پس از میلاد شروع و در قرن نهم پس از میلاد خاتمه یافت. این کار توسط یک خانواده تحصیل کرده یهودی بنام مازراتی انجام شد. فرم متنی که مورد استفاده قرار گرفت مشابه همان فرمی است که در میشنا، تلمود، تارگومز، پشیتا و والگیت استفاده شد.

۲. سپتواگینت (LXX - Septuagint) - روایتی می‌گوید که سپتواگینت (ترجمه یونانی عهد عتیق) توسط هفتاد استاد یهودی در هفتاد روز برای کتابخانه اسکندریه تحت حمایت شاه پتولمی دوم (Ptolemy) (۲۸۵ الی ۲۴۶ قبل از میلاد) تهیه شد. این ترجمه ظاهراً به درخواست یک رهبر یهودی که در اسکندریه زندگی می‌کرد تهیه شده است. این روایت از "نامه‌های ارسطو" می‌آید. LXX عمدتاً بر اساس تفاوت‌های میان متن سنتی عبری از متن ربی آکویبا (MT) هستند.

۳. کتیبه دریای سیاه (DSS - Dead Sea Scrolls) - کتیبه دریای سیاه به زبان رومی در دوره ۲۰۰ تا ۷۰ بعد از میلاد توسط یک فرقه یهودی بنام "اسنس" (Essenes) نوشته شده بود. نسخه دستنویس عبری، در چندین نقطه در اطراف دریای سیاه یافت شد، که نگارشهای مختلف متن عبری MT و LXX در پی هم نشان می‌دهد.

۴. برخی مثالها که نشان می‌دهند چگونه مقایسه این متون به مترجمین کمک کرده است که عهد عتیق را بهتر درک کنند.

a. LXX به مترجمین و اساتید کمک کرده است تا MT را درک کنند

(۱) LXX اشعیا ۱۴:۵۲، "چنانکه بسیاری از او در حیرت شدند"

(۲) MT اشعیا ۱۴:۵۲ "بسیاری از تو به حیرت درآمدند"

(۳) در اشعیا ۱۵:۵۲ تمایز ضمیر در LXX تأیید می‌شود.

(a) LXX پس بسیاری از ملت‌ها از او در حیرت خواهند شد

(b) MT پس او ملت‌های زیادی را شگفت زده می‌کند

b. DSS به مترجمین و اساتید کمک کرد که MT را درک کنند

(۱) DSS اشعیا ۸:۲۱ "آنگاه دیدبان فریاد برآورد از بالای برج من ایستاده‌ام..."

(۲) MT اشعیا ۸:۲۱ "و من فریاد زدم، شیر! خداوند، من همیشه در روز در برج ایستاده و مراقب خواهم بود"

c. هر دو DSS و MT به روشن شدن اشعیا ۱۱:۵۳ کمک کرده‌اند

(۱) DSS و LXX "ثمره مشقت جان خویش را خواهد دید و سیر خواهد شد"

(۲) MT "او خواهد دید... مصیبت روحش را، او اقناع خواهد شد"

B. عهد جدید

۱. بیش از ۵۳۰۰ دستنویس از نسخه یونانی عهد جدید وجود دارند. حدود ۸۵ نسخه بر روی پاپیروس و ۳۶۸ نسخه دستنویس با حروف بزرگ نوشته شده‌اند. بعدها، در حدود قرن نهم میلادی، یک نسخه منحصر به فرد تنظیم شد. تعداد نسخ یونانی به صورت دستنویشته حدود ۲۷۰۰ نسخه می‌باشد. همچنین حدود ۲۱۰۰ نسخه از فهرست کتاب مقدس برای دعا استفاده می‌شد که ما به آنها "صورت آیات" می‌گوئیم.

۲. حدود ۸۵ نسخه یونانی حاوی بخشهایی از عهد جدید بر روی پاپیروس هستند که در موزه نگهداری می‌شوند. قدمت برخی از آنها به قرن دوم میلادی باز می‌گردد، ولی بیشتر آنها مربوط به قرنهای سوم و چهارم میلادی هستند. هیچکدام از این MSSها متن کامل کتاب مقدس را شامل نمی‌شوند. صرفاً به دلیل اینکه اینها قدیمیترین نسخه‌های عهد جدید هستند، بدین معنا نیست که

انواع دیگری وجود نداشته باشد. از روی بسیاری از اینها برای استفاده داخلی نسخه‌برداری شد. در طول این فرایند، به مراقبت از آنها توجهی نشد. بنابراین در میان آنها تنوع و تفاوت وجود دارند.

۳. Codex Sinaiticus که با حرف \aleph (الف) یا (۰۱) شناخته می‌شود، در صومعه سنت کاترین در کوه سینا توسط تیشندورف پیدا شد. قدمت آن به قرن چهارم میلادی باز می‌گردد. و حاوی هم LXX عهد عتیق و هم یونانی عهد عتیق است. این یکی از انواع "متون اسکندریه‌ای" است.

۴. Codex Alexandrinus که با "A" هم شناخته می‌شود، دستنویس متعلق به قرن پنجم میلادی است که در اسکندریه مصر یافت شد.

۵. Codex Vaticanus که با "B" یا (۰۳) هم شناخته می‌شود، در کتابخانه واتیکان در رم یافت شد و قدمت آن مربوط به اواسط قرن چهارم بعد از میلاد است. حاوی هم LXX عهد عتیق و هم نسخه یونانی عهد جدید است. این متن از نوع "متن اسکندریه‌ای" است.

۶. Codex Ephraemi، که با "C" یا (۰۴) هم شناخته می‌شود، یک نسخه دستنویس یونانی است که بخشی از آن نابود شده است.

۷. Codex Bezae، که با "D" یا (۰۵) هم شناخته می‌شود، یک نسخه دستنویس یونانی مربوط به قرن پنجم یا ششم میلادی است. این نسخه اصلی است که نماینده چیزی است که امروز "انجیل غربی" خوانده می‌شود. حاوی اضافات بسیاری بوده و شاهد اصلی است برای ترجمه شاه جیمز.

۸. NT MSS را می‌توان در سه یا شاید چهار گروه/خانواده تقسیم‌بندی کرد که در مشخصه‌های خاصی با هم وجه اشتراک دارند.

a. متن اسکندریه‌ای از مصر

(۱) P⁶⁶, P⁷⁵ (حدود سال ۲۰۰ میلادی)، که اناجیل را ثبت می‌کند

(۲) P⁴⁶ (حدود سال ۲۲۵ میلادی)، که نامه‌های پطرس را ثبت می‌کند

(۳) P⁷² (حدود سالهای ۲۲۵ تا ۲۵۰ میلادی)، که پطرس و یهوذا را ثبت می‌کند

(۴) Codex B که به آن Vaticanus هم گفته می‌شود (حدود سال ۳۲۵ میلادی) که شامل متن کامل عهد عتیق و

عهد جدید است

(۵) نقل قول اورینگن از این نوع متن

(۶) سایر MSSها که این نوع متن را نشان می‌دهند: \aleph , C, L, W, 33

b. متن غربی از آفریقای شمالی

(۱) نقل قولهای پدران کلیسای آفریقای شمالی ترتولیان، سایپریان، و ترجمه قدیمی به لاتین

(۲) نقل قولهایی از ایرانیوس (Irenaeus)

(۳) نقل قولهایی از تالیان و ترجمه قدیمی سیریاک

(۴) Codex D یا "Bezae" که به این نوع متن نوشته شده

c. متن بیزانس شرقی از قسطنطنیه

(۱) این نوع متن منعکس کننده بیش از ۸۰٪ از ۵۳۰۰ متن MSS است

(۲) نقل قول شده از Antioch از پدران کلیسای سوریه، کاپادوسیانس (Cappadoceans)، کریسوستوم

(Chrysostom) و ترودورت (Therodoret)

(۳) Codex A فقط در انجیل

(۴) Codex E (قرن هشتم) برای متن کامل عهد جدید

d. نوع احتمالاً چهارم سزازی از فلسطین

(۱) عمدتاً فقط در انجیل مرقس دیده می‌شود

(۲) برخی از اقرارها به آن در P⁴⁵ و W هستند

.II مسائل و نظریات "نقد کوتاه" یا "نقد متنی"

A. تنوعات چگونه به وجود آمدند

۱. غیر عمدی یا تصادفی (طیف وسیعی از پیش آمدها)

a. خطای چشمی در زمان نسخه‌برداری و دستنویسی که چشم دو کلمه مشابه را می‌بیند و یکی یا همه کلمات بین آنها را

ناخودآگاه حذف می‌کند (homoioteleuton)

(۱) خطای چشم در حذف کلمات دو حرفی یا عبارات

۲) خطای ذهن در تکرار عبارت یا جمله یک متن یونانی

- b. خطای شنیداری در زمان دستنویسی و هنگامی که فرد متن را برای نسخه بردار می خواند و در این حالت خطای نوشتاری صورت می گیرد. اغلب غلط‌های املائی به دلیل تشابه صوتی کلمات یونانی صورت گرفته اند.
- c. نسخ اولیه متن یونانی فصل بندی و آیه بندی نشده بود، علامتگذاری بسیار کم و اغلب نداشتند و هیچ فاصله‌ای میان کلمات نبود. این احتمال وجود دارد که یک کلمه از جاهای مختلف جدا شود و بدین ترتیب کلمه دیگری شده و معنی دیگری بدهد

۲. عمدی

- a. تغییراتی اعمال شدند تا ساختار دستور زبانی متن نسخه برداری شده بهبود یابد
- b. تغییراتی اعمال شدند تا متن با سایر متون انجیل همخوانی داشته باشد (هارمونی مترادفها)
- c. تغییراتی اعمال شدند تا با ادغام دو یا چند متن متفاوت یک متن مرکب طولانی به وجود آید (تالیف)
- d. تغییراتی اعمال شدند تا مشکلی که در مشاهده شده بود اصلاح گردد (مراجعه شود به اول قرنیتیان ۲۷: ۱۱ و اول یوحنا ۷: ۵ و ۸)
- e. برخی اطلاعات توضیحی در مورد رخداد‌های تاریخی یا تفسیر مناسب متن به صورت پی نویس توسط یک نگارنده اضافه شد و نگارنده بعدی آن را به داخل متن منتقل کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۵)

B. فرضیه‌های اولیه نقد متنی (راهنمایهای منطقی برای تعیین اینکه کدام متن اصلی وقتی تنوع زیادی موجود است خوانده شود)

- ۱. عجیبترین و غیر معمولترین دستور زبان به کار رفته در متن احتمالا اصل است
- ۲. کوتاهترین متن احتمالا اصل است
- ۳. به متن قدیمیتر بهای بیشتری داده می شود به دلیل نزدیکی تاریخی به اصل، بقیه برابر هستند
- ۴. MSS ها که از نظر جغرافیایی پراکنده هستند، معمولا خوانندگان اصل دارند
- ۵. متونی که از نظر دکتین ضعیف هستند، به خصوص آنها که در ارتباط با بحثهای اصلی الهیات در دوران تغییر دستنویسها بودند مانند تثلیث در اول یوحنا ۷: ۵ الی ۸ باید ترجیح داده شود.
- ۶. متنی که به بهترین شکل بتواند سایر نسخه‌های متفاوت را توضیح دهد
- ۷. دو نقل قول که می توانند به برقراری توازن میان سایر نسخه‌های متفاوت کمک کنند و آن را نشان دهند

- a. کتاب *Introduction to New Testament Textual Criticism* اثر J. Harold Greenlee "هیچ دکتین مسیحی نمی تواند نسبت به یک متن قابل بحث کوتاه بیاید، و دانشجوی عهد جدید باید آگاه باشد که متن او باید ارتدکسی تر یا از نظر دکتین باید قویتر از نسخه اصل که تحت الهام بوده، باشد" (صفحه ۶۸).
- b. W. A. Criswell به Greg Garrison از *The Birmingham News* گفته که او (کریسول) باور ندارد که تمامی کلمات انجیل تحت الهام باشد، "حداقل نه تمامی کلماتی که طی قرن‌ها مترجمین به دنیای مدرن منتقل کرده اند". کریسول گفت:

"من شدیداً به نقد متن اعتقاد دارم. بدین ترتیب فکر می کنم، نیمه آخر فصل شانزدهم انجیل مرقس ارتداد است. تحت الهام نیست، صرفاً ساختگی است... وقتی آن دستنویسهای بسیار قدیمی را مقایسه می کنیم، چنین جمع بندی که در کتاب مرقس آمده وجود ندارد. کسی آن را اضافه کرده است...."

بزرگان SBC همچنین ادعا کردند که اضافاتی هم در انجیل یوحنا ۵، در قسمتی که عیسی در کنار حوض بیت الحم است صورت گرفته است. و در مورد دو شیوه مختلف قتل یهودا صحبت می کند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷ و اعمال رسولان (۱). کریسول می گوید: "این صرفاً یک نگرش متفاوت نسبت قتل است." "اگر در انجیل قرار دارد، توضیحی برای آن وجود دارد. و دو شرح از قتل یهودا در انجیل وجود دارد." کریسول اضافه می کند "نقد متنی به نوبه خود، علم حیرت انگیزی است. زودگذر نیست، بی ربط نیست، پویا و مرکز...."

III. مشکلات دستنویس (نقد متن). منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر

- A. *Biblical Criticism: Historical, Literary and Textual* اثر آر. اچ. هریسون
- B. *The Text of the New Testament: Its Transmission, Corruption and Restoration* اثر بروس ام مترگر
- C. *Introduction to New Testament Textual Criticism* اثر جی. اچ. گرینلی

واژه نامه

Adoptionism/پذیرش/فرزندخواندگی. این یکی از نخستین دیدگاه‌ها نسبت به رابطه عیسی با خدا بود. اساساً این دیدگاه می‌گفت که عیسی از هر جنبه یک انسان معمولی بود و به مفهومی خاص، در زمان تعمید فرزند خدا شد (مراجعه شود به انجیل متی ۳:۱۷، انجیل مرقس ۱:۱۱) و یا در زمان قیامت از مردگان (مراجعه شود به رومیان ۱:۴). عیسی آنچنان زندگی نمونه‌ای داشت که خدا در مقطعی، (تعمید، قیامت)، او را به عنوان "پسر" خود قبول کرد (مراجعه شود به رومیان ۱:۴، فیلیپیان ۲:۹). این دیدگاه کلیسای اولیه و کلیسای قرن هشتم بود. بجای اینکه خدا تبدیل به انسان شود، عمل عکس صورت گرفته و انسان تبدیل به خدا می‌شود!

سخت است بیان اینکه چگونه عیسی، خدای پسر، با وجود از پیش وجود داشتن الهی، به خاطر زندگی نمونه‌اش پاداش می‌گیرد. اگر او خدا بوده و از قبل وجود داشته، چگونه می‌تواند پاداش بگیرد؟ اگر او شکوه و جلال از قبل وجود داشتن را داشته، چگونه می‌تواند بیشتر مورد تقدیر قرار بگیرد؟ هر چند درک و هضم این برای ما مشکل است، ولی به نوعی پدر به شیوه‌ای خاص به دلیل تحقق بخشیدن کامل به اراده‌اش او را مورد تقدیر قرار می‌دهد.

Alexandrian School/مکتب اسکندرون. این شیوه ترجمه و تفسیر انجیل در اسکندریه، مصر در قرن دوم میلادی توسعه یافت. این مکتب از اصول ترجمه و تفسیر فیولا، که از پیروان افلاطون بود استفاده می‌کند. به این شیوه اکثر روش مجازی گفته می‌شود. این روش تا دوران اصلاحات در کلیسا رواج داشت. اورینگن و آگوستین از طرفداران این مکتب و شیوه بودند. جهت اطلاعات بیشتر به *Moises Silva, Has The Church Misread The Bible? (Academic, 1987)* مراجعه کنید.

Alexandrinus/الکساندرینوس. این نسخه دستنویس یونانی قرن پنجم از اسکندریه، مصر شامل عهد عتیق، آپوکریفا، و بیشتر عهد جدید بوده و یکی از شواهد اصلی برای کل نسخه یونانی عهد جدید است (به استثنای انجیل متی، یوحنا و دوم قرنتیان). این دستنویس، رتبه A دریافت کرده، و دستنویس اطلاق شده به آن رتبه B (*Vaticanus*) در خواندن مطابقت دارد، و از جانب اکثر اساتید در بیشتر بخشها اصل تلقی می‌شود.

Allegory/قیاس. این نوعی تفسیر انجیلی است که در ابتدا توسط یهودیسم اسکندریه توسعه یافت. این روش توسط فیولا از اسکندریه محبوبیت یافت. قدرت پایه آن در میل به ساختن کتاب مقدس در رابطه با فرهنگ فرد یا سیستم فلسفی با نادیده انگاشتن ترتیبات تاریخی و یا مفهوم واقعی متن است. این روش در جستجوی مفاهیم پنهان یا معنوی در فراسوی هر متن کتاب مقدس است. باید اذعان داشت که عیسی، در انجیل متی ۱۳، و پولس در غلاطیان ۴، از تمثیل برای بیان حقیقت استفاده کرده‌اند. با این وجود، روش قیاس در قالب نوع‌شناسی است نه فقط تمثیل.

Analytical Lexicon/تحلیل واژگانی. این یک شیوه ابزار تحلیل است که اجازه می‌دهد فرد هر حالت کلمه یونانی را در عهد جدید شناسایی کند. در ترتیب الفبای یونانی، تلفیقی است از حالت و مفهوم پایه کلمه. با ترکیب ترجمه سطری، اجازه می‌دهد مومنینی که متن یونانی را نمی‌خوانند بتوانند اصطلاحات دستور زبانی یونانی و صرف و نحو آنها را تحلیل کنند.

Analogy of Scripture/تشابه در کتاب مقدس. این عبارتی است که برای توصیف دیدگاهی که تمام انجیل تحت الهام خدا است و بنابراین متناقض نبوده بلکه مکمل یکدیگر هستند، به کار می‌رود. این تصریح پیش فرض پایه‌ای است برای استفاده متون همسور در تفسیر متون انجیلی.

Ambiguity/ابهام. این اشاره به عدم قطعیت در نتایج حاصله در متن دارد، زمانی که دو یا چند مفهوم وجود دارند و یا وقتی که همزمان دو معنی یا مفهوم خاص به یک موضوع اشاره کند. احتمال دارد که یوحنا از روی عمد از ابهام استفاده کرده باشد (دو مفهومی).

Anthropomorphic/انسان شناسی. به معنی "داشتن مشخصه‌هایی که به انسان‌ها اطلاق می‌شود" است، از این اصطلاح برای توصیف زبان مذهبی ما درباره خدا استفاده می‌شود. این عبارت از اصطلاح یونانی که برای نوع بشر استفاده می‌شود آمده است. به این معنی است که ما به شیوه‌ای درباره خدا صحبت می‌کنیم که گویی انسان است. خدا در قالب اصطلاحات فیزیکی، اجتماعی و فیزیولوژیکی توصیف می‌شود که مربوط به انسانها است (مراجعه شود به پیدایش ۸:۳، اول پادشاهان ۱۹:۲۲ الی ۲۳). البته این فقط قیاس است. هیچ طبقه‌بندی یا اصطلاحی غیر از اصطلاحات انسانی وجود ندارند که بتوان از آنها استفاده کرد. بنابراین، دانش ما در مورد خدا، هر چند درست است، ولی محدود می‌باشد.

Antiochian School/مکتب آنتیوخیا. این روش تفسیر انجیل در آنتیوخ سوریه در قرن سوم میلادی به عنوان واکنشی در برابر روش قیاس اسکندریه مصر بسط یافت. فشار اولیه آن بر روی تمرکز بر معانی تاریخی انجیل است. این روش انجیل را به صورت متن معمولی و انسانی ترجمه و تفسیر می‌کند. این مکتب وارد جدل بر سر این شد که آیا عیسی دارای دو ماهیت است (*Nestorianism*) یا یک ماهیت (تماماً الهی و تماماً انسانی).

توسط کلیسای کاتولیک رم این به مکتب برجسته تاریخی زده شد و به پاس منتقل شد و اهمیت چندانی ندارد. اصول پایه ای تفسیر این مکتب بعدها تبدیل به اصول تفسیر اصطلاح طلبان کلاسیک پروتستان شد (اوتر و کالون).

Antithetical/ضد و نقیض. این یکی از سه اصطلاحی است که در مورد رابطه میان ابیات اشعار عبری استفاده می‌شود. در رابطه با ابیات شعر است که معنی تضاد دارند (مراجعه شود به امثال ۱: ۱۰، ۱: ۱۵)

Apocalyptic literature/ادبیات آخر زمانی. این یک بحث غالب و حتی احتمالا منحصر به فرد در موضوعات یهودی است. این یک شیوه نگارش رمزی بود که در دوران تهاجم و اشغال یهودیان توسط قدرتهای جهانی استفاده می‌شد. تصور می‌کند که خدا رخدادها را ایجاد کرده و کنترل می‌کند، و اینکه اسرائیل یکی از علائق خاص او است. این ادبیات وعده پیروزی نهایی از طریق تلاش خاص خدا را می‌دهد.

این ادبیات شدیداً نمادین و تخیلی است و اصطلاحات رمزی زیادی دارد. اغلب حقیقت را در قالب رنگها، اعداد، نگرش، رویا، فرشتگان واسطه، کلمات رمزی و دوگانگی شدید میان خوب و بد نمایش می‌دهد.

برخی از مثالهای این موضوع (۱) در عهد عتیق، حزقیال (فصلهای ۳۶ الی ۴۸)، دانیال (فصلهای ۷ الی ۱۲)، زکریا، و (۲) در عهد جدید، انجیل متی ۲۴، انجیل مرقس ۱۳، دوم تسالونیکیان و مکاشفه دیده می‌شوند.

Apologist (Apologetics)/دفاعی. این اصطلاح از ریشه یونانی برای "دفاع قانونی" است. مبحث خاصی در الهیات وجود دارد که در جستجوی شواهد و مباحثات مربوطه برای ایمان مسیحی است.

A priori/استقرا. این اصطلاح مترادف با "پیش فرض" است. شامل دلیل آوردن برای مفاهیم، اصول یا موقعیتهایی است که پیش‌تر صحت آنها پذیرفته شده است. حالتی است که بدون آزمایش یا تحلیل پذیرفته شده است.

Arianism/آریانیسم. آریوس شبان کلیسا در اسکندریه مصر در قرن سوم و اوایل قرن چهارم بود. او تصریح کرده بود که عیسی از پیش وجود داشت ولی الهی نبود (نه در مفهوم پدر)، احتمالاً از امثال ۸: ۲۲ الی ۳۱ ایده گرفته بود. او توسط اسقف کلیسای اسکندریه به چالش کشیده شد که از سال ۳۱۸ میلادی جدلی آغاز شد و سالهای زیادی ادامه یافت. آریانیسم تبدیل به فرقه ای در کلیسای شرق شد. شورای نیکا در سال ۳۲۵ میلادی آریوس را محکوم کرد و یکسان بودن الهی و انسانی بودن پسر را تصریح کرد.

Aristotle/ارسطو. او یکی از فلاسفه یونان باستان و شاگرد افلاطون و معلم اسکندر کبیر بود. نفوذ او، حتی امروز، بر زمینه های گسترده ای از مطالعات مدرن حاکم است. این امر به این دلیل است که او بر دانش بر پایه مشاهده و طبقه بندی تأکید داشت. این یکی از گرایشات و روشهای علمی است.

Autographs/دستخط. این نامی است که به نسخه اولیه نوشته‌های انجیل داده شده است. این نسخ اصل و دستنویس همگی از بین رفته‌اند. فقط نسخه‌ای از کپی آنها موجود است. این منشا بسیاری از متون متنوع دستنویس عبری و یونانی باستانی است.

Bezae/بزا. این نسخه دستنویس یونانی و لاتین قرن ششم میلادی است. به این نسخه رتبه D داده شده است. حاوی اناجیل، اعمال رسولان و برخی نامه‌های عمومی است. از مشخصه‌های آن اضافات حاشیه‌ای دستنویس بسیار زیاد است. این نسخه مبنای Textus Receptus، نسخه دستنویس قدیمی یونانی است که در ورای نسخه شاه جیمز قرار دارد.

Bias/تعصب. از این اصطلاح برای توصیف آمادگی و گرایش شدید نسبت به یک موضوع یا دیدگاه استفاده می‌شود. ذهنیتی است که توسط آن بی‌طرفی نسبت به یک موضوع یا دیدگاه غیر ممکن است. این یک موضعگیری متعصبانه است.

Biblical Authority/اقتدار کتاب مقدس. این اصطلاح در یک مفهوم خیلی خاص استفاده می‌شود. این اصطلاح به شکل درک آنچه نویسنده اصلی در روزگار خودش گفته و اعمال این حقیقت در روزگار امروز تعریف می‌شود. اقتدار کتاب مقدس یا اقتدار انجیلی معمولاً به صورت نگرش به خود انجیل به عنوان تنها راهنمای مجاز ما تعریف می‌شود. با این وجود، در نور تفاسیر و ترجمه‌های نامناسب جاری، من این مفهوم را به انجیل به آن طور که توسط اعتقادات مذهبی و شیوه‌های دستور زبان قدیم تفسیر می‌شود، محدود کرده‌ام.

Canon/مجموعه کتب. این اصطلاح برای توصیف نوشته‌هایی که باور بر این است به صورت انحصاری تحت وحی نوشته شده‌اند، استفاده می‌شود. این اصطلاح در مورد هم عهد عتیق و هم عهد جدید استفاده می‌شود.

Christocentric/کریستوسنتریک. این اصطلاح برای توصیف مرکزیت و محوریت مسیح استفاده می‌شود. من از این اصطلاح در رابطه با مفهوم "عیسی سرور کل انجیل است"، استفاده می‌کنم. عهد عتیق به او اشاره می‌کند و او تحقق و هدفش است (مراجعه شود به متی ۵:۱۷ الی ۴۸).

Commentary/تفسیر. این یک نوع کتاب تخصصی در زمینه تحقیق است. یک زمینه کلی در مورد کتب انجیل ارائه می‌دهد. سپس تلاش می‌کند معانی هر بخش کتاب را توضیح دهد. برخی بر کاربرد تمرکز می‌کنند، در حالی که دیگران در ارتباط با متن به شیوه تخصصی‌تر هستند. این کتب مفید هستند، ولی فرد باید پس از اینکه خودش مطالعات اولیه‌ای را انجام داد، آنها را مطالعه کند. بدون انتقاد نباید تفسیر مفسرین را بی‌قید و شرط پذیرفت. معمولاً مطالعه و مقایسه چندین مفسر از چند دیدگاه مختلف مفید و کمک کننده است.

Concordance/تطابق. این یک نوع ابزار تحقیقاتی برای مطالعه انجیل است. تکرار هر کلمه را در عهد عتیق و عهد جدید فهرست می‌کند. به چندین شیوه کمک می‌کند: (۱) مشخص ساختن کلمه عبری یا یونانی که در پس هر کلمه انگلیسی خاص قرار دارد، (۲) مقایسه عبارتهایی که یک اصطلاح مشابه یونانی یا عبری استفاده شده است، (۳) نشان دادن جاهایی که دو کلمه عبری یا یونانی خاص به یک کلمه انگلیسی خاص ترجمه شده‌اند، مشخص کردن تناوب استفاده از کلماتی خاص در کتبی خاص یا نوشته‌های نویسنده‌ای خاص، (۵) کمک کردن در یافتن عبارت خاص در انجیل (مراجعه شود به *Walter Clark's How to Use New Testament Greek Study Aids*، صفحه ۵۴ الی ۵۵).

Dead Sea Scrolls/کتیبه بحر المیت. این اشاره به مجموعه متون باستانی نوشته شده به زبانهای عبری و آرامی دارد که در سال ۱۹۴۷ در نزدیکی بحر المیت پیدا شدند. آنها کتابخانه‌ای از یک فرقه یهودی قرن اول هستند. فشار رومیان اشغالگر و جنگهای متعصبانه دهه ۶۰ باعث شد کتیبه‌ها را در کوزه‌های در بسته داخل غارها و سوراخها پنهان کنند. آنها به ما کمک کرده‌اند تا شرایط تاریخی فلسطین قرن اول را درک کنیم و تأیید می‌کنند که متون مازراتی، حداقل تا اواخر دوران قبل از میلاد کاملاً دقیق هستند. این متون با اختصار DSS مشخص می‌گردند.

Deductive/استقرایی/قیاسی. این روش منطق یا استدلال از طریق اصول، از اصول کلی به کاربردهای خاص منتقل می‌شود. این استدلال مخالف استدلال استنتاجی است که روش علمی را با حرکت از جزئیات مشاهده شده به نتیجه کلی (نظریه‌ها) بازتاب می‌دهد.

Dialectical/مناظره‌ای. این روش استدلال است که به موجب آن، آنچه که متناقض یا متضاد به نظر می‌رسد در یک تنش با هم حضور دارند، به دنبال پاسخی یکپارچه است که شامل هر دو جنبه متضاد است. بسیاری از آموزه‌های کتاب مقدس دارای جفت دیالکتیکی هستند، اراده آزاد است. امنیت-استقامت؛ ایمان-کارها؛ تصمیم‌گیری-شاگردی؛ آزادی مسیحی-مسئولیت مسیحی.

Diaspora/دیاپسورا. این اصطلاح یونانی است که یهودیان فلسطینی برای توصیف یهودیان دیگر که در خارج از مرزهای جغرافیایی سرزمین موعود زندگی می‌کنند، استفاده می‌نمایند.

Dynamic equivalent/معادل پویا. این یک نظریه ترجمه کتاب مقدس است. ترجمه کتاب مقدس را می‌توان به عنوان یک متن پیوسته از مکاتبات "کلمه به کلمه" مشاهده کرد، که در هر عبارت، به ازای هر کلمه عبری یا یونانی باید یک کلمه انگلیسی ارائه شود، و در آن تنها اندیشه و تفکر ترجمه می‌شود کمتر به اصطلاحات اولیه یا عبارت توجه می‌شود. در میان این دو نظریه، "معادل پویا" است که تلاش می‌کند متن اصلی را به طور جدی در نظر بگیرد، اما آن را در قالب‌های اصطلاحی و اصطلاحات مدرن ترجمه می‌کند. بحث جالبی را در مورد نظرات مختلف برای ترجمه می‌توانید در *Fee and Stuart's How to Read the Bible For All Its Worth*, p. 35 and in Robert Bratcher's *Introduction to the TEV* مطالعه کنید.

Eclectic/منتخب. این اصطلاح در ارتباط با انتقاد متنی استفاده می‌شود. این اصطلاح اشاره به انتخاب یک متن از نسخ دستنویس مختلف یونانی است تا بتوان به متنی دست یافت که به بیان نگارنده اصلی نزدیک باشد. این اصطلاح دیدگاهی را که معتقد به اصل بودن هر یک از نسخ یونانی است، مردود می‌داند.

Eisegesis/تفسیر به رای. این مخالف تفسیر است. اگر تفسیر استخراج قصد نویسنده اصلی باشد، این اصطلاح به معنای "وارد کردن" یک ایده یا عقیده خارجی است.

Etymology/ریشه یابی. این یک جنبه از مطالعه کلمه است که تلاش می‌کند تا معنی اصلی کلمه را تعیین کند. از این ریشه به معنی، کاربردهای تخصصی به راحتی شناسایی می‌شوند. در تفسیر، ریشه شناسی تمرکز اصلی نیست، بلکه معنای معاصر و استفاده از یک کلمه است.

Exegesis/تفسیر. این اصطلاح فنی برای تفسیر یک متن خاص است. به معنی "استخراج کردن" (از متن) بوده و حاکی از این است که هدف ما درک هدف نویسنده اصلی به سبب شرایط تاریخی، زمینه ادبی، نحو و معنای معاصر است.

Genre/نوع. این یک اصطلاح فرانسوی است که انواع متفاوتی از ادبیات را نشان می‌دهد. محور اصطلاح عبارت است از تقسیم اشکال ادبی به دسته‌هایی است که ویژگیهای مشترک دارند: روایت تاریخی، شعر، ضرب المثلی، آخرزمانی و قانون.

Gnosticism/عرفان. بیشتر دانش ما در مورد این ملکوت از نوشته‌های عرفانی قرن دوم می‌آید. با این حال، ایده‌های ابتدایی در قرن اول (و قبل از آن) وجود داشت.

برخی از اصول ادعای والتاین و عرفان سرینتین قرن دوم عبارتند از: (۱) ماده و روح همسو باقی مانده‌اند (دوگانگی هستی‌شناختی). کالبد بد است، روح خوب است. خداوند، که روح است، نمی‌تواند مستقیماً با قالب‌زیری کالبد شیرین کاری داشته باشد؛ (۲) خلقت (اثون یا فرشتگان) بین خدا و ماده وجود دارد. آخرین و یا کمترین آن یهوه در عهد عتیق بود که جهان را تشکیل داد. (۳) عیسی مانند یهوه بود اما در مقیاس بالاتر، نزدیک به خدا واقعی است. بعضی او را به عنوان بالاترین می‌دانند، اما هنوز هم کمتر از خداوند است (انجیل یوحنا ۱:۱۴). از آنجا که ماده بد است، عیسی نمی‌تواند بدن انسان داشته باشد و در عین حال الهی هم باشد. او شبح معنوی بود (مراجعه شود به اول یوحنا ۱:۱ الی ۳:۱۴ الی ۶)؛ و (۴) رستگاری از طریق ایمان به عیسی به همراه دانش ویژه به دست می‌آید، که تنها توسط افراد خاص شناخته می‌شود. دانش (رمزها) برای گذر از حوزه‌های آسمانی مورد نیاز بود. قانونگرایی یهودی برای رسیدن به خدا لازم بود.

معلمان دروغین عرفانی از دو نظام مخالف اخلاقی حمایت می‌کردند: (۱) برای برخی، سبک زندگی به هیچ وجه به نجات منجر نمی‌شود. برای آنها، رستگاری و معنویت به دانش مخفی (کلمه عبور) از طریق فرشتگان محصور شدند. یا (۲) برای دیگران، شیوه زندگی برای نجات بسیار مهم بود. آنها تاکید کردند که شیوه زندگی زاهدانه در حکم سند معنویت واقعی است.

Hermeneutics/علم تفسیر. این یک اصطلاح فنی برای اصولی است که راهنمای تفسیر را ارائه می‌دهد. این هم مجموعه‌ای است از دستورالعمل‌های خاص و هنر/هدیه. علم تفسیر کتاب مقدس معمولاً به دو دسته تقسیم می‌شود: اصول کلی و اصول خاص. این مربوط به انواع مختلف ادبیات موجود در کتاب مقدس است. هر نوع مختلف (ژانر) دارای رهنمودهای منحصر به فرد خود می‌باشد، ولی همچنین برخی از مفروضات و روشهای تفسیر مشترک را نیز به اشتراک می‌گذارد.

Higher Criticism/انتقاد بالا. این روش تفسیر کتاب مقدس است که بر شرایط تاریخی و ساختار ادبی یک کتاب مقدس خاص متمرکز است.

Idiom/اصطلاح. این کلمه برای عباراتی که در فرهنگهای مختلف یافت می‌شوند، استفاده می‌گردد که مفهوم خاصی دارند و معنی لغوی بر آن حاکم نیست. برخی از نمونه‌های مدرن از این اصطلاحات عبارتند از: "که خیلی معرکه بود" یا "منو میکشی". کتاب مقدس همچنین شامل این نوع عبارات است.

Illumination/نورانی/چراغانی. این نام به مفهومی است که خدا با انسان صحبت کرده است. مفهوم کامل معمولاً با سه اصطلاح بیان می‌شود: (۱) وحی - خدا در تاریخ بشری کار کرده است؛ (۲) الهام بخش - او تفسیر مناسب از اعمال او و معنای آن دادن وحی و الهام به برخی از افراد منتخب است تا کلام خدا را برای انسان ثبت کنند؛ و (۳) روشنایی - او روح خود را برای کمک به بشر گمراه فرستاد تا به انسانها کمک کند و او را بشناسند.

Inductive/استنتاجی/القایی. این یک روش منطقی برای استدلال است که از جزء به کل می‌رسد. این روش تجربی علم مدرن بوده و اساساً رویکرد ارسطویی است.

Interlinear/خطی/سطری. یک نوع ابزار پژوهشی است که اجازه می‌دهد کسانی که یک زبان کتاب مقدس (یونانی/آرامی/عبری) را مطالعه نمی‌کنند، بتوانند معنی و ساختار آن را تجزیه و تحلیل کنند. این روش ترجمه انگلیسی کلمه به کلمه در زیر کلمات زبان اصلی کتاب مقدس قرار می‌دهد. این ابزار، همراه با "تحلیل لغوی"، به تعاریف اساسی عبری و یونانی شکل می‌داد.

Inspiration/وحی/الهام. این مفهومی است که خداوند با هدایت نویسندگان کتاب مقدس به بشریت سخن گفته است و به وضوح وحی او را ثبت کرده‌اند. مفهوم کامل معمولاً با سه اصطلاح بیان می‌شود: (۱) مکاشفه - خدا در تاریخ بشر کار کرده است؛ (۲) وحی - او تفسیر مناسب از اعمالش و معنای آن را به برخی از مردان منتخب جهت برای انسان داده است؛ و (۳) روشنایی - او روح خود را برای کمک به بشر در درک و افشای خود داده است.

Language of description/زبان توصیف. این در رابطه با اصطلاحاتی است که در عهد عتیق نوشته شده است. از دنیای ما در رابطه با مواردی صحبت می‌کند که در حواس پنجگانه ظاهر می‌شوند و یک توصیف علمی نیست.

Legalism/قانون پرستی. این نگرش با تاکید بیش از حد بر قوانین یا آیین‌ها مشخص می‌گردد. تمایل به این دارد که به عملکرد انسان بر مقررات به عنوان ابزار پذیرش خداوند تکیه کند. این نگرش تمایل بر این دارد که روابط را از بین ببرد و عملکرد را افزایش دهد، که هر دو جنبه مهمی از روابط میان خدای مقدس و انسان گناهکار است.

Literal/تحت الفظی/مفهومی. این نام دیگری برای روش تمرکز بر متن و روش تاریخی علم تفسیر انجیل از آنتیخوس است. به این معناست که تفسیر معنای عادی و آشکار زبان بشری را در بر می‌گیرد، البته هنوز زبان مجازی را به رسمیت می‌شناسد.

Literary genre/سبک ادبی. این به اشکال متمایزی که انسانها می‌تواند ارتباط برقرار کنند، مانند شعر یا روایت تاریخی، اشاره می‌کند. هر نوع ادبیات علاوه بر اصول کلی نوشته شده، دارای رویکرد خاص در علم تفسیر است.

Literary unit/واحد ادبی. این مفهوم به تقسیمات فکری مهم در کتاب مقدس اشاره دارد. این مفهوم را می‌توان از تشکیل چند آیه، پاراگراف یا فصل شکل داد.

Lower Criticism/انتقاد سطح پائین. موضوع خاص: انتقاد متنی را مطالعه کنید.

Manuscript/دستخط. این اصطلاح مربوط به نسخه‌های مختلف عهد جدید یونانی است. معمولاً آنها را به انواع مختلف تقسیم می‌کنند (۱) مواد که بر روی آن نوشته شده‌اند (پاپیروس، چرم)، یا (۲) شکل خود نوشتن (همه با حروف بزرگ و یا دستخط). این عبارت "MS" (منحصر به فرد) یا "MSS" (جمع) است.

Masoretic Text/متن مازروتی. به نسخ خطی عبری از عهد عتیق قرن نوزدهم اشاره دارد که طی چندین نسل توسط اساتید یهودی تهیه شده و حاوی حروف صدادار و دیگر نکات متنی هستند. این متن اصلی برای عهد عتیق انگلیسی ما است. متن آن به طور تاریخی توسط MSS عبری تایید شده، به ویژه اشعیا، از کتیبه دریای مرده. این اختصار این اصطلاح "MT" است.

Metonymy/کنایه. شکلی از بیان است که در آن از نام یک چیز برای نشان دادن چیز دیگری مرتبط با آن استفاده می‌شود. به عنوان مثال، "کتری جوش" در واقع "آب در داخل کتری جوش است".

Muratorian Fragments/قطعه موراتورین. فهرستی از کتابهای عهد جدید است که قبل از سال ۲۰۰ میلادی در رم نوشته شده بود. این همان بیست و هفت کتاب را به عنوان عهد جدید پروتستان معرفی کرده به وضوح نشان می‌دهد کلیساهای محلی در نقاط مختلف امپراتوری روم "عملاً" کانون را قبل از شورای بزرگ کلیسای قرن چهارم تشکیل داده بودند.

Natural revelation/مکاشفه طبیعی. این یک طبقه‌بندی از افشای خدا به انسان است. این شامل نظم طبیعی (رومیان ۱:۱۹ الی ۲۰) و آگاهی اخلاقی (رومیان ۲:۱۴ الی ۱۵) است. از آن در مزامیر ۱۹:۱ الی ۶ و رومیان ۱ الی ۲ توضیح داده شده است. این مشخصه از وحی ویژه است که خود افشاء خاص خدا در کتاب مقدس است و در عیسی ناصری متعالی است.

بر این طبقه‌بندی الهیاتی با جنبش "زمین قدیم" در میان دانشمندان مسیحی مجدداً تأکید شده (به عنوان مثال نوشته‌های Hugh Ross). آنها از این طبقه‌بندی استفاده می‌کنند تا ادعا کنند که همه حقیقت، حقیقت خدا است. طبیعت درها را برای دانش در مورد خدا باز نموده و آن را از وحی ویژه (کتاب مقدس) متمایز می‌کند. به علوم مدرن اجازه می‌دهد با آزادی نظم طبیعی را بررسی کند. به نظر من این یک فرصت فوق العاده جدید است تا به جهان مدرن علمی غربی شهادت داده شود.

Nestorianism/نستوریستی. نستوریوس پدرسالار قسطنطنیه در قرن پنجم بود. او در آنتیوخ سوریه آموزش دیده و تایید کرد که عیسی دارای دو طبیعت بود، یکی کاملاً انسان و یک فرد کاملاً الهی. این دیدگاه از دیدگاه طبقاتی اسکندریه از دیدگاه ارتدوکس منحرف شد. نگرانی اصلی Nestorius عنوان "مادر خدا" است که به مریم داده شده است. نستوریوس با سیریل اسکندریه مخالف بود و به طور ضمنی آموزش خود را در اسکندریه برگزار کرد. آنتیوخ ستاد رویکرد تاریخی-دستوری-متنی به تفسیر کتاب مقدس بود، در حالی که اسکندریه مقرر چهارم (تفسیری) مدرسه تفسیر بود. نستوریو در نهایت از مقام خود خلع و تبعید شد.

Original Author/نویسنده اصلی. این عبارت به نویسندگان اصلی کتب مقدس اشاره دارد.

Papyri/پاپیروس. این یکی از موادی است که از مصر بوده و بر روی آن می‌نوشتند. این ماده از نی کنار رودخانه‌ها ساخته می‌شد. این ماده‌ای است که قدیمی‌ترین نسخه‌های عهد جدید یونانی بر روی آن نوشته شده است.

Parallel passages/عبارتهای همسو. این قبیل عبارات بخشی از مفهومی هستند که تمام کتاب مقدس از جانب خدا داده شده و بنابراین، به نوبه خود بهترین مترجم از حقایق دوگانه است. این نیز هنگامی که یک نفر تلاش می‌کند بخشی که نامشخص یا مبهم است را بتواند تفسیر کند. همچنین به شما کمک می‌کند تا واضحترین بخش در مورد یک موضوع مشخص شده را درک و همچنین تمام جنبه‌های معنوی یک موضوع مشخص را بیابید.

Paraphrase/ترجمه/تفسیر/ترجمه آزاد. این نام یک نظریه در مورد ترجمه کتاب مقدس است. ترجمه کتاب مقدس را می‌توان به عنوان یک متن دنباله دار "کلمه به کلمه" از مکاتبات مشاهده کرد، جایی که باید به ازای هر واژه عبری یا یونانی یک کلمه انگلیسی، بدون توجه به اصطلاح اولیه یا اصطلاح ترجمه شده قرار گیرد. در میان این دو نظریه، "معادل پویا" است که تلاش می‌کند متن اصلی را جدی بگیرد، اما آن را با اصطلاحات مدرن دستور زبانی ترجمه می‌کند. بحث بسیار خوبی در مورد نظریه‌های مختلف ترجمه را می‌توانید در *Fee and Stuart's How to Read the Bible For All Its Worth* صفحه ۳۵ مطالعه کنید.

Paragraph/پاراگراف. این واحد ادبی تفسیر اصلی متن است. شامل یک موضوع اصلی و گسترش آن است. اگر ما مفهوم و قصد نویسنده را حفظ کنیم، چیزی از نیت اصلی نویسنده را، از دست نخواهیم داد.

Parochialism/پاروسالیسیسم. این مربوط به تعصباتی است که در یک محیط محلی فرهنگی بسته هستند. ماهیت فرامنطقی آن، حقیقت کتاب مقدس یا کاربرد آن را به رسمیت نمی‌شناسد.

Paradox/دوگانگی. به حقایقی اشاره دارد که به نظر می‌رسد متناقض هستند، هر چند در تنش با یکدیگرند، ولی هر دو درست می‌باشند. آنها حقیقت را با بیان اینکه اگر از طرف مقابل هستند، شکل می‌دهند. حقیقت کتاب مقدس در جاهای پارادوکسی (یا دیالکتیکی) ارائه شده است. حقایق کتاب مقدس همانند ستارگانی منفک هستند، اما یک کهکشان از ستارگان، از مجموعه ستارگان منفک تشکیل می‌شود.

Plato/افلاطون. او یکی از فیلسوفان یونان باستان بود. فلسفه او از طریق محققان اسکندریه، مصر و بعداً، آگوستین بر کلیسای اولیه تاثیر گذاشت. او بر این عقیده بود که همه چیز روی زمین، توهم است و فقط یک نسخه از یک نمونه اولیه معنوی است. به علاوه نظریه پردازان بعدها "شکلها/ایده‌های" افلاطون را با قلمرو روحانی برابر می‌کردند.

Presupposition/پیش فرض. این به درک پیشین ما از یک موضوع اشاره دارد. اغلب ما عقاید یا قضاوت‌های مربوط به مسائل را قبل از اینکه به کتاب مقدس مراجعه کنیم، تشکیل می‌دهیم. این حالت نیز به عنوان یک تعصب، یک موقعیت پیشین، یک فرض یا یک مقدمه شناخته شده است.

Proof-texting/اثبات متن. این تمرین تفسیر کتاب مقدس با نقل قول از یک آیه بدون در نظر گرفتن زمینه آنی و یا زمینه بزرگتر در واحد ادبی آن است. ارتباط آیات را از نیت نویسنده اصلی حذف می‌کند و معمولاً در تلاش است تا یک نظر شخصی را در هنگام تایید اقتدار کتاب مقدس بیان کند.

Rabbinical Judaism/یهودیت روحانی. این مرحله از زندگی یهودیان در تبعید بابلی آغاز شد (۵۸۶-۵۳۸ قبل از میلاد). همانطور که نفوذ کشیشان و معبد از بین رفت، کنیسه‌های محلی بر زندگی یهودی تمرکز کردند. این مراکز محلی فرهنگ یهودی، مذهبی، عبادت و مطالعه کتاب مقدس تبدیل به محور زندگی مذهبی ملی شده‌اند. در روزگار عیسی این "کاتبین مذهبی" با کشیشان همسو بود. پس از سقوط اورشلیم در سال ۷۰ میلادی، فرم کاتبین که تحت فرمانروایی فریسیان بود، بر زندگی مذهبی یهودیان کنترل و نظارت داشت. آن را با یک تفسیر عملی و قانونی از تورات می‌توان مشخص کرد که در سنت شفاهی (تالمود) توضیح داده شده است.

Revelation/افشا. این نام به مفهومی است که خدا با بشریت سخن گفته است. مفهوم کامل معمولاً با سه اصطلاح بیان می‌شود: (۱) مکاشفه - خدا در تاریخ بشر کار کرده است؛ (۲) وحی - او تفسیر مناسب از اعمالش و معنای آن را به برخی از مردان منتخب جهت برای انسان داده است؛ و (۳) روشنایی - او روح خود را برای کمک به بشر در درک و افشای خود داده است.

Semantic field/زمینه معنایی. این به کل محدوده معنایی مرتبط با یک کلمه اشاره دارد. این اساساً مفاهیم متفاوت یک کلمه در متون مختلف است.

Septuagint. این نام به ترجمه یونانی عهد عتیق عبری داده شده است. سنت می‌گوید که در هفتاد روز توسط هفتاد محقق یهودی برای کتابخانه اسکندریه مصر نوشته شده است. تاریخ سنتی حدود ۲۵۰ قبل از میلاد (در حقیقت احتمالاً بیش از صد سال طول کشید). این ترجمه قابل توجه است زیرا (۱) به ما یک متن باستانی را با مقیاس الهام بخش مقدس می‌دهد؛ (۲) به ما وضعیت تفسیر یهودیان در قرن سوم و دوم قبل از میلاد را نشان می‌دهد؛ (۳) به ما مفهوم مسیح یهودی را قبل از رد عیسی نشان می‌دهد. اختصار آن "LXX" است.

Sinaiticus. یک نسخه یونانی از قرن چهارم میلادی است. این توسط محقق آلمانی، Tischendorf، در صومعه سنت کاترین در جبل موسی، مکان سنتی کوه سینا یافت شد. این دستنوشته با اولین حرف الفبای عبری به نام "الف" [א] تعیین شده است. این شامل عهد قدیم و عهد جدید است. این یکی از قدیمی‌ترین MSSهای غیر رسمی ما است.

Spiritualizing/معنوی. این واژه مترادف با تمثیل است به این معنی که زمینه تاریخی و ادبی یک متن و تفسیر آن بر اساس معیارهای دیگر آن را حذف می‌کند.

Synonymous/مترادف. به اصطلاحات با معنای دقیق یا بسیار مشابه اشاره دارد (اگر چه در واقع دو کلمه هیچ یک همپوشانی معناشناسی کامل ندارند)، آنها خیلی نزدیک به هم هستند به طوری که می‌توانند جایگزین یکدیگر در یک جمله بدون از دست دادن معنی باشند. همچنین برای تعیین یکی

از سه شکل همسو در اشعار عبری استفاده می‌شود. به این معنا، به دو بیت شعر می‌گویند که یک حقیقت را بیان می‌کنند (مراجعه شود به مزامیر ۱۰۳:۳).

Syntax/نحو. این اصطلاح یونانی است که به ساختار جمله اشاره دارد. این مربوط به راه‌هایی است که بخش‌هایی از یک جمله برای ایجاد یک تفکر کامل ساخته می‌شوند.

Synthetical. این یکی از سه اصطلاحی است که مربوط به انواع اشعار عبری است. این اصطلاح از ابیات شعر می‌گوید که بر اساس یک معنی نوشته می‌شوند، گاهی اوقات "climatic" نامیده می‌شوند (ش. ۱۹: ۷-۹).

Systematic theology/الهیات سیستماتیک. این مرحله‌ای از تفسیر است که تلاش می‌کند تا حقایق کتاب مقدس را به شیوه‌ای متحدالشکل و منطقی مرتبط سازد. این یک رویکرد منطقی و نه صرفاً تاریخی از نظر الهیات مسیحی طبقه‌بندیها (خدا، انسان، گناه، نجات، و غیره) است.

Talmud/تلمود. این عنوان برای تدوین سنت شفاهی یهودی است. یهودیان معتقد بودند که او به موسی به در کوه سینا گفته است. در واقع، به نظر می‌رسد که این خرد جمعی معلمان یهودی طی این سالها باشد. دو نسخه مختلف نوشته شده از تلمود وجود دارند: نسخه بابلی که کوتاهتر است و نسخه ناتمام فلسطینی.

Textual criticism/انتقاد متنی. این علم مطالعه نسخ خطی کتاب مقدس است. انتقاد متنی ضروری است زیرا هیچ نسخه اصلی وجود ندارد و همه نسخه‌ها با یکدیگر تفاوت دارند. این تلاش برای توضیح تغییرات و رسیدن به (نزدیکترین حد ممکن) به اصطلاحات اصلی دستنویس عهد عتیق و جدید است. این اغلب "انتقاد کمتر" است.

Textus Receptus. این نام به نسخه Elzevir از عهد جدید یونانی در سال ۱۶۳۳ اطلاق شد. اساساً این یک نوع عهد جدید یونانی است که از چند نسخه خطی یونانی و نسخه‌های لاتین اراسموس (۱۵۱۰-۱۵۲۵)، استفانوس (۱۵۴۶-۱۵۵۹) و الزویر (۱۶۲۴-۱۶۷۸) تهیه شده است. در *An Introduction to the Textual Criticism of the New Testament*، ص. ۲۷، A. T. Robertson می‌گوید: "متن بی‌زانس عملاً Textus Receptus است." متن بی‌زانس کم ارزشترین نسخه از سه نوع نسخ خطی یونانی (غربی، اسکندریه و بی‌زانس) است. این شامل خطاهای انباشته شده طی قرن‌ها از متون دستکاری شده است. با این حال، A. T. Robertson همچنین می‌گوید: «Textus Receptus برای ما متن قابل ملاحظه دقیقی را حفظ کرده است» (ص ۲۱). این نسخه دستنویس یونانی (به خصوص نسخه سوم Erasmus 1522) نسخه مبنای انجیل شاه جیمز در سال ۱۶۱۱ میلادی را شکل می‌دهد.

Torah/تورات. این واژه عبری برای "آموزش" است. این عنوان رسمی برای نوشته‌های موسی بود (از پیدایش تا تثنیه). این بخش برای یهودیان، قدرتمندترین بخش است.

Typological/تایپوگرافی. این یک نوع تفسیر تخصصی است. معمولاً این امر شامل حقیقت عهد جدید است که در عبارات عهد عتیق با استفاده از علامتهای متشابه یافت می‌شود. این طبقه‌بندی از علم تفسیر انجیل یک عنصر اصلی از روش اسکندریه بود. به دلیل سوء استفاده از این روش تفسیر، باید استفاده از آن را به نمونه‌های خاصی که در عهد جدید وارد شده محدود کرد.

Vaticanus/واتیکانوس. این نسخه یونانی قرن چهارم است. این در کتابخانه واتیکان یافت می‌شود. در اصل شامل تمام عهدعتیق، Apocrypha و عهد جدید بود. با این حال، برخی از بخشها از بین رفته‌اند (پیدایش، مزامیر، عبرانیان، کشیشان، فیلیمون و مکاشفه). این یک نسخه خطی بسیار مفید در تعیین قالب‌بندی اصلی نسخ دستنویس است. این نسخه امتیاز "B" بزرگ دریافت کرده است.

Vulgate/والگیت. این نام لاتین کتاب مقدس جروم است. این نسخه تبدیل به نسخه مبنای "مشترک" برای کلیسای کاتولیک روم شد. در سال ۳۸۰ میلادی این کار صورت گرفت.

Wisdom literature/ادبیات عرفانی. این یک نوع ادبیات رایج در خاور نزدیک باستان (و جهان مدرن) بود. اساساً تلاشی بود به عنوان دستورالعملی برای راهنمایی نسل جدید جهت زندگی موفق از طریق شعر، تمثیل یا مقاله بود و بیشتر فرد را مورد خطاب قرار می‌داد تا جامعه. به تاریخ اشاره نداشت، اما بر تجربیات و مشاهدات زندگی استوار بود. در کتاب مقدس، وظیفه از طریق غزل غزلها حضور و پرستش بیهوده را پذیرفت، اما این دیدگاه مذهبی در هر تجربه انسانی در هر زمان صریح نیست.

به عنوان یک ژانر، حقیقت عمومی را بیان کرد. با این حال، از این ژانر/نوع نمی‌توان در هر وضعیت خاصی استفاده کرد. اینها اظهارات کلی هستند که همیشه برای هر وضعیت فردی قابل اعمال نیستند. این حکما شهادت این را داشتند تا سوالاتی سخت در مورد زندگی بپرسند. اغلب آنها دیدگاه‌های سنتی مذهبی (یعقوب، جامعه) را به چالش کشیدند. آنها تعادل و تنش را به پاسخ آسان در مورد تراژدی‌های زندگی می‌رسانند.

World picture and worldview/تصویر و جهان بینی جهانی. اینها اصطلاحات همراه هستند. آنها هر دو مفاهیم فلسفی مربوط به خلقت هستند. اصطلاح "تصویر جهان" به "چگونگی" خلقت اشاره می‌کند در حالی که "جهان‌بینی" مربوط به "چه کسی است". این اصطلاحات در ارتباط با تفسیری هستند که پیدایش ۱-۲ در درجه اول با چه کسی، نه چگونه، خلقت صورت گرفت، سر و کار دارد.

YHWH/یهوه. این نام خدا در عهد عتیق است. این نام در خروج ۱۴:۳ تعریف شده است. این شکل ظاهری اصطلاح عبری "بودن" است. یهودیان می‌ترسیدند این نام را بر زبان آورند مبادا نابجا به کار برند، بنابراین، اصطلاح عبری آدونایی، "ارباب" جایگزین کردند. به این دلیل است که پیمان در انگلیسی این چنین ترجمه می‌شود.

بیانیه عقیدتی

من به بیانیه ایمان یا عقاید اهمیت چندانی نمی‌دهم. ترجیح می‌دهم به خود کتاب مقدس اعتراف کنم. با این وجود، می‌دانم که بیانیه ایمان برای کسانی که مرا نمی‌شناسند راهی را فراهم می‌کند تا دیدگاه‌های اعتقادی مرا بسنجند. در روزگاری که سرشار است از فریب و خطاهای الهیاتی، من حاصل تحقیقاتم را در زمینه الهیات مسیح، در زیر به طور خلاصه تقدیم می‌کنم.

۱. کتاب مقدس، شامل عهدعتیق و عهدجدید هر دو کلام الهامی، لغزش‌ناپذیر، با اقتدار و جاودانی خدا هستند. این کتاب مکاشفه شخصی خدا می‌باشد که تحت هدایت روح به وسیله انسانها ثبت شده است. کتاب مقدس تنها منبع حقیقت روشن در مورد خدا و اهداف اوست. تنها منبع ایمان و عمل برای کلیسای او.

۲. تنها یک خدای ابدی، خالق و نجات دهنده وجود دارد. آفریننده همه چیزهای دیدنی و نادیدنی اوست. او خود را به صورت خدای محبت و توجه مکشوف کرده است با این حال منصف و عادل نیز هست. او خدا را در سه شخصیت متمایز مکشوف کرد: پدر، پسر و روح القدس، کاملاً مجزا و در عین حال دارای ذات واحد.

۳. خدا فعالانه بر جهان تسلط دارد. هم طرحی ابدی برای خلقتش دارد که تغییرناپذیر است و هم طرح فردی که اراده آزاد انسان را ممکن می‌سازد. بدون اذن و اطلاع خدا هیچ چیز اتفاق نمی‌افتد، با وجود این او به فرشتگان و انسانها امکان انتخابهای شخصی را می‌دهد. عیسی انسان برگزیده پدر بود و از طریق او همه بالقوه برگزیده هستند. دانش پیشاپیش خدا در مورد وقایع انسان را تا حد نسخه از پیش پیچیده شده تنزل نمی‌دهد. ما همه مسئول افکار و اندیشه‌های خود هستیم.

۴. گرچه انسان به سیمای خدا و عاری از گناه خلق شد، اما تصمیم گرفت بر ضد خدا طغیان کند. آدم و حوا حتی با آنکه توسط عاملی فوق طبیعی وسوسه شدند، اما به خاطر خودخواهی ارادیشان مسئولند. نافرمانی آنها بشر و خلقت را تحت اثر قرار داد. همه ما چه به لحاظ شریاطی که از آدم و حوا به ارث برده‌ایم و چه به خاطر نافرمانی شخصی و ارادیمان به رحمت و فیض خدا نیاز داریم.

۵. خدا برای بخشش و احیای انسان سقوط کرده راهی فراهم کرد. عیسی مسیح، پسر یگانه خدا، انسان شد، بدون گناه زیست و از طریق مردن به جای ما مجازات گناه انسان را پرداخت. او تنها راه احیاء و داشتن رابطه با خدا است. جز از طریق ایمان به کار تکمیل شده او راه دیگری برای رسیدن به نجات وجود ندارد.

۶. هر کدام از ما هدیه بخشش و احیای خدا در عیسی را باید شخصا دریافت کند. این به وسیله اعتماد ارادی به وعده‌های خدا از طریق عیسی و دوری ارادی از گناه شناخته شده محقق می‌شود.

۷. همه ما بر اساس ایمانمان به مسیح و توبه از گناه کاملاً بخشوده و احیاء می‌شویم. با وجود این، زندگی تغییر یافته و در حال ما گواه این رابطه تازه است. هدف خدا بری انسان این است که اکنون زندگی مسیحگونه داشته باشد، نه اینکه تنها روزی وارد بهشت شود. کسانی که واقعا نجات را دریافت کرده‌اند، با آنکه گاهی گناه می‌کنند، اما در طول عمر خود در ایمان و توبه ثابت قدم می‌مانند.

۸. روح القدس "عیسای دیگر" است. او در این جهان حاضر است تا گمشده را به سوی مسیح هدایت و چهره مسیحگونه را در نجات یافته آشکارتر نماید. شخص هنگام نجات، عطایای روح را دریافت می‌کند. این عطایا زندگی و خدمت عیسی هستند که بین بدنش یعنی کلیسا تقسیم شده‌اند. عطایا که اساسا روشها و انگیزه‌های عیسی هستند باید به وسیله ثمرات روح به حرکت درآیند. روح در عصر ما فعال است، همانطور که در ایام کتاب مقدس بود.

۹. پدر عیسی مسیح قیام یافته را داور همه چیز قرار داده است. او به زمین باز خواهد گشت تا انسانها را داوری کند. کسانی که به عیسی ایمان آورده‌اند و نامشان در دفتر حیات نوشته شده است، به هنگام بازگشت او بدنهای جلال یافته جاودانی دریافت خواهند کرد. آنها تا ابد با او خواهند بود. اما آنها که حقیقت خدا را نپذیرفته‌اند برای همیشه از شادی رفاقت با خدای تثلیث محروم خواهند شد.

۱۰. آنها به همراه شیطان و فرشتگانش محکوم خواهند شد.

مطمئناً مواردی که ذکر کردم کامل یا بی نقص نیستند اما امیدوارم در مورد الهیاتی که من به آن باور قلبی دارم به شما ایده‌ای بدهد. سخن زیر برای من جالب است:

"اتحاد - در ضروریات، آزادی - در مسایل حاشیه‌ای، محبت - در همه چیز"